

Comprehensive Dictionary Of Audiology

C

D

**Mansoureh Adel Ghahraman
Mahin Sedaei
Jamileh Fattahi
Ghassem Mohamadkhani**

A

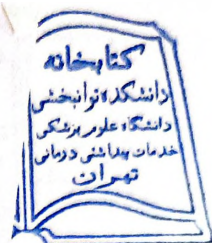


۴۴۳۱
۲۶۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فرهنگ جامع شنوایی شناسی



۱۳۷۹
۲۸۹۲
۱۴
۳۰
۱۳۱۱۳۱۳
۳۰

نویسندگان:

منصوره عادل قهرمان

مهین صدایی

جمیله فتاحی

قاسم محمد خانی

فرهنگ جامع شنوایی شناسی



01BF0000000008310

کتابخانه دانشکده توانبخشی

ناشر: دانش فریار

۱۳۸۵

فرهنگ جامع شنوایی شناسی / نویسندگان منصوره عادل قهرمان... (و دیگران). -- تهران: دانش فریار، ۱۳۸۵.
۵۶۴ ص.

ISBN 964-93761-6-X

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
منصوره عادل قهرمان، مهین صدایی، جمیله فتاحی، فاسم محمدخانی
نویسندگان کتاب حاضر هستند.
کتابنامه: ص. [۵۵۵] - ۵۵۶.

۱. شنوایی شناسی -- واژه‌نامه‌ها -- انگلیسی. ۲. شنوایی شناسی --
اصطلاحها و تعبیرها. الف. عادل قهرمان، منصوره.

۶۱۷ / ۸۰۰۳

RF ۲۹۰ / ف۴

کتابخانه ملی ایران

۸۵-۱۶۰۹۹ م

عنوان: فرهنگ جامع شنوایی شناسی

مؤلف: منصوره عادل قهرمان و همکاران

نوبت چاپ: اول (۱۳۸۵)

ناشر: دانش فریار

میدان رسالت - ابتدای خیابان شهید مدنی - پلاک ۱ - تلفن: ۷۷۳۵۷۲۹۲

حروفچینی، صفحه آرایی و طرح جلد: موسسه فرهنگی انتشاراتی نخل

چاپ و صحافی: نقش بهشت

لیتوگرافی: هست گرافیک

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قطع: رقعی

تعداد صفحات نهایی: ۵۶۴

قیمت: ۵۸۰۰ تومان

ISBN 964 - 93761 - 6 - X

شابک: X - 6 - 93761 - 964

کلیه حقوق این اثر برای نویسنده اول محفوظ است.

هر نوع استفاده، اجباری از این فرهنگ، اهم از بازنویسی، خلاصه سازی، ذراکس، ضبط کامپیوتری، فرهنگ الکترونیک، لوح فشرده، شبکه های
اطلاع و مسائل، انواع بزرگراه‌های اطلاع و زبان نظیر اینترنت، اینترنت و ... و هر نوع تکثیر دیگر کلاً و جزئاً بدون اجازه کتبی نویسنده اول ممنوع
و قابل تطبیق قانونی است.

تقدیم به پژوهشگران، استادان و جویندگان دانش
و تقدیم به پدران، مادران، همسران و فرزندانمان

تقدیم به شمس از جنابم

نون

درآمد

چندی است «شنوایی‌شناسی» در کشورمان از دوران نوپایی خود خارج گشته و به‌ویژه با ورود به حیطه پژوهش و تولید علم توسط همکاران و دانشجویان محترم دوران اعتلا و بالندگی خود را می‌پیماید. در سالیان اخیر، شاهد تألیف و ترجمه کتاب‌های متعددی در زمینه‌های مختلف شنوایی و تعادل بوده‌ایم. از آنجا که روزبه‌روز به تعداد واژگان مرتبط با شنوایی‌شناسی افزوده می‌شود، لزوم یکدست شدن معادل‌های مورد استفاده به‌شدت احساس می‌گردد. این امر کمیته پژوهشی گروه شنوایی‌شناسی دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی تهران را بر آن داشت با همکاری سایر گروه‌های شنوایی به تألیف فرهنگ جامع شنوایی‌شناسی اقدام نماید. این کار از سال ۱۳۷۷ به شکل گروهی آغاز گردید و به‌تدریج به نویسندگان اول محول شد. کلیه واژه‌ها، معادل‌ها و تعاریف توسط هر سه نویسنده دیگر مورد بازبینی و تأیید قرار گرفته‌اند. منابع اصلی برای انتخاب واژه‌ها Comprehensive Dictionary of Audiology (1997)، Terminology of Communication Disorders (2004)، نمایه موضوعی کتاب‌های Handbook of Clinical Audiology (2002) و Audiology (2000) Diagnosis بوده‌اند. از سایر منابع که در انتها ذکر شده‌اند برای معادل‌یابی،

راهنمای استفاده

واژه‌ها، اصطلاحات و اختصارات با حروف سیاه و به ترتیب حروف الفبای انگلیسی ردیف شده‌اند. در بسیاری موارد یک واژه اصلی و چندین واژه فرعی وجود دارد. برای مثال در زیر واژه اصلی audiometry واژه‌هایی مانند a. pure tone به چشم می‌خورد که به آنها واژه فرعی گفته می‌شود و منظور از a. همان audiometry است. از طرف دیگر برای پیدا کردن واژه‌های مرکب مثل evoked potential باید به زیرواژه اصلی potential مراجعه شود که در این گونه موارد با عبارت «به واژه potential مراجعه کنید» مشخص شده است. مترادف‌ها در پایان تعریف آمده‌اند و ارجاع‌ها به شکل «ر.ک.» به معنای رجوع کنید به، پس از مترادف‌ها قرار دارند. اختصارات با یک فلش به شکل کامل و غیراختصاری خود ارجاع داده شده‌اند. این نوع ارجاع، استفاده‌کنندگان را برای اطلاعات اضافی به واژه‌های مرتبط با هم راهنمایی می‌کند. اختصار pl. در کنار برخی واژه‌ها نشان‌دهنده شکل جمع آن واژه‌ها می‌باشد.

راهنمای استفاده

واژه‌ها، اصطلاحات و اختصارات با حروف سیاه و به ترتیب حروف الفبای انگلیسی ردیف شده‌اند. در بسیاری موارد یک واژه اصلی و چندین واژه فرعی وجود دارد. برای مثال در زیر واژه اصلی audiometry واژه‌هایی مانند a. pure tone به چشم می‌خورد که به آنها واژه فرعی گفته می‌شود و منظور از a. همان audiometry است. از طرف دیگر برای پیدا کردن واژه‌های مرکب مثل evoked potential باید به زیرواژه اصلی potential مراجعه شود که در این گونه موارد با عبارت «به واژه potential مراجعه کنید» مشخص شده است. مترادف‌ها در پایان تعریف آمده‌اند و ارجاع‌ها به شکل «ر.ک.» به معنای رجوع کنید به، پس از مترادف‌ها قرار دارند. اختصارات با یک فلش به شکل کامل و غیراختصاری خود ارجاع داده شده‌اند. این نوع ارجاع، استفاده‌کنندگان را برای اطلاعات اضافی به واژه‌های مرتبط با هم راهنمایی می‌کند. اختصار pl. در کنار برخی واژه‌ها نشان‌دهنده شکل جمع آن واژه‌ها می‌باشد.

A

A → ampere

A-weighted scale شبکه وزنی **A**
شبکه پالاینده صداسنج که برای برآورد
منحنی تراز بلندی در ۴۰ فون توزین شده
است. سطح دسی‌بل اندازه‌گیری شده با این
مقیاس معمولاً با dBA یا dB(A) نشان داده
می‌شود.

A1

جایگاه الکتروود روی نرمه گوش (A) چپ (1)
پر اساس نام‌گذاری نظام الکتروودگذاری
بین‌المللی ۱۰-۲۰ معمولاً برای قرار دادن
الکتروود معکوس در آزمایش پتانسیل برانگیخته
شنوایی استفاده می‌شود.

A2

جایگاه الکتروود روی نرمه گوش (A) راست (2)
پر اساس نام‌گذاری نظام الکتروودگذاری
بین‌المللی ۱۰-۲۰ معمولاً برای قرار دادن
الکتروود معکوس در آزمایش پتانسیل برانگیخته
شنوایی استفاده می‌شود.

AAA → American Academy of Audio-
logy

AAC → Augmentative and Alterna-
tive Communication

AAMD → American Association on
Mental Deficiency

AAO-HNS

AAO-HNS → American Association of Otolaryngology-Head and Neck Surgery

AAOHN → American Association of Occupational Health Nurses

AAOO → American Academy of Ophthalmology and Otolaryngology

AAP → American Academy of Pediatrics

AARP → American Association of Retired Persons

AAS → American Audiology Society

Abbreviated Profile of Hearing Aid Benefit (APHAB)

پرسشنامه تعیین میزان سودمندی سمعک پرسشنامه خودآزمایی که برای ارزیابی میزان سودمندی سمعک به کار می‌رود و شامل چهار مقیاس عدم پذیرش، نویز زمینه‌ای، سهولت ارتباط و بازآوایی است.

abducens nerve

به nerve مراجعه کنید.

abducens nucleus

به nucleus مراجعه کنید.

abduction

دور شدن
اصطلاح آناتومیکی به معنای دور شدن از خط وسط بدن یا از یکدیگر. متضاد adduction.

aberrant

منحرف، ناپجا
متفاوت از حالت هنجار.

ABESPA → American Board of Examiners in Speech-Language Pathology and Audiology

ABI¹ → auditory behavior index

ability

توانایی
قدرت حقیقی برای انجام عمل فیزیکی یا ذهنی پیش یا پس از آموزش.

abiotrophy

آبیوتروفی
مرگ زودرس یا استحاله بافتی.

ablation

برداشت از طریق برش
برداشت بخشی از بدن یا تخریب عملکرد آن از طریق جراحی.

ABLB → alternative binaural loudness balance

abnormal

ناهنجار، غیرطبیعی
دور شدن از استاندارد مورد قبول که معمولاً به شرایط بیماری اطلاق می‌گردد.

ABO → American Board of Otolaryngology

ABR → auditory brainstem response

Abruzzo-Erickson syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

abscess آپسه
تجمع محدود چرک در اثر عفونت موضعی بافت یا اندام.

subdural a. آپسه زیر سخت شامه ای
تجمع مایع چرکی بین سخت شامه و عنكبوتیه که ممکن است به دنبال اوتیت میانی مزمن رخ دهد.

abscissa محور x یا افقی نمودار
مانند محور فرکانس در نمودار شنوایی.

absolute bone conduction
به bone conduction مراجعه کنید.

absolute latency
به latency مراجعه کنید.

absolute pitch زیر و بمی مطلق
توانمندی نادر در تشخیص زیر و بمی نت. مترادف: perfect pitch.

absolute sensitivity حساسیت مطلق
توانایی دستگاه شنوایی در کشف صداهای ضعیف. مترادف: absolute threshold, ر.ک: differential sensitivity.

absolute threshold
به threshold مراجعه کنید.

absorption جذب
در علم صوت به کاهش شدت صدا توسط موادی که از بازتاب جلوگیری می نمایند اطلاق می گردد.

absorption coefficient ضریب جذب
نسبت انرژی صوتی جذب شده به وسیله سطح به انرژی صوتی بازتابیده از همان سطح.

absorption loss کاهش جذب
کاهش انتقال صدا که ناشی از تبدیل انرژی صوتی به صورت های دیگر انرژی است.

abstraction انتزاع، تجرید
۱. توانایی درک روابط و واکنش نشان دادن نسبت به اشیاء ملموس، مفاهیم و نمادها
۲. فرآیند انتخاب یا جداسازی جنبه خاصی از یک کل ملموس.

abstraction Ladder نردبان انتزاع
نظریه ای که معتقد است یادگیری از احساس (آگاهی از وجود محرک) منشأ می گیرد و در طی مراحل تشخیص، تصور نمادسازی و ادراک پیشرفت می کند. به طور مثال کودک صدایی می شنود (احساس)، تشخیص می دهد که صدا متعلق به یک حیوان است (تشخیص)، صدا را مجسم می کند تا حیوان بر مبنای تجربه های قبلی به شکل گوسفند تجسم یابد (تصور)، گوسفند را در خیال خود می بیند و به عنوان دام تداعی می کند (نمادسازی) و به اصوات سایر دامها تعمیم می دهد (ادراک). نمادسازی و ادراک غالباً برای افراد مبتلا به آسیب شنوایی یا ذهنی شدید دشوار است.

AC¹ → air conduction

AC² → alternative current

Academy of Dispensing Audiologist (ADA)

انجمن شنوایی شناسان توزیع کننده سمعک
تشکل شنوایی شناسان علاقه مند به توزیع
سمعک.

Academy of Rehabilitation Audiology (ARA)

انجمن شنوایی شناسی توان بخشی
انجمن شنوایی شناسان علاقه مند به حیطه
توان بخشی.

accelerated speech

به speech مراجعه کنید.

acceleration شتاب

میزان تغییر در تندی شی در حال حرکت.

acceptable risk

احتمال خطر قابل قبول

در مبحث تعیین معیارهای احتمال آسیب
هنگام مواجهه با نویز، به نسبتی از جمعیت
اطلاق می شود که احتمال بروز آسیب در آنها
وجود دارد.

accessory nerve

به nerve مراجعه کنید.

accessory auricle لاله گوش زاید

ناهنجاری مادرزادی صورتی - مجموعه ای که
ویژگی آن وجود لاله گوش زاید یا بافت اضافی
در لاله گوش است.

acclimatization, auditory

خوگیری شنوایی

تغییر نظام مند عملکرد شنوایی در طول زمان
به دلیل تغییر اطلاعات صوتی موجود. به طور
مثال گوش در پی استفاده از سمعک، به
صداهایی که بلندی آن افزایش یافته عادت
می کند.

accomodation سازگاری

ایجاد عقاید جدید و یا اصلاح و تعدیل عقاید
قدیمی که به تغییر رشد ساختارهای شناختی
منجر گردد.

accutane آکوتان

داروی اسید رتینوئیک که برای آکنه کیستی
تجویز می گردد و در صورت استفاده مادر در
طول بارداری ممکن است اثر ناقص کنندگی بر
دستگاه شنوایی جنین داشته باشد که به
کاهش شنوایی مادرزادی منجر می شود.

ACE → Award for Continuing Education**acetylcholine (Ach)** استیل کولین

واسطه شیمیایی - عصبی تحریکی که در
نواحی سیناپسی آزاد می شود و حرکت عضلات
و گیرنده های دستگاه عصبی را کنترل می نماید.

acetylsalicylic acid

اسید استیل سالیسیلیک

داروی مسکن و ضدالتهابی که مقادیر زیاد آن
ممکن است اثر سمی موقت روی گوش داشته
باشد. مترادف: aspirin.

- Ach** → acetylcholine
- achondroplasia** آکندروپلازی
 ۱. ناهنجاری در روند تبدیل غضروف به استخوان، ۲. اختلال اتوزومی غالب که نشانه‌های آن کوتاهی قد، اندام‌های کوتاه، سر بزرگ و بدشکلی گوش میانی و داخلی همراه با کاهش شنوایی است. مترادف: chondrodystrophia fetalis
- ACOEM** → American College of Occupational & Environmental Medicine
- acouesthesia** تیزشنوایی
 تیزی غیرمعمول شنوایی.
- acumeter** نام پیشین ادیومتر.
- acoupedics** روش اکوپدیک، روش تک‌حسی
 روش تربیت شنوایی که بر تحریک صوتی باقی‌مانده شنوایی بدون استفاده از آموزش بینایی تأکید دارد. مترادف: acoustic or auditory method
- acouphone** نام کلی اولیه سمعک الکترونیکی.
- acousmatagnosi a.** فقدان توانایی بازشناسی اصوات.
- acousmatamnesia** فقدان حافظه شنوایی
- acoustic** اکوستیک، صوتی
 مربوط به صدا و درک آن.
- acoustic admittance** هدایت ظاهری صوتی، ادمیتانس اکوستیکی
 جریان کلی انرژی در گوش میانی که برحسب $mhos$ بیان می‌شود. عکس impedance.
- acoustic analysis** تجزیه و تحلیل صوت
 مطالعه دقیق صدا در محیطی ویژه.
- acoustic compliance** نرمش صوتی، کامپلیانس اکوستیکی
 میزان سهولت جریان انرژی در گوش میانی که جزء اصلی رآکتانس در فرکانس‌های پایین محسوب می‌شود. عکس stiffness.
- acoustic conductance** رسانایی صوتی، کاندوکتانس اکوستیکی
 جریان انرژی در گوش میانی که با مقاومت همراه است. عکس resistance.
- acoustic coupling** جفت شدن صوتی
 ترتیب الحاق بخش‌های مختلف جهت انتقال امواج صدا.
- acoustic cue** نشانه صوتی
 صداهای گفتاری که شناسه‌های لازم را فراهم می‌آورند.
- acoustic damper** میراگر صوتی
 دریچه‌ای که مشخصات فرکانسی محرک صوتی را یکنواخت می‌نماید.

acoustic damping

acoustic damping میرایی صوتی
کاهش انرژی صوتی از طریق جذب.

acoustic dispersion پراکندگی صوتی
انتشار صوت یا تغییر سرعت آن.

acoustic feedback
به feedback مراجعه کنید.

acoustic gain به gain مراجعه کنید.

acoustic gain control = gain control

acoustic immittance ایمیتانس صوتی
اصطلاح کلی که دربرگیرنده نرمش (ادمیتانس) صوتی (جریان کلی انرژی) و امپدانس صوتی (مخالفت کلی در مقابل جریان انرژی) در گوش میانی است.

acoustic impedance امپدانس صوتی
مخالفت کلی در مقابل جریان انرژی صدا در گوش میانی. عکس admittance.

acoustic inertance
مانند صوتی، لختی صوتی
مانند یا لختی محیط واسطه صوتی یا تمایل آن محیط به باقی ماندن در حالت سکون یا تداوم یک جهت ثابت.

acoustic insulation عایق‌سازی صوتی
موادی که به منظور جذب امواج صوتی طراحی می‌شوند.

acoustic method

روش اکوستیکی، روش شنوایی
روش آموزش استفاده از سازوکار شنوایی با یا بدون تقویت صوت برای کاربرد بهینه باقی مانده شنوایی. در این روش‌ها بر مهارت‌های گوش دادن برای افتراق زیر و بمی، ریتم، لهجه و صرف اصوات که توسط انسان یا ادوات صداساز تولید می‌شود تأکید می‌شود.
مترادف: auditory or acoupedic method.

acoustic mho مو صوتی
واحد اندازه‌گیری کاندوکتانس جریان صوتی در محیط واسطه. عکس acoustic ohm.

acoustic muscle reflex
به reflex مراجعه کنید.

acoustic nerve به nerve مراجعه کنید.

acoustic neurilemoma; neurilemoma

نوریلیموم شنوایی
شوانوم حلزونی دهلیزی؛ نئوپلاسم خوش‌خیم کپسول‌دار سلول‌های شوان که از بخش درون مجموعه‌ای عصب هشتم منشأ می‌گیرد.
مترادف: acoustic neuroma, neurinoma,
acoustic tumor acoustic.

acoustic neurinoma = cochleo-vestibular Schwannoma

acoustic neuritis

التهاب عصب شنوایی، نوریت شنوایی
التهاب بخش شنوایی عصب هشتم مجموعه‌ای

acoustic neuroma (AN)

که غالباً ماهیت ویروسی دارد و سبب اختلالات cochlear neuritis. حاد و رء حلزونی می‌گردد. مترادف:

acoustic neuroma (AN)

نوروم شنوایی
اصطلاح کلی که به نئوپلاسم عصب هشتم
جمجمه‌ای که غالباً شوآنوم حلزونی - دهلیزی
است اطلاق می‌گردد. مترادف:

acoustic tumor

acoustic ohm اهم صوتی

واحد ارزیابی امپدانس صوتی که با ۱۰ دین بر
سانتی متر مربع برابر است و سرعت حجمی ۱
سانتی متر مکعب بر ثانیه را تولید می‌نماید.

acoustic output خروجی صوتی

صوتی که از دستگاه تقویت‌کننده خارج می‌شود.

acoustic phonetics

آواشناسی صوتی، آواشناسی فیزیکی
شاخه‌ای از علم آواشناسی که به مطالعه صوت و
درک شنوایی اصوات گفتاری اختصاص دارد.
مترادف: auditory phonetics.

acoustic radiation تشعشع صوتی

ایجاد صدای ناخواسته از ارتعاشگر استخوانی
به دلیل نشت صوتی یا تشعشع از محفظه
کوچک مبدل الکترومغناطیسی که می‌تواند
سبب ایجاد فاصله هوا-استخوان کاذب در
فرکانس‌های بالا به ویژه ۴ KHz در بیماری که
کاهش شنوایی انتقالی یا مجرای روی هم

acoustic reflex pattern

افتاده ندارد شود. علت آن پاسخ بیمار به
تشعشع صوتی از طریق راه هوایی در سطح
شدتی کمتر از آستانه حقیقی انتقال استخوانی
خود است.

acoustic reactance رآکتانس صوتی

مخالفت یا جریان انرژی در گوش میانی به
دلیل ذخیره انرژی.

acoustic reflex (AR)

به reflex مراجعه کنید.

acoustic reflex amplitude

به amplitude مراجعه کنید.

acoustic reflex decay

زوال رفلکس صوتی
کاهش دامنه رفلکس صوتی حین تحریک،
که اگر بیش از ۵۰٪ دامنه اولیه در طی ۱۰
ثانیه پس از شروع تحریک کاهش یابد
غیرطبیعی تلقی می‌گردد.

acoustic reflex latency

زمان نهفتگی رفلکس صوتی
فاصله زمانی بین ارائه محرک و کشف رفلکس
صوتی.

acoustic reflex pattern

الگوی رفلکس صوتی
الگوهی ارتباط میان آستانه‌های رفلکس
صوتی متقاطع و غیرمتقاطع در گوش‌های
راست و چپ که مبین ناهنجاری‌های بخش‌های
وایران، اوران و مرکزی قوس رفلکس هستند.

acoustic reflex threshold (ART)**acoustic reflex threshold (ART)**

به threshold مراجعه کنید.

acoustic resistance مقاومت صوتی

مخالفت در برابر جریان انرژی در گوش میانی
به دلیل اتلاف انرژی.

acoustic, room اکوستیک اتاق

تأثیر عوامل صوتی نظیر نسبت محرک به نویز، حفظ ابعاد زمانی اجزاء گفتاری حامل اطلاعات، فاصله گوینده تا شنونده تأثیر متقابل این عوامل بر درستی بازشناسی گفتار در اتاق، به ویژه کلاس.

acoustic spectrum طیف صوت

نمودار نشان دهنده دامنه و محتوای فرکانسی صدا.

acoustic stapedial reflex

به reflex مراجعه کنید.

acoustic stria, dorsal (DAS)

نوار شنوایی پشتی
دسته الیاف عصبی که از هسته حلزونی پشتی منشأ می‌گیرد و در نوار ریل خارجی دگرسویی و برجستگی‌های تحتانی سیناپس کرده مجموعه زیتونی فوقانی را دور می‌زند.

acoustic stria, Intermediate (IAS)

نوار شنوایی بینابینی
دسته اعصابی که الیاف آنها از هسته حلزونی شکمی خلفی آغاز شده و روی هسته‌های

acoustic treatment

پیش‌زیتونی همان‌سویی و دگرسویی و نوار ریل خارجی دگرسویی سیناپس می‌نماید.

acoustic stria, ventral

نوار شنوایی شکمی

دسته الیاف رده دوم که از هسته حلزونی قدامی خارج شده و به سمت جلو و داخل پیش می‌رود و الیافی را به زیتون فوقانی خارجی همان سو می‌فرستد و دسته‌ای از آن برای رسیدن به زیتون فوقانی داخلی و هسته داخلی جسم دوزنقه‌ای از خط وسط می‌گذرد. مترادف:

trapezoid body

acoustic striae نواری‌های شنوایی

دسته‌های الیاف رده دوم که از هسته حلزونی، نواری‌های شنوایی شکمی از AVCN، میانی از PVCN و پشتی از DCN، به سمت سطوح بالاتر ساقه مغز خارج می‌شوند.

acoustic susceptance

سوسپتانس صوتی

جریان انرژی در گوش میانی که با راکتانس صوتی همراه است. عکس reactance.

acoustic trauma ضربه صوتی

۱. آسیب شنوایی در اثر صدای بلند و گذرا،
۲. آسیب شنوایی به دلیل مواجهه با نویز به مدت طولانی.

acoustic treatment تدبیر صوتی

استفاده از مواد یا تغییرات ساختمانی برای تغییر دادن انتقال صوت در محیط ویژه.

acoustic tumor

acoustic tumor تومور عصب شنوایی
 نام کای نئوپلاسم عصب هشتم جمله‌ای که
 غالباً شوانوم دهلیزی حازونی است. مترادف:
 acoustic neuroma

acoustic venting منفذگذاری صوتی
 استفاده از منفذ برای کاهش بهره فرکانس‌های
 پایین در سمک‌هایی که پاسخ فرکانسی
 وسیعی دارند. مترادف:

acoustical tuning

acoustical صوتی، اکوستیکی

acoustical tuning = acoustic venting

acousticolateralis organs

اندام‌های خارجی شنوایی
 به طور کلی به اندام‌های خارجی (نسبت به
 خط میانی) تعادل و شنوایی اطلاق می‌گردد.

acousticopalpebral reflex

به reflex مراجعه کنید.

acousticovestibular شنوایی دهلیزی

مربوط به مجموعه اندام‌های انتهایی دهلیزی
 و حلزونی.

acousticovestibular ganglia

عقد‌های شنوایی دهلیزی

جوانه عقد‌های دهلیزی و شنوایی در جنین.

acoustics مطالعه و علم صدا و درک آن.

acrofacial dysostosis**earmold a.** اکوستیک قالب

تأثیر ابعاد قالب (مانند طول، قطر مجرا) بر
 محتوای طیف صدایی که بر پرده صماخ
 می‌رسد.

acquired اکتسابی

ابتلا بعد از تولد. متضاد: congenital.

acquired hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

acquired immunodeficiency syndrome (AIDS)

به syndrome مراجعه کنید.

acquired syphilis

به syphilis مراجعه کنید.

acrocephalosyndactyly, Type I

سندرمی مادرزادی که با سر قله‌ای، انگشتان
 به هم چسبیده، پایین قرار گرفتن گوش‌ها،
 اوتیت میانی، ثابت‌شدگی رکابی و کاهش
 شنوایی انتقالی مشخص می‌شود. مترادف:

Apert syndrome

acrodysostosis

سندرم اختلال تکامل استخوان همراه با
 اوتیت میانی عودکننده و کم‌شنوایی انتقالی.

acrofacial dysostosis

سندرم اختلال تکامل استخوان‌های فک
 تحتانی و صورت یا سندرم ترچرکولینز که با

actin

فقدان انگشت شست و غالباً ناهنجاری‌های گوش و صورت مشابه با ترچرکولینز همراه است. مترادف: Nager syndrome.

actin

اکتین

ترکیب پروتئینی که سبب سختی موهایی حسی (استریوسیلیا) سلول‌های مویی حلزون می‌شود.

action potential (AP)

به potential مراجعه کنید.

active bilingualism

دوزبانگی فعال

صحبت کردن، خواندن و درک دو زبان و استفاده از هر دو.

active electrode

به electrode مراجعه کنید.

active filter

به filter مراجعه کنید.

active noise-reduction hearing protection device

وسیله محافظ شنوایی با کاهش فعال نویز وسیله‌ای که با استفاده از روش پردازش دیجیتال محرک، نویز را از بین می‌برد. در این وسیله از آرایه یا میکروفن جهت‌دار استفاده نمی‌شود و به‌طور کلی شامل میکروفن، کنترل بازخورد، تقویت‌کننده، پالایه و بلندگو است. میکروفن محرک مورد نظر را در یک محفظه بسته نظیر گوش خارجی دریافت می‌کند و به پالایه انطباقی که پارامترهای آن هماهنگ با

acute circumscribed external otitis

تغییر مشخصات نویز تعدیل می‌شود ارسال می‌نماید، در پالایه، نویز در فاز مخالف قرار می‌گیرد. خروجی پردازش شده پالایه از طریق بلندگو به همان محفظه بسته برگردانده می‌شود تا با باقی‌مانده نویز به‌طور اکوستیکی جمع شود. نتیجه آن ایجاد «منطقه سکوت» در آن محفظه است. ر.ک: hearing protection device.

active tone control

کنترل‌کننده فعال زیر و بمی

پتانسیومتری در سمعک که برای تغییر پاسخ فرکانسی به کار می‌رود.

acuity

حدت

۱. تیزی یا ویژگی یک حس، ۲. در شنوایی به حساسیت افتراقی نسبت به بلندی و زیر و بمی اطلاق می‌گردد، ۳. غالباً به اشتباه برای تعریف آستانه مطاق حساسیت شنوایی به کار می‌رود.

temporal a.

حدت زمانی

توانایی تشخیص یا جدا کردن فواصل زمانی کوچک یا ترتیب رخداد محرک‌ها.

acusis

شنوایی، حس شنوایی

acute

حاد

آغاز ناگهانی و تداوم کوتاه، متضاد: chronic.

acute circumscribed external otitis

التهاب حاد و محدود گوش خارجی ضایعه کورکی قرمز که فولیکول مو را در بر

می‌گیرد و معمولاً از عفونت استافیلوکوکوسی در هوای گرم و مرطوب ناشی می‌شود. مترادف: furunculosis

acute diffuse external otitis

التهاب حاد و منتشر گوش خارجی ضایعه التهابی، منتشر و مترشحه پوست مجرای خارجی گوش که از عفونت باکتری‌های گرم منفی در هوای گرم و مرطوب ناشی می‌شود و غالباً به دنبال شنا آغاز می‌گردد. اصطلاح عامیانه: swimmer's ear.

acute labyrinthitis

به labyrinthitis مراجعه کنید.

acute mastoiditis

التهاب حاد ماستوئید التهاب ماستوئید متعاقب اوتیت میانی چرکی حاد. عفونت گوش میانی می‌تواند به لایبرنتیت چرکی حاد، فلج عصب صورتی، مننژیت و آبسه مغزی منجر شود.

acute myringitis

التهاب حاد پرده صماخ التهاب کوتاه‌مدت پرده صماخ که معمولاً با عفونت گوش میانی یا مجرای شنوایی خارجی همراه است. مترادف acute tympanitis.

acute otitis media (AOM)

به otitis media مراجعه کنید.

acute serous otitis media

به otitis media مراجعه کنید.

acute suppurative labyrinthitis

به labyrinthitis مراجعه کنید.

acute tympanitis

التهاب حاد پرده صماخ التهاب کوتاه‌مدت پرده صماخ. مترادف:

acute myringitis

acute vermis syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

AD → auris dextra

ADA¹ → Academy of Dispension Audiologists

ADA² → American with Disabilities Act

سازش، تطابق
۱. خاصیتی در گیرنده‌های حسی که سبب می‌شود نسبت به محرک‌های تکرارشونده یا مداوم پاسخ کمتری داشته باشند، ۲. تطبیق یافتن دستگاه شنوایی با تغییرات صوتی محیط مانند استفاده از سمعک.

تطبیق شنوایی
رویکردی که سبب می‌شود صدایی ثابت و قابل شنیدن بعد از مدتی شنیده نشود. مترادف: tone decay.

رابط قالب
قطعه‌ای است که لوله را به قالب متصل می‌نماید

adaptive compression

و امکان استفاده از قالب‌های استاندارد دارای حلقه را برای سمک‌های پشت‌گوشی فراهم می‌آورد. این قطعه در اندازه‌های کوچک و بزرگ موجود است. برخی از اقسام آن می‌توانند بر پاسخ فرکانسی تأثیر گذارند.

adaptive compression

به compression مراجعه کنید.

adaptive frequency response (AFR)

پاسخ فرکانسی انطباقی
نوعی عملکرد در سمک که پاسخ فرکانسی را با تغییر سطح ورودی تغییر می‌دهد.

adaptive high-frequency filter

به filter مراجعه کنید.

adaptive low-frequency filter

به filter مراجعه کنید.

adaptive noise canceler (ANC)

کاهنده انطباقی نویز
ابزاری با چندین میکروفن که نویز زمینه را با تغییر توانایی جهت‌داری میکروفن سمک به طور انطباقی کاهش می‌دهد.

adaptive procedure

شیوه انطباقی
روش سایکوفیزیکی که برخی پارامترهای محرک بر مبنای پاسخ فرد به طور خودکار تغییر می‌کند.

adaptive signal processing (ASP)

= automatic signal processing

ADC → analog to digital conversion

ADD → attention deficit disorder

adduction نزدیک شدن
نزدیک شدن به خط وسط بدن یا به یکدیگر.
متضاد: abduction.

adenoid آدنوئید

۱. غده‌مانند، شبیه غده
۲. رشد بیش از حد بافت آدنوئید (لوزه حلقی)
در دیواره خلفی حلق بینی.

adenoidectomy آدنوئیدکتومی

برداشتن لوزه حلقی از طریق جراحی.

adenoma آدنوم، تومور غده مترشحه
نئوپلاسم معمولاً خوش‌خیم بافت پوششی که سلول‌های توموری آن از ساختمان‌های غده‌مانند منشأ می‌گیرد.

adenosine triphosphate (ATP)

تری فسفات آدنوزین
ماده نوروشیمیایی که از توار عروقی ترشح می‌شود و نوکلئوتیدی است که در سوخت و ساز انرژی دخالت دارد و برای ساخت RNA لازم است. انرژی آزاد شده از هیدرولیز ATP صرف واکنش‌های متابولیک، انتقال ملکول در خلاف گرادیان غلظت و تولید حرکت مکانیکی می‌شود.

ADHD → attention deficit hyper-
activity disorder

adhesions چسبندگی
الیاف ملتهب بافت جدید که قسمت‌های
مختلف را به‌طور غیرطبیعی به یکدیگر متصل
می‌کند.

adhesive otitis media

به واژه otitis media مراجعه کنید.

aditus دهانه
منفذی در محفظه گوش میانی که فرورفتگی
اپی‌تمپانیک را به غار ماستوئید متصل می‌نماید.

aditus ad antrum دهانه غار
منفذی در دیواره خلفی فرورفتگی اپی‌تمپانیک
که محفظه صماخی را به غار صماخی مرتبط
می‌کند.

adjustment, method of روش تطبیق
روش سایکوفیزیک برای تعیین آستانه مطلق
یا افتراقی. در این روش آزمایشگر تغییرات
لازم برای ارزیابی آستانه را کنترل می‌کند.

adjustable venting

منفذگذاری تغییرپذیر
امکان تغییر قطر منفذ به هنگام تطبیق و
تنظیم سمعک.

administrative noise control

کنترل اداری نویز
کاهش مواجهه با نویز با محدود ساختن زمان
مواجهه کارکنان. ر.ک:

engineering noise control

admittance هدایت ظاهری، ادمیتانس
جریان کلی انرژی درون دستگاه که بر حسب
مو بیان می‌شود. عکس impedance.

adult-onset auditory deprivation

محرومیت شنوایی در بزرگسالی
کاهش محسوس توانایی بازشناسی واژه که
بعد از یک دوره تحریک نامتقارن، در گوش
بدون سمعک بزرگسالان که سمعک یک‌گوشی
دارند ایجاد می‌شود. مترادف:

late-onset auditory deprivation

advantage, binaural

مزیت دوگوشی
تأثیر بهتر استفاده از دو گوش نسبت به یک
گوش که شامل بهتر شدن آستانه و بهبود
شنوایی در حضور نویز زمینه است.

advantage, right-ear

برتری گوش راست
بهتر بودن پاسخ گوش راست در ارزیابی درک
گفتار نسبت به گوش چپ که معمولاً در بیشتر
افراد دیده می‌شود.

adventitious عارضی، ارثی، اکتسابی

adventitious hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

AEF → auditory evoked field

AEP → auditory evoked potential

AER → auditory evoked response

AERA → averaged evoked response audiometry

aerate هوا دادن
در معرض هوا قرار دادن.

aerotitis media آنروتیت میانی
اختلال التهابی و ضربه‌ای گوش میانی که از تغییرات ناگهانی فشار هوا در فضاهاى تهویه استخوان گیجگاهی، هنگام فرود از ارتفاع زیاد یا بالا آمدن از عمق زیاد آب ناشی می‌شود.
 مترادف: otitic barotrauma.

afferent آوران
مربوط به انتقال از راه‌های دستگاه عصبی که از بخش‌های محیطی به مرکزی صعود می‌کنند.
متضاد: efferent.

afferent feedback
به feedback مراجعه کنید.

AFR → adaptive frequency response

AFT-R → auditory fusion threshold test-revised

afterhearing پس شنوایی، پس صدا

aftersound پس صدا
درک صدا بعد از قطع محرک.

AGC → automatic gain control

AGC-I → automatic gain control-input

AGC-O → automatic gain control-output

age سن
دوران عمر یک شخص یا شیء.

chronologic a. (CA) سن تقویمی
سن فرد از زمان تولد.

developmental a. سن رشدی
سنی که در آن کودک مهارت‌های ویژه‌ای را کسب می‌کند.

educational a. (EA) سن آموزشی
سن معادل سطح کلاس دانش‌آموز که بر اساس آزمون‌های پیشرفت تحصیلی استاندارد شده است.

gestational a. سن بارداری
سن از زمان لقاح که بر حسب هفته و روز از اولین روز آخرین دوره طبیعی قاعدگی محاسبه می‌شود.

mental a. (MA) سن عقلی
سن هوشی که بر اساس آزمون‌های استاندارد شده ارزیابی می‌گردد.

agelism سن‌گرایی
ایذاء یا تبعیض بر مبنای سالخوردگی.

agenesis فقدان رشد، آژنزی
فقدان ساختمانی در بدن به دلیل نقص شکل‌گیری یا رشد ناقص.

ageotropic nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

aggregation برآمدگی

زایده جنینی که نورون‌های جوان در آن تجمع یافته‌اند و به هسته‌های شنوایی خاص تبدیل خواهد شد.

agnosia

ادراک‌پریشی، فقدان حس، آگنوزی
فقدان توانایی حسی-درکی برای بازشناسی محرک.

auditory a. فقدان حس شنوایی

آسیب به توانایی بازشناسی گفتار یا دیگر اصوات به دلیل اختلال قشر شنوایی.

auditory verbal a.

فقدان حس کلامی شنوایی
ناتوانی در بازشناسی زبان گفتاری به دلیل اختلال دستگاه عصبی مرکزی.

agoraphobia گذر هراسی

ترس مرضی از فضاها یا باز.

AI → articulation index or audibility index

AICA → anterior inferior cerebellar artery

aided با سمعک
بهره‌مندی از سمعک، بهره‌وری یا بهره‌گیری از سمعک.

aided threshold

به threshold مراجعه کنید.

AIDS → acquired immunodeficiency syndrome

AIDS-related hearing impairment

آسیب شنوایی مرتبط با ایدز
اختلال شنوایی در فرد مبتلا به ایدز به دلیل بروز بیماری‌های عفونی فرصت‌طلب در گوش میانی، ماستوئید و لایرننت و نیز ساختمان‌های دستگاه عصبی مرکزی و محیطی شنوایی.

air-blade sound سایشی‌گسترده

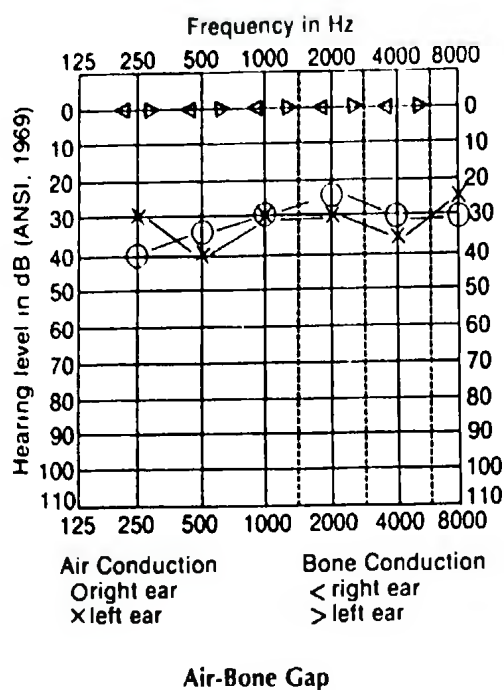
صوت اصطکاکی که از طریق مدخل عریضی که از بعد عمودی باریک است منتشر می‌شود.

air-bone gap

فاصله آستانه هوایی و استخوانی، فاصله هوا-استخوان

اختلاف آستانه‌های شنوایی انتقال هوایی و انتقال استخوانی بر حسب دسی‌بل در فرکانس معین در یک گوش که برای توصیف مقدار کاهش شنوایی انتقالی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

air cells سلول‌های هوایی
فضاهای حاوی هوا در استخوان.



mastoid a. c.

سلول‌های هوایی ماستوئید
فضاهای حاوی هوا در سراسر ماستوئید که از
نظر تعداد و شکل بسیار متغیرند.

air conduction (AC) انتقال هوایی
انتقال صوتی که از طریق هوا به گوش خارجی،
میانی و داخلی می‌رسد. متضاد:
bone conduction

air conduction hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

air conduction receiver

گوش مینیاتوری (رسیور) انتقال هوایی
وسیله‌ای که محرک‌های الکتریکی تقویت شده
را از مدار سمعک دریافت می‌کند و به امواج
صوتی که پرده گوش را مرتعش می‌کنند
تبدیل می‌نماید.

air conduction threshold

به threshold مراجعه کنید.

air-dielectric microphone

به microphone مراجعه کنید.

air leak

نشست هوا

وسایل حفاظت شنوایی باید کاملاً به مجرای
گوش یا ناحیه دور لاله گوش بچسبند تا از
نشست هوا جلوگیری شود. نشست هوا بسته به نوع
وسیله محافظ شنوایی و میزان نشست می‌تواند
۵ تا ۱۵ دسی‌بل از اثر کاهندگی در محدوده
فرکانسی وسیعی کم کند که معمولاً در
فرکانس‌های پایین چشمگیرتر است.

Albers-Schonberg disease

بیماری آلبرز-شونبرگ
[H. E. Albers-Schönberg، متخصص
پرتونگاری آلمانی، ۱۹۲۱-۱۸۶۵] اختلال
اتوزومی مغلوب جمجمه‌ای-صورتی و استخوانی
که نشانه آن استخوان‌های شکننده است و
ممکن است گسیختگی زنجیره استخوانی و
کاهش شنوایی حسی عصبی پیشرونده نیز
وجود داشته باشد. مترادف: osteopetrosis.

Albinism syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

Albrecht syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

alcoholic nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

ALD → assistive listening device

alerting devices وسایل هشداردهنده
وسایل کمکی مانند زنگ در، ساعت شماطه دار،
دودیاب، تلفن و غیره که به جای صدا از علائم
نوری یا ارتعاشی برای آگاه ساختن افراد ناشنوا
استفاده می‌کنند.

alexia, auditory ناخوانی شنوایی
اختلالی که مشخصه آن وجود مشکل در درک
شباهت‌ها و تفاوت‌های صداها است.

algorithm الگوریتم
راهکاری نظام‌دار یا مجموعه آموزش‌هایی که
برای نیل به هدفی یا اجرای عملی خاص مورد
استفاده قرار می‌گیرد.

aliasing ۱. هم‌اثر
اعوجاجی است که در روند تبدیل آنالوگ (قیاسی)
به دیجیتال (رقمی) هنگامی که فرکانس محرک
نمونه‌گیری شده از $\frac{1}{2}$ میزان نمونه‌گیری تجاوز
نماید رخ می‌دهد.
۲. دگرنام.

allogenic دگرزاد
مربوط به بافتی از فردی دیگر از همان گونه.

allogenic middle ear implant

کاشت دگرزاد گوش میانی
بافتی مانند پرده صماخ و استخوانچه‌ها که از
افراد دیگر در جراحی بازسازی گوش میانی
مورد استفاده قرار می‌گیرد.

alloplastic آلوپلاستیک
مربوط به مواد بی‌اثر که برای کاشت درون
بافت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

alloplastic middle ear implant

کاشت آلوپلاستیک گوش میانی
پروتز استخوانچه که از مواد بی‌اثر مانند
سرامیک یا پلاستیک ساخته شده و در جراحی
بازسازی گوش میانی مورد استفاده قرار
می‌گیرد.

alpha rhythm or waves

ریتم یا امواج آلفا
امواج پایه EEG از ۸ تا ۱۳ هرتز.

alphabet, manual الفبای دستی
وضعیت انگشتان و حرکات دست که در هجی
کردن یا انگشت برای نشان دادن حروف الفبا
مورد استفاده قرار می‌گیرد.

alphabet, phonetic الفبای آوایی
علائم الفبایی برای نشان دادن اصوات
گفتاری.

Alport syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

ALR → auditory late response

Alstrom syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

alternate binaural loudness balance test (ABLB)

آزمایش موازنه بلندی متناوب دوگوشی
آزمون شنوایی که برای اندازه گیری رشد بلندی
یا بسیج سلولی (رکروتمنت) در گوش آسیب دیده
بیمار مبتلا به کاهش شنوایی یک طرفه به کار
می رود.

alternate monaural loudness balance test (AMLB)

آزمایش موازنه بلندی متناوب یکگوشی
آزمایش شنوایی که برای ارزیابی رشد بلندی
یا بسیج سلولی (رکروتمنت) گوش که دارای
حساسیت شنوایی طبیعی در برخی فرکانس ها
و کم شنوایی حسی عصبی در فرکانس دیگر
است ساخته شده است.

alternating current (AC)

جریان متناوب
جریان الکتریکی که مقدار یا جهت آن به طور
تناوبی تغییر می کند.

alternating polarity قطبیت متناوب
مشخصه محرک های پتانسیل برانگیخته
شنوایی که در آن قطبیت انبساطی و تراکمی
کلیک یا صوت انفجاری پی در پی تغییر
می کند.

alternating pulse پالس متناوب

alternative communication = augmentative and alternative communication

Alzheimer's disease بیماری آلزایمر

[A. Alzheimer، متخصص مغز و اعصاب
آلمانی، ۱۸۶۴-۱۹۱۵]. دمانس پیش از پیری
که معمولاً اواسط یا اواخر عمر آغاز می شود و
نشانه های آن در ابتدا نقص های حقیقی در
حافظه و رفتار، تخریب پیشرونده ذهن یا
مشخصات گیجی، سردرگمی، فقدان حس،
اختلالات گفتاری و عدم توانایی انجام حرکات
هدفدار است. در این بیماری تخریب عصبی
پیشرونده و آتروفی مغزی دیده می شود و در
طی ۵ تا ۱۰ سال منجر به مرگ می گردد.

AM → amplitude modulation

AMA → American Medical Association

ambient محیط، اطراف

ambient noise به noise مراجعه کنید.

ambilaterality دوسوتوانی

عدم برتری بارز در ساختمان هایی که معمولاً
برتری یکطرفه دارند.

amblyacousia

گنگی شنوایی، تنبلی شنوایی
احساس مبهم بودن یا گنگی شنوایی؛ کاهش
حساسیت شنوایی

ameliorate

ساختن
بهتر ساختن یا شدن؛ بهبود یافتن.

جدول نشانه‌های رفتار ارتباطی در مراحل اولیه، میانی و پایانی بیماری آلزایمر

مرحله	واج‌شناسی	دستور زبان	واژه‌ها / محتوا	کاربرد
اول	سالم	معمولاً صحیح	حذف کلمات معنی‌دار، کاهش واژگانی، شکایت از مشکل فکر کردن به کلمات	احتمال مشکل در درک شوخی یا کنایه
میانی	سالم	ناقص شدن برخی جملات (بریده بریده) و مشکل درک جملات پیچیده	مشکل فکر کردن به کلمات هم‌خانواده، اختلال در نامگذاری، تکیه بر اعمال خودکار	به ندرت اشتباه را تصحیح می‌کند، عدم توجه به طرف مکالمه
آخر	معمولاً سالم، گاه پارافازی واجی (واج را در کلمه اشتباه می‌کند)	جملات بریده و انحرافات گفتاری، عدم درک اشکال دستوری	اختلال شدید در نامگذاری، گفته‌های نامفهوم، آشفتگی در محتوای گفتار	عدم توانایی تفکر مرتبط و متوالی، تکرار نامناسب گفته‌ها

جراحی سر و گردن آمریکا تقسیم شده است.

amelioration

بهبودی

فرآیند بهتر شدن یا بهتر ساختن.

American Academy of Otolaryngology-Head and Neck Surgery (AAO-HNS)

انجمن گوش، گلو و بینی و جراحی سر و گردن آمریکا

انجمن تخصصی متخصصان گوش، گلو و بینی.

American Academy of Audiology

فرهنگستان شنوایی‌شناسی آمریکا (AAA)

انجمن تخصصی شنوایی‌شناسان که در ۱۹۸۸ تأسیس شد.

American Academy of Ophthalmology and Otolaryngology (AAOO)

فرهنگستان متخصصان چشم‌پزشکی و گوش و گلو و بینی آمریکا

انجمن تخصصی سابق که به دو انجمن چشم‌پزشکی و فرهنگستان گوش، گلو و بینی و

American Academy of Pediatrics (AAP)

انجمن متخصصان کودکان آمریکا. تشکل تخصصی متخصصان کودکان آمریکا.

American Association of Retired**American Association of Retired Person (AARP)**

انجمن بازنشستگان آمریکا
سازمان حمایتی افراد بالای ۵۵ سال.

American Association on Mental Deficiency (AAMD)

انجمن تخصصی ناتوانی ذهنی آمریکا
سازمانی متشکل از متخصصان رشته‌های
مختلف که به عقب‌ماندگان ذهنی خدمات
ارائه می‌نماید.

American Auditory Society (AAS)

جامعه شنوایی آمریکا
انجمنی متشکل از متخصصان گوش، گلو و
بینی، علوم و صنایع شنوایی؛ قبلاً
American Audiology Society نامیده می‌شد.

American Board of Examiners in Speech Pathology and Audiology (ABESPA)

هیأت آزمونگران آسیب‌شناسی گفتار، زبان
و شنوایی‌شناسی آمریکا
سازمان مستقلی که مسئول آزمون سراسری
شنوایی‌شناسی و آسیب‌شناسی گفتار و زبان در
آمریکا است.

American Medical Association (AMA)

انجمن پزشکی آمریکا
انجمن ملی پزشکان آمریکا.

American Standard Association**American National Standards Institute (ANSI)**

استانداردهای ملی آمریکا
انجمن متخصصان، تولیدکنندگان و مصرف
کنندگان که استانداردهای ابزارهای
اندازه‌گیری نظیر ادیومتر را تعیین می‌نمایند؛
ASA سابق.

American Neurology Society (ANS)

جامعه نورواتولوژی آمریکا
انجمن حرفه‌ای متخصصان گوش، گلو و بینی
که گرایش نورواتولوژی دارند.

American Sign Language (ASL, Ameslan)

زبان اشاره آمریکایی
نوع رایج ارتباط دستی که در آمریکا مورد
استفاده قرار می‌گیرد.

American Speech and Hearing Association (ASHA)

انجمن گفتار و شنوایی آمریکا
نام پیشین انجمن گفتار-زبان-شنوایی آمریکا.

American Speech-Language-Hearing Association (ASHA)

انجمن گفتار-زبان-شنوایی آمریکا
سازمان تخصصی شنوایی‌شناسان، آسیب
شناسان گفتار، زبان و دانشمندان گفتار و
شنوایی؛ انجمن گفتار و شنوایی سابق.

American Standards Association

انجمن استانداردهای ملی آمریکا (ASA)
نام پیشین مؤسسه استانداردهای ملی آمریکا.

American Tinnitus Association (ATA)

انجمن وزوز گوش آمریکا
سازمان حمایتی افراد مبتلا به وزوز گوش.

American with Disabilities Act

قانون آمریکاییان مبتلا به ناتوانی (ADA)
قانونی در آمریکا که به منظور ایجاد امکانات
یکسان برای افراد مبتلا به ناتوانی تصویب
شده است.

Ameslan → American Sign Language

amg → aminoglycoside

amikacin آمیکاسین

آنتی‌بیوتیک آمینوگلیکوزید نیمه ساختنی و
دارای اثر سمی بر گوش که طیف ضد
باکتریایی وسیعی به ویژه بر ضد باکتری‌های
مقاوم به جنتامایسین دارد.

amimia آمیمی، اختلال بیان چهره‌ای
عدم توانایی برقرار کردن ارتباط با ایما و اشاره.

aminoglycoside antibiotics

آنتی‌بیوتیک‌های آمینوگلیکوزید
گروهی از آنتی‌بیوتیک‌های ضدباکتری که
غالباً اثر سمی بر حلزون و یا دهلیز دارند و از
استرپتومایسین یا میکرومونواسپوروم مشتق
شده‌اند. در ابتدا بر ضدباکتری‌های گرم منفی
استفاده می‌شدند. استرپتومایسین، نئومایسین،
کانامایسین و جنتامایسین از جمله این

آنتی‌بیوتیک‌ها می‌باشند.

AMLB → alternate monaural loudness balance test

AMLR → auditory middle latency response

amperage آمپرژ
میزان جریان الکتریکی که بر حسب آمپر بیان
می‌شود.

ampere (A) آمپر
واحد جریان الکتریکی که معادل است با
جریانی که اختلاف پتانسیل ۱ ولت در مدار
با مقاومت ۱ اهم در یک ثانیه ایجاد می‌نماید.

ampicillin آمپی‌سیلین
آنتی‌بیوتیکی که برای درمان عفونت‌های گرم
منفی شامل مننژیت و عفونت‌های مجاری
ادرار مورد استفاده قرار می‌گیرد و ممکن است
در برخی موارد اثر سمی بر گوش داشته باشد.

amplification تقویت
۱. افزایش شدت صوت، ۲. عنوان کلی سمعک
یا وسیله شنوایی کمکی.

binaural a. تقویت دوگوشی
استفاده از سمعک در دو گوش.

compression a. تقویت تراکمی
سمعک دارای محدودکننده تراکمی و/یا
مدار بندی تراکمی با محدوده پویایی وسیع.

amplification

dichotic a.

تقویت دوگانه دوگوشی، تقویت دوباره باند
روش مهجوری در تنظیم سمعک که به منظور
استفاده از برتری گوش راست در پردازش
گفتار، فرکانس‌های بالا برای گوش راست
تقویت شده و پاسخ فرکانسی یکنواختی به
گوش چپ ارائه می‌شود. مترادف:

split-band amplification

linear a. تقویت خطی

تقویت سمعک به نحوی که بهره برای تمامی
سطوح ورودی تا هنگامی که خروجی به
حداکثر برسد یکسان است.

nonlinear a. تقویت غیرخطی

تقویتی که بهره آن برای تمام سطوح ورودی
یکسان نیست.

selective a. تقویت انتخابی

پاسخ سمعکی که بهره آن به منطقه فرکانسی
مشخصی محدود شده است و به گونه‌ای
انتخاب می‌شود که منطبق با شکل منحنی
شنوایی باشد.

sound field a. تقویت محیط صوتی

تقویت‌کنندگی در کلاس یا سایر محیط‌های
باز به وسیله دستگاه مخاطب عمومی یا دیگر
دستگاه‌های مورد استفاده در محیط‌های
کوچک که نسبت محرک به نویز را برای تمامی
شنوندگان افزایش می‌دهد.

split-band a. = dichotic amplifi-
cation

amplification system, loop

دستگاه تقویت‌کننده حلقه‌ای
وسیله کمک‌شنوایی که در آن میکروفن /
تقویت‌کننده محرک را به حلقه سیمی که دور
اتاق پیچیده شده می‌رساند محرک توسط
سیم‌پیچ القایی سمعک به روش القای
مغناطیسی دریافت می‌گردد.

amplified speech spectrum

طیف تقویت‌شده گفتار
خروجی الکترواکوستیک سمعک در پاسخ به
نویز گفتار یا سایر محرک‌هایی که نماینده
طیف گفتار هستند.

amplifier تقویت‌کننده

وسیله‌ای که شدت صدا را افزایش می‌دهد.

Class A a. تقویت‌کننده رده A

نوعی تقویت‌کننده تک‌سر که در سمعک‌های
دارای توان پایین به کار می‌رود و در تمامی
سطوح ورودی جریان ثابتی دارد. رده A به
مشخصات عملی خروجی یا وضعیت توان
تقویت‌کننده اطلاق می‌گردد.

Class B a. تقویت‌کننده رده B

تقویت‌کننده پوش-پول سمعک که در موارد
توان بالا مورد استفاده قرار می‌گیرد و جریان
متناسب با سطح ورودی محرک می‌باشد. رده
B به مشخصه عملی خروجی یا وضعیت توان
تقویت‌کننده اطلاق می‌گردد.

Class D a. تقویت‌کننده رده D

نوعی تقویت‌کننده با پهنای مدوله‌شده پالس

که درون گوشی مینیا توری (رسیور) کار گذاشته می شود و نتایج استفاده از آن شامل کاهش جریان باتری، اندازه کوچک تر و سطوح اشباع بالاتر است. رده D به مشخصه عملی خروجی یا وضعیت توان تقویت کننده اطلاق می گردد.

differential a. تقویت کننده تفاضلی
تقویت کننده ای که در ارزیابی پتانسیل برانگیخته به منظور حذف نویز خارجی مورد استفاده قرار می گیرد. ولتاژ ورودی یک الکتروود معکوس می شود و از ورودی دیگر کسر می گردد تا هر گونه فعالیت الکتریکی مشترک بین دو الکتروود حذف شود.

telephone a. تقویت کننده تلفن
هر نوع وسیله کمکی که برای افزایش خروجی سطح شدت گیرنده تلفن طراحی شده است.

amplify تقویت کردن
افزایش شدت صدا.

amplitude دامنه
بزرگی موج صوتی، رفلکس صوتی، پتانسیل برانگیخته و غیره.

acoustic reflex a. دامنه رفلکس صوتی
مقدار تغییر ایمپدانس صوتی ایستا هنگام انقباض رفلکسی عضله رکابی.

effective a. دامنه مؤثر
میانگین ارتفاع صوت یا موج در طول فاز خود که عامل اصلی تعیین بلندی صوت است.

maximum a. دامنه حداکثر
بلندترین نقطه صوت یا موج تناوبی.

peak a. دامنه قله
حداکثر جابه چایی لحظه ای موج در فاصله زمانی مشخص.

peak-to-peak a. دامنه قله به قله
اختلاف دامنه بین مقادیر حداکثر مثبت و منفی موج.

zero a. دامنه صفر
ناحیه ای در طیف نگاهت صوت که دارای انرژی اندک یا بدون انرژی می باشد. مترادف: antiresonance.

amplitude distortion به distortion مراجعه کنید.

amplitude distribution توزیع دامنه
نموداری از تغییرات دامنه نویز به عنوان تابعی از زمان.

amplitude modulation (AM) مدوله سازی دامنه
رویکرد تغییر دامنه موج رادیویی یا صوتی نسبت به نیروی موج حامل. ر.ک: frequency modulation.

amplitude-sensitive hearing protection device

وسيله حفاظت شنوایی حساس به دامنه
وسيله حفاظت شنوایی غیرخطی که شدت های پایین را هیچ یا اندکی کاهش داده و

amplitude spectrum

در شدت‌های بالا کاهش چشمگیری ایجاد می‌نماید.

طیف دامنه
amplitude spectrum
ترسیم دامنه موج صوتی به عنوان تابعی از اجزای فرکانسی.

آمپول
ampulla
۱. ساختمان فلاسک شکل یا اتساع لوله، ۲. بخش غده‌ای در انتهای هر یک از سه مجرای نیم‌دایره که به اتریکول منتهی می‌گردد و حاوی ستیغ است.

آمپول افقی
horizontal a.
بخش برآمده مجرای نیم‌دایره افقی که ستیغ آمپول در آن قرار گرفته است.

lateral a. = horizontal ampulla

آمپول خلفی
posterior a.
بخش برآمده مجرای نیم‌دایره خلفی که ستیغ آمپول در آن قرار گرفته است.

آمپول فوقانی
superior a.
بخش برآمده مجرای نیم‌دایره فوقانی که ستیغ آمپول در آن قرار گرفته است.

ampullary nerves

به nerve مراجعه کنید.

آمپول‌گریز
ampulofugal
جریان آندولنف و خم شدن کینوسیلیوم دور از آمپول و اتریکول. مترادف: utriculofugal.

آمپول‌گرا
ampullopetal
جریان آندولنف زخم شدن کینوسیلیوم به سمت آمپول و اتریکول. مترادف: utriculopetal.

اناتوزی
amusia
ناتوانی در تولید یا بازشناسی صداهای موسیقی.

مجموعه هسته‌های بادامی شکل
amygdaloid nuclear complex
بخشی از قسمت عقده‌های قاعده‌ای مخ که ورودی بویایی را دریافت می‌کند و در اعمال احشایی دخالت دارد.

AN¹ → acoustic neurinoma

AN² → auditory nerve

کری، ناشنوایی
فقدان کامل شنوایی.
anacusis

بی‌دردی
کاهش یا رفع حساسیت نسبت به درد.
analgesia

مسکن
لارویی که درد را تسکین می‌بخشد.
analgesic

قیاسی، آنالوگ
تغییر مداوم در طول زمان. متضاد: digital.
analog

به hearing aid مراجعه کنید.
analog hearing aid

analog-to-digital conversion (ADC)

تبدیل قیاسی به رقمی، تبدیل آنالوگ به دیجیتال
فرآیند تبدیل موجی که دائماً تغییر می‌کند
(قیاسی) به نماد عددی (رقمی) آن.

analytic speechreading method

روش گفتارخوانی تحلیلی
روش گفتارخوانی که بر بازشناسی صداهای
گفتاری منفرد از طریق بینایی تأکید دارد. مترادف:
artificial, formal, logical or systematic
method

anastomosis آناستوموز، هم‌دهانگی
ارتباط یا اتصال بین دو فضا یا رگ.

anatomic frequency scale

مقیاس تشریحی فرکانس
اصلاح مقیاس فرکانسی که برای یافتن
همبستگی ضایعه با کاهش شنوایی طراحی
شده است و در آن فرکانس‌های ادیومتریک
روی محور افقی بر مبنای توزیع فضایی
حداکثر تحریک در طول غشای پایه نشان
داده می‌شوند.

ANC → adaptive noise canceler

anechoic ضد پژواک
بدون پژواک یا بدون بازآوایی.

anechoic chamber اتاقک ضد پژواک
اتاقی که برای پژوهش‌های اکوستیکی

طراحی شده و در آن برای افزایش جذب صوت
و کاهش بازآوایی روی تمامی سطوح مواد
جاذب صوت نصب شده است. مترادف:
dead room

anencephaly آنانسفالی، بی‌مغزی
بدشکلی مادرزادی مغز که نشانه آن فقدان
نیم‌کره‌های مغزی و مخچه‌ای است و غالباً با
استخوان‌های بدشکل گیجگاهی و
ناهنجاری‌های شدید گوش خارجی، میانی و
داخلی همراه است.

anesthesia بیهوشی
وضعیتی که نشانه آن فقدان حس است و
معمولاً با استفاده از داروهای بیهوشی ایجاد
می‌شود.

anesthetic بیهوش‌کننده
دارویی که سبب بیهوشی می‌شود.

aneurysm آنوریسم
اتساع محدود رگ.

angioma آنژیوم
توموری که از خون یا سلول‌های لنف ساخته
شده است.

angiotitis التهاب عروق خونی گوش. آنژیوتیت

angular acceleration شتاب زاویدای
اصطلاحی است که در ارزیابی دهلیزی به
چرخش سر اطلاق می‌شود.

angular velocity

angular velocity تندی زاویه‌ای
تغییرات حرکت دورانی در طی زمان.

ankylosis جمود مفصلی، آنکیلوز
سخت یا ثابت شدن مفصل یا جوش خوردن
بافت‌های فیبروزی یا استخوانی مانند
ثابت‌شدگی رکابی در اتوسکلروز.

malleus a.

آنکیلوز استخوانچه چکشی
سخت یا ثابت‌شدگی استخوانچه چکشی در
محل اتصال آن با سقف صماخی.

anlage مبدأ جنینی
گروهی از سلول‌های جنینی که اولین نشانه
یک ساختمان یا اندام باشند.

annoyance level نراز آزرده‌گی
سطح شدتی که نویز از نظر فرد ایجاد ناراحتی
و آزرده‌گی می‌کند.

annular ligament
به ligament مراجعه کنید.

annular ring = annular ligament

annulus آنولوس
حلقه فیبری غضروفی دور بخش سخت پرده
تیمپان که در شیپار صماخی استخوان
گیجگاهی قرار می‌گیرد.

annulus tympanicus = annulus

anode آند
۱. الکتروود مثبت در پیل الکترولیتی، ۲. پایانه
منفی در باتری، ر.ک: cathode.

anomaly ناهنجاری مادرزادی
ساختمان یا عملکردی که غیرمعمول یا
نامنظم است یا از حالت هنجار خارج شده
است.

craniofacial a.

ناهنجاری مادرزادی جمجمه‌ای صورتی
بدشکلی مادرزادی صورت و یا جمجمه.

anotia بی‌گوشی
فقدان مادرزادی لاله گوش. مترادف:

auricular aplasia

anoxia آنوکسی، بی‌اکسیژنی
فقدان یا کمبود اکسیژن در بافت‌های بدن.

ANS¹ → American Neurotology
Society

ANS² → autonomic nervous system

ANSI → American National Stan-
dards Institute

antenatal پیش از تولد
رخ دادن پیش از تولد. مترادف: prenatal.

anterior قدامی
جهت تشریحی، به ساختمانی اشاره می‌کند
که در جلو یا به سمت جلو قرار گرفته است.
مترادف: ventral، متضاد: posterior.

anterior epitympanic recess

شکاف اپی تمپانیک قدامی
فضای حاوی هوا که جلوی محفظه اصلی
اپی تمپانیک قرار گرفته است.

anterior inferior cerebellar artery (AICA)

به artery مراجعه کنید.

anterior malleolar fold

چین چکشی قدامی
یکی از دو دسته رباط روی پرده صماخ که از
زائده خارجی چکشی در جهت بالا و جلو تا
شیار صماخی امتداد دارد.

anterior malleolar ligament

به ligament مراجعه کنید.

anterior tympanic artery

به artery مراجعه کنید.

anterior ventral cochlear nucleus

هسته حلزونی شکمی قدامی (AVCN)
بخشی از هسته حلزونی که الیاف اعصاب
آوران رده اول را از عصب هشتم جمجمه‌ای
دریافت می‌کند و الیاف رده دوم را از طریق نوار
اکوستیکی شکمی به مجموعه زیتونی فوقانی
می‌فرستد.

anterior vertical canal

مجرای عمودی قدامی
مجرای نیم‌دایره فوقانی.

anterior vestibular artery

به artery مراجعه کنید.

anterior vestibular vein

ورید دهلیزی قدامی
رگی که خون اتریکول و آمپول‌های مجاری
نیم‌دایره فوقانی و خارجی را تخلیه می‌کند.

anterograde

پیشرونده، پیشرو
حرکت به سمت جلو در طول مسیر عصبی
آوران.

anterograde degeneration

تخریب پیشرونده
تخریب عصبی که در پی قطع عصب آوران رخ
دا ده و در طول مسیر آن پیشرفت می‌کند.

anthropocentrism

انسان‌محوری
گرایش به این امر که تمام موجودات موقوف
هستی انسان هستند (انسان اشرف مخلوقات
است).

anti-aliasing filter

به filter مراجعه کنید.

antibiotic

آنتی‌بیوتیک، پادزی
ترکیب شیمیایی که مخالف موجودات زنده
بیماریزا یا زیان‌آور است.

antibiotic prophylaxis

پیشگیری آنتی‌بیوتیکی
استفاده از آنتی‌بیوتیک به عنوان پیشگیری

کننده، نظیر تجویز برای کودکانی که در معرض اوتیت میانی هستند.

antigen آنتی ژن، پادگن
موادی که منشأ حساسیت یا مقاومت نسبت به عفونت یا مواد سمی هستند که در نتیجه تماس با بافت‌های مستعد ایجاد می‌شود.

antihelix; anthelix آنتی هلیکس
لبه غضروفی لاله گوش که در جلو و موازی با هلیکس قرار دارد.

antilobium آنتی لُب
بخش زبانه (تراگوس) لاله گوش.

antineoplastic agents

داروهای ضد نتوپلاسم
داروهای شیمی درمانی نظیر سیس پلاتین (پلاتینول)، بلئوماسین، فلوروتوراسیل - ۵ و خردل که از آن میان سیس پلاتین بیشتر مورد مطالعه قرار گرفته است. مسمومیت حلزونی ناشی از آن نظیر آنتی بیوتیک‌های آمینوگلیکوزیدی دائمی و وابسته به دوز دارو است.

antiphasic فاز مخالف

antiresonance پاد تشدید
ناحیه‌ای در طیف‌نگاشت صوت که دارای انرژی اندک یا بدون انرژی باشد. مترادف: zero amplitude

antitoxin, tetanus پادزهر کزاز
پادزهری که در پاسخ به سم نوروپاتیک خاصی تشکیل می‌شود و هنگامی که به شکل پیشگیری یا درمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد ممکن است با کاهش شنوایی حسی عصبی عمیق همراه باشد.

antitragus مقابل زبانه، آنتی تراگوس
برآمدگی روی لاله گوش در مقابل یا عقب زبانه (تراگوس).

Antley-Bixler syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

antrotympenic

مربوط به غار ماستوئید و حفره صماخی.

antrum غار
حفره کمابیش بسته یا فضای خالی به‌ویژه در استخوان.

mastoid a. غار ماستوئید
فضای بزرگی در قسمتی از ماستوئید استخوان گیجگاهی که از شکاف اپی تیمپانوم به سمت عقب گسترش یافته و از طریق دهانه به گوش میانی متصل می‌شود.

antrum auris مجرای خارجی شنوایی

antrum tympanicum غار صماخی
غار ماستوئید.

anvil سندان
نام عامیانه استخوانچه سندان گوش میانی.
مترادف: incus.

امتیاز آپگار

معیار	امتیاز	
	۱	۲
رنگ پوست	بدن صورتی، دست‌ها و پاها آبی	کاملاً صورتی
تعداد ضربان قلب	< ۱۰۰	> ۱۰۰
تنفس	نامنظم، آهسته	گریه
تونوس عضلات	خم کردن جزئی اندام‌ها	فعال
پاسخ رفلکسی به کاتتر بینی	جمع کردن یا تغییر شکل صورت	عطسه، سرفه

AOM → acute otitis media

تونوس عضلانی و پاسخ به محرک طراحی شده است.

AOR → audio-oculogyric reflex

AP → action potential

APHAB → Abbreviated Profile of Hearing Aid Benefit

APD → auditory processing disorder

aperiodic نامتناوب، غیر تناوبی
رخ دادن در فواصل نامنظم

aphasia زبان پریشی، آفازی
فقدان کامل یا جزئی توانایی زبانی به دلیل اختلال عملکرد مغز.

aperiodic wave به wave مراجعه کنید.

auditory a. زبان پریشی درکی
آسیب به درک زبان گفتاری.

Apert syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

fluent a. = auditory aphasia

apex رأس
نوک یا بالاترین نقطه ساختمان مخروطی
شکل.

receptive a. = auditory aphasia

Wernicke's a. = auditory aphasia

Apgar score امتیاز آپگار

apical رأسی

مقدار عددی از ۰ تا ۱۰ که برای توصیف وضعیت فیزیکی نوزاد بر اساس اختصاص امتیاز به پنج معیار: رنگ، ضربان قلب، تنفس،

aplasia آپلازی
فقدان مادرزادی اندام.

auricular a. آپلازی لاله گوش
فقدان مادرزادی لاله گوش. مترادف: anotia.

cochleosaccular a.

آپلازی حلزونی-ساگولی
بدشکلی مادرزادی بخش غشایی حازون و
ماکولا که شامل آتروفی نوار عروقی و
ناهنجاری‌های غشای سقفی (تکتوریال)
است.

apoplectiform vertigo

به vertigo مراجعه کنید.

apoplexia cerebelli سکته مخچه‌ای
اختلال دهلیزی مرکزی که به علت ضایعه
شریان مخچه‌ای رخ می‌دهد و به سرگیجه حاد
و شدید که با علائم فلج مخچه‌ای همراه است
منجر می‌شود.

apoplexy سکته

ریزش خون در بافت یا اندام مانند حوادث
عروقی مغزی.

apperception اندر یافت، فهمیدن

۱. افزودن اعمال ذهنی دیگری چون تفسیر،
پازشناسی و دسته‌بندی به درک، ۲. قدرت‌های
ذهنی که در فراگیری، مکالمه و شرح معلومات
مورد استفاده قرار می‌گیرد.

APR → auropalpebral reflex

apraxia کنش پریشی، آپراکسی

اختلال حرکتی که نشانه آن عدم توانایی

انجام حرکات هدفمند علیرغم عملکرد طبیعی
عضلات است.

apraxia of speech کنش پریشی گفتار

آسیب به توانایی برنامه‌ریزی و اجرای متوالی
حرکات عضلانی گفتار به صورت هدفمند.

aprosexia بی‌توجهی، آپروسکسی
ناتوانی در توجه نمودن.

AR → acoustic reflex

ARA → Academy of Rehabilitative
Audiology

arachnoid عنکبوتیه
پرده تار عنکبوتی شکل که مغز و نخاع را
می‌پوشاند.

arachnoid cyst کیسه عنکبوتیه

ساکی که از پارگی و روی هم افتادگی پرده
عنکبوتیه به وجود می‌آید. غالباً در حفره میانی
جمع‌مه ایجاد می‌شود و بر لب گیجگاهی فشار
وارد می‌آورد.

arachnoiditis

التهاب پرده عنکبوتیه و فضای تحت
عنکبوتیه، آراکنوئیدیت.

arachnoiditis pontocerebellaris

آراکنوئیدیت پلی‌مخچه‌ای
اختلال دهلیزی مرکزی که علت آن التهاب

پرده عنکبوتیه حفره خلفی است و به حمله سرگیجه چرخشی، سردرد و علائم نباتی منجر می‌شود. مترادف: Barany syndrome.

arborization central auditory system

طرح درخت دستگاه مرکزی شنوایی اصطلاح طرح درختی به معنای شاخه‌های آکسونی و دندریتی است و بخشی از فرایند بلوغ سلول‌های عصبی که برای کارگرد گروه‌های نورونی حیاتی است محسوب می‌شود. این طرح تا بلوغ سلول گسترش می‌یابد. البته ممکن است گسترش درخت به دلیل نوع خاصی از تحریک‌های مداوم پس از بلوغ سلول باشد.

areflexia فقدان رفلکس

armamentarium امکانات

مجموعه کامل روش‌ها و تجهیزاتاتی که در دسترس پزشک است.

arnold-chiari malformation

بدشکلی آرنولد-کیاری
سندروم تغییر شکل مخچه‌ای-بصل النخاعی که نشانه آن بدشکلی مادرزادی مخچه و بصل النخاع است.

arnold's nerve به nerve مراجعه کنید.

ARO → Association for Research in Otolaryngology

arousal response پاسخ انگیزشی
ترویج یا افزایش فعالیت در پاسخ به تحریک شنوایی.

arsacetin

داروی مسموم‌کننده گوش مورد استفاده در درمان سیفیلیس و عفونت‌های انگلی که موجب تغییرات تخریبی در سلول‌های مویی حلزون، سلول‌های محافظ و نوار عروقی می‌شود.

ART → acoustic reflex threshold

arteria cerebelli superior syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

arterioles مویرگ‌ها

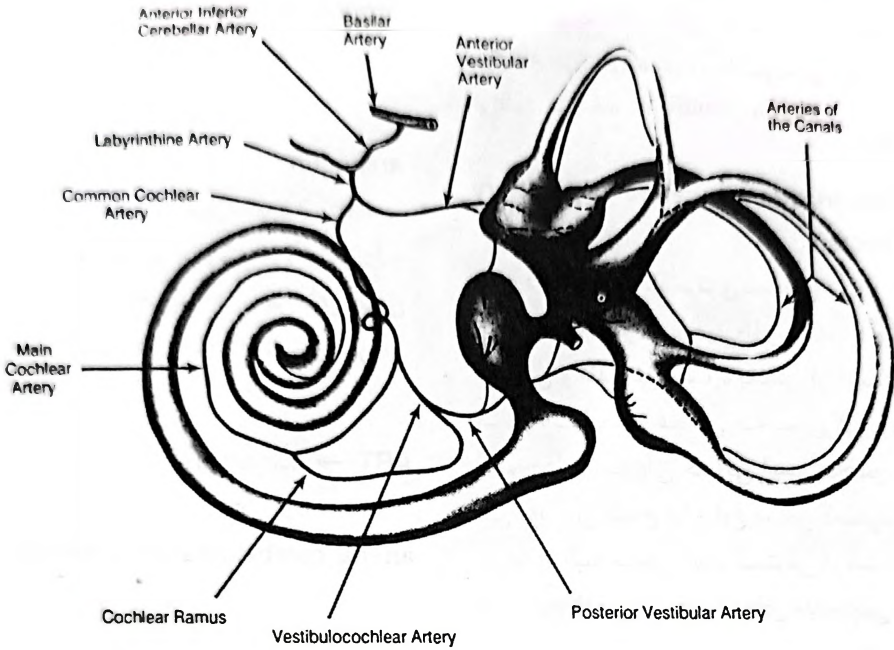
عروق کوچک نظیر مویرگ‌هایی که بسترهای عروق مویی حلزون را تأمین می‌کند.

external radiating a.

مویرگ‌های تشعشعی خارجی
شاخه‌ای از شریان حلزونی اصلی که با تقسیمات خود شبکه مویرگی تغذیه‌دهنده نرده دهلیزی و غشای رایسنر، نوار عروقی، برآمدگی مارپیچی و رباط مارپیچی را می‌سازد.

internal radiating a.

مویرگ‌های تشعشعی داخلی
گروهی از مویرگ‌ها که شاخه‌ای از شریان حلزونی اصلی را تشکیل می‌دهد و تقسیمات آن شبکه مویرگی تغذیه‌کننده غشای پایه و سلول‌های مویی را می‌سازد.



Arteries of the auditory and vestibular labyrinth

radiating a. مویرگ‌های تشعشعی

دو مجموعه از عروق خونی منشعب از شریان حلزونی اصلی که دیواره‌های داخلی و خارجی حلزون را خون‌رسانی می‌کند.

artery سرخرگ، شریان

رگی که خون اکسیژن‌دار را از قلب به قسمت‌های مختلف بدن حمل می‌کند.

anterior inferior cerebellar a.
(AICA)

شریان مخچه‌ای قدامی تحتانی رگ بزرگی منشعب از شریان مهره‌ای قاعده‌ای که شاخه‌ای از آن موسوم به شریان لایبرنتی به حلزون خون می‌رساند.

anterior tympanic a.

شریان صماخی قدامی شاخه‌ای از شریان فک فوقانی که به سه شاخه اصلی تقسیم می‌شود و خون استخوان و مخاط اپی‌تمپان، دیواره داخلی پرده صماخ و استخوانچه‌های چکشی و سندانی را تأمین می‌کند.

anterior vestibular a.

شریان دهلیزی قدامی شاخه‌ای از شریان لایبرنتی خون که ماکولای اتریکول، بخشی از ماکولای ساکول، ستیغ امپول‌ها و بخش غشایی مجاری نیم‌دایره‌ای خارجی و فوقانی و سطوح فوقانی اتریکول و ساکول را تأمین می‌کند.

auricular a. شریان لاله‌گوشی

۱. شاخه خلفی منشعب از کاروتید خارجی که خون را بین گوش میانی، سلول‌های ماستوئید و لاله گوش تقسیم می‌کند. ۲. شاخه عمقی منشعب از فک فوقانی که پر پرده صماخ و مجرای شنوایی خارجی پراکنده می‌شود.

basilar a. = vertebrobasilar artery

caroticotympanic a.

شریان کاروتید صماخی یکی از دو شاخه مجزا منشعب از شریان کاروتید داخلی که با اتصال به شاخه‌های صماخی و شریان‌های لوله‌ای به بخش قدامی گوش میانی خون‌رسانی می‌کند.

common cochlear a.

شریان حلزونی مشترک شاخه‌ای از شریان لایبرنتی که به دو بخش شریان حلزونی اصلی و شریان حلزونی-دهلیزی تقسیم می‌شود.

deep auricular a.

شریان عمقی لاله‌گوشی شاخه‌ای از شریان فک فوقانی داخلی که به دو شاخه خلفی و قدامی تقسیم شده است.

inferior cerebellar a. = anterior inferior cerebellar artery

inferior tympanic a.

شریان صماخی تحتانی شاخه‌ای از شریان بالارونده حلقی که خون

مخاط و استخوان هیپوتیمپان و دماغه را تأمین می‌کند.

Internal auditory a.

شریان شنوایی داخلی
شریان لایبرنتی.

internal carotid a.

شریان داخلی کاروتید
رگ خون‌رسان اصلی به نیمکره مغزی که در بخش نوک خاره استخوان گیجگاهی قرار گرفته است. اغلب هنگام جراحی تومور با برداشتن استخوان گیجگاهی مشاهده می‌شود.

labyrinthine a. شریان لایبرنتی

رگی که از شریان مخچه‌ای قدامی-تحتانی منشعب می‌شود و پیش از تقسیم به دو شریان حلزونی مشترک و دهلیزی-قدامی به سخت‌شامه و اعصاب مجرای شنوایی داخلی خون می‌رساند. مترادف:

internal auditory artery

main cochlear a.

شریان اصلی حلزونی
شاخه‌ای از شریان مشترک حلزون که خون سه‌چهارم از بخش رأس حلزون از جمله مدیولوس را تأمین می‌کند.

mastoid a. شریان ماستوئید

شریانی در بخش ماستوئیدی استخوان گیجگاهی که از شریان پس سری منشعب می‌شود و خون قسمت خلفی استخوان ماستوئید را تأمین می‌کند.

posterlor vestibular a.

شریان دهلیزی خلفی
شاخه‌ای از شریان دهلیزی حلزونی که خون
ماکولای ساکول، ستیخ آمپول و بخش غشایی
مجرای نیم‌دایره خلفی و سطح تحتانی
اتریکول و ساکول را تأمین می‌کند.

stylomastoid a.

شریان استیلوماستوئید
شاخه‌ای از شریان لاله گوشی خلفی که خون
عصب صورتی و استخوان و مخاط ناحیه
مجاور ماستوئید و کیسول گوشی (اوتیک) و
عضله رکابی را تأمین می‌کند.

superior tympanic a.

شریان صماخی فوقانی
رگ منشعب از شریان منتر میانی که وارد گوش
میانی می‌شود و عضله کشنده صماخی، نیمه
داخلی سقف و دیواره داخلی فضای
اپی تمپانیک را خون‌رسانی می‌کند.

vertebrobasilar a.

شریان مهره‌ای قاعده‌ای
رگی که شریان مخچه‌ای قدامی تحتانی از آن
منشعب می‌شود تا خون حلزون را تأمین کند.

vestibulocochlear a.

شریان دهلیزی حلزونی
شاخه‌ای از شریان مشترک حلزونی که به
شریان دهلیزی خلفی و شاخه حلزونی تقسیم
می‌شود و خون ساکول، مجرای نیم‌دایره خلفی
و انتهای قاعده‌ای حلزونی را تأمین می‌کند.

articulated

مفصلی، بندبند
دارای اتصال سست به یکدیگر به نحوی که
امکان حرکت بین اجزا وجود داشته باشد.

articulation

۱. مفصل یا اتصال سست استخوان‌ها به
یکدیگر به نحوی که امکان حرکت بین اجزا
وجود داشته باشد؛ ۲. حرکت و جایگاه زبان،
لب، کام سخت و نرم و دندان‌ها حین تولید
گفتار.

articulation curve

منحنی درک گفتار
اصطلاح مهبجوری برای تابع پاسخ در مقایسه با
شدت در آزمون بازشناسی واژه.

articulation-gain function

تابع شدت-درک گفتار
نمودار امتیاز بازشناسی صحیح گفتار بر حسب
درصد به عنوان تابعی از سطح شدت ارائه
محرک‌های هدف. مترادف:

performance-intensity function**articulation index (AI)**

شاخص درک گفتار
یک روش شمارش نقاط که به صورت عددی
توانایی درک گفتار را پیشگویی می‌کند. مقدار
عددی آن بین صفر و یک است و نشان‌دهنده
متوسط اطلاعات گفتاری قابل شنیدن
می‌باشد. با توجه به اهمیت هر فرکانس در
درک گفتار، باندهای فرکانسی ارزش متفاوتی
دارند.

artifact

artifact محرک کاذب
محرک ناخواسته که می‌تواند در اندازه‌گیری
محرک‌های مورد نظر تداخل نماید.

blooming a. محرک کاذب ناگهانی

پاسخ فرکانسی نادرستی که در سمک AGC -
خروجی هنگام استفاده از محرک‌های تن
خالص به جای محرک پهن‌بند مشاهده
می‌گردد؛ پاسخی که از عدم توانایی
محرک‌های تن خالص در فعال‌سازی تراکم
وابسته به فرکانس حاصل می‌شود.

muscle a. محرک کاذب عضلانی

در ثبت پتانسیل‌های برانگیخته شنوایی، به
فعالیت الکتریکی ناخواسته ناشی از عضلات
گردن یا سایر عضلات اطلاق می‌شود.

artificial ear به ear مراجعه کنید.

artificial mastoid ماستوئید مصنوعی

ابزار استاندارد که امپدانس مکانیکی زائده
ماستوئید را شبیه‌سازی می‌کند و هنگام تنظیم
ادیومتر برای جفت کردن ارتعاش‌گر استخوانی
با میکروفن صداسنج مورد استفاده قرار
می‌گیرد.

artificial method روش مصنوعی

روش گفتارخوانی که بر بازشناسی صداهای
گفتاری منفرد از طریق بینایی تأکید دارد.
مترادف: analytic speechreading, formal,
.logical or systemic method

AS → auris sinistra

ASA¹ → Acoustical Society of
America

ASA² → American Standard Asso-
ciation

ascending auditory pathways

راه‌های شنوایی بالارونده

راه دستگاه عصبی مرکزی شنوایی متشکل از
الیاف آوران اولیه که تکانه‌های عصبی را از
محیط به مراکز بالاتر حمل می‌کند.

ascending-descending method

روش صعودی-نزولی

روش ادیومتری که در تعیین آستانه‌های
حساسیت شنوایی مورد استفاده قرار می‌گیرد و
با تغییر شدت محرک از غیرقابل شنیدن به
قابل شنیدن و سپس از قابل شنیدن به
غیرقابل شنیدن صورت می‌گیرد.

ascending method روش صعودی

روش ادیومتری که در تعیین آستانه
حساسیت شنوایی با تغییر شدت محرک از
غیرقابل شنیدن به قابل شنیدن به کار می‌رود.
متضاد: descending method.

ASHA → American Speech-
Language-Hearing Association

ASL → American Sign Language

ASNHL → asymmetric sensorineural
hearing loss

ASP

ASP¹ → adaptive signal processing

ASP² → automatic signal processing

aspartate اسپاراتات

اسید آمینه‌ای که تصور می‌شود نقش واسطه شیمیایی را در ایفای عصب هشتم جمجمه‌ای تا نورون‌های هسته حلزونی ایفا می‌نماید.

aspergillosis اسپرژیلوز

بیماری عفونی‌ای که از اسپرژیلوس ناشی می‌شود و غالباً با گسترش مستقیم عفونت از مجاری تنفسی فوقانی، گوش میانی را درگیر می‌نماید.

aspergillus اسپرژیلوس

گونه‌ای قارچ.

aspergillus auricularis

اسپرژیلوس گوشی

قارچی که در مجرای خارجی گوش و روی پرده صماخ رشد می‌نماید.

asphyxia خفگی، قطع تنفس

۱. نقص یا عدم تبادل اکسیژن و دی‌اکسید کربن هنگام تنفس، ۲. قطع آشکار یا حقیقی زندگی به دلیل نرسیدن اکسیژن به شش‌ها.

aspirate اسپیره کردن، مکیدن

موادی که توسط مکش خارج می‌شوند.

aspiration مکش

خروج مایع یا جسم خارجی توسط مکش.

needle a. مکش با سوزن

خروج مایع از گوش میانی به روش مکش یا وارد کردن سوزن از راه پرده صماخ. مترادف: myringotomy.

aspirin آسپیرین

داروی مسکن و ضدالتهابی که ممکن است در دوز بالا اثر سمی موقت بر گوش داشته باشد. مترادف: acetylsalicylic acid.

aspirin ototoxicity

مسمومیت گوش‌ی ناشی از آسپیرین و زوز و تغییر آستانه ناشی از دوز بیش از حد آسپیرین.

assay

۱. امتحان کردن یا آزمودن، ۲. تجزیه و تحلیل.

assertiveness training

آموزش ابزار وجود

آموزش استفاده از روش‌های مؤثر (خنثی و بدون پرخاشگری) به بیمار برای ایجاد توانایی درخواست یاری از مخاطبان بدون خدشه دار کردن اعتماد به نفس خود (یا دیگران) و ایفای نقش مؤثر در چارچوب ارتباطی.

assessment ارزیابی

assistive listening device (ALD)

وسیله شنوایی کمکی

ابزار شنوایی یا دسته‌ای از ابزار شنوایی که معمولاً به منظور بهبود نسبت محرک به نویز به

میکروفن راه دور مجهز هستند و دستگاه‌های اف.ام. تقویت‌کننده‌های شخصی، تقویت‌کننده‌های تلفن و دستگاه‌های کمکی تلویزیونی را شامل می‌شوند.

وسيله شنوایی کمکی اف. ام. FM ALD
وسيله شنوایی کمکی که برای افزایش نسبت محرک به نویز طراحی شده است و در آن میکروفن/انتقال‌دهنده بی‌سیم که به‌گونه‌ای متصل است محرک‌ها را از طریق اف. ام. به گیرنده متصل به شنونده ارسال می‌کند.

infrared ALD

وسيله شنوایی کمکی مادون قرمز
وسيله شنوایی کمکی شامل میکروفن/انتقال‌دهنده که نزدیک منبع صوت مورد نظر تعبیه شده است و امواج نور مادون قرمز را به گیرنده/تقویت‌کننده ارسال می‌کند و در نتیجه نسبت محرک به نویز افزایش می‌یابد.

۱. رابطه زمانی یا مکانی association

در علم ژنتیک به بروز همزمان دو صفت یا بیشتر در جمعیت که حداقل یکی از آنها مبدأ ژنتیکی داشته باشد اطلاق می‌گردد.

۲. تداعی معانی

اصلی در روانشناسی که به موجب آن افکار، عواطف و حرکات چنان به هم مربوط می‌شوند که به طور متوالی در ذهن پدیدار می‌گردند.

Association for Research in Otolaryngology (ARO)

انجمن پژوهش در حیطه گوش، گلو و بینی
انجمن تخصصی که به پژوهش در زمینه

بیماری‌ها و عملکرد گوش، گلو و بینی اختصاص یافته است.

استازی astasia

عدم توانایی ایستادن به دلیل فقدان هماهنگی حرکتی.

ضعف asthenia

آستروسیتوم astrocytoma

تومور دستگاه عصبی مرکزی که به صورت گلیومایی کاملاً متمایز و متشکل از آستروسیت‌ها که سلول‌های نوروگلی ستاره‌ای شکل هستند، مشخص می‌شود.

نامتقارن asymmetric

نشان‌دهنده عدم تشابه بین دو یا چند بخش مشابه که به‌طور طبیعی شباهت دارند.

asymmetric sensorineural hearing loss (ASNHL)

کاهش شنوایی حسی-عصبی نامتقارن

عدم تقارن asymmetry

عدم تشابه بین دو یا چند بخش مشابه که به‌طور طبیعی شباهت دارند. به‌طور مثال عدم تقارن بین گوش‌ها در برخی ارزیابی‌های شنوایی.

مجانب asymptote

در خطر at-risk

افزایش احتمال ابتلا یا بروز بیماری یا آسیب.

ATA → American Tinnitus Association

مالیخولیا، غیرانفعالی مرضی.
۲. فقدان غده تیموس.

ataxia آتاکسی، عدم هماهنگی
وضعیتی که نشانه آن عدم هماهنگی عضلات
است و غالباً بر راه رفتن و تعادل تأثیر دارد.

atmospheric pressure فشار جو
فشار ایستای جو.

atonia لختی
فقدان یا نبود تونوس طبیعی عضله.

ataxia-hypogonadism syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

atopic dermatitis

التهاب حساسیتی پوست

التهاب پوست به دلیل واکنش حساسیتی که
نفوذ وراثتی قوی دارد.

atelectasis آتلکتازی

۱. فقدان یا کمبود هوا در یک محفظه، مانند
فضای گوش میانی و محفظه ماستوئید در پی
اختلال عملکرد شیپور استاش. ۲. اتساع
ناقص یا کلاپس یک ساختمان.

atoxyl

داروی سم گوش که در درمان سیفیلیس و
عفونت‌های انگلی مورد استفاده قرار می‌گیرد و
می‌تواند سبب از بین رفتن سلول‌های مویی
خارجی و تغییرات تخریبی غشاء رایسنر، نوار
عروقی و پایانه‌های عصب شنوایی شود.

vestibular a. آتلکتازی دهلیزی

اختلال دهلیزی که نشانه آن کلاپس دیواره‌های
اتریکول و آمپول‌ها و فشردگی اپی‌تلیوم‌های
حسی است که به سرگیجه‌های دوره‌ای شدید
حاد همراه با تهوع و استفراغ منجر می‌شود.

ATP → adenosine triphosphate

atelolalia رشد ناقص گفتار

atresia آترزی، انسداد

فقدان مادرزادی یا انسداد مرضی مدخلی که از
نظر تشریحی باید باز باشد.

athreotic cretinism

کرتینیسم ناشی از فقدان تیروئید فعال
نوعی کم‌کای مادرزادی غده تیروئید که از
نقص جنینی تیروئید ناشی شده و غالباً با
کاهش شنوایی حسی عصبی همراه است.

aural a. آترزی گوش
فقدان مدخل مجرای خارجی شنوایی.

bilateral a. آترزی دوطرفه

فقدان مادرزادی مجرای خارجی شنوایی دو
گوش.

athymia

۱. بی‌احساسی و بی‌عاطفگی، افسردگی و

bony a. آترزی استخوانی

فقدان مادرزادی مجرای شنوایی به دلیل وجود دیواره‌ای استخوانی که مجرای شنوایی خارجی را از فضای گوش میانی جدا می‌کند.

congenital a. آترزی مادرزادی

فقدان یا انسداد مرضی مدخلی که از نظر تشریحی در بدو تولد باید باز باشد، مانند مجرای شنوایی خارجی.

membranous a. آترزی غشایی

فقدان مادرزادی مجرای شنوایی خارجی به دلیل بافت نرم متراکمی که مجرای شنوایی خارجی و فضای گوش میانی را پر کرده است.

atretic مسدود
انسداد غیرطبیعی.

atrium دهلیز
۱. اتاقک یا محفظه، ۲. بخشی زیر استخوانچه چکشی در گوش میانی.

atrophic آتروفیک
مربوط به آتروفی.

atrophy آتروفی
تحلیل یا کوچک شدن اندام یا بافتی که به طور طبیعی رشد کرده است.

attack time زمان حمله
زمان نرفتگی مدار تراکمی از کشف محرک تا رسیدن به مقدار ثابت آن.

attention توجه
آمادگی یا تمرکز ذهنی.

auditory a. توجه شنوایی
پردازه درکی که توسط آن فرد بر اصوات خاصی تمرکز می‌نماید.

attention deficit disorder (ADD)
= attention deficit hyperactivity disorder

attention deficit hyperactivity disorder (ADHD)

اختلال کمبود توجه و بیش‌فعالی
اختلال شناختی که توانایی تمرکز بر فعالیت، عمل یا محرک حسی را کاهش می‌دهد و با بیش‌فعالی و حواس‌پرتی مشخص می‌شود.
مترادف: ADD.

attenuate کاهش دادن
کاستن، کم کردن.

attenuation کاهش
کم شدن از نظر بزرگی یا اندازه.

interaural a. (AI) کاهش بین‌گوشی
کاهش انرژی صوتی محرک هنگام انتقال آن از یک طرف سر به گوش مقابل از طریق استخوان.

linearity of a. خطی بودن کاهش
وضعیتی که میزان تغییر خروجی متناسب با تغییر وسیله کاهشدهنده است.

attenuation

real-ear a. کاهش گوش واقعی
ارزیابی مشخصات کاهندگی وسایل حفاظت
شنوایی به وسیله میکروفن جستجوگر (پروپ)
که به عنوان اختلاف بین پاسخ‌های بدون
سمعک با گوش واقعی مسدود شده بیان
می‌شود.

attenuator کاهنده
۱. وسیله‌ای که برای کم کردن ولتاژ، جریان یا
توان به کار می‌رود، ۲. کنترل سطح شدت در
دستگاه ادیومتر.

attic آتیک
بخش بالایی حفره گوش میانی که بالای پرده
صماخ قرار دارد و حاوی سر استخوانچه
چکشی و تنه استخوانچه سندانی است.

attic perforation پارگی آتیک
پارگی بخش شل پرده صماخ.

atticitis التهاب آتیک

atticoantral
مربوط به آتیک و غار ماستوئید گوش میانی.

atticoantrotomy
دسترسی به آتیک و غار ماستوئید در
جراحی
برداشتن قسمتی از حلقه صماخی استخوانی و
دیواره جانبی اپی تمپانوم و حفظ بخش سخت
پرده و استخوانچه‌ها.

atticotomy

باز کردن آتیک از طریق جراحی.

atypical ناهمگون

AU¹ → auris uterque

AU² → aures unitas

AuD → Doctor of Audiology

audi(o)

پیشوندی است به معنای شنوایی یا صوت.

audibility قابلیت شنیدن

homogeneity of a.

همگنی قابلیت شنیدن
یکنواخت بودن بر حسب قابلیت شنیدن مانند
فهرست‌های واژه‌های اسپوندایک که در
آزمایش آستانه گفتار استفاده می‌شود.

audibility index (AI)

شاخص درک گفتار
اندازه نسبی از نشانه‌های گفتاری که قابل
شنیدن هستند. مترادف: articulation index,
speech intelligibility index.

audibility threshold

به threshold، مراجعه کنید.

audible قابل شنیدن، شنیدنی
دارای شدت کافی به اندازه‌ای که شنیده شود.

audible frequency range

audible frequency range

محدوده فرکانس‌های قابل شنیدن
محدوده فرکانس‌هایی که می‌توان شنید که در
جوانان از تقریباً ۱۵ Hz تا ۲۰۰۰۰ Hz است.

audible range

محدوده قابل شنیدن
محدوده فرکانس‌های قابل شنیدن.

audile

شنوایی
مربوط به شنیدن.

auding

شنیدن
دریافت، درک و فهمیدن اطلاعات صوتی.

audio boot

رابط صوتی
وسیله‌ای که به عنوان رابط بین سمعک پشت
گوشی و سیم ورودی مستقیم صوتی به کار
می‌رود.

audio dosimeter

دوزسنج صوت
ابزاری که به بدن متصل می‌شود و برای
اندازه‌گیری سطح تجمعی و زمان تداوم نویزی
که فرد در طول مدت‌زمان خاصی با آن مواجه
است مورد استفاده قرار می‌گیرد.

audioanalgesia

مسکن صوتی
استفاده از صدا برای کاهش دادن حساسیت به
درد به‌ویژه در دندانپزشکی.

audiofrequency

فرکانس شنیدنی، فرکانس قابل شنیدن
فرکانس موج صوتی در محدوده فرکانس‌های
قابل شنیدن.

audiogram

audiogenic

ناشی از صوت
ناشی از صدا به‌ویژه صدای بلند.

audiogenic seizure

حمله ناگهانی ناشی از صوت

audiogram

نمودار شنوایی، ادیوگرام
نمایش ثبت آستانه‌های حساسیت شنوایی به
عنوان تابعی از فرکانس محرک.
علایم استاندارد برای انتقال هوایی: O برای
گوش راست و X برای گوش چپ (قرمز برای
راست و آبی برای چپ) است. با آن که
راهنمای علایم ادیومتریک < را برای انتقال
استخوانی گوش راست و > را برای انتقال
استخوانی گوش چپ مشخص کرده است اما
برخی از شنوایی‌شناسان هنوز از > برای
راست و از < برای چپ یا روش‌های دیگر
استفاده می‌کنند که استاندارد نیست. علایمی
که انتقال استخوانی پوشش یافته را نشان
می‌دهد [برای راست و] برای چپ است.

base line a.

ادیوگرام پایه
اولین ادیوگرامی که برای مقایسه با
ادیوگرام‌های بعدی و تعیین میزان تغییر در
حساسیت شنوایی به دست می‌آید.

behavioral a.

ادیوگرام رفتاری
ادیوگرامی که به روش سنجش رفتاری شنوایی
به دست می‌آید.

cookie bite a. = saddle a.

ادیوگرام کاسدای شکل

audiogram

audiogram

MODALITY	EAR*		
	RIGHT	BOTH	LEFT
<u>AIR CONDUCTION - EARPHONES</u>			
UNMASKED	○		×
MASKED	△		□
<u>BONE CONDUCTION - MASTOID</u>			
UNMASKED	<		>
MASKED	⌊		⌋
<u>BONE CONDUCTION - FOREHEAD</u>			
UNMASKED		Y	
MASKED	┌		└
<u>AIR CONDUCTION - SOUND FIELD</u>		§	

Recommended Symbols

MODALITY	EAR*		
	RIGHT	BOTH	LEFT
<u>AIR CONDUCTION - EARPHONES</u>			
UNMASKED	○ ↘		× ↘
MASKED	△ ↘		□ ↘
<u>BONE CONDUCTION - MASTOID</u>			
UNMASKED	< ↘		> ↘
MASKED	⌊ ↘		⌋ ↘
<u>BONE CONDUCTION - FOREHEAD</u>			
UNMASKED		Y ↘	
MASKED	┌ ↘		└ ↘
<u>AIR CONDUCTION - SOUND FIELD</u>		§ ↘	

Recommended "no response" Symbols

audiogram گوشه‌ای corner a.

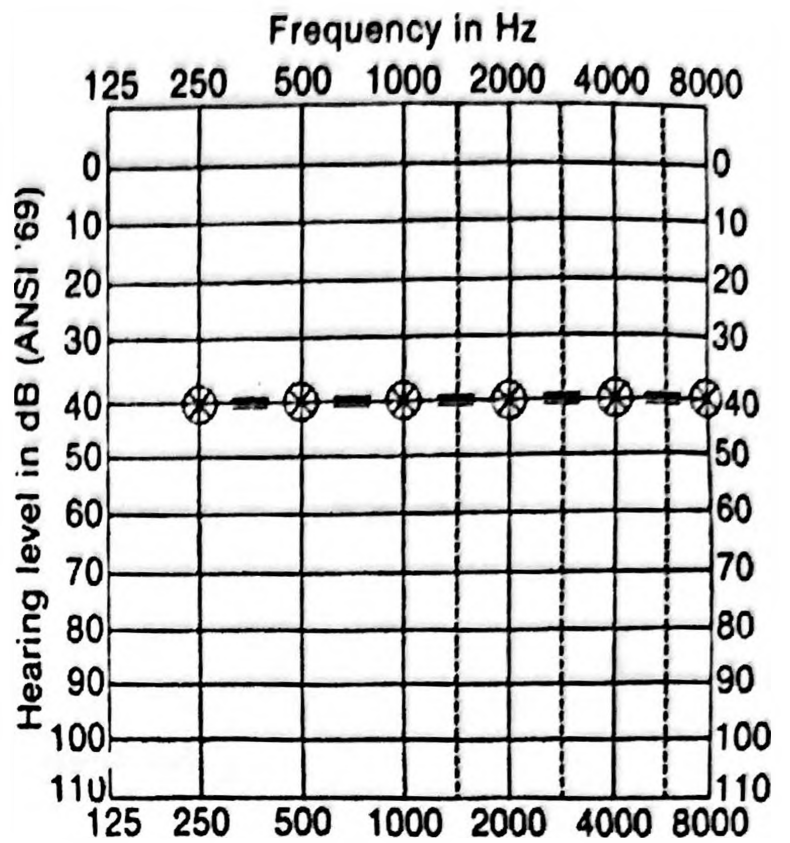
شکلی از منحنی شنوایی که مشخصه آن کاهش شنوایی عمیق است و آستانه‌ها تنها در ناحیه فرکانس‌های پایین قابل اندازه‌گیری هستند.

dipper a. = saddle a.

audiogram ملاقه‌ای شکل

audiogram صاف flat a.

شکلی از audiogram که حساسیت شنوایی در طول محدوده فرکانس‌های ادیومتریک



Air Conduction
○ right ear
× left ear

Flat

یکسان است.

gradual falling or gradual rising a.

ادیوگرام نزولی تدریجی یا صعودی تدریجی شکلی از audiogram که کاهش شنوایی در هر اکتاو ۵ تا ۱۰ دسی بل افزایش یا کاهش می‌یابد.

marked falling a. = sharply

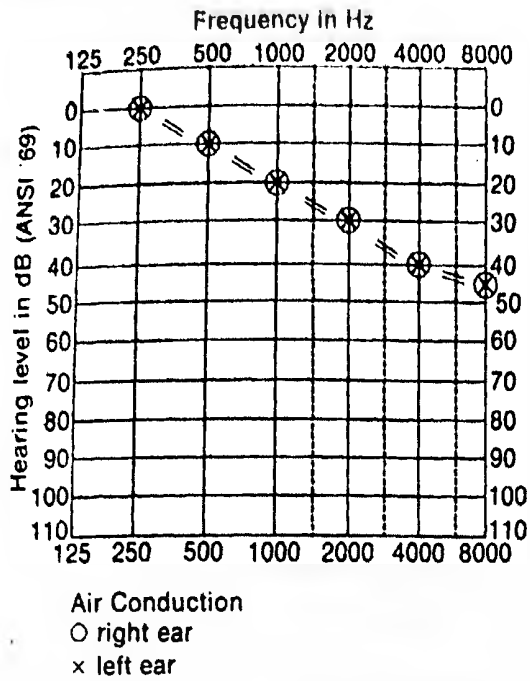
falling a. audiogram نزولی بارز

audiogram تن خالص pure-tone a.

نمودار آستانه‌های حساسیت شنوایی که بر حسب دسی بل HL بیان می‌شوند و به وسیله ادیومتری تن خالص از طریق انتقال هوایی و استخوانی در فرکانس‌های اکتاوی و نیم‌اکتاوی ۲۵۰ تا ۸۰۰۰ هرتز به دست آمده‌اند.

audiogram

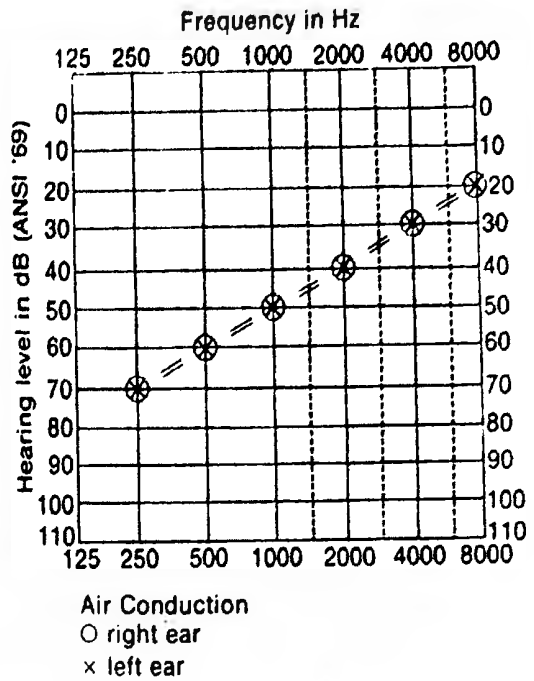
audiogram



Gradual Falling Curve

saddle a. ادیوگرام زینی شکل

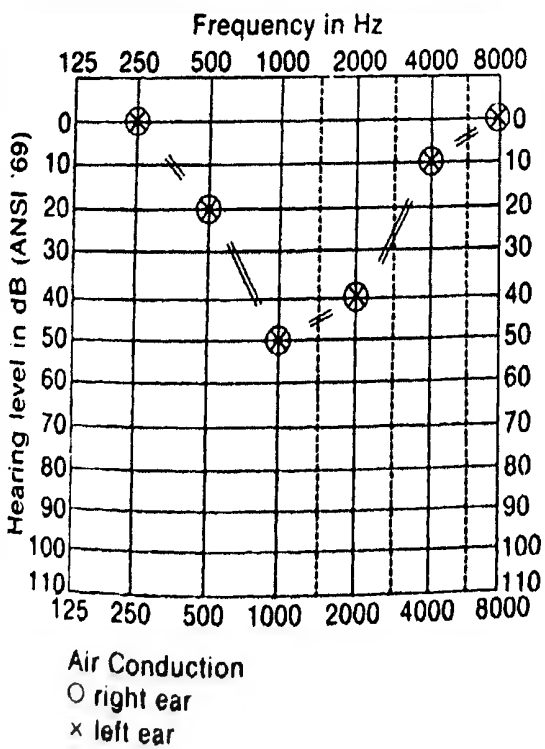
شکلی از ادیوگرام که کاهش شنوایی در فرکانس‌های میانه بیشتر از فرکانس‌های بالا و پایین است.



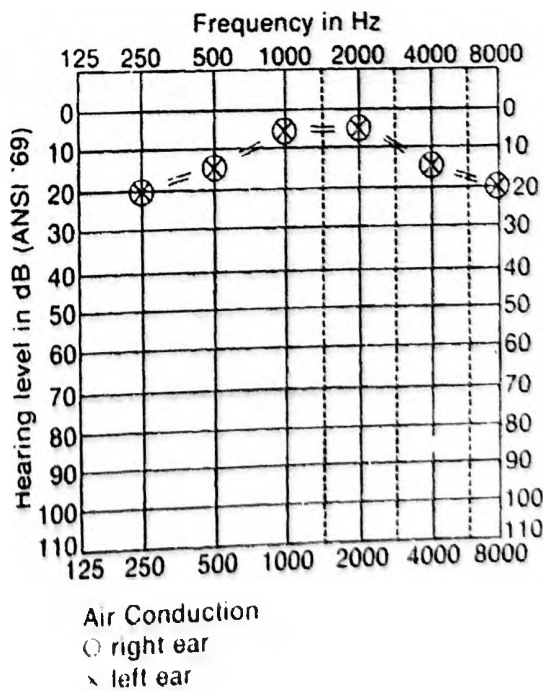
Gradual Rising Curve

saucer a. ادیوگرام نعلبکی شکل

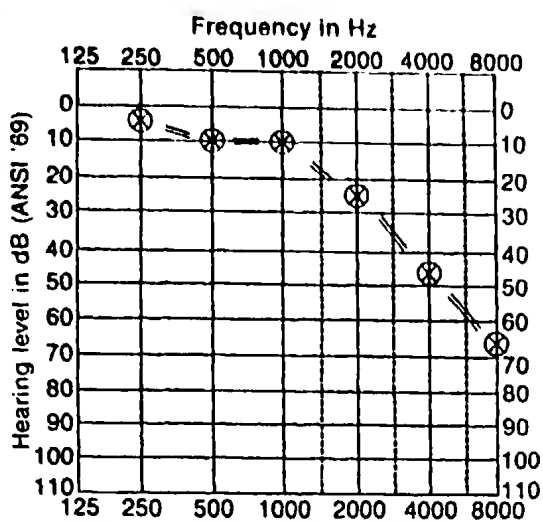
شکلی از ادیوگرام که بلندی یکسان در همه فرکانس‌ها را نشان می‌دهد.



Saddle, Dipper, Trough, or "U"-Shaped Curve



Saucer Curve



Air Conduction

○ right ear

× left ear

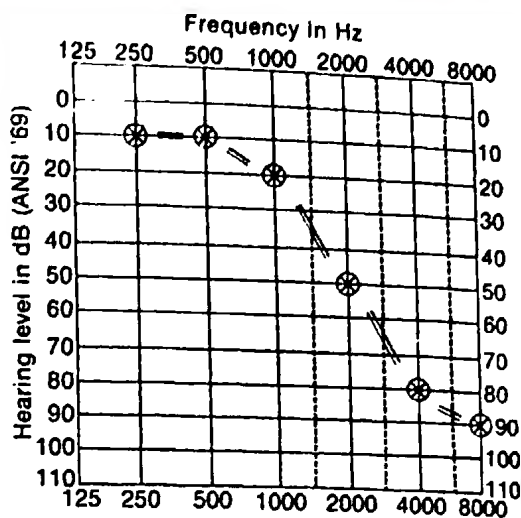
Sharply Falling or Marked Curve

serial a. ادیوگرام دوره‌ای یکی از ادیوگرام‌های دوره‌ای که در فواصل زمانی منظم، معمولاً به شکل سالانه و به عنوان بخشی از برنامه حفاظت شنوایی به دست می‌آید.

shadow a. ادیوگرام سایه‌ای ادیوگرامی که انعکاسی از شنوایی متقاطع از گوش غیرآزمایشی پوشش نیافته و دارای شنوایی طبیعی یا نزدیک به طبیعی است و در حین آزمایش گوشی که مبتلا به کاهش شنوایی شدید یا عمیق است به دست می‌آید. این نمودار نشان‌دهنده عضوی بودن کاهش شنوایی در گوش آزمایشی است.

sharply falling a.

ادیوگرام نزولی شدید
شکلی از ادیوگرام که کاهش شنوایی در



Air Conduction

○ right ear

× left ear

Ski Slope, Steep Drop, Sudden Drop, or Waterfall Curve

فرکانس‌های بالا در هر اکتاو ۱۵ تا ۲۰ دسی‌بل افزایش می‌یابد.

ski slope a. ادیوگرام شیب‌دار شکلی از ادیوگرام که معمولاً نشان‌دهنده شنوایی طبیعی در فرکانس‌های پایین و افت شیب‌داری به مقدار ۲۵ دسی‌بل یا بیشتر در هر اکتاو در فرکانس‌های بالا می‌باشد.

steep-drop a. = ski slope audiogram**sudden drop a.** = ski slope audiogram**U-shaped a.** = saddle audiogram

ادیوگرام U شکل

waterfall a. = ski slope audiogram

ادیوگرام آبشاری

audiogram configuration

شکل نمودار شنوایی، شکل ادیوگرام

audiograph ادیوگراف، شنوایی نگاره
اصطلاح اولیه ادیوگرام.

audiography ادیوگرافی، شنوایی نگاری
اصطلاح اولیه سنجش شنوایی.

audiologic, audiological ادیولوژیک
مربوط به شنوایی شناسی.

audiologic evaluation

ارزیابی ادیولوژیک، ارزیابی شنوایی
ارزیابی توانایی شنوایی.

audiologic habilitation

نوتوانی شنوایی، توانبخشی شنوایی

audiologist شنوایی شناس

به فردی اطلاق می شود که دارای مدرک در رشته شنوایی شناسی است و خدمات جامعی در زمینه پیشگیری، ارزیابی و توانبخشی آسیب های شنوایی و تعادل و اختلالات ارتباطی همراه آن، ارائه می نماید.

dispensing a.

شنوایی شناس توزیع کننده
شنوایی شناسی که سمعک توزیع می کند.

educational a.

شنوایی شناس آموزشی
شنوایی شناسی که به گرایش نیازهای شنوایی

کودکان سن مدرسه در محیط آموزشی علاقه مند است. این نیازها عبارتند از غربالگری، ارزیابی، پی گیری، ارجاع مناسب، مسائل مربوط به اکوستیک کلاس ها، دستگاه های شنوایی کمکی، روش های ارتباطی، نیازهای خاص هر کودک و غیره.

pediatric a. شنوایی شناس کودکان
شنوایی شناسی که در گرایش ارزیابی و درمان اختلالات شنوایی کودکان فعالیت دارد.

audiology شنوایی شناسی
شاخه ای از علوم پزشکی که به مطالعه و تشخیص، درمان و پیشگیری اختلالات شنوایی اختصاص دارد.

clinical a. شنوایی شناسی بالینی
شاخه ای از شنوایی شناسی که به ارزیابی و تشخیص غیر پزشکی آسیب های شنوایی و تعادلی می پردازد.

educational a.

شنوایی شناسی مدارس
گرایشی از شنوایی شناسی که به نیازهای شنوایی کودکان مدرسه رو در مراکز آموزشی اختصاص دارد.

experimental a.

شنوایی شناسی آزمایشگاهی
شاخه ای از شنوایی شناسی که به مطالعه پژوهشی دستگاه شنوایی و عملکرد آن در انسان و حیوانات اختصاص دارد.

forensic a. شنوایی‌شناسی قانونی
گرایشی از شنوایی‌شناسی که به پیامدهای
قانونی مرتبط با کاهش شنوایی و نویز
اختصاص دارد.

geriatric a. شنوایی‌شناسی سالمندان
شاخه‌ای از شنوایی‌شناسی که به مشکلات
شنوایی سالمندان می‌پردازد.

pediatric a. شنوایی‌شناسی کودکان
گرایشی از شنوایی‌شناسی که به مطالعه،
ارزیابی و درمان اختلالات شنوایی کودکان
اختصاص دارد.

recreational a.
شنوایی‌شناسی تفریحی
گرایشی از شنوایی‌شناسی که به حفاظت
شنوایی در طول فعالیت‌های تفریحی از قبیل
تیراندازی، گوش کردن به موسیقی، قایقرانی و
غیره اختصاص دارد.

rehabilitative a.
شنوایی‌شناسی توانبخشی
درمان افراد مبتلا به کاهش شنوایی عارضی
به منظور بهبود کلی توانایی برقراری ارتباط که
شامل استفاده از سمعک، تربیت شنوایی،
گفتارخوانی، مشاوره و راهنمایی است. مترادف:
aural rehabilitation

audiometer شنوایی‌سنج، ادیومتر
تجهیزات الکترونیک که برای ارزیابی
حساسیت شنوایی و نیز ارائه محرک‌های

تنظیم‌شده فوق‌آستانه‌ای ساخته شده است.

automatic a. شنوایی‌سنج خودکار
شنوایی‌سنجی که نیاز به فعالیت مداوم آزمایشگر
ندارد. مانند شنوایی‌سنج بکزی که بیمار شدت
را با تغییر مداوم کاهنده کنترل می‌کند و یا
شنوایی‌سنج رایانه‌ای که سطح ارائه محرک
تحت کنترل نرم‌افزار است.

Békésy a. شنوایی‌سنج بکزی
شنوایی‌سنج خودکاری که بیمار کاهش شدت
محرک را در فرکانسی ثابت یا در حین چاروب
فرکانسی یا فشردن دکمه‌ای کنترل می‌کند.

clinical a. شنوایی‌سنج بالینی
دستگاه شنوایی‌سنج که به تمام محدوده
فرکانس‌های ادیومتریکی و قابلیت‌های انتقال
هوایی و استخوانی مجهز است. مترادف:
diagnostic audiometer, wide-range
audiometer

crib-o-gram a.

شنوایی‌سنج گهواره‌ای
دستگاه شنوایی‌سنج خودکار غربالگری نوزادان
که امکان بررسی سریع شنوایی را فراهم
می‌آورد و توسط اف. بی. سایمونز ابداع گردیده
است. پاسخ‌ها به وسیله مبدل حساس به
حرکت که زیر تشک کودک قرار دارد دریافت
شده و روی نوار ثبت می‌گردد. این مبدل به
تغییرات تنفس، حرکت اندام‌ها و تقریباً هر نوع
حرکت (به استثنای پاک زدن یا حرکات
صورت) حساس است.

continuous-frequency a.

شنوایی‌سنج فرکانس پیوسته
اصطلاح اولیه‌ای که برای توصیف شنوایی‌سنج
بکزی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در آن
فرکانس محرک به‌طور خودکار در گام‌های
کوچک (۱ سیکل در ثانیه) در طول محدوده
فرکانسی تغییر می‌کند.

diagnostic a. = clinical audio-
meter

discrete-frequency a.

شنوایی‌سنج فرکانس مجزا
شنوایی‌سنجی که فرکانس‌های تن خالص آن
متمايز هستند و جداگانه ارائه می‌شوند.

extended high-frequency a. =
high-frequency audiometer

free-field equivalent a.

شنوایی‌سنج معادل میدان صوتی
شنوایی‌سنج تن خالص یا گفتاری که سطوح
خروجی مدبل آن به نحوی تنظیم شده باشد
که معادل سطوح آستانه مرجع میدان صوتی
شود. بدین ترتیب نتایج آزمایش شنوایی با
گوشی یا ارتعاش‌گر استخوانی معادل آزمایش
شنوایی در میدان صوتی با آزیموت صفر درجه
خواهد بود (ANSI S3.6-1996).

high-frequency a.

شنوایی‌سنج فرکانس‌های بالا
شنوایی‌سنجی که دارای محدوده فرکانس

بیش از ۸۰۰۰ هرتز است.

limited-range a.

شنوایی‌سنج محدود
شنوایی‌سنجی که از نظر فرکانس و سطح فشار
صوتی محدود است و غالباً در شنوایی‌سنجی
غربالگری کاربرد دارد.

limited-range speech a.

شنوایی‌سنج گفتاری محدود
دستگاه شنوایی‌سنج تن خالصی که از نظر
سطوح فشار صوتی محدود شده است و لزومی
به تجهیز آن به امکانات ارائه پوشش نیست.

microprocessor a.

شنوایی‌سنج ریزپردازنده
شنوایی‌سنج خودکاری که مشخصه آن توانایی
انجام سنجش شنوایی تن خالص تحت کنترل
ریزپردازنده است.

narrow-range a.

شنوایی‌سنج بسیار محدود
دستگاه شنوایی‌سنج تن خالصی که از نظر
فرکانس‌ها و سطوح فشار صوتی محدودتر از
دستگاه شنوایی‌سنج محدود است. فرکانس‌ها
و سطوح شدتی آن معمولاً مناسب آزمایش‌های
غربالگری خاص است.

peep show a.

شنوایی‌سنج نمایشی، شنوایی‌سنج شهر فرنگ
تجهیزات تشویق بینایی اولیه که برای
سنجش شنوایی تن خالص خردسالان مورد

استفاده قرار می‌گرفت و در آن از ظاهر شدن یک عروسک برای تشویق پاسخ صحیح استفاده می‌شد.

pure-tone a. شنوایی سنج تن خالص
تجهیزاتی که برای ارائه فرکانس‌های خالص مورد نظر در سطوح تنظیم‌شده خروجی برای به دست آوردن ادیوگرام به کار می‌رود.

Rudmose a. شنوایی سنج رادموز
شنوایی سنج خودکار اولیه که در آن بیمار سطح شدت محرک را کنترل می‌نمود.

speech a. شنوایی سنج گفتاری
اصطلاح اولیه‌ای برای شنوایی سنج مجهز به ارائه گفتار از طریق میکروفن، ضبط صوت یا گرامافون یا سطح خروجی کنترل شده.

wide-range a. شنوایی سنج جامع
اصطلاح اولیه‌ای برای توصیف دستگاه شنوایی سنجی که به تمام محدوده فرکانس‌های ادیومتریک و قابلیت‌های انتقال هوایی و استخوانی مجهز است. مترادف:
clinical audiometer, diagnostic audiometer

audiometric ادیومتریک
مربوط به سنجش شنوایی.

audiometric configuration

شکل منحنی شنوایی، شکل ادیوگرام، شکل ادیوگرام، به عنوان مثال صاف، صعودی،

شیب‌دار، دارای شیب تند.

audiometric simulator

شبیه‌ساز ادیومتریک
تجهیزاتی با مبنای رایانه‌ای که برای آموزش مهارت‌های سنجش شنوایی، پاسخ‌های بیماران دارای منحنی‌های متفاوت ادیومتریک را شبیه‌سازی می‌کند.

audiometric technician

کاردان شنوایی‌سنجی، ادیومتریست
کاردانی که در زمینه استفاده از دستگاه شنوایی سنج برای تعیین آستانه‌های شنوایی تحت نظارت شنوایی‌شناس آموزش دیده است. مترادف: audiometrist.

audiometric tests

آزمون‌های شنوایی‌سنجی
روش‌هایی که برای تعیین ماهیت و میزان اختلال شنوایی به کار می‌رود.

audiometric Weber و برادیومتریک
آزمون وبر که در آن به جای دیاپازون، ارتعاشگر انتقال استخوانی شنوایی سنج وسط پیشانی قرار داده می‌شود و بیمار صدا را در سر مکانیابی می‌کند.

audiometric zero صفر ادیومتریک
پایین‌ترین سطح فشار صوتی در هر یک از فرکانس‌های ادیومتریک تن خالص که به طور متوسط برای گوش‌های با شنوایی طبیعی قابل شنیدن است، بر حسب استانداردهای ملی

صفر دسی بل سطح شنوایی (HL) یا صفر
ادیومتریک نامیده می شود. مترادف:
reference zero level

audiometrist

کار دان شنوایی سنجی، ادیومتریست
کار دانی که در زمینه استفاده از شنوایی سنج
برای تعیین آستانه های شنوایی تحت نظارت
شنوایی شناس آموزش دیده است. مترادف:
.audiometric technician

audiometry

شنوایی سنجی
ارزیابی شنوایی با استفاده از دستگاه
شنوایی سنج.

auditory brain stem response (ABR) a.

سنجش پاسخ شنوایی ساقه مغز
آزمایش ABR که برای پیش بینی حساسیت
شنوایی و ارزیابی سلامت عصب هشتم
جمع می آید و ساختمان های شنوایی ساقه مغز
به کار می رود.

شنوایی سنجی خودکار **automatic a.**
ارزیابی خودکار شنوایی به وسیله دستگاه
شنوایی سنج بکزی یا شنوایی سنج رایانه ای.

averaged evoked response a. (AERA)

شنوایی سنجی پاسخ برانگیخته معدل-
گیری شده
شنوایی سنجی با استفاده از پتانسیل های

برانگیخته برای پیش بینی حساسیت شنوایی.

شنوایی سنجی رفتاری **behavioral a.**
شنوایی سنجی تن خالص یا گفتار که بر خلاف
شنوایی سنجی الکتروفیزیولوژیک یا
الکترواکوستیک شامل هر نوع پاسخ رفتاری
می باشد.

behavioral observation a.

شنوایی سنجی مشاهده رفتاری (BOA)
ارزیابی شنوایی کودکان از طریق مشاهده
پاسخ های غیر شرطی کودک به صدا.

Békésy a.

شنوایی سنجی بکزی
شنوایی سنجی خودکار که در آن از دستگاه
شنوایی سنج بکزی برای تعیین آستانه های
شنوایی اصوات منقطع و پیوسته استفاده
می شود. الگوی منحنی به طور کلی به پنج نوع
دسته بندی می شود که با اختلالات مختلف
شنوایی همخوانی دارد.

brainstem evoked response a.

(BERA) = auditory brainstem
response audiometry

brainstem response a. (BRA)

= auditory brain stem response
audiometry

brief-tone a. (BTA)

شنوایی سنجی تن های کوتاه
آزمونی که برای تشخیص محل ضایعه

حازونی ساخته شده و در آن آستانه‌های اصوات انفجاری ۱۰۰ میلی‌ثانیه‌ای و ۱۰ میلی‌ثانیه‌ای به دست می‌آیند. آستانه به‌طور طبیعی به ازای کاهش زمان تداوم در حد یک‌دهم برابر ۱۰ دسی‌بل کاسته می‌شود.

cardiac evoked response a. (CERA)

شنوایی‌سنجی پاسخ برانگیخته قلبی روشی الکتروفیزیولوژیک که در آن برای پیش‌بینی حساسیت شنوایی تغییرات تعداد ضربان قلب در پاسخ به محرک شنوایی از طریق الکتروکاردیوگرام پایش می‌شود.

computerized a.

شنوایی‌سنجی رایانه‌ای شنوایی‌سنجی خودکار که با برنامه رایانه‌ای کنترل می‌شود.

conditioned orientation reflex a. (COR)

شنوایی‌سنجی پاسخ جهت‌یابی شرطی شده. شنوایی‌سنجی COR

شنوایی‌سنجی رفتاری که برای ارزیابی حساسیت شنوایی خردسالان ابداع شده است و در آن پاسخ چرخش سر به طرف منبع صوتی به وسیله تشویق بینایی شرطی می‌شود.

cortical evoked response a. (CERA)

شنوایی‌سنجی پاسخ برانگیخته قشر مغز روشی الکتروفیزیولوژیک برای پیش‌بینی

حساسیت شنوایی از طریق ارزیابی پاسخ‌های برانگیخته دیررس به تحریک شنوایی.

delayed feedback a. (DFA)

شنوایی‌سنجی بازخورد تأخیر یافته استفاده از بازخورد تأخیر یافته شنوایی در ارزیابی عضوی بودن کاهش شنوایی عملکردی مشکوک. ارائه گفتار تأخیر یافته در صورت شنیده شدن، روانی یا سرعت گفتار را مختل خواهد کرد.

diagnostic a.

شنوایی‌سنجی تشخیصی ارزیابی شنوایی به منظور تعیین ماهیت و میزان آسیب شنوایی.

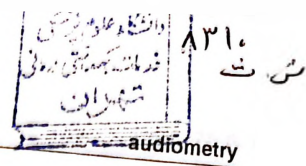
electric response a. (ERA) = evoked response audiometry

electrocardiographic response a. = cardiac evoked response audiometry

electrodermal a. (EDA)

شنوایی‌سنجی الکتریکی پوستی روشی برای تعیین حساسیت شنوایی در موارد مشکوک به کاهش شنوایی عملکردی به وسیله ارزیابی پاسخ سایکوالوژیک پوست به صدا پس از شرطی کردن بیمار نسبت به صوتی که با شوک ملایمی همراه است. مترادف:

PGSR audiometry, GSR audiometry

**electroencephalic a. (EEA)**

شنوایی سنجی از طریق انسفالوگرافی اولین کاربرد پاسخ‌های الکتروفیزیولوژیک در تعیین حساسیت شنوایی که شامل مشاهده تغییرات الگوهای EEG در پاسخ به تحریک شنوایی است.

electrophysiologic response**a. (ERA)**

شنوایی سنجی پاسخ الکتروفیزیولوژیک پیش‌بینی حساسیت شنوایی بر مبنای ثبت پتانسیل‌های الکتریکی فیزیولوژیک در پاسخ به تحریک شنوایی.

evoked response a. (ERA)

شنوایی سنجی پاسخ‌های برانگیخته پیش‌بینی الکتروفیزیولوژیک حساسیت شنوایی.

fixed-frequency a.

شنوایی سنجی فرکانس ثابت استفاده از شنوایی سنجی بکزی یا خودکار برای ردیابی آستانه‌های حساسیت شنوایی در یک فرکانس ثابت مجزا. ر.ک: sweep-frequency audiometry

galvanic skin response (GSR)

a. = electrodermal audiometry

group a.

شنوایی سنجی گروهی آزمایش همزمان شنوایی چند بیمار که معمولاً به وسیله شبکه‌ای از دستگاه‌های شنوایی سنج

خودکار انجام می‌شود.
heart-rate a. (HRA) = cardiac evoked response audiometry

identification a.

شنوایی سنجی شناسایی، شنوایی سنجی غربالگری
غربالگری آزمایشی که برای غربالگری شنوایی تعداد زیادی از افراد مانند نوزادان و کودکان مدرسه‌رو به منظور شناسایی کسانی که به ارزیابی شنوایی جامع‌تری نیاز دارند، طراحی شده است. مترادف: screening audiometry, sweep check test

immittance a.

شنوایی سنجی ایмпیتانس مجموعه‌ای از آزمایش‌های ایмпیتانس شامل تعیین ایмпیتانس ایستا (استاتیک)، تمپانومتري و آستانه رفلکس صوتی که برای ارزیابی عملکرد گوش میانی طراحی شده است.

impedance a. = immittance audiometry

in situ a.

شنوایی سنجی در محل اصلی خود (مجرای گوش)

ارزیابی شنوایی که در آن آستانه‌های تن خالص و سطوح ناراحتی بلندی در مجرای گوش اندازه‌گیری شده و بر حسب SPL

مجرای گوش بیان می‌شوند.

industrial a. شنوایی‌سنجی صنعتی
ارزیابی شنوایی شامل تعیین حساسیت پایه و
پایش دوره‌ای به منظور مشخص نمودن اثرات
مواجهه با نویز صنعتی بر حساسیت شنوایی.

live voice a.

شنوایی‌سنجی با صدای زنده
ارائه صدای زنده از طریق میکروفن برای
آزمایش شنوایی‌سنجی گفتاری. شدت صدای
آزمایشگر با مشاهده عقربه کنترل‌کننده حجم
صدا پایش می‌شود. مترادف:
monitored live voice audiometry

manual a.

شنوایی‌سنجی به شیوه دستی
هر نوع ارزیابی استاندارد شنوایی که در آن
آزمایشگر ارائه محرک را کنترل می‌کند. متضاد:
automatic audiometry

**monitored live voice a. = live
voice audiometry**

monitoring a. شنوایی‌سنجی پایشی
ارزیابی دوره‌ای حساسیت شنوایی به منظور
تعیین هر گونه تغییر.

**neonatal auditory response
cradle a.**

شنوایی‌سنجی نوزادان در گهواره
روشی که شنوایی نوزادان را ارزیابی می‌نماید.

در این روش نویز باریک بانندی از طریق
تجهیزات داخل گوشی به گوش‌ها ارائه می‌شود
و پاسخ‌های بازتابی نوزاد به طور خودکار
اندازه‌گیری و ثبت می‌گردد.

objective a.

شنوایی‌سنجی عینی، شنوایی‌سنجی ابجکتیو
اندازه‌گیری حساسیت شنوایی بر مبنای
پیش‌بینی آنها از طریق پاسخ‌های فیزیولوژیک
به صدا.

play a.

شنوایی‌سنجی با کمک بازی، شنوایی‌سنجی
بازی‌گونه.
روش رفتاری ارزیابی شنوایی خردسالان که در
آن بازی‌های جهت‌دار، پاداش شناسایی
صحیح محرک است.

**psychogalvanic skin response
(PGSR) a. = electrodermal
audiometry**

pure-tone a. شنوایی‌سنجی تن خالص
اندازه‌گیری آستانه‌ای حساسیت شنوایی به
محرک‌های تن خالص از طریق انتقال هوایی
و استخوانی.

reduced screening a.

شنوایی‌سنجی غربالگری سریع
در این روش تنها ۴۰۰۰ هرتز به عنوان
فرکانس پایشی برای بررسی آغاز کاهش
شنوایی در موارد مواجهه با نویز مخاطره‌آمیز

مورد استفاده قرار می‌گیرد. گاهی ۲۰۰۰ هرتز نیز استفاده می‌شود.

شنوایی‌سنجی غربالگری. a. screening

ارزیابی سریع توانایی افراد در شنیدن محرک‌های صوتی از یک محدوده فرکانسی با شدت استاندارد ثابت که برای شناسایی کسانی که به اقدامات ادیومتریک بیشتری نیاز دارند طراحی شده است. مترادف:

identification audiometry, sweep check test

sound field a.

شنوایی‌سنجی میدان صوتی

اندازه‌گیری حساسیت شنوایی به محرک‌هایی که در میدان صوتی از طریق بلندگو ارائه می‌شوند و به‌ویژه در ارزیابی اطفال به کار می‌رود.

شنوایی‌سنجی گفتار. a. speech

اندازه‌گیری شنیدن محرک‌های گفتاری که شامل ارزیابی آگاهی از گفتار، دریافت گفتار، بازشناسی واژه و جمله، پردازش گفتار ترکیبی و شنیدن دایکوتیک است.

sweep check test = screening audiometry

sweep-frequency a.

شنوایی‌سنجی فرکانس رومی، شنوایی‌سنجی جاروب فرکانسی
استفاده از شنوایی‌سنجی بکزی یا خودکار

برای ردیابی آستانه‌های حساسیت طی افزایش تدریجی فرکانس محرک در محدوده فرکانس‌های ادیومتریک. ر.ک:

fixed-frequency audiometry

tangible reinforcement operant conditioning a. (TROCA)

شنوایی‌سنجی شرطی‌سازی با تشویق چشایی روشی برای شنوایی‌سنجی با استفاده از جعبه‌ای مکانیکی که از آن کودک یا بیمار ناتوان ذهنی پاداشی معمولاً به شکل شیرینی یا خوراکی برای شناسایی صحیح محرک دریافت می‌کند.

شنوایی‌سنجی ردیابی. a. tracking

شنوایی‌سنجی خودکار یا بکزی که در آن بیمار کاهش محرک را با کلید کنترل می‌کند و شدت را به تناوب از سطح قابل شنیدن به غیرقابل شنیدن و دوباره به قابل شنیدن و الی آخر تنظیم می‌کند.

visual reinforcement a. (VRA)

شنوایی‌سنجی با تشویق بینایی روشی در شنوایی‌سنجی که در ارزیابی اطفال مورد استفاده قرار می‌گیرد و در آن روشن کردن نور یا اسباب‌بازی نوری، پاداش پاسخ صحیح به محرک مانند چرخش سر به سوی بلندگو است.

شنوایی‌سنجی بلی - خیر. a. yes-no

روش برای تعیین صحیح آستانه‌های شنوایی در کودکان یا کسانی که در کاهش شنوایی خود

اغراق می‌نمایند؛ از آنها خواسته می‌شود با «بلی» هنگام شنیدن صوت ارائه شده و «خیر» هنگامی که صوت را نمی‌شنوند پاسخ گویند.

audiophile صدادوست
علاقه‌مندان به تجهیزات صوتی دارای کیفیت عالی.

audioprosthetist = audioprosthologist

audioprosthologist
متخصص وسایل کمک‌شنوایی
فردی که در تنظیم و توزیع سمعک دارای مدرک است.

audioprosthology
علم شناخت وسایل کمک‌شنوایی، مطالعه تنظیم سمعک.

audioreflexometry
شنوایی‌سنجی رفلکسی
تخمین سطح شنوایی با مشاهده پاسخ‌های غیرارادی به محرک شنوایی به‌ویژه در شیرخواران.

audiotherapy = auditory training

audiovestibular شنوایی دهلیزی
مرتبط با کارکرد توأم ساختمان‌های شنوایی و دهلیزی.

audiovisual سمعی بصری
مرتبط با نحوه آموزشی که در آن اطلاعات به هر دو روش سمعی و بصری ارائه می‌شوند.

audition شنوایی

auditive شنوایی

audito-oculogyric reflex (AOR)
به reflex مراجعه کنید.

auditorally; auditorially
به روش شنوایی

auditory شنوایی
مربوط به حس شنوایی.

auditory acclimatization
خوگیری شنوایی
تغییر روش‌مند عملکرد شنوایی در طول زمان به دلیل تغییر اطلاعات صوتی موجود؛ به‌طور مثال گوش در پی استفاده از سمعک به صداهایی که بلندی آن افزایش یافته عادت می‌کند.

auditory adaptation تطبیق شنوایی
رویکردی که سبب می‌شود صدایی ثابت و قابل شنیدن بعد از مدتی شنیده نشود. مترادف: tone decay

auditory agnosia فقدان حس شنوایی
آسیب به توانایی بازشناسی گفتار یا دیگر اصوات به دلیل اختلال قشر شنوایی.

auditory alexia

auditory alexia ناخوانی شنوایی
اختلالی که مشخصه آن وجود مشکل در درک شباهت‌ها و تفاوت‌های صداها است.

auditory analysis

تجزیه و تحلیل شنوایی
فرآیند درکی که توسط آن تحریک‌های متوالی شنوایی به صورت کلی شناسایی شده و به اجزای خود تجزیه می‌شود.

auditory aphasia زبان‌پریشی درکی
آسیب در درک زبان گفتاری. مترادف:
receptive or Wernicke's fluent,
aphasia

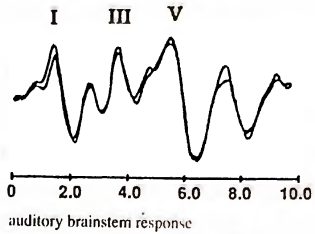
auditory area منطقه شنوایی
قشر شنوایی اولیه (منطقه ۴۱ برودمن) که در شکنج عرضی (شکنج هشل) لب گیجگاهی واقع شده است.

auditory attention توجه شنوایی
فرآیند درکی که در آن فرد بر اصوات خاصی تمرکز می‌نماید.

auditory behavior index (ABI)

شاخص رفتار شنوایی
طبقه‌بندی پاسخ‌های رفتاری مورد انتظار از نوزادان و خردسالان.

auditory blending آمیختگی شنوایی
فرآیند درکی که در آن واج‌های یک واژه با یکدیگر ترکیب شده و آن کلمه را می‌سازند.

auditory brainstem response (ABR)**auditory boundaries, natural**

مرزهای شنوایی طبیعی
توانایی تمایز صوت که هنگام تولد وجود دارد و به عملکرد طبیعی مکانیسم درکی شنوایی نسبت داده می‌شود.

auditory brainstem implant (ABI)

کاشت (الکتروود در بخش) شنوایی ساقه مغز
الکتروودهایی که در محل اتصال عصب هشتم مجموعه‌ای به هسته حلزونی کاشته می‌شوند که محرک‌ها را از پردازنده خارجی دریافت کرده و تکانه‌های الکتریکی را مستقیماً به ساقه مغز ارسال نمایند.

auditory brainstem response (ABR)

پاسخ شنوایی ساقه مغز
پتانسیل برانگیخته شنوایی که از عصب هشتم مجموعه‌ای و ساختمان‌های شنوایی ساقه مغز منشأ می‌گیرد و شامل پنج تا هفت قله قابل تشخیص است که

عملکرد عصبی راه‌ها و هسته‌های شنوایی
را نشان می‌دهند.

electrically evoked a.b.r.(EABR)

پاسخ برانگیخته شنوایی ساقه مغز با
استفاده از تحریک الکتریکی
پاسخ شنوایی ساقه مغز که با تحریک
الکتریکی حلزون از طریق الکتروود خارج
حلزونی دماغه‌ای یا کاشت حلزون ایجاد
می‌شود.

auditory brainstem response audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

auditory canal مجرای خارجی شنوایی

کیسول شنوایی
حباب یا کیسه گوشی در جنین انسان که از
صفحات گوشی ایجاد می‌شود و به حلزون
تبدیل می‌گردد. مترادف: otic capsule.

شنوایی استنباطی
فرایند درکی که در طی آن اطلاعات شنوایی
ناقص به شکل یک مجموعه تلفیق می‌شوند
تا بتوان واژه‌های را که برخی از واج‌های آن
حذف شده یا درک نمی‌گردد بازشناسی نمود.

auditory comprehension

درک شنوایی
فهم زبان گفتاری.

auditory cortex قشر شنوایی

منطقه شنوایی قشر مغزی که در شکنج
گیجگاهی عرضی (شکنج هشل) لب
گیجگاهی واقع شده است.

auditory cue نشانه کلیدی شنوایی

اطلاعات کلامی که به برقراری ارتباط برای
پاسخ‌دهی کمک می‌کند.

auditory deprivation

محرومیت شنوایی
کاهش یا فقدان فرصت حسی برای
ساختمان‌های عصبی مرکزی تر از اندام
انتهایی به دلیل کم شدن تحریک شنوایی که
در اثر کاهش شنوایی ایجاد می‌شود.

adult-onset a.d. = late-onset
auditory deprivation

delayed-onset a.d. = late-
onset-auditory deprivation

late-onset a.d.

محرومیت شنوایی دیرآغاز
کاهش محسوس توانایی بازشناسی واژه که
بعد از یک دوره تحریک نامتقارن در گوش
بدون سمعک بزرگسالانی که سمعک
یک‌گوشی دارند ایجاد می‌شود.

auditory deprivation effect

اثر محرومیت شنوایی
کاهش نظام‌دار عملکرد شنوایی در طول زمان

auditory differentiation

که با کم شدن اطلاعات صوتی دریافتی همراه است.

auditory differentiation

شنیدن افتراقی
تمایز شنوایی در حضور صدای زمینه.

auditory discrimination

تمایز شنوایی
پردازه درکی که در طی آن فرد، اصوات یا واژه‌ها را از بین صداها یا کلمات تشخیص و افتراق می‌دهد.

auditory disorder اختلال شنوایی

اختلال در ساختمان یا عملکرد شنوایی یا هر دو.

central a.d. (CAD)

اختلال شنوایی مرکزی
اختلال عملکردی ناشی از بیماری‌ها یا ضربه به دستگاه عصبی شنوایی مرکزی.

peripheral a.d.

اختلال شنوایی محیطی
اختلال عملکردی ناشی از بیماری‌ها یا ضربه به گوش خارجی، میانی، حلزون و عصب هشتم جمجمه‌ای.

auditory evoked field (AEF)

میدان برانگیخته شنوایی
پاسخ الکترومغناطیسی دستگاه عصبی شنوایی.

auditory evoked response (AER)**auditory evoked potential (AEP)**

به potential مراجعه کنید.

auditory evoked response (AER)

پاسخ برانگیخته شنوایی
پاسخ الکتروفیزیولوژیک به صدا که بر حسب زمان زهفتگی افتراق داده می‌شود و شامل SSEP, LVR, MLR, ABR, E.Co.G و ۳۰۰ است.

brainstem a.e.r. (BAER) =

auditory brain stem response

late a.e.r. = long-latency auditory evoked response

long-latency a.e.r. (LLAER)

پاسخ برانگیخته دیررس شنوایی
پتانسیل برانگیخته که از قشر مغز منشأ می‌گیرد و دارای دو قله اصلی، یک قله منفی حدود ۹۰ میلی ثانیه و یک قله مثبت حدود ۱۸۰ میلی ثانیه متعاقب ارائه محرک است که از فرق سر ثبت می‌شوند.

middle-latency a.e.r. (MLAER)

پاسخ برانگیخته میان‌رس شنوایی
پتانسیل برانگیخته شنوایی که از ناحیه تشعشعات شنوایی و قشر مغز منشأ می‌گیرد و اولین جزء آن یک قله مثبت فرق سر است که در ۲۵ تا ۴۰ میلی ثانیه پس از ارائه محرک ثبت می‌شود.

auditory evoked response (AER)**slow negative a.e.r. (SN10)**

پاسخ برانگیخته شنوایی با قله منفی در میلی ثانیه دهم

پتانسیل الکتریکی معدل‌گیری شده شنوایی که توسط تن‌های انفجاری برانگیخته شده و به شکل قله منفی پهن فرق سر که حدود ۱۰ میلی ثانیه پس از شروع محرک رخ می‌دهد مشخص می‌شود.

auditory fatigue خستگی شنوایی

افزایش موقت آستانه‌های شنوایی متعاقب مواجهه با نویز. مترادف: temporary threshold shift

auditory feedback

به feedback مراجعه کنید.

auditory field میدان شنوایی

محدوده یا فاصله‌ای که حدود شنیده شدن صدای معینی را مشخص می‌کند.

auditory figure-ground

شنوایی در حضور صدای زمینه شنیدن محرک صوتی مورد نظر در حضور نویز زمینه رقابتی.

auditory figure-ground discrimination

تمایز شنوایی در حضور صدای زمینه پردازش درکی که در طی آن اطلاعات صوتی مورد نظر از نویز زمینه افتراق داده می‌شود.

auditory late response (ALR)

auditory flutter fusion = auditory fusion

auditory fusion ترکیب شنوایی پردازش‌های که به واسطه آن صدای منقطع به شکل پیوسته درک می‌شود.

auditory fusion threshold test-revised (AFT-R)

آزمایش بازبینی شده آستانه ترکیب شنوایی آزمایش پردازش زمانی که به منظور ارزیابی کوتاه‌ترین زمان وقفه که فرد قادر است بین محرک‌های آزمایشی درک کند طراحی شده است. مترادف: gap detection.

auditory ganglia عقده‌های شنوایی

اجسام سلولی الیاف عصب شنوایی که در سونک (مدیولوس) تجمع یافته‌اند. مترادف: spiral ganglia

auditory hallucination توهم شنوایی

درک واضح صدایی که وجود خارجی ندارد.

auditory imperception

عدم درک شنوایی آسیب‌بازشناسی یا تفسیر صوت.

auditory late response (ALR)

پتانسیل برانگیخته که از قشر مغز منشأ می‌گیرد و دارای دو قله اصلی است که یک قله آن منفی حدود ۹۰ میلی ثانیه و قله مثبت آن

auditory lateralization

حدود ۱۸۰ میلی ثانیه متعاقب ارائه محرک از
فرق سر ثبت می شود. مترادف: LL.AER.

auditory lateralization

جهت یابی شنوایی
فرآیند درکی تعیین مکان صدا درون سر.

auditory localization

مکان یابی شنوایی
فرآیند درکی تعیین مکان منبع صدا در محیط
صوتی.

auditory meatus, external (EAM)

مجرای خارجی شنوایی
مجرای که از لاله گوش تا پرده صماخ امتداد
می یابد.

auditory meatus, internal (IAM)

مجرای داخلی شنوایی
سوراخی در سطح خلفی بخش خارۀ استخوان
گیجگاهی که از طریق آن اعصاب شنوایی و
صورتی عبور می کنند.

auditory memory حافظه شنوایی

درک، ذخیره و بازیابی صدایی که قبلاً تجربه
شده است.

auditory memory span

ظرفیت حافظه شنوایی
تعداد مواردی که می توان پس از ارائه گفتار یا
اصوات دیگر به یاد آورد.

auditory nervous system, central**auditory method روش شنوایی**

نوعی توانبخشی شنوایی که بر استفاده مطلوب
از باقی مانده شنوایی با تمرکز بر آموزش
مهارت های گوش دادن تأکید دارد. مترادف:
acoupedic or acoustic method

auditory middle Latency response

پاسخ میان رِس شنوایی (AMLR)
پتانسیل برانگیخته شنوایی که از ناحیه
تشعشعات شنوایی و قشر مغز منشأ می گیرد و
اولین جزء آن یک قله مثبت فرق سر است که
در ۲۵ تا ۴۰ میلی ثانیه پس از ارائه محرک
ثبت می شود. مترادف: MLR.

auditory modality

حس شنوایی، مدالیته شنوایی
به کار بردن حدت، هوشیاری، تمایز، حافظه،
توالی و توانایی شنوایی-کلامی در مرتبط
نمودن ارتباطات علامتی-صوتی.

auditory neuropathy شنوایی نوروپاتی

وضعیت پاتولوژیک دستگاه عصبی شنوایی.
این اصطلاح نوعی کاهش شنوایی نیست
بلکه بر اختلال دستگاه عصبی شنوایی دلالت
می نماید.

به nerve مراجعه کنید. **auditory nerve**

auditory nervous system, central

دستگاه عصبی مرکزی شنوایی (CANS)
بخشی از دستگاه عصبی مرکزی که در شنوایی

دخالت دارد و شامل هسته‌های حلازونی، مجموعه زیتونی فوقانی، نوار جانبی، برجستگی تحتانی، جسم زانویی داخلی و قشر شنوایی است.

auditory nervous system, peripheral

دستگاه عصبی محیطی شنوایی سازوکار شنوایی دستگاه عصبی محیطی که شامل حلزون و عصب هشتم جمجمه‌ای است.

auditory neurons, primary

اعصاب شنوایی اولیه اعصاب رده اول شاخه حلزونی عصب هشتم جمجمه‌ای که دندریت‌های آن از سلول‌های مویی داخلی شروع شده، اجسام سلولی آن در عقده ماریپیچی قرار دارد و آکسون‌های آن در هسته حلزونی سیناپس می‌نمایند.

auditory oculogyric reflex (AOR)

به reflex مراجعه کنید.

auditory pathway

راه شنوایی الیاف و هسته‌های عصبی شنوایی محیطی و مرکزی از عصب هشتم جمجمه‌ای تا قشر شنوایی.

primary a.p.

راه شنوایی اولیه راه عصبی که درون داد اعصاب آوران رده اول را از حلزون تا قشر مغز حمل می‌کند.

auditory pattern

الگوی شنوایی ترتیب اصوات گفتاری در واژه‌ها که در هر زبان

قاعده مخصوصی دارد.

auditory perception درک شنوایی آگاهی، بازشناسی و تفسیر محرک‌های شنوایی که به مغز رسیده است.

auditory phonetics آواشناسی صوتی مطالعه شنیدن، درک و پردازش گفتار توسط مغز. مترادف: acoustic phonetics.

auditory pit گودال شنوایی فرورفتگی در دو طرف سر جنین برای تشکیل گوش. مترادف: otic pit.

auditory placode

صفحه شنوایی (جنینی) صفحه سلولی ضخیمی که در نمای جانبی چین عصبی در جنین انسان که به کپسول گوش و گوش داخلی تبدیل می‌شوند. مترادف: otic placode

auditory plate صفحه شنوایی سقف استخوانی مجرای خارجی شنوایی.

auditory pointing test

آزمایش شنوایی با پاسخ بسته روش آزمایش چندحسی که برای کودکانی که طراحی شده و در آن برای ارزیابی ظرفیت حافظه کوتاه‌مدت و توالی حافظه محرک شنوایی ارائه شده و پاسخ به صورت حرکتی-دیداری دریافت می‌شود.

auditory process

auditory processing

auditory process زاینده شنوایی
له صفحه شنوایی که بخش غضروفی مجرای
خارجی شنوایی به آن متصل می‌شود.

تحلیل، آمیختگی، استنباط، تمایز و
مکان‌یابی.

auditory processes پردازش‌های شنوایی
مهارت‌های ویژه شنوایی چون تجزیه و

auditory processing پردازش شنوایی
دستکاری و تغییر محرک‌های صوتی توسط
دستگاه شنوایی محیطی و مرکزی.

auditory processes important in language and learning

اصطلاح	پردازش
auditory analysis	توانایی شناسایی واج یا تکواض‌های موجود در واژه‌ها.
auditory association	توانایی شناسایی صوت از طریق خاستگاه آن.
auditory attention	توانایی توجه کردن به محرک‌های شنوایی، به‌ویژه گفتار به مدت طولانی.
auditory blending	توانایی سنتز واج‌های منفرد به کلمات.
auditory closure	توانایی درک تمامی واژه یا پیام هنگامی که قسمتی از آن حذف شده است.
auditory discrimination	توانایی تمایز واژه‌ها و اصواتی که از نظر اکوستیکی مشابه هستند. توانایی افتراق صداهای دارای فرکانس، زمان تداوم یا شدت متفاوت.
auditory figure-ground	توانایی شناسایی صدای گوینده مورد نظر از نویز زمینه.
auditory memory- sequential memory	توانایی ذخیره و یادآوری محرک‌های دارای طول یا تعداد متفاوت به ترتیب صحیح.
binaural fusion	توانایی ترکیب کردن دو صدا که از دو ورودی جداگانه شنیده می‌شوند به یک صدا.
binaural separation	توانایی توجه به محرک‌هایی که به یک گوش ارائه می‌شود هم‌زمان با نادیده گرفتن محرک‌هایی که به گوش مقابل می‌رسد.
localization	توانایی یافتن مکان منبع صدا.

auditory processing disorder

auditory processing disorder
(APD) اختلال پردازش شنوایی

کاهش توانایی دستکاری و تغییر محرک‌های صوتی علیرغم حساسیت شنوایی هنجار و توانایی زبانی، توجهی و شناختی. مترادف:

central auditory processing disorder

auditory processing dysfunction =

auditory processing disorder

auditory radiation تشعشعات شنوایی
دسته الیافی که از جسم زائویی داخلی تا قشر شنوایی اولیه امتداد دارد.

auditory receptor گیرنده شنوایی
سلول مویی حلزونی.

auditory reflex = acoustic reflex

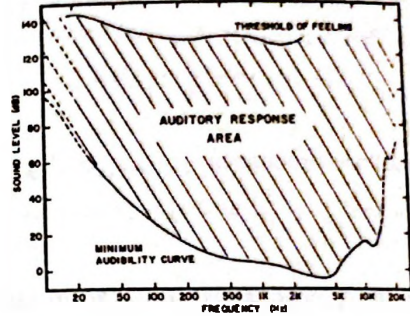
auditory response area

منطقه پاسخ شنوایی
محدوده پویای شنوایی از آستانه شنیدن تا آستانه درد در محدوده فرکانسی ادیومتریک.
مترادف: auditory sensation area.

auditory selective listening

گوشی دادن انتخابی
تمایز شنوایی در حضور نویز زمینه.

auditory sensation area = auditory
response area



auditory response area

auditory sequencing توانی شنوایی
پردازه درکی که در طی آن اصوات و واژه‌ها به ترتیب صحیح قرار می‌گیرند.

auditory skills = auditory processes

auditory synthesis سنتز شنوایی
پردازه درکی که در طی آن واج‌های مجزا به صورت هجا یا کلمه کامل تلفیق می‌شوند.

auditory threshold

به threshold مراجعه کنید.

auditory trainer دستگاه تربیت شنوایی
دستگاه تقویت‌کننده الکترونیک که در کلاس به عنوان مکمل سمعک‌های معمول به کار می‌رود.

desk-type a.t.

دستگاه تربیت شنوایی رومیزی
دستگاه قابل حملی که دارای یک میکروفون، تقویت‌کننده و گوشی مینیاتوری (رسیور) است.

از معایب عمده این دستگاه می توان به کاهش شدت صدا هنگام دور شدن گوینده از گوشی مینیاتوری اشاره نمود که سبب تغییر سطح شدت دریافتی توسط شنونده می گردد.

دستگاه تربیت شنوایی اف ام FM a.t.
دستگاه تقویت کننده در کلاس که میکروفن / مبدل بی سیم آن که به معلم متصل است محرک را از طریق اف ام به گیرنده های متصل به دانش آموز ارسال می کند.

hard-wired a.t.

دستگاه تربیت شنوایی سیم دار
دستگاه تقویت کننده اولیه ای که در آن گیرنده شنونده به میز و میکروفن گوینده به تقویت کننده متصل می شود.

loop-induction a.t.

دستگاه تربیت شنوایی دارای حلقه القایی سیستم تقویت حلقه القایی که در آن دستگاه تربیت شنوایی محرک ها را به روش القای مغناطیسی از طریق سیم پیچ القایی خود از حلقه سیمی که پیرامون اتاق قرار دارد دریافت می کند. این حلقه سیم محرک هایی که به وسیله میکروفن و تقویت کننده تولید شده اند را ارسال می نماید.

تربیت شنوایی auditory training

روش های توانبخشی شنوایی که به منظور به حداکثر رساندن استفاده از باقی مانده شنوایی طراحی شده اند و به وسیله تمرین های سازماندهی شده در گوش دادن، تغییر محیط،

کاربرد سمعک و غیره انجام می شوند.

لوله شنوایی auditory tube

راهی که از حلق بینی به دیوار قدامی گوش میانی امتداد می یابد و برای تبدیل فشار هوای گوش میانی باز می شود. مترادف:

custachian tube

auditory verbal agnosia

فقدان حس کلامی شنوایی
ناتوانی در بازشناسی زبان گفتاری ناشی از اختلال دستگاه عصبی مرکزی.

auditory vertex response

پاسخ شنوایی فرق سر
پتانسیل برانگیخته که از قشر مغز منشأ می گیرد و دارای دو قله اصلی است که یک قله آن منفی در حدود ۹۰ میلی ثانیه و قله مثبت آن حدود ۱۸۰ میلی ثانیه متعاقب ارائه محرک از فرق سر ثبت می شود. مترادف: ALR، LVR.

auditory vesicle

حباب شنوایی، کیسه شنوایی
محفظه ای کیسه مانند که بر اثر بسته شدن گودال شنوایی در جنین انسان ایجاد می شود و حلزون از آن به وجود می آید. مترادف:

otic vesicle

auditory-vocal association

ارتباط شنوایی کلامی. تداعی شنوایی کلامی
رشد ارتباط بین درک شنوایی محرک و بیان آن.

augmentative and alternative communication (AAC)

ارتباط مکمل و جایگزین

۱. هر روشی که برای پشتیبانی، افزایش یا تکمیل ارتباط افرادی که نمی‌توانند ارتباط کلامی مستقل در موقعیت‌های مختلف داشته باشند طراحی می‌شود. مترادف: alternative, nonoral, or nonvocal communication
 ۲. بخشی از شاخه بالینی که در آن کوشش می‌شود الگوهای آسیب و ناتوانی افراد مبتلا به اختلالات ارتباطی بیانی شدید (به‌طور موقت یا دائم) جبران شود (ASHA, 1989). ۳. استفاده از ابزار و روش‌های غیرصوتی شامل تابلوهای مصور و وسایل رایانه‌ای توسط کسانی که قادر به برقراری ارتباط کلامی نیستند. مترادف:

nonoral, nonvocal communication

aura پیش‌درآمد
 احساسی که پیش از بروز علائم بارزتر یک بیماری یا حمله صرع رخ می‌دهد.

aural گوش
 مرتبط با گوش یا شنوایی.

aural adenoma, benign
 آدنوم گوش خوش‌خیم

تومور غددای در مجرای خارجی شنوایی و گوش میانی که به شکل توده‌ای بدون درد تظاهر می‌کند و ممکن است سبب کاهش شنوایی انتقالی شود.

aural adenoma, malignant
 آدنوم گوش بدخیم
 تومور غددای بدخیم و نادر مجرای خارجی

شنوایی و گوش میانی که سبب کاهش شنوایی، تروشح از گوش، درد و فلج اعصاب جمجمه‌ای می‌گردد.

aural atresia به atresia مراجعه کنید.

aural habilitation

نوتوانی شنوایی، توانبخشی شنوایی
 درمان افراد مبتلا به آسیب شنوایی مادرزادی به منظور بهبود کلی توانایی برقراری ارتباط شنوایی / بیانی که شامل استفاده از سمعک، تربیت شنوایی، گفتاردرمانی، گفتارخوانی و ارتباط دستی است.

aural harmonics هماهنگ‌های شنوایی
 درک هماهنگ‌های اصوات تناوبی که در آن محرک موجود نیست و ناشی از اعوجاجی است که درون حلزون به دلیل غیرخطی بودن آن ایجاد می‌شود.

aural murmurs
 صداهای غیرعادی گوش
 نویزهایی که از درون گوش منشأ می‌گیرند.
 مترادف: tinnitus.

aural mylasis میازگوشی
 عفونت ناشی از حمله لاروهای حشرات خارجی به گوش خارجی، میانی یا داخلی.

aural-oral method

روش شنوایی-شفاهی، روش شنوایی-کلامی
 روشی در نوتوانی شنوایی برای آموزش به

کودکان مبتلا به آسیب شنوایی با استفاده از شنوایی، گفتار و گفتارخوانی بدون ارتباط دستی. مترادف: oral-aural method.

aural overload گرانباری شنوایی
اعوجاج حلزونی محرک به دلیل شدت بیش از حد آن.

aural polyp پولیپ گوش
ضایعه خوش خیمی در مجرای خارجی شنوایی که از پارگی پرده تمپان بیرون زده است.

aural rehabilitation توانبخشی شنوایی، باز توانی شنوایی
درمان افراد مبتلا به آسیب شنوایی عارضی به منظور بهبود کلی توانایی برقراری ارتباط که شامل استفاده از سمعک، تربیت شنوایی، گفتارخوانی، مشاوره و راهنمایی است.

aural speculum اسپکولوم گوش
وسیله‌ای مخروطی شکل برای گشودن سوراخ مجرای خارجی گوش به منظور تسهیل بررسی مجرای گوش و پرده صماخ.

aural vertigo به vertigo مراجعه کنید.

auralism = oralism

aurally از طریق گوش

auris unitas (AU) هر دو گوش با هم

auricle لاله گوش
گوش خارجی یا بیرونی که در صفحه عمودی سازوکار محافظ، تشدیدکننده و صداگیر به شمار می‌آید و به این ترتیب برای شنیدن جهت‌دار اصوات جلو سر در مقایسه با اصواتی که از پشت سر می‌آیند به شکل جهت‌دار عمل می‌نماید. مترادف: pinna.

auricle accessory لاله گوش زائد
ناهنجاری مادرزادی صورتی - مجموعه‌ای که ویژگی آن وجود لاله گوش زائد یا بافت اضافی در لاله گوش است.

auricula = auricle

auricular لاله گوش
مربوط به لاله گوش.

auricular aplasia آپلازی لاله گوش
فقدان مادرزادی لاله گوش. مترادف: anotia.

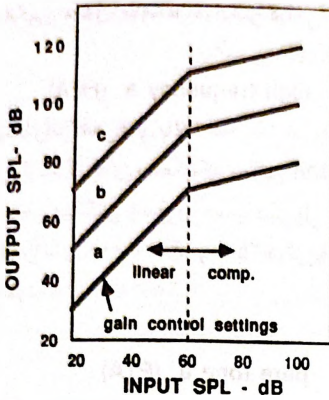
auricular artery به artery مراجعه کنید.

auricular ligament به ligament مراجعه کنید.

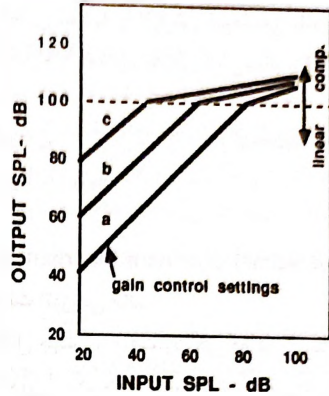
auricular perichondritis پری‌کندریت لاله گوش
التهاب ششای بافت همبند اطراف غضروف لاله گوش.

auricular point = auriculare

auriculare		auricularis muscles	به muscle مراجعه کنید.
auriculare	مرکز لاله گوش مرکز صدقه یا دهانه مجرای خارجی گوش.	auriculate	گوش مانند، شبیه گوش
auriform	گوش شکل، به شکل گوش	auris	گوش
auris dextra (AD)	گوش راست	auris sinistra (AS)	گوش چپ
auris uterque (AU)	هر گوش	auriscope = otoscope	
auristics	درمان بیماری های گوش.	auristic	
auropalpebral reflex (APR)	به reflex مراجعه کنید.	autoimmune hearing loss	به hearing loss مراجعه کنید.
auscultate	سمع کردن معاینه ای که با گوش کردن به صداهای بدن انجام می پذیرد.	autoimmune inner ear disease	بیماری خودایمنی گوش داخلی بیماری های خودایمنی نظیر لوپوس اریتما توز، پلی آرتریت نودوزا، آرتریت روما توتید، بیماری بهجت یا گرانولوما توز و گنر که سبب کاهش شنوایی حسی عصبی موج به دلیل تجمع آنتی بادی حول آنتی ژن های گوش داخلی و آسیب دیدن لایبرنت می شوند.
auscultation	سمع گوش کردن صداهایی که ساختمان های مختلف بدن تولید می کند.	automatic audiometer	به audiometer مراجعه کنید.
auscultatory	سمعی، مربوط به سمع	autism	اوتیسم، خودگرایی، درخودماندگی اختلال عصبی رفتاری که نشانه های آن خودگرایی مرضی، عدم توانایی برقراری ارتباط یا دیگران و اختلالات زبانی و گفتاری شدید است.
autistic	مربوط به اوتیسم	autogenic	خودزایی، ناشی از خود به طور مثال کاهش شنوایی عملکردی.
autoimmune	خودایمنی		



automatic gain control—input



automatic gain control—output

automatic audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

automatic gain control (AGC)

کنترل خودکار بهره

مدار تراکمی سمعک غیرخطی که با تغییر سطح محرک، بهره را به طور خودکار تغییر می‌دهد یا هنگامی که سطح محرک به حد مشخصی می‌رسد خروجی را محدود می‌نماید. مترادف:

automatic volume control

automatic gain control-input

کنترل خودکار بهره - ورودی (AGC-I)
نوعی مداربندی سمعک که در آن کنترل حجم پیرو AGC است.

automatic gain control-output
(AGC-O)

کنترل خودکار بهره - خروجی

نوعی مداربندی سمعک که در آن AGC پیرو کنترل حجم است.

automatic signal processing (ASP)

به processing مراجعه کنید.

automatic volume control (AVC)

کنترل خودکار حجم صدا، کنترل خودکار بهره

autonomic خودکار، غیرارادی

بدون کنترل ارادی، مستقل از نظر عملکرد.

autonomic nervous system (ANS)

دستگاه عصبی خودکار
بخشی از دستگاه عصبی که پاسخ‌های غددی و احشایی را تنظیم می‌کند.

autophonia = autophony

autophony

اتوفونی
autophony احساس تشدید یا افزایش غیرطبیعی بلندای صدای خود به دلیل اختلال گوش میانی.

autosomal

اتوزومی
مربوط به اتوزوم.

autosomal dominant inheritance

وراثت اتوزومی غالب
انتقال جهش و صفت ژنتیکی که در آن تنها یک ژن از یک جفت باید صفت را حمل کند تا بروز یابد و هر دو جنس شانس مساوی برای مبتلا شدن دارند.

autosomal inheritance

وراثت اتوزومی
وراثت ژنتیکی مربوط به کروموزوم‌های غیرجنسی. ر.ک: x-linked inheritance

autosomal recessive inheritance

وراثت اتوزومی مغلوب
انتقال صفت یا جهش ژنتیکی که هر دو ژن در یک جفت باید حامل صفت باشند تا بروز یابد.

autosome

اتوزوم
هریک از ۲۲ جفت کروموزوم‌هایی که به تعیین جنسیت مربوط نیستند.

AVC → automatic volume control

AVCN → anterior ventral cochlear nucleus

average

میانگین، معدل، متوسط، میانگین گرفتن

high frequency a. (HFA)

میانگین فرکانس‌های بالا
یکی از ویژگی‌های سمعک که مطابق ANSI به عنوان میانگین پاسخ بر حسب دسی بل در فرکانس‌های ۱۰۰۰، ۱۶۰۰ و ۲۵۰۰ هرتز بیان می‌شود.

pure tone a. (PTA)

میانگین تن‌های خالص
میانگین آستانه‌های حساسیت شنوایی برای محرک‌های تن خالص در فرکانس‌های ۵۰۰، ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ هرتز.

time-weighted a. (TWA)

میانگین زمان
اندازه‌گیری مواجهه روزانه با نویز که از تقسیم مدت مواجهه با سطوح صدا به مدت مجاز مواجهه برای آن سطوح حاصل می‌شود.

average evoked response audiometry
به audiometry مراجعه کنید.

aviator's ear
به ear مراجعه کنید.

Award for Continuing Education

(ACE)

مدرك آموزش تکمیلی
مدركی که انجمن گفتار، زبان، شنوایی آمریکا بعد از گذراندن واحدهای تعیین شده آموزش تکمیلی اعطا می‌نماید.

axoaxonic آکسون به آکسون
مربوط به سیناپس بین آکسون یک عصب و
آکسون عصبی دیگر.

axodendritic آکسون به دندریت
مربوط به سیناپس بین آکسون و دندریت.

axon آکسون
زوايد و ابران عصب که تکانه‌ها را از جسم و
سایر زوايد سلولی هدایت می‌کنند.

axonotmesis
آسیب به آکسون‌های عصب که پس از
تخریب کامل بخش محیطی صورت می‌گیرد
بدون این که به ساختمان‌های پشتیبان عصب

(یافت‌های همبند) آسیبی برسد.

azimuth آزیموت
جهت منبع صوتی نسبت به شنونده که بر
حسب درجه زاویه‌ای در سطح افق اندازه‌گیری
می‌شود؛ به‌طور مثال در آزیموت 0° منبع صوتی
مستقیماً روبرو و در آزیموت 180° مستقیماً
پشت سر شنونده است.

loudspeaker a. آزیموت بلندگو
جهت بلندگو نسبت به شنونده که بر حسب
درجه زاویه‌ای در سطح افق اندازه‌گیری
می‌شود.

Aztec ear به ear مراجعه کنید.



B

B → susceptance

B-weighted scale شبکه وزنی **B**

شبکه پالاینده صداسنج که برای برآورد منحنی بلندی در ۷۰ فون توزین شده است؛ فرکانس‌های کمتر از ۳۰۰ هرتز به میزان تقریباً ۴ دسی بل در هر اکتاو کاهش می‌یابند.

babble همه‌مه

پیام رقابتی که محتوی صدای گوینده است.

babbling قان و قون

رفتار کلامی پیش‌زبانی شیرخواران در طی ۶ ماه اول زندگی.

babinski reflex به reflex مراجعه کنید.

back-end noise به noise مراجعه کنید.

background noise

به noise مراجعه کنید.

backward masking

به masking مراجعه کنید.

bacterial labyrinthitis

به labyrinthitis مراجعه کنید.

BADGE test → Bekesy ascending descending gap evaluation test

BAEP → brainstem auditory evoked potential

BAER

BAER → brainstem auditory evoked response

baffle صداگیر
دیوارهٔ محافظی که برای کاهش انتقال موج صدا بین دو نقطه در محیط صوتی طراحی شده است.

baffle effect, head اثر صداگیری سر
لالهٔ گوش و سر تماماً دیواره یا صداگیر ایجاد می‌کنند که سبب تفرق اصوات فرکانس پایین و در نتیجه افزایش نسبی صداهای فرکانس بالا می‌گردد.

Bakke horn شیپور بکی
لولهٔ شیپور پلاستیکی سختی که به طور مستقیم به قالب‌های لوسیت یا نرم (بکی - S) چسبانده می‌شود. از نظر ابعاد با شیپور لیبی یکی است اما تفاوت عمده آن در مناسب بودن و ارزانی هزینه تعویض لوله از قلاب تا شیپور بکی است.

balance موازنه، تعادل
تنظیم هماهنگ عضلات بر ضد جاذبه به منظور حفظ تعادل.

balance mechanism سازوکار تعادل
دستگاه بیولوژیکی که همراه با دستگاه‌های بینایی و حس عمقی برای حفظ تعادل فعالیت می‌کند. مترادف: vestibular system.

Baller-Gerold syndrome

پد syndrome مراجعه کنید.

band

باند، نوار
محدوده‌ای از فرکانس‌ها.

octave b. باند اکتاوی
تقسیم محدوده فرکانسی به فواصل اکتاوی.

side b. باند کناری
گروهی از فرکانس‌ها که در دو طرف فرکانس حامل قرار دارند.

frequency b. باند فرکانسی
محدوده‌ای از فرکانس‌ها که بین دو حد خاص قرار دارند. ر.ک: frequency.

band-pass filter به filter مراجعه کنید

band spectrum طیف باند
نمایش نموداری صوت که به شکل سطوح فشار صوتی باندهای فرکانسی خاصی نشان داده می‌شود.

band width پهنای باند
محدودهٔ فرکانسی یک باند خاص.

BAPP bleomycin, adriamycin, cisplatin, prednisone
بلنومایسین، آدریامایسین، سیس پلاتین و پردنیزون

رژیم شیمی‌درمانی که بالقوه سم گوش محسوب می‌شود و در درمان تومور بدخیم غده تیموس (تیموم) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

bar بار
واحد نیرو و معادل ۱ مگادین.

Barany caloric test

آزمایش حرارتی بارانی
تحریک مجرای خارجی شنوایی به وسیله آب
یا هوای گرم و سرد برای تحریک لابیرنت
دهلیزی که به ایجاد نیستاگموس به عنوان
شاخصی از عملکرد دهلیز منجر می‌شود.

Barany chair صندلی بارانی
صندلی چرخان اولیه‌ای که برای آزمایش
عملکرد دهلیز ساخته شده است.

Barany noise box جعبه نویز بارانی
ابزار مکانیکی اولیه‌ای که توسط فنر کوکی کار
کرده و نویز به‌بند برای ایجاد پوشش تولید
می‌کند.

Barany sign نشانه بارانی
کاهش یا فقدان نیستاگموس در پاسخ به
تحریک حرارتی دستگاه دهلیزی.

Barany syndrome
به syndrome مراجعه کنید.

barbula hirci موهای مجرا
موهایی که در دهانه مجرای خارجی شنوایی
رشد می‌کنند.

Bardet-Biedl syndrome
به syndrome مراجعه کنید.

barotitis media باروتیت میانی
اختلال التهابی ضربه‌ای گوش میانی که از
تغییرات ناگهانی فشار هوا در فضاهای
تهویه شده استخوان گیجگاهی، هنگام فرود از
ارتفاع زیاد یا بالا آمدن از عمق زیاد آب ناشی
می‌شود. مترادف: aerotitis media.

barotrauma باروتروما
صدمه ضربه‌ای که از تغییر شدید و سریع فشار
جو ناشی می‌شود و به عدم تطابق قابل توجهی
در فشار هوای فضاهای تهویه بدن از جمله
استوان گیجگاهی منجر می‌گردد.

otic b. = barotitis media

barrier penetration نفوذ در مانع
انتقال صوت از مانع. صداهای دارای طول موج
بلندتر بیشتر نفوذ می‌کنند.

Barry five-slate system
روش پنج لوحی باری
روش اولیه‌ای در توانبخشی شنوایی برای
آموزش نحو و دستور زبان به افراد مبتلا به
آسیب شنوایی با استفاده از پنج لوح که معرف
بخش‌های اصلی جمله می‌باشند.

basal پایهای، قاعده‌ای
نشانگر پایین‌ترین سطح ممکن، نزدیک پایه.

basal cell carcinoma
کارسینوم سلول‌های پایهای
سرطان بدخیم پوست با رشد بطئی که

basal ganglia

می تواند به شکل ضایعه ای بدون درد و اندکی برآمده یا سطح صاف در لاله و مجرای خارجی گوش رخ دهد که در پی آن زخم خونریزی دهنده حادث می شود.

basal ganglia هسته های قاعده ای
هسته های بزرگ تحت قشری مغز که شامل هسته های دمدار، عدسی شکل، پیش دیواره کلاستروم) و بادامی شکل (آمیگدال) است.

basal pitch زیر و بمی پایه
بم ترین صدایی که گفته بر پایه آن شکل می گیرد.

basal turn of the cochlea

پیچ پایه ای حلزون
پایین ترین یا اولین پیچ حلزون که فرکانس های بالا در آن موجود است.

baseline پایه
نقطه یا سطح آغاز عملکرد.

baseline audiogram
به audiogram مراجعه کنید.

basement membrane
به membrane مراجعه کنید.

basic frequency
به frequency مراجعه کنید.

basilar پایه ای
مربوط به پایه.

battery drain

به artery مراجعه کنید. **basilar artery**

ستیخ پایه ای
برجستگی ناقچه مانند رباط مارپیچی نزدیک غشاء پایه. مترادف: **basilar crest**
spiral prominence.

ماکولای پایه ای
دسته سلولی در حباب گوش جنینی که به غشاء پایه تبدیل می شود. **basilar macula**

basilar membrane
به membrane مراجعه کنید.

basilar papilla = organ of Corti

bass increases at low levels (BILL)
افزایش اصوات بم در سطوح پایین
نوعی پردازش خودکار محرک در سمعک که از کنترل وابسته به سطح پاسخ فرکانسی استفاده می کند و در پاسخ به ورودی با شدت بالا فرکانس های پایین را کاهش می دهد.

به ear مراجعه کنید. **bat ear**

۱. باتری **battery**
سلولی که شارژ الکتریکی ذخیره کرده و جریان ایجاد می کند.
۲. مجموعه
گروهی از آزمون های تشخیصی.

تخلیه باتری **battery drain**
مقدار جریان الکتریکی که از باتری استخراج می شود.

BBN → broad band noise

BC → bone conduction

BC-HIS → board-certified in hearing instrument sciences

BCL test → Bekesy comfortable loudness test

beach ear به ear مراجعه کنید.

beamformer باریکه‌ساز

تقلیل‌دهنده نویز که شامل دو میکروفن یا بیشتر است. این میکروفن‌ها از نظر فضایی رو به مکان محرک مطلوب و نویز ناخواسته قرار داده شده‌اند.

Beasley report گزارش بیسلی

مطالعه‌ای در مرکز پژوهش‌های بهداشت عمومی ایالات متحده در ۱۹۳۶-۱۹۳۵ که سطوح ادیومتریک را تعیین نمود. این سطوح بعداً استاندارد ASA-۱۹۵۱ گردید.

beat زنش

درک تغییرات تناوبی بلندی هنگامی که دو صوت دارای فرکانس بسیار مشابه به‌طور همزمان ارائه شوند.

beat-frequency oscillator

نوسان‌گر فرکانس زنشی
ابزار الکترونیکی که اصوات خالص را به صورت

دوتایی تولید می‌کند. این اصوات برای ایجاد صداها یا زنش‌های مختلف با هم ترکیب می‌شوند.

Beckwith-Weldemann syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

behavioral

رفتاری

مربوط به فعالیت‌های خارجی و قابل مشاهده فرد.

behavioral audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

behavioral audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

behavioral criterion ملاک رفتاری

استانداردی که پاسخ‌های رفتاری بر مبنای آن مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

behavioral observation audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

behind-the-ear hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

Békésy ascending descending gap evaluation test (BADGE test)

آزمایش ارزیابی فاصله بین روش صعودی و نزولی بکزی

نوعی آزمایش بکزی که برای کشف کاهش شنوایی عملکردی به کار می‌رود و در آن سطوح

Békésy audliometer

ردیابی آستانه که با روش صعودی و نزولی به دست آمده‌اند با هم مقایسه می‌شوند تا اختلاف آن دو مشخص شود.

Békésy audiometer

به audiometer مراجعه کنید.

Békésy audlometry

به audiometry مراجعه کنید.

Békésy comfortable loudness test

آزمایش بکزی در سطح راحت بلندی (BCL) در شنوایی سنجی بکزی به مقایسه سطوح راحت بلندی برای منحنی‌های پیوسته و منقطع اطلاق می‌گردد.

Békésy forward-reverse test

آزمایش پیش رو-پس روی بکزی آزمایشی که دو منحنی تن خالص ممتد بکزی که در سطح آستانه به دست آمده‌اند با هم مقایسه می‌شوند. یکی از منحنی‌ها از فرکانس‌های پایین به بالا و دیگری از فرکانس‌های بالا به پایین پیش می‌رود. در افراد متمارض دارای کاهش شنوایی عملکردی بین آستانه‌ها اختلاف مشاهده می‌شود.

Békésy tracing types

الگوهای منحنی بکزی [G. von Békésy, بیوفیزیکدان مجارستانی در آمریکا، ۱۹۷۲-۱۸۹۹]. منحنی‌های آستانه که به‌طور خودکار توسط فرد در پاسخ به

Békésy tracing types

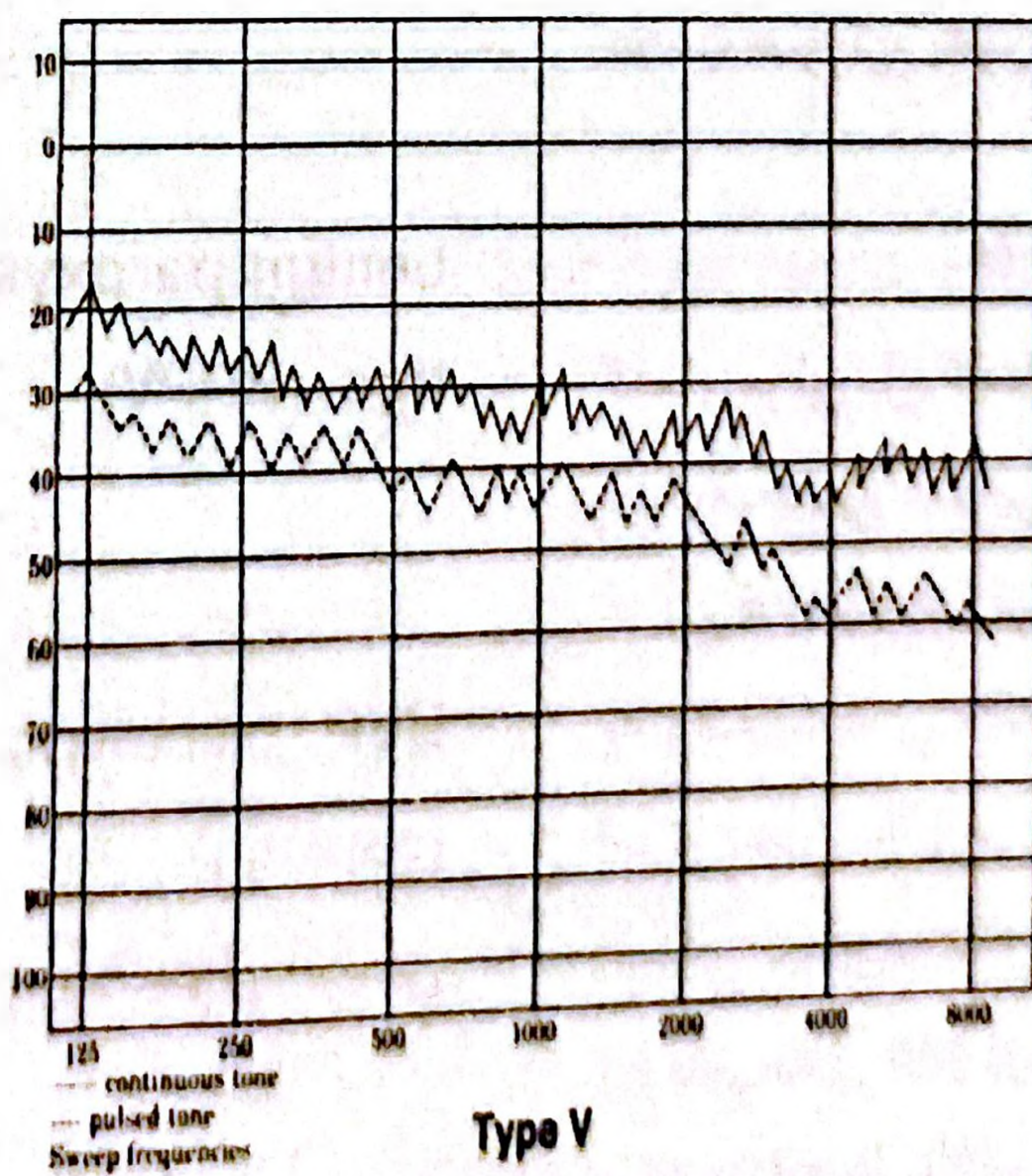
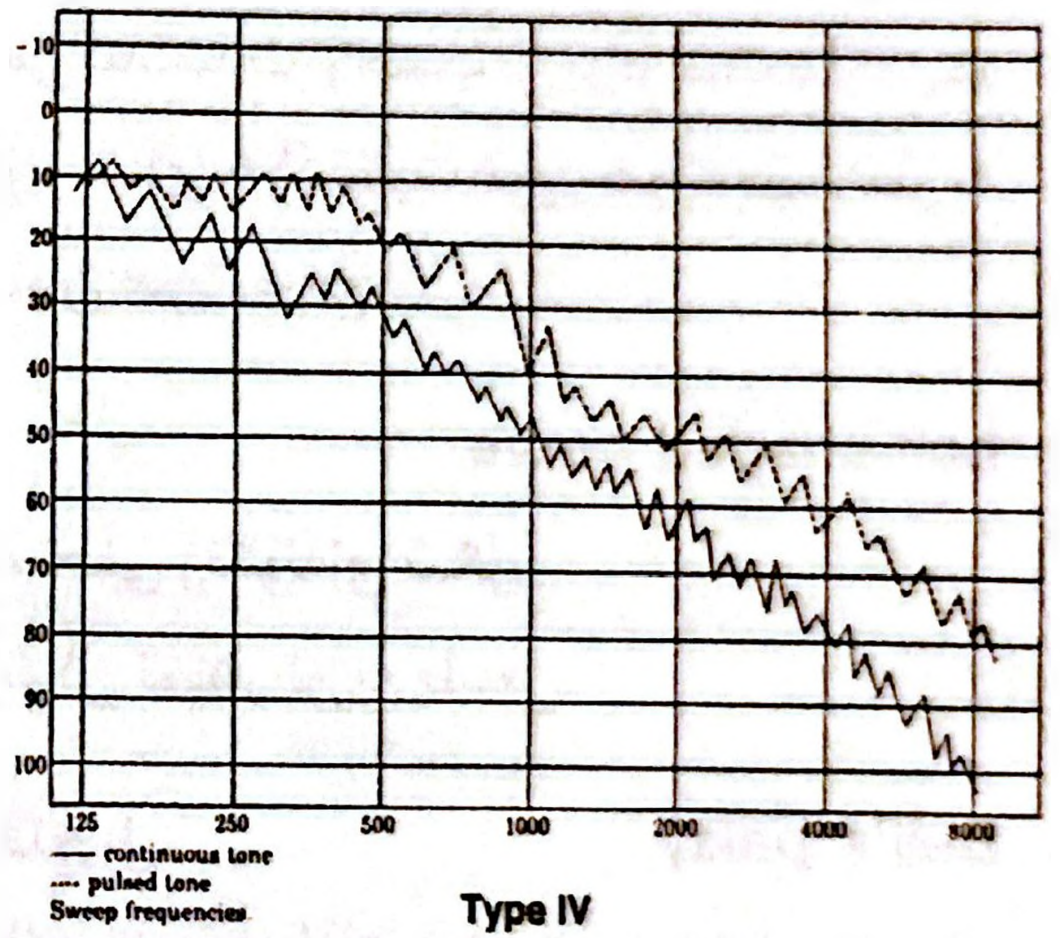
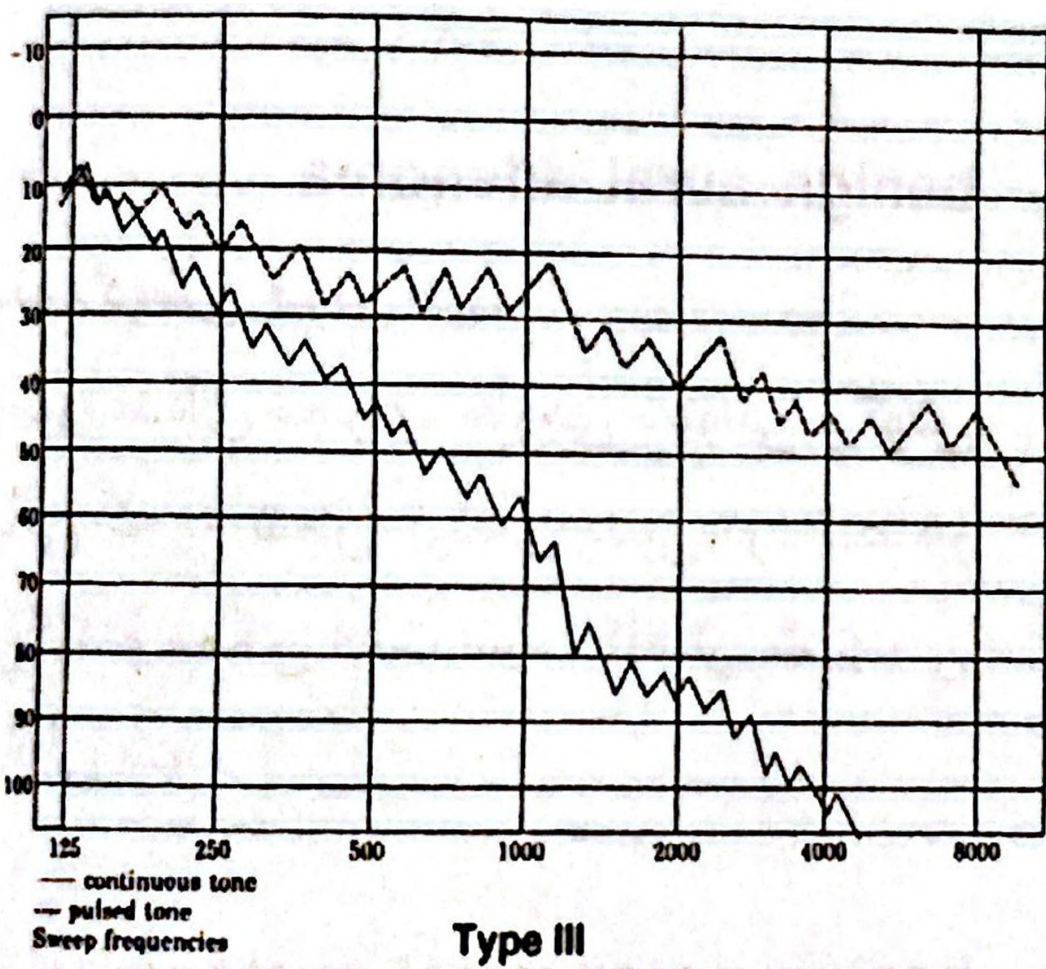
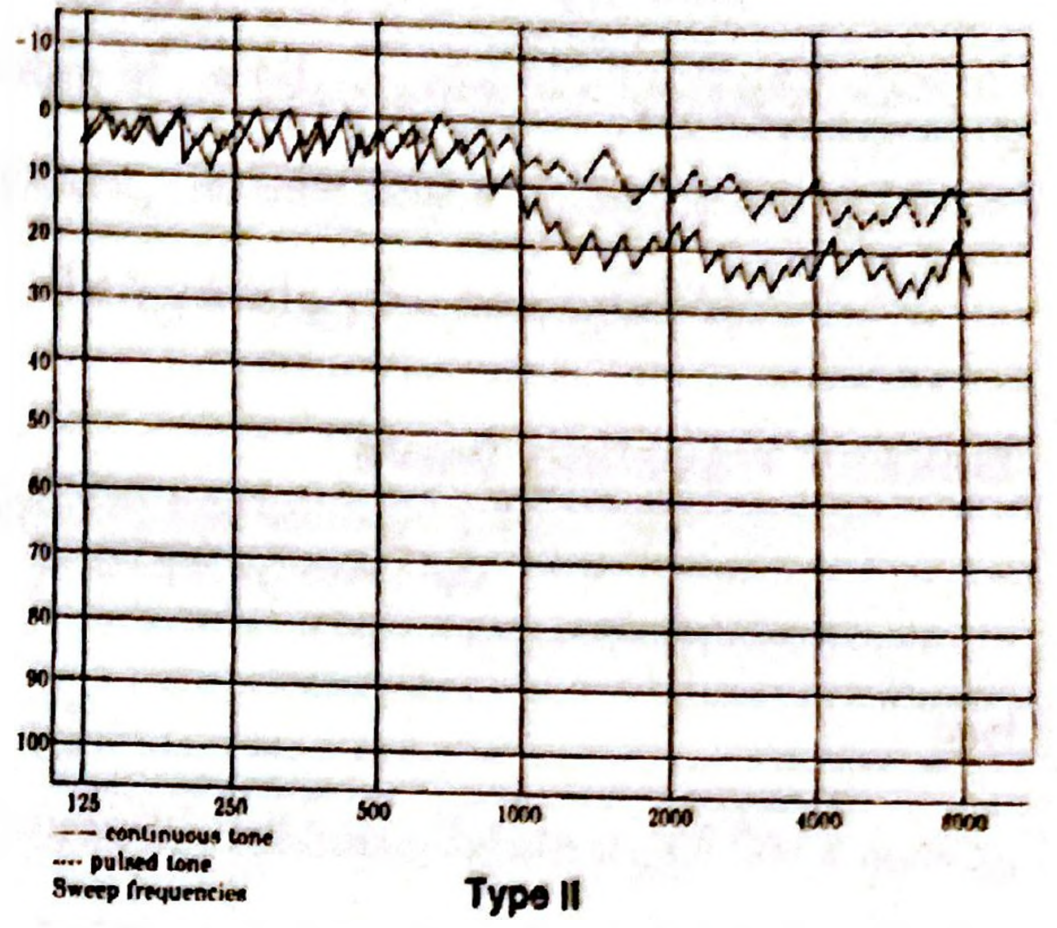
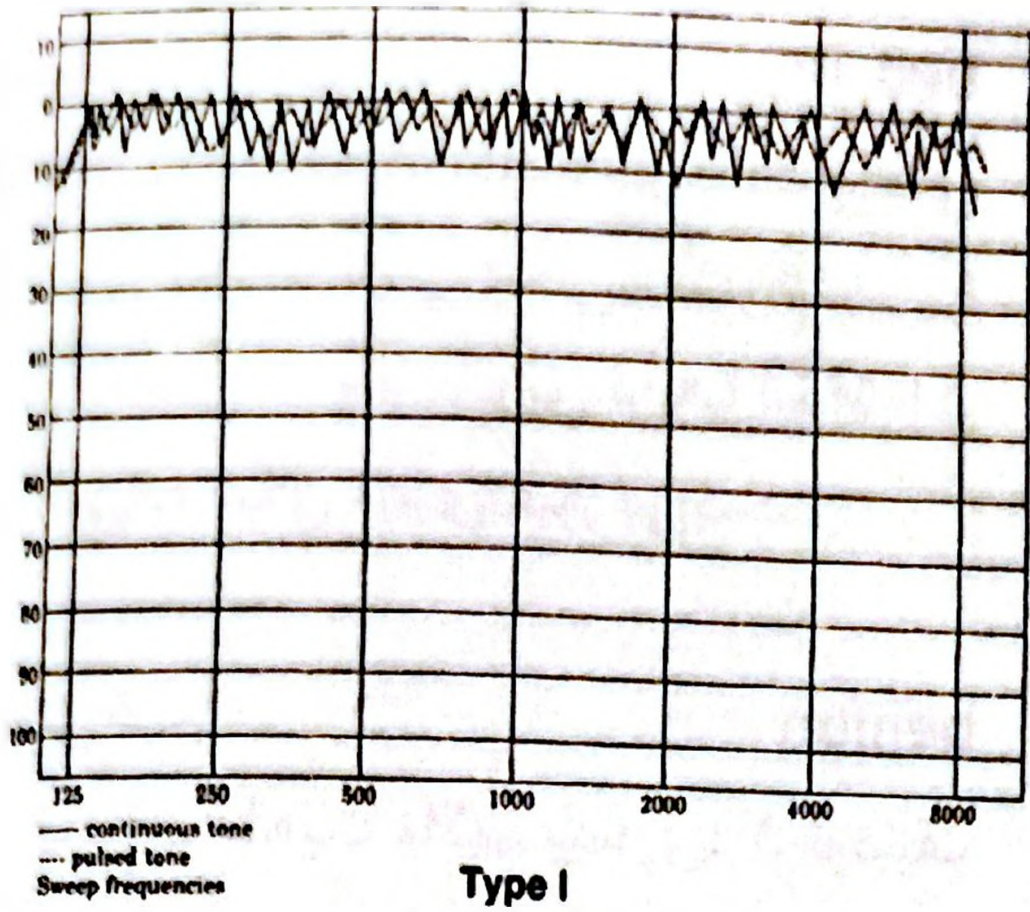
صداهای ممتد و منقطع ثبت می‌شود منحنی منقطع باید به‌طور طبیعی موازی با آستانه‌های انتقال هوایی باشد. تفسیر پهنای منحنی (تفاوت بین شنیدن و نشنیدن) و تطابق دو منحنی ممکن است نشان‌دهنده هریک از پنج نوع زیر باشد. الگوهای I و II عملکرد عصبی طبیعی، الگوهای III و IV آسیب وراث حلزونی و الگوی V کاهش شنوایی عملکردی را نشان می‌دهند.

نوع I: منحنی‌های منقطع و ممتد منطبق بر یکدیگر و پهنای آنها حدود ۱۰ دسی‌بل است. این نوع، مشخصه افراد دارای شنوایی طبیعی یا آسیب انتقالی است.

نوع II: منحنی‌های منقطع و ممتد در فرکانس‌های پایین منطبق هستند اما در حدود ۱۰۰۰ هر تیز منحنی ممتد ۵ تا ۲۰ دسی‌بل پایین‌تر از منحنی منقطع می‌افتد (شنیدن آن دشوارتر می‌شود) پهنای منحنی در فرکانس‌های بالا باریکتر می‌شود که نشان‌دهنده توانایی فرد در شناسایی دقیق مرز بین شنیدن و نشنیدن با تغییرات کوچک شدت است. این نوع مشخصه ضایعات حلزونی است.

نوع III: منحنی نادری که در آن منحنی ممتد ۴۰ تا ۵۰ دسی‌بل حتی در فرکانس‌های پایین، پایین‌تر از منحنی منقطع قرار می‌گیرد و منحنی منقطع از الگوی ادیوگرام متعارف تبعیت می‌نماید. این نوع در ضایعات عصب شنوایی (هشتم جمجمه‌ای) دیده می‌شود.

نوع IV: مشابه نوع III است بجز آن که منحنی ممتد در کل محدوده فرکانسی ۵ تا ۲۰ دسی‌بل پایین‌تر از منحنی منقطع قرار



Békésy Tracings

Békésy travelling wave

می‌گیرد و این نوع مشخصه ضایعات عصب شنوایی (هشتم جمجمه‌ای) است.
نوع V: به نظر می‌رسد منحنی اصوات ممتد از منحنی منقطع شنیده می‌شود و نشان‌دهنده کاهش شنوایی غیرعضوی است.

Békésy traveling wave

به wave مراجعه کنید.

bel بل
به افتخار الکساندر گراهام بل (۱۸۹۱)؛ واحدی که شدت صوت را نسبت به شدت مرجع بیان می‌کند؛ شدت بر حسب بل برابر است با لگاریتم (بر مبنای ۱۰) نسبت توان صوت مورد نظر به توان صوت مرجع.

bell-shaped curve

منحنی زنگوله‌ای شکل
شکل نمودار توزیع طبیعی.

Bell's palsy فلج بل
فلج حاد یکطرفه صورت به دلیل اختلال عصب صورتی بدون علت مشخص.

Bell's visible speech

گفتار مرئی بل، گفتار دیداری بل
در توانبخشی شنوایی، روش دستوری است که در آن همخوان‌ها توسط چهار منحنی پایه که به وضعیت‌های مختلف زبان و لب‌ها مربوط است نشان داده می‌شوند. قرار دادن علامت اضافی نشان‌دهنده واگذاری همخوان است (به‌طور مثال «ت» برای /t/ و «ا» برای /a/).
واکدها توسط علائم پایه نشان داده می‌شوند.
رک: grammatic method.

به bore مراجعه کنید.
belled bore

belt region منطقه کمربندی
بخشی که مناطق مرکزی، برجستگی‌های تحتانی، اجسام زائویی داخلی و قشر شنوایی را احاطه می‌کند و از طریق آن‌ها اطلاعات شنوایی به شکل موازی عبور می‌کنند.

benign خوش‌خیم
۱. توصیف ماهیت ملایم بیماری؛ ۲. توصیف ماهیت غیربدخیم یک نتوپلاسم.

benign aural adenoma آدنوم گوش خوش‌خیم
تومور غده‌ای مجرای خارجی شنوایی و گوش میانی که به شکل توده‌ای بدون درد تظاهر می‌کند و ممکن است سبب کاهش شنوایی انتقالی شود.

benign paroxysmal nystagmus به nystagmus مراجعه کنید.

benign paroxysmal positional vertigo (BPPV) به vertigo مراجعه کنید.

BEP bleomycin, etoposide, platinum (cisplatin)

بلنوماسین، اتوپوساید و پلاتینول (سیس پلاتین)
رژیم شیمی‌درمانی که در درمان سرطان بیضه استفاده می‌شود و بالقوه سم گوش است.

- BERA** → brainstem evoked response audiometry
- Berger prescriptive procedure** به hearing aid مراجعه کنید.
- beta rhythm or waves**
امواج یا ریتم بتا
امواج EEG از ۱۴ تا ۲۵ هرتز.
- Bezold triad** مثلث بزالد
یافته‌های بالینی سه‌گانه در اتوسکلروز که شامل کاهش شنوایی انتقال هوایی در فرکانس‌های پایین، انتقال استخوانی بهتر و آزمون رین منفی است.
- biauricular** دو لاله‌گوشی
مربوط به هر دو لاله گوش.
- BICROS** → bilateral contralateral routing of signals
- BIFROS** → bilateral frontal routing of signals
- bifurcate** دوشاخه شدن
- bifurcation** ۱. دوشاخگی؛ ۲. نقطه آغاز دوشاخگی.
- bilateral** دوطرفه
مربوط به دو طرف یا دو گوش.
- bilateral atresia** به مراجعه کنید.
- bilateral contralateral routing of signals (BICROS)** به hearing aid مراجعه کنید.
- bilateral horizontal gaze nystagmus**
به nystagmus مراجعه کنید.
- bilateral myringotomy tube**
گذاشتن لوله میرنگومی در پرده دو گوش.
- bilateral otitis externa (BOE)**
التهاب دوطرفه گوش خارجی، اوتیت خارجی دوطرفه
- bilateral serous otitis media (BSOM)**
اوتیت میانی سرروز دوطرفه
- bilateral unequal gaze nystagmus**
به nystagmus مراجعه کنید.
- bilateral weakness (BW)**
ضعف دوطرفه
فعالیت کاهش یافته دستگاه دهلیزی در تحریک حرارتی دوگوشی که ناشی از اختلال دهلیزی محیطی دوطرفه است.
- bilingual** دوزبان
مربوط به دوزبانگی.
- bilingualism** دوزبانگی
توانایی استفاده از دو زبان با مهارت مساوی،

billirubin

به‌ویژه صحبت کردن هریک با روانی و لهجه بومی آن.

billirubin

بیلی‌روبین
رنگدانه‌ای در سرم خون که با تخریب هموگلوبین تولید می‌شود.

billirubinemia

بیلی‌روبینمی
وجود بیلی‌روبین در خون.

BILL → bass increases at low levels

bimastold مربوط به هر دو زایده ماستوتید.

bimodal دوحسی، دونمایی، دوقله‌ای
مربوط به استفاده توأم دو حس.

bimodal distribution توزیع دوقله‌ای
توزیع داده‌ها که دو قله داشته باشد.

bimodal method روش دوحسی
روشی در توانبخشی شنوایی که ترکیبی از روش‌های ارتباطی شنوایی و بینایی است.

binaural دوگوشی
مربوط به دو گوش.

binaural advantage مزیت دوگوشی
تأثیر بهتر استفاده از دو گوش نسبت به یک گوش که شامل بهتر شدن آستانه و بهبود شنوایی در حضور نویز زمینه است.

binaural amplification

به amplification مراجعه کنید.

binaural beats زنش‌های دوگوشی
زنش‌هایی که به دلیل هم‌کنشی دستگاه عصبی مرکزی درک می‌شود و هنگامی رخ می‌دهد که به هر یک از گوش‌ها صوتی با اختلاف کمتر از ۵ هرتز ارائه شود.

binaural CROS

به hearing aid مراجعه کنید.

binaural diplacusis دوشنوایی دوطرفه
وضعیتی که گوش راست و چپ اصوات دارای فرکانس یکسان را با زیر و بمی متفاوت درک می‌کنند.

binaural fusion ترکیب دوگوشی
۱. پدیده‌ای که بر اساس آن اصوات مختلفی که به دو گوش ارائه می‌شود جایی در مغز با هم ترکیب شده و تصور صدای واحدی را ایجاد می‌کنند.
۲. تلفیق محرک‌های گفتاری متفاوت که به‌طور همزمان به دو گوش ارائه می‌شوند.

binaural hearing aid
به hearing aid مراجعه کنید.

binaural integration تلفیق دوگوشی
ترکیب محرک‌های گفتاری متفاوت که به‌طور همزمان به دو گوش ارائه شده‌اند. مترادف:

binaural fusion

binaural lateralization

جهت‌یابی دوگوشی
درک جابجایی تصویر صدا درون سر که از
تحریک شنوایی دوگوشی ناشی می‌شود.

binaural localization

مکان‌یابی دوگوشی
استفاده از دو گوش برای یافتن مکان صدا در
فضا.

binaural masking level difference

اختلاف سطح پوشش دوگوشی (BMLD)
اندازه‌گیری رهایی دوگوشی از پوشش که در آن
آستانه‌های دوگوشی در حضور نویز برای
اصواتی تعیین می‌شود که با نویز هم‌فاز
هستند یا 180° اختلاف فاز دارند. مترادف:

masking level difference

binaural release from masking

رهایی دوگوشی از پوشش
بهبود آستانه در اصواتی که به صورت دوگوشی
ارائه شده‌اند در حضور نویز هنگامی که
وضعیت نویز یا اصوات از هم‌فاز به غیرهم‌فاز
تغییر می‌کند. این امر اساس آزمایش اختلاف
سطح پوشش (MLD) است.

binaural resynthesis = binaural
fusion

تفکیک دوگوشی
توانایی درک محرک‌های ارائه شده به یک
گوش، حین نادیده گرفتن محرک‌هایی که به
گوش مقابل ارائه می‌شوند.

binaural squelch

تضعیف دوگوشی نویز
بهبود توانایی فهم گفتار در حضور نویز توسط
دو گوش نسبت به یک گوش به دلیل اختلاف
شدت و فاز بین گوش‌ها.

binaural summation

تجمع دوگوشی
۱. اثر تجمعی صوتی که به دو گوش می‌رسد به
بهبود شنوایی با دو گوش نسبت به یک گوش
منجر می‌شود به طوری که حساسیت شنوایی
دوگوشی به میزان تقریباً ۳ دسی‌بل بهتر از
یک‌گوشی است؛ ۲. فرآیند ترکیب دو بخش
یک پیام به یک کل معنی‌دار که هر بخش به
یک گوش ارائه شده است و به تنهایی برای
درک پیام کافی نیست.

binauricular

دوگوشی
مربوط به هر دو گوش.

bing test

آزمایش بینگ
آزمایش دیاپازونی که اثر انسداد را اندازه‌گیری
می‌کند. در این آزمون دیاپازون یا سایر
ارتعاشگرهای استخوانی روی سر (زائده
ماستوئید) یا مجرای گوش باز و بسته قرار
می‌گیرد. عدم تغییر در درک بلندی نشان‌دهنده
کاهش شنوایی انتقالی است.

binotic

دوگوشی

bioacoustics

بیواکوستیک
علم مربوط به اثرات صدا بر موجودات زنده.

bioelectric

بیوالکتریک
مربوط به پدیده الکتریکی در موجودات زنده.

biofeedback بازخورد زیستی
استفاده از وسایل الکترونیکی جدید برای آموزش کنترل اعمال ناخودآگاه خاصی مانند فشار خون در بدن افراد.

biologic calibration تنظیم بیولوژیک
تعیین صفر ادیومتریکی برای یک محرک خاص که بر مبنای میانگین آستانه‌های افراد دارای شنوایی طبیعی حاصل می‌شود.

biologic check بررسی بیولوژیک
ارزیابی عملکرد پارامترهای مختلف شنوایی سنج از طریق گوش دادن.

biphasic pulse پالس دوفازی
موج مربعی دارای دامنه مثبت و منفی مساوی.

bipolar دوقطبی

bipolar electrode
به electrode مراجعه کنید.

bipolar stimulation تحریک دوقطبی
۱. ارائه محرک الکتریکی بین دو قطب یک ردیف الکتروود؛ ۲. تحریک کاشت حلزون به نحوی که هر دو الکتروود فعال و خنثی درون حلزونی هستند. ر.ک:

monopolar stimulation

blensory method روش دوحسی
روشی در توانبخشی شنوایی که ترکیبی از تربیت شنوایی و بینایی (گفتارخوانی) است.

bisyllabic دوهجایی
دارای دو هجا.

bithermal caloric stimulation test
آزمون تحریک حرارتی دو دمایی

ارزیابی عملکرد دهلیزی با تحریک مجرای شنوایی خارجی به وسیله هوا یا آب سرد و گرم.

Björnstad syndrome
به syndrome مراجعه کنید.

Blainville ear به ear مراجعه کنید.

bleb تاول

blending, auditory آمیختگی شنوایی
پردازه درکی که در آن واج‌های یک واژه با یکدیگر ترکیب شده و کلمه را می‌سازند.

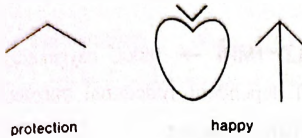
blissymbolics علایم بلیس

[C. Bliss]. نظام ارتباطی مبتنی بر مفهوم و تصویر که توانایی انتقال تجربه‌های انسان را دارد. در این روش می‌توان از عناصر علامتی پایه، تصویرنگاری (خط تصویری) و تجسم غناید با تصویر برای ساخت علایم مرکب استفاده کرد که بدین ترتیب امکان بالقوه گسترش گنجینه واژگان در این نظام فراهم می‌شود. ر.ک:

aided augmentation communication

block

۱. انسداد
قطع جریان تکانه‌های عصبی.
آتوپی گوش
متراشف: plus.



Blissymbolics

oto b.

گوش‌بند

تکه کوچکی از ابر پلاستیکی یا مواد دیگری که پیش از تهیه قالب اولیه در مجرای شنوایی خارجی قرار داده می‌شود تا از برخورد مواد قالب اولیه با پرده صماخ جلوگیری نماید.

blood oxygenation level dependent functional magnetic resonance imaging (BOLD fMRI)

تصویربرداری تشدید مغناطیسی کارکردی وابسته به سطح اکسیژن‌رسانی به خون در این روش، مناطقی از قشر مغز که در طی اعمال ذهنی (نظیر گوش دادن) فعال می‌شوند را می‌توان پس از تجزیه و تحلیل رایانه‌ای بر اساس فرضیه BOLD ردیابی نمود. بر اساس

این الگو، افزایش فعالیت نورون‌ها در مناطق فعال قشر سبب افزایش جریان خون موضعی و افزایش غلظت هموگلوبین اکسیژن‌دار نسبت به هموگلوبین بدون اکسیژن (دزوکسی هموگلوبین) می‌گردد. از آنجا که دزوکسی هموگلوبین پارامغناطیسی است با فرآیندهای مغناطیسی در حین تصویربرداری تداخل می‌کند. از این رو، غلظت‌های کمتر دزوکسی هموگلوبین سبب افزایش محرک‌های مطلوب تشدید مغناطیسی با تأخیر حدود ۵ ثانیه در منطقه می‌گردد.

blooming artifact پاسخ کاذب ناگهانی

پاسخ فرکانسی نادرستی که در سمک AGC- خروجی هنگام استفاده از محرک‌های صوتی به جای پهن‌یافتن مشاهده می‌گردد. پاسخی که از عدم توانایی محرک‌های صوتی در فعال‌سازی تراکم وابسته به فرکانس ناشی می‌شود.

blue eardrum پرده گوش آبی‌رنگ

آبی شدن پرده صماخ به دلیل انواع اوتیت میانی مترشحه و هموتمپانوم با علت نامشخص که مایع به دلیل خونریزی گرانوم‌ها آبی‌رنگ می‌شود.

BMC bleomycin, methotrexate, cisplatin

بلیتومایسین، متوترکسات و سیس پلاتین رژیم شیمی‌درمانی که برای درمان سرطان سر و گردن استفاده می‌شود و بالقوه سم گوش است.

BMLD → binaural masking level difference.

BMT

BMT → bilateral myringotomy tube.

BOA → behavioral observation audiometry.

board-certified in hearing instrument sciences (BC-HIS)

تأییدیه هیأت ملی علوم ابزار شنوایی مدرکی که به منظور تأیید صلاحیت متخصصان ابزار شنوایی توسط هیأت ملی تأیید علوم ابزار شنوایی اعطا می‌گردد.

body baffle effect اثر صداگیری بدن
تغییر در پاسخ سمعک در صورت اتصال به بدن. بدن در فضای صوتی تغییرات آکوستیکی ایجاد می‌کند که بر پاسخ فرکانسی سمعک به ویژه نوع جیبی تأثیر می‌گذارد.

body hearing aid = body-worn hearing aid

body image

تصویر بدن

۱. تصویر ذهنی که هر شخص از طریق احساس درونی خود، تغییرات وضعیت بدن، برخورد با اشیای خارجی و افراد، تجربیات عاطفی و قوای خیالی اش از بدن خود دارد؛ ۲. آگاهی فرد از بدن خود و ارتباط بخش‌های آن با یکدیگر و با محیط خارج؛ ۳. در صوت: استفاده از کیفیت و زیر و بمی صدا به نحوی که نشان‌دهنده تصور فرد از خودش باشد؛ به‌طور مثال مرد جوانی که خود را مسن تر می‌پندارد صدایش را بم تر می‌کند تا این تصور را منعکس کند.

body-worn hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

BOE → bilateral otitis externa

boilermaker's ear ear مراجعه کنید.

BOLD fMRI → blood oxygenation level dependent functional magnetic resonance imaging

BOMA → bilateral otitis media, acute

bombarding

بعبازان

استفاده همزمان از بیش از یک حس برای ارائه محرک؛ به‌طور مثال استفاده از راه‌های شنوایی، لامسه و بینایی با هم برای آموزش صدای گفتاری.

BOMP bleomycin, vincristine, mitomycin, platinol (cisplatin)

بلنومایسین، وین‌کریستین، میتومایسین و پلاتینول (سیس پلاتین)

رژیم شیمی‌درمانی که برای درمان سرطان گریز رحم به کار می‌رود و بالقوه سم گوش است.

bone-air gap

فاصله آستانه هوایی واستخوانی، فاصله هوا-

استخوان

اختلاف آستانه‌های شنوایی انتقال هوایی و انتقال استخوانی بر حسب دسی‌بل در فرکانس

معین در همان گوش که برای توصیف مقدار کاهش شنوایی انتقالی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

bone-anchored hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

bone conduction انتقال استخوانی

انتقال صوت به حلزون از طریق ارتعاش جمجمه.

absolute b.c.

انتقال استخوانی مطلق

اصطلاح اولیه‌ای که برای توصیف آستانه‌های انتقال استخوانی با گوش مسدود به کار می‌رود.

compressional b.c. = distortion bone conduction

distortional b.c.

انتقال استخوانی اعوجاجی

مؤلفه‌ای از شنوایی انتقال استخوانی که با تراکم و انبساط متناوب لایبرنت استخوانی تولید می‌شود و به جابجایی مایع در لایبرنت غشایی منجر می‌گردد.

inertial b.c. انتقال استخوانی ماندی

تحریک لایبرنت حلزونی با تأخیر زنجیره استخوانی هنگامی که استخوان‌های جمجمه به وسیله ارتعاشگر استخوانی به حرکت در می‌آیند. این امر به حرکت نسبی بین استخوانچه رکابی و درپچه بیضی که در شنوایی انتقال استخوانی مشارکت دارد منجر می‌گردد.

osseotympanic b.c

انتقال استخوانی از طریق بخش استخوانی مجرای خارجی گوش

مشارکت ناچیز در انتقال استخوانی از طریق انعکاس انرژی صوتی از بخش استخوانی مجرای خارجی شنوایی به حلزون.

relative b.c. انتقال استخوانی نسبی

اصطلاح اولیه‌ای که برای توصیف آستانه‌های انتقال استخوانی که با گوش‌های غیرمسدود حاصل شده‌اند به کار می‌رود.

bone-conduction hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

bone-conduction oscillator

نوسانگر انتقال استخوانی

ارتعاشگر الکترومکانیکی که برای تحریک حلزون به وسیله انتقال ارتعاش‌ها از طریق استخوان‌های جمجمه ساخته شده است.

bone-conduction receiver

گیرنده انتقال استخوانی، رسیور انتقال استخوانی

ارتعاشگر یا نوسانگری که برای انتقال اصوات از طریق به ارتعاش درآوردن استخوان‌های جمجمه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

bone-conduction threshold

به threshold مراجعه کنید.

bone-conduction vibrator = bone-conduction oscillator

bone vibrator

bone vibrator = bone-conduction oscillator

bonelet استخوانچه، استخوان کوچک

bony atresia atresia مراجعه کنید.

bony labyrinth لایبرنت استخوانی
فضایی در استخوان گیجگاهی که محتوی مایعات و لایبرنت غشایی دستگاه دهلیزی و حلزون است. مترادف: osseous labyrinth.

boom microphone

به microphone مراجعه کنید.

boot, audio رابط صوتی
وسیله‌ای که برای رابط سمعک پشت‌گوشی یا سیم ورودی مستقیم صوتی به کار می‌رود.

boot, FM رابط اف ام
وسیله کوچک دوشاخه‌مانندی که حاوی رسیور اف ام است و به انتهای سمعک پشت‌گوشی متصل می‌گردد.

border cells سلول‌های مرزی
سلول‌های اندام کرتی که پشتیبان سلول‌های مویی داخلی هستند.

bore مجرای صوتی

belled b. مجرای صوتی کاسه‌ای شکل
دهانه کاسه‌ای شکل وسیع مجرای قالب یا سمعک سفارشی (custom).

boundary noise limit

earmold b. مجرای صوتی قالب
سوراخی در قالب که صوت تقویت شده از طریق آن به مجرای گوش هدایت می‌شود.

horn b. مجرای صوتی شیپوری شکل
مجرای مخروطی در قالب که از نمای داخلی وسیع‌تر است و برای افزایش تقویت فرکانس‌های بالا طراحی شده است.

reverse horn b.

مجرای صوتی شیپوری معکوس
مجرای مخروطی در قالب که از نمای خارجی وسیع‌تر است و برای کاهش تقویت فرکانس‌های بالا طراحی شده است.

sound b. = earmold bore

Boston University Speech Sound Discrimination Test

آزمون تمایز صداهای گفتاری دانشگاه بوستون در این آزمون که برای تمامی سنین طراحی شده است، واژه‌های تک‌هجایی که از نظر آوایی مشابهند ارائه می‌شوند و پاسخ به شکل مشابه / متفاوت دریافت می‌گردد.

boundary microphone

به microphone مراجعه کنید.

boundary noise limit

محدوده مرزی نویز
حداکثر سطح نویز مجاز در حد مرزی که غالباً به حد فاصل بین مناطق مسکونی و صنعتی مربوط می‌شود.

BP → bipolar

BPPN → benign paroxymal positional nystagmus

BPPV → benign paroxymal positional vertigo

BRA → brainstem response audiometry

bradyacusia کندشنوایی
احساس مبهم بودن شنوایی، کاهش حساسیت شنوایی.

brain مغز
بخشی از دستگاه عصبی مرکزی که از بافت عصبی اسفنجی نرمی که محفظه جمجمه را اشغال می‌کند تشکیل شده است و دارای سه قسمت: نیمکره‌های مغزی، مخچه و ساقه مغز است. مغز شامل مراکز عصبی هماهنگ و یکپارچه کننده محرک‌های حسی و تکانه‌های حرکتی و تنظیم عملکرد سازوکار بدن می‌باشد.

brain mapping نقشه‌برداری مغز
روش الکتروفیزیولوژیک اندازه‌گیری توزیع فعالیت الکتریکی فرق سر. در این روش ولتاژهایی از EEG یا AEPs در حال ثبت از طریق چند الکتروود اندازه‌گیری و با رنگ‌های متفاوت روی نقشه فعالیت مغز نشان داده می‌شود.

brainstem ساقه مغز
بخشی از مغز بین نخاع و مخ که شامل دیانسفال، مغز میانی، پل و بصل النخاع است.

brainstem auditory evoked potentials (BAEP) به potential مراجعه کنید.

brainstem auditory evoked response (BAER) = auditory brainstem response

brainstem evoked response audiometry (BERA, BSERA)
به audiometry مراجعه کنید.

brainstem evoked response (BSER) = auditory brainstem response

brainstem response audiometry (BRA) به audiometry مراجعه کنید.

branchial برانشیال
مربوط به برونش‌ها (نایژه‌ها) به ویژه قوس‌های برونشی جنینی.

branchial arch قوس برونشیال
ساختارهای برونشی مانند چینی که ساختمان‌های گوش میانی و خارجی از آنها به وجود می‌آیند.

branchio-oto-renal syndrome به syndrome مراجعه کنید.

- bridge** پل
اصطلاح اولیه‌ای برای ایمیتانس سنج، زمانی که ابزار آن بر اساس مدار پل عمل می‌نمود.
- brief-tone audiometry (BTA)**
به audiometry مراجعه کنید.
- broad-band noise (BBN)**
به noise مراجعه کنید.
- Broca's area** منطقه بروکا
منطقه حرکتی گفتار در مغز که در شیار تحتانی لب پیشانی قرار دارد.
- Brodmann's area 41** منطقه 41 برودمن
شکنج عرضی گیجگاهی در قشر مغزی که به درک شنوایی مربوط می‌شود.
- Bruhn method** روش برون
روش اولیه گفتارخوانی تحلیلی که مبتنی بر مشاهده دقیق حرکات لب‌ها هنگام تولید هر صدا می‌باشد.
- bruit** صدا، وزوز
صدای غیرعادی که در سمع قلب یا عضو دیگر شنیده می‌شود. مانند حرکت خون در گوش.
- BSAER** → brainstem auditory evoked response
- BSER** → brainstem evoked response
- BSERA** → brainstem evoked response audiometry
- BSOM** → bilateral serous otitis media
- BTA** → brief-tone audiometry
- BTE** → behind-the-ear hearing aid
- bullae; pl. bulla** تاول‌ها
- bullous myringitis**
التهاب تاولی پرده صماخ، میرنژیت تاولی التهاب ویروسی حاد و دردناک پرده صماخ که با تشکیل تاول بین لایه‌های پرده همراه است و غالباً همراه آنفلوآنزا رخ می‌دهد.
- bumetanide** بومتانید
داروی مدر که در درمان ادم ناشی از بیماری‌های قلبی، کبدی و کلیوی مصرف می‌شود و بالقوه سم گوش است.
- bundle of Rasmussen**
دسته الیاف راسموسن
گروهی از الیاف عصب وایران (دستجات زیتونی حلزونی داخلی) که از هسته‌های اطراف زیتونی نزدیک زیتون فوقانی داخلی منشأ گرفته و از طریق ساقه مغز به سلول‌های مویی خارجی حلزون مقابل می‌رسد. مترادف: crossed olivocochlear bundle
- bursa** بورس، کیسه زلالی، کیسه مفصلی
کیسه‌ای که با مایع پر شده است.
- BW** → bilateral weakness

C

C¹ → compliance

C² → cathode

C³ → Celsius

C⁴ → centigrade

C tracing → continuous tracing

C-weighted scale شبکه وزنی C

شبکه پالاینده صداسنج که پاسخ فرکانسی
مسطحی در طول محدوده فرکانس های ۲۰ تا
۱۰,۰۰۰ هرتز ایجاد می نماید.

CB → Cranial Nerve VIII

CA¹ → chronological age

CA² → compressed analog

CA processing → compressed analog
processing

Ca⁺⁺ → calcium

CAD → central auditory disorder

Cagot ear به ear مراجعه کنید.

cal tone → calibration tone

calcium (Ca⁺⁺) کلسیم

عنصر شیمیایی که با غلظت زیادی در پری لنف
یافت می شود.

calibrate

calibrate تنظیم کردن
 ۱. تطبیق خروجی دستگاه با استاندارد مشخص؛
 ۲. در دستگاه شنوایی سنج تطبیق سطوح شدت
 ادیومتر با سطوح استاندارد ANSI برای صفر
 ادیومتریک.

calibration

تنظیم
 عمل تنظیم کردن خروجی دستگاه‌هایی نظیر
 شنوایی سنج.

biologic c.

تنظیم بیولوژیک
 تعیین صفر ادیومتریک برای یک محرک
 خاص که بر مبنای میانگین آستانه‌های افراد
 دارای شنوایی طبیعی حاصل می‌شود.

calibration cavity

محفظه تنظیم
 محفظه بسته‌ای از هوا که برای تنظیم کردن
 انرژی ایمیتانس صوتی مورد استفاده قرار
 می‌گیرد.

calibration tone (cal tone)

تن تنظیم‌کننده
 تن ۱۰۰۰ هرتزی که پیش از مواد گفتاری
 ضبط می‌شود و برای تنظیم کنترل‌کننده حجم
 صدا (VU متر) در دستگاه شنوایی سنج به کار
 می‌رود تا از یکسانی تنظیم خروجی محرک‌های
 گفتاری در جلسات مختلف اطمینان حاصل
 شود.

California Consonant Test (CCT)

آزمایش همخوان‌های کالیفرنیا
 آزمایش بازشناسی واژه‌های تک‌هجایی برای
 شنوایی‌سنجی گفتاری بزرگسالان که به‌ویژه

در ارزیابی تأثیر کاهش شنوایی در فرکانس‌های
 بالا بر بازشناسی گفتار سودمند است.

caloric

حرارتی
 مربوط به حرارت.

caloric inversion

نیستاموس معکوس حرارتی
 وضعیتی که زنش نیستاموس متعاقب
 تحریک حرارتی در خلاف جهت مورد انتظار
 رخ می‌دهد و با اختلال ساقه مغز همراه است.

caloric irrigation

تحریک حرارتی با آب
 وارد کردن آب گرم و سرد داخل مجرای خارجی
 گوش برای آزمایش حرارتی عملکرد دهلیزی.

closed-loop c. i.

تحریک حرارتی مدار بسته با آب
 روشی برای تحریک سرد یا گرم دستگاه دهلیزی
 که آب از طریق کاتتر بادکنک مانند به مجرای
 گوش خارجی وارد می‌شود.

open-loop c. i.

تحریک حرارتی مدار باز با آب
 روشی برای تحریک گرم یا سرد دستگاه دهلیزی
 که آب مستقیماً به مجرای خارجی گوش وارد
 می‌شود.

caloric nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

caloric stimulation

تحریک حرارتی
 وارد کردن آب یا هوای سرد یا گرم به مجرای
 خارجی شنوایی برای تحریک دستگاه دهلیزی.

bithermal c.s.

تحریک حرارتی دودمایی
ارزیابی عملکرد دهلیزی با تحریک مجرای
خارجی شنوایی به وسیله هوا یا آب سرد و گرم.

monothermal c.s.

تحریک حرارتی یک‌دمایی
ارزیابی عملکرد دهلیزی با تحریک مجرای
خارجی شنوایی تنها توسط آب یا هوای گرم،
سرد یا یخ.

caloric test آزمایش حرارتی

تحریک مجرای خارجی شنوایی به وسیله آب
یا هوای گرم و سرد برای تحریک کردن لابیمنت
دهلیزی که در نتیجه آن نیستاگموس به عنوان
شاخص عملکرد دهلیزی ایجاد می‌شود.

Barany c.t. = caloric test

آزمایش حرارتی بارانی

kobrak minimal c.t.

آزمایش حرارتی حداقل کوبراک
آزمایش اولیه عملکرد دهلیزی که آب سرد یا
یخ توسط سرنگ وارد مجرای خارجی شنوایی
می‌شود و نیستاگموس به وسیله عینک فرنزل
مشاهده می‌گردد.

caloric test position (CTP)

وضعیت آزمایش حرارتی
وضعیت قراردادی سر برای آزمایش حرارتی
که بیمار در وضعیت طاقباز می‌خوابد و سر وی
در زاویه ۳۰° (بالا تر از افق) قرار می‌گیرد.

canal

مجرا، کانال

هر نوع معبر یا مجرا در بدن.

canal caps

کلاهک مجرا

کلاهک‌های قابل انعطاف که با یک بند
محکم دور سر متصل می‌شوند به نحوی که
روی دهانه مجرای گوش را می‌پوشانند اما وارد
مجرا نمی‌شوند. مترادف:

semiaural hearing protection device

به ear mold مراجعه کنید. canal earmold

canal hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

canal-lock earmold

به ear mold مراجعه کنید.

canal mold

قالب مجرا

واژه محاوره‌ای قالب گوش مجرا.

canales semicirculares ossei

مجاری نیم‌دایره استخوانی

مجاری نیم‌دایره استخوانی خلفی، فوقانی و
خارجی.

canalicular

مجرای کوچک

مربوط به مجرا یا کانالی کوچک.

canaliculi perforantes

مجاری کوچک سوراخدار

شبکه‌ای از مجاری کوچک در تاقچه صماخی
صفحه مارپیچی که نردبان صماخی را به

canaliculus

فضاهای محتوی مایع که دندریتهای عصب حلزونی و اندام کرنی را احاطه کردهاند مرتبط می نماید.

canaliculus مجرای کوچک

canaliculus cochleae

مجرای کوچکی که در سطح تحتانی استخوان خارخاره باز می شود و از آن یک ورید کوچک می گذرد که به سینوس خارهای تحتانی می ریزد.

canaliculus mastoideus

مجرای کوچکی که از زائیده ماستوئید عبور می کند و حاوی شاخه گوش عصب واگ است.

canaliculus tympanicus

مجرای کوچکی که از استخوان گیجگاهی تا کف فضای صماخی عبور می کند و حاوی شاخه صماخی عصب بزبانی حلقی است.

canalis

مجرا، کانال

canalis spiralis cochleae

مجرای مارپیچی حلزونی
مجرای حلزونی؛ لایبرنت استخوانی حلزون.

canalis spiralis modiolii

مجرای مارپیچی ستونک
مجرای مارپیچی ستونک که عقدههای مارپیچی عصب حلزونی در آن واقع شدهاند.

cancellation

حذف

در علم صوت، کاهش دامنه موج صوتی به صفر در نتیجه رخداد دو تن دارای فرکانس و دامنه یکسان با ۱۸۰ درجه اختلاف فاز.

cancer

سرطان

هر نوع تومور بدخیم شامل کارسینوم و سارکوم.

CANS → central auditory nervous system

CAOHC → Council for Accreditation in Occupational Hearing Conservation

CAP¹ → central auditory processing

CAP² → compound action potential

CAP³ cyclophosphamide, adriamycin, platinum (cisplatin)

سیکلو فسفامید، آدریامایسین و پلاتینول (سیس پلاتین)

رژیم شیمی درمانی که در درمان سرطانهای مختلف مورد استفاده قرار می گیرد و بالقوه سم گوش است.

capacitance

ظرفیت الکتریکی

مقدار شارژ الکتریکی که توسط دو سطح هدایتی که با دی الکتریک تفکیک شدهاند ذخیره می شود.

capacitor

خازن

جزء الکتریکی که از دو صفحه هدایتی که توسط

دی الکتریک از هم جدا شده‌اند تشکیل شده است و برای ذخیره و کنترل شارژ الکتریکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مترادف: condenser.

capacitor microphone

به microphone مراجعه کنید.

CAPD → central auditory processing disorder

capitation سرانه
نظام بازپرداخت مستمر در مقابل ارائه خدمات که مأمور هزینه ثابتی را ماهانه به ازای هر فرد برای ارائه خدمات ویژه‌ای دریافت می‌دارد.

capitulum

کاپیتولوم، برآمدگی سر استخوان

capitulum malleus

سر استخوانچه چکشی

capitulum stapes سر استخوانچه رکابی

CAPS → communication assessment procedure for seniors

capsule, otic کپسول گوشی
بخش استخوانی حلزون که لایبیرنت غشایی را در بر می‌گیرد.

captioning

۱. عنوان، سرفصل؛ ۲. شرح، زیرنویس؛
۳. شرح نوشتن

closed c. (cc) زیرنویس بسته
متن چاپ‌شده گفتگو یا شرح فیلم ویدئویی یا تلویزیونی که تنها توسط آداپتور یا مداربندی خاصی در دسترس قرار می‌گیرد.

open c. زیرنویس باز
متن چاپ‌شده گفتگو یا شرح فیلم تلویزیون یا ویدئو که بدون استفاده از آداپتور یا مداربندی خاصی در دسترس قرار می‌گیرد.

real-time c. زیرنویس همزمان
زیرنویس رایانه‌ای گفتار فرد بدون تأخیر یا با تأخیر اندک.

carbon hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

carbon microphone

به microphone مراجعه کنید.

carboplatin کربوپلاتین
دارویی که برای شیمی‌درمانی سرطان به کار می‌رود و غالباً سم گوش است.

carcinoma کارسینوم
هر نوع تومور بدخیم با منشأ بافت اپی تلیال (سنگفرشی).

basal-cell c.

کارسینوم سلول‌های قاعده‌ای
سرطان بدخیم پوست با رشد بطئی که می‌تواند به شکل ضایعه‌ای بدون درد و اندکی

برآمده یا سطح صاف در لاله و مجرای خارجی گوش رخ دهد و در پی آن زخم خونریزی دهنده حادث می شود.

epidermoid c.

کارسینوم اپی درموئید
نئوپلاسم سرطانی لاله گوش، مجرای خارجی شنوایی، گوش میانی و یا ماستوئید.

squamous cell c.

کارسینوم سلول های سنگفرشی
شایع ترین تومور بدخیم لاله گوش که نشانه های آن ضخامت پیشرونده پوست همراه با پوسته پوسته شدن، برآمدگی بدون درد و تشکیل زخم یا لبه های برجسته می باشد.

cardiac evoked response audiometry به audiometry مراجعه کنید.

cardioid response پاسخ قلبی شکل
الگوی قلبی شکل پاسخ میکروفن جهت دار.

cardiotachometry

سرعت سنجی قلب. کار دیوتا کومتری
اندازه گیری تغییرات ضربان قلب.

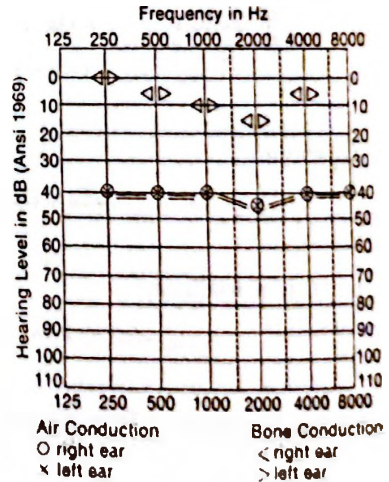
Cargot ear به ear مراجعه کنید.

carhart procedure روش کارهارت
روش اولیه انتخاب سمعک که از طریق مقایسه توانایی باز شناسی گفتار با سمعک های مختلف،

تلاش می شود اختلاف بین کارایی سمعک ها مشخص شود. مترادف:
comparative hearing aid evaluation

carhart's notch

فرورفتگی کارهارت، الگوی کارهارت
الگوی آستانه های ادیومتریک انتقال استخوانی که در اتوسکلروز دیده می شود و نشانه آن کاهش حساسیت انتقال استخوانی عمدتاً در ۲۰۰۰ هرتز است.



Carhart Notch

caroticotympanic arteries

شریان های کاروتیکو تیمپانیک، شریان های کاروتید صماخی
دو شاخه مجزای منشعب از شریان کاروتید داخلی که با اتصال به شاخه های صماخی و شریان های لوله ای به بخش قدامی گوش میانی خونرسانی می کنند.

carotid wall دیواره کاروتید
سطح قدامی محافظه صماخی که دارای مدخلی
است که از طریق آن کورداتیمپانی از گوش
میانی خارج می شود.

Capenter syndrome
به syndrome مراجعه کنید.

Carrel Discrimination Test

آزمایش تمایز اصوات کرل
آزمایشی که برای کودکان و بزرگسالان ساخته
شده است و در آن صداها به صورت جفت از
طریق نوار ضبط شده ارائه می شوند و فرد باید
پاسخ مشابه یا متفاوت بدهد.

carrier phrase عبارت حامل
در شنوایی سنجی گفتاری عبارتی است که
پیش از هجا، واژه یا جمله هدف بیان می شود
تا بیمار را برای محرک آزمایشی آماده نماید.

Carrow Auditory-Visual Abilities Test

آزمایش توانایی های شنوایی-بینایی کرو
آزمایشی که مهارت های حافظه، حرکتی و
درکی شنوایی و بینایی را در کودکان ۴ تا ۱۰
ساله ارزیابی می کند.

cartilage غضروف
بافت پیوندی که مشخصات آن استحکام زیاد
و فقدان رگ های خونی است.

cartilago auriculae غضروف لاله گوش

carved-shell earmold
به earmold مراجعه کنید.

case مورد
مثال خاصی از بیماری، صدمه، جراحی،
توانبخشی، درمان و غیره. غالباً به اشتباه برای
مشخص کردن بیمار مربوط به آن مثال مورد
استفاده قرار می گیرد.

case history شرح حال، تاریخچه گیری
گزارش مربوط به سابقه پزشکی و ارتباطی
بیمار.

CAT scan → computerized axial
tomography (scan)

catarrh نزله
التهاب غشای مخاطی.

catarrhal deafness
به deafness مراجعه کنید.

catarrhal otitis media
به otitis media مراجعه کنید.

cathode کاتد
۱. الکتروود منفی در سلول الکترولیتی؛ ۲. پایانه
مثبت باتری. ر.ک: anode.

caudal دمی
جهت آناتومیک که به ساختمان هایی که دور
از سر یا به عبارت درست تر نزدیک دم قرار
دارند اطلاق می گردد. متضاد: rostral.

caudate nucleus

caudate nucleus

به nucleus مراجعه کنید.

cauliflower ear به ear مراجعه کنید.

cavernous hemangioma

همانژیوم غاری

تومور خوش خیمی متشکل از رگ‌های خونی جدید که امکان دارد مجرای شنوایی خارجی، پرده صماخ و گوش میانی را درگیر نماید و کاهش شنوایی و وزوز ضریان دار ایجاد کند.

cavity محفظه، صندوق

محفظه یا فضایی درون یا بین ساختمان‌ها.

cavum حفره

نمای تحتانی فنجان‌ی شکل صدقه.

CBM cisplatin, bleomycin, mitomycin

سیس پلاتین، بلئومایسین و میتومایسین رژیم شیمی درمانی که برای درمان سرطان سر و گردن به کار می‌رود و بالقوه سم گوش است.

cc → cubic centimeter

CC → closed captioning

CCC-A → Certificate of Clinical Competence in Audiology

CCM → contralateral competing message

CCS → crippled children services

CCT → California Consonant Test

CD → communication disorder

cDNA → complementary DNA or copy DNA

cDNA libraries بانک‌های cDNA

بانک‌هایی که حاوی ترتیب cDNA غالب ژن‌هایی که به شکل بافت بروز می‌نمایند می‌باشند؛ هرچند که ممکن است این ترتیب کامل نباشد. بانک cDNA حلزون جنین انسان تاکنون در شناسایی چندین ژن معیوب شنوایی ارزشمند بوده است.

CDP → computerized dynamic posturography

CEC → Council on Exceptional Children

celling

در آزمایش به حد بالایی محدود‌دهی از مواد (ایتم‌های) متوالی که تعداد مشخصی از آنها به اشتیاد پاسخ داده شده‌اند اطلاق می‌گردد و فرض می‌شود که کلیه مواد بالاتر از این حد اشتیاد می‌باشند.

celling effect

اثر سقف
در تجزیه و تحلیل داده‌ها زمانی که حداکثر

cell

پاسخ اختلاف‌های توانایی را در بین مواردی که بالاترین سطح یا سقف امتیاز را دارند دچار ابهام می‌کند، اطلاعات کاهش می‌یابد.

cell

سلول

توده‌ای از پروتوپلاسم که در غشا محصور شده و دارای هسته‌ای است که مبنای فعالیت تمامی موجودات زنده محسوب می‌شود.

cells of Henson

سلول‌های هنسن

سلول‌های پشتیبان در اندام کرتی در مجاورت وجه خارجی سلول‌های دایترز.

cellulitis

سلولیت

ضایعه التهابی لاله گوش که نشانه‌های آن قرمزی، حساس بودن، سفتی و ناراحتی هنگام لمس است.

Celsius = centigrade

center frequency

به frequency مراجعه کنید.

center of gravity (COG)

گرانیگاه، مرکز ثقل

نقطه‌ای در بدن که وزن در اطراف آن کاملاً متعادل است.

centigrade

سانتی‌گراد

دارای ۱۰۰ درجه، مقیاس ۱۰۰ درجه‌ای.

central

مرکزی

مرتبط با دستگاه عصبی مرکزی.

central auditory processing...

central auditory disorder (CAD)

اختلال شنوایی مرکزی

اختلال عملکردی ناشی از بیماری‌ها یا ضربه به دستگاه عصبی مرکزی شنوایی

central auditory nervous system (CANS)

دستگاه عصبی مرکزی شنوایی

بخشی از دستگاه عصبی مرکزی که در شنوایی دخالت دارد و شامل هسته‌های حلزونی، مجموعه زیتونی فوقانی، نوار جانبی، برجستگی‌های تحتانی، جسم زانویی داخلی و قشر شنوایی است.

central auditory nuclei

هسته‌های مرکزی شنوایی

هسته‌های دستگاه عصبی مرکزی که ورودی شنوایی آوران‌های اولیه را دریافت می‌کنند و شامل هسته حلزونی، مجموعه زیتونی فوقانی، نوار جانبی، برجستگی‌های تحتانی و جسم زانویی داخلی هستند.

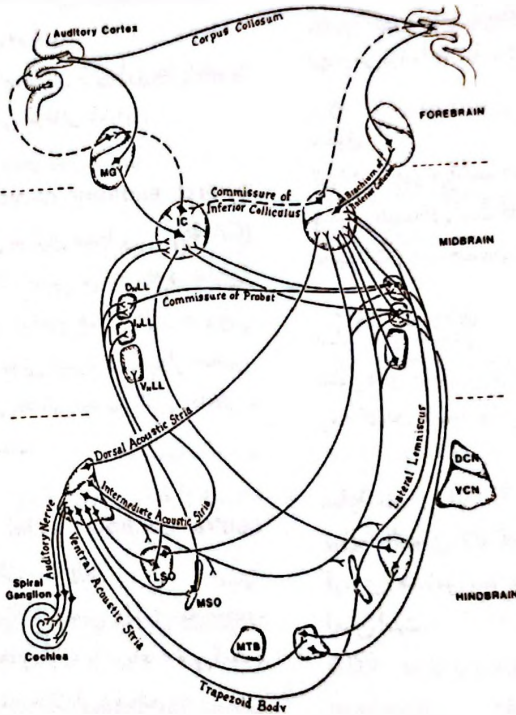
central auditory processing

به processing مراجعه کنید.

central auditory processing disorder (CAPD)

اختلال پردازش مرکزی شنوایی

اختلال عملکرد ساختمان‌های شنوایی مرکزی که نشانه آن آسیب توانایی دستگاه عصبی مرکزی در دستکاری، تغییر و استفاده از محرک‌های صوتی است و شامل مشکلات فهم گفتار در حضور نویز و مکان‌یابی صدا است.



The central auditory nervous system

central deafness

به deafness مراجعه کنید.

central hearing

شنوایی مرکزی
توانایی سازوکار مرکزی شنوایی (مغز) برای
تجزیه و تحلیل و تفسیر پیام‌ها به شکل
معنی دار.

Central Institute for the Deaf (CID)

مؤسسه مرکزی ناشنوابان
مدرسه شبانه‌روزی ناشنوابان در سنت لوئیس
که در ۱۹۱۴ توسط مکس گلدستاين، متخصص
گوش، کلو و بیلی آمریکایی، تأسیس شده است.

central masking

به masking مراجعه کنید.

central nervous system (CNS)

دستگاه عصبی مرکزی
بخشی از دستگاه عصبی که تکانه‌های حسی
به آن منتقل می‌شود و تکانه حرکتی از آن
ارسال می‌گردد و شامل نخاع، ساقه و قشر مغز
است.

central nucleus

هسته مرکزی
بخش مرکزی برجستگی تحتانی.

central tendency تمایل مرکزی
مقدار میانی مجموعه‌ای از اعداد. اندازه‌گیری تمایل مرکزی به روش‌های مختلفی انجام می‌شود که هر یک مفهوم تقریباً متفاوتی دارد. متداول‌ترین آنها میانگین، میانه و نما (q.v) است که حتی در صورت محاسبه بر مبنای اعداد یکسان لزوماً دارای مقادیر مشابه نمی‌باشند.

centration درک محدود، محدودیت درک
درک محدود کودک از محرک. عدم توانایی کندوکاو تمامی جنبه‌های محرک یا عدم تمرکز بر بررسی بینایی که به جذب تنها جنبه‌های سطحی موضوع یا واقعه منجر می‌شود.

centrifugal مرکز‌گریز
دور شدن از مرکز یا محور چرخش.

centripetal مرکزگرا
نزدیک شدن به مرکز یا محور چرخش.

cephalad سری
جهت آناتومیک که به ساختمان‌هایی که نزدیک سر قرار دارند اشاره دارد. متضاد: caudal، مترادف: rostral.

cephalic سری
مربوط به سر.

CERA¹ → cardiac evoked response
audiometry

CERA² → cortical evoked response
audiometry

ceramic microphone
به microphone مراجعه کنید.

cerebellar مخچه‌ای
مربوط به مخچه.

cerebellopontine angle (CPA)
زاویه پلی‌مخچه‌ای
زاویه آناتومیک که از مجاورت مخچه و پل شکل گرفته است و از طریق آن عصب هشتم جمجمه‌ای وارد ساقه مغز می‌شود.

cerebellopontine angle tumor (CPA tumor)

تومور زاویه پلی‌مخچه‌ای
غالب اوقات شواننوم حلزونی دهلیزی خارج از مجرای شنوایی داخلی در محل تلاقی مخچه و پل واقع می‌شود یا رشد می‌کند.

cerebellum مخچه
ساختمان مغزی خلفی و بزرگی پشت پل و بصل‌النخاع که از دو نیمکره تشکیل شده است. نیمکره‌ها توسط بخش داخلی (کرینه یا وردیس) به هم متصل شده‌اند. وظیفه مخچه هماهنگ نمودن اعمال حرکتی و حفظ تعادل است.

cerebral مغزی
مربوط به مغز.

cerebral cortex

قشر مغز، لایه خارجی مغز

cerebral dominance برتری مغزی
برتری عملکرد یکی از نیمکره‌های مغز نسبت به دیگری.

cerebral palsy فلج مغزی
اختلال کنترل حرکتی به دلیل آسیب به قشر حرکتی مغز.

cerebral vascular accident = cerebrovascular accident

cerebrospinal fluid (CSF)
مایع مغزی نخاعی
مایع شفافی که بطن‌ها و فضای زیر عنکبوتیه اطراف مغز و نخاع را پر کرده است و دستگاه عصبی مرکزی را در مقابل صدمات حفظ و نگهداری می‌کند و ممکن است در خارج ساختن فرآورده‌های اضافی ناشی از سوخت‌وساز اعصاب نقشی داشته باشد.

cerebrovascular accident (CVA)
حادثه مغزی عروقی
قطع خون‌رسانی به مغز به دلیل آنوریسم، آمبولیسم یا لخته که به فقدان ناگهانی اعمال مربوط به بخش آسیب‌دیده مغز منجر می‌گردد. محاوره‌ای: stroke.

cerebrum مغز
قشر مغز و هسته‌های قاعده‌ای.

Certificate of Clinical Competence
in Audiology (CCC-A)

گواهی آزمایش بالینی در شنوایی‌شناسی مدرکی که از سوی انجمن گفتار-زبان-شنوایی آمریکا به افرادی که واجد شرایط عملی و بالینی لازم برای شنوایی‌شناس شدن باشند اعطا می‌گردد.

cerumen جرم گوش، سرومن
ترشح مومی غدد سرومنی مجرای شنوایی خارجی. محاوره‌ای: ear wax.

Impacted c. جرم فشرده
جرمی که سبب بسته شدن مجرای شنوایی خارجی شود.

ceruminal جرمی
مربوط به جرم گوش.

ceruminectomy خارج کردن جرم گوش
خارج کردن جرم فشرده از مجرای شنوایی خارجی.

ceruminolytic حلال جرم گوش
مربوط به ماده‌ای که در مجرای شنوایی خارجی ریخته می‌شود تا جرم فشرده را نرم کند.

ceruminoma سرومینوم
تومور خوش‌خیم غدد سرومنی.

ceruminosis سرومینوز
وجود جرم بیش از حد در مجرای شنوایی خارجی.

ceruminous

جرمی
پر یا مشخص شده با جرم.

ceruminous glands

غدد سرومنی
غده‌هایی در مجرای شنوایی خارجی که جرم
ترشح می‌کنند.

cervico-oculo-acoustic syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

CES → Competing Environmental
Sounds

CF → characteristic frequency

CFA earmold → continuous flow
adaptor earmold

CHAMPUS Civilian Health and Medical
Programs of the Uniformed Services
برنامه‌های بهداشتی و درمانی غیرنظامی
نیروهای نظامی و انتظامی

channel

کانال، شبکه
در سمعک منطقه فرکانسی است که مستقل از
سایر مناطق فرکانس‌ها پردازش می‌شود.

CHAP cyclophosphamide, hexamethyl-
melamine, adriamycin, platinol (cis-
platine)

سیکلو فسفامید، هگزامتیل ملامین،
آدریاما یسین و پلاتینول (سیس پلاتین)
رژیم شیمی‌درمانی که برای درمان سرطان

تخمدان به کار می‌رود و بالقوه سم گوش است.

characteristic frequency (CF)

به frequency مراجعه کنید.

characteristic impedance

امپدانس ویژه

امپدانس‌سی که بر مبنای ویژگی‌های یک
سیستم به طور طبیعی موجود است.

CHARGE association

رخداد همزمان

CHARGE رخداد همزمان ژنتیکی که نشان‌دهنده شکاف
مادرزادی کره چشم یا ضمام آن (coloboma)،
بیماری قلبی (heart disease)، انسداد حفره
خلفی بینی (atresia choanae)، تأخیر رشد و
نمو (retarded)، هیپوپلازی ژنی (genital
hypoplasia) و ناهنجاری‌های گوشی (ear
anomalies) و یا کاهش شنوایی انتقالی،
حسی عصبی یا آمیخته است.

chemoreceptor

گیرنده شیمیایی

سلول یا اندامی که با تحریک شیمیایی فعال
می‌شود و مبدأ جریان تکانه‌های عصب است.

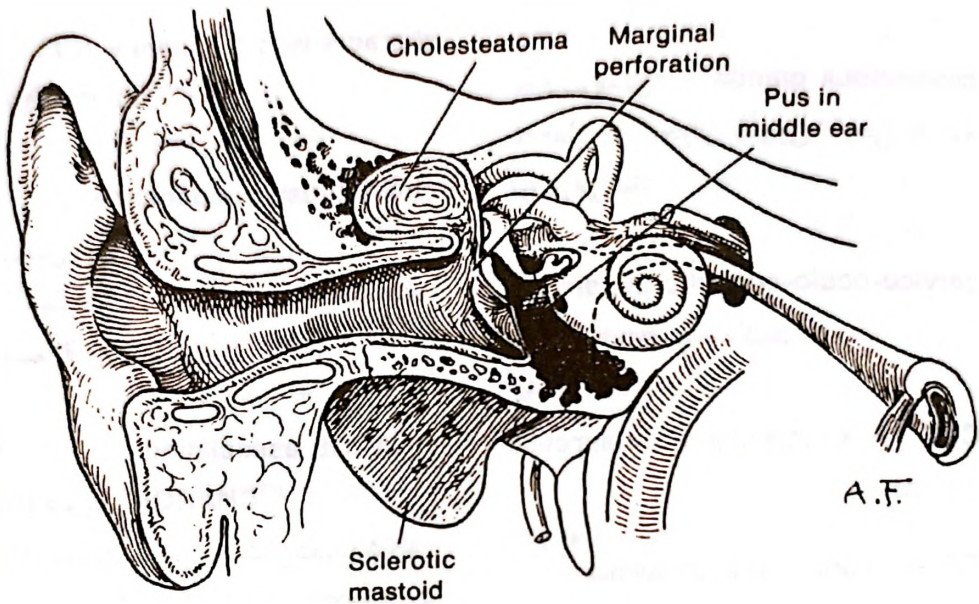
chemotherapy

شیمی‌درمانی

درمان بیماری به وسیله مواد یا داروهای
شیمیایی.

CHI → closed head injury

childhood psychosis = childhood
schizophrenia



Cholesteatoma

childhood schizophrenia

اسکیزوفرنی کودکی
اختلالی در کودکی که نشانه آن عدم برخورد با
واقعیت، عدم ارتباط یا برقراری ارتباط جزئی
با دیگران، فقدان هماهنگی و یکپارچگی در
رشد خود. گفتار در صورت وجود از پرده‌های
غریزی اولیه منشأ می‌گیرد و کلمات فاقد
واقعیت و نیز اهمیت متعارف خود می‌باشند.
 مترادف: prepsychosis, psychosis childhood.
ر.ک: autism.

chiloschlsis شکاف لب، لب‌شکری

chloral hydrate هیدرات کلرال

داروی خواب‌آوری که غالباً برای خواب کردن
کودکان در حین شنوایی‌سنجی ABR مورد

استفاده قرار می‌گیرد. مقدار مصرف معمول آن
۵۰ تا ۷۵ میلی‌گرم به ازای هر کیلوگرم وزن
بدن است.

chlorpromazine کلروپرومازین

دارویی که به عنوان آرامبخش و برای افزایش
تأثیر مسکن‌ها مصرف می‌شود.

chloroquine کلروکین

داروی ترکیبی که ساختمان ملکولی آن مشابه
کینین است و عمدتاً به عنوان داروی
ضدمالاریا مصرف می‌شود و در صورت درمان
طولانی مدت ممکن است سم گوش باشد.

cholesteatoma کلستئاتوم

توده شبه‌تومور اپی‌تلیوم صدفی و کلسترول در

cholesteatosis

گوش میانی که ممکن است به ماستوئیدتهاجم کرده و استخوانچه‌ها را از بین ببرد و معمولاً متعاقب اوتیت میانی مزمن یا پارگی حاشیه‌ای پرده صماخ رخ می‌دهد.

cholesteatosis

کلیستنانوز وضعیتی که از اختلال سوخت‌وساز چربی ناشی می‌شود و نشانه آن رسوب چربی در بافت است.

cholesterol granuloma

گرانول کلسترول توده محدودی که در واکنش به رسوب کلسترول در سلول‌های حاوی مایع که معمولاً تهویه می‌شوند شکل می‌گیرد و در حجرات تیمپانوماستوئید یا رأس استخوان خارخاره رخ می‌دهد و به اختلال انتقالی یا وراء حلزونی منجر می‌شود.

کولینرژیک
مربوط به گیرنده‌های دستگاه عصبی محیطی و مرکزی که واسطه شیمیایی آنها استیل کولین است.

chondroblastoma

نئوپلاسمی که گاهی در استخوان گیجگاهی ایجاد می‌شود و شامل مواد سلولی عالی است که مشابه غضروف جنینی می‌باشند.

chondrodermatitis nodularis chronica helicis

کندرودرماتیت گره‌ای مزمن هلیکس ضایعه حساس، خوش‌خیم، نخودشکل و گره‌ای لپه‌آزاد لاله گوش.

chromosomal

کندرودیسپلازی
اختلالی در رشد تراکم سلول‌های غضروفی جنین اولیه که به بدشکلی منجر می‌شود. این بدشکلی یا توقف رشد استخوان‌های بلند همراه است. مترادف:

dyschondroplasia, chondrodystrophy

chondrodystrophia fetalis

کندرودیسترفوی جنینی
اختلال اتوزومی غالب که نشانه آن قد کوتاه، دست و پای کوتاه، سر بزرگ و ناهنجاری گوش میانی و داخلی همراه با کاهش شنوایی می‌باشد. مترادف: achondroplasia.

chondrodystrophy = chondrodysplasia

chondrogenesis

کندروژنز، غضروف‌سازی، تشکیل غضروف

کندروم
تومور غضروفی خوش‌خیم.

chondroma

طناب صماخی
شاخه عصب صورتی که از گوش میانی می‌گذرد و مسئول حس چشایی دوسوم قدامی زبان است. این عصب حامل الیافی برای غدد بزاقی زیرفکی و زیرزبانی است.

کروموزومی
مربوط به کروموزوم‌ها.

chromosomal

chromosome کروموزوم
ساختماتی متشکل از رشته های بلند DNA و پروتئین در هسته سلول که حامل ژن است.

chromosome 21-trisomy syndrome
به syndrome مراجعه کنید.

chronaxie کروناکسی، مشخصه زمانی
مقدار تحریک پذیری بافت عصبی یا ماهیچه ای.

chronic مزمن، دارای مدت طولانی

chronic adhesive otitis media
به otitis media مراجعه کنید.

chronic atticentral suppurative otitis media
به otitis media مراجعه کنید.

chronic diffuse external otitis
التهاب منتشر مزمن گوش خارجی
التهاب مجرای شنوایی خارجی که نشانه های آن خارش و پوسته پوسته شدن مداوم یا عود کننده یا درماتیت دردناک ناشی از عفونت باکتریایی است.

chronic interstitial salpingitis
التهاب بینابینی مزمن لوله استاش
التهاب پایدار لوله استاش.

chronic otitis media (COM)
به otitis media مراجعه کنید.

chronic otitis media with effusion (COME)
به otitis media مراجعه کنید.

chronic suppurative otitis media (CSOM)
به otitis media مراجعه کنید.

chronic tubotympanic catarrh
التهاب مزمن مخاط گوش میانی و لوله استاش
التهاب پایدار غشای مخاطی لوله استاش و گوش میانی.

chronologic age (CA) سن تقویمی
سن فرد از تاریخ تولد

CIC¹ → completely - in - the - canal hearing aid

CIC² → commissure of the inferior colliculus

CID → Central Institute for the Deaf

CID Auditory Test W-1

آزمایش شنوایی مؤسسه مرکزی ناشنوایان
W-1

فهرستی شامل ۳۶ واژه اسپوندایک که در مؤسسه مرکزی ناشنوایان ساخته شده است و معمولاً برای تعیین آستانه دریافت گفتار مورد استفاده قرار می گیرد.

CID Auditory Test W-2

آزمایش شنوایی مؤسسه مرکزی ناشنوایان
W-2

نسخه ای از آزمایش شنوایی مؤسسه مرکزی

ناشنوایان W-1 که ۳۶ واژه اسپوندی آن به نحوی ضبط شده‌اند که بین هر سه واژه ۳ دسی‌بل کاهش شدت وجود دارد.

CID Auditory Test W-22

آزمایش شنوایی مؤسسه مرکزی ناشنوایان W-22

آزمایش بازشناسی گفتار که در مؤسسه مرکزی ناشنوایان ساخته شده است و شامل چهار فهرست ۵۰ واژه‌ای تک‌هجایی است.

cilla

موهای حسی، سیلیوم‌ها، جمع cilium

سیلیوم‌دار، دارای موهای حسی ciliated

سم سیلیوم ciliotoxic
دارای تأثیر سمی بر سیلیوم‌ها.

موی حسی، سیلیوم cillum; pl. cilla
زوائد رشته‌مانند متحرک در سطح سلول مانند زواید سلول‌های مویی حسی در اندام انتهایی حلزونی و دهلیزی.

سنگونیسیم cinchonism

۱. مسمومیت با پوست درخت گنه‌گنه؛ ۲. در شنوایی کاهش موقت شنوایی مربوط به مصرف کینین که مشتق شبه‌قلیایی گنه‌گنه است.

چرخه دسی‌بل‌ها circle of decibels
نموداری برای درک چگونگی تبدیل سه

دستگاه دسی‌بل که در سمعک مورد استفاده قرار می‌گیرند. این سه دستگاه عبارتند از:
۱. ارزیابی سمعک بر حسب دسی‌بل. HI،
۲. تجویز سمعک بر اساس دسی‌بل SPL یا بهره در جفتگر ۲cc و با بخش صوتی و
۳. تنظیم و تطبیق نهایی سمعک بر حسب دسی‌بل SPL یا بهره در پرده گوش بیمار.

circuit

مدار

۱. مسیر یا خط جریان الکتریکی، ۲. ترکیب اجزای الکترونیکی که جریان الکتریکی را حمل می‌کنند.

مدار یکپارچه integrated c. (IC)

مدار الکترونیکی که با عناصر درونی خود که به یکدیگر متصلند روی بدنه یک ماده نیمه‌هادی ساخته می‌شود.

به noise مراجعه کنید. circuit noise

circuitry

مداربندی

سیستم یا اجزای مدار الکتریکی.

circumambient

محیط. اطراف

circumaural

دورگوشی

circumaural earphones

گوشی‌های دورگوشی
گوشی که بالشتک آن دور لاله گوش قرار می‌گیرد. ر.ک. insert earphones.

circumscribed labyrinthitis

circumscribed labyrinthitis

به labyrinthitis مراجعه کنید.

CIS processing → continuous interleaved sampling processing

CISCA cisplatin, cyclophosphamide, adriamycin

سیس پلاتین، سیکلوفسفامید، آدریامایسین رژیم شیمی درمانی که برای درمان سرطان اندام‌های تناسلی و ادراری مورد استفاده قرار می‌گیرد و بالقوه سم گوش است.

cisplatin; cis-diamminedichloro-platinum

سیس پلاتین، سیس دی‌امین دی‌کلروپلاتینیوم داروی ضد جهش و ضد نئوپلاسم سم گوش که غالباً به عنوان بخشی از رژیم درمانی برای درمان سرطان مصرف می‌شود.

Class A amplifier تقویت‌کننده رده A

نوعی تقویت‌کننده تک‌سر که در سمک‌های دارای توان پایین به کار می‌رود و در تمامی سطوح ورودی جریان ثابتی دارد. رده A به مشخصات علمی خروجی یا وضعیت توان تقویت‌کننده اطلاق می‌گردد.

Class B amplifier تقویت‌کننده رده B

تقویت‌کننده پوش-پول سمک که در موارد توان بالا مورد استفاده قرار می‌گیرد و جریان مصرفی آن متناسب با سطح ورودی محرک است. رده B به مشخصه عملی خروجی یا وضعیت توان تقویت‌کننده اطلاق می‌گردد.



Unilateral cleft lip



Bilateral cleft lip



Median cleft lip

Cleft Lip

Class D amplifier تقویت‌کننده رده D

نوعی تقویت‌کننده با پهنای مدوله‌شده پالس که درون گوشی مینیاتوری (رسیور) کار گذاشته می‌شود و نتایج استفاده از آن شامل کاهش جریان باتری، اندازه کوچک تر و سطوح اشباع

بالا تر است. رده D به مشخصه خروجی یا وضعیت توان اطلاق می‌گردد.

claudius cells سلول‌های کلادیوس
سلول‌هایی در اندام کرتی که سلول‌های مویی خارجی را از سطح خارجی پشتیبانی می‌کنند.

cleft شکاف یا سوراخ

cleft lip لب‌شکری، شکاف مادرزادی لب بالایی

cleft palate شکاف کام، شکاف مادرزادی کام

cleft pinna شکاف لاله‌گوش، شکاف مادرزادی لاله‌گوش

cleidocranial dysostosis استخوانی شدن ناقص ترقوه‌ای سری
اختلال اتوزومی غالب اسکلتی که از تأخیر تشکیل استخوان ناشی می‌شود و نشانه آن فقدان استخوان‌های ترقوه و تشکیل نامنظم استخوان‌ها همراه با کاهش شنوایی انتقالی و یا حسی عصبی است.

click کلیک
صدایی با آغاز سریع، زمان تداوم کوتاه و پهنای باند وسیع که با ارائه پالس الکتریکی به گوشی تولید می‌شود و برای برانگیختن پاسخ شنوایی ساقه مغز و گسیل‌های صوتی برانگیخته‌گذرای گوش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

compression c. = condensation
click

condensation c.
کلیک انقباضی، کلیک تراکمی
صدایی با آغاز سریع، زمان تداوم کوتاه و پهنای باند وسیع که با ارائه پالس الکتریکی با قطبیت مثبت به گوشی تولید می‌شود.

rarefaction c. کلیک انبساطی
صدایی با آغاز سریع، زمان تداوم کوتاه و پهنای باند وسیع که با ارائه پالس الکتریکی دارای قطبیت منفی به گوشی تولید می‌شود.

click-evoked otoacoustic emission
به otoacoustic emission مراجعه کنید.

clicking tinnitus
به tinnitus مراجعه کنید.

clinical بالینی
مربوط به تشخیص و درمان بیمار بر مبنای مشاهده یا اندازه‌گیری علائم. ر.ک: laboratory.

clinical audiometer
به audiometer مراجعه کنید.

clinician
۱. پزشک بالینی
فردی که در مراقبت‌های بهداشتی مهارت داشته و به کار بالینی اشتغال دارد.
۲. شنوایی‌شناسی بالینی
شنوایی‌شناس ماهری که به کار بالینی اشتغال دارد.

clipping, peak

clipping, peak برش قله
۱. محدود کردن حداکثر شدت خروجی سمعک
یا تقویت‌کننده از طریق حذف قله‌های دامنه
جریان متناوب در سطحی ثابت؛ ۲. اعوجاج
موج صوتی به دلیل به اشباع رسیدن تقویت‌کننده
سمعک.

clonus کلونوس
حرکت غیرطبیعی که با انقباض و انبساط
متوالی و سریع عضله در پاسخ به خم‌شدگی و
بازشدگی شدید مشخص می‌شود.

closed captioning (CC)

زیرنویس بسته
متن چاپ‌شده گفتگو یا شرح فیلم ویدئویی یا
تلویزیونی که تنها توسط آداپتور یا مداربندی
خاصی در دسترس قرار می‌گیرد.

closed head Injury (CHI)

صدمه بسته سر
صدمه مغزی که علت عمده آن به جای آن‌که
زخم نفوذکننده، حادثه مغزی عروقی، نئوپلاسم
و غیره باشد ضربه یا شیء غیر تیز است.

closed-loop caloric Irrigation

تحریک حرارتی مدار بسته با آب
روشی برای تحریک سرد یا گرم دستگاه دهلیزی
که آب از طریق کاتتر پادکنک مانند به مجرای
گوش خارجی وارد می‌شود.

closed-set test

آزمایش دارای پاسخ بسته
آزمایش ادیومتریک گفتاری که به شکل

چندگزینه‌ای است و در آن هجا، واژه یا جمله
هدف از بین مجموعه محدودی گزینه انتخاب
می‌شود. متضاد: open-set test.

closure, auditory استنباط شنوایی
فرآیند درکی که در طی آن اطلاعات شنوایی
ناقص به شکل یک مجموعه تلفیق می‌شوند
تا بتوان واژه‌ای را که برخی از واج‌های آن
حذف شده یا درک نمی‌گردد بازشناسی نمود.

CM → cochlear microphonic

CMB cisplatin, methotrexate, bleo-
mycin

سیس پلاتین، متوترکسات و بلنومایسین
رژیم درمانی که برای درمان سرطان گردن
رحم به کار می‌رود و بالقوه سم گوش است.

CMOS → complementary metal oxide
semi-conductor

CMR → common mode rejection

CMRR → common mode rejection
ratio

CMV → cytomegalovirus

CN¹ → cochlear nucleus

CN² → cranial nerve

CN-VIII → cranial nerve VIII

CNAP → cochlear nerve action
potential

CNC → consonant-nucleus-consonant

CNE¹ could not evaluate
ارزیابی ممکن نبود

CNE² could not establish
تعیین آستانه ممکن نبود

CNR → composite noise rating

CNS → central nervous system

CNT could not test آزمایش ممکن نبود

CNV → contingent negative variation

coarticulation هم‌تولیدی
تأثیری که یک واج بر واج‌های قبل یا بعد خود
در واژه یا عبارت دارد.

COB cisplatin, oncovin, bleomycin
سیس پلاتین، انکووین، بلئومایسین
رژیم شیمی‌درمانی که برای درمان سرطان سر
و گردن استفاده می‌شود و بالقوه سم گوش
است.

COCB → crossed olivocochlear bundle

cochlea حلزون
بخش شنوایی گوش داخلی شامل مجاری
غشایی محتوای مایع که درون کانال مارپیچی
دور یک هسته مرکزی (ستونک) قرار دارند.

cochlear حلزونی
مربوط به حلزون.

cochlear ablation قطع حلزون
برداشتن حلزون حیوانات در موارد پژوهشی.

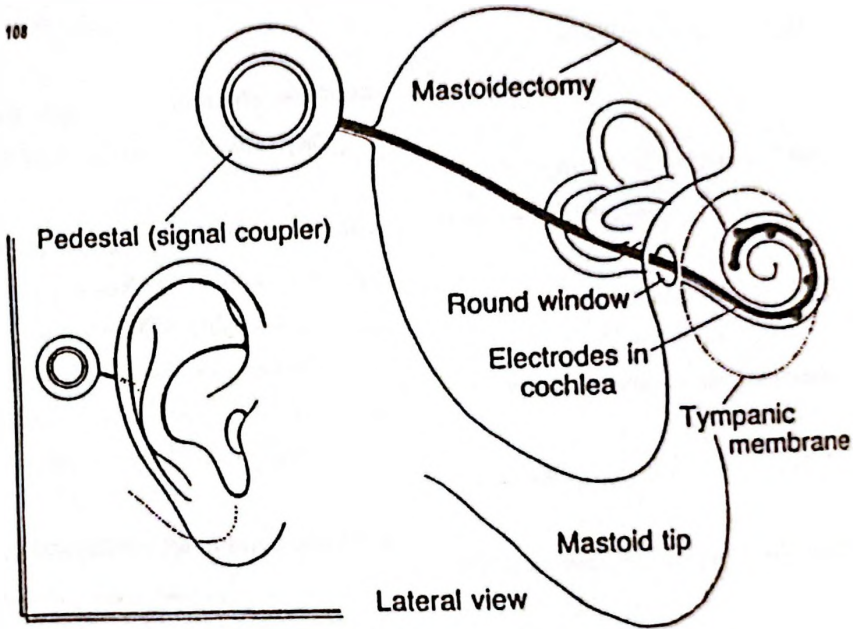
cochlear aqueduct مجرای حلزونی
مجرای کوچکی در استخوان گیجگاهی
نزدیک دریچه گرد که نردبان صماخی حلزون
را به فضای تحت عنکبوتیه چمچمه مرتبط
می‌نماید و احتمالاً امکان ارتباط پری لنف و
مایع مغزی نخاعی را فراهم می‌آورد.

cochlear conductive presbycusis
پیرگوشی انتقالی حلزونی

در این نوع پیرگوشی اختلال در مکانیک
حرکت مجرای حلزونی، تغییرات آتروفیک در
رباط مارپیچی، تغییرات جرم و سختی در
غشای پایه و تغییر در مکانیک گوش میانی
رخ می‌دهد که سبب شیب تند نزولی در منحنی
آستانه‌ها و کاهش توانایی تمایز واژه می‌شود.
مترادف: mechanical presbycusis.

cochlear duct نردبان حلزونی
مجرای غشایی مارپیچی که بخش حلزونی
لابیرنت غشایی محسوب می‌شود و بین صفحه
مارپیچی استخوانی و دیوار استخوانی خارجی
حلزون واقع شده است.

cochlear epithelium
بافت پوششی حلزونی، لابیرنت غشایی حلزون



Cochlear Implant

cochlear fenestra دریچه حلزونی
مدخل گردی در دیوار داخلی گوش میانی که به
حلزون منتهی می‌شود و با غشای دریچه گرد
پوشیده شده است. مترادف:

cochlear window, fenestra rotunda,
round window

cochlear hydrops هیدروپس حلزونی
تجمع بیش از حد آندولف درون لایبرنت
غشایی که به کاهش شنوایی حسی-عصبی
مواج، وزوز گوش و احساس پری منجر می‌شود.
cochlear Ménière's disease مترادف:

cochlear implant کاشت حلزون
وسیله‌ای که افراد مبتلا به کاهش شنوایی

عمیق را قادر می‌سازد صدا را دریافت کنند و
این وسیله مشتمل است بر یک ردیف الکتروود
که به روش جراحی در حلزون کاشته می‌شود و
محرك‌های الکتریکی را به عصب هشتم
جسمه‌ای ارسال می‌نماید و یک
تقویت‌کننده خارجی که الکتروودها را فعال
می‌کند.

cochlear implant mapping

نقشه‌برداری کاشت حلزون
نمایش پارامترهای استانه‌ای یا فوق استانه‌ای
هر الکتروود یا مجموعه الکتروودها در برنامه
رمزگذاری گفتاری فرد استفاده‌کننده از کاشت
حلزون.

cochlear Ménière's disease

بیماری منیر حلزونی
 شکل غیرمعمول بیماری منیر که تنها علائم
 مشخصه شنوایی بدون حمله‌های سرگیجه
 دیده می‌شود. مترادف: cochlear hydrops.

cochlear microphonic (CM)

(پتانسیل) میکروفنی حلزون
 پتانسیل الکتریکی ناچیز سلول‌های حلزون
 که دارای جریان متناوب است و به محرک
 ورودی شباهت دارد.

cochlear nerve به nerve مراجعه کنید.

cochlear nerve action potential
 (CNAP) به potential مراجعه کنید.

cochlear neuritis

التهاب عصب حلزونی، نوریت حلزونی
 التهاب بخش شنوایی عصب هشتم جمجمه‌ای
 که غالباً ماهیت ویروسی دارد و سبب اختلالات
 حاد و راه حلزونی می‌گردد. مترادف:
 acoustic neuritis

cochlear nucleus (CN) هسته حلزونی

دسته‌ای از اجسام سلولی نورون‌های رده دوم در
 حاشیه خارجی مغز میانی در دستگاه عصبی
 شنوایی مرکزی که در آن الیاف عصب هشتم
 جمجمه‌ای الزاماً سیناپس انجام می‌دهند.

anterlor ventral c.n. (AVCN)

هسته حلزونی شکمی قدامی
 بخشی از هسته حلزونی که گسیل‌های اعصاب

آوران را از عصب هشتم جمجمه‌ای دریافت
 می‌کند و الیاف رده دوم را از طریق نوار شنوایی
 شکمی به مجموعه زیتونی فوقانی می‌فرستد.

dorsal c.n. (DCN)

هسته حلزونی پشتی
 بخش پشتی هسته حلزونی که الیاف عصبی را
 از شاخه خلفی عصب هشتم جمجمه‌ای پس
 از دوشاخه شدن آن دریافت می‌نماید.

posterior ventral c.n. (PVCN)

هسته حلزونی شکمی خلفی
 بخشی از هسته حلزونی که الیاف عصبی را از
 شاخه خلفی عصب هشتم جمجمه‌ای دریافت
 می‌کند و الیافی را از طریق نوار شنوایی
 بینابینی به هسته‌های پیش‌زیتونی و
 هسته‌های دگرسویی نوار جانبی می‌فرستد.

cochlear otosclerosis

اوتوسکلروز حلزونی
 بیماری که سبب تشکیل استخوان‌های اسفنجی
 جدید نزدیک دریچه بیضی و در نتیجه کاهش
 شنوایی حسی عصبی یا آمیخته می‌گردد.

cochlear partition نردبان حلزونی

نردبان میانی یا حلزونی که در تصویرها به
 شکل دیواره‌ای بین نردبان دهلیزی و صماخی
 نشان داده می‌شود.

cochlear ramus شاخه حلزونی

شاخه شریان دهلیزی حلزونی که خون یک‌چهارم
 حلزون و ستونک مجاور آن را تأمین می‌نماید.

cochlear recess

فرورفتگی حلزونی، فرورفتگی در بجه گرد

به reflex مراجعه کنید. **cochlear reflex**

cochlear reserve رزرو حلزونی

توانایی عملکرد گوش داخلی، عملکرد حلزون در سطح فوق‌آستانه‌ای.

cochlear window دریچه حلزونی

مدخل گردی در دیواره داخلی گوش میانی که به حلزون منتهی می‌شود و با غشای دریچه گرد پوشیده شده است. مترادف:

cochlear fenestra, fenestra rotunda, round window.

cochleo-orbicular reflex

به reflex مراجعه کنید.

cochleogram نمودار حلزونی، کولکلوگرام

ادیوگرامی که از پیش‌بینی الکتروفیز یولوژیک حساسیت شنوایی بر مبنای کشف آستانه‌های پاسخ‌های میکروفونی حلزون به محرک‌های ارائه شده در یک متعلقه فرکانسی حاصل می‌شود.

cochleopalpebral reflex (CPR)

به reflex مراجعه کنید.

cochleosaccular aplasia

اپلازی حلزونی ساکولی
ناهنجاری مادرزادی بخش غشایی حلزون و

ساکول که شامل آتروفی نوار عروقی و ناهنجاری‌های غشای سقفی است.

cochleosaccular degeneration,

تخریب حلزونی ساکولی نوزادی **infantile**
تخریب ویروسی یا بدون علت مشخص انتخابی حلزون و ساکول با حفظ سلامت اتریکول و ستیخ‌ها. این بیماری در دوران نوزادی رخ داده و منجر به کاهش شنوایی حسی عصبی عمیق یکطرفه یا دوطرفه می‌شود.

cochleosacculotomy

کوکلوئوساکولوتومی

عمل جراحی در بیماری منیر که برای ایجاد فیستولی در لابیمنت غشایی صورت می‌گیرد. در این روش سوزنی از طریق صفحه رکابی وارد می‌شود و ساکول متسع را سوراخ می‌کند.

cochleostapedial reflex

به reflex مراجعه کنید.

cochleotoxic

سم حلزون

دارای تأثیر سمی بر سلول‌های مویی اندام کرتی. ر.ک: vestibulotoxic, ototoxic.

cochleotoxicity

مسمومیت حلزونی

دارای خاصیت سم حلزون. ر.ک:

vestibulotoxicity, ototoxicity

cochleovestibular

حلزونی دهلیزی

مربوط به حلزون و دهلیز گوش.

cochleovestibular schwannoma

شوانوم حلزونی دهلیزی

نئوپلاسم خوش خیم کیپسول دار سلول‌های شوان که از بخش درون‌جمجمه‌ای عصب هشتم منشأ می‌گیرد. مترادف: acoustic neuroma, schwannoma, acoustic neurilemoma.

Cockayne syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

COG → center of gravity

Cogan syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

cognition

شناخت

پرده‌هایی که در کسب اطلاع دخالت دارند و شامل دریافت، بازشناسی، پندار، قضاوت، احساس و استدلال می‌باشند.

cognitive

شناختی

مربوط به شناخت.

cogwheeling

چرخ‌دنده‌ای

وجود غیرطبیعی حرکات سریع چشم در آزمایش تعقیب آرام، به طوری که چشم نمی‌تواند به تعقیب هدف نوسانی ادامه دهد.

coherence

هم‌خوانی

۱. میزان ارتباط یا شباهت دو وضعیت؛ ۲. در تحلیل سمعک، میزان شباهت خروجی یک مدار به ورودی آن؛ ۳. در پتانسیل‌های

برانگیخته، میزان شباهت نمونه‌گیری‌های معدل‌گیری شده متوالی.

cold-opposite warm-same (COWS)

اصطلاح یادآوری‌کننده جهت زنش نیستاگموس در پاسخ به محرک حرارتی. تحریک گوش با آب یا هوای سرد به نیستاگموسی که جهت آن به سمت گوش مقابل است منجر می‌شود.

cold-running speech

به speech مراجعه کنید.

Cold-Running Speech Test

آزمایش گفتار پیوسته

آزمایشی برای تعیین آستانه‌های دریافت گفتار [SRT] که کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرد در هر چند ثانیه تا زمانی که بتواند گفتار پیوسته بدون آهنگ را درک کند پاسخ می‌دهد. شدتی که در ۵۰٪ زمان گفتار را درک کند آستانه دریافت وی محسوب می‌شود.

collagen

کلاژن

پروتئین اصلی بافت همبند، غضروف و استخوان که کاهش وابسته به سن آن می‌تواند سختی غضروف لاله گوش را کاهش دهد و سبب روی هم افتادگی (کلاپس) مجرای گوش شود.

collapsed canal

مجرای روی هم افتاده، مجرای کلاپس وضعیتی که معمولاً به دلیل فشارگوشی دورگوشی روی لاله) بخش غضروفی مجرای

شنوایی خارجی باریک می‌شود و سبب کاهش شنوایی انتقالی و اضعی در فرکانس‌های بالا می‌گردد.

colliculus

۱. برجستگی کوچک؛ ۲. هسته‌های مغز میانی دستگاه عصبی مرکزی بینایی (فوقانی) و شنوایی (تحتانی).

inferior c. (IC)

برجستگی‌های تحتانی هسته شنوایی مرکزی در مغز میانی که هسته مرکزی آن ورودی صعودی را از هسته حلزونی و مجموعه زیتونی فوقانی و هسته محیطی (دور مرکزی) ورودی نزولی را از قشر مغز دریافت می‌کنند.

coloboma lobuli

شکاف مادرزادی لاله گوش

color hearing

شنوایی رنگی، شنیدن رنگ درک ذهنی غیر عادی رنگ در پاسخ به صداهای خاص.

columella

کلوملا

ستون استخوانی کوچکی در گوش میانی پرندگان که معادل زنجیره استخوانچه‌ها در انسان است.

COM → chronic otitis media

coma

اغما، کما

وضعیت بیهوشی عمیق که نتوان فرد را بیدار کرد.

coma score, Glasgow (GCS)

امتیاز اغمای گلاسکو
روش درجه‌بندی عمق اغما و شدت صدمه مغزی بر مبنای باز کردن چشم، پاسخ کلامی و پاسخ حرکتی.

comatose اغمایی، کمایی، در اغما

به tone مراجعه کنید. combination tone

combined method = bimodal method

COME → chronic otitis media with effusion

comfort level

سطح راحتی، سطح راحت بلندی

comfortable loudness, range of

محدوده راحتی بلندی
تفاوت بین آستانه قابلیت شنیدن و سطح ناراحتی بلندی بر حسب دسی‌بل برای یک محرک صوتی خاص.

comfortable loudness, upper limit

of سطح حداکثر راحتی بلندی
بیشترین سطح شدتی که در آن بلندی صدا راحت است.

comfortable loudness level

سطح راحتی بلندی
سطح شدتی که محرک با بلندی مطلوب درک می‌شود.

commissure

رابط

دسته الیاف عصبی که یک طرف مغز را به طرف دیگر مرتبط می‌کنند مانند رابط برجستگی‌های تحتانی.

commissure of probst

رابط پروبست

دسته الیاف عصبی که از هسته پشتی نوار جانبی یک طرف مغز به هسته طرف دیگر امتداد می‌یابند.

commissure of the inferior colliculus

رابط برجستگی تحتانی

دسته الیاف عصبی که از بخش پشتی میانی برجستگی تحتانی یک طرف مغز به بخش مشابه آن در طرف دیگر امتداد می‌یابند.

common cochlear artery

به artery مراجعه کنید.

common crus

پایه مشترک

بخشی از مجرای نیم‌دایره که مجاری خلفی و فوقانی به یکدیگر متصل می‌شوند.

common electrode

به electrode مراجعه کنید.

common mode rejection (CMR)

حذف وجه مشترک

روش حذف نویز که در اندازه‌گیری‌های الکتروفیزیولوژیک به کار می‌رود و نویزی که در دو الکتروود مشابه (مشترک) است توسط تقویت‌کننده تفاضلی کسر می‌شود.

common mode rejection ratio

(CMRR) نسبت حذف وجه مشترک

مقدار کاهش محرک بر حسب دسی‌بل که در دو الکتروود مشترک است.

common modiolar vein

ورید ستونک مشترک

رگی که تخلیه وریدی حلزون از طریق آن صورت می‌گیرد.

common phrases test

آزمایش عبارتهای رایج

آزمایش درک جمله برای کودکان که در آن جملات کوتاهی در سه وضعیت آزمایشی: فقط بینایی، فقط شنوایی و ترکیبی از هر دو ارائه می‌شود.

communication

ارتباط

عمل تبادل اطلاعات از طریق گفتار، زبان اشاره، نوشتار و غیره

manual c.

ارتباط دستی

روش ارتباطی که در آن از هجی کردن با انگشتان، حالات چهره و زبان اشاره استفاده می‌شود.

oral-aural c.

ارتباط شفاهی-شنوایی

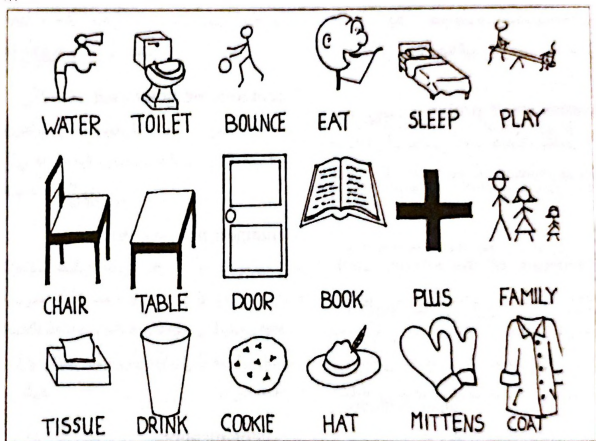
روش ارتباطی شامل استفاده از شنوایی، گفتار و گفتارخوانی است.

total c.

ارتباط کلی

روش نوتوانی که برای افراد مبتلا به آسیب شنوایی شدید و عمیق استفاده می‌شود و تلفیقی است از روش ارتباطی شفاهی / شنوایی دستی.

114



[]	>	<	+	=	*	/	'	"	%	\$
MY	WOULD	LIKE	TO	GO	HAVE	WANT	SEE	GIVE	TELL	TAKE	PUT
?	L4	⚠	WHO	WHAT	WHEN	WHERE	WHY	HOW	EVERY	MORE	&
YOU			A	B	C	D	E	F	G	[THINK
I	L3	←	STOP	LOOK	KNOW	MAKE	MAYBE	TODAY	TOMORROW	SOME	SP
IT			H	I	J	K	L	M	N]	
:	L2	SP	PLEASE	REPEAT	GOOD	EAT	DRINK	PLAY	REST	BATH ROOM	:
			O	P	Q	R	S	T	U	ROOM	THAT
WE	L1	ER	THANKS	SORRY	FEEL	VERY	SICK	HURT	BECAUSE	HELP ME	a
			V	W	X	Y	Z		—	ME	ING
I'M	0	1	2	3	4	5	6	7	8	9	#
	IS	ARE	CAN	NOT	AND	FOR	THE	GET	COME	NO	NOW
COPY	(1/2)	S	NO SP								
									Like	C/R	ON/OFF

Communication Board

communication assessment procedure for seniors (CAPS)

روش ارزیابی نیازهای ارتباطی سالمندان پرسشنامه خودارزیابی که برای سنجش نیازهای بیماران مسن به کار می‌رود.

communication board

تابلوهای ارتباطی

وسیله‌ای که حروف الفبا، اعداد و واژه‌های متداول روی آن نمایش داده می‌شود و هنگامی که بیان کلامی دشوار باشد یا قابل حصول نباشد مورد استفاده قرار می‌گیرد. ر.ک: aided augmentation communication

communication disorder (CD)

اختلال ارتباطی

آسیب توانایی برقراری ارتباط به دلیل اختلالات گفتاری، زبانی و یا شنوایی.

communication profile for the hearing impaired (CPHI)

پرسشنامه توانایی ارتباطی مخصوص افراد مبتلا به آسیب شنوایی

پرسشنامه خودارزیابی که برای کمیت‌گذاری نحوه درک بیمار از اختلال ارتباطی و پذیرش کاهش شنوایی‌اش تهیه شده است.

communication sciences

علوم ارتباطی

مطالعه ارتباط انسانی و اختلالات آن.

communication skills of the hearing impaired

مهارت‌های ارتباطی افراد مبتلا به آسیب شنوایی. ر.ک:

hearing impairment degrees

ارتباط‌شناس
واژه غیر مصطلح آسیب‌شناس گفتار و زبان.

ارتباط‌شناسی
علوم ارتباطی.

به noise مراجعه کنید. community noise

comodulation masking

به masking مراجعه کنید.

comparative hearing aid evaluation

ارزیابی مقایسه‌ای سمعک
روش اولیه انتخاب سمعک که از طریق توانایی بازشناسی گفتار با سمعک‌های مختلف تلاش می‌شد اختلاف بین کارایی سمعک‌ها مشخص شود. مترادف:

carhart procedure

جبران
تطبيق رفتار یا عملکرد دستگاه عصبی در پاسخ به تغییر یا به شرایط غیرطبیعی.

motoric c.

جبران حرکتی

حرکت جبرانی عضلات در پاسخ به تغییرات کشش جاذبه‌ای.

Competing Environmental Sounds

Competing Environmental Sounds

Test آزمایش صداهاى محیط رقابتى
آزمایش پردازش دایکوتیک اصوات غیرگفتارى
آشنا.

competing message پیام رقابتى
محرك گفتارى كه در شنوايى سنجى گفتارى
برای رقابت با محرك هدف مورد استفاده قرار
می‌گیرد.

contralateral c.m. (CCM)

پیام رقابتى دگرسویى
در شنوايى سنجى گفتارى نویز یا سایر محرك‌هاى
رقابتى است كه به يك گوش ارائه می‌شود در
حالى كه گوش دیگر محرك هدف را دریافت
می‌کند.

ipsilateral c.m. (ICM)

پیام رقابتى همانسویى
در شنوايى سنجى گفتارى به نویز یا سایر
محرك‌هاى رقابتى كه مانند محرك هدف به
همان گوش ارائه می‌شود اطلاق می‌گردد.

competing messages integration

تلفیق پیام‌هاى رقابتى
تمایز شنوايى در حضور نویز زمینه.

Competing Sentence Test (CST)

آزمایش جملات رقابتى
آزمایش پردازش دایکوتیک جملات ساده.

complementary DNA (cDNA)

DNA رونویسى شده از یک RNA اختصاصى

توسط آنزیم ریورس ترنس کریپتاز. مترادف:
copy DNA

complementary metal oxide semi-conductor فلز اکسید نیمه‌رسانای مکمل
مدار یکپارچه‌ای (IC) که در ساخت سمک
مورد استفاده قرار می‌گیرد.

complete recruitment

بسیج سلولى کامل
وضعیتی که بلندی تن در گوش مبتلا به
کاهش شنوايى با بلندی تنى با همان شدت در
گوش دارای شنوايى طبیعى در سطوح بالای
شدت برابر است. ر.ک: recruitment.

completely-in-the-canal hearing aid
به hearing aid مراجعه کنید.

complex noise به noise مراجعه کنید.

Complex Speech Sound Discrimination Test

آزمایش تمایز اصوات گفتارى پیچیده
در این آزمایش که برای کودکان و بزرگسالان
ساخته شده واژه‌هاى ساختگى یا مصنوعى در
عبارات معنی‌دار ارائه می‌شوند. این آزمایش
شامل بررسی تمایز واژه‌ها، همخوان‌ها،
حذف، اضافه و جابه‌جایی است.

complex tone به tone مراجعه کنید.

complex wave به wave مراجعه کنید.

compliance (C) نرمش، نرمی، کامپلیانس
میزان سهولت عبور انرژی از طریق گوش
خارجی و میانی، عکس *stiffness*.

static c.

نرمش ایستا، کامپلیانس ایستا
اندازه‌گیری سهم گوش میانی در امپدانس
صوتی از طریق ارائه فشار به مجرای گوش و
کم کردن مقدار ایمیتانس مجرای خارجی
گوش از مقدار کلی ایمیتانس. مترادف:

static acoustic immittance

composite noise rating (CNR)

برآورد نویز مرکب

مقیاسی که برای برآورد و پیش‌بینی محیط‌های
پرسروصدادر مناطق جغرافیایی خاصی مانند
اطراف فرودگاه، به منظور ارزیابی کاربرد همسان
آن روی زمین مورد استفاده قرار می‌گیرد.

compound action potential (CAP)

به *potential* مراجعه کنید.

comprehension, auditory

درک شنوایی، فهم زبان بیانی

compressed analog processing

به *processing* مراجعه کنید.

compressed speech

به *speech* مراجعه کنید.

compression

۱. انقباض

در علم اکوستیک بخشی از سیکل موج صوتی

که ذرات واسطه انتقال دهنده متراکم شده‌اند.
متضاد: *expansion*.

۲. تراکم

در مداربندی سمعک، بهره غیرخطی تقویت‌کننده
که برای محدود کردن حداکثر خروجی (محدود
کننده تراکمی) یا تطبیق بهره تقویت‌کننده با
رشد بلندی فرد (تراکم محدوده پویایی) به کار
می‌رود.

adaptive c.

تراکم انطباقی

مداری در سمعک که تراکم محدودکننده خروجی
را همراه با تغییر خودکار زمان‌های رهائش ایجاد
می‌کند. مترادف: *variable compression*.

curvilinear c.

تراکم خطی

تراکم سمعک که نسبت تراکم با افزایش سطح
ورودی زیاد می‌شود. این روش برای سطوح
ورودی پایین و میانه، تراکم محدوده پویایی و
برای سطوح بالا، محدودکننده تراکم ایجاد
می‌نماید.

dual-time-constant c.

تراکم ثابت دوزمانه

روشی برای محدود کردن خروجی در برخی
سمعک‌ها که زمان رهایی مدار تراکمی به
عنوان تابعی از زمان تداوم محرک ورودی
تغییر می‌کند.

dynamic-range c.

تراکم محدوده پویایی

دستورالعمل تراکم سمعک که آستانه فعالیت
آن پایین است و برای محصور کردن محرک‌ها

بین آستانه‌های حساسیت شنوایی و سطح ناراحتی فرد به روشی که منطبق با رشد بلندی باشد ابداع شده است.

frequency-dependent c.

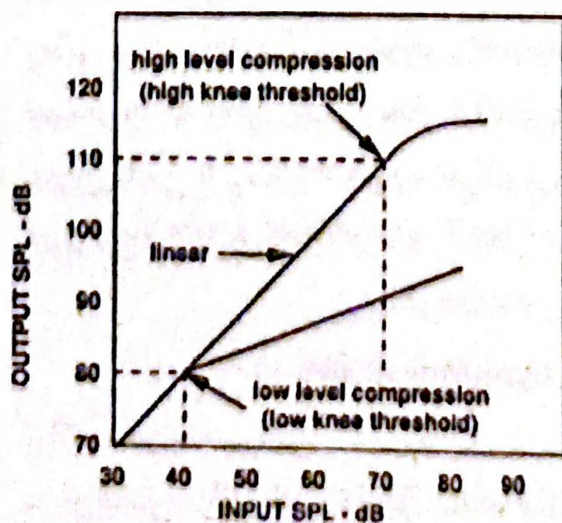
تراکم وابسته به فرکانس
تراکم سمعک که آستانه فعالیت آن با تغییر فرکانس تغییر می‌کند.

frequency-independent c.

تراکم مستقل از فرکانس
تراکم سمعک که آستانه فعالیت آن در همه فرکانس‌ها ثابت است.

full-dynamic-range c. = wide-dynamic range compression

تراکم سطح بالا
روند محدودکننده تراکمی سمعک که مشخصات آن آستانه به بالا، نسبت زیاد و زمان رهایی طولانی است.



compression, high-level

input c. تراکم ورودی

روندی که سمعک محرک را پیش از آن که به کنترل‌کننده حجم صدا برسد متراکم می‌کند و در نتیجه محدوده‌ی پویایی ثابتی ایجاد می‌شود که با افزایش یا کاهش بهره به وسیله کنترل‌کننده‌ی صدا حداکثر خروجی تغییر می‌کند.

limiting c. تراکم محدودکننده

روش محدود کردن حداکثر خروجی سمعک با مداربندی تراکمی.

linear c. تراکم خطی

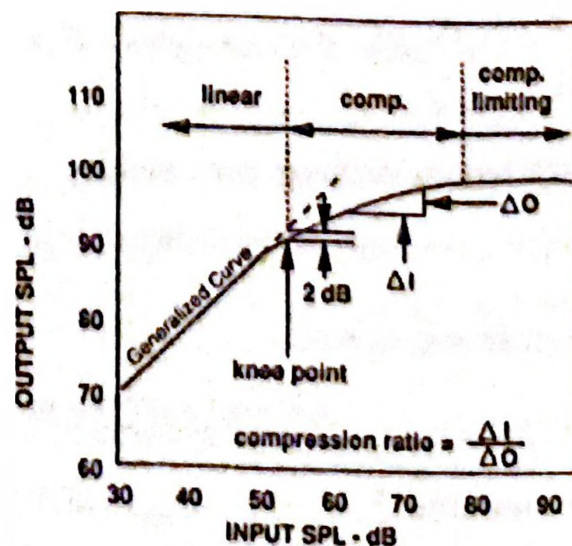
بهره سمعک که برای سطوح ورودی بالاتر از نقطه‌ی زانویی تراکمی، خطی است.

low level c. تراکم سطح پایین

مداربندی تراکمی سمعک که در پاسخ به ورودی دارای شدت پایین فعال می‌شود نظیر تراکم محدوده‌ی پویایی وسیع.

multichannel c. تراکم چندکاناله

روندی که سمعک محرک ورودی را به دو باند



compression, limiting

فرکانسی یا بیشتر تفکیک می‌کند و مداربندی تراکمی هر باند جداگانه کنترل می‌شود.

تراکم خروجی output c.

روندی که سمعک محرک را بعد از کنترل‌کننده حجم صدا متراکم می‌کند و در نتیجه محدوده پویایی وسیع تری برای تنظیم‌های بهره پایین و نقطه زانویی پایین تری برای تنظیم‌های بهره بالا ایجاد می‌شود.

تراکم هجایی syllabic c.

دستورالعمل تراکمی سمعک که آستانه فعالیت پایین، زمان حمله و رهایی کوتاه و نسبت تراکمی کمی دارد و در نتیجه محدوده پویایی ورودی را کاهش می‌دهد.

تراکم دوکاناله two-channel c.

روندی که سمعک محرک ورودی را در دو باند فرکانسی تفکیک می‌کند و هریک کنترل مداربندی تراکمی جداگانه‌ای دارند.

variable c. = adaptive compression

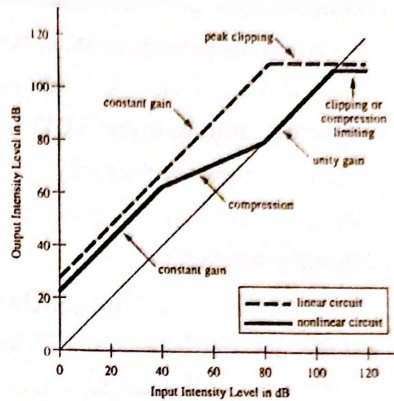
wide-dynamic-range c.

تراکم محدوده پویایی وسیع تراکم سمعک که در بیشتر محدوده پویایی فعال است و معمولاً سبب ایجاد حداکثر بهره برای صداهای ملایم و حداقل بهره برای صداهای بلند می‌شود. مترادف:

full-dynamic-range compression

compression amplification

به amplification مراجعه کنید.



wide-dynamic-range compression

compression click = condensation click

compression limiting

محدود کردن تراکم محدود کردن حداکثر خروجی در سمعک با استفاده از مداربندی تراکمی.

compression range

محدوده تراکم محدود شدت (بر حسب دسی‌بل) صدای ورودی که تراکم سمعک فعال است.

compression ratio

نسبت تراکم نسبت دسی‌بل ورودی به خروجی تقویت‌کننده در سمعک، به‌طور مثال سمعک دارای نسبت تراکمی ۲ به ۱ خروجی را ۱ دسی‌بل به ازای هر ۲ دسی‌بل ازدیاد ورودی افزایش خواهد داد.

compression threshold

به threshold مراجعه کنید.

compressional bone conduction

compressional bone conduction

به bone conduction مراجعه کنید.

computed tomography (CT) =

computerized axial tomography

computer averaging

معدل گیری رایانه ای

معدل گیری محرک توسط رایانه که در اندازه گیری پتانسیل برانگیخته به کار می رود.

computerized audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

computerized axial tomography

توموگرافی محوری رایانه ای (CAT)
پرتونگاری مقطعی مناطق خاصی از مغز که به شکل تصویر رایانه ای نشان داده می شود. این تصویرها نشان دهنده سنتز اشعه های ایکسی است که از جهات مختلف در صفحه معینی به دست آمده اند.

computerized dynamic posturography (CDP)

وضعیت نگاری پویای رایانه ای
ارزیابی کیفی هماهنگی عملکرد دستگاه تعادلی در حفظ وضعیت در طی ایستادن ساکن و متمایل با استفاده از سکوی متحرک و مبدل های حرکتی رایانه ای.

concha

صفحه، کونکا

فرورفتگی صدفی یا فنجانی شکل لاله گوش که

درست بالای نرمه قرار دارد و به شکل قیف یا دهانه ای برای مجرای شنوایی خارجی می باشد.

concha bowl = concha

concha rim

لبه کونکا

قسمتی از قالب که داخل لبه صدفه قرار می گیرد.

conceptual disorder

اختلال درکی

اختلال در پردازش های تفکر، فعالیت های شناختی و یا توانایی شکل دهی مفاهیم.

conceptualization

درکی سازی

۱. روند تفکر یا تصور؛ ۲. توانایی خلاصه کردن و طبقه بندی کردن؛ ۳. شکل دهی مفهوم یا مورد مطلوب.

concurrent equilization

برابرسازی همزمان

در اندازه گیری های میکروفن جستجوگر (پروپ) به برابرسازی همزمان با اندازه گیری اطلاق می شود.

concurrent validity

اعتبار ضابطه ای

میزان همخوانی نتایج آزمایش با یک معیار خاص.

condensation

انتقاض

در انتشار امواج صوتی به زمانی اطلاق می شود که در طی آن نیروی چسبندگی ملکول های هوا از مقدار ساکن آن بیشتر شود. متضاد:

rarefaction

condensation click

condensation click کلیک انقباضی
صدایی با آغاز سریع، زمان تداوم کوتاه و پهنای باند وسیع که با ارائه پالس الکتریکی با قطبیت مثبت به گوشی تولید می‌شود. متضاد: rarefaction click

condenser خازن
جزء الکتریکی که از دو صفحه هدایتی که توسط دی‌الکتریک از هم جدا شده‌اند تشکیل شده است و برای ذخیره و کنترل شارژ الکتریکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مترادف: capacitor

condenser microphone
به microphone مراجعه کنید.

conditioned orientation reflex audiometry
به audiometry مراجعه کنید.

conditioned response پاسخ شرطی
رفتاری که با شرطی شدن برانگیخته یا اصلاح شود.

conditioned stimulus محرک شرطی
نشانه کلیدی یا محرکی که از طریق شرطی سازی قدرت برانگیختن پاسخ را داشته باشد.

conditioning شرطی سازی
فرآیند ایجاد رفتارهای جدید یا تغییر رفتارهای موجود در پاسخ به تأثیرات محیط.

conductance (G) رسانایی، کاندوکتانس
میزان سهولت جریان انرژی که با سختی همراه است، عکس resistance.

congenital hearing loss

conduction انتقال
۱. انتقال انرژی از طریق واسطه؛ ۲. انتقال امواج فشار صوتی از مجرای گوش به حلزون از طریق سازوکار گوش میانی.

conductive انتقالی
مربوط به انتقال.

conductive hearing loss (CHL)
به hearing loss مراجعه کنید.

conductivity
قابلیت انتقال، توانایی انتقال

cone of light مخروط نورانی
بازتاب مثلثی روشن نور اتوسکوپ روی سطح پرده صماخ. مترادف: light reflex.

conference microphone
به microphone مراجعه کنید.

configuration, audiometric
شکل ادیومتریکی

شکل ادیوگرام، به عنوان مثال: صاف، صعودی، شیب دار، دارای شیب تند.

congenital مادرزادی
شرایطی که هنگام تولد وجود دارد.

congenital atresia
به atresia مراجعه کنید.

congenital hearing loss
به hearing loss مراجعه کنید.

congenital rubella سرخچه مادرزادی
اختلالی که سبب نقص چینی شده و از سرخچه مادر ناشی می‌شود. نشانه‌های آن، آب مروارید یا آب سیاه، نقص‌های قلبی عروقی، عقب‌ماندگی ذهنی، عقب‌ماندگی روانی حرکتی و کاهش شنوایی حسی عصبی شدید یا عمیق است.

conjugate eye movement

حرکت توأم چشم، حرکت مشابه و هم‌جهت چشمها

connected discourse

گفتار پیوسته یا مداوم مانند داستان‌خوانی که در شنوایی سنجی گفتاری عمدتاً به عنوان پیام رقابتی زمینه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد.
مترادف: continuous discourse.

consanguineous همخون

consanguinity همخونی، قرابت نسبی

conscious sedation

تسکین بخشی همراه با هوشیاری
وضعیت تضعیف غیراختصاصی سیستم اعصاب مرکزی که غالباً توسط کلرال هیدراته ایجاد می‌شود و در آن بیمار رفلکس‌های محافظتی را حفظ کرده و به طور مستقل تنفس می‌کند.

consensual واکنش توأم

مربوط به رفلکس یا پاسخ غیرارادی به محرک.

conservation حفاظت

محافظت در برابر آسیب دیدگی یا فرسودگی.

hearing c. حفاظت شنوایی
جلوگیری یا کاهش آسیب شنوایی توسط برنامه شناسایی موارد خطر، پایش شنوایی، حفاظت در برابر نویز مخاطره‌آمیز و آموزش.

speech c. حفاظت گفتار
درمانی که برای حفظ توانایی تولید گفتار در پی کاهش شنوایی اکتسابی در نظر گرفته می‌شود.

consonant-nucleus-consonant (CNC)

همخوان-هسته-همخوان
واژه یا هجایی که برای آزمایش بازشناسی گفتار مورد استفاده قرار می‌گیرد و شامل یک واکه یا واکه مرکب (به عنوان هسته) بین دو همخوان است. مترادف:

consonant-vowel-consonant

consonant-vowel (CV) همخوان-واکه
هجایی که در ارزیابی‌های ادیومتریک گفتاری استفاده می‌شود و شامل یک همخوان است که پس از آن واکه می‌آید.

consonant-vowel ratio

نسبت همخوان-واکه
رابطه بین شدت همخوان و واکه مجاور آن.

consonant-vowel-consonant (CVC)

همخوان-واکه-همخوان
واژه یا هجایی که برای آزمایش بازشناسی گفتار مورد استفاده قرار می‌گیرد و شامل یک واکه یا واکه مرکب بین دو همخوان است.
مترادف: consonant-nucleus-consonant.

constancy

constancy

ثبات، پایداری
درک اشیا یا واژه‌ها به شکل موجود علیرغم وجود تفاوت در رخداد یا تولید آن‌ها.

constant stimuli, method of

روش محرک‌های ممتد

روش سایکوفیزیکی تعیین آستانه‌ها که در آن همان محرک‌های مشابهی که در محدوده اطراف آستانه قرار می‌گیرند مکرراً ارائه می‌شوند تا آستانه ۵۰٪ در تابع روانسنجی (سایکومتریک) پاسخ-امتیاز تعیین گردد.

construct validity اعتبار ساختاری

میزان توانایی آزمایش در اندازه‌گیری ماهیت یک ویژگی.

consumer groups سازمان‌های حمایتی

سازمان‌های حمایتی مرتبط با آسیب‌های شنوایی که از مبتلایان به کاهش شنوایی، خانواده‌ها و حرفه‌های آنها تشکیل شده است. این سازمان‌ها رابط مهمی بین شنوایی‌شناسان و افراد دریافت‌کننده خدمات ادیولوژیک به شمار می‌آیند. سازمان‌های حمایتی به عنوان منبع اطلاعات کاربردی و بالینی، آموزش خودحمایتی و گروه‌های فشار سیاستگذار از طرف کم‌شنوایان عمل می‌کنند.

content validity اعتبار محتوایی

میزانی که آزمایش نشان‌دهنده نمونه‌گیری مناسب برای ویژگی مورد بررسی است.

contingent negative variation (CNV)

(پتانسیل) منفی شرطی

پتانسیل برانگیخته‌ای که به شکل پاسخ

contraindication

الکتروفیزیولوژیک ولتاژ منفی با فرکانس پایین و زمان نهفتگی ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلی‌ثانیه رخ می‌دهد. این پتانسیل با دخالت شرایط الکتریکی ایجاد می‌شود.

continuous discourse گفتار پیوسته

گفتار پیوسته یا مداوم مانند داستان خوانی که در شنوایی‌سنجی گفتاری عمدتاً به عنوان پیام رقابتی زمینه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. مترادف: connected discourse.

continuous flow adapter (CFA)

به earmold مراجعه کنید.

continuous frequency audiometer

به audiometer مراجعه کنید.

continuous interleaved sampling (CIS) processing

به processing مراجعه کنید.

continuous tracing (C tracing)

منحنی ممتد

در شنوایی‌سنجی بکزی نموداری است که از جستجوی آستانه برای تن‌های خالص ممتد در فرکانس‌های ثابت یا جاروبی حاصل می‌شود. متضاد: interrupted tracing.

contraindication

منع استعمال. مورد عدم استعمال شرایطی که مشخص می‌کند درمان یا روش خاصی غیرقابل تجویز است.

contralateral

دگرسویی

مربوط به طرف مقابل بدن. مترادف:

heterolateral

contralateral acoustic reflex

به reflex مراجعه کنید.

contralateral competing message

(CCM)

پیام رقابتی دگرسویی

در شنوایی سنجی گفتاری نویز یا سایر محرک‌های رقابتی است که به یک گوش ارائه می‌شود در حالی که گوش دیگر محرک هدف را دریافت می‌کند. متضاد:

ipsilateral competing message

contralateral delayed endolymphatic hydrops

هیدروپس آندولنفاتیک تأخیر یافته دگرسویی هیدروپس آندولنفاتیک که در طی دو مرحله رخ می‌دهد. ابتدا کاهش شنوایی عمیق در یک گوش و در پی آن کاهش شنوایی مواج و سرگیجه‌های دوره‌ای در گوش‌های دیگر از نظر شنوایی طبیعی بوده است.

contralateral interference level,

minimum حد اقل سطح مداخله دگرسویی

در آزمایش استنجر پایین‌ترین سطح شدت ارائه محرک به گوش‌های گفته می‌شود کم‌شنواتر است. این سطح سبب می‌شود پاسخ بیمار علیرغم ارائه ممتد محرک فوق‌آستانه‌ای به گوش بهتر متوقف شود.

contralateral masking

به masking مراجعه کنید.

contralateral routing of signals

(CROS) hearing aid به مراجعه کنید.

contralateral suppression

تضعیف دگرسویی

کاهش دامنه گسیل‌های صوتی گذرای گوش با ارائه نویز به گوش مقابل.

contralateralization

دگرسوشدگی

رسیدن صدایی که توسط گوش‌های یک گوش ارائه می‌شود به گوش مقابل از طریق انتقال استخوانی. مترادف: cross hearing, crossover.

control

۱. کنترل

اداره یا تنظیم کردن برخی اشیاء یا وقایع

۲. شاهد

حالت استاندارد که مشاهدات تجربی و آزمایشگاهی در مقایسه با آن مورد بررسی قرار می‌گیرد
۳. کنترل کردن، نظارت کردن، رسیدگی کردن.

postural c.

کنترل وضعیت بدن

حفظ وضعیت بدن توسط هم‌کنشی درک حسی، هماهنگی دستگاه عصبی مرکزی و عملکرد حرکتی.

remote c.

کنترل از دور

دستگاه قابل حملی که امکان تغییر حجم صدا

و یا برنامه سمعک‌های قابل برنامه‌ریزی را فراهم می‌آورد.

volume c. کنترل حجم صدا
کنترل دستی یا خودکاری که برای تنظیم سطح خروجی تجهیزات شنوایی تعبیه شده است.
 مترادف: gain control.

control group گروه شاهد
در پژوهش گروهی که معیار در نظر گرفته می‌شوند و مشاهدات (نتایج) گروه آزمایشی با آن‌ها مقایسه می‌شود.

conversion, analog-to-digital (ADC)
تبدیل قیاسی (آنالوگ) به رقمی (دیجیتال)
فرآیند تبدیل موجی که دائم تغییر می‌کند (قیاسی) به نماد عددی (رقمی) آن.

conversion, digital-to-analog (DAC)
تبدیل رقمی (دیجیتال) به قیاسی (آنالوگ)
فرآیند تبدیل نماد عددی (رقمی) شکل موج به محرکی که دائماً تغییر می‌کند (قیاسی).

conversion deafness
به deafness مراجعه کنید.

cookie bite audiogram
به audiogram مراجعه کنید.

coordination
هماهنگی، مشارکت، همپایگی
عمل هماهنگ و با هم به ویژه در چند عضله یا گروه عضلات در اجرای حرکات پیچیده.

copy DNA (cDNA)

DNA رونویسی شده از یک RNA اختصاصی توسط آنزیم ریورس ترنس کریپتاز. مترادف: complementary DNA

COR audiometry → conditioned orientation reflex audiometry

CORA → conditioned orientation reflex audiometry

cord سیم
کابل الکتریکی عایق‌داری که برای اتصال سمعک جیبی، دستگاه افام، پردازنده کاشت حلزون و غیره به رسیور یا قالب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

core area منطقه هسته
بخش اصلی برجستگی تحتانی، زانوی داخلی و قشر شنوایی که از طریق آن عمده اطلاعات شنوایی آوران عبور می‌کنند.

CORFIG → coupler response for flat insertion gain

Cornelia de Lange syndrome
به syndrome مراجعه کنید.

corneoretinal potential (CRP)
به potential مراجعه کنید.

corner audiogram
به audiogram مراجعه کنید.

coronal plane

coronal plane

سطح تاجی

مقطع مرجع آناتومی که بدن را به دو بخش قدامی (جلو) و خلفی (عقب) تقسیم می‌کند.
مترادف: frontal plane.

corpus

جسم، پیکره

بخش اصلی اندام یا سایر ساختمان‌های آناتومیک.

corpus callosum

جسم پینه‌ای

برجستگی ماده سفید حاوی دسته‌های الیاف عصبی که نیمکره‌های مغز را به یکدیگر مرتبط می‌کند.

corpus geniculatum mediale

جسم زانویی داخلی، زانوی داخلی

هسته شنوایی تالاموس که به هسته‌های مرکزی و محیطی (دور مرکزی) تقسیم می‌شود و عمدتاً الیاف صعودی را از برجستگی تحتانی دریافت و از طریق تشعشعات شنوایی به قشر شنوایی ارسال می‌کند.

corpus striatum

جسم مخطط

بخشی از هسته‌های قاعده‌ای مغز که مسئول عملکرد حسی سوماتیک است و شامل هسته دم‌دار و هسته عدسی می‌باشد. هسته عدسی از دو قسمت تشکیل شده است. بخشی که در خارج است پوسته یا پوتامن و دیگری که داخل آن است توده رنگ پریده یا گلوبوس پالیدوس می‌نامند.

corrective feedback

به feedback مراجعه کنید.

correlation

همبستگی

تمایل دو ویژگی یا دو مقدار فیزیکی برای

تغییر با همدیگر.

negative c.

همبستگی منفی

رابطه معکوس مقادیر دو مجموعه اندازه‌گیری شده.

positive c.

همبستگی مثبت

رابطه مستقیم مقادیر دو مجموعه اندازه‌گیری شده.

cortex

قشر، لایه خارجی

غالباً برای توصیف قشر مغز به کار می‌رود.

auditory c.

قشر شنوایی

منطقه شنوایی قشر مغز که در شکنج عرضی گیجگاهی (شکنج هشل) لب گیجگاهی واقع شده است.

Corti's organ

اندام کرتی

اندام شنوایی که شامل سلول‌های حسی و محافظ است و روی غشاء پایه در مجرای حلزونی واقع شده است. مترادف:

organ of Corti

cortical

قشری

مربوط به قشر.

cortical audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

cortical deafness

به deafness مراجعه کنید.

cortical evoked response audiometry (CERA)

به audiometry مراجعه کنید.

cortical lateralization

جهت یابی قشر مغز، برتری مغزی

cortical response, late

پاسخ دیررس قشر مغز
پاسخ برانگیخته شنوایی دارای زمان نهفتگی
طولانی.

cortilymph

کرتی لنف
پری لنف موجود در فضاهاى اندام کرتی.

Costen syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

COT → critical off time

Coulomb (Q)

کولن

C. de Coulomb، فیزیکدان فرانسوی،
۱۸۰۶-۱۷۳۶، واحد مقدار الکتریسیته یا بار
الکتریکی که با جریان ۱ آمپر در یک ثانیه
انتقال می یابد.

Council for Accreditation in Occu-
pational Hearing Conservation
(CAOHC)

شورای صدور پروانه حفاظت شنوایی شغلی
مرکز هماهنگ کننده چندمنظوره که به آموزش و
اعطای پروانه به متخصصان حفاظت شنوایی
شغلی مربوط است.

Council on Exceptional Children
(CEC)

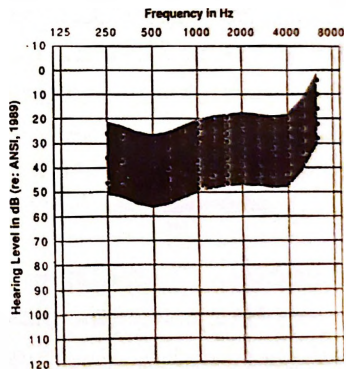
شورای امور کودکان استثنایی

counseling, genetic مشاور ژنتیک

توصیه به والدین مستعد درباره احتمال وجود
اختلالات و موارد ارثی در فرزندانشان.

count-the-dots procedure

روش شمارش نقطه
روشی برای محاسبه شنیده شدن گفتار که در
آن نقاط مربوط به اطلاعات گفتار وزنی روی
ادیوگرام مشخص می شود. پاسخ های با
سمعک که به ادیوگرام اضافه می شود نسبتی از
اطلاعات را که قابل شنیدن است نشان
می دهد.



count-the-dots procedure

جفت شده، مرتبط یا متصل
coupled

coupled FM system

دستگاه افام جفت شده
گیرنده تقویت کننده افام شخصی که توسط
حلقه ای در گردن با حلقه القایی سمعک جفت
شده است.

coupler جفتگر
هر وسیله‌ای که بخشی از دستگاه صوتی را به بخش دیگر مرتبط سازد.

0.5-cc c. جفتگر ۰/۵ سی‌سی

وسيله‌ای که برای تقلید (بازسازی) حجم مجرای گوشی که با سمعک عمق مجرا تنظیم شده ساخته شده است. این وسیله گوشی مینیا توری (رسیور) سمعک را با میکروفن صداسنج مرتبط می‌سازد.

HA-1 c.

جفتگر سمعک ۱، جفتگر HA-1

جفتگر ۲ سی‌سی استاندارد که برای متصل کردن سمعک به تحلیل‌گر الکترواکوستیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. وسیله HA-1 امکان جفت شدن مستقیم قالب یا سمعک داخل گوشی را به داخل جفتگر توسط خمیری که برای درزگیری قالب یا پدنه سمعک مورد استفاده قرار می‌گیرد فراهم می‌کند.

HA-2 c.

جفتگر سمعک ۲، جفتگر HA-2

جفتگر دو سی‌سی استاندارد که برای متصل کردن سمعک به تحلیل‌گر الکترواکوستیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این وسیله دارای یک شبیه‌ساز قالب است و برای آزمایش گوشی‌ها توسط تجهیزات مانند گوشی مینیا توری (رسیور) خارجی سمعک جیبی استفاده می‌شود.

HA-3 c.

جفتگر سمعک ۳، جفتگر HA-3

جفتگر دو سی‌سی استاندارد که برای متصل

کردن سمعک به تحلیل‌گر الکترواکوستیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. وسیله HA-3 برای آزمایش سمعک داخل گوشی پیش‌ساخته، گوشی و گیرنده‌های داخل گوشی که سر برجسته دارند به کار می‌رود.

HA-4 c.

جفتگر سمعک ۴، جفتگر HA-4

جفتگر ۲ سی‌سی استاندارد که برای متصل کردن سمعک به تحلیل‌گر الکترواکوستیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. وسیله HA-4 تغییر یافته HA-3 است که دارای لوله ورودی برای سمعک‌های پشت گوشی یا عینکی می‌باشد.

6-cc c.

جفتگر ۶ سی‌سی

وسيله‌ای که برای تقلید حجم مجرای گوش با استفاده از گوشی‌های دورگوشی طراحی شده و بلندگوهای گوشی را با میکروفن صداسنج مرتبط می‌کند.

2-cc c.

جفتگر ۲ سی‌سی

وسيله‌ای که برای تقلید حجم مجرای گوش دارای سمعک یا قالب طراحی شده است و گوشی مینیا توری (رسیور) سمعک را با میکروفن صداسنج مرتبط می‌نماید.

Zwislocki c.

جفتگر زویسلاکی

محفظه استوانه‌ای دارای دیواره سخت که گوشی مینیا توری (رسیور) سمعک را با میکروفن صداسنج مرتبط می‌کند. امیدانس اکوستیکی این وسیله به نحوی طراحی شده

است که بیشتر از جفتگر ۲ سی سی معمول به امیدانس اکوستیکی گوش انسان در محدوده فرکانسی شبیه است.

coupler response for flat Insertion gain (CORFIG)

پاسخ جفتگر برای بهره جایگذاری صاف پاسخ فرکانسی که به پاسخ جایگذاری در ارزیابی گوش واقعی اضافه می شود تا پاسخ تجویز شده جفتگر ۲ سی سی به دست آید.

COWS → cold opposite warm same

CP → cerebral palsy

CPA → cerebellopontine angle

CPA tumor → cerebellopontine angle tumor

CPHI → communication profile for the hearing impaired

CPR → cochleopalpebral reflex

CPS → cycles per second

CPT Codes → current procedural terminology codes

cranial جمجمه‌ای
۱. مربوط به جمجمه؛ ۲. جهت آناتومیک که به

ساختمان‌های در جهت سر اشاره دارد. مترادف: cephalad, rostral. متضاد: caudal.

cranial nerve عصب جمجمه‌ای
هر یک از دوازده جفت دسته نورونی که از ساقه مغز بالاتر از اولین مهره گردنی خارج می شوند.

cranial nerve VIII (C VIII, C₈, CN VIII) عصب هشتم جمجمه‌ای
عصب شنوایی که شامل شاخه‌های دهلیزی و حلزونی است. مترادف:

vestibulocochlearnerve

cranio cervical dysplasia

دیسپلازی جمجمه‌ای-گردنی اختلال عمدتاً وراثتی که نشانه‌های آن ناهنجاری‌های استخوانی، عروقی و عصبی ناحیه سر و گردن و کاهش شنوایی حسی عصبی پیش‌رونده مواج یکطرفه است.

craniodiaphyseal dysplasia

دیسپلازی جمجمه‌ای دیافیزی اختلال وراثتی و اتوزومی مغلوب که نشانه‌های آن رشد بیش از حد استخوان‌های صورت و جمجمه است که تظاهر مشخص آن کاهش شنوایی آمیخته می باشد.

craniofacial جمجمه‌ای صورتی
مربوط به صورت و جمجمه با هم.

craniofacial anomaly

ناهنجاری مادرزادی صورت و یا جمجمه.

اعصاب جمجمه‌ای

عملکرد	نام	عصب جمجمه‌ای
	بویایی	I
عصب‌دهی اوران بینی.	بینایی	II
عصب‌دهی اوران چشم‌ها.	حرکتی چشم	III
عصب‌دهی وایبران عمده عضلات خارج چشمی که در حرکت چشم دخالت دارند.	قرقره‌ای	IV
عصب‌دهی وایبران عضله مایل فوقانی چشم که در حرکت چشم دخالت دارد.	سه‌قلو	V
عصب‌دهی وایبران عضلات جونده، شامل کشنده صماخ و عصب‌دهی اوران صورت.	دورکننده	VI
عصب‌دهی وایبران عضلات مستقیم خارجی که در حرکت چشم دخالت دارند.	صورتی	VII
عصب‌دهی وایبران صورت و عصب‌دهی اوران کام نرم و زبان.	دهلیزی حلزونی	VIII
عصب‌دهی اوران لابیرنت دهلیزی و حلزونی.	زبانی حلقی	IX
عصب‌دهی وایبران عضلات حلقی و غده پناگوشی و عصب‌دهی اوران لاله گوش، مجرای استاش و یک‌سوم خلفی زبان.	واگ	X
عصب‌دهی وایبران و اوران احشاء سینه و شکم، حلق و حنجره.	فرعی	XI
عصب‌دهی وایبران عضلات حنجره و گردن.	زیرزبانی	XII
عصب‌دهی وایبران عضلات زبان.		

craniofacial dysostosis

به syndrome مراجعه کنید.

craniosynostosis

بسته شدن زودرس استخوان‌های جمجمه.

cranium

جمجمه

crest factor

عامل قله

تفاوت بر حسب دسی‌بل بین قله سطح فشار صوتی محرک و ریشه دوم میانگین (rms) فشار صوتی آن.

cretinism

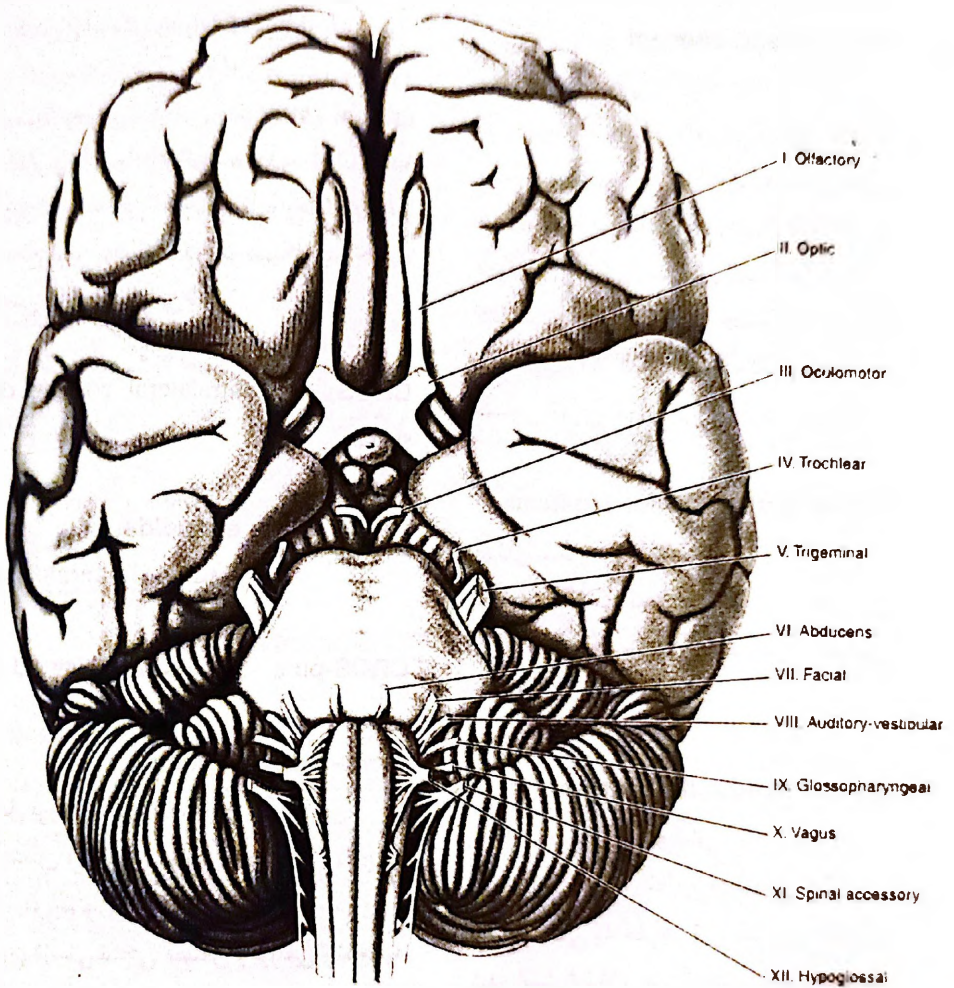
کرتینیسم

وضعیتی مادرزادی که به دلیل نقص ترشح تیروئید ایجاد می‌شود و نشانه‌های آن عقب‌ماندگی فیزیکی و ذهنی است.

به audiometer مراجعه کنید. crib-o-gram

Crippled Children's Service (CCS)

خدمات کودکان معلول
بنیاد دولتی که کمک‌های مالی برای مراقبت‌های بهداشتی و سایر خدمات برای کودکان مبتلا به ناتوانی تأمین می‌نماید.



Cranial Nerves

به hearing aid مراجعه کنید. criss-CROS.

شتاب زاویدای پاسخ می دهد.

crista ampullaris; pl crista ampullares

ستیخ آمپول

اندام حسی در مجرای نیمدایره که شامل استریوسیلیومها و کینوسیلیومها است و به

criterion-related validity

اعتبار وابسته به ضابطه

میزان همخوانی داشتن (اعتبار ضابطه‌ای) یا پیش‌گویی (اعتبار پیش‌بینی) امتیازهای یک

آزمایش با برخی مقادیر خاص.

critical band concept

مفهوم باند بحرانی

در مفهوم باند بحرانی، اجزایی از نویز که اثر پوشاننده روی تن خالص دارند فرکانس‌هایی هستند که در باند محدودی که فرکانس مرکزی آن تن آزمایشی است قرار دارند. هنگامی که تن خالص در حضور نویز شنیده شود انرژی اکوستیکی باند فرکانسی محدود مساوی انرژی اکوستیکی تن آزمایشی است.

critical bandwidth for loudness

پهنای باند بحرانی برای بلندی

منطقه فرکانسی که تجمع بلندی در طول آن کامل است و در ورای آن رشد بلندی بیشتری رخ نمی‌دهد.

critical bandwidth for masking

پهنای باند بحرانی پوشش

در پوشش تن‌های خالص به منطقه فرکانسی نویز پوششی که اطراف تن خالص متمرکز شده است اطلاق می‌گردد. در این منطقه پوشش مؤثر رخ می‌دهد و در ورای آن پوشش مؤثر ایجاد نمی‌شود.

critical off time (COT)

زمان قطع جریان

فاصله بین صداهای منقطع که آستانه یا بلندی آن‌ها مساوی آستانه یا بلندی صدای ممتد است.

دوره بحرانی، سن بحرانی critical period اولین سال‌های رشد که در طی آن کودک بیشترین آمادگی را برای کسب زبان دارد.

نسبت بحرانی critical ratio

مقدار پهنای باند مؤثر و محدود تولیدکننده نویز که به عنوان تفاوت آستانه پوشش یافته و سطح نویز پوشاننده در هر سیکل بر حسب دسی‌بل محاسبه می‌شود.

CROS → contralateral routing of signals

CROS family earmolds

به earmold مراجعه کنید.

به hearing aid مراجعه کنید. CROS-plus

cross-check principle

اصل بررسی چندجانبه

قاعده‌ای در شنوایی‌سنجی کودکان که نتایج هر آزمایش شنوایی‌سنجی نمی‌تواند به تنهایی و بدون درستی‌سنجی مستقل و بررسی چندجانبه ارزشمند تلقی شود.

شنوایی متقاطع cross hearing

رسیدن صدایی که توسط گوشی به یک گوش ارائه می‌شود به گوش مقابل از طریق استخوانی. مترادف: crossover, contralateralization

crossed acoustic reflex

به reflex مراجعه کنید.

crossed olivocochlear bundle (COCB) دسته زیتونی حلزونی متقاطع گروهی از الیاف اعصاب وایران از دستجات زیتونی حلزونی داخلی که از هسته‌های پیش‌زیتونی نزدیک زیتون فوقانی داخلی منشأ گرفته، از ساقه مغز می‌گذرند و به سلول‌های مویی خارجی حلزون مقابل ختم می‌شوند.

crossover تقاطع رسیدن صدایی که توسط گوشی به یک گوش ارائه می‌شود به گوش مقابل از طریق استخوان مترادف:

cross hearing, contralateralization

crossover frequency به frequency مراجعه کنید.

crosstalk تداخل صوتی
۱. اضافه شدن محرک از یک مدار به مدار دیگر؛
۲. در دستگاه شنوایی‌سنجی زمانی رخ می‌دهد که محرکی که فقط به یک گوشی ارسال می‌شود به گوشی دیگر هم هدایت شود.

Crouzon syndrome به syndrome مراجعه کنید.

CRP → corneoretinal potential

crura پایه‌ها، شاخه‌ها، جمع crus

stapes c. پایه‌های رکابی
دو پایه که سر و گردن استخوانچه رکابی را به صفحه آن متصل می‌کنند.

crus پایه هر ساختمان آناتومیک که شبیه پایه باشد. به طور مثال استخوانچه‌سندانی یک پایه کوتاه و یک پایه بلند دارد و استخوانچه رکابی دارای دو پایه است که سر آن را به صفحه رکابی متصل می‌کنند.

common c. پایه مشترک بخشی از مجاری نیم‌دایره که مجاری خلفی و فوقانی به یکدیگر متصل می‌شوند.

cryoglobulinemia کرایوگلوبولینمی اختلالی که نشانه‌های آن افزایش چشمگیر غلظت خون به دلیل پیدایش پروتئین‌های غیرعادی در خون که توسط سرما رسوب می‌کنند و کاهش شنوایی پیش‌رونده ناشی از تخریب حلزون است.

cryptophthalmia کریپتوفتالمی اختلال چشمی ارثی اتوزومی مغلوب که نشانه‌های آن فقدان پلک و یا وجود پوست که چشم تحلیل یافته را می‌پوشاند و کاهش شنوایی انتقالی است.

crystal microphone به microphone مراجعه کنید.

CSF → cerebrospinal fluid

CSOM → chronic suppurative otitis media

CST → competing sentence test

CT

CT → computed tomography

CTP → caloric test position

cubic centimeter (cc)

سانتی متر مکعب

واحد اندازه گیری حجم. ۱ سانتی متر مکعب
معادل ۱ میلی لیتر است.

cubic distortion product (cdp)

توان سوم حاصل اعوجاج

اعوجاج حلزونی که منشأ امواج DPOAE بالینی است و از هم کنشی دو تن خالص همزمان در فرکانس های f_1 و f_2 به دست می آید. توان سوم حاصل اعوجاج، توان سوم تن تفاضلی است که فرکانس آن $2f_1 - f_2$ می باشد.

cue

علامت کلیدی، نشانه

هر محرک کلامی یا غیرکلامی که پیام را به گیرنده منتقل کند.

acoustic c.

نشانه صوتی

صداهای گفتاری که شناسه های لازم را فراهم می آورند.

auditory c.

نشانه شنوایی

اطلاعات کلامی که به برقراری ارتباط برای پاسخ دهی کمک می کند.

visual c.

نشانه دیداری

هر گونه ایما و اشاره، وضعیت بدن یا حالت صورت که به مفهوم زبان گفتاری بیفزاید.

cued discourse گفتار پیوسته کلیدی

در شنوایی سنجی گفتاری روشی است که در آن محرک در فضای صوتی از چند بلندگو ارائه می شود و شنونده باید روی گفتار پیوسته یکی از بلندگوها تمرکز کند و به محرک های دیگر توجه ننماید.

cued speech speech مراجعه کنید.

cupula

گنبد، کوپولا

ماده ژلاتینی در ستیغ امپول که کینوسیلیوم های سلول های مویی دهلیزی در آن فرو رفته اند.

cupulolithiasis

کوپولولیتمازیس

سرگیجه وضعیتی ناگهانی خوش خیم که علت آن رسوب ذرات معدنی روی کوپولای مجاری نیمه دایره (بیشتر خلفی) است. این ذرات سبب می شوند کوپولا نسبت به نیروی جاذبه حساس شده و با تغییر وضعیت سر تحریک گردد.

curette

کورت

ابزاری که به شکل حلقه یا قاشق است و برای خارج ساختن رسدهای تازه، بافت های ناهنجار و یا جرم بیش از حد استفاده می شود.

current

جریان

میزان جریان الکترون ها در مدار الکتریکی که بر حسب آمپر اندازه گیری می شود.

alternating c. (AC) جریان متناوب

جریان الکتریکی که مقدار یا جهت آن به طور تناوبی تغییر می کند.

direct c. (DC) جریان مستقیم
جریان الکتریکی دارای مقدار ثابت که مدام در یک جهت جریان دارد.

current procedural terminology codes (CPT codes)

شماره‌های شناسایی (کد) متداول روش‌های تشخیصی و درمانی
شماره‌های شناسایی که به روش تشخیصی و درمانی اختصاص یافته است و عمدتاً در صور تحساب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

curvilinear compression

به compression مراجعه کنید.

custom earmold

به earmold مراجعه کنید.

custom hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

custom venting منفذگذاری سفارشی

جدولی که مشخصات قطر و طول منفذ به ازای فرکانس قطعی که مناسب مقدار کاهش شنوایی بیمار است در آن مشخص شده است.

cutaneous

پوستی، جلدی، مربوط به پوست

cuticular plate صفحه کوتیکولی

غشاء ضخیمی در رأس هر سلول مویی حلزون.

CV → consonant-vowel

CVA → cerebrovascular accident

CVB cisplatin, videsine, bleomycin

سیس پلاتین، ویدزین و بلنومایسین
رژیم شیمی درمانی که برای درمان سرطان مری به کار می‌رود و بالقوه سم گوش است.

CVC → consonant-vowel-consonant

CVIII → Cranial Nerve VIII

cyanosis کبودی

تغییر رنگ پوست و غشای مخاطی به سمت آبی که علت آن کاهش اشباع اکسیژن خون است.

cybernetics فرمانش‌شناسی، سبیرنتیک

۱. مطالعه سازوکارهای منظم مانند نگهدارنده، ترموستات، دستگاه‌های بازخورد و مدارهای بازآوایی؛ ۲. علوم مبتنی بر اصول کنترل و ارتباطات به نحوی که در عملکرد ماشین حساب‌های الکترونیک پیچیده و دستگاه عصبی انسان کاربرد دارند.

cycle سیکل، چرخه، دور

۱. موج سینوسی کامل؛ ۲. انقباض و انبساط کامل یک موج صوتی.

cycles per second (cps)

سیکل بر ثانیه، دور بر ثانیه
اندازدگیری فرکانس صوت بر حسب تعداد سیکل‌های کامل موج سینوسی که در ۱ ثانیه رخ می‌دهد. مترادف: Hz.

cymba ناوی شکل
وجه فوقانی و قایقی شکل حفره صدفه.

cytoarchitecture معماری سلولی
آرایش ساختمانی سلول‌ها بر حسب منطقه.

cytococheogram
نمودار سلولی حلزون، کوکلنوگرام سلولی
نمایش نموداری درصد فقدان ساختمان‌های
اندام کرتی به عنوان تابعی از فاصله در طول
غشای پایه.

cytodifferentiation افتراق سلولی
تمایز یا تفکیک سلول‌ها حین رشد.

cytogenesis
سلول‌سازی، تکامل سلولی، سلول‌زایی،
تکثیر سلولی

cytomegalic inclusion disease
بیماری انکلوزیون سیتومگالی
وضعیتی که علت آن ورود ویروس سیتومگال

به سلول‌ها و بافت‌های بدن است و امکان دارد
به کاهش شنوایی حسی عصبی مواج پیش‌رونده
مغز منجر شود.

cytomegalovirus (CMV)

ویروس سیتومگال
عفونت درون رحمی قبل از تولد یا پس از تولد
که از ویروس‌های حیوانی ایجاد شده و معمولاً
از طریق رحم منتقل می‌شود. این بیماری
می‌تواند سبب اختلال دستگاه عصبی مرکزی
شامل آسیب مغزی، کاهش شنوایی و بینایی و
تشنج یا صرع شود.

Cz

محل الکتروکرونا (C) وسط (z) یا الکتروود
فرق سر.
که معمولاً برای جایگذاری الکتروود غیرمعکوس
در آزمایش پتانسیل‌های برانگیخته شنوایی،
بر اساس نام‌گذاری دستگاه بین‌المللی ۲۰-۱۰
الکتروود، به کار می‌رود.

D

DAC → digital-to-analog conversion

dactyl انگشت دست یا پا

dactyl speech

گفتار انگشتی، الفبای دستی، ارتباط دستی

dactylogy گفتار انگشتی

استفاده از الفبای دستی یا به مفهوم وسیع‌تر استفاده از ارتباط دستی، مترادف:

fingerspelling, dactyl speech

DAF → delayed auditory feedback

DAI → direct audio input

damage risk criterion (DRC)

ملاک خطر آسیب‌رسان

مدت‌زمان مواجهه با صدای دارای فرکانس و شدت خاصی که احتمال ایجاد کاهش شنوایی را در بر داشته باشد.

damped wave به wave مراجعه کنید.

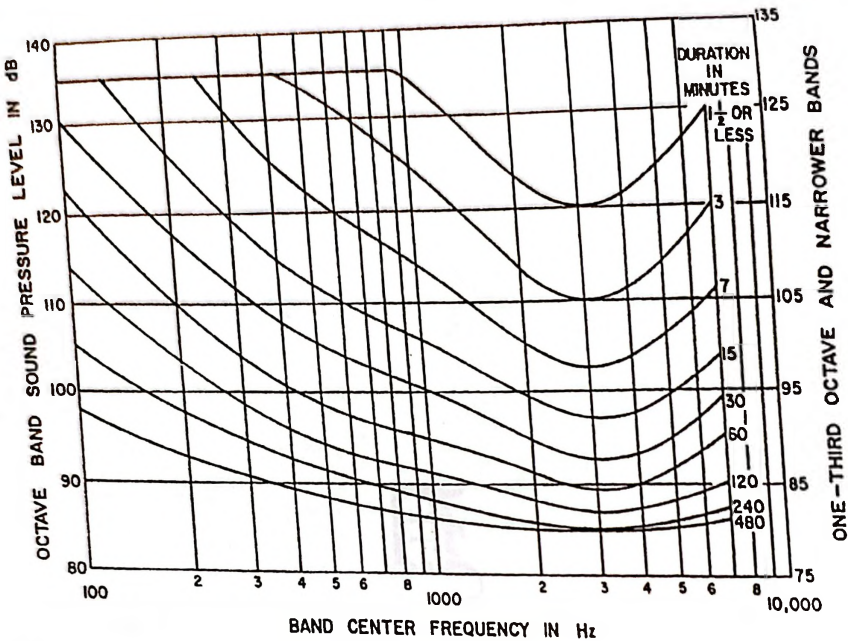
damped wave train

سلسله امواج میرا، قطار موج میرا کاهش تدریجی دامنه موج صوتی در طول زمان.

damper, acoustic میراگر صوتی

دریچه‌ای که مشخصات فرکانسی محرک صوتی را یکنواخت می‌نماید.

damping



damage risk criterion

damping

میرایی

کاهش دامنه موج صوتی در طول زمان. اگر دامنه به سرعت زوال یابد سیستم میرای قوی و اگر به آهستگی زوال یابد میرای ضعیف و در صورت قطع ارتعاش قبل از کامل شدن یک سیکل یا دور، میرای بحرانی نامیده می شود.

dapa → decapascal

Darwinian ear به ear مراجعه کنید.

Darwinian tubercle تکمه داروین
برآمدگی یا ضخیم شدگی غضروفی کوچکی روی بخش بالایی هلیکس.

DAS → dorsal acoustic stria

DAT → digital audio tape

day/night equivalent level

سطح معادل روز / شب

در تجزیه و تحلیل مواجهه با صدا توصیفی از مزاحمت صدا است که بین ساعات ساکت تر شب و ساعات شلوغ تر روز افتراق قائل می شود و مزاحمت بیشتر را به ساعت های ساکت تر نسبت می دهد.

dB

دسی بل، یک دهم بل

واحد شدت صدا بر مبنای رابطه لگاریتمی شدت مورد نظر با شدت مرجع.

dB gain

شدت بهره، مقدار بهره

تفاوت بین SPL ورودی و خروجی تقویت کننده یا سمعک.

dB HL

دسی بل HL، دسی بل سطح شنوایی
نماد دسی بل که در ادیوگرام به کار می‌رود و
مرجع آن صفر ادیومتریک است.

dB HTL

دسی بل HTL، دسی بل سطح آستانه شنوایی
نماد دسی بلی که بر مبنای آستانه‌های
حساسیت شنوایی بیمار مورد استفاده قرار
می‌گیرد.

dB nHL

دسی بل nHL، دسی بل سطح شنوایی هنجار
نماد دسی بل بر مبنای آستانه‌های رفتاری
نمونه‌ای از افراد دارای شنوایی طبیعی. این
علامت غالباً برای نشان دادن سطح شدت
محرک‌های کلیک مورد استفاده در شنوایی‌سنجی
پتانسیل‌های برانگیخته به کار می‌رود.

dB SL

دسی بل SL، دسی بل سطح احساس
نماد دسی بل که تعداد دسی بل‌های بالاتر از
آستانه فرد را برای یک محرک صوتی معین
نشان می‌دهد.

dB SPL

دسی بل SPL، دسی بل سطح فشار صوتی
دسی بل SPL معادل ۲۰ برابر لگاریتم نسبت
سطح فشار صوتی مورد نظر به سطح فشار
صوتی مرجع ۲۰ میکرو پاسکال (یا ۰/۰۰۰۲
دین بر سانتی‌متر مربع، ۰/۰۰۰۲ میکرو بار، ۲۰
میکرو نیوتن بر متر مربع) است.

dB A

دسی بل A
دسی بل که بر حسب سطح فشار صوتی
اندازه‌گیری شده توسط شبکه وزنی A صداسنج
بیان می‌شود و در اندازه‌گیری نویز محیطی در
محل کار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

dB B

دسی بل B
دسی بلی که بر حسب سطح فشار صوتی
اندازه‌گیری شده توسط شبکه وزنی B صداسنج
بیان می‌شود.

dB C

دسی بل C
دسی بلی که بر حسب سطح فشار صوتی
اندازه‌گیری شده توسط شبکه وزنی C صداسنج
بیان می‌شود.

dB m

دسی بل m
دسی بلی که مرجع آن ۱ میلی‌وات است.

dc → direct current

DCA hearing aid → digitally controlled analog hearing aid

DCN → dorsal cochlear nucleus

DCPN → direction-changing positional nystagmus

DD → developmental disability

DDx → differential diagnosis

dead room

dead room اتاقک ضدپژواک
اتاقی که برای پژوهش‌های صوتی طراحی شده و در آن برای افزایش جذب صوت و کاهش بازآوایی روی تمامی سطوح آن مواد جاذب صوت نصب شده است. مترادف:
anechoic chamber

deaf

ناشنوا
فاقد شنوایی یا دارای شنوایی عملکردی محدود.

deaf and dumb

کر و گنگ
اصطلاح مهجوری که به وضعیت ناشنوایی همراه با گنگی دلالت دارد. به دلیل تحقیرآمیز بودن منسوخ شده است.

deaf culture

فرهنگ ناشنوایی
فرهنگ عقاید و رسوم که بسیاری از افرادی که پیش از زبان‌آموزی ناشنوا شده‌اند دارند.

deaf mute

کر و لال
اصطلاح مهجوری برای فرد ناشنوا و فاقد گفتار که به دلیل تحقیرآمیز بودن منسوخ شده است.

deaf speech

گفتار ناشنوا
کیفیت گفتار متداول در افراد ناشنوا.

ناشنوا کردن، سبب ناشنوایی شدن **deafen**

deaferentation

قطع عصب آوران
قطع الیاف عصب حسی از بخش خاصی از بدن.

deafness

ناشنوایی، فاقد شنوایی، کاهش شنوایی
فقدان یا محدودیت شنوایی عملکردی.

کاهش شنوایی نزله‌ای **catarrhal d.**
کاهش شنوایی ناشی از نزله حلق بینی و احتقان لوله استاش.

central d. = cortical deafness

congenital d.

کاهش شنوایی مادرزادی
کاهش حساسیت شنوایی که از بدو تولد وجود داشته و ناشی از بیماری‌های قبل یا حین تولد باشد.

conversion d.

کاهش شنوایی تبدیلی
کاهش شنوایی غیرعضوی که از تبدیل اضطراب شدید به تظاهر فیزیکی ناشنوایی نتیجه می‌شود. مترادف:
psychogenic deafness, hysterical deafness.

cortical d.

ناشنوایی قشری
اختلال شنوایی مرکزی که به ضایعات دوطرفه لب گیجگاهی مربوط است و غالباً نشانه‌های آن دشواری بازشناسی محرک‌های شنوایی یا درک گفتار علیرغم عملکرد طبیعی یا نزدیک به طبیعی حلزون است. مترادف:

central deafness

کاهش شنوایی خانوادگی **familial d.**

کاهش شنوایی که در اعضای یک خانواده رخ دهد.

hereditary d. کاهش شنوایی ارثی
کاهش شنوایی دارای منشأ ژنتیکی.

hysterical d.

کاهش شنوایی هیستریک
اختلال روانی نادر شنوایی که به دلیل تبدیل
صدمات عاطفی به تظاهرات فیزیکی ایجاد
می‌شود.

industrial d. کاهش شنوایی صنعتی
کاهش حساسیت شنوایی در نتیجه مواجهه
طولانی مدت با نویز صنعتی.

nerve d. کاهش شنوایی عصبی
نامگذاری نادرست کاهش شنوایی حسی
عصبی.

**postlingual d. = postlinguistic
deafness**

postlinguistic d.
کاهش شنوایی پس از زبان آموزی
رخداد کاهش شنوایی پس از رشد زبان و گفتار.

**prelingual d. = prelinguistic
deafness**

prelinguistic d.
کاهش شنوایی پیش از زبان آموزی
رخداد کاهش شنوایی پیش از رشد گفتار و
زبان که ممکن است مادرزادی یا اکتسابی
باشد.

prevocational d.

کاهش شنوایی قبل از اشتغال
رخداد آسیب شنوایی پیش از نوزده سالگی.

psychogenic d.

کاهش شنوایی روانی
اختلال نادری که نشانه آن کاهش شنوایی
آشکار و غیرعضوی ناشی از ضربه روانی است.

retrocochlear d.

کاهش شنوایی وراء حلزون
کاهش شنوایی ناشی از ضایعه‌ای در وراء حلزون.

tone d.

کاهش شنوایی تن
عدم توانایی افتراق دو صدای دارای فرکانس
متفاوت در محدوده شنوایی طبیعی علیرغم
عدم کاهش حدت چشمگیر در این فرکانس‌ها.
مانند زمانی که قادر نیست تشخیص دهد
خودش یا دیگری خارج نت می‌خوانند.

word d.

کاهش شنوایی واژه‌ای
اصطلاح غیردقیقی برای توصیف عدم توانایی
در درک زبان گفتاری مانند مشکلی که در
زبان‌پریشی روان یا دریافتی مشاهده می‌شود.

**deafness management quotient
(DMQ)** فرمول درمان کاهش شنوایی

فرمولی که برای پیش‌بینی موفقیت در برنامه
آموزشی شفاهی مورد استفاده قرار می‌گیرد و
مبنای آن عوامل وزنی مربوط به کاهش شنوایی
باقی‌مانده، عملکرد مرکزی، هوش، حمایت
خانواده و وضعیت اجتماعی اقتصادی است.

Deafness Research Foundation

Deafness Research Foundation

بنیاد پژوهش‌های کاهش شنوایی (DRF)
بنیادی که پژوهش‌های علمی در زمینه
شنوایی و ناشنوایی را بنیان نهاده است.

دکاپاسکال decapascal (dapa)
واحد فشار که در آن ۱ داپا معادل ۱۰ پاسکال
است.

زوال decay
۱. کاهش خواص فیزیکی یک محرک؛ ۲. کاهش
درک یا عملکرد.

زوال رفلکس reflex d.
کاهش دامنه رفلکس اکوستیک حین تحریک
در پاسخ به ارائه محرک ممتد.

زوال صوت tone d.
سازش حین تحریک که در آن صدای قابل
شنیدن در طی تحریک طولانی مدت دیگر
شنیده نمی‌شود.

سرعت زوال decay rate
سرعتی که دامنه صوت کاهش می‌یابد.

دسی‌بل decibel (dB)
یک دهم بل، واحد شدت صدا بر مبنای رابطه
لگاریتمی شدت مورد نظر یا شدت مرجع.

دسی‌بل‌سنج decible meter
ابزار الکترونیکی که برای اندازه‌گیری شدت

صدا بر حسب دسی‌بل مطابق با استانداردهای
قابل قبول طراحی شده است. مترادف:
sound level meter

رم‌گشا decoder
در رایانه‌های الکتریکی شبکه‌ای است که در
آن ورودی‌ها با یکدیگر ترکیب شده یک
خروجی واحد تولید می‌کنند.

رم‌گشایی decoding
۱. تبدیل الگوهای صوتی به مفهوم مورد نظر؛
۲. واژه‌هایی که فرد درک می‌کند، ممکن است
این واژه کلامی یا دیداری باشد؛ ۳. پیام‌های
گفتاری یا نوشتاری که توسط فرد دریافت
می‌شود. مترادف: receptive language.

decompression

کم کردن فشار، فشارکاهی
روش برداشتن استخوان اطراف عصب از
طریق جراحی برای کاستن فشار ناشی از
بافت عصبی متورم یا توموری که قابل
برداشت نیست.

deconvolution

باز شدن، حل مسئله، تبیین
تجزیه یا حل شدن یک پاسخ پیچیده یا
مجموعه داده‌ها.

decruiement

دکروتمت
رشد آهسته غیرطبیعی درک بلندی یا افزایش
شدت که با آسیب وراء حلزونی همراه است.
متضاد: recruitment.

decussate

decussate تقاطع کردن
مانند الیاف عصبی که در مسیر هسته حلزونی به مجموعه زیتونی فوقانی دگرسویی تقاطع می‌کنند.

decussation تقاطع
تقاطع دسته‌های الیاف عصبی همنام از یک طرف مغز به طرف دیگر.

deep عمقی
جهت آناتومی که به ساختمان‌های نزدیک به مرکز بدن اشاره دارد. متضاد: superficial.

deep auricular artery
به artery مراجعه کنید.

deep sedation آرام‌بخشی عمیق با دارو
سطحی از ناهشیاری که بیمار به سادگی بیدار نمی‌شود و ممکن است قادر نباشد به طور مستقل تنفس کند.

deformity بدشکلی، نقص عضو
انحراف مادرزادی یا اکتسابی از شکل یا اندازه طبیعی بخشی از بدن.

degeneration استحال، تخریب
تخریب و فساد ساختمان آناتومی که به کاهش عملکرد منجر می‌شود.

anterograde d. تخریب پیشرونده
تخریب عصبی که در پی قطع عصب اوران رخ داده و در طول مسیر آن پیشرفت می‌کند.

delayed auditory feedback (DAF)**infantile cochleosacclular d.**

تخریب حلزونی ساکولی نوزادی
تخریب ویبروسی یا بدون علت مشخص و انتخابی حلزون و ساکول با حفظ سلامت اتریکول و ستیغ‌ها. این بیماری در دوران نوزادی رخ داده و منجر به کاهش شنوایی حسی عصبی عمیق یکطرفه یا دوطرفه می‌شود.

retrograde d. تخریب پایین‌رو

استحاله معکوس در طول مسیر عصبی که از محل ضایعه تارهای عصبی شروع شده و به طرف محیط پیشرفت می‌کند.

degenerative استحال‌ای، تخریبی
مربوط به تخریب یا استحاله.

degrees of freedom (df) درجه آزادی
در آمار، تعداد نقاط داده‌هایی است که در صورت مشخص بودن آمار می‌توانند آزادانه تغییر کنند. به طور مثال اگر میانگین مجموعه‌ای ۱۰ عددی مشخص باشد، ۹ عدد می‌توانند تغییر کنند زیرا دهمین عدد با دانستن بقیه اعداد تعیین می‌شود.

Deiter cells سلول‌های دایتر
اجسام سلولی بزرگی در اندام کرتی که روی غشای پایه قرار دارند و برای محافظت تا قاعده سلول‌های مویی خارجی امتداد یافته‌اند.

delayed auditory feedback (DAF)

بازخورد شنوایی تأخیر یافته
شرایطی که گفتار شنونده بر اساس سرعت و

روانی آن در مدت زمان کنترل شده‌ای تأخیر می‌یابد و به گوش‌های وی ارائه می‌شود.

delayed endolymphatic hydrops

هیدروپس آندولنفی تأخیر یافته هیدروپس آندولنفی که در دو مرحله رخ می‌دهد. ابتدا کاهش شنوایی عمیق در یک گوش در پی ایجاد سرگیجه دوره‌ای در همان گوش یا کاهش شنوایی موج و سرگیجه دوره‌ای در گوش‌هایی که قبلاً از نظر شنوایی طبیعی بوده است.

delayed feedback audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

delayed latency

به latency مراجعه کنید.

delayed-onset auditory deprivation

محرومیت شنوایی تأخیری کاهش محسوس توانایی بازشناسی واژه که بعد از یک دوره تحریک نامتقارن در گوش بدون سمعک بزرگسالانی که سمعک یک‌گوشی دارند ایجاد می‌شود. مترادف:

late-onset auditory deprivation

delayed response = delayed latency

delayed speech and language

تأخیر زبان و گفتار در طبقه‌بندی کلی؛ رشد مهارت‌های زبانی و گفتاری کمتر از حد انتظار یا متناسب با سن کودک.

delta rhythm or waves

ریتم یا امواج دلتا
امواج آهسته EEG با فرکانس کمتر از ۴ هر تریز.

dementia

زوال عقل، دمانس
تخریب ذهنی کلی و پیشرونده ناشی از عوامل عضوی یا روانی، نشانه‌های آن سردرگمی، ضعف حافظه، قضاوت و هوش و واکنش‌های احساسی ناپایدار و سطحی است.

senile d.

دمانس پیری
دمانس تخریبی که عمدتاً در سالمندی رخ می‌دهد و نشانه‌های آن تخریب پیشرونده شناخت، کاهش حافظه و ناپایداری عواطف است.

demyelinating disease

بیماری از بین برنده میلین
بیماری خودایمنی که سبب ایجاد پلاک‌های پراکنده میلین تخریب شده در ماده سفید در کل دستگاه عصبی مرکزی می‌شود و در صورت تحت تأثیر قرار گرفتن دستگاه عصبی شنوایی به اختلال وراء حلزونی منجر می‌گردد.

demyelination; demyelination

از بین رفتن میلین
تخریب یا از بین رفتن غلاف میلین اطراف الیاف عصبی.

dendrite

دندریت
زواید آوران نورون که تکانه‌ها را به طرف جسم سلولی هدایت می‌کند.

density

density

۱. فشردگی، تراکم؛ ۲. غلظت؛ ۳. [فیزیک] چگالی؛ ۴. پیچیدگی، دشواری.

Denver Scale of Communication

مقیاس عملکرد ارتباطی دنور
پرسشنامه خودارزیابی که برای ارزیابی تأثیر کاهش شنوایی بر زندگی فرد به کار می‌رود.

deoxyribonucleic acid (DNA)

اسید دی‌اکسی‌ریبونوکلئیک
ملکول‌های بزرگ و پیچیده‌ای که حامل دستورالعمل‌های ژنتیک هستند.

depolarization

قطبش‌زدایی، واقطبش، دپلاریزاسیون
کاهش ناگهانی پتانسیل الکتریکی غشا.

deprivation, auditory

محرومیت شنوایی
کاهش یا فقدان فرصت حسی برای ساختمان‌های عصبی مرکزی‌تر از اندام انتهایی به دلیل کاهش تحریک شنوایی که در اثر کاهش شنوایی ایجاد می‌شود.

dermal پوستی، مربوط به پوست

dermatitis التهاب پوست، درماتیت

مشکلات پوستی غیراختصاصی که ممکن است بر لاله گوش تأثیر بگذارد و نشانه‌های آن خشکی، خارش، پوسته‌پوسته شدن و ریزش پوست است.

desquamated epithellum

descending method روش نزولی

روش ادیومتریک که در آن برای تعیین آستانه‌های حساسیت شنوایی شدت محرک از قابل شنیدن تا غیرقابل شنیدن تغییر داده می‌شود. متضاد: ascending method.

desensitization

حساسیت‌زدایی، عادت دادن
روش درمانی برای توانایی بخشیدن به فرد برای احساس راحتی در موقعیت‌هایی که قبلاً سبب ترس یا نگرانی می‌شده‌اند. این روش معمولاً بر اساس مراحل تدریجی تحمل موقعیت‌های ترس‌آور و یا نگران‌کننده مورد استفاده قرار می‌گیرد و یکی از روش‌های درمان و زوز گوش به شمار می‌آید.

desired sensation level (DSL)

سطح احساسی مطلوب
میزان شدت بیشتر از آستانه‌های رفتاری بر حسب دسی‌بل که برای تقویت طیف گفتار روزمره تا سطح تجویز شده در آن محدوده فرکانسی، مورد نیاز است.

desired sensation level (DSL)

prescriptive procedure

به prescriptive procedure مراجعه کنید.

desk-type auditory trainer

به desk-type auditory trainer مراجعه کنید.

desquamated epithellum

بافت پوششی پوسته‌پوسته‌شده
سلول‌هایی که از لایه خارجی پوست یا سایر غشاها فرو می‌ریزند.

detectability threshold

detectability threshold

به threshold مراجعه کنید.

detection

کشف

توانایی واکنش نشان دادن در برابر وجود یا عدم محرک شنوایی یا بینایی. این توانایی پیش‌نیاز درک محسوب می‌شود ولی تضمین‌کننده آن نیست.

detection threshold

به threshold مراجعه کنید.

development

رشد

رشد و تکامل تدریجی طبیعی از مرحله جنینی تا بزرگسالی.

developmental

رشدی

مربوط به رشد.

developmental age

سن رشدی

سنی که کودک مهارت‌های ویژه‌ای را کسب می‌کند.

developmental disability (DD)

ناتوانی رشدی، اختلال رشدی معلولیت مزمن و شدید افراد ۵ ساله و بزرگتر که این ناتوانی: الف) ناشی از ضایعه فیزیکی یا ذهنی یا ترکیبی از هر دو است، ب) قبل از سن ۲۲ سالگی بروز می‌نماید، ج) احتمالاً به‌طور نامحدودی ادامه پیدا می‌کند، د) به سه مورد یا بیشتر از محدودیت‌های عملکردی ذیل منجر می‌شود: ۱. مراقبت از خود، ۲. زبان دریافتی و

بیانی، ۳. یادگیری، ۴. تحرک، ۵. خودمحروری، ۶. توانایی زندگی مستقل، ۷. استقلال مالی. ه) نیاز فرد را به تداوم مراقبت، درمان یا خدمات ویژه و چندجانبه دیگری در طول زندگی یا به مدت طولانی که مخصوص وی برنامه‌ریزی و هماهنگ شده باشد نشان می‌دهد [قانون عمومی آمریکا ۴۹۶-۱۰۱، قانون یاری‌رسانی و موارد حقوقی افراد مبتلا به ناتوانی‌های رشدی مصوب اکتبر ۱۹۹۰].

dextral

سمت راستی

مربوط به سمت راست. متضاد: sinistral.

dextrality

راست برتری

ترجیح استفاده از اعضا یا اندام‌های سمت راست بدن. ر.ک: laterality.

df → degrees of freedom

DFA → delayed feedback audiometry

DHAP dexamethasone, cytarabine, cisplatin

دگزامتازون، سیتارابین، سیس پلاتین رژیم شیمی‌درمانی که در درمان لنفوم غیر هوچکین مورد استفاده قرار می‌گیرد و بالقوه سم گوش است.

DI → directivity index

diabetes mellitus

دیابت شیرین

اختلال سوخت‌وساز که از نقص انسولین ناشی

diagnosis (Dx)

می شود و دارای عوارض مزمن شامل بیماری های عصبی و تغییرات تحریبی عمومی در رگ های خونی است.

diagnosis (Dx) تشخیص
تعیین ماهیت بیماری یا اختلال.

differential d.(DDx)

تشخیص افتراقی
تشخیص بیماری یا اختلال فرد از بیماری ها یا اختلالات دیگری که دارای علائم یا نشانه های مشابه هستند.

diagnosis-related groups

گروه های وابسته به تشخیص
گروه های تشخیص اصلی که بیماران برای تعیین سطوح جبران مطابق آنها طبقه بندی می شوند.

diagnostic تشخیصی
مربوط به تشخیص.

diagnostic audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

diagnostic teaching

آموزش تشخیصی
روش غیررسمی ارزیابی توانایی ها زمانی که ارزیابی های تشخیصی مرسوم مؤثر نباشند. این روش شامل مشاهده و آموزش به منظور تعیین مهارت های قابل ارزیابی یا لزوم درمان بیمار می باشد. مترادف: diagnostic therapy.

diathesis

diagnostic test آزمایش تشخیصی
آزمایشی که برای تعیین ماهیت بیماری یا اختلال به کار می رود.

diagnostic therapy تشخیص درمانی
درمانی که در دوره آن ماهیت بیماری یا اختلال روشن می شود. مترادف:

diagnostic teaching

diagnostician

کسی که در تشخیص بیماری مهارت دارد.

diaphragm حجاب حاجز، دیافراگم

۱. پرده عضلانی غشایی قوی و گنبدی شکل که محوطه قفسه سینه را از محوطه شکم جدا می کند؛ ۲. حایل نازکی که دو منطقه مجاور را از یکدیگر جدا می کند؛ ۳. صفحه نازکی در میکروفن که در پاسخ به امواج فشار صوتی مرتعش می شود یا صفحه نازکی در بلندگو که در پاسخ به ولتاژ به کار رفته برای تولید امواج فشار صوتی به ارتعاش درمی آید.

diastrophic dwarfism

کوتاه قدی خمیده
اختلال اتوزومی غالب جمجمه ای صورتی که نشانه های آن کوتاهی چشمگیر قد، بدشکلی دست و چنبری شدن شدید پا است و ممکن است شامل کاهش شنوایی حسی عصبی مادرزادی نیز باشد.

diathesis

زمینه مزاجی
تمایل ژنتیکی به بیماری یا اختلال خاص.

dichotic

شنیدن دوگانه دوگوشی، دایکوتیک
۱. دو بخش شدن؛ ۲. مربوط به محرک‌های
مختلفی که به هر گوش ارائه می‌شوند یا
می‌رسند.

dichotic amplification

به amplification مراجعه کنید.

dichotic CVs

آزمایش همخوان - واکه، دوگانه دوگوشی،
CVهای دایکوتیک
آزمایش ادیومتریک گفتاری که برای ارزیابی
عملکرد شنوایی مرکزی به کار می‌رود و در آن
هجا‌های همخوان - واکه (CV) به هریک از
گوش‌ها به طور همزمان ارائه می‌شوند. هجا‌های
مورد استفاده از همخوان‌های واگذار و بی‌واک
تشکیل شده و با واکه /a/ جفت شده‌اند.

dichotic digits

آزمایش اعداد دوگانه دوگوشی
آزمایش ادیومتریک گفتاری برای ارزیابی
عملکرد شنوایی مرکزی که در آن اعداد مختلف
(از ۱-۱۰ غیر از ۴ در فارسی و ۷ در انگلیسی)
در مجموعه‌های دو یا سه تایی به هریک از
گوش‌ها به طور همزمان ارائه می‌شوند.

dichotic hearing aid fitting = dichotic amplification

dichotic listening

گوش دادن دوگانه دوگوشی
درک محرک‌های مختلف که به هریک از گوش‌ها

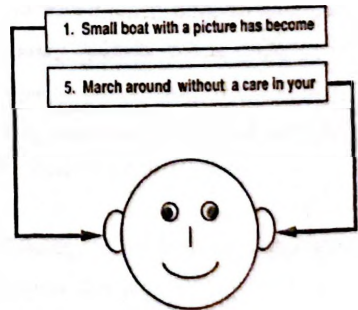
به طور همزمان ارائه شده‌اند. مترادف:

dichotic messages, competing messages

dichotic messages = dichotic listening

dichotic sentence identification (DSI) test

آزمایش دایکوتیک شناسایی جمله
آزمایش ادیومتریک گفتاری برای ارزیابی
عملکرد شنوایی مرکزی که در آن جملات
ساخته شده مختلف به طور همزمان به هریک
از گوش‌ها ارائه می‌شوند.



dichotic sentence identification test

دوشاخگی، تقسیم، انشعاب **dichotomy**
تقسیم به دو بخش یا قرار گرفتن در دو طبقه
بر اساس دارا بودن مشخصات خاص.

dielelectric

دی‌الکتریک

مواد عایق‌داری که امکان دارد الکتروسیسته را به
جای جریان انتقالی از طریق القا منتقل کند.

diencephalon

دیانسفالن

بخش خلفی مغز قدامی که شامل تالاموس،

difference limen (DL)

هیپوآلاموس، اپی آلاموس و ساب آلاموس می‌باشد و به عنوان مرکز تقویت (رله) و تلفیق درون داده‌های حسی به طرف قشر مغز عمل می‌کند.

difference limen (DL) حد افتراق

کوچکترین تفاوت قابل کشف بین دو محرک از نظر شدت، فرکانس، زمان و غیره. مترادف:

differential threshold, just noticeable difference

difference limen for frequency (DLF)

حد افتراق فرکانس

کوچکترین تفاوت قابل کشف در فرکانس یک محرک.

difference limen for intensity

حد افتراق شدت

کوچکترین تفاوت قابل کشف در شدت یک محرک.

difference tone به tone مراجعه کنید.

difference wave form موج تفاضلی

در ارزیابی‌های الکتروفیزیولوژیک موجی است که از تفاضل یک موج از موج متفاوت دیگر، مانند امواج یک‌گوشی ABR از دوگوشی، حاصل می‌شود.

differential amplifier

تقویت‌کننده تفاضلی

تقویت‌کننده‌ای که در ارزیابی پتانسیل برانگیخته

differential threshold

به منظور حذف نویز خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ولتاژ ورودی یک الکتروود معکوس می‌شود و از ورودی دیگر کسر می‌گردد تا هر گونه فعالیت الکتریکی مشترک بین دو الکتروود حذف شود.

differential comparison

مقایسه تفاضلی

روش میکروفن جستجوگر (پروپ) که در آن SPL دریافتی از میکروفن مرجع از SPL دریافتی از میکروفن جستجوگر در زمان اندازه‌گیری کسر می‌گردد.

differential diagnosis (DDx)

تشخیص افتراقی

تشخیص بیماری یا اختلال فرد از بیماری‌ها یا اختلالات دیگری که دارای علائم یا نشانه‌های مشابه هستند.

differential response پاسخ افتراقی

واکنشی که توسط تنها یک محرک مشابه برانگیخته می‌شود.

differential sensitivity

حساسیت افتراقی

توانایی دستگاه شنوایی برای کشف تفاوت‌های بین محرک‌های شنوایی از نظر شدت، فرکانس و زمان. مترادف: auditory acuity. ر.ک: absolute sensitivity.

differential threshold

به threshold مراجعه کنید.

differentiation, auditory

differentiation, auditory

افتراق شنوایی

تمایز شنوایی در حضور صدای زمینه. مترادف: auditory figure-ground discrimination

Differentiation of Auditory Perception Skills (DAPS)

آزمایش افتراق مهارت‌های درک شنوایی ابزار غربالگری که برای تعیین جنبه‌های مورد نظر درک شنوایی در کودکان ۵ تا ۸ ساله طراحی شده است و شامل پنج زیرآزمون: آهنگ شنوایی، تمایز شنوایی، تصور شنوایی، تکمیل هجا و استدلال شنوایی می‌باشد.

diffraction

تفرق

پراکندگی یا خم‌شدگی امواج صوتی هنگام برخورد با لبه‌ها، سوراخ‌ها یا واسطه متفاوت.

diffuse

منتشر شدن، افشاندن، پخش کردن، منتشر، پراکنده

diffuse field

میدان انتشار

فضای صوتی که شامل امواج صوتی بسیاری با وقوع تصادفی باشد به نحوی که فشار صوتی میانگین حاصل از سراسر فضا تقریباً یکنواخت است.

DiGeorge syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

digital

رقمی، دیجیتال

نمایش عددی محرک به شکل مقدار جداگانه در لحظه مشخصی از زمان. مترادف: analog.

digital audio tape (DAT)

نوار صوتی رقمی (دیجیتال)

نوعی نوار مغناطیسی که دستگاه ضبط یا پخش صوتی آن محرک صوتی را به رقمی (دیجیتال) تبدیل می‌کند.

digital filter

به filter مراجعه کنید.

digital hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

digital signal processing (DSP)

به processing مراجعه کنید.

digital signal processing hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

digital-to-analog conversion (DAC)

تبدیل رقمی (دیجیتال) به قیاسی (آنالوگ) فرآیند تبدیل نماد عددی (رقمی) شکل موج به محرکی که دائماً تغییر می‌کند (قیاسی).

digitally controlled analog hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

dihydrostreptomycin

دهیدرواسترپتوماسیمین

نارویی از خانواده آنتی‌بیوتیک‌های آمینوگلیکوزید که می‌تواند سم گوش باشد. نشانه‌های آن تمایل به دستگاه شنوایی و کاهش شنوایی با تأخیر در پی تجویز آن است.

dilatant

دیلاتانتین، دی فنیل هیدانتوئین
 داروی ضد تشنج که در صورت استفاده مادر
 حین بارداری می تواند تأثیر مخربی بر دستگاه
 شنوایی جنین در حال رشد داشته باشد و به
 کاهش شنوایی مادرزادی منجر شود.

انساع، انبساط
 dilatation; dilatation
 گشاد شدن فیزیولوژیک، مرضی یا مصنوعی
 مجرا، محفظه یا رگ.

dimeric tympanic membrane

پرده صماخ دولابه‌ای
 بخش نازکی از پرده صماخ که بر اثر درمان
 سوراخ‌شدگی پرده تشکیل می‌شود و دارای
 غشاهای اپی‌درمی و مخاطی است.

سروصدا، غوغا
 din
 نویز زمینه‌ای شامل مخلوطی از صداهای
 گوش خراش.

دیود
 diode
 نیمه‌هادی که امکان جاری شدن جریان
 الکتریکی را تنها در یک جهت ایجاد می‌کند.

light-emitting d.(LED)

دیود نورگسیل
 لامپ کوچکی در یک وسیله که غالباً برای
 نشان دادن روشن یا فعال بودن آن وسیله به
 کار می‌رود.

diotic

۱. دوگوشی
 مربوط به دو گوش.

diplacsis binauralis

۲. شنیدن همسان دوگوشی
 مربوط به محرک‌های یکسانی که به دو گوش
 ارائه می‌شوند یا می‌رسند.

diotic listening

گوش دادن همسان دوگوشی، پیام‌های همسان
 دوگوشی
 درک محرک‌های یکسان که به طور همزمان
 به گوش‌ها ارائه می‌شوند. مترادف:
 diotic messages

diotic messages = diotic listening

DIP switch → dual-in-line package
 switch

دوفازی
 diphasic

diphenyl hydantoin

دی فنیل هیدانتوئین، دیلاتانتین
 داروی ضد تشنج که در صورت استفاده مادر
 حین بارداری می تواند تأثیر مخربی بر دستگاه
 شنوایی جنین در حال رشد داشته باشد و به
 کاهش شنوایی مادرزادی منجر شود.

دوشنوایی
 diplacsis
 وضعیت شنیداری که در آن درک زیرویمی به
 نحوی مختل می‌شود که یک تن خالص به
 صورت دو تن یا نویز یا صدای زنگ شنیده
 می‌شود. مترادف: double hearing.

diplacsis binauralis

دوشنوایی دوگوشی
 دوشنوایی که در آن صداهای یکسان در هر یک
 از گوش‌ها به شکل متفاوتی درک می‌شوند.

diplacusis dysharmonica**diplacusis dysharmonica**

دوشنوائی ناهماهنگ
دوشنوائی دوگوشی که در آن صداهای یکسان
در هریک از گوش‌ها با زیر و بمی متفاوتی
درک می‌شوند.

diplacusis echoica دوشنوائی پژواکی

دوشنوائی که در آن یک صدا به صورتی که در
گوش مبتلا مرتباً تکرار می‌شود درک می‌گردد.

diplacusis monauralis

دوشنوائی یک‌گوشی
دوشنوائی که در آن یک صدا به صورت دو
صدای متفاوت در یک گوش درک می‌شود.

diplophonia دوصدایی، صدای دورگه

در صورتی که جرم و میزان کشش تارهای
صوتی متفاوت باشد هنگام آواسازی هریک با
فرکانس متفاوتی مرتعش می‌شوند. در نتیجه
همزمان دو فرکانس مختلف شنیده می‌شود.

diplopia دوبینی**dipper audiogram**

به audiogram مراجعه کنید.

direct audio input (DAI)

ورودی مستقیم صوتی
ورود مستقیم صدا به سمعک توسط سیم رابطی
بین سمعک و وسایل شنوائی کمکی یا سایر
منابع صوتی.

directional preponderance (DP)

direct current (dc) جریان مستقیم
جریان الکتریکی دارای مقدار ثابت که مدام در
یک جهت جریان دارد.

direct relationship رابطه مستقیم
شرایطی که مقادیر دو مجموعه داده‌ها با
یکدیگر همبستگی مثبت دارند. بدین ترتیب
که با افزایش یکی از آنها دیگری نیز بیشتر
می‌شود. متضاد: inverse relationship.

direction-changing positional nystagmus (DCPN)

به nystagmus مراجعه کنید.

direction-fixed positional nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

directional جهت‌دار
حساسیت بیشتر نسبت به صداهای ناشی از
محدوده جهتی خاصی. ر.ک:
omnidirectional

directional hearing شنوائی جهت‌دار
توانایی تعیین جهت صدای دریافتی.

directional hearing aid
به hearing aid مراجعه کنید.

directional microphone
به microphone مراجعه کنید.

directional preponderance (DP)
برتری جهتی
برتری یک جهت در سرعت مرحله کند

نیستایموس، مانند تحریک حرارتی لایبرنت که نیستایموس‌های راست‌زن (RW + LC) با نیستایموس‌های چپ‌زن (RC + LW) مقایسه می‌گردد (راست = R، چپ = L، گرم = W و سرد = C).

directivity جهت‌داری

تمایل یک منبع به تولید یا تمایل میکروفن به دریافت صدایی که در یک جهت قوی‌تر است.

directivity factor

اثر جهتی، اثر راستا، سازه راستاوری اثر ناشی از جهتی که امواج صدا به میکروفن می‌رسند.

directivity index (DI)

شاخص جهت‌داری
کمیت‌گذاری مشخصه‌های جهت‌داری میکروفن سمک. این شاخص زمانی که افزایش دسی‌بل در نسبت محرک به نویز از میزان مورد انتظار برای میکروفن بدون جهت تجاوز می‌نماید مطرح می‌شود.

directivity pattern, polar

الگوی قطبی جهت‌دار
نمایش مشخصات جهت‌داری میکروفن سمک معمولاً به شکل نمودار قطبی. در این نمودار خروجی نسبی دامنه سمک به عنوان تابعی از زاویه ایجاد صدا نشان داده می‌شود.

disability

ناتوانی

محدودیت یا فقدان عملکرد.

developmental d. (DD)

ناتوانی رشدی، اختلال رشدی
معلولیت مزمن و شدید افراد ۵ ساله و بزرگتر که این ناتوانی: الف) ناشی از ضایعه فیزیکی یا ذهنی یا ترکیبی از هر دو است، ب) قبل از سن ۲۲ سالگی بروز می‌نماید، ج) احتمالاً به طور نامحدودی ادامه پیدا می‌کند، د) به سه مورد یا بیشتر از محدودیت‌های عملکردی ذیل منجر می‌شود: ۱. مراقبت از خود، ۲. زبان دریافتی و بیانی، ۳. یادگیری، ۴. تحرک، ۵. خودمحموری، ۶. توانایی زندگی مستقل، ۷. استقلال مالی، ۸. نیاز فرد را به تداوم مراقبت، درمان یا خدمات ویژه و چندجانبه دیگری در طول زندگی یا به مدت طولانی که مخصوص وی برنامه‌ریزی و هماهنگ شده باشد نشان می‌دهد [قانون عمومی آمریکا ۱۰۱-۴۹۶-۱۰۱، قانون یاری‌رسانی و موارد حقوقی مبتلا به ناتوانی‌های رشدی مصوب اکتبر ۱۹۹۰].

hearing d. ناتوانی شنوایی

محدودیت عملکردی ناشی از آسیب شنوایی.

learning d. (LD)

ناتوانی یادگیری، اختلال یادگیری
عدم مهارت در یک یا چند جنبه یادگیری که با ظرفیت هوشی فرد هماهنگ نیست و علت آن اختلال بینایی، شنوایی، حرکتی یا عاطفی نمی‌باشد.

disarticulation

گسیختگی

۱. انفصال، ۲. شکستگی یا جداسازی زنجیره استخوانچه‌ای.

ossicular d. گسیختگی زنجیره استخوانچه‌ای انفصال یا شکستگی در زنجیره استخوانچه‌ای.

discomfort level سطح ناراحتی سطح شدتی که در آن صدا با بلندی ناراحت‌کننده‌ای درک می‌شود. افراد دارای شنوایی طبیعی معمولاً قادرند صدا را تا شدت ۱۲۰ دسی بل SPL تحمل کنند. مترادف:

loudness discomfort level, pain or tickle threshold, threshold of discomfort (TD), tolerance threshold for speech, tolerance level or range, uncomfortable loudness level (LDL)

disconjugate eye movement

حرکت غیر توأم چشم‌ها
حرکت چشم‌ها در دو جهت مختلف.

discourse, connected

گفتار پیوسته یا مداوم مانند داستان خوانی که در شنوایی‌سنجی گفتاری عمدتاً به عنوان پیام رقابتی زمینه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد.

discrete جداگانه، مجزا، ناپیوسته

discrete frequency audlometer

به audiometer مراجعه کنید.

discrimination

تمایز در شنوایی‌سنجی گفتاری به‌طور کلی به توانایی بازشناسی واژه اطلاق می‌گردد.

auditory d. تمایز شنوایی

فرآیند درکی که در طی آن فرد اصوات یا واژه‌ها را از بین صداها یا کلمات تشخیص و افتراق می‌دهد.

frequency d. تمایز فرکانس

فرآیند درکی که توسط آن فرد محرک‌های آزمایشی متوالی و دارای فرکانس‌های مختلف را افتراق می‌دهد.

speech d. (SD) تمایز گفتار

اصطلاح قدیمی بازشناسی واژه.

speech sound d.

تمایز صداهای گفتاری
توانایی افتراق صداهای گفتاری.

discrimination curve

منحنی تمایز گفتار

در آزمایش تمایز گفتار، نمایش نموداری درصد واژه‌هایی که فرد در حین افزایش شدت ارائه از یک فهرست خاص شناسایی کرده است. مترادف: articulation curve.

discrimination loss کاهش تمایز

میزان کاهش توانایی بازشناسی واژه که با کسر امتیاز بازشناسی واژه از ۱۰۰٪ حاصل می‌شود.

discrimination score امتیاز تمایز

اصطلاح اولیه امتیاز بازشناسی واژه که بر حسب درصد واژه‌هایی که به‌درستی درک و شناسایی شدند بیان می‌شود.

disease

بیماری

قطع یا انحراف از ساختمان یا عملکرد طبیعی هر یک از بخش‌ها، اندام‌ها یا دستگاه‌های بدن که با یک سری از علائم یا نشانه‌های مشخص می‌شود و علت، آسیب‌شناسی و پیش‌آگهی آن ممکن است معلوم باشد یا نباشد.

disequilibrium

عدم تعادل

disinhibition

عدم مهار

برداشتن اثرات مهار از دستگاه عصبی.

disorder

اختلال، ناهنجاری، مختل شدن عملکرد

hearing d.

اختلال شنوایی

مختل شدن ساختمان و یا عملکرد شنوایی.

retrocochlear d.

اختلال وراء حلزونی

اختلال شنوایی که از نئوپلاسم یا سایر ضایعه‌های موجود در عصب هشتم چمجمه‌ای یا وراء آن در بخش شنوایی ساقه یا قشر مغز ناشی شده باشد.

dispense

توزیع کردن، پخش کردن

dispensing audiologist

شنوایی‌شناس توزیع‌کننده

شنوایی‌شناسی که سمعک توزیع می‌کند.

dissonance

ناهمخوانی، ناسازی

ترکیب ناهماهنگ و گوش‌خراش صداها.

distal

دور

دور از مرکز یا نقطه مبدأ. متضاد: proximal.

distance index

شاخص فاصله

شاخص خاصیت جهت‌داری میکروفن سمعک که نشان می‌دهد در مقایسه با میکروفن بدون جهت تا چه فاصله‌ای از منبع نسبت محرک به نویز ثابت می‌ماند.

distance receptor

گیرنده از فاصله کم

اندام حسی که قادر است محرک‌هایی که با بدن کمی فاصله دارند دریافت کند.

distinctive feature

ویژگی متمایز

عنصر بنیادین یک واج، مانند شیوه یا جایگاه تولید، که آن را از واج دیگر متمایز می‌کند.

distorted speech test

آزمایش گفتار اعوجاج‌یافته

روش ادیومتریک گفتاری که در آن مشخصه‌های اکوستیکی مواد گفتاری اعوجاج یافته‌اند تا حشو درونی محرک کاهش یابد.

distortion

اعوجاج

حاصل نامطلوب تولید مجدد و غیردقیق یا غیرخطی موج صوتی.

amplitude d.

اعوجاج دامنه

تولید مجدد و نادرست امواج صوتی هنگامی که محدودده تقویت‌کننده افزایش یابد و خروجی دیگر نسبتی از ورودی نباشد. مترادف:

harmonic distortion, nonlinear distortion

distortion

figure-ground d.

اعوجاج در نبود زمینه
عدم توانایی تمرکز بر یک شیء یا صدا بدون
داشتن زمینه‌ای که درک را امکان‌پذیر سازد.

harmonic d. اعوجاج هماهنگ‌ها

اعوجاج دامنه محرک به صورت تولید هماهنگ
اضافی.

intermodulation d.

اعوجاج مدوله‌سازی متقابل (سمعک)
اعوجاج دامنه محرک‌های غیرتناوبی توسط
سمعک که سبب ایجاد فرکانس‌های اضافه‌تر
از ورودی می‌شود.

nonlinear d. اعوجاج غیرخطی

کاهش کیفیت محرک تقویت‌شده به دلیل
تغییر سطح خروجی در پی تغییر سطح ورودی.

transient d. اعوجاج گذرا

تولید مجدد و غیردقیق صدا که از ناتوانی
تقویت‌کننده در پردازش یا پی‌گیری تغییرات
ناگهانی ولتاژ ناشی می‌شود.

waveform d. اعوجاج شکل موج

تغییر ناخواسته در شکل موج.

distortion product حاصل اعوجاج

انرژی صوتی ناشی از غیرخطی بودن حلزون
برای فرکانس‌هایی که ترکیبی از دو فرکانس
همزمان می‌باشند. این انرژی زمانی تولید

می‌شود که دو تن خالص همزمان به حلزون
ارائه شوند.

مکعب حاصل اعوجاج cubic d.p.
اعوجاج حلزونی که منشأ امواج DPOAE بالینی
است و از هم‌کنشی دو تن خالص همزمان در
فرکانس‌های f_1 و f_2 به دست می‌آید. مکعب
حاصل اعوجاج، توان سوم تن تفاضلی است
که فرکانس آن $f_2 - f_1$ می‌باشد.

distortion-product evoked otoacoustic emission = distortion-product otoacoustic emission

distortion-product otoacoustic emission (DPOAE)

به otoacoustic emission مراجعه کنید.

distortional bone conduction

به bone conduction مراجعه کنید.

diuretic

مدر
داروهایی که جریان ادرار را با مهار جذب سدیم
و آب تحریک می‌کنند. این داروها برای درمان
فشار خون بالا و ادم ناشی از بیماری‌های قلبی
و کلیوی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

loop d. داروهای مدر حلقوی

گروهی از داروها از جمله اتاکرینیک اسید که
ترشح ادرار را با مهار جذب سدیم و آب در
کلیه‌ها تسریع می‌کنند و ممکن است در صورت
مقدار (دوز) مصرفی بالا سم گوش باشند.

Dix-Hallpike maneuver

مانور دیکس-هالپایک

مانور سریعی روی بدن که در طی آزمایش ENG انجام می‌شود. در این مانور بیمار می‌نشیند، سپس در حالی که سرش در زاویه ۴۵ درجه قرار دارد با سرعت در وضعیت طاقباز خوابانده می‌شود به نحوی که سر از لبه تخت معاینه آویزان شود.

Dix-Hallpike test

آزمایش دیکس-هالپایک

زیرآزمایشی در ENG که برای تعیین این که آیا می‌توان با مانور دیکس هالپایک نیستاگموس را برانگیخت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

dizygotic

دوتخمی

مربوط به دوقلوهای حاصل از دو تخم مجزا.

dizziness

گیجی

اصطلاح کلی که برای توصیف علائم مختلفی چون ضعف، منگی، سبکی سر یا بی‌ثباتی به کار می‌رود.

DL → difference limen**DLF** → difference limen for frequency**DLI** → difference limen for intensity**DMQ** → deafness management quotient**DNA** → deoxyribonucleic acid

DNE did not evaluate. ارزیابی نشد.

DNT did not test. آزمایش نشد.

Doctor of Audiology (Au.D)

دکتر شنوایی‌شناسی

عنوان درجه دکتری حرفه‌ای شنوایی‌شناسی.

Doerfler-Stewart test

آزمایش دورفلر-استوارت

آزمایشی برای کاهش شنوایی غیرعضوی در بیماران مشکوک به بیماری‌هایی که شامل ارائه واژه‌های اسپوندی در سکوت و در حضور نویز است.

dominance

برتری

برتر یا مهم‌تر بودن، از اولویت یا فوریت بیشتر برخوردار بودن. ر.ک:

cerebral dominance laterality

cerebral d.

سو برتری مغز

۱. نظریه‌ای مبنی بر برتر بودن یکی از نیمکره‌های مغزی نسبت به دیگری در اعمال خاصی چون درک، خیال‌اندیشی، حافظه و زبان؛ ۲. تمایل یکی از نیمکره‌های مغزی معمولاً چپ، به رشد کامل اعمال خاص به‌ویژه گفتار و دست برتری. مترادف: cortical lateralization.

lateral d.

سو برتری

ارجحیت به کار بردن اندام‌های یک طرف بدن نظیر چشم، گوش، دست و پای راست (راست برتری) یا اندام‌های چپ (چپ برتری).

dominant hereditary hearing loss

dominant hereditary hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

dominant progressive hearing loss

(DPHL) به hearing loss مراجعه کنید.

Doppler effect or phenomenon

اثر یا پدیده داپلر

[C. J. Doppler، ریاضیدان و فیزیکدان آمریکایی اتریشی تبار، ۱۸۵۳-۱۸۰۳]. تغییر در زیربومی صدا زمانی که منبع صوت و شنونده با سرعت از یکدیگر دور شوند یا به سوی هم حرکت کنند.

Doppler shift

تغییر داپلر

میزان تغییر زیربومی صدا زمانی که منبع صوت و شنونده با سرعت از یکدیگر دور شوند یا به سوی هم حرکت کنند.

dorsal

پشتی

جهت آناتومیک که به ساختمان‌های واقع در جهت ستون فقرات اشاره دارد. مترادف: posterior. متضاد: anterior.

dorsal acoustic sterla (DAS)

نوار شنوایی پشتی

دسته الیاف عصبی که از هسته حلزونی پشتی منشأ می‌گیرد و در نوار ریل خارجی دگرسویی و برجستگی‌های تحتانی سیناپس کرده، مجموعه زیتونی فوقانی را دور می‌زند.

dorsal cochlear nucleus (DCN)

هسته پشتی حلزولی

بخش پشتی هسته حلزولی که الیاف عصبی را

از شاخه خلفی عصب هشتم ججمه‌ای پس از دو شاخه شدن آن دریافت می‌نماید.

dorsal nucleus of the lateral lemniscus (LLD)

هسته پشتی نوار ریل خارجی

یکی از سه تنه الیاف بزرگ عصبی که در طول خارجی‌ترین لبه پل مغزی قرار گرفته و الیاف شنوایی صعودی از LSO، DCN و MSO را تا برجستگی تحتانی رله می‌کند.

dorsomedial inferior colliculus

(بخش) پشتی میانی برجستگی تحتانی

بخشی از برجستگی تحتانی که الیاف نزولی را از قشر مغز و نیز الیافی از بخش پشتی میانی برجستگی تحتانی دگرسویی دریافت می‌کند.

dosimeter, audio دوزسنج صوت

ابزاری که به بدن متصل می‌شود و برای اندازه‌گیری سطح تجمعی و زمان تداوم نویزی که فرد طی مدت خاصی با آن مواجه است مورد استفاده قرار می‌گیرد.

dosimetry

دوزسنجی

روند اندازه‌گیری سطح تراکمی و زمان مواجهه با نویز در طی مدت زمان خاص.

double-blind study مطالعه دوسوکور

کارآزمایی که در آن هیچ‌یک از افراد مورد مطالعه و پژوهشگران از نحوه تقسیم نمونه در گروه‌ها مطلع نیستند. به طور مثال نمی‌دانند فرد در گروه دریافت‌کننده داروی آزمایشی است یا در گروه دریافت‌کننده دارونما قرار دارد.

double hearing دو جور شنیدن
وضعیت شنوایی که در آن درک زیرویمی به
نحوی مختل می‌شود که یک تن خالص به
صورت دو تن یا نویز یا صدای زنگ شنیده
می‌شود. مترادف: diplacusis.

double hearing protection

حفاظت شنوایی مضاعف
استفاده از وسایل حفاظت شنوایی تویی (پلاگ)
گوش و گوشی با هم در طی مواجهه با نویز بسیار
شدید.

down-beating nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

Down syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

download

انتقال داده‌ها، بارگرفتن رو به پایین
انتقال اطلاعات از یک دستگاه رقی (دیجیتال)
به دستگاهی دیگر مانند انتقال اطلاعات مربوط
به پارامترهای تنظیم سمعک از پایگاه داده‌ها
به سمعک.

downward spread of masking

پوشش پس‌گرا
پوشش فرکانس‌های پایین توسط اصوات بلند
دارای فرکانس بالا. مترادف: remote masking.

DP1 → directional preponderance

DP2 → distortion product

DPHL → dominant progressive hearing loss

DPOAE → distortion product otoacoustic emission

DPT دم‌رول، فنرگان و تورازین
داروی مخلوطی که به عنوان آرامبخش برای
کودکان تحت آزمایش شنوایی سنجی پتانسیل
برانگیخته مورد استفاده قرار می‌گیرد.

DR → dynamic range

DRC → damage risk criterion

DRF → Deafness Research Foundation

DRG → diagnosis-related group

dri-aid kit کیت رطوبت‌گیر سمعک
بسته‌ای از فرآورده‌های موجود در یک کیت که
برای کاهش رطوبت در سمعک‌ها به کار
می‌رود.

drum پرده گوش
واژه عامیانه پرده صماخ.

drum head پرده گوش، پرده صماخ

drum membrane پرده گوش

DS → discrimination score

DSI

DSI → dichotic sentence identification test.

DSL → desired sensation level

DSP → digital signal processing

DSP hearing aid → digital signal processing hearing aid

dual in-line package switch (DIP switch) DIP کلید بسته دو ردیفی، کلید یک ردیف کلیدهای مدارهای یکپارچه که پیکربندی وسیله الکترونیک مورد نظر را به روش‌های مختلف امکان‌پذیر می‌سازد.

dual-time-constant compression به compression مراجعه کنید.

Duane retraction syndrome به syndrome مراجعه کنید.

duct مجرا، کانال
ساختمان لوله‌ای شکل برای انتقال مایع.

ductus reunlens مجرای ارتباطی
لوله‌ای که ساکول را به نردبان میانی مربوط می‌سازد و محتوی آندولنف بین لاپیرنت غشایی دهلیزی و شنوایی است.

dura mater سخت شامه
غشای فیبروزی سختی که پوشش خارجی مغز و طناب نخاعی را تشکیل می‌دهد.

duration

۱. زمان تداوم، مدت
۲. در زبان‌شناسی: دیرش

duty cycle

چرخه روشن، مدت عمل، زمان ارائه
درصد زمانی که محرک ارائه می‌شود از مجموع مدت محرک و فاصله بین محرک‌ها.

Dx → diagnosis

dynamic microphone

به microphone مراجعه کنید.

dynamic platform posturography

وضعیت‌نگاری با صفحه متحرک
ارزیابی کمی هماهنگی عملکرد دستگاه تعادلی برای ثبات وضعیت حین ایستادن ساکن و منحرف‌شده. این ارزیابی توسط صفحه متحرک رایانه‌ای و مبدل‌های حرکت صورت می‌گیرد.

dynamic range (DR) محدوده پویایی

۱. محدوده دامنه‌ای که وسیله الکترونیکی در گسترده آن فعال است؛ ۲. تفاوت بین آستانه حساسیت و آستانه راحتی فرد بر حسب دسی‌بل.

dynamic-range compression

به compression مراجعه کنید.

dynamometer

نیروسنج

۱. در شنوایی‌سنجی، وسیله‌ای است که بیمار در طی آزمایش شنوایی با فشردن دکمه آن

dyne

قضاوت خود را از بلندی صدا بیان می‌کند؛
۲. وسیله‌ای که برای آزمایش قدرت و عملکرد
حرکتی عضلات استفاده می‌شود. مترادف:

ergometer

dyne

دین

واحد نیرو که به صورت مقدار نیروی لازم برای
شتاب یافتن ۱ گرم در مسافت ۱ سانتی‌متر در
واحد زمان تعریف می‌شود.

dyne/cm²

دین بر سانتی‌متر مربع

واحد نیرویی که بر ۱ سانتی‌متر مربع وارد
می‌شود. سطح مرجع برای اندازه‌گیری شدت بر
حسب دسی‌بل سطح فشار صوتی ۰/۰۰۰۲
دین بر سانتی‌متر مربع است.

dynorphin

داینورفین

پپتید شبه تریاکی درون‌زاد که در حلزون یافت
می‌شود.

dysacusia = dysacusis

dysacusis

آزردگی شنوایی

۱. آسیب به توانایی شنوایی در سطوح فوق
آستانه؛ ۲. درد یا ناراحتی گوش در مواجهه با
صدا.

dysarthria

اختلال تولید

اصطلاحی برای مجموعه‌ای از اختلالات
حرکتی گفتار به دلیل آسیب به دستگاه عصبی
محیطی یا مرکزی.

dysplasia

dysaudia

اختلال تولید عارضی

آسیب تولید گفتار متعاقب کاهش شنوایی.

dyschondroplasia

دیس‌کندروپلازی

اختلالی در رشد تراکم سلول‌های غضروفی
جنین اولیه که به بدشکلی منجر می‌شود. این
بدشکلی با توقف رشد استخوان‌های بلند
همراه است. مترادف: chondrodysplasia.

dysfunction

اختلال عملکرد

dyslexia

نارساخوایی

dysmorphism

اختلال شکل، مختلف‌الشکل

dysphagia

اختلال بلع

این اختلال ممکن است شامل التهاب، فشار،
ضعف و بی‌حسی یا کاهش کشش (تونوسیتته)
مری باشد.

dysostosis

استخوان‌سازی ناقص

dysphemia

گفتارپریشی

اختلال ارتباطی ناشی از نارسایی‌های هوشی
یا عاطفی.

dysplasia

دیسپلازی، اختلال تکاملی

رشد ناهنجار یافت.

Schelbe d.

دیسپلازی شایبید

ناهنجاری رشدی بخش‌هایی از گوش داخلی

به ویژه حلزون و ساکول که از نظر تکاملی جدیدترند و عدم تشکیل اتریکول و مجاری نیم دایره همراه با کاهش شنوایی حسی عصبی.

dystrophy

دیستروفی
ضعف بافت به ویژه عضلات که ممکن است در اختلالات عصبی عضلانی رخ دهد و امکان دارد به آتروفی منجر شود.

E

E wave → expectancy wave

E & E eyes and ears

چشم‌ها و گوش‌ها

EA → educational age

EAA → educational Audiology Association

EABR → electrically evoked auditory brainstem response

EAC → external auditory canal

EAM → external auditory meatus

EAP → electrically evoked action potential

ear

گوش

اندام شنوایی که شامل لاله گوش، مجرای شنوایی خارجی، پرده صماخ، فضای صماخ و استخوانچه‌ها، لابیرنت حلزونی و دهلیزی است.

artificial e.

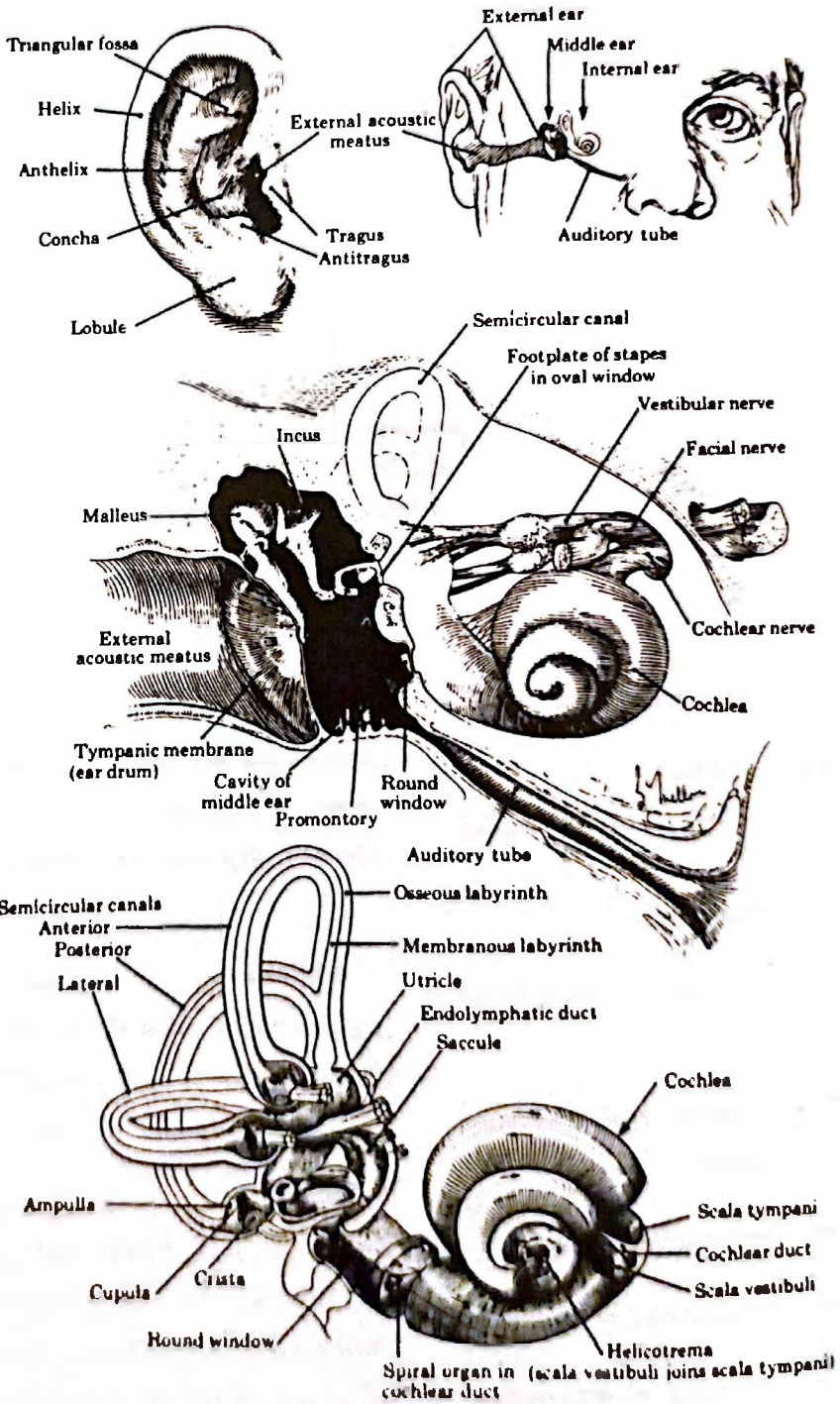
گوش مصنوعی

ابزار استاندارد که هنگام تنظیم ادیومتر برای جفت کردن گوشی ادیومتر با میکروفن صداسنج به کار می‌رود.

aviator's e.

گوش هوانوردان

اختلال التهابی ضربدای گوش میانی که از تغییرات ناگهانی فشار هوا در فضاهای تهویه شده استخوان گیجگاهی، هنگام فرود از ارتفاع زیاد یا بالا آمدن از عمق زیاد آب ناشی می‌شود. مترادف: aerotitis media.



ساختارهای گوش داخلی و خارجی

- Aztec e.** گوش آرتک
لاله گوش بدون نرمه. مترادف: Cagot ear.
- bat e.** گوش خفاشی
رشد بدشکل گوش خارجی به نحوی که بخش کونکا نسبت به سر حالت عمودی دارد. مترادف: lop ear
- beach e.** گوش ساحلی
خیس خوردگی و التهاب مجرای خارجی گوش به دلیل شنا در دریا.
- Blainville e.** گوش بلینویل
عدم تقارن در اندازه یا شکل لاله‌های دو گوش.
- boilermaker's e.** گوش دیگ‌سازان
اصطلاح اولیه‌ای که برای کاهش شنوایی ناشی از نویز به کار می‌رفت زیرا کارگرانی که با سطوح بیش از حد نویز مواجه بودند سال‌های متمادی به ساختن یا تعمیر دیگ بخار اشتغال داشتند.
- Cagot e.** گوش کاگوت
لاله گوش بدون نرمه. مترادف: Aztec ear.
- Cagot e. = cagot ear**
- cauliflower e.** گوش گل‌کلمی
ضخیم‌شدگی و بدشکلی لاله گوش در پی ضربه‌های مکرر که غالباً به صدمات ناشی از ورزش کشتی مربوط می‌شود.
- Darwinian e.** گوش داروینی
لاله‌گوشی که لپه بالایی آن برای تشکیل هلیکس خمیده نشده است.
- external e. (EE)** گوش خارجی
خارجی‌ترین بخش گوش که شامل لاله، مجرای خارجی شنوایی و سطح خارجی پرده صماخ است. مترادف: outer ear.
- far e.** گوش دور
گوش دارای سمعک در شرایط آزمایشی که محرک به طرف دیگر سر ارائه می‌شود. متضاد: near ear
- farmer's e.** گوش کشاورزان
عدم تقارن در حساسیت شنوایی کشاورزان که ظاهراً به دلیل مواجهه بیشتر یک گوش با صدای تراکتور رخ می‌دهد. زیرا حین کار سر را به عقب برمی‌گردانند.
- glue e.** گوش چسبیده
التهاب گوش میانی همراه با ترشح شبه‌مخاطی غلیظ و چسبیده. مترادف: mucoid otitis media
- inner e.** گوش داخلی
ساختمانی که از اندام‌های حس شنوایی و تعادل تشکیل شده و شامل حلزون، دهلیزها و مجاری نیم‌دایره است.
- lop e. = bat ear**
- middle e.** گوش میانی
بخشی از سازوکار شنوایی که از غشاء داخلی پرده صماخ تا دریچه بیضی حلزون امتداد دارد، شامل استخوانچه‌ها و فضا‌های گوش میانی است و به عنوان تطبیق‌دهنده امپدانس گوش خارجی و داخلی عمل می‌کند.

near e. گوش نزدیک
گوش دارای سمعک در شرایط آزمایشی که
محرك به همان طرف سر ارائه می شود. متضاد:
far ear

nontest e. (NTE)
گوش غیرآزمایشی
در شنوایی سنجی، گوشي است که مورد
آزمایش قرار نمی گیرد یا گوشي است که
پوشش داده می شود.

outer e. گوش خارجی
محیطی ترین بخش سازوکار شنوایی که شامل
لاله گوش، مجرای شنوایی خارجی و سطح
خارجی پرده صماخ است. مترادف: external
.ear

scroll e. گوش لوله ای
بدشکلی لاله گوش که در آن لبه لاله به طرف
چلو و داخل پیچ خورده است.

swimmer's e. گوش شناگران
ضایعه التهابی، منتشر و مترشحه پوست
مجرای خارجی گوش که از عفونت باکتریایی
گرم منفی در هوای گرم و مرطوب ناشی
می شود و غالباً به دنبال شنا آغاز می گردد.
مترادف: acute diffuse external otitis.

ear advantage برتری گوشي
برتری یک گوش نسبت به گوش دیگر در
پردازش اطلاعات.

ear bank بانک گوش
محلی برای نگهداری استخوان های گیجگاهی
که برای اهداف پژوهشی و آموزشی مورد
استفاده قرار می گیرند.

ear canal مجرای گوش، کانال گوش
مجرای خارجی شنوایی.

ear canal resonance
تشدید مجرای گوش
افزایش شدت صوت معمولاً حدود ۳۰۰۰ هرتز،
با عبور از مجرای خارجی شنوایی.

ear canal stenosis تنگی مجرای گوش
مجرای خارجی باریک یا تنگ شده شنوایی.

ear dam مسدودگر گوش، مسدودکننده گوش

ear defenders محافظ گوش

ear effect, external (EEE)
اثر گوش خارجی
تأثیر ساختمان گوش خارجی بر مشخصات
اکوستیکی صداهايي که به پرده صماخ می رسند.

ear effect, ipsilateral
اثر گوش همانسویی

پدیده ای که در آن بیماران مبتلا به ضایعات
لب گیجگاهی چپ علاوه بر کسب امتیاز ضعیف
و مورد انتظار در ارزیابی های شنوایی دوگانه
همزمان (دایکوتیک) برای گوش راست، برای

گوش چپ نیز امتیاز ضعیف کسب می‌کنند. این اثر در ضایعات لب گیجگاهی راست در ارزیابی‌های شنوایی دوگانه همزمان گوش راست مشاهده نمی‌شود.

ear impression قالب اولیه گوش

قابلی که برای ساخت قالب سفارشی یا سمعک از صدفه و مجرای گوش تهیه می‌شود.

ear inserts کاف‌های منبسط‌شونده

کاف‌های منبسط‌شونده که برای هدایت صدا از گوشی به درون مجرای گوش، داخل مجرای خارجی شنوایی قرار داده می‌شوند.

EAR plugs → Etymotic Applied Research plugs

ear protection حفاظت گوش

اصطلاح کلی برای وسایل حفاظت شنوایی از قبیل توپی‌های گوش یا گوشی‌های ایمنی که برای کاهش سطوح نویز مورد استفاده قرار می‌گیرند.

ear protectors محافظ‌های گوش

وسایل حفاظت شنوایی نظیر توپی‌های گوش یا گوشی‌های ایمنی که برای کاهش سطوح بیش از حد نویز مورد استفاده قرار می‌گیرند.

ear trumpet شیپور گوش

سمعک‌های غیرالکترونیکی اولیه که غالباً شبیه شیپور بودند و با جمع‌آوری صدا از طریق یک دهانه بزرگ و هدایت آن از راه معبری کوچک به مجرای گوش آن را تقویت می‌کردند.

ear wax موم گوش

اصطلاح عامیانه جرم گوش که ترشح مومی غدد سرومنی مجرای خارجی شنوایی است.

earache گوش درد

مترادف: Otaglia.

eardrum پرده گوش

پاقت غشایی نازک و مرتعش‌شونده‌ای که انتهای مجرای خارجی شنوایی را می‌بندد و بخش عمده دیواره خارجی فضای گوش میانی را که استخوانچه چکشی به آن متصل شده، تشکیل می‌دهد. مترادف:

tympenic membrane

earhook قلاب گوش

بخشی از سمعک پشت‌گوشی که بدنه آن را به لوله قالب متصل می‌کند و مانند قلاب بالای گوش قرار می‌گیرد.

high-pass e. قلاب بالاگذر گوش

قلابی که پالایه آن خروجی سمعک را در فرکانس‌های کمتر از ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ هرتز کاهش دهد.

low pass e. قلاب پایین‌گذر گوش

قلاب سمعک پشت‌گوشی که پالایه آن فرکانس‌های بالا را کاهش و فرکانس‌های پایین را عبور می‌دهد.

earlobe نرمه گوش

بخش پایینی و غیرغضروفی لاله گوش. مترادف: lobule.

Early Speech Perception test

Early Speech Perception test

آزمایش درک سریع گفتار (ESP test) مجموعه آزمایش‌هایی که برای ارزیابی توانایی درک گفتار خردسالان طراحی شده و دارای دو نسخه استاندارد و مقدماتی و زیرآزمایش‌هایی برای درک الگو و شناسایی واژه اسپوندی و سایر واژه‌ها است.

earmold قالب گوش

جفتگر (کوپلر) که برای قرار گرفتن در لاله گوش ساخته می‌شود و صدا را از قلاب سمعک به مجرای گوش هدایت می‌کند.

canal e. قالب گوش مجرا

نوعی قالب گوش که برای ساخت آن تنها از بخش مجرای قالب اولیه استفاده می‌شود و قسمت‌های هلیکس و صدقه حذف می‌گردد.

canal-lock e. قالب قلاب‌دار مجرا

قالبی که زائیده انگشت‌مانندی دارد که تا انتهای صدقه می‌رسد و قالب را در جای خود نگاه می‌دارد.

carved shell e. = shell earmold

continuous flow adapter (CFA) e.

قالب تعدیل و تقویت‌کننده فرکانس‌های بالا.

CFA قالب

قالبی که قطر بخش قدامی لوله آن ثابت است و برای تقویت فرکانس‌های بالا با پاسخ فرکانسی صاف طراحی شده است.

CROS family e. قالب‌های کراس

این قالب‌ها از نوع غیرانسدادی و شامل انواع A, B و C هستند و برای تنظیم و تطبیق سمعک‌های کراس و ایراس ساخته شده‌اند. در ادامه بخش مجرای نوع C لوله پلاستیکی تعبیه شده است که طول آن را برای کاهش تقویت فرکانس‌های پایین می‌توان کمتر کرد.

custom e. قالب سفارشی

قالبی که مخصوص فرد از روی قالب اولیه‌اش ساخته می‌شود.

extended-range e. (ERE)

قالب گوش با گستره فرکانسی بسیار وسیع نوعی قالب غیرانسدادی که با افزودن قطر داخلی در بخشی از مجرا به صورت زنگوله‌ای شکل برای صاف شدن تقویت فرکانس‌های ۲ تا ۵ کیلوهرتز و گسترش تقویت مؤثر تا ۹ کیلوهرتز طراحی شده است.

free field e. قالب میدان باز

نوعی قالب غیرانسدادی که دارای پل کوچکی است که لوله قالب را تا حلقه صدقه نگه می‌دارد و لوله را به درون مجرای گوش هدایت می‌کند.

frequency gain modifier (FGM) e.

قالب تعدیل‌کننده بهره فرکانس‌ها این قالب‌ها به هر دو شکل انسدادی و غیرانسدادی ساخته می‌شوند. بخش مجرای آنها زنگوله‌ای شکل است که قطعه مجرای صوتی آن تدریجاً اضافه می‌شود و یک زائویی

پلاستیکی دارند که به راحتی می توان لوله را تغییر داد. این قالب ها برای میرا کردن فرکانس های پایین و تقویت فرکانس های بالا طراحی شده اند.

half-shell e. قالب صدفی نیمه
قالب متشکل از مجرا و پوسته ای نازک و دهانه ای که تنها قسمتی از مسیر تاهلیکس را می پوشاند.

hearing protection e.
قالب ضدصوت، قالب محافظ شنوایی
قالب سفارشی که برای کاهش صدا و حفاظت در برابر نویز طراحی شده است.

hollow-canal e.
قالب پوسته ای مجرا
نوعی قالب مجرا (کانال) که داخل آن کاملاً خالی شده و تنها پوسته ای باقی مانده است و لوله از فضای خالی داخل آن عبور می کند.

Janssen e. قالب یانسن
این نوع قالب به منظور سهولت لوله گذاری ساخته شده است. بخش مجرای آن از جنس وینیل فلکس است. از این رو به راحتی خم شده و به اندازه مورد نیاز قطع و مته می شود. لوله از دور زبانه لوله گوش می گذرد. بخش مجرای آن به سقف مجرای گوش تکیه دارد و طول آن تا حد امکان زیاد است.

Lybarger e. قالب لیبارگر
قالب غیرانسدادی دارای لوله ای که دو قطر دارد و در فرکانس های بالای ۴۰۰۰ هرتز تشدید ایجاد می کند.

Macrae 2k notch filter e.

قالب دارای فیلتر باند گذر ۲ کیلوهرتز مگری این قالب دارای تشدیدکننده هلمهولتز است که پاسخ باند فرکانسی ۱۴۰۰ تا ۲۶۰۰ هرتز را تا ۱۸ دسی بل کاهش می دهد و برای افرادی که در محدوده ۲ کیلوهرتز شنوایی بهتری دارند طراحی شده است.

microshell e. قالب پوسته ای
نوعی قالب صدفی (شل) است که ضخامت آن کمتر از قالب های معمول صدفی می باشد.

minimal contact technology (MCT) e.

قالب گوش با فناوری حداقل تماس، قالب MCT قالبی که اثر انسداد را از طریق محدود کردن تماس با بخش غضروفی مجرای خارجی شنوایی و کیپ شدن نوک داخلی آن در مجرا کاهش می دهد.

nonoccluding e. = open earmold

قالب باز، قالب غیرانسدادی
قالب غیرانسدادی دارای مجرای باریک خارجی که عبور صداها را تقویت نشده دارای فرکانس پایین را از اطراف قالب امکان پذیر می سازد و صداها را تقویت شده را از طریق لوله مجرا هدایت می کند. قالب باز در تنظیم و تطبیق سمعک های مناسب کاهش شنوایی فرکانس های بالا و کراس مورد استفاده قرار می گیرد.

Patrlot e. قالب پاتریوت
قابلی که برای کنترل بازخورد ساخته شده است و بخش مجرای آن توخالی است. از این رو، با حرکت صورت و فک حرکت می‌کند. این قالب برای تقویت به میزان ۱۱۰ دسی بل HL در محدوده فرکانسی ۲۵۰ تا ۴۰۰۰ هرتز مناسب است.

perlmeter e. = skeleton earmold

receiver e. قالب سمعک جیبی
این قالب استاندارد برای سمعک‌های جیبی که گوشی مینیا توری (رسیور) خارجی دکمه‌ای شکل دارند طراحی شده است. گوشی مینیا توری با حلقه فلزی یا پلاستیکی قالب چفت می‌شود. اندازه حلقه بسته به نوع گوشی مینیا توری متغیر است.

regular e. = standard earmold

resonator e. قالب تشدیدکننده
قابلی که در مجرای صوتی آن برای افزایش تشدید فرکانس‌های بالا تغییراتی ایجاد شده است.

shell e. قالب صدفی
قالب بدون حجم اما دارای اندازه کامل که برای سمعک‌های سطح گوشی دارای بهره زیاد که درزگیری صوتی برای آنها ضروری است مورد استفاده قرار می‌گیرد.

semi-skeleton e.

قالب اسکلتی نیمه
قالب اسکلتی که قسمتی از حلقه بخش صدفه آن برداشته شده است.

skeleton e. قالب اسکلتی
قابلی که فنجانک آن درآورده شده و تنها لبه خارجی صدفه بخشی که مجرای شنوایی خارجی را درزگیری می‌کند باقی مانده است. این نوع قالب مشخصه‌های اکوستیکی قالب استاندارد را داراست اما به‌طور کلی راحت‌تر بوده و کمتر قابل دید است و برای سمعک‌های پشت‌گوشی یا عینکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مترادف: perimeter earmold.

sleeve e. قالب شبه‌آستین
نوعی قالب غیرانسدادی که تنها دارای بخش مجرا به شکل تقریباً استوانه‌ای است که نظیر آستین لوله را در بر گرفته است.

standard e. قالب استاندارد
نوع معمول قالب که فنجانک آن صدفه را کاملاً پر می‌کند. این قالب برای همه انواع گوشی‌های مینیا توری (رسیور) مناسب است اما به‌طور عمده با سمعک جیبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مترادف: regular earmold.

stock e. قالب آماده
قالب غیرسفارشی که غالباً برای نشان دادن طرز کار یا استفاده موقت تا زمان آماده شدن قالب سفارشی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

tinnitus e. قالب وزوز گوش
نوعی قالب باز که با پوشاننده وزوز گوش استفاده می‌شود.

uplift e. قالب گوش بالا برنده مجرا
قالب گوش خاصی که برای افراد دارای شنوایی

طبیعی و مجرای پایین افتاده گوش مورد استفاده قرار می‌گیرد و مجرای صوتی آن به منظور افزایش صدا، به شکل قیف طراحی شده است.

vented e. قالب گوش منفذدار

قالبی که منفذ آن برای تخلیه فشار یا تغییر پاسخ اکوستیکی از فنجانک تا مجرا امتداد دارد. این قالب خروج انرژی فرکانس‌های پایین را از طریق منفذ امکان‌پذیر می‌سازد و در نتیجه مانند پالایه بالاگذر عمل می‌کند.

Vogel e. قالب وگل

قالبی که برای کاهش شنوایی شدید تا عمیق و بیماری‌هایی که فک پایین آنها بیش از حد حرکت دارد طراحی شده است و تشکیل شده از یک بخش سخت برای گوش خارجی و یک بخش نرم و قابل انعطاف برای مجرا که در صورت حرکت مجرا درزگیری صوتی ثابتی ایجاد می‌نماید.

wide range e.

قالب گوش با محدوده وسیع قالبی که با عملکرد خاصی برای ایجاد حداکثر تقویت در فرکانس‌های بالاتر، حدود ۵۰۰۰ هرتز، طراحی شده است.

earmold acoustics اکوستیک قالب

تأثیر ابعاد قالب (مانند طول، قطر مجرا) بر محتوای طیف صدایی که به پرده صماخ می‌رسد.

earmold block مسدودکننده مجرا
توبی پنبه‌ای از جنس پنبه یا اسفنج که هنگام تهیه قالب اولیه گوش در عمق مجرای خارجی شنوایی قرار داده می‌شود تا از پرده صماخ محافظت کند.

earmold bore مجرای صوتی قالب
سوراخی در قالب که صوت تقویت شده از طریق آن به مجرای گوش هدایت می‌شود.
 مترادف: sound bore.

earmold impression قالب اولیه گوش
قالبی که برای ساخت قالب سفارشی یا سمک از صدفه و مجرای گوش تهیه می‌شود.
 مترادف: ear impression.

earmold modification

اصلاح قالب گوش
ایجاد تغییر در ساختمان قالب به منظور تغییر تنظیم و تطبیق یا مشخصات اکوستیک آن.

earmold vent

منفذ قالب گوش
مجرای که در قالب تعبیه می‌شود و عبور صدا و ذرات هوا را به سمت مسدود مجرای خارجی شنوایی ممکن می‌سازد. این منفذ برای هوارسانی به مجرا و یا تغییر اکوستیک ایجاد می‌شود.

earmuffs

گوشی‌های ایمنی
وسایل محافظ شنوایی دورگوشی با فنجانک‌های پلاستیکی سخت که دور گوش را توسط اسفنج یا بالشتک‌های پر از مایع درزگیری می‌کند و

earphone

برای کاهش سطوح بیش از حد نویز طراحی شده است. مترادف:

circumaural hearing protection device

earphone

گوشی

میدلی که محرک‌های الکتریکی دستگاه ادیومتر را به صدا تبدیل و به گوش ارائه می‌کند.

circumaural e. گوشی‌های دور گوشی

گوشی که بالشتک آن دور لاله گوش قرار می‌گیرد.

insert e.

گوشی داخلی

گوشی که مبدل آن از طریق لوله دارای کاف منبسط‌شونده که درون مجرای خارجی شنوایی قرار می‌گیرد به گوش متصل می‌شود.

earpiece

گوشی

اصطلاح قبلی قالب گوش که به‌ویژه به ترکیب گوشی مینیاتوری (رسیور) دکمه‌ای و قالب گوشی که با سمعک جیبی مورد استفاده قرار می‌گیرد اشاره دارد.

earplug

توپی گوش

وسایل حفاظت شنوایی که از مواد مختلف ساخته شده و برای کاهش سطوح بیش از حد نویز، داخل مجرای خارجی شنوایی قرار داده می‌شود.

hi-fi e.

توپی با کیفیت بالا

وسیله حفاظت شنوایی که برای کاهش

یکنواخت محدوده فرکانس صدا و حفظ کیفیت بالای تولید صدا به‌ویژه موسیقی طراحی شده است.

musician's e. توپی گوش نوازندگان

وسیله حفاظت شنوایی که برای کاهش یکنواخت محدوده فرکانس صدا و حفظ کیفیت صدا به‌ویژه موسیقی طراحی شده است.

echo

پژواک، انعکاس صدا

echo chamber اتاق پژواک، اتاق بازآوا

فضایی که برای تولید سطوح بالای بازآوایی طراحی شده است.

echoacusia

پژواک شنوایی

ترک ذهنی تکرار صدا پس از قطع آن.

echoic

پژواکی، انعکاسی

مربوط به پژواک.

echoic memory

حافظه انعکاسی

بخشی از سامانه ذخیره حسی که محرک‌های شنوایی را نگاه می‌دارد.

echolalia

پژواک‌گویی

تمایل فرد به تقلید موبه‌موی اصوات گفتاری دیگران که به‌طور طبیعی در طی رشد گفتار و به‌طور غیرطبیعی در بزرگسالان مبتلا به زبان‌پریشی رخ می‌دهد. مترادف:

mimic speech

- echolocation** سویابی پژواکی
تعیین محل یک شیء از راه ارسال صدا و سنجش پژواک آن که در خفاشان به طور طبیعی و در زیردریایی‌ها برای ردیابی سونار (ردیابی و ناوبری آوایی) مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- ECMO** → extracorporeal membrane oxygenation
- ECochG, ECoG** → electrocochleography
- ectoderm** اکتودرم
خارجی‌ترین لایه از سه لایه اولیه جنینی.
- ectodermal dysplasia** دیسپلازی اکتودرمی
اختلال اتوزومی غالب صورتی-اندامی که نشانه‌های آن بدشکلی خاص دست‌ها و پاها به صورت اثبرک‌های خرچنگ، لاله گوش‌های کوچک یا بدشکل، نقص استخوانچه‌ها و کاهش شنوایی انتقالی و حسی عصبی است.
- ectopic** نابجا
قرار گرفتن در محلی غیرطبیعی نظیر پافت نابجای غده بزاقی در گوش میانی.
- EDA** → electrodermal audiometry
- edema** ادم، خیز
تجمع غیرطبیعی مایع در فضاهاى داخل سلولی بدن.
- edematous** ادمی
- education plan, individualized (IEP)**
برنامه تحصیلی فردی
برنامه اجباری دولت فدرال برای آموزش کودکان معلول که سالانه بازبینی می‌شود.
- educational age (EA)** سن آموزشی
سن معادل سطح کلاس دانش‌آموز بر اساس آزمون‌های پیشرفت تحصیلی استاندارد.
- educational audiologist**
شنوایی‌شناس مدارس
شنوایی‌شناسی که به گرایش نیازهای شنوایی کودکان سن مدرسه در محیط آموزشی علاقمند است. این نیازها عبارتند از غربالگری، ارزیابی، پی‌گیری، ارجاع مناسب، مسائل مربوط به اکوستیک کلاس، دستگاه‌های شنوایی کمکی، روش‌های ارتباطی، نیازهای خاص هر کودک و غیره.
- educational audiology**
به audiology مراجعه کنید.
- Educational Audiology Association (EAA)**
انجمن شنوایی‌شناسی آموزشی (EAA)
انجمن حرفه‌ای شنوایی‌شناسان علاقه‌مند به ارائه خدمات ادیولوژیک به مدارس.
- educational quotient (EQ)**
بهره تحصیلی
نسبت سن تحصیلی به سن تقویمی ضرب در

Edward syndrome

۱۰۰. به عبارت دیگر:

$$۱۰۰ \times \frac{\text{سن تقویمی (بر حسب ماه)}}{\text{سن تحصیلی (بر حسب ماه)}} = \text{بهره تحصیلی}$$

نتیجه حاصله به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی تفسیر می‌شود.

Edward syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

EE → external ear

EEA → electroencephalic audiometry

EEE → external ear effect

EEG¹ → electroencephalography

EEG² → electroencephalogram

EENT → eye, ear, nose and throat

EEPROM → electrically erasable programmable read-only memory

effective amplitude

به amplitude مراجعه کنید.

effective gain به gain مراجعه کنید.

effective masking (EM)

به masking مراجعه کنید.

effective sound pressure level

سطح فشار صوتی مؤثر سطحی که دارای شدت کافی برای تولید یک پاسخ خاص است.

effector

عمل‌کننده، اثرکننده

بافت محیطی نظیر عضله یا سلول مویی خارجی که تکانه‌های عصب حرکتی را دریافت می‌کند.

efferent

وابران

مربوط به انتقال راه‌های دستگاه عصبی نزولی از بخش مرکزی به بخش محیطی. متضاد: afferent.

olivocochlear e.

وابران‌های زیتونی حلزونی دستگاه الیاف آوران دسته‌های زیتونی حلزونی.

effusion

ترشح

۱. نشت مایع به داخل بافت یا یک غشاء؛
۲. ماده‌ای که تراوش می‌شود.

middle ear e. (MEE)

گوش میانی مترشحه خروج مایع از دیواره‌های غشایی فضای گوش میانی متعاقب التهاب آن.

mucoid e.

ترشح مخاطی

مایع غلیظ، چسبنده و شبه مخاطی.

purulent e.

ترشح چرکی

مایع محتوی چرک.

serous e.

ترشح سروز

مایع رقیق، آبکی و استریل که از غشاء مخاطی ترشح می‌شود.

eight nerve به نerve مراجعه کنید.

eight nerve tumor تومور عصب هشتم
اصطلاح عام نئوپلاسم عصب هشتم چمچمه‌ای
که غالباً شوانوم حلزونی دهلیزی است. مترادف:
.acoustic tumor

either way, okay (EWOK)

از هر طرف درست است
نوعی مدار سمعک که قطبیت باتری را به‌طور
خودکار تشخیص می‌دهد و در صورتی که
باتری به‌اشتباه جایگذاری شود قطبیت آن را
معکوس می‌کند.

elastic reactance راکتانس کشسان
کاهش ارتعاش‌های فرکانس پایین به دلیل
سختی جسم مرتعش شونده.

elasticity کشسانی
نیروی ذخیره یک ماده که سبب می‌شود اجزای
آن پس از جابجایی به شکل یا محل اصلی
خود بازگردند.

electret microphone
به microphone مراجعه کنید.

electric response audlometry =
evoked response audiometry

electrical field میدان الکتریکی
حوزه فعالیت الکتریکی اطراف منبع.

electrical impedance

امپدانس الکتریکی
مخالفت با جریان الکتریکی که بر حسب اهم
بیان می‌شود.

electrical potential

به potential مراجعه کنید.

electrically evoked action potential

به potential مراجعه کنید.

**electrically evoked auditory brain-
stem response (EABR)**

پاسخ برانگیخته شنوایی ساقه مغز با استفاده
از تحریک الکتریکی
پاسخ شنوایی ساقه مغز که با تحریک الکتریکی
حلزون از طریق الکترود خارج حلزونی دماغه‌ای
یا کاشت حلزون ایجاد می‌شود.

**electrically evoked middle latency
(EMLR)**

پاسخ میان‌رس برانگیخته به روش الکتریکی
پاسخ میان‌رس شنوایی که به‌واسطه تحریک
الکتریکی حلزون با الکترود دماغه‌ای خارج
حلزونی یا کاشت حلزون تولید می‌شود.

electro-oculography (EOG)

الکترواکولوگرافی
ثبت الکتریکی پتانسیل‌های قرنیه‌ای -
شبکیه‌ای مربوط به حرکت چشم که در آزمایش
الکترونستیگموگرافی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

electroacoustic, electroacoustical

electroacoustic, electroacoustical

الکترواکوستیک، الکترواکوستیکی
مربوط به تبدیل محرک الکتریکی به صوتی یا
برعکس.

علم الکترواکوستیک electroacoustics
ترکیب الکتریسیته و صدا. الگوهای انرژی
صوتی به منظور ثبت، نمایش، تجزیه و
تحلیل به الگوهای انرژی الکتریکی تبدیل
می‌شود. به طور مثال میکروفن انرژی صوتی
را به انرژی الکتریکی تبدیل می‌کند در حالی
که بلندگو انرژی الکتریکی را به صوتی تبدیل
می‌نماید.

electroacoustic analysis

تجزیه و تحلیل الکترواکوستیک
اندازه‌گیری الکترونیکی پارامترهای مختلف
خروجی صوتی سمعک.

electrocardiographic response
audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

electrocochleogram الکتروکوکلوگرام

برگه نمودار پتانسیل‌های برانگیخته که توسط
الکتروکوکلوگرافی به دست آمده‌اند.

electrocochleography (ECochG,
ECoG)

الکتروکوکلوگرافی
روش ثبت پتانسیل‌های برانگیخته گذرای
شنوایی از حلزون و عصب هشتم جمجمه‌ای

شامل پتانسیل‌های میکروفنی حلزون، تجمعی
و عمل مرکب توسط الکتروود دماغه‌ای یا
الکتروود مجرای گوش.

electrocutaneous stimulation =
electrotactile stimulation

الکتروود electrode

پایانه یا صفحه فلزی ویژه‌ای که از طریق آن
انرژی الکتریکی بدن اندازه‌گیری شده یا به آن
ارسال می‌شود.

الکتروود فعال active e.

۱. الکتروودی که به ولتاژ مثبت، طرف مستقیم
تقویت‌کننده افتراقی، اتصال می‌یابد؛ ۲. الکتروود
فرق سر در ثبت متعارف پاسخ‌های شنوایی ساقه
مغز.

الکتروود دوقطبی bipolar e.

ارایش الکتروود دارای دو قطب که برای ثبت یا
ارائه محرک الکتریکی فعال است.

الکتروود مشترک common e.

در ارزیابی‌های الکتروفیزیولوژیک، الکتروودی
است که بیمار را به زمین مرتبط می‌کند.

Cz e. = vertex electrode

earth e. = common electrode

ground e. = common electrode

inverting e. الکتروود معکوس

۱. الکتروودی که به آن سمت از تقویت کننده تفاضلی که ورودی را ۱۸۰ درجه تغییر می دهد متصل می شود؛ ۲. الکتروود نرمه گوش یا مرجع در ثبت متعارف پاسخ شنوایی ساقه مغز.

monopolar e. الکتروود یک قطبی

الکتروودی با یک قطب که برای ثبت یا ارائه محرک های الکتریکی فعال است.

noninverting e. الکتروود غیر معکوس

۱. الکتروودی که به سمت ولتاژ مثبت تقویت کننده تفاضلی که ورودی را تغییر نمی دهد متصل می شود؛ ۲. الکتروود فرق سر یا فعال در ثبت متعارف پاسخ شنوایی ساقه مغز.

reference e. الکتروود مرجع

۱. الکتروود معکوس که به آن سمت از تقویت کننده تفاضلی که ورودی را ۱۸۰ درجه تغییر می دهد متصل می شود؛ ۲. الکتروود نرمه گوش در ثبت متعارف پاسخ شنوایی ساقه مغز.

scalp e. الکتروود پوست سر

الکتروود سطحی غیر تهاجمی که توسط خمیر یا ژل هادی به پوست سر متصل می شود.

surface e. الکتروود سطحی

الکتروود غیر تهاجمی که با خمیر یا ژل هادی به پوست متصل می شود.

transtympanic e.

الکتروود صماخ گذر، الکتروود تراصماخی الکتروود سوزنی که با گذر از پرده صماخ روی

دماغه محفوظه گوش میانی جای می گیرد و به عنوان الکتروود ثبت کننده در الکتروود کولتوگرافی و الکتروود تحریک کننده در آزمایش دماغه ای به کار می رود.

vertex e. الکتروود فرق سر

۱. الکتروودی که در بالا و مرکز سر نصب می شود؛ ۲. الکتروود غیر معکوس یا فعال در ثبت متعارف پاسخ شنوایی ساقه مغز. مترادف:

Cz electrode

electrode location محل الکتروود

جای گذاری الکتروود در آزمایش پتانسیل های برانگیخته شنوایی که معمولاً بر اساس نظام الکتروود گذاری بین المللی ۲۰-۱۰ انجام می شود و شامل نرمه های گوش چپ (A1) و راست (A2)، فرق سر (Cz) و پیشانی (Fpz) است.

Electrode System, 10-20 International**نظام الکتروود گذاری بین المللی ۲۰-۱۰**

نظام قراردادی معرف محل الکتروودها روی پوست سر در ارزیابی پتانسیل های برانگیخته به دلیل این که هر الکتروود ۱۰٪ یا ۲۰٪ فاصله بین نقاط فازیون (نقطه میانی درز پیشانی بینی)، برجستگی استخوان پس سری و پشت گوشی راست و چپ است.

electrodermal audiometry (EDA)

به audiometry مراجعه کنید.

electroencephalic audiometry

به audiometry مراجعه کنید. (EEA)



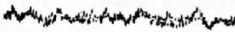
Normal alpha waves

14/6 positive spikes



6 Hz positive spikes

6 Hz positive spike-waves



Fast waves



Negative spikes



Diphasic spikes



Negative spike-waves



Notched waves



Slow waves

Electroencephalograms

electroencephalogram (EEG)

الکتروانسفالوگرام

نموداری که از طریق الکتروانسفالوگرافی به دست می‌آید.

electroencephalograph

الکتروانسفالوگراف

ابزاری که برای ثبت پتانسیل‌های الکتریکی

مغز از طریق الکترودهایی که روی پوست سر نصب شده‌اند به کار می‌رود.

electroencephalography (EEG)

الکتروانسفالوگرافی

ثبت پتانسیل‌های الکتریکی مغز از طریق الکترودهای پوست سر.

electrolyte الکترولیت
محلولی که جریان الکتریکی را انتقال دهد و توسط آن تجزیه شود.

electromagnetic field

میدان الکترومغناطیسی
حوزه‌ای است که در آن تغییرات تناوبی سریع در میدان الکتریکی تغییرات مغناطیسی ایجاد می‌کند. این تغییرات می‌توانند توسط حلقه‌های القایی نظیر حلقه‌های القای سمعک انتقال یابند.

به wave مراجعه کنید. **electromagnetic**

electromechanical transducer

مبدل الکترومکانیکی
وسیله‌ای نظیر ارتعاشگر استخوانی که برای تبدیل انرژی الکتریکی به مکانیکی طراحی شده است.

electromotility خودجنبشی الکتریکی

در شنوایی به تغییرات طول سلول‌های مویی خارجی در پاسخ به محرک الکتریکی اطلاق می‌گردد.

electromotive force (EMF)

نیروی محرکه الکتریکی
اختلاف فشار یا پتانسیل که جریان الکتریکی ایجاد می‌کند و بر حسب ولت اندازه‌گیری می‌شود. علامت آن \mathcal{E} است.

electromyography (EMG)

ثبت فعالیت الکتریکی عضلات، الکترومیو-گرافی

electronic erasable programmable read-only memory (EEPROM)

حافظه رایانه‌ای خواندنی قابل برنامه‌ریزی که به طریقه الکتریکی پاک می‌شود و در بسیاری از وسایل شنوایی برای ذخیره منحنی‌های الکترواکوستیک به کار می‌رود.

electronystagmograph

دستگاه الکترونیستاگموگراف
ابزاری که برای ثبت حرکات چشم در طی الکترونیستاگموگرافی طراحی شده است.

electronystagmography (ENG)

الکترونیستاگموگرافی
روشی برای اندازه‌گیری حرکات چشم به‌ویژه نیستاگموس از طریق الکترواکولوگرافی برای ارزیابی یکپارچگی و سلامت دستگاه دهلیزی.

electrophonic effect

اثر صدای الکتریکی
اثر الکتروفونی احساس شنیدن در نتیجه عبور جریان الکتریکی متناوب از بدن.

electrophysiologic response audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

electrostatic مربوط به الکتروسیسته ساکن

electrostatic microphone

به microphone مراجعه کنید.

electrotactile stimulation

تحریک الکتریکی لامسه‌ای
در سمعک‌های لامسه‌ای روشی است که در

elevated threshold

آن محرک صوتی به شکل جریان الکتریکی به پوست ارائه می‌شود. این روش جایگزین تحریک ارتعاشی لامسه‌ای محسوب می‌شود. مترادف: electrocutaneous stimulation.

elevated threshold

به threshold مراجعه کنید.

elliptical recess فرورفتگی بیضی
حفره کوچکی در دهلیز که اتریکول در آن قرار می‌گیرد.

EM¹ → effective masking

EM² → environmental microphone

embolism آمبولی، آمبولیسم، رگ‌بستی
انسداد یا گرفتگی رگ خونی به وسیله لخته خون یا توده متحرک.

embolus آمبولوس، رگ‌بست
لخته‌ای که رگ را مسدود می‌کند.

embryo رویان
در انسان به موجود زنده متولد نشده‌ای اطلاق می‌گردد که در دوران رشد سریع خود است که از حدود دو هفته پس از لقاح تا پایان هفته هفتم یا هشتم بارداری به طول می‌انجامد.
fetus
ر.ک:

embryonal rhabdomyosarcoma

رابدومیوسارکوم رویانی
نئوپلاسم بد خیم عضلات مختلط در خردسالان

که از سلول‌های مزانشیمی اولیه مشتق می‌شود و در بسیاری از قسمت‌های بدن از جمله گوش میانی بروز می‌کند و با خونریزی یا تخلیه چرک از گوش همراه است.

embryonic رویانی، جنینی
مربوط به رویان یا مرحله اولیه رشد.

EMF → electromotive force

EMG → electromyography

eminence برآمدگی
بخش برجسته روی سطح استخوان.

emission ۱. گسیل، انتشار، تخلیه
۲. گسیل صوتی گوش با منشأ حلزونی.

otoacoustic e. (OAE)

گسیل صوتی گوش
صدایی با شدت کم که خودبه‌خود یا به صورت پژواک یا سایر اصوات پیرانگیخته توسط تحریک شنوایی از حلزون منتشر می‌شود و به عملکرد سلول‌های مویی خارجی حلزون مربوط است.

EMLR → electrically evoked middle latency response

empyema of mastoid آمپیم ماستوئید
نوعی التهاب حاد ماستوئید که ویژگی آن وجود چرک در فضای ماستوئید است.

encephalic

endolymph

encephalic

مغزی
مربوط به مغز.

endaural

درون گوش
داخل گوش که معمولاً به داخل مجرای خارجی
شنوایی اطلاق می‌گردد.

encephalitis

التهاب مغز، آنسفالیت
التهاب مغز به ویژه با منشأ ویروسی.

endemic

بومی، آندمیک
بیماری یا شرایطی که در یک منطقه یا بین
گروهی از افراد به طور دائم شایع باشد.

encephalogram

آنسفالوگرام
نموداری که از طریق آنسفالوگرافی ثبت
می‌شود.

endemic cretinism

کر تینیسم بومی
نوعی کم‌کاری مادرزادی غده تیروئید که از
نقص رشد تیروئید در طی بارداری ناشی
می‌شود و غالباً با عقب ماندگی رشدی، ذهنی و
کاهش شنوایی حسی عصبی همراه است.

encephalography

آنسفالوگرافی
تصویربرداری از مغز به روش پرتونگاری.

endocochlear potential

به potential مراجعه کنید.

encephalomyelitis

آنسفالومیالیت، التهاب حاد مغز و نخاع

endoderm

آندودرم
درونی ترین لایه از سه لایه اولیه جنینی.

encephalon

مغز

encephalopathy

آنسفالوپاتی
هر نوع بیماری مغز.

endogenous

درون‌زاد، آندوژنی
ناشی یا حاصل از درون موجود زنده یا یکی از
بخش‌های آن.

encoding

رمزگذاری
فرآیند دریافت و ثبت اطلاعات به شکل
مختصر از طریق دستگاه شنوایی.

endogenous opioid peptides

پپتیدهای شبه‌تریاک آندوژنی
واسطه‌های شیمیایی موجود در حلزون نظیر
آنکفالین و داینورفین که اعمال مختلفی روی
دستگاه عصبی انجام می‌دهند.

endorgan

اندام انتهایی
۱. ساختمان پایانه ایاف عصبی.
۲. سلول‌های مویی اندام کرتی.

endolymph

آندولنف
مایع موجود در نردبان میانی که غلظت پتاسیم

end plate

صفحه انتهایی
پایانه پیچیده ایاف عصبی حرکتی در محل
تلاقی آن با بافت عضلانی.

endolymphatic duct

آن زیاد و سدیم آن کم است و اطراف ساختمان‌های ژلاتینی لایبرنت غشائی در جریان است.

endolymphatic duct

مجرای آندولنفاتیک
مجربایی در قنات دهلیزی که آندولنف را بین ساک آندولنفاتیک و اتریکول و ساکول لایبرنت غشائی حمل می‌کند.

endolymphatic fistula

فیستول آندولنفاتیک
پارگی التیام نیافته مجرای حلزونی.

endolymphatic hydrops

هیدروپس آندولنفاتیک
تجمع بیش از حد آندولنف در لایبرنت حلزونی و دهلیزی که به کاهش شنوایی حسی عصبی موج، سرگیجه، وزوز و احساس پری منجر می‌شود. مترادف: Ménière's syndrome.

contralateral delayed e.h.

هیدروپس آندولنفاتیک تأخیر یافته دگرسویی
هیدروپس آندولنفاتیک که در طی دو مرحله رخ می‌دهد ابتدا کاهش شنوایی عمیق در یک گوش و در پی آن کاهش شنوایی موج و سرگیجه‌های دوردای در گوشی که قبلاً از نظر شنوایی طبیعی بوده است.

ipsilateral delayed e.h.

هیدروپس آندولنفی تأخیر یافته همانسویی
هیدروپس آندولنفی که در دو مرحله رخ می‌دهد.

ابتدا کاهش شنوایی عمیق در یک گوش سپس ایجاد سرگیجه دوره‌ای در همان گوش.

endolymphatic potential

به potential مراجعه کنید.

ساک آندولنفاتیک
بخش ساکی شکل لایبرنت غشائی که از طریق مجرای آندولنفاتیک به آن مرتبط می‌گردد و تصور می‌شود مسئول جذب آندولنف است.

endolymphatic shunt

شنت آندولنفاتیک
روش جراحی که به منظور ایجاد سوراخ در لایبرنت غشائی برای از بین بردن هیدروپس آندولنفاتیک ابداع شده است.

endolymphatic space

فضای آندولنفاتیک
مجرای میانی از سه مجرای حلزونی که محتوی آندولنف و اندام کرتی است. مترادف: scala media

endomastoiditis

التهاب داخل فضای ماستوئید.

endorphine

آندورفین
هر نوع واسطه شیمیایی از نوع پای پپتید شبه تریاکی که در مغز یافت می‌شود.

endosalpingitis

التهاب لایه داخلی لوله استاش.

endoscope آندوسکوپ
ابزاری که برای معاینه داخل یک مجرا یا اندام داخلی ساخته شده است.

endoscopy آندوسکپی
معاینه داخل مجرا یا اندام داخلی توسط آندوسکوپ.

endothellum آندوتلیوم
لایه‌ای از سلول‌های سنگفرشی که فضاهای داخلی بدن را مفروش می‌کند.

ENG → electronystagmography

Engelmann syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

engineering noise control

کنترل مهندسی نویز
کاهش مواجهه با نویز از طریق کنترل نویز محل کار در منبع یا قطع صدای حاصل از ماشین‌آلات تولیدکننده نویز. رک:

administrative noise control

enkephalin آنکفالین
واسطه شیمیایی از نوع پپتیدهای شبه تریاکی آندوژنی که در حلزون وجود دارند.

ENT ear, nose and throat

گوش، گلو و بینی

ENT physician پزشک گوش، گلو و بینی
متخصص تشخیص و درمان بیماری‌های گوش،

گلو و بینی. مترادف:
otorhinolaryngologist, otolaryngologist

entoderm آندودرم

envelope پوش
در علم اکوستیک نمایش شکل موج به صورت منحنی صافی است که از به هم پیوستن قله‌های توابع نوسانی به دست آمده است.

environmental microphone (EM)

به microphone مراجعه کنید.

EOAE → evoked otoacoustic emission

EOG → electro-oculography

EP¹ → endocochlear potential

EP² → evoked potential

epicanthal fold چین اپی‌کانتوسی

چین عمودی روی پوست که از ریشه بینی تا زاویه داخلی چشم امتداد دارد.

epidemic parotitis

التهاب همدگیر غده بناگوشی، پاروتیت
اپیدمیک

بیماری ویروسی واگیردار سیستمیک که نشانه‌های آن بزرگ شدن دردناک غدد بناگوشی، تب، سردرد، کسالت و کاهش

epidemiology

شنوایی حسی عصبی عمیق یک طرفه، دائمی و ناگهانی است. مترادف: mumps, parotitis.

epidemiology

همه‌گیرشناسی، اپیدمیولوژی
مطالعه بیماری و عوامل مؤثر بر وجود آن در یک جمعیت.

epidermoid

اپیدرموئید، روپوستی
کلستاتوم یا سایر تومورهای کیستی که از سلول‌های نابجای پوست منشأ گرفته باشند.

epidermoid carcinoma

کارسینوم اپیدرموئید
نئوپلاسم سرطانی لاله گوش، مجرای شنوایی خارجی، گوش میانی و یا ماستوئید.

epidermoid cyst

کیست اپیدرموئید
اصطلاح قبلی کاستاتوم که معرف توده شبه تومور بافت پوششی سنگفرشی و کلسترول در گوش میانی است.

epilepsy

صرع
اختلال مزمنی که ویژگی آن حمله‌های اختلال عملکرد مغز و تا حدی تغییر هوشیاری است. این حمله‌ها امکان دارد به آسیب مختصر یا شدید رفتار (صرع کوچک) محدود باشند یا ممکن است تا حد تشنج عمومی (صرع بزرگ) پیشرفت کنند.

epineurium

غلاف همبند عصب، اپی‌نوریوم
بافت همبند که تنه عصب را می‌پوشاند.

epiphenomenon

پدیده استثنایی و غیراساسی
علامت یا پیامد ثانویه غیرمعمول که لزوماً یا شرایطی که همراه آن است ارتباط ندارد.

episodic

دوره‌ای، گاهگاهی، وقوع حاد و مکرر

epithelia, sensory

بافت‌های پوششی حسی
در گوش به سلول‌های حسی و نگهدارنده اندام کتری در حلزون، ستیغ‌های آمپولی در مجاری نیم‌دایره‌ها و ماکول‌ها در اتریکول و ساکول اطلاق می‌گردد.

epithelial

مربوط به بافت پوششی

epithelium; pl. epithelia

بافت پوششی
لایه سلولی فاقد عروق خونی که پوست غشاء مخاطی را می‌پوشاند.

epitympanic

فوق‌صماخی
بالای پرده صماخ.

epitympanic recess

خرد فوق‌صماخی
بخشی از محفظه گوش میانی که بالای پرده صماخ واقع شده است و حاوی سر استخوانچه چکشی و تنه استخوانچه سندانسی است.
مترادف: attic.

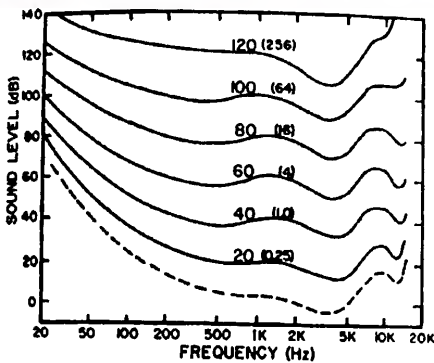
epitympanum

فوق‌صماخ
بخش بالایی محفظه گوش میانی.

EQ → educational quotient

equal loudness contour

منحنی بلندی یکسان
منحنی سطح بلندی که نشان‌دهنده مقادیر
فشار صوتی لازم برای تولید یک بلندی معین
در محدوده فرکانسی افراد دارای شنوایی
طبیعی در سطوح مختلف فوق می‌باشد.
مترادف: Fletcher-Munson curves.



equal loudness contour

equalization

یکسان‌سازی

در اندازه‌گیری‌های میکروفن جستجوگر، به
فرآیند یکسان کردن سطح فشار صوتی
خروجی کلیه فرکانس‌ها در محیط صوتی
اطلاق می‌شود.

equilibrium

تعادل

وضعیت ایستا یا پویای حفظ توازن کامل بین
دو نیروی مخالف، به‌طور مثال در انسان حس
توازن به گیرنده‌های مجاری نیم‌دایره در گوش
داخلی بستگی دارد.

equipotentiality

هم‌پتانسیلی

توانایی ظهور یا تأثیر با مقدار یکسان و در
یک جهت.

equivalent input noise level

سطح معادل نویز ورودی
مقدار نویز داخلی که توسط سمعک تولید
می‌شود.

equivalent level (Leq)

سطح معادل

اندازه‌گیری صدایی که در طول زمان تغییر
می‌کند بر حسب میانگین انرژی در زمان که
نشان‌دهنده انرژی صوتی کلی در یک دوره
زمانی معین، مانند اینکه صدا بدون تغییر
باشد، است. مترادف: equivalent level.

day/night e.q.

سطح معادل روز / شب

در تجزیه و تحلیل مواجهه با صدا، توصیفی از
مزامت صدا است که بین ساعات ساکت‌تر
شب و ساعات شلوغ‌تر روز افتراق قائل می‌شود
به این نحو که مزامت بیشتر را به ساعت‌های
ساکت‌تر نسبت می‌دهد.

equivalent sound level (Leq) =

equivalent level

equivalent volume

حجم صدای معادل

در اندازه‌گیری ایمیتانس تبدیل تغییرات سطح
فشار صوتی تن جستجوگر (پروپ) به تغییرات
حجمی است برای این که افزایش در SPL به
صورت کاهش حجم معادل در یک محفظه
دید شود و کاهش در SPL به صورت افزایش
در حجم معادل تظاهر نماید.

ERA → electric, electrophysiologic
or evoked response audiometry

ER-3A Insert earphones → Etymotic
Research insert earphones

erg **اِرِگ**
واحد انرژی که مساوی است با مقدار کاری که
توسط ۱ دین در فاصله ۱ سانتی متر انجام شود.

erosive **فرساینده**
دارای خاصیت فرسایش یا از بین بردن.

ERP → event-related potential

erysipelas **پاد سرخ**
بیماری التهابی حاد پوست که می تواند بر
گوش خارجی تأثیر گذارد.

erythema **سرخی، اریتم، قرمزی**
سرخی التهابی پوست به دلیل اتساع عروق.

erythroblastosis fetalis

اریتروبلاستوز جنینی
مقدار زیاد و غیرطبیعی بیلی روبین در خون
هنگام تولد که عامل خطر برای ابتلا به کاهش
شنوایی حسی عصبی محسوب می شود.
مترادف: hyperbilirubinemia.

ESP → Early Speech Perception test

ET → eustachian tube

et al **و سایرین، و همکاران**

ETD → eustachian tube dysfunction

ethacrynic acid **اتاکرینیک اسید**
داروی مدر حلقه‌ای سم گوش که برای درمان
ادم ناشی از بیماری‌های قلبی یا کلیوی و به
عنوان عامل ضد فشارخون مصرف می شود که
می تواند سبب کاهش شنوایی حسی عصبی
برگشت پذیر یا دائمی شود.

etiologic **علت‌شناختی**
مربوط به علت یک بیماری یا وضعیت.

etiology **علت‌شناسی**
مطالعه علل یک بیماری یا وضعیت.

Etymotic Applied Research Plugs
(EAR plugs)

نوبی‌های پژوهشی - کاربرد اشتقاقی
گوشی‌های داخلی که برای کاهش سطوح
بیش از حد نویز از مواد منبسط‌شونده ساخته
شده‌اند.

Etymotic Research (ER-3A) Insert
earphones

گوشی‌های داخلی ER-3A، گوشی‌های داخلی
اشتقاقی پژوهشی

eust. → eustachian

eustachian salpingitis

التهاب لوله استاش

eustachian tube (ET) **لوله استاش**
راهی که از حلق بینی به گوش میانی منتهی

می شود و برای متعادل کردن فشار هوای گوش میانی باز می گردد. مترادف: auditory tube.

patulous e.t. لوله استنشاز باز
باز بودن غیر طبیعی لوله استنشاز که به احساس گرفتگی، اتوفونی، وزوز گوش و شنیدن صداهای تنفسی منجر می شود.

eustachian tube dysfunction (ETD)

اختلال عملکرد لوله استنشاز
ضعف لوله استنشاز برای باز شدن که معمولاً به دلیل ادم حلق بینی است.

evaluation

ارزیابی تشخیصی برای مشخص کردن ماهیت و میزان اختلال.

hearing aid e. (HAE)

ارزیابی سمعک
روند انتخاب سمعک مناسب برای فرد بر مبنای اندازه گیری مشخصات اکوستیکی تقویت کننده و درک صدای تقویت شده توسط فرد.

event, frequent تحریک مکرر

در اندازه گیری پتانسیل وابسته به تحریک به تحریکی که بیشتر اوقات رخ می دهد اطلاق می گردد.

event, rare تحریک نادر

در اندازه گیری پتانسیل وابسته به تحریک به محرک مورد نظر که کمتر رخ می دهد اطلاق می گردد.

event-related potential (ERP)
به potential مراجعه کنید.

evoked otoacoustic emission (EOAE)
به otoacoustic emission مراجعه کنید.

evoked potential (EP)
به potential مراجعه کنید.

evoked response audiometry (ERA)
به audiometry مراجعه کنید.

Ewald's laws قوانین ایوالد
بر اساس قوانین ایوالد حرکت چشم ها و سر در جهت آندولنف است. در مجرای نیم دایره خارجی جریان آمپول گرا و در مجاری نیم دایره فوقانی و خلفی جریان آمپول گریز موجب تحریک شدیدتری می شوند.

EWOK → either way, okay

exacerbation وخامت
شدیدتر شدن شرایط موجود

exceedance level سطح بیش از حد
اندازه گیری ضربه وارده بر محیط صوتی مربوط به نویز صنعتی که به صورت درصد زمانی که طی آن صدا در یک محیط معین از حد مشخصی تجاوز می نماید، بیان می شود.

excise بریدن و برداشتن، قطع کردن
برداشت عضو یا جسم خارجی از طریق جراحی.

excitation pattern

الگوی تحریکی
excitation pattern
الگوی فعالیت عصبی مانند تابع فرکانس در کلیه نوروها که توسط صوت دارای فرکانس و شدت معینی برانگیخته می شود.

برونزا، اگزوزنی
exogenous
دارای منشأ غیر از عوامل مادرزادی یا ارثی، به عبارت دیگر عوامل خارج از موجود زنده. متضاد: endogenous.

اگزوستوز
exostosis; pl. exostoses
گره استخوانی سخت و مدور که معمولاً دو طرفه و متعدد است. از بخش استخوانی مجرای خارجی شنوایی منشأ می گیرد. در اثر تماس زیاد با آب سرد ایجاد می شود و غالباً در شناگران یا موج سواران مشاهده می گردد.

۱. انبساط؛ ۲. اتساع؛
expansion
۳. توسعه، کشش؛ ۴. بسط.
در مداربندی سمعک به افزایش محدوده تغییرات خروجی در مقایسه با ورودی اطلاق می گردد. متضاد: compression.
۵. پهنه، گستره، عرصه

expectancy wave (E wave)

موج مورد انتظار، موج E
پتانسیل وابسته به تحریک که بین یک محرک هشداردهنده و یک محرک اجباری در صورت آمادگی برای پاسخ رخ می دهد.

experimental audiology

به audiology مراجعه کنید.

نما، توان
exponent
نمادی عددی که مبین تعداد دفعاتی است که از یک مبنا به عنوان یک عامل استفاده می شود.

مواجهه با نویز
exposure, noise
شدت ومدت نویزی که فرد در معرض آن قرار دارد.

exposure limits, permissible

محدوده مجاز مواجهه
بالاترین سطح شدت بر حسب دسی بل که کارکنان با توجه به دستورالعمل ایمنی کار می توانند در مدت زمان مشخصی در معرض آن باشند.

experimentally delayed auditory feedback = delayed auditory feedback

extended high-frequency audiometer
به audiometer مراجعه کنید.

extended-range earmold

به earmold مراجعه کنید.

extended receiver tubing

افزایش طول لوله گوشی مینیاتوری (رسیور) بندتر کردن لوله گوشی مینیاتوری خارج از بدنه سمعک به منظور کاهش بازخورد و جلوگیری از انباشته شدن جرم گوش.

external

خارجی، به سمت خارج

external acoustic meatus = external auditory meatus

external auditory canal (EAC)

external auditory canal (EAC) =
external auditory meatus

external auditory meatus (EAM)

مجرای خارجی شنوایی
مجرای که از لاله گوش تا پرده صماخ امتداد
یافته است.

external canal = external auditory
meatus

external ear به ear مراجعه کنید

external ear effect (EEE)

اثر گوش خارجی
تأثیر ساختمان گوش خارجی بر مشخصات
صوتی صداها یی که به پرده صماخ می‌رسند.

external noise به noise مراجعه کنید.

external otitis

التهاب گوش خارجی، اوتیت خارجی
التهاب پوست مجرای خارجی شنوایی

acute circumscribed e.o.

التهاب حاد و محدود گوش خارجی
ضایعه کورکی قرمز که فولیکول مو را در بر
می‌گیرد و معمولاً از عفونت استافیلوکوکسی در
هوای گرم و مرطوب ناشی می‌شود. مترادف:
furunculosis

acute diffuse e.o.

التهاب حاد و منتشر گوش خارجی
ضایعه التهابی، منتشر و مترشحه پوست

external vent

مجرای خارجی گوش که از عفونت باکتری‌های
گرم منفی در هوای گرم و مرطوب ناشی می‌شود
و غالباً به دنبال شنا آغاز می‌گردد. اصطلاح
عامیانه: swimmer's ear.

chronic diffuse e.o.

التهاب منتشر مزمن گوش خارجی
التهاب مجرای خارجی شنوایی که نشانه‌های
آن خارش و پوسته‌پوسته شدن مداوم یا
عودکننده و یا درماتیت دردناک ناشی از
عفونت باکتریایی است.

malignant e.o.

التهاب بدخیم گوش خارجی، اوتیت خارجی
بدخیم
التهاب شدید باکتریایی استخوان گیجگاهی
که به صورت زخم کانونی در مجرای شنوایی
خارجی شروع می‌شود و ممکن است از طریق
پرده صماخ تا گوش میانی و بافت نرم فضای
ماستوئید گسترش یابد.

external otitis media

نامگذاری نادرست اوتیت خارجی

external radiating arterioles

مویرگ‌های تشعشعی خارجی
شاخه‌ای از شریان حلزونی اصلی که با تقسیمات
خود شبکه مویرگی تغذیه کننده نردبان دهلیزی و
غشاء رایسنر، نوار عروقی، برآمدگی ماریچی و
رباط ماریچی را می‌سازد.

external vent

منفذ خارجی
نوعی منفذ قالب که به شکل یک مجرای

extirpation

خارجی به موازات بخش کانال تا بدنه قالب تعبیه می‌شود.

extirpation

قطع کامل یا انهدام قسمتی از بدن.

extra-axial

برون محوری

خارج از ساقه مغز. متضاد: intra-axial.

extra-axial tumor

تومور برون محوری

ضایعه‌ای که منشأ آن خارج از ساقه مغز باشد نظیر شوانوم حلزونی دهلیزی.

extracorporeal membrane oxygenation (ECMO)

اکسیژن‌رسانی غشاء خارج بدنی روشی است برای تقویت تنفسی نوزادان در خطر و در آن خون در یک دستگاه مصنوعی ریه به گردش درمی‌آید. این دستگاه دارای دو قسمت است که توسط یک غشاء نفوذپذیر به گاز از هم جدا می‌شوند و در یک طرف آن خون و در طرف دیگر گاز تهویه‌ای وجود دارد.

به noise مراجعه کنید. extraneous noise

extraocular muscles

به muscle مراجعه کنید.

extratympanic manometry

سنجش فشار خارج صماخی

روش اولیه اندازه‌گیری تغییرات فشار در مجرای خارجی شنوایی برای پایش رفلکس صوتی عضله رکابی.

extreme hearing loss = profound hearing loss

extrinsic

خارجی، بیرونی

دارای منشأ بیرونی. متضاد: interinsic.

extrinsic redundancy

حشو خارجی

در شنوایی سنجی گفتاری به وفور اطلاعات موجود در محرک گفتاری اطلاق می‌شود. متضاد: interinsic redundancy.

exudate

تراوش، اگزودا

eye, ear, nose and throat (EENT)

چشم، گوش، گلو و بینی

اصطلاح قبلی که به پزشکان متخصص تشخیص و درمان بیماری‌های چشم، گوش، بینی و گلو اطلاق می‌گردید.

eye speed, vestibular (VES)

سرعت دهلیزی چشم

اندازدگیری نیستاگموس بر حسب فاز کند. مترادف: slow phase velocity.

eyeglass hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

facial-hypoglossal anastomosis

آناستوموز اعصاب صورتی-زیرزبانی
روش جراحی که پس از فلج عصب صورتی
برای عصب‌دهی مجدد آن انجام می‌شود.

به nerve مراجعه کنید. facial nerve

facial nerve monitoring

پایش عصب صورتی
پایش عملکرد عصب هفتم از طریق
الکترومیوگرافی در حین عمل جراحی که به
عنوان منبع هشدار در صورت تحریک عصب
هفتم در طی جراحی انجام می‌شود.

facial nerve palsy = facial palsy

facial nerve paralysis = facial para-
lysis

بی‌حسی عصب صورتی facial numbness
وجود حس خاصی در صورت به دلیل آسیب به
درک از طریق پوست که با اختلال عصب
صورتی همراه است.

facial palsy

فلج کامل یا خفیف عصب صورتی

Infrachordal f.p.

فلج تحت طنابی عصب صورتی
فلج کامل یا خفیف عصب صورتی به دلیل
ضایعه‌ای که پایین‌تر از شاخه طناب صماخی
واقع شده است. در این صورت حس چشایی،
ریزش اشک یا رفلکس رکابی صدمه نمی‌بینند.

Infrastapedial f.p.

فلج تحت رکابی عصب صورتی
فلج کامل یا خفیف عصب صورتی به دلیل
ضایعه‌ای که بین شاخه طناب صماخی و
عصب عضله رکابی واقع شده است. در این
صورت حس چشایی آسیب می‌بیند اما پر
رفلکس رکابی یا ریزش اشک تأثیری ندارد.

suprageniculate f.p.

فلج فوق‌زانویی عصب صورتی
فلج کامل یا خفیف عصب صورتی به دلیل
ضایعه‌ای که بین عقده زانویی و هسته حرکتی
واقع شده است. در این صورت به حس
چشایی، ریزش اشک و رفلکس رکابی آسیب
وارد می‌شود.

suprastapedial f.p.

فلج فوق‌رکابی عصب صورتی
فلج کامل یا خفیف عصب صورتی به دلیل
ضایعه‌ای که بین عصب عضله رکابی و عقده
زانویی واقع شده است. در این صورت حس
چشایی و رفلکس رکابی آسیب می‌بیند اما
ریزش اشک تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد.

فلج عصب صورتی facial paralysis

ندم حرکت ارادی صورت به دلیل اختلال
نصب صورتی. مترادف: Bell's palsy.

facial paresis

فلج خفیف یا ناقص عصب صورتی
حرکت جزئی یا ناقص ارادی صورت به دلیل
اختلال عصب صورتی.

facial weakness ضعف عصب صورتی
ضعف صورت به دلیل اختلال عصب صورتی.

facilitation

۱. تسهیل؛ پیشرفت یا تسریع هر نوع فرآیند طبیعی. عکس مهار؛ ۲. در نوروفیزیولوژی، اثر تکانه عصبی بر سیناپس که سبب افزایش پتانسیل عمل پس سیناپسی تکانه‌های بعدی همان عصب یا رشته‌های عصبی دیگر می‌شود.

facilitation of resonance

تسهیل تشدید
ارتعاش هر نوع ساختار مولد صدا که به دلیل واکنش اتاقک تشدید ادامه می‌یابد.

FACP → Fellow of the American
College of Physicians

FACS → Fellow of the American
College of Surgeon

factor عامل، فاکتور
عامل یا عنصری که در به وجود آمدن نتیجه‌ای دخالت داشته باشد.

frequency f. = utilization f.

risk f. عوامل خطر
عوامل بهداشتی، محیطی و مربوط به نحوه زندگی که احتمال ابتلا یا گسترش بیماری یا اختلال خاصی را افزایش می‌دهد.

utilization f. عوامل کاربردی

عوامل همه گیر شناختی یک جمعیت معین که بر استفاده از خدمات بهداشتی تأثیر می‌گذارند.

fading-numbers test

آزمایش کاهش تدریجی اعداد
آزمایش قدیمی گروهی شنوایی که در آن جفت‌های اعداد یک‌رقمی در سطوح شدتی که به تدریج کاهش می‌یافتند از طریق گرامافون ارائه می‌شد.

failure-of-fixation test

آزمایش عدم تثبیت
زیرآزمایش تحریک حرارتی الکترونیستارگموگرافی که تقریباً ۹۰ ثانیه بعد از آغاز تحریک انجام شده و در طی آن نیستارگموس یا چشمان بسته و باز اندازه‌گیری و مقایسه می‌شود. نتیجه حاصله به عنوان شاخص تثبیت بیان می‌گردد.

faint-speech test آزمایش گفتار ضعیف

روش اولیه بازشناسی واژه که واژه‌های تک‌هجایی هدف در سطوح ۵ تا ۱۵ دسی‌بل SL ارائه می‌شود.

fall time زمان افت

مدت زمانی که لازم است محرک ورودی تا درصد خاصی از حداکثر دامنه خود کاهش یابد.
متضاد: rise time.

falling audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

fallopian aqueduct

fallopian aqueduct قنات فالوپ
مجرای استخوانی در دیواره داخلی محفظه گوش میانی که عصب صورتی از آن عبور می‌کند. مترادف: facial canal.

fallopian canal = fallopian aqueduct

false-alarm rate

میزان مثبت کاذب، درصد مثبت کاذب درصد دفعاتی که یک آزمایش تشخیصی با وجود فقدان ضایعه مثبت باشد. متضاد: hit rate.

false fundus ته کاذب

غشائی که متعاقب التهاب مزمن در مجرای خارجی گوش جلوتر از پرده صماخ تشکیل می‌شود.

false negative (FN; F_{neg}) منفی کاذب

نتیجه آزمایشی که عدم بیماری یا شرایطی را نشان می‌دهد در حالی که در واقع آن بیماری یا شرایط موجود است.

false-negative response

پاسخ منفی کاذب
در شنوایی‌سنجی عدم پاسخ به ارائه محرک قابل شنیدن.

false paracusis فراشنوایی کاذب

بهبود آشکار شنوایی در محیط پرسروصدا به دلیل بلند صحبت کردن دیگران. مترادف: paracusis willistana

family service plan, individualized

false positive (F_p; F_{pos.}) مثبت کاذب

نتیجه آزمایشی که وجود یک بیماری یا شرایطی را نشان می‌دهد در حالی که آن بیماری یا شرایط در واقع وجود ندارد.

false-positive response

پاسخ مثبت کاذب

در شنوایی‌سنجی پاسخی که محرک غیرقابل شنیدن یا هنگامی که تحریک ارائه نمی‌شود.

		Disorder	
		Present	Absent
Test Result	Positive	True Positive a	False Positive b
	Negative	False Negative c	True Negative d

false positive/false negative

familial deafness

به deafness مراجعه کنید.

familial goiter گواتر خانوادگی

نوعی کم‌کاری مادرزادی غده تیروئید که علت آن نقص‌های بیوسنتز تیروئید است و ممکن است با کاهش شنوایی حسی عصبی همراه باشد نظیر سندرم پن‌درد.

family service plan, individualized

برنامه خدمات انفرادی خانوادگی (IFSP)
برنامه اجباری دولت فدرال آمریکا برای آموزش کودکان معلول پیش‌دبستانی و خانواده

آنها که هر سال روزآمد می شود.

FAP fluorouracil, adriamycin, platinol
فلوئوروپوراسیل، آدریامايسين، پلاتینول
(سيس پلاتين)

رژیم درمانی که برای سرطان مری مورد استفاده
قرار می گیرد و بالقوه سم گوش است.

far ear به ear مراجعه کنید.

far field میدان دور
قسمتی از اتاقک آزمایش شنوایی سنجی که از
منبع صوتی دور است و قانون عکس مجذور در
آن قسمت صادق است.

far field recording ثبت از فاصله دور
اندازه گیری پتانسیل های برانگیخته از طریق
الکترودهایی که کف سر با فاصله از منبع
متصل شده باشد.

farad فاراد
[M. Faraday، فیزیکدان و شیمیدان انگلیسی
۱۸۶۷-۱۷۹۱]. واحد ظرفیت الکتریکی یا
خازن و مساوی است با ظرفیت خازنی که
هرگاه اختلاف پتانسیل بین صفحات آن یک
ولت باشد بار ذخیره شده روی هر کدام از
صفحات یک کولن شود. علامت اختصاری آن
F می باشد.

farmer's ear به ear مراجعه کنید.

FAS → fatal alcoholic syndrome

fascia; pl. fasciae نیام، فاشیا
بافت فیبری که سطح بدن را از زیر پوست
می پوشاند، ماهیچه ها را در بر می گیرد و
لایه های آنها را جدا می کند.

fascia temporalis نیام گیجگاهی
بافتی که عضله گیجگاهی را می پوشاند.

fasciculus; pl. fasciculi

دسته، فاسیکل
نوار یا دسته ای از الیاف عضلانی یا عصبی.

FAST → Flowers auditory screening
test

fast Fourier transformation (FFT)
انتقال سریع فوریه
دستور العمل سریعی برای تعیین انتقال فوریه
یا طیف اجزای فرکانسی یک موج.

fast phase مرحله تند
جزئی از نیستاگموس که نشان می دهد برای
قرار گرفتن مجدد هدف بینایی روی لکه زرد
شبکیه، لازم است حرکت چشم توسط دستگاه
ساکادیک کنترل شود. متضاد: slow phase.

fasting blood glucose

گلوکز سریع خون
آزمایش خون که برای تعیین اختلالات
سوخت و ساز قند خون (گلوکز)، نظیر دیابت
شدید انجام می شود.

fatigue

۱. خستگی
افزایش ناراحتی و پایین آمدن کارایی در پی کار طولانی یا بیش از حد. عدم توانایی پاسخ به محرک.
۲. فرسودگی
تخریب تدریجی ماده به دلیل فشار مکرر یا دوره‌های.

auditory f. خستگی شنوایی

افزایش موقت آستانه‌های شنوایی متعاقب مواجهه با نویز. مترادف:
temporary threshold shift

perstimulatory f.

خستگی حین تحریک
تطابق شنوایی، کاهش بلندی یا توانایی شنیدن صدا در طی تحریک طولانی.

poststimulatory f.

خستگی پس از تحریک
تغییر موقت حساسیت شنوایی متعاقب مواجهه با صدا. مترادف:
temporary threshold shift

FBL → fitting by loudness

FCC → Federal Communication Commission

FCE fluorouracil-cisplatin-etoposide
فلوئوروروسیل - سیس پلاتین - انوپوساید
رژیم شیمی‌درمانی که برای درمان سرطان

معدۀ مورد استفاده قرار می‌گیرد و بالقوه سم گوش است.

FDA → Food and Drug Administration

FDC fluorouracil-doxorubicin-cisplatin
فلوئوروروسیل - دکسوروبیسین - سیس پلاتین
رژیم شیمی‌درمانی که برای درمان سرطان معدۀ مورد استفاده قرار می‌گیرد و بالقوه سم گوش است.

FDL → frequency difference limen

feather جنبه، ویژگی، مشخصه
۱. بخش یا خصوصیت برجسته؛ ۲. در گفتار به جنبه‌های تولیدی، شنیداری، زبان‌شناسی و صوتی گفتار اطلاق می‌شود.

Fechner's law قانون فکنر، قانون فخنر
یکی از قوانین سایکوفیزیکی که مبین نسبت مستقیم مقدار بلندی و سطح فشار صوتی اکوستیکی بر حسب دسی‌بل است.

Federal Communication Commission (FCC)

اداره ارتباطات دولت فدرال آمریکا
دارد دولتی آمریکا که از جمله مسئولیت‌های آن تنظیم امواج رادیویی است که سیستم‌های اف.ام روی آن پخش می‌شود.

fee-for-service حق الزحمه هر خدمت
نظام مرسوم پرداخت حق الزحمه مراقبان
بهداشت که به ازای انجام هر یک از خدمات
حق الزحمه جداگانه‌ای پرداخت می‌شود.

feedback بازخورد، پس‌خوراند
۱. فرآیند پالایش و اصلاح پاسخ‌های خود، بازخورد
دارای دو شکل درونی و خارجی است. بخشی
از الگوی پاسخ پیش از تأثیر بر پاسخ به داخل
دستگاه یا نظام برگردانده می‌شود و در شکل
خارجی کل پاسخ اصلاح می‌گردد؛ ۲. بازگشت
کسری از خروجی یک دستگاه انتقال‌دهنده به
ورودی آن به صورت نظام خودتنظیم‌کننده.

acoustic f. بازخورد صوتی
هنگامی که دستگاه تقویت‌کننده به نوسان
درمی‌آید صدای تقویت‌شده از گیرنده به
میکروفن می‌رسد و دوباره تقویت می‌شود که
این امر تولید صدا می‌نماید، مانند سوت سمعک.

afferent f. = proprioceptive f.

auditory f. بازخورد شنوایی
درک صدای خود.

corrective f. بازخورد اصلاحی
پاسخ به محرک‌های نادرست و تلاش برای
تصحیح یا تطبیق بیشتر خروجی فعلی به
خروجی مورد نظر.

delayed auditory f.

بازخورد شنوایی تأخیر یافته
شرایطی که گفتار شنونده بر اساس سرعت و

روانی آن در مدت‌زمان کنترل‌شده‌ای تأخیر
می‌یابد و به گوش‌های وی ارائه می‌شود.

**experimentally delayed audi-
tory f. = delayed auditory feed-
back**

haptic f. بازخورد بساوایی
اصطلاح کلی مربوط به بازگشت اطلاعات از
طریق بازخورد جنبشی و لامسه‌ای.

internal f. بازخورد داخلی
بازخورد صوتی غیرطبیعی که درون بدنه
سمعک رخ می‌دهد.

inverse f. = negative f.

kinesthetic f. بازخورد جنبشی
بازگشت الگوهای حرکتی نظیر آگاهی از مکان
اندام‌های تولیدکننده گفتار در طی تولید واج‌ها.

negative f. بازخورد منفی
بازگشت غیرهمفاز مدار خروجی به مدار
ورودی تقویت‌کننده که سبب کاهش دامنه،
اعوجاج، نویز و صدای هم‌همه می‌شود.
مترادف: **inverse feedback.**

proprioceptive f.

بازخورد حس عمقی
بازگشت اطلاعات از عضلات، تاندون‌ها و
مفاصل. مترادف: **afferent feedback.**

feedback

simultaneous auditory f. =
auditory feedback

tactile f. بازخورد لامسه‌ای
بازگشت اطلاعات دریافتی از حس لامسه.

feedforward پیش‌نورد
نظام کنترل نورویبولوژیک که در فرآیندهای
درکی و بیانی زبان گفتاری، فعالیت‌های عصبی
را افزایش می‌دهد، سبب سرعت انتقال می‌شود
و پتانسیل الکتریکی را در مناطق مهم قشری
مربوط به پاسخ‌دهی زیاد می‌کند.

Fehr corneal dystrophy

دیستروفی قرنیه‌ای فهر
اختلال اتوزومی مغلوب چشم که با کاهش
شنوایی حسی عصبی پیش‌رونده و دیرآغاز
همراه است. مترادف: Harboyan syndrome.

Fellow of the American Academy
of Audiology (FAAA)

عضو انجمن شنوایی‌شناسی آمریکا

Fellow of the American College
of Physicians (FACP)

عضو انجمن پزشکان آمریکا

Fellow of the American College
of Surgeons (FACS)

عضو انجمن جراحان آمریکا

feigned deafness

به deafness مراجعه کنید.

fence مرز، حد بالایی یا پایینی

low f. مرز پایینی

پایین‌ترین سطح دسی‌بل که آغاز کاهش
شنوایی تلقی می‌گردد و معمولاً به صورت
میانگین آستانه‌های تن‌های خالص ۵۰۰
و ۱۰۰۰ هرترز تعریف می‌شود.

fenestra; pl. fenestrae دریچه
سوراخ یا منفذ آنا تومیک.

fenestra cochleae = round window

fenestra ovalis = oval window

fenestra rotunda = round window

fenestra tympanica = oval window

fenestration دریچه‌گذاری

fenestration operation

عمل دریچه‌گذاری
ایجاد یک دریچه جدید به وسیله جراحی در
لابیرنت گوش به منظور حفظ شنوایی در
اتوسکلروز.

feré effect اثر فری

تغییر مقاومت الکتریکی پوست در پاسخ به
تحریک خارجی.

fetal

جنینی
مربوط به جنین.

fetal alcohol syndrome

fetal alcohol syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

fetus

جنین

در انسان، به موجود متولد نشده و در حال رشد در پایان هفته هفتم یا هشتم بارداری تا زمان تولد اطلاق می‌گردد. ر.ک: embryo.

FFR¹ → fixed frequency responseFFR² → frequency following response

FFS → failure of fixation suppression

FFT → fast Fourier transformation

FG → functional gain

FGM earmold → frequency gain modifier earmold

FHL → functional hearing loss

fiber الیاف، رشته، ساختمان نخ‌مانند

nerve f.

الیاف عصبی

آکسون یا دندریت عصب.

fiber of corti

الیاف کرتی

ساختمان‌های آنا تومییک که تونل کرتی را به وجود می‌آورند.

fibrotic drum

fibrocartilage

الیاف غضروفی

غضروف کسسان بافت لیفی غالباً سفید که ساختمان اصلی لاله گوش را تشکیل می‌دهد.

fibrocystic sclerosis

اسکلروز الیافی کیستی

تکثیر بافت لیفی و تشکیلات کیستی که می‌تواند موجب از بین رفتن فضاهای تهویه استخوان گیجگاهی شود.

fibroma

فیبروم

نئوپلاسم خوش‌خیمی که از بافت پیوندی لیفی منشأ می‌گیرد.

fibroproliferation, tympanic membrane

تکثیر الیاف پرده صماخ

از دیاد رشد بافت لیفی در لایه‌های زیر مخاطی و زیر پوستی پرده صماخ که از التهاب مزمن ناشی شده و سبب ضخیم‌شدگی و سختی پرده صماخ می‌شود.

fibroproliferative external otitis

التهاب گوش خارجی به دلیل تکثیر الیاف التهاب باکتریایی منتشر و مزمن گوش خارجی که نشانه آن باریک‌شدگی مجرا است.

fibrosis

فیبروز، تکثیر بافت لیفی

fibrotic drum

پرده فیبروزی

پرده صماخ که عملکرد آن به دلیل تشکیل بافت لیفی کاهش یافته است.

fidelity, high

کیفیت عالی

تولید بسیار خوب صدا با کمترین اعوجاج.

figure-ground distortion

به distortion مراجعه کنید.

field

میدان، فضا

در علم صوت به منطقه‌ای که امواج صوتی در آن پراکنده می‌شوند اطلاق می‌گردد.

filter

پالایه، صافی

در علم صوت وسیله‌ای است که فرکانس‌های معینی را به طور افتراقی افزایش یا کاهش می‌دهد و بدین وسیله طیف محرک را اصلاح می‌کند.

field reference point

نقطه مرجع میدان

در اندازه‌گیری‌هایی که با میکروفن جستجوگر (پروپ) انجام می‌شود به مکان ورود صدای میکروفن مرجع در طی یکسان‌سازی یا اندازه‌گیری اطلاق می‌گردد.

active f.

پالایه فعال

مدار پردازشگر که پاسخ آن بر حسب بهره تقویت کننده تغییر می‌کند.

adaptive high-frequency f.

پالایه بالاگذر انطباقی

مدار پردازشگر غیرخطی و خودکار محرک در سمعک که با افزایش سطح ورودی بهره را در فرکانس بالا کاهش می‌دهد. مترادف: BILL.

adaptive low-frequency f.

پالایه پایین‌گذر انطباقی

مدار پردازشگر غیرخطی و خودکار محرک در سمعک که با افزایش سطح ورودی بهره را در فرکانس پایین کاهش می‌دهد. مترادف: TILL.

Fig 6

دستورالعمل انتخاب و تطبیق سمعک‌های غیرخطی که تراکم محدوده پویایی وسیعی دارند. در این دستورالعمل منحنی‌های تنظیم و تطبیق بر اساس آستانه‌های شنوایی بیمار برای صداهای آهسته، متوسط و بلند محاسبه می‌شود.

figure-ground

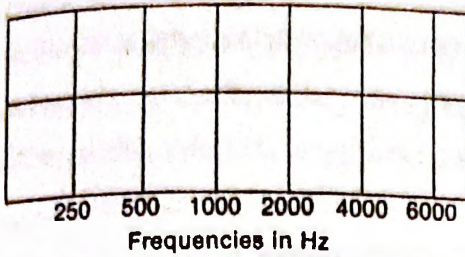
درک در حضور پس‌زمینه
درک جنبه‌ای از یک ورودی حسی به عنوان پیش‌زمینه یا تصویر و سایر جنبه‌های آن به عنوان پس‌زمینه یا زمینه.

auditory f.

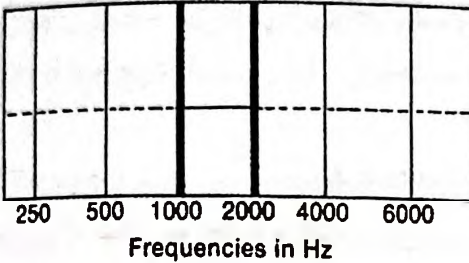
شنوایی در حضور صدای زمینه
شنیدن محرک صوتی مورد نظر در حضور نویز زمینه رقابتی.

anti-aliasing f.

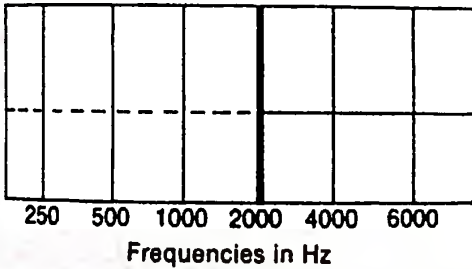
فیلتر ضد هم‌اثری
فیلتر پایین‌گذر که برای کاهش اعوجاج هم‌اثری که می‌تواند در تبدیل محرکی از شکل قیاسی (آنالوگ) به رقمی (دیجیتال) رخ دهد ساخته شده است.



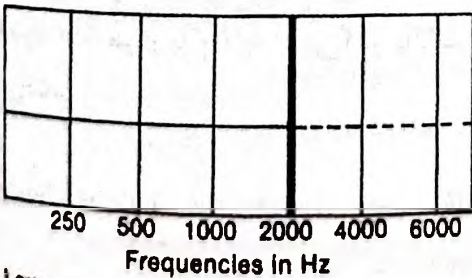
No filter: sound wave extends from 250 Hz to 6000 Hz with no interruptions.



Band pass: only frequencies within the band of 1000 Hz and 2000 Hz will be heard; those higher and lower than the band pass will be weakened or cut out.



High pass: frequencies above the filter point of 2000 Hz are heard; those below that point are weakened or cut out.



Low pass: frequencies below the filter point of 2000 Hz are heard; those above that point are weakened or cut out.

Filters

band-pass f.

پالایه باندگذر
پالایه الکترونیک که باند خاصی از فرکانس ها را عبور می دهد در حالی که فرکانس های بالاتر یا پایین تر از آن را کاهش داده یا حذف می کند.

digital f.

پالایه رقمی، پالایه دیجیتال
دستورالعمل نرم افزاری که فرکانس های مورد نظر از یک محرک را کاهش می دهد.

high-cut f. = low-pass f.

high-frequency f.

پالایه فرکانس بالا
پالایه پایین گذر که فرکانس های بالاتر را کاهش می دهد.

high-pass f.

پالایه بالاگذر
پالایه باندگذری که فرکانس های پایین را کاهش و فرکانس های بالا را عبور می دهد.

low-cut f. = high-pass f.

low-frequency f.

پالایه فرکانس پایین
پالایه بالاگذر که فرکانس های پایین تر را کاهش می دهد.

low-pass f.

پالایه پایین گذر
پالایه باندگذری که فرکانس های بالا را کاهش و فرکانس های پایین را عبور می دهد.

narrow-band f. پالایه باریک باند
پالایه الکترونیکی که به باند فرکانسی خاصی اجازه عبور می‌دهد. در حالی که فرکانس‌های بالاتر و پایین‌تر از آن باند را کاهش داده یا حذف می‌کند.

notch f. پالایه باندنگذر
شکبه پالایه‌ای که بخشی از محدوده فرکانسی را حذف می‌کند. در ارزیابی پتانسیل‌های برانگیخته برای استخراج نویز ۶۰ هرتز و در سمک‌ها برای محدود کردن تقویت به منطقه فرکانسی که دارای آستانه‌های شنوایی بهتری است به کار می‌رود.

octave f. پالایه اکتاوی
پالایه‌ای که در آن حد بالایی باندگذر دو برابر فرکانس حد پایینی است.

passband f. پالایه گذرباند
پالایه الکترونیکی که به باند خاصی از فرکانس‌ها اجازه عبور می‌دهد و در حالی که فرکانس‌های بالاتر یا پایین‌تر از آن باند را کاهش داده یا حذف می‌کند.

passive f. پالایه انفعالی
مدار پالایه‌ای که در آن پاسخ ثابت است و به بهره تقویت‌کننده ارتباطی ندارد.

sintered f. پالایه همجوش
محفظه کوچکی که حاوی ذرات فلزی نیمه‌چسبیده‌ای است و می‌توان آن را برای کاهش محدوده فرکانسی خاصی کنترل نمود.

switched capacitor f.

پالایه با خازن سوییچی
دستگاه پالایه دارای مدار یکپارچه که به انواع مشخصه‌های پالایندگی شامل پایین‌گذر، بالاگذر، باندگذر و باندنگذر مجهز است.

third-octave f.

پالایه یک‌سوم اکتاوی
پالایه‌ای که باند فرکانسی با پهنای یک سوم اکتاو را عبور می‌دهد.

wave f.

پالایه موج
ایزاری که شکل موج‌ها را بر اساس فرکانس آن‌ها تفکیک می‌کند.

filter skirt

دامن پالایه، شیب پالایه
میزان کاهندگی یک پالایه که بر حسب دسی‌بل در اکتاو بیان می‌شود.

filtered speech test

آزمایش گفتار پالایش‌شده
نوعی آزمایش بازشناسی واژه که در آن برای کاهش حسو خارجی، واژه‌های هدف را از حدود ۸۰۰ هرتز با پالایه پایین‌گذر پالایش می‌کند.

FIM → functional independence measure

fingerspelling

الفبای دستی
شکلی از ارتباط دستی که در آن هر حرف الفبا با وضعیت یا حرکات مختلف انگشتان نشان

داده می‌شود. مترادف: dactyl speech, daetylogy. ر.ک: manual method, unaided augmentative communication

first-order neuron نورون رده اول
الیاف عصبی که حامل اطلاعات از اندام حسی انتهایی به اولین ارتباط سیناپسی آن می‌باشند. در دستگاه شنوایی، نورون‌های رده اول از سلول‌های مویی حلزونی منشأ می‌گیرند و به هسته‌های حلزونی ختم می‌شوند.

Fisher's auditory problems checklist فهرست مشکلات شنوایی فیشر
روشی برای شناسایی دانش‌آموزان در خطر اختلال گوش دادن.

fissure شیار، شکاف

fistula سوراخ، فیستول
راه غیرطبیعی که توسط بیماری، جراحی یا سایر اختلالات در بدن ایجاد شده باشد.

endolymphatic f.

فیستول آندولنفاتیک
پارگی التیام‌نیافته مجرای حلزونی.

perilymphatic f. فیستول پری‌لنفی
راه غیرطبیعی بین فضای پری‌لنفی و گوش میانی که سبب نشت پری‌لنف از دریچه بیضی یا گرد می‌شود و دلیل ایجاد آن نقایص مادرزادی یا ضربه است.

fitting

round window f.

فیستول دریچه گرد
راه بین فضای پری‌لنفی و گوش میانی که در دریچه گرد ایجاد شده باشد. دلیل آن نقایص مادرزادی یا ضربه بوده و سبب نشت پری‌لنف می‌شود.

fistula auris congenita

فیستول مادرزادی لاله گوش

fistula test

آزمایش فیستول
آزمایش تشخیصی که برای کشف فیستول‌های لایبرنتی طراحی شده که در آن فشار هوا در مجرای خارجی شنوایی تغییر داده می‌شود. در صورت پرانگیخته شدن نیستاگموس نتیجه آزمایش مثبت است.

fistulize

ایجاد فیستول
ایجاد راهی در یک ساختمان از طریق جراحی.

fitting

تنظیم، تطبیق، تنظیم و تطبیق
۱. روند انتخاب مشخصه‌های سمک؛
۲. مشخصه‌های سمک که بین نتیجه نهایی روند انتخاب سمک است.

prescriptive f.

تنظیم و تطبیق مشخصه‌های تجویز شده
روش تطبیق مشخصه‌های سمک از طریق محاسبه بهره و پاسخ فرکانسی مطلوب بر مبنای هر یک از فرمول‌هایی که در آنها از آستانه‌های ادیومتریک تن خالص و احتمالاً

اطلاعات مربوط به بلندی ناراحت‌کننده استفاده می‌شود.

reverse curve f.

تنظیم و تطبیق مشخصه‌های منحنی معکوس تعدیل شکل منحنی بهره و پاسخ فرکانسی سمعک به نحوی که مناسب منحنی کاهش شنوایی صعودی باشد. در این نوع کاهش شنوایی حساسیت شنوایی در فرکانس‌های پایین کمتر از حساسیت در فرکانس‌های بالا است.

fitting by loudness (FBL)

تطبیق مشخصه‌ها از طریق بلندی استراتژی تنظیم و تطبیق سمعک‌های تراکمی با محدوده پویا بر مبنای اندازه‌گیری رشد بلندی، پیش‌بینی رشد بلندی یا تخمین میانگین رشد بلندی.

محدوده تطبیق مشخصه‌ها fitting range محدودۀ کاهش شنوایی که مدار و آرایش سمعک و قالب گوش خاصی برای آن مناسب است.

Fitzgerald Key کلید فیتزجرالد
(E. Fitzgerald, 1937). روش توانبخشی شنوایی اولیه که مخصوص آموزش دستور و نحو زبان است. در این روش برای نشان دادن اجزای مختلف گفتار (نظیر اسم، فعل و غیره) از نمادها و الگوهای جمله‌ای قابل دید استفاده می‌شود.

5-dB rule قانون پنج دسی‌بل
قانون حفاظت شنوایی که بر اساس آن سطح

شدت صدا را به ازای هر ۵۰٪ کاهش مدت مواجهه با آن می‌توان ۵ دسی‌بل افزایش داد.

five slate system = Barry five-slate system

fixation تثبیت، ثابت‌شدگی

stapes f. ثابت‌شدگی رکابی

عدم تحرک استخوانچه رکابی بر روی دريچه بعضی که غالباً به دلیل رشد استخوان جدید ناشی از اتوسکلروز رخ می‌دهد.

fixation index شاخص تثبیت

شاخصی که در اندازه‌گیری ناتوانی تثبیت حین آزمایش حرارتی به کار می‌رود و عبارت است از نسبت سرعت فاز کند نیستاگموس با چشم باز به سرعت فاز کند با چشم بسته.

fixation suppression تضعیف تثبیت
در ارزیابی الکترونیستاگموگرافی به کاهش یا حذف نیستاگموس در اثر تثبیت بینایی اطلاق می‌گردد.

fixed-frequency audiometry به audiometry مراجعه کنید.

fixed-frequency response (FFR) پاسخ فرکانس ثابت

زیرگروه فنون پردازش خودکار محرک که مشتمل بر محدودکننده تراکمی و تراکم دارای محدوده پویایی وسیع است و در این روش بهره

به طور خودکار در پاسخ به ورودی و بدون ارتباط با فرکانس آن افزایش یا کاهش می‌یابد.

شل، نرم، ضعیف، فاقد سختی flaccid

بخش شل flaccid portion

مربوط به بخش شل پرده صماخ. مترادف: Shrapnell's membrane, pars flaccida

flamingo flash

درخشندگی سرخ‌رنگی که حین اتوسکپی از طریق پرده صماخ دیده می‌شود و علت آن افزایش عروق خونی دماغه در برخی افراد مبتلا به اتوسکلروز می‌باشد. مترادف:

Schwartz sign

flat audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

پاسخ صاف flat response

پاسخ فرکانسی صاف. تقویتی که در محدوده فرکانسی خاصی به طور یکسان صورت گیرد.

flat-spectrum noise

به noise مراجعه کنید.

Fletcher-Munson curves

منحنی‌های فلچر-مانسن

منحنی سطح بلندی که نشان‌دهنده مقادیر صوتی لازم برای تولید یک بلندی معین در محدوده فرکانسی افراد دارای شنوایی طبیعی

در سطوح مختلف فوق می‌باشد. مترادف: equal loudness contour

Flowers auditory screening test (FAST) [Flowers]

آزمایش غربالگری شنوایی فلاورز
آزمایش جامع غربالگری شنوایی مرکزی که برای شناسایی کودکان مبتلا به نقایص بالقوه شنوایی طراحی شده است.

Flowers-Castello test of central auditory abilities

آزمایش توانایی‌های شنوایی مرکزی فلاورز-کاستلو

آزمایشی که مخصوص کودکان کودکستانی طراحی شده و عملکرد درکی شنوایی، پاسخ به گفتار پالایش شده با پالایه پایین‌گذر و پاسخ به پیام‌های رقابتی را ارزیابی می‌کند.

Flowers test of auditory selective attention (FTASA)

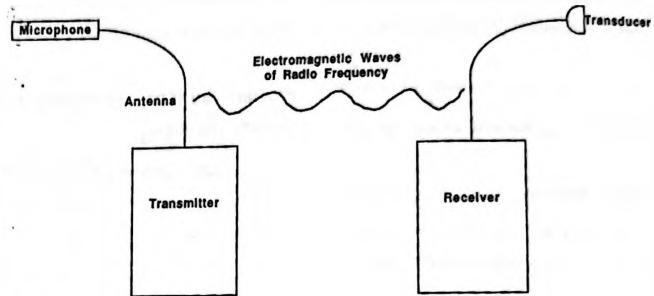
آزمایش توجه شنوایی انتخابی فلاورز
آزمایش ظرفیت توجه شنوایی کودکان کودکستانی با تأکید بر ارزیابی توجه دقیق شنوایی.

fluctuating hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

fluent aphasia

زبان‌پریشی روان، آفازی روان
آسیب به درک زبان گفتاری. مترادف: auditory, receptive or Wernicke's aphasia



FM system

flutter-fusion

ترکیب

درک محرک منقطع به صورت پیوسته هنگامی که سرعت قطع و وصل به حدی زیاد شود که از آستانه ترکیب بگذرد و به شکل پیوسته شنیده شود.

flux جریان، شار، تخلیه انرژی یا ماده

FM → frequency modulation

FM amplification system = FM system

FM auditory trainer

دستگاه تربیت شنوایی اف. ام. دستگاه تقویت کننده در کلاس که میکروفون / مهبل بی سیم آن که به معلم متصل است محرک را از طریق اف. ام به گیرنده های متصل به دانش آموز ارسال می کند.

FM boot

رابط اف. ام

وسیله کوچک دوشاخه ماندنی که حاوی گیرنده

اف. ام است و به انتهای سمعک پشت گوش متصل می گردد.

FM system

دستگاه اف. ام

وسیله شنوایی کمکی که برای افزایش نسبت محرک به نویز طراحی شده است. در این دستگاه میکروفون / انتقال دهنده بی سیم که متصل به گوینده است محرک را از طریق اف. ام به گیرنده متصل به شنونده ارسال می نماید.

coupled FM s.

دستگاه اف. ام جفت شده

تقویت کننده اف. ام شخصی که گیرنده آن توسط حلقه ای در گردن یا حلقه القایی سمعک جفت شده است.

personal FM s.

دستگاه اف. ام شخصی

وسیله شنوایی کمکی و قابل اتصال به بدن که میکروفون / انتقال دهنده آن به گوینده وصل

FN

می‌شود و محرک را از طریق اف.ام به گیرنده متصل به شنونده ارسال می‌کند. این وسیله برای افزایش نسبت محرک به نویز طراحی شده است.

FN¹ → facial nerveFN² → false negativeF_{neg} → false negative**focal capillary hyperplasia**

هیپرپلازی کانونی مویرگی
از دیاد رگ‌های خونی کوچک در تنه عصب هشتم جمجمه‌ای در مجرای داخلی شنوایی که به اتساع تنه عصب منجر می‌شود.

focal CROS

به hearing aid مراجعه کنید.

FOG → full-on gain

foil گزینه
یکی از گزینه‌های موجود در مجموعه واژه‌ها، جمله‌ها یا سایر محرک‌های موجود در یک مجموعه چندگزینه‌ای.

follow up (FU) پی‌گیری

Food and Drug Administration
(FDA) اداره کل غذا و دارو
اداره دولتی آمریکا که از جمله مسئولیت‌های

force

آن تنظیم تجهیزات پزشکی نظیر سمعک و دستگاه‌های کمک‌شنوایی است.

footplate صفحه رکابی
صفحه استخوانچه رکابی که در دریچه بیضی قرار دارد.

footplate fixation

ثابت‌شدگی صفحه رکابی
عدم تحرک استخوانچه رکابی بر روی دریچه بیضی که غالباً به دلیل رشد استخوان جدید ناشی از اتوسکلروز رخ می‌دهد.

foramen; pl. foramina سوراخ
سوراخ طبیعی موجود در استخوان.

stylomastoid f.

سوراخ نیزه‌ای پستانی
سوراخی در استخوان گیجگاهی که عصب صورتی و شریان نیزه‌ای پستانی از آن می‌گذرند.

force نیرو
۱. توانایی تغییر حرکت جسم به شکل تند شوند یا کندشونده یا تغییر جهت حرکت.
۲. توانایی تغییر رفتار یا تجربه.

electromotive f. (EMF)

نیروی محرکه الکتریکی
اختلاف فشار یا پتانسیل که جریان الکتریکی ایجاد می‌کند و بر حسب ولت اندازه‌گیری می‌شود و علامت آن E_a است.

forced-choice paradigm

مدل چندگزینه‌ای
روش سایکوفیزیکی که در آن فرد باید بین دو
یا چند گزینه یکی را انتخاب کند.

forensic audiology

به audiology مراجعه کنید.

formal method = analytic method

formant

سازه
ناحیه پرنانرژی در طیف صوتی صدای گفتاری.

formant 1 (f_1)

سازه ۱ یا اولین سازه
در طیف صوتی یک صدای گفتاری اولین
منطقه فرکانسی بالاتر از f_0 که دارای انرژی
بیشتر است.

formant 2 (f_2)

سازه ۲ یا دومین سازه
در طیف صوتی یک صدای گفتاری دومین
منطقه فرکانسی بالاتر از f_0 که دارای انرژی
بیشتر است.

formant 3 (f_3)

سازه ۳ یا سومین سازه
در طیف صوتی یک صدای گفتاری سومین
منطقه فرکانسی بالاتر از f_0 که دارای انرژی
بیشتر است.

formant frequencies

فرکانس‌های سازه
نواحی فرکانسی که انرژی گفتار در آنها متمرکز
شده است و معمولاً f_0 , f_1 , f_2 و غیره نامیده
می‌شوند.

formant transition

انتقال سازه‌ای
مدت‌زمان تغییر فرکانسی سریع در یک سازه.

forward masking

به masking مراجعه کنید.

fossa; pl. fossae

حفره
شکاف، فرورفتگی یا گودی.

fossa incudis

حفره سندان
فرورفتگی در گوش میانی که زائیده کوتاه
استخوانچه سندان در آن قرار می‌گیرد.

Fourier analysis = Fourier transform

Fourier series

سری‌های فوریه
نمایش نمودارهای انتقال فوریه.

Fourier transform

انتقال فوریه
[J.B.J. Fourier, ریاضیدان و فیزیکدان
فرانسوی ۱۷۲۸-۱۸۳۰]. دستورالعمل ریاضی
برای تجزیه شکل موج به اجزای دامنه و فاز
آن به نحوی که دامنه هر جزء فرکانسی خاصی
که شکل موج مرکبی را تشکیل داده‌اند
مشخص شود. مترادف: Fourier analysis.

fourteen-and-six Hertz positive

امواج تیز مثبت چهارده و شش هرتز
الگوی در EEG که معمولاً به هنگام خواب
آلودگی یا در خواب دیده می‌شود و ویژگی آن
افزایش‌های ناگهانی الکتریسیته مثبت و بروز

FP

موج تیز در فرکانس‌های مختلط ۱۴ و ۶ هرترز است و به نظر می‌رسد که از ساختمان‌های عمقی مغز منشأ می‌گیرد.

FP → false positive

F_{pos} → false positive

Fpz

جایگذاری الکتروود در خط وسط (Z) نزدیک پیشانی (Fp)، الکتروود پیشانی که معمولاً برای قرار دادن الکتروود زمین حین آزمایش پتانسیل‌های برانگیخته شنوایی مطابق نظام الکتروودگذاری ۲۰-۱۰ بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

fracture (fx) شکستگی
شکستن استخوان یا غضروف.

longitudinal f. شکستگی طولی
شکستگی خطی که در طول استخوان گیجگاهی امتداد می‌یابد و غالباً پرده صماخ را پاره کرده و سبب اختلال استخوان‌چپه‌ها می‌گردد. این شکستگی مشخصاً به دلیل ضربه به ناحیه آهیانه‌ای یا گیجگاهی مجمله رخ می‌دهد.

transverse f. شکستگی عرضی
شکستگی‌ای که در عرض استخوان گیجگاهی عمود بر محور طولی هرم خارخه رخ دهد. معمولاً علت آن ضربه به ناحیه پشت‌سری مجمله است که به تخریب وسیع لایبرنت غشائی منجر می‌شود.

French method

free field میدان باز
میدان صوتی که از اثرات مرزها یا اشیاء اطراف به دور باشد مانند اتاقک ضد پژواک.

free field earmold به earmold مراجعه کنید.

free-field equivalent audiometer به audiometer مراجعه کنید.

free field room اتاقک ضد پژواک
اتاقی که برای پژوهش‌های اکوستیکی طراحی شده و در آن برای افزایش جذب صوت و کاهش بازآوایی، روی تمامی سطوح مواد جاذب صوت نصب شده است. مترادف:
anechoic chamber

free-field-to-eardrum transfer function عمل انتقال از میدان باز به پرده گوش
تأثیر تنه، سر و گوش خارجی بر محرک صوتی حین انتقال آن از میدان باز به پرده صماخ.

free vibration ارتعاش آزاد
ارتعاشی که بدون تأثیر خارجی بر کنترل حرکت آن آغاز می‌شود و ادامه می‌یابد.

fremitus لرزش
ارتعاشی که با قرار دادن سر روی سینه یا سایر اعضای بدن هنگام صداسازی احساس می‌شود.

روش فرانسوی
[به افتخار C. M. del' Epee فرانسوی، ۱۷۵۵]

اولین روش آموزش به ناشنویان در آمریکا. در این روش برای نشان دادن اشیاء و افکار از علائم اشاره استفاده می‌شود. ر.ک:

manual communication

frenzel glasses عینک فرنزل

عدسی‌های فرنزل، عینکی با عدسی‌های خاص که امکان تثبیت بینایی را کاهش می‌دهد. از این عینک برای مشاهده حرکات چشم حین آزمایش حرارتی دهلیزی استفاده می‌شود.

frequencies, reference test

فرکانس‌های آزمایشی مرجع
فرکانس‌های ۱۰۰۰، ۱۶۰۰ و ۲۵۰۰ هرتز که بهره آزمایش مرجع در آن‌ها تعیین می‌گردد.

Frequencies, speech

فرکانس‌های گفتاری
فرکانس‌های ادیومتریکی که عمده انرژی گفتار در آنها رخ می‌دهد که به طور متعارف فرکانس‌های ۵۰۰ و ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ در نظر گرفته می‌شود.

frequency بسامد، فرکانس

تعداد دفعاتی که واقعه تکرار شونده‌ای در طی مدت‌زمان معینی رخ می‌دهد. به طور مثال، برای موج سینوسی تعداد تناوبی که در ۱ ثانیه رخ دهد که بر حسب سیکل بر ثانیه یا هرتز (Hz) بیان می‌شود.

band f. باند فرکانسی
محدوده‌ای از فرکانس‌ها که بین دو حد خاص قرار دارد.

basic f. فرکانس پایه

center f. فرکانس مرکزی
فرکانس موجود در مرکز پهنای باند.

characteristic f. (CF) فرکانس ویژه
فرکانسی که یک عصب شنوایی به آن بیشترین حساسیت را دارد.

cross over f. فرکانس جداساز
۱. در شنوایی‌سنجی گفتار، فرکانس بالاتر و پایین‌تر از نقطه‌ای که طیف را از نظر اطلاعات لازم برای درک صحیح به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کند. ۲. در سمعک، فرکانسی است که سبب افتراق دو باند مجاور می‌شود.

fundamental f. (f_0) فرکانس پایه
فرکانس اصلی یا پایین‌ترین جزء فرکانسی الگویی که در طیف صوتی یک صدای گفتار تکرار می‌شود.

high f. (HF)

فرکانس بالا، فرکانس زیاد
اصطلاح غیر تخصصی که به فرکانس‌های تقریباً بیش از ۲۰۰۰ هرتز اطلاق می‌گردد.

Infrasonic f. فرکانس فرصوتی
فرکانس‌های کمتر از محدوده ۲۰ هرتز، اصوات

دارای این فرکانس‌ها توسط گوش انسان دریافت نمی‌گردند.

low f. (LF)

فرکانس پایین، فرکانس کم
اصطلاح غیر تخصصی که به فرکانس‌های کمتر از حدود ۱۰۰۰ هرتز اطلاق می‌گردد.

mid f. فرکانس میانه

اصطلاح غیر تخصصی که به فرکانس‌های حدود ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ هرتز اطلاق می‌شود.

natural f. فرکانس طبیعی

فرکانسی که اگر جرم محکم در وضعیت ارتعاش آزاد قرار گیرد بیشترین ارتعاش را در آن فرکانس خواهد داشت. مترادف:

resonant frequency

Nyquist f. فرکانس نایکوئیست

فرکانسی که با یک دوم میزان نمونه‌گیری قیاسی (آنالوگ) به رقمی (دیجیتال) برابر باشد و بالاترین فرکانسی است که می‌توان بدون اعوجاج از وضعیت هم‌اثری نمونه‌گیری کرد.

resonant f. فرکانس تشدید

فرکانسی که اگر جرم محکم در وضعیت ارتعاش آزاد قرار گیرد بیشترین ارتعاش را در آن خواهد داشت. مترادف: natural frequency.

ultrasonic f. فرکانس فراصوتی

فرکانس بیش از محدوده ۲۰,۰۰۰ هرتز. اصوات دارای این فرکانس توسط گوش انسان دریافت نمی‌گردد.

frequency-altered speech

به speech مراجعه کنید.

frequency analyzer تحلیل‌گر فرکانس

صوت‌سنج دارای پالایه‌های باندگذر که برای تعیین سطح هر باند فرکانسی موجود در یک صوت مرکب مورد استفاده قرار می‌گیرد. مترادف: spectrum analyzer

frequency control کنترل فرکانس

پتانسیومتر یا سایر ابزار کنترل‌کننده در سمعک که پاسخ فرکانسی را تغییر می‌دهند. مترادف: tone control

frequency-dependent compression

به compression مراجعه کنید.

frequency difference limen (FDL)

حد افتراق فرکانس
کوچکترین تفاوت قابل کشف در فرکانس یک محرک.

frequency discrimination

تمایز فرکانس
فرآیند درکی که توسط آن فرد محرک‌های آزمایشی دارای فرکانس‌های مختلف را که به‌طور متوالی ارائه می‌شوند افتراق می‌دهد.

frequency factors عوامل فراوانی

عوامل همدگرشناختی یک جمعیت معین که بر استفاده از خدمات بهداشتی تأثیر می‌گذارند. مترادف: utilization factors.

frequency gain modifier (FGM)

به earmold مراجعه کنید. earmold

frequency following response (FFR)

پاسخ شبه‌فرکانس محرک

پتانسیل برانگیخته شنوایی دارای زمان نهفتگی کوتاه که فرکانس آن مساوی تن انفجاری فرکانس پایین است که برای برانگیختن پاسخ مورد استفاده قرار گرفته است.

frequency formant

فرکانس سازه نواحی فرکانسی که انرژی گفتار در آنها متمرکز شده است و معمولاً f_0 ، f_1 ، f_2 و غیره نامیده می‌شوند.

frequency-independent compression

به compression مراجعه کنید.

frequency jitter

بی‌ثباتی فرکانس تغییرات موزون در فرکانس یک صدا. مترادف: jitter

frequency-modulated tone

به tone مراجعه کنید.

frequency modulation (FM)

مدوله‌سازی فرکانس، اف.ام. فرآیند تولید محرک مرکب با تغییر سینوسی فرکانس موج حامل. ر.ک: amplitude modulation

frequency range, audible

محدوده فرکانس‌های قابل شنیدن محدوده فرکانس‌هایی که می‌توان شنید که در جوانان از تقریباً ۱۵ Hz تا ۲۰,۰۰۰ Hz است.

frequency range, HAIC

محدوده فرکانسی HAIC (همایش صنعت سمعک) معیاری که توسط همایش صنعت سمعک برای تعریف محدوده پاسخ فرکانسی سمعک تعیین شده است.

frequency resolution

تفکیک فرکانسی

توانایی افتراق قائل شدن بین صداهایی که فرکانس‌های متفاوتی دارند و همزمان ارائه می‌شوند.

frequency-resolving power

توان تفکیک فرکانسی توان یک سامانه برای جداسازی یا افتراق بین فرکانس‌ها.

frequency response

پاسخ فرکانسی ویژگی‌های خروجی سمعک بر حسب مقدار بهره در هر فرکانس.

adaptive f. r. (AFR)

پاسخ فرکانسی انطباقی نوعی عملکرد در سمعک که با تغییر سطح ورودی پاسخ فرکانسی را تغییر می‌دهد.

fixed f.r. (FFR) پاسخ فرکانسی ثابت
زیرگروه فنون پردازش خودکار محرک که
مشمول بر محدودکننده تراکمی و تراکم دارای
محدوده پویایی وسیع است و در این روش بهره
به طور خودکار در پاسخ به ورودی و بدون ارتباط
با فرکانس آن افزایش یا کاهش می یابد.

flat f.r. پاسخ فرکانسی صاف
تقویت یکسان در طول محدوده فرکانسی.

level-dependent f.r.

پاسخ فرکانسی وابسته به شدت
پردازش خودکار محرک که پاسخ فرکانسی
سمعک را به تبعیت سطح ورودی تغییر دهد.

frequency selectivity انتخاب فرکانس
توانایی تمایز صداهای دارای فرکانس متفاوت
در حضور پوشش رقابتی یا سایر فرکانس ها.

frequency selector dial

چرخه انتخاب فرکانس
این چرخه که در دستگاه های شنوایی سنج تعبیه
شده است فرکانس محرک ها را در گام های
اکتاوی و نیم اکتاوی مجزا از ۱۲۵ تا ۸۰۰۰
هرتز تغییر می دهد. مترادف: oscillator.

frequency sequencing

ترتیب فرکانس ها
در آزمایش شنوایی سنجی تن خالص به
فرکانس هایی که به ترتیب آزمایش می شوند
اطلاق می گردد. ابتدا فرکانس ۱۰۰۰ هرتز
آزمایش می شود زیرا گوش انسان به آن

حساس تر است، کمتر از فرکانس های پایین
تحت تأثیر نویز زمینه یا فیزیولوژیک قرار
می گیرد و طول موج آن در مقایسه با طول مجرای
گوش از روایی آزمون - آزمون مجدد بیشتری
نسبت به فرکانس های بالاتر برخوردار است.
سپس، فرکانس های اکتاوی بالاتر از آن ۲۰۰۰
هرتز و بعد ۳۰۰۰، ۴۰۰۰، ۶۰۰۰ و ۸۰۰۰ هرتز،
مجدداً ۱۰۰۰ هرتز و سپس ۵۰۰، ۲۵۰ و در
صورت لزوم ۱۲۵ هرتز آزمایش می شوند.

frequency shaping

شکل دهی فرکانس ها
فرآیند تقویت انتخابی برخی فرکانس ها جهت
تطبیق با شکل منحنی کاهش شنوایی بیمار.

frequency theory نظریه فرکانس
نظریه درک زیربومی که پردازش فرکانس های
پایین را بر اساس فرکانس تکانه های عصبی
در عصب هشتم تبیین می کند.

frequency transposer

ترانپنده فرکانسی
مداربندی که اجزای فرکانسی یک موج را از
محدوده ای به محدوده دیگر تبدیل می کند.

frequency transposition hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

frequent event

تحریک مکرر
در اندازه گیری پتانسیل های وابسته به تحریک
یا محرکی است که بیشتر رخ می دهد. متضاد:
rare event

fricative سایشی
صدای گفتاری که با سایش هوا در طول یک
مجرای تنگ تولید شود نظیر [f]، [s].

Friedrich ataxia اتاکسی فردیش
اسکلروز اتوزومی مغلوب ستون‌های خلفی و
جانبی نخاع که معمولاً از دوران کودکی یا
 جوانی آغاز می‌شود. این بیماری با نشانه‌های
 اتاکسی پیشرونده نخاعی-مخچه‌ای، کاهش
 شنوایی حسی عصبی پیشرونده دیرآغاز، اختلال
 در تکلم، اسکولیوز، حرکات عجیب و غریب،
 فلجی و غالباً کاردیومیوپاتی هیپرتروفیک
 مشخص می‌گردد.

front-end noise به noise مراجعه کنید.

front routing of signals (FROS)
به hearing aid مراجعه کنید.

frontal پیشانی، جلو
مربوط به بخش قدامی یک ساختمان یا اندام.

frontal plane سطح پیشانی
صفحه مرجع آناتومی که بدن را به دو بخش
 قدامی (جلویی) و خلفی (عقبی) تقسیم می‌کند.
 مترادف: coronal plane.

FROS → front routing of signals

F

دستورالعملی که برای محاسبه احتمال حضور
 پتانسیل پراکنجسته شنوایی مورد استفاده قرار

می‌گیرد و مبنای آن توزیع F واریانس میانگین
 پتانسیل‌های پراکنجسته تقسیم بر واریانس
 یک نقطه واحد (sp) در طول زمان و در طی
 نمونه‌گیری‌های متوالی است.

FTASA → Flowers test of auditory
selective attention

FTLB → full-term live birth

FTND → full-term normal delivery

FTNSD → full-term normal sponta-
neous delivery

FU → follow up

full-dynamic-range compression
به compression مراجعه کنید.

full-on gain (FOG)
به gain مراجعه کنید.

full-term بهنگام، غیرنارس
معرف دوره طبیعی بارداری.

full-term live birth (FTLB)
تولد بهنگام نوزاد زنده.

full-term newborn (FTNB)
نوزادی که دوران کامل جنینی را طی کرده است.

full-term normal delivery (FTNP)

زایمان طبیعی و بهنگام.

functional gain (FG)

به gain مراجعه کنید.

full-term normal spontaneous delivery (FTNSD)

زایمان طبیعی، خودبخود و بهنگام.

functional hearing loss (FHL)

به hearing loss مراجعه کنید.

function

۱. عملکرد، عمل، وظیفه، کار ۲. در ریاضی: تابع

input/output f. (I/O function)

تابع ورودی-خروجی

تابعی که سطوح شدت خروجی را نسبت به سطوح شدت ورودی نشان می‌دهد. این تابع برای توصیف مشخصه‌های بهره تقویت‌کننده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

performance-intensity f. (PI function)

تابع شدت - امتیاز

نمودار امتیازهای بازشناسی گفتار بر حسب درصد که از ارائه محرک‌های آزمایشی در شدت‌های مختلف حاصل می‌شود.

functional ۱. کارکردی؛ ۲. عملی؛

۳. کارآمد، کارا؛ ۴. غیر عضوی

مشکلی که از نقایص ساختمانی ناشی شده باشد.

functional disorder اختلال عملکردی

اختلال در عملکرد که علت عضوی مشخصی نداشته باشد.

functional imaging

تصویربرداری عملکردی

اصطلاحی که به گروهی از روش‌های جدید تصویربرداری اطلاق می‌گردد. در تصویربرداری عملکردی مناطقی از مغز نظیر منطقه شنوایی که در طی پردازش‌های ذهنی فعال هستند را می‌توان به صورت مناطق رنگی توسط رایانه روی مقاطع بزرگ‌شده مشاهده نمود. بدین ترتیب کشف پردازش‌های متابولیک که با افزایش فعالیت نورونی همراهند امکان‌پذیر می‌گردد. این روش‌های پیشرفته عبارتند از: تصویربرداری تشدید مغناطیسی (MRI)، تصویربرداری تشدید مغناطیسی عملکردی (fMRI)، توموگرافی گسیل پوزیترون (PET) و توموگرافی رایانه‌ای گسیل فوتون منفرد (SPECT) و آنسفالوگرافی مغناطیسی (MEG).

functional independence measures

اندازه‌گیری‌های عملکرد مستقل (FIM)

ارزیابی جمعی توانایی فرد برای مستقل عمل کردن.

functional overlay

۱. اغراق در اختلال عضوی.

۲. اضافه شدن عوارض غیرعضوی به یک اختلال عضوی.

fundamental پایه
فرکانس پایه یا پایین‌ترین فرکانس موجود در یک موج تناوبی.

fundamental frequency (f₀)
به frequency مراجعه کنید.

furosemide فروسماید
داروی مدر حلقوی مسموم‌کننده گوش که برای درمان ادم یا فشار خون بالا مورد استفاده قرار می‌گیرد و می‌تواند کاهش شنوایی حسی عصبی در پی تخریب نوار عروقی ایجاد نماید. مترادف: Lasix.

furunculosis کورک، فرونگولوز
ضایعه کورکی قرمز که فولیکول مو را در بر می‌گیرد و معمولاً از عفونت استافیلوکوکوسی در هوای گرم و مرطوب ناشی می‌شود. مترادف: acute circumscribed otitis media

fusiform cells سلول‌های دوکی‌شکل
سلول‌های دوک‌مانند موجود در هسته حلزونی پستی.

fusion ترکیب، آمیختن
یکی کردن یا پیوستن اشیا یا موجودات.

auditory f. ترکیب شنوایی
فرآیندی که به واسطه آن صدای منقطع به شکل پیوسته درک می‌شود.

binaural f. ترکیب دوگوشی
۱. پدیده‌ای که بر اساس آن اصوات مختلفی که به دو گوش ارائه می‌شود جایی در مغز با هم ترکیب شده و تصور صدای واحدی را ایجاد می‌کنند. ۲. تلفیق محرک‌های گفتاری متفاوت که به طور همزمان به دو گوش ارائه می‌شوند.

Fx → fracture



G → conductance

GA → gestational age

GABA → gamma-aminobutyric acid

GAD → glutamic acid decarboxylase

gain بهره

۱. در سمک، به تفاوت بین سطح خروجی و

ورودی بر حسب دسی بل اطلاق می‌گردد؛

۲. در پستانسپیل‌های برانگیخته، به مقدار

تقویت فعالیت ورودی EEG اطلاق می‌شود؛

۳. در آزمایش صندلی گردان، نسبت حداکثر

سرعت چشم به حداکثر سرعت صندلی است.

acoustic g. بهره اکوستیکی

۱. افزایش خروجی صدا؛ ۲. در سمک، تفاوت

بین ورودی میکروفن و خروجی گیرنده بر حسب دسی بل.

effective g. بهره مؤثر

اختلاف بین آستانه‌های حساسیت شنوایی بر

حسب دسی بل با و بدون وسیله کمک شنوایی.

مترادف: functional gain.

full-on g. (FOG) بهره کامل

تنظیم سمک به نحوی که حداکثر خروجی

صوتی را تولید کند.

functional g. (FG)

بهره عملکردی، بهره عملی

تفاوت بر حسب دسی بل بین آستانه‌های

حساسیت شنوایی با استفاده از سمک و بدون

سمک.

HAIC g.

بهره HAIC (همایش صنایع سمعک) معیاری که در همایش صنایع سمعک پراری تعریف بهره سمعک در نظر گرفته شده است. این معیار با محاسبه میانگین بهره در ۵۰۰، ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ هرتز به دست می‌آید. اکنون به جای آن میانگین بهره کامل HFA مورد استفاده قرار می‌گیرد.

high-frequency average (HFA)**full-on g.**

میانگین بهره کامل فرکانس‌های بالا، بهره کامل HFA

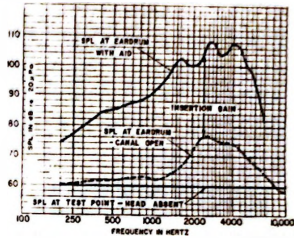
ویژگی که ANSI برای سمعک در نظر گرفته است. این ویژگی با محاسبه سطح خروجی HFA نسبت به ورودی ۵۰ یا ۶۰ دسی‌بل SPL در حالی که سمعک در وضعیت بهره کامل قرار دارد به دست می‌آید.

Insertion g.

بهره جایگذاری، بهره تفاضلی مقدار تغییر سطح فشار صوتی در فرکانس‌های خاص یا میانگین فرکانس‌ها که با کم کردن سطوح بدون سمعک از سطوح با سمعک به دست می‌آید. منظور از بهره جایگذاری این است که اندازه‌گیری با استفاده از میکروفن جستجوگر (پروپ) نزدیک پرده صماخ انجام می‌شود.

peak acoustic g. قله بهره صوتی

میزان بهره در نقطه‌ای از پاسخ فرکانسی سمعک که حداکثر بهره را دارا است.



insertion gain

prescribed g. بهره تجویزی

بهره و پاسخ فرکانسی سمعک که از طریق فرمول‌های تجویز تعیین می‌گردد.

real-ear g. بهره ارزیابی گوش واقعی

اصطلاح غیر تخصصی که به طور کلی به بهره سمعک در پرده صماخ اشاره دارد، این بهره با به دست آوردن اختلاف بین سطح فشار صوتی در مجرای گوش و SPL در نقطه مرجع یک میدان صوتی معین محاسبه می‌گردد.

real-ear aided g. (REAG)

بهره با سمعک در گوش واقعی اندازه‌گیری اختلاف دسی‌بل SPL در مجرای گوش و SPL در نقطه مرجع در محیط صوتی خاصی که سمعک روی گوش قرار داده شده است در تمامی فرکانس‌ها.

real-ear insertion g. (REIG)

بهره جایگذاری در ارزیابی گوش واقعی اندازه‌گیری اختلاف دسی‌بل بهره بدون سمعک و با سمعک در همه فرکانس‌ها که

توسط میکروفن جستجوگر (پروپ) در نقطه ثابتی نزدیک پرده صماخ در گوش واقعی انجام می‌شود.

real-ear occluded g. (REOG)

اندازه‌گیری اختلاف دسی‌بل SPL در مجرای گوش و SPL در نقطه مرجع یک میدان صوتی معین توسط میکروفن جستجوگر (پروپ) در تمامی فرکانس‌ها برای سمعی که در مجرای گوش قرار داده شده و خاموش است.

real-ear unaided g. (REUG)

بهره در گوش واقعی بدون سمعک اندازه‌گیری اختلاف دسی‌بل SPL در مجرای گوش بدون سمعک و SPL نقطه مرجع میدان صوتی معین در تمامی فرکانس‌ها توسط میکروفن جستجوگر.

reference test g.

بهره آزمایش مرجع

سطح استاندارد ANSI برای بهره با ورودی ۶۰ دسی‌بل SPL و تنظیم کنترل حجم صدا روی نقطه‌ای که فرکانس‌های آزمایشی مرجع ۱۷ دسی‌بل کمتر از میزان حاصله در SSPL-90 باشند.

reserve g.

بهره ذخیره

بهره باقیمانده در سمعک که برابر است با تفاوت بین بهره کاربردی و بهره‌ای که بازخورد ایجاد می‌کند.

unity g.

بهره یکه

بهره‌ای که به ازای هر یک دسی‌بل ورودی یک دسی‌بل خروجی ایجاد کند.

use g.

بهره کاربردی

مقدار بهره ایجاد شده توسط سمعی که در وضعیت استفاده معمول تنظیم شده باشد.

gain control

کنترل بهره

کنترل دستی یا خودکاری که برای تنظیم سطح خروجی تجهیزات شنوایی تعبیه شده است. مترادف: volume control.

automatic g.c. (AGC)

کنترل خودکار بهره

مداربندی تراکمی سمعک غیرخطی که با تغییر سطح محرک، بهره را به‌طور خودکار تغییر دهد یا هنگامی که سطح محرک به حد مشخصی رسید خروجی را محدود نماید. مترادف:

automatic volume control

preset g.c.

کنترل از پیش تنظیم شده بهره

دومین کنترل بهره در سمعک که برای استفاده کننده قابل دستیابی نیست و شنوایی‌شناس می‌تواند با دستکاری آن محدوده تقویت موجود برای استفاده کننده را محدودتر نماید.

gain prefitting

پیش تنظیم بهره

استفاده از اندازه‌گیری میکروفن جستجوگر (پروپ) پیش از اقدام برای تهیه سمعک سفارشی. این اندازه‌گیری به منظور به دست آوردن موارد تصحیح مقادیر بهره و خروجی در جفتگر مورد نظر برای فرد استفاده کننده انجام می‌شود.

gain selection انتخاب بهره
روش‌های تجویز و غیره برای تعیین بهره و پاسخ فرکانسی سمعک.

gamma-aminobutyric acid (GABA)
اسید گاما آمینوبوتیریک
واسطه شیمیایی مهاری که در دستگاه شنوایی موجود است.

gain target, prescriptive

بهره تجویزی هدف
بهره و پاسخ فرکانسی مطلوب سمعک که از طریق فرمول محاسبه شده‌اند و خروجی واقعی سمعک با آن‌ها مقایسه می‌شود.

ganglion; pl. ganglia; ganglions

عقده
به‌طور متداول به تجمع اجسام سلولی عصبی در دستگاه عصبی محیطی گفته می‌شود اما در واقع به هر گروه اجسام سلولی عصبی در دستگاه عصبی مرکزی یا محیطی اطلاق می‌گردد.

galvanic گالوانیک
[L. Galvani]. پزشک و آناتومیست ایتالیایی، ۱۷۹۸-۱۷۳۷]. مربوط به جریان الکتریکی.

acousticovestibular g.

galvanic skin resistance = galvanic skin response

عقده‌های شنوایی دهلیزی
عقده‌های دهلیزی و شنوایی در چین.

galvanic skin response (GSR)

پاسخ گالوانیک پوست
تغییر در مقاومت پوست در نتیجه پاسخ عاطفی به محرک. مترادف:

auditory g. عقده‌های شنوایی

اجسام سلولی یاف عصب شنوایی که در ستونک (مدیولوس) تجمع یافته‌اند.

galvanic skin resistance, psychogalvanic skin response

basal g.

هسته‌های پایه‌ای، هسته‌های قاعده‌ای
هسته‌های بزرگ تحت قشری مغز که شامل هسته‌های دم‌دار، عدسی شکل، پیش‌دیواره (کلاستروم) و بادامی شکل (آمیگدال) است.

galvanic skin response audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

geniculate g. عقده‌های زانویی

gamete گامت، یاخته جنسی

۱. هر نوع سلول جنسی؛ ۲. یکی از دو سلولی که با هم ترکیب می‌شوند.

اجسام سلولی شاخه حسی عصب هفتم
جمع‌های.

Scarpa's g. عقده‌های اسکارپا

عقده حسی‌ای که به بالای دیواره انتهایی مجرای شنوایی داخلی تکیه دارد و اجسام سلولی نورون‌های دوقطبی شاخه‌های فوقانی و تحتانی عصب دهلیزی در آن واقع شده‌اند.

spiral g. = auditory ganglia

vestibular g. = Scarpa's ganglia

gap detection کشف فاصله

آزمایش پردازش زمانی که به منظور ارزیابی کوتاهترین زمان وقفه بین محرک‌های آزمایش که فرد قادر است درک کند طراحی شده است. مترادف:

auditory fusion threshold test-revised

garamycin = gentamicin

GASP → Glendonald auditory Screening procedure or test

gated signal

محرکی که به شیوه خاصی قطع و وصل می‌شود.

Gault's reflex به reflex مراجعه کنید.

gaussion noise به noise مراجعه کنید.

gaze نگاه خیره

ثابت نگاه کردن در یک جهت مشخص برای مدتی.

gaze nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

gaze testing آزمایش نگاه خیره

یکی از آزمایش‌های الکترونیستاگموگرافی که در طی آن حرکت چشم بیمار در وضعیتی ارزیابی می‌شود که وی به یک هدف قابل دید در مکان معینی در روبرو، چپ یا راست خیره نگاه می‌کند.

GCS → Glasgow coma score

gelfoam ژلفوم

نام اختصاصی اسفنج ژلاتینی نازک جذب‌شونده‌ای که برای ترمیم نقایص غشاها به کار می‌رود.

Gelle test آزمایش زله

[M. E. Gelle، متخصص گوش فرانسوی، ۱۹۲۳-۱۸۳۴]. آزمایش دیاپازونی که برای ارزیابی تحرک استخوانچه‌ها ابداع گردید. در این آزمایش، دیاپازون مرتعش روی ماستوئید قرار می‌گیرد و همزمان فشار هوای مجرای گوش تغییر داده می‌شود. اگر میزان دریافت صدا تغییر نکند مشخص می‌شود کاهش شنوایی از نوع انتقالی است.

gender جنس

۱. نوعی اسم در دستور زبان.
۲. جنسیت آناتومیکی فرد.

gene ژن

واحد عملی وراثت که از DNA تشکیل شده است.

general anesthesia بیهوشی عمومی
عمیق ترین سطح ناهشیاری که با فقدان کامل
حس و آگاهی مشخص می شود.

generator مولد
۱. وسیله ای برای تبدیل انرژی مکانیکی به
الکتریکی ۲. منبع فعالیت الکتریکی در مغز.

genetic وراثتی، ارثی

genetic counseling مشاور ژنتیکی
توصیه به والدین مستعد درباره احتمال وجود
اختلالات و موارد ارثی در فرزندانشان.

genetic hearing loss
به hearing loss مراجعه کنید.

genetics علم ژنتیک، علم مطالعه وراثت

geniculate زانویی
هسته های تالاموسی دستگاه های عصبی
مرکزی بینایی (خارجی) و شنوایی (داخلی).

medial g. (MG)

هسته زانویی داخلی
هسته شنوایی تالاموسی که به دو هسته
مرکزی و محیطی تقسیم می شود. الیاف
صعودی اولیه را در برجستگی های تحنالی
دریافت و الیافی را از طریق تشعشع های
شنوایی به قشر شنوایی ارسال می نماید.

geniculate ganglion عقده زانویی
اجسام سلولی شاخه حسی عصب هفتم
چمچمه ای.

genotype ژنوتیپ
ساختار ژنتیکی فرد.

gent → gentamicin

gentamicin; gentamycin جنتامایسین
آنتی بیوتیک آمینوگلیکوزیدی سم گوش که در
درمان عفونت های گرم منفی مورد استفاده
قرار می گیرد.

genu زانو
ساختمان زاویه ای شکل.

geotropic nystagmus
به nystagmus مراجعه کنید.

geriatric سالمندی
مربوط به روند پیری.

geriatric audiology
به audiology مراجعه کنید.

geriatrics علم سالمندی، پیری شناسی
شاخه ای از پزشکی که به جنبه های آسیب شناسی
سالمندی می پردازد.

German measles

سرخچه، سرخک آلمانی
عفونت ویروسی ملایم که با تب و بثورات
جلدی گذرا که مشابه سرخک است مشخص
می شود. در صورت رخداد در زمان بارداری
ممکن است به ناهنجاری هایی در جنین از
جمله کاهش شنوایی حسی عصبی منجر گردد.
مترادف: rubella.

German method روش آلمانی
روشی در نوتوانی شنوایی برای آموزش کودکان مبتلا به آسیب شنوایی با استفاده از شنوایی، گفتار و گفتارخوانی بدون ارتباط دستی. مترادف: oral-aural method

gerontology علم سالمندی، پیرشناسی
مطالعه علمی روند سالمندی.

gestational age (GA) سن بارداری
سن از زمان لقاح که بر حسب هفته و روز از اولین روز آخرین قاعدگی طبیعی محاسبه می شود.

gesture ایما و اشاره
حرکت دادن قسمت‌های مختلف بدن به منظور بیان یا تأکید بر یک عقیده، احساس یا عمل. ایما و اشاره شامل روش‌های ارتباطی نمادین و فرمولی شده نظیر القبای دستی، زبان اشاره و غیره نمی باشد.

gesture language زبان ایما و اشاره
هر حرکت قابل دید بدن که بدون اینکه با گفتار همراه باشد از مفهوم ارتباطی واضحی برخوردار باشد. مقایسه کنید، با:

body language

GFW battery → Goldman-Fristoe-Woodcock auditory skills test battery

GIFROC

پاسخ فرکانسی که به پاسخ فرکانسی حاصل

از جفتگر ۲ سی سی اضافه می شود تا پاسخ در ارزیابی گوش واقعی پیش‌بینی شود. عکس CORFIG.

Glasgow coma score (GCS)

امتیاز اغمای گلاسکو
روش درجه‌بندی عمق اغما و شدت صدمه مغزی بر مبنای باز کردن چشم، پاسخ کلامی و پاسخ حرکتی.

Glendonald Auditory Screening Procedure (GASP)

آزمایش غربالگری شنوایی گلندالند
آزمایشی که برای ارزیابی مهارت‌های شنوایی کودک شامل کشف، تمایز، شناسایی یا درک مواد گفتاری مختلف (واج، هجا، واژه، جمله، محاوره و سخنرانی) انجام می شود. نتایج این آزمایش باید با مشاهده کارکرد کودک در کلاس تکمیل شود.

glia = neuroglia

glioblastoma گلیوبلاستوم
تومور بدخیم با رشد سریع که از سلول‌های نوروگلی غیرقابل افتراق تشکیل شده است.

glioma گلیوم
هر نئوپلاسمی که از نوروگلی منشأ گیرد.

Globular cell type سلول‌های گویچه‌ای
یکی از ۵ نوع سلول موجود در هسته حلزونی.

glomus jugulare

glomus jugulare

گلموموس وداجی
تومور گلموموس که از پیاز وداجی یا زیرصماخی
منشأ می‌گیرد.

glomus tumor

تومور گلموموس
نئوپلاسم کوچک بافت پاراگانگلیونی با تغذیه
عروقی زیاد که نزدیک یا درون پیاز وداجی
واقع است.

glomus tympanicum

گلموموس صماخی
تومور گلموموس که از مزوتمپان منشأ می‌گیرد و
کاهش شنوایی انتقالی و وزوز ضرباندار ایجاد
می‌کند.

glossopharyngeal nerve

به nerve مراجعه کنید.

glucocorticoids

گلوکوکورتیکوئیدها
ترکیبات شبه‌استروئیدی با اثر ضدالتهابی که
در صورت استفاده با دوز بالا با مسمومیت
گوشی همراه می‌باشد.

glucose tolerance test

آزمایش تحمل گلوکز
آزمایش متابولیسم قند خون (گلوکز) که به
بیمار ناشتا مقدار زیادی گلوکز داده می‌شود و
سطح خون وی برای تعیین سرعت متابولیسم
پایش می‌گردد.

glue ear

به ear مراجعه کنید.

glutamic acid decarboxylase (GAD)

واسطه شیمیایی اسید آمینه‌ای که GABA را
سنتز کرده و در هسته حلزونی پشتی متمرکز
می‌نماید.

glycerol test

آزمایش گلیسرول
آزمایش تشخیصی برای بیماری منیر که در
آن کارکرد شنوایی شامل حساسیت تن خالص،
بازشناسی گفتار و نسبت دامنه SP/AP در
الکتروکوکلوگرافی قبل و بعد از جذب گلیسرول
مُدر ارزیابی می‌شود.

goiter

گواتر
بزرگی غده تیروئید که سبب تورم جلوی گردن
می‌شود.

familial g.

گواتر خانوادگی
نوعی کم‌کاری مادرزادی غده تیروئید که علت
آن نقص‌های بیوسنتز تیروئید است. ممکن
است با کاهش شنوایی حسی عصبی همراه
باشد، نظیر سندرم پن‌در.

stippled epiphysis, and high
protein-bound iodine g.

گواتر همراه با اپیفیز نقطه نقطه و مقادیر
زیاد ید وابسته به پروتئین
سندرم متابولیک مادرزادی که از ویژگی‌های
آن بیش‌فعالی تیروئید و کاهش شنوایی حسی
عصبی عمیق است.

gold standard

استاندارد طلایی
نتیجه یا وضعیتی که به صورت معیار تعریف شده

و ویژگی‌های آزمایشی کلیه اندازه‌گیری‌های دیگر با آن مقایسه می‌شوند. یک «درستی» که حساسیت و ویژگی آزمون‌های تشخیصی با آن مقایسه می‌گردد.

Goldenhar syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

Goldman-Fristoe-Woodcock (GFW) auditory skills battery

مجموعه آزمایش‌های شنوایی گلدمن - فریستو - وودکاک، مجموعه آزمایش‌های GFW - ارزیابی تشخیص مهارت‌های شنوایی شامل آزمایش‌های توجه انتخابی، تمایز، حافظه و صوت - نماد شنوایی.

Goldman-Fristo-Woodcock test of auditory discrimination

آزمایش تمایز شنوایی گلدمن - فریستو - وودکاک
آزمایش تمایز شنوایی که برای بزرگسالان و نیز گروه سنی ۸-۳ سال طراحی شده است. این آزمایش شامل زیرآزمایش‌های ضبط شده در سکوت یا همراه پیام‌های رقابتی می‌باشد.

Gradenigo syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

gradually falling or gradually rising audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

grammatic method روش دستوری

هریک از برنامه‌های ویژه نوشتن که قواعد دستوری و نحو را به کم‌شنوایان می‌آموزد. در این روش‌ها، لغات از نظر دستوری و نحوی دسته‌بندی می‌شوند و هماهنگی و پیوستگی دارند. این قواعد را می‌توان به صورت کلامی یا نوشتاری به کار برد. برخی از این روش‌ها عبارتند از: Barry five-slate-system Initial teaching alphabet, Fitzgerald key, Bell's visible speech, Northampton charts, International teaching alphabet, visual tactile system of phonetic symbolization, Wing system.

granular myringitis

التهاب گرانولی پرده صماخ
جایگزینی موضعی یا منتشر پوست پرده صماخ یا بافت گرانولاسیون.

granulation tissue بافت گرانولاسیون

برآمدگی‌های کوچک بافت همبند که روی سطح بافت ملتهب تشکیل می‌شوند.

granuloma گرانولوم

توده تومور شکل گره‌ای التهابی.

cholesterol g. گرانولوم کلسترولی

توده محدودی که در واکنش به ذخایر کلسترولی در ساول‌های محتوی مایع که به‌طور معمول باید تهویه داشته باشند تشکیل می‌گردد. معمولاً در محفظه صماخی - ماستوئید یا راس خارده یافت می‌شود و ضایعه انتقالی یا وراء حلزونی ایجاد می‌نماید.

greater epithelial ridge

لبه بزرگ اپی تلیوم

بخش داخلی اندام کرلیکر (Kölliker) شامل اپی تلیوم جنینی ضخیم و مستقیم است. سلول‌های مویی داخلی و سلول‌های پشتیبان اندام کرتی از آن منتج می‌شوند.

greater superficial petrosal nerve

به nerve مراجعه کنید.

grommet tube

لوله گرومت

لوله تهویه یا همسان‌سازی فشار هوا. مترادف: tympanostomy.

gross sound

صدای ناخالص

صدایی که از محیط برمی‌خیزد.

ground electrode

به electrode مراجعه کنید.

group audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

GSR → galvanic skin response

GSRA → galvanic skin response audiometry

guanine

گوانین

یکی از چهار باز شیمیایی سازنده الفبای ژنتیکی.

gusher

فوران، ریزش، تراوش

جریان شدید خودبخود یا متعاقب جراحی مایع

پری لنف از دریچه بیضی. مترادف:

perilymphatic gusher

gyrus; pl. gyri

شکنج

یکی از برآمدگی‌های برجسته و مدور قشر مغز که توسط شیارهای عمیق (شکاف) یا کم عمق (شیار) از یکدیگر مجزا می‌شوند.

Heschl's g.

شکنج هشل

[R.L. Heschl, آسیب‌شناس اتریشی - ۱۸۲۴]

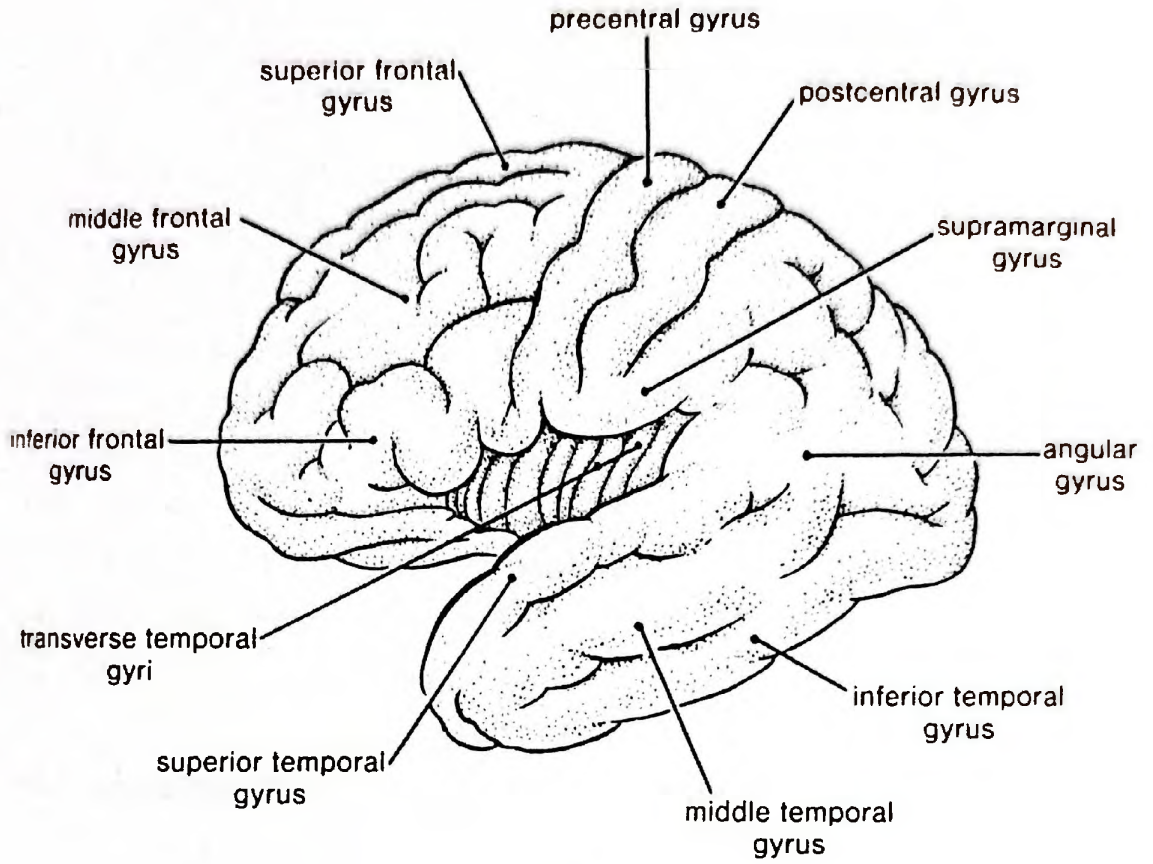
۱۸۸۱]. شیارهای مایل کوتاهی روی کناره داخلی شیار جانبی (شیار سیلویوس) که مجاور شکنج‌های گیجگاهی است و از نمای جانبی توسط آنها پوشیده و مشخص شده است. این شکنج‌های عرضی منطقه اولیه شنوایی را در لب گیجگاهی تشکیل می‌دهند.

temporal g. شکنج‌های گیجگاهی

سه مجموعه از شکنج‌های مغزی لب گیجگاهی را تشکیل می‌دهند. شکنج گیجگاهی تحتانی واقع در زیر شیار گیجگاهی تحتانی، شکنج گیجگاهی میانی واقع در بین شیارهای گیجگاهی فوقانی و تحتانی، شکنج گیجگاهی فوقانی، واقع در بین شیار فوقانی و شیار جانبی (شیار سیلویوس). این شکنج‌ها شامل مراکز مربوط به اعمال شنوایی مرتبط با منطقه اولیه شنوایی در شکنج‌های عرضی گیجگاهی (شکنج‌های هشل) می‌باشند.

transverse temporal g. =

Heschl's gyrus



gyri



H

H₀ → null hypothesis

HA → hearing aid

HA coupler به coupler مراجعه کنید.

habenulae perforata سوراخ هابنولا
سوراخ کوچکی در لبه صفحه ماریچی استخوانی
که الیاف محیطی عصب هشتم مجموعه‌ای در
مسیر خود از سلول‌های مویی تا عقده ماریچی
از آن می‌گذرند.

habilitation توانبخشی، نوتوانی
برنامه یا درمانی که برای ایجاد توانایی‌ها یا
مهارت‌ها طراحی شده است.

aural h.

نوتوانی شنوایی، توانبخشی شنوایی
درمان افراد مبتلا به آسیب شنوایی مادرزادی
به منظور بهبود کلی توانایی برقراری ارتباط
شنوایی / کلامی که شامل استفاده از سمعک،
تربیت شنوایی، درمان زبان و گفتار، گفتارخوانی
و ارتباط دستی است.

habituation عادت‌سازی
۱. فرآیند عادت کردن؛ ۲. فرآیندی که دستگاه
عصبی توسط آن پاسخ‌دهی به محرک مکرر را
مهار می‌کند.

HAE → hearing aid evaluation

HAIC

HAIC → Hearing Aid Industry Conference

HAIC frequency range

محدوده فرکانسی HAIC (همایش صنعت سمعک)

معیاری که توسط همایش صنعت سمعک برای تعریف محدوده پاسخ فرکانسی سمعک تعیین شده است.

HAIC gain به gain مراجعه کنید.

HAIC output

خروجی HAIC (همایش صنعت سمعک) میانگین حداکثر خروجی در فرکانس‌های ۵۰۰، ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ هرتز (استاندارد پیشین) که معمولاً برای سمعک در نظر گرفته می‌شود.

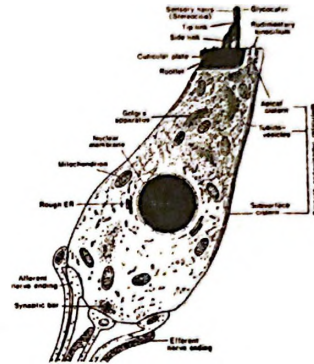
hair cells (HC) سلول‌های مویی

سلول‌های حسی اندام کرتی که پایانه‌های عصب هشتم جمجمه‌ای به آن‌ها متصل می‌گردد. علت نامگذاری آن، استریوسیلیای موماندی است که از سطح رأسی آن خارج شده است.

Inner h.c. (IHC)

سلول‌های مویی داخلی

سلول‌های مویی حسی در اندام کرتی که در یک ردیف آرایش یافته‌اند و پایانه‌های نورون‌های اوران رده اول عصب هشتم جمجمه‌ای به آن‌ها متصل می‌شود.

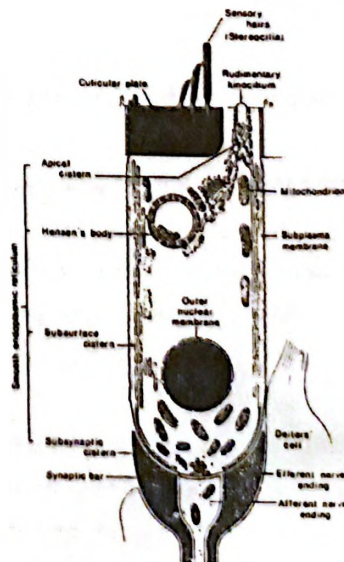


hair cell, inner

outer h.c. (OHC)

سلول‌های مویی خارجی

سلول‌های متحرکی درون اندام کرتی که به نظر می‌رسد مسئول آشکارسازی فرکانس کوک دقیق و تشدید حساسیت سلول‌های مویی داخلی باشند.



hair cell, outer

half-shell earmold

به earmold مراجعه کنید.

half-octave shift phenomenon

پدیده تغییر نیم اکتاوی پدیده‌ای است که از حازون منشأ می‌گیرد و بر اساس آن کاهش شنوایی و آسیب به سلول‌های مویی در منطقه فرکانس‌های نیم اکتاو بالاتر از فرکانس مواجهه رخ می‌دهد.

Hallgren syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

Hallpike maneuver مانور هالپیک

مانور سریعی روی بدن که در طی آزمایش ENG انجام می‌شود. در این مانور بیمار می‌نشیند در حالی که سرش در زاویه ۴۵ درجه قرار دارد با سرعت در وضعیت طاقباز خوابانده می‌شود به نحوی که سر از لبه تخت معاینه آویزان شود. مترادف:

Dix-Hallpike maneuver

handedness دست برتری

تمایل به استفاده از دست چپ یا راست برای فعالیت‌های نظیر نوشتن، خوردن، نوشیدن، پرتاب کردن و غیره.

hallucination, auditory توهم شنوایی

درک واضح صدایی که وجود خارجی ندارد.

hammer

چکشی

نام عامیانه malleus.

hand-hearing syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

handicap

معلولیت

موانعی در عملکرد روانی اجتماعی که از یک ناتوانی نشأت گرفته باشند.

hearing h.

معلولیت شنوایی

موانعی بر سر کارکرد روانی اجتماعی که از ناتوانی شنوایی ناشی می‌شود.

handicapped

معلول

HAPI → Hearing Aid Performance Inventory

haptic

بساوایی

مبین ترکیب حس لامسه و حرکت جنبشی، ر.ک: proprioception.

haptic feedback

به feedback مراجعه کنید.

haptic perception

درک بساوایی

آگاهی و تفسیر اطلاعات حسی که از طریق مدالیته‌های لامسه‌ای و جنبشی دریافت می‌شوند.

Harboyan syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

hard-of-hearing (HOH) سخت‌شنوا

دیتلا به آسیب شنوایی ملایم تا شدید. ر.ک: deaf.

hard peak clipping**hard peak clipping**

برش شدید قله، برش ناگهانی قله
روش محدود کردن خروجی (تقویت‌کنندگی)
سمعک که سر قله‌های جریان متناوب را در
سطحی از پیش تعیین شده حذف می‌کند. ر.ک.
soft peak clipping

hard-wired

سیم‌دار

hard-wired auditory trainer

دستگاه تربیت شنوایی سیم‌دار
دستگاه تقویت‌کننده اولیه‌ای که در آن گیرنده
شنونده، میز و میکروفن گوینده به تقویت‌کننده
متصل می‌شود.

harelip

لب‌شکری، شکاف کام

[به دلیل شباهت ظاهری آن به لب خرگوش
چنین نامیده می‌شود.] شکاف مادرزادی لب
بالایی. مترادف: cleft lip.

harmonic

هماهنگ، همساز

جزئی از یک تن مرکب که فرکانس آن مضرب
صحیحی از فرکانس پایه باشد.

harmonic distortion

به distortion مراجعه کنید.

harmonic motion, simple

حرکت هماهنگ ساده

حرکت رفت و برگشتی پیوسته، متقارن و تناوبی
یک جسم که به حرکت درآمده باشد.

harmonic series سری‌های هماهنگ

مجموعه کامل هماهنگ‌های موجود در تن‌های
تناوبی مرکب.

Harris test

آزمایش هریس

روشی برای ارزیابی متمارضین که در آن اختلاف
بین آستانه‌های حاصل از روش صعودی و نزولی
محاسبه می‌گردد. اختلاف بیش از ۱۰ دسی‌بل
معمولاً علامت تمارض فرد است. BADGE
آزمایش اصلاح شده این روش به شمار می‌آید.

Harvard PAL PB-50 word lists

فهرست‌های پنجاه واژه‌ای متوازن آوایی
آزمایشگاه سایکواکوستیک هاروارد
یکی از اولین مجموعه فهرست‌های واژه‌ای
تک‌هجایی که در ادیومتری گفتاری برای
آزمایش بازشناسی گفتار به کار می‌رود. این
فهرست‌های آزمایشگاه سایکواکوستیک
(psychoacoustic laboratory; PAL)
هاروارد به نحوی که از نظر آوایی متوازن باشند
ساخته شده‌اند.

Harvard report

گزارش هاروارد

گزارش کلاسیک ۱۹۴۶ پژوهشی که به توصیه
آن افراد کم‌شنوا می‌توانند از سمعک‌هایی که
پاسخ فرکانسی صاف یا کمی شیب‌دار دارند
به طور موفقیت‌آمیزی استفاده نمایند.

HAS → high amplitude sucking
(technique)

HBP → high blood pressure

HC → hair cell

HCL → highest comfortable level

HCP → hearing conservation program

HD → hearing device

head baffle effect اثر صداگیری سر

اثر دیواره یا صداگیری که لاله گوش و سر با هم ایجاد می‌کنند و سبب تفرق اصوات فرکانس پایین و در نتیجه افزایش نسبی صداهای فرکانس بالا می‌گردد.

headphone گوشی

مبدلی که محرک‌های الکتریکی دستگاه ادیومتر را به صدا تبدیل و به گوش ارائه می‌کند. مترادف: earphone.

headroom محدوده ایمن

محدوده پویای باقیمانده سمعک که به اختلاف بین خروجی معین سمعک (نظیر مقدار بهره در تنظیم‌کننده‌های مربوط به استفاده‌کننده) و سطح اشباع آن بر حسب دسی بل SPL اطلاق می‌گردد.

head shadow effect اثر سایه‌ای سر

کاهش شدت صدا توسط سر در میدان صوتی به طوری که شدت صدایی که از یک طرف به سر نزدیک می‌شود زمانی که به گوش طرف دیگر برسد کاهش می‌یابد.

headshake nystagmus test

آزمایش نیستاگموس ناشی از تکان سر
ثبت حرکت افقی و عمودی چشم از طریق

الکترواکولوگرافی متعاقب تکان دادن یا چرخش سر به مدت معین.

head turn technique

آزمایش چرخش سر
روش برای ارزیابی تمایز صداهای گفتاری در کودکان با استفاده از پاسخ چرخش سر.

health information system (HIS)

نرم‌افزار اطلاعات بهداشتی
سامانه رایانه‌ای پایگاه داده‌ها که مختص مؤسسه‌های بهداشت و به منظور پردازش داده‌های جمعیت‌شناسی، تشخیص و منبع پرداخت هزینه‌های بیماران طراحی شده است.

health maintenance organization (HMO)

سازمان تأمین بهداشت، برنامه بیمه سلامتی سازمان بیمه درمانی که در آن متخصصان مختلف خدمات بهداشتی را با تسهیلات خاص آن سازمان به بیمه‌شدگان با تعرفه‌های ثابت ارائه می‌نمایند.

hear شنیدن

hearing شنوایی

normal h. شنوایی هنجار
توانمندی‌های شنوایی شامل آستانه حساسیت و درک فوق‌آستانه‌ای که در محدوده هنجار قرار گیرد.

residual h. باقی‌مانده شنوایی
مقدار باقی‌مانده توانایی شنوایی در فرد مبتلا به کاهش شنوایی.

hearing aid (HA)

سمعک

هر نوع وسیله الکترونیکی که برای تقویت و رساندن صدا به گوش طراحی شده و شامل میکروفن، تقویت‌کننده و گوشی مینیاتوری (رسیور) باشد.

air conduction h.a.

سمعک انتقال هوایی

سمعکی که صدا را تقویت کرده و از طریق هوا به گوش خارجی می‌رساند.

analog h.a. (آنالوگ)

سمعکی که صدا را به شکل مرسوم و با تغییر مداوم محرک پردازش می‌کند.

analog h.a. with digital control

سمعک قیاسی با کنترل رقمی

سمعک قیاسی (آنالوگ) که ویژگی‌های پردازش محرک (فیلترها، خروجی و غیره) آن به صورت رقمی (دیجیتال) کنترل می‌شود.

behind-the-ear (BTE) h.a.

سمعک پشت‌گوشی

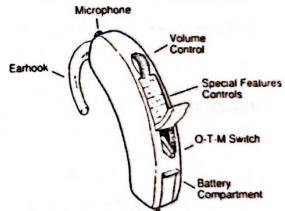
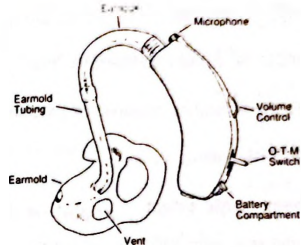
سمعکی که پشت گوش قرار می‌گیرد و توسط قالب با کانال گوش جفت می‌گردد.

bilateral contralateral routing of signal (BICROS h.a.)

هدایت دگرسو و همان سوی محرک، سمعک

بای‌کراس

سمعکی که برای افراد مبتلا به کاهش شنوایی دوطرفه که یک گوش آن‌ها شنوایی مفیدی داشته باشد طراحی شده است. این سمعک در هریک از گوش‌ها یک میکروفن دارد و هر دو

**behind-the-ear hearing aid**

میکروفن محرک را به تقویت‌کننده و گوشی مینیاتوری (رسیور) که در گوش بهتر قرار دارد منتقل می‌کنند.

bilateral frontal routing of signal (BIFROS h.a.)

هدایت دوطرفه محرک از جلوی سر، سمعک

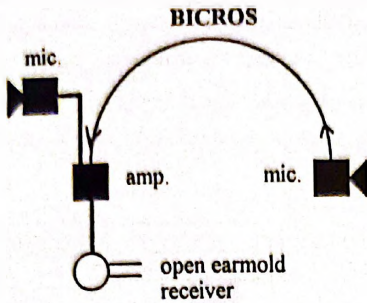
بای‌فراس

سمعکی که میکروفن‌های آن جلوی سمعک عینکی قرار دارند.

binaural CROS h.a.

هدایت دوطرفه و دگرسوی محرک، کراس دوطرفه

سمعکی که میکروفن آن برای کاهش بازخورد از گوشی مینیاتوری (رسیور) فاصله دارد.



BICOS hearing aid

محرک‌هایی که از طریق میکروفن سمعک‌های هر طرف دریافت می‌گردد تقویت شده و از طریق سر به گوش مقابل هدایت می‌شوند. مترادف: criss-CROS.

سمعک جیبی body-worn h.a.

سمعکی که اجزای آن در جعبه کوچکی که به سینه نصب می‌شود قرار دارد، با سیم به گوشی مینیا توری (رسیوری) که روی گوش است متصل می‌گردد و معمولاً در افراد مبتلا به کاهش شنوایی شدید و عمیق مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سمعک لنگری bone-anchored h.a.

رسیور انتقال استخوانی که به طریق جراحی کاشته می‌شود و با یک تقویت‌کننده خارجی هم‌کنش است. این سمعک برای افراد مبتلا به اختلالات مقاوم به درمان گوش میانی تقویت ایجاد می‌کند.

سمعک انتقال استخوانی bone-conduction h.a.

سمعکی که غالباً برای بیماران مبتلا به آترزی دوطرفه گوش خارجی مورد استفاده قرار

می‌گیرد. این سمعک محرک تقویت یافته را به ارتعاشگر استخوانی که روی ماستویید قرار دارد منتقل می‌نماید و در نتیجه گوش میانی را در زده و حلزون را مستقیماً تحریک می‌کند.

سمعک مجرا، سمعک کانال canal h.a.

سمعکی که غالباً در مجرای خارجی شنوایی قرار می‌گیرد و بخش کوچکی از آن تا صدفه می‌رسد. مترادف: in-the-canal hearing aid.

سمعک کربنی carbon h.a.

سمعک قدیمی که دارای میکروفن کربنی بود.

سمعک عمق مجرا، سمعک عمق کانال completely-in-the-ear (CIC) h.a.

تقویت‌کننده کوچکی که از ۱ تا ۲ میلی‌متری داخل مجرا تا نزدیک پرده صماخ قرار می‌گیرد. پهره بیشتری دارد اما به دلیل نزدیکی گوشی مینیا توری (رسیور) آن به پرده توان کمتری دارد.

هدایت دگرسوی محرک، سمعک کراس contralateral routing of signals (CROS) h.a.

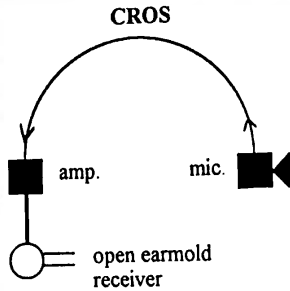
سمعکی که برای کاهش شنوایی یک طرفه طراحی شده است. میکروفن آن روی گوش بدتر قرار می‌گیرد و محرک را به سمعکی که روی گوش بهتر قرار دارد هدایت می‌کند.

سمعک کراس ضربدری criss-CROS h.a.

نوعی سمعک کراس که برای کاهش شنوایی شدید دوطرفه طراحی شده است و در آن میکروفن هر طرف محرک دریافتی خود را به

hearing aid

سمعک گوش مقابل انتقال می دهد و در نتیجه بهره افزوده ای بدون ایجاد بازخورد فراهم می شود.



CROS hearing aid

CROS-plus h.a. سمعک کراس ویژه آرایش تغییر یافته و اصلاح شده سمعک کراس که در آن سمعک کراس رایج روی گوش بهتر و یک سمعک داخل گوشی قوی روی گوشی که قابل تقویت نیست تنظیم می شود.

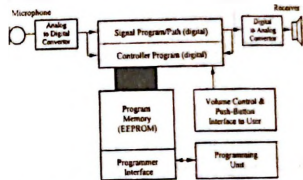
custom h.a. سمعک سفارشی سمعک داخل گوشی، داخل مجرا یا عمق مجرا که مخصوص فرد از روی قالب اولیه اش ساخته می شود.

digital h.a. (دیجیتال) سمعک رقمی سمعکی که محرک را به شکل رقمی (دیجیتال) پردازش می کند. مترادف: DSP hearing aid.

digital signal processing (DSP) h. a.

سمعک با پردازش رقمی (دیجیتال) محرک، سمعک DSP سمعکی که خروجی میکروفون را از شکل قیاسی

(آنالوگ) به رقمی (دیجیتال) تبدیل می کند. این سمعک از دستورالعمل های نرم افزاری برای تغییر مشخصات بهره استفاده می کند و محرک را برای ارائه به گوشی مینیاتوری (رسیور) دوباره به قیاسی (آنالوگ) تبدیل می نماید.

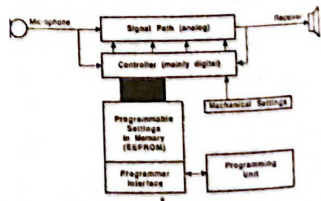


DSP hearing aid

digital-controlled analog (DCA)

h.a.

سمعک قیاسی (آنالوگ) با کنترل رقمی (دیجیتالی) سمعک ترکیبی که در آن عملکرد میکروفون، تقویت کننده و بلندگو قیاسی (آنالوگ) است اما پارامترهای آن به صورت رقمی (دیجیتالی) کنترل می شوند. اصطلاح اولیه آن شبه دیجیتال (quasi-digital) بود.



DCA hearing aid

digitally programmable h.a. =
analog hearing aid with digital control

digitally programmed analog

h.a. = analog hearing aid with digital control

directional h.a. سمعک جهت‌دار

سمعکی که دارای میکروفن جهت‌دار است.

eyeglass h.a. سمعک عینکی

نوع اولیه سمعک که درون یک یا هر دو دسته عینک جاسازی می‌شود.

focal CROS h.a.

سمعک کراس موضعی

نوعی آرایش سمعک به صورت کراس که در آن از یک لوله برای انتقال صدا از صدقه گوش بدون سمعک به میکروفن موجود در همان طرف استفاده می‌شود.

frequency transposition h.a.

سمعک ترانهش فرکانس

وسيله شنوایی که برای جابجایی انرژی فرکانس‌های بالا به منطقه تقویت‌شده فرکانس‌های پایین ابداع شده است و بیماران دارای ادیوگرام گوشه‌ای از آن استفاده می‌کنند.

front routing of signals**(FROS) h.a.**

هدایت محرک از جلو، سمعک فراس

سمعک عینکی که میکروفن آن جلوی عینک قرار دارد و محرک را به سمت عقب و تقویت‌کننده واقع در گوش هدایت می‌کند. مترادف:

IFROS hearing aid

high CROS (HICROS) h.a.

هدایت دگرسویی فرکانس‌های بالا، سمعک کراس فرکانس بالا

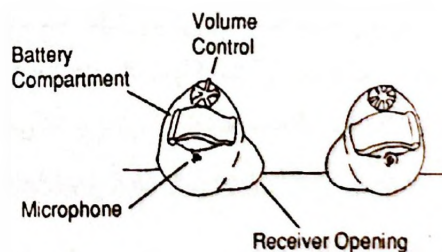
سمعک کراس معمولی که پاسخ فرکانسی آن در گوش دارای سمعک بر فرکانس‌های بالا تأکید دارد.

implantable h.a. سمعک قابل کاشت

وسيله الکترونیکی که از طریق جراحی در محفظه ماستویید یا گوش میانی قرار داده می‌شود و برای تقویت صدا و ارائه مستقیم انرژی ارتعاشی به استخوانچه‌ها طراحی شده است.

in-the-canal (ITC) h.a.

سمعک داخل مجرا، سمعک داخل کانال سمعکی که غالباً در مجرای شنوایی خارجی قرار می‌گیرد و بخش کوچکی از آن تا صدقه می‌رسد. مترادف: canal hearing aid.



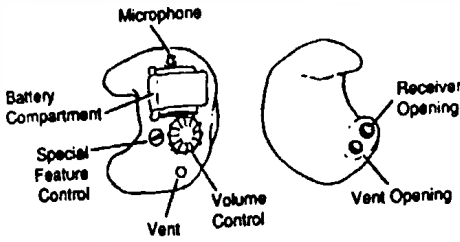
in-the-canal hearing aid

In-the-ear (ITE) h.a

سمعک داخل‌گوشی، سمعک ITE

سمعک سفارشی که کاملاً داخل صدقه قرار می‌گیرد.

Ipsilateral front routing of signals (IFROS) = FROS hearing aid



in-the-ear hearing aid

Ipsilateral routing of signals (IROS)

هدایت همانسوی محرک، سمعک ایراس سمعک یک گوشی یا تأکید بر فرکانس‌های بالا که برای کاهش شنوایی ملایم طراحی شده است و با قالب باز یا لوله روی گوش قرار می‌گیرد.

master h.a. سمعک مینا

وسیله الکترونیکی که محدوده وسیعی از پارامترهای الکترواکوستیکی سمعک را تولید می‌کند و پیش از تنظیم سمعک برای انتخاب بهره و پاسخ آن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

mini-CROS h.a.

سمعک کراس ضعیف سمعک کراسی که در گوشی مینیاتوری (رسیور) گوش بهتر دارای لوله کوتاهی است و برای رساندن حداقل بهره به آن گوش طراحی شده است.

monaural h.a. سمعک یک‌گوشی سمعکی که فقط به یک گوش داده می‌شود.

multi-CROS h.a.

سمعک کراس متعدد، سمعک چندکراسی سمعک کراسی که قابلیت تبدیل به کراس، بای کراس یا سمعک معمولی را داشته باشد.

multiple-memory h.a.

سمعک چندحافظه‌ای سمعکی که قابلیت برنامه‌ریزی برای ایجاد پاسخ فرکانسی‌های مناسب شرایط شنیداری مختلف را داشته باشد.

nonlinear h.a. سمعک غیرخطی

سمعکی که مداربندی تراکم آن تقویت غیرخطی ایجاد می‌کند.

over-the-ear (OTE) = behind-the-ear hearing aid

postauricular h.a. = behind-the-ear hearing aid

power CROS h.a.

سمعک کراس قوی سمعک یک‌گوشی قوی که از روش هدایت دگرسویی محرک استفاده می‌کند زیرا میکروفن آن برای کاهش احتمال بازخورد در گوش مقابل قرار می‌گیرد.

programmable h.a. = analog hearing aid with digital control

pseudobinaural h.a.

سمعک دوگوشی کاذب سمعک جیبی اولیه‌ای که دارای یک تقویت‌کننده

است و یک سیم دوشاخه به شکل Y صدرا به قالب‌های دو گوش منتقل می‌کند.

quasi-digital h.a.

سمعک شبه‌رقمی، سمعک شبه‌دیجیتال اصطلاح اولیه سمعک قیاسی (آنالوگ) دارای کنترل رقمی (دیجیتال).

transcranial CROS h.a.

سمعک کراس جمجمه‌گذر استفاده از روش هدایت دگرسوی محرک (کراس) برای کاهش شنوایی یکطرفه به این نحو که یک سمعک داخل گوش یا بهره زیاد به گوش ضعیف داده می‌شود تا صدا توسط انتقال استخوانی از جمجمه عبور نماید و به حلزون گوش سالم برسد.

transpositional h.a.

سمعک ترانزپس فرکانس سمعکی که انرژی صوتی فرکانس‌های بالا را به محرک‌های دارای فرکانس پایین تبدیل می‌کند و برای افرادی که تنها در فرکانس‌های پایین شنوایی قابل اندازه‌گیری دارند طراحی شده است.

vibrotactlle h.a.

سمعک ارتعاشی لامسه‌ای وسیله‌ای برای کاهش شنوایی عمیق که انرژی صوتی را به انرژی ارتعاشی تبدیل کرده و به پوست منتقل می‌نماید.

Y-cord h.a.

سمعک با سیم Y شکل، سمعک با سیم دوشاخه سمعک جیبی اولیه که خروجی تقویت‌کننده

آن توسط یک سیم Y شکل به دو گوش منتقل می‌شود.

hearing aid acoustician

متخصص اکوستیک سمعک اصطلاح اروپایی توزیع‌کننده سمعک.

Hearing Aid Compatibility Act

قانون سازگاری با سمعک قانون مصوب ۱۹۸۸ دولت فدرال آمریکا که به موجب آن تلفن‌هایی که برای استفاده در آمریکا ساخته یا وارد می‌شوند باید با سمعک سازگار باشند.

hearing aid consultation

مشاوره سمعک

hearing aid effect اثر سمعک

اثری که حضور فیزیکی سمعک بر نگرش بیننده نسبت به استفاده‌کننده از سمعک می‌گذارد.

hearing aid evaluation (HAE)

ارزیابی سمعک

فرآیند انتخاب سمعک مناسب برای فرد بر مبنای اندازه‌گیری‌های مشخصات اکوستیکی تقویت‌کننده و پاسخ درکی به صدای تقویت‌شده.

comparative h.a.e.

ارزیابی مقایسه‌ای سمعک روش اولیه انتخاب سمعک که از طریق توانایی بازشناسی گفتار با سمعک‌های مختلف تلاش

می شد اختلاف بین کارایی سمعک‌ها مشخص شود. مترادف: carhart procedure.

Hearing Aid Industry Conference (HAIC)

همایش صنعت سمعک
گردهمایی تولیدکنندگان ابزار شنوایی و سایر شرکت‌های صنعت سمعک. نام پیشین انجمن صنایع شنوایی.

hearing aid orientation

کلاس‌های آشنایی با سمعک
روند آموزش استفاده صحیح و کاربردهای سمعک به فردی که برای اولین بار می‌خواهد از سمعک استفاده کند.

Hearing Aid Performance Inventory (HAPI)
پرسشنامه کارایی سمعک
پرسشنامه خودارزیابی سودمندی حاصل از استفاده از سمعک برای بیمار.

hearing aid squeal
سوت سمعک
صدای زیر و سوت‌مانندی که به دلیل بازخورد صوتی از سمعک خارج می‌شود.

hearing aid stethoscope

گوشی پزشکی سمعک، استتوسکوپ سمعک
استتوسکوپ‌هایی که برای شنیدن صدای تقویت شده سمعک و تشخیص اشکالات آن به کار می‌رود.

hearing conservation
حفاظت شنوایی
جلوگیری یا کاهش آسیب شنوایی توسط برنامه

شناسایی موارد خطر، پایش شنوایی، حفاظت و آموزش در برابر نویز مخاطره‌آمیز.

Hearing Conservation Amendment

اصلاحیه قانون حفاظت شنوایی
اصلاحیه‌ای که در ۱۹۸۳ بر قانون تنظیم مواجهه با نویز شغلی OSHA صورت گرفت و به منظور تقلیل یا اجتناب از کاهش شنوایی ناشی از نویز و اجرای برنامه‌های حفاظت شنوایی شغلی تدوین گردید.

hearing conservation program (HCP)

برنامه حفاظت شنوایی
برنامه شغلی که برای کمیت‌گذاری ماهیت و وسعت مواجهه مخاطره‌آمیز با نویز، پایش اثرات مواجهه بر شنوایی، کاهش دادن صدا و اجرای حفاظت شنوایی به هنگام ضرورت طراحی شده است.

mobile h.c.p.

برنامه حفاظت شنوایی متحرک
یکی از خدمات حفاظت شنوایی است که در آن از اتومبیل‌های ون مجهز به وسایل آزمایشی جهت غربالگری شنوایی همان مرکز صنعتی استفاده می‌شود.

hearing conservationist, occupational (OHC)

حافظ شنوایی شغلی
فردی که دارای پروانه حفاظت شنوایی شغلی (CAOHC) برای ارائه خدمات جامع مربوط به حفاظت شنوایی می‌باشد.

hearing device (HD)

hearing device (HD) = hearing aid

hearing disability ناتوانی شنوایی
محدودیت عملکردی ناشی از آسیب شنوایی.

hearing disorder اختلال شنوایی
مختل شدن ساختمان و یا عملکرد شنوایی.

hearing handicap معلولیت شنوایی
موانعی بر سر کارکرد روانی اجتماعی که از ناتوانی شنوایی ناشی می‌شود.

Hearing Handicap Inventory (HHI)

پرسشنامه معلولیت شنوایی
مقیاس خودارزیابی که برای ارائه اطلاعاتی در زمینه پیامدهای اجتماعی و عاطفی آسیب شنوایی در فرد طراحی شده است.

Hearing Handicap Inventory for Adults (HHIA)

پرسشنامه معلولیت شنوایی بزرگسالان
اصلاحیه HHIE که برای ارائه اطلاعاتی درباره پیامدهای اجتماعی و عاطفی آسیب شنوایی در بزرگسالان غیر سالمند طراحی شده است.

Hearing Handicap Inventory for the Elderly (HHIE)

پرسشنامه معلولیت شنوایی سالمندان
اصلاحیه HHIE که برای ارائه اطلاعاتی درباره پیامدهای اجتماعی و عاطفی آسیب شنوایی در سالمندان طراحی شده است.

hearing instrument

hearing impairment (HI)

آسیب شنوایی
کارکرد غیرطبیعی یا ناقص شنوایی به دلیل اختلال شنوایی.

hearing impairment degrees

درجات آسیب شنوایی
به‌طور کلی شش طبقه برای شناسایی مقدار آسیب شنوایی مورد استفاده قرار می‌گیرد: مختصر، ملایم، متوسط، متوسط شدید، شدید و عمیق. هر طبقه ویژگی‌های خود را داراست و نشان‌دهنده معلولیت احتمالی حاصله می‌باشد.

مقدار (dB)	درجات آسیب شنوایی
۱۵-۲۵	مختصر
۲۶-۴۰	ملایم
۴۱-۵۵	متوسط
۵۶-۷۰	متوسط شدید
۷۱-۹۰	شدید
بیش از ۹۰	عمیق

hearing in noise test (HINT)

آزمایش شنیدن در حضور نویز
ارزیابی توانایی بازشناسی جمله در حضور نویز زمینه توسط ادیومتری گفتاری.

Hearing Industries Association (HIA)

انجمن صنایع شنوایی
انجمن صنفی تولیدکنندگان سمعک و سایر شرکت‌های صنعت سمعک.

hearing instrument = hearing aid

hearing level (HL)

hearing level (HL)

سطح شنوایی، تراز شنوایی
سطح صدا بر حسب دسی بل HL نسبت به
صفر ادیومتری که به عنوان مرجع در ادیوگرام
و ادیومترها به کار می‌رود.

normalized h.i. (nHL)

سطح هنجار شده شنوایی
سطح دسی بل صدایی که مرجع استاندارد
ندارد و نسبت به سطوحی که به روش رفتاری
هنجار یابی شده‌اند سنجیده می‌شود و بر
حسب دسی بل nHL بیان می‌گردد.

hearing loss (HL) کاهش شنوایی

کاهش حساسیت شنوایی.

acquired h.i.

کاهش شنوایی اکتسابی
کاهش شنوایی که بعد از تولد و به دلیل صدمه
یا بیماری رخ می‌دهد، غیر مادرزادی. مترادف:
adventitious hearing loss.

adventitious h.i.

کاهش شنوایی عارضی
کاهش حساسیت شنوایی که پس از تولد رخ
می‌دهد.

autoimmune h.i.

کاهش شنوایی خودایمنی
اختلال شنوایی که نشانه آن کاهش شنوایی
حسی عصبی پیش‌رونده، نامتقارن و دوطرفه
در بیماری است که در آزمایش بیماری خودایمنی
مثبت بوده است.

conductive h.i.

کاهش شنوایی انتقالی
کاهش حساسیت شنوایی علیرغم عملکرد
طبیعی حلزون که به دلیل آسیب انتقال صوت
از طریق مجرای خارجی شنوایی، پرده صماخ
و زنجیره استخوانچه‌ای رخ می‌دهد.

congenital h.i.

کاهش شنوایی مادرزادی
کاهش حساسیت شنوایی که از بدو تولد وجود
داشته و ناشی از بیماری‌های قبل یا حین تولد
باشد.

dominant hereditary h.i.

کاهش شنوایی ارثی غالب
کاهش شنوایی ناشی از انتقال خصوصیات
ژنتیکی یا جهش قوسی یکی از ژن‌های جفت
ژن‌هایی که باید حامل خصوصیت باشد تا
بروز یابد و هر دو جنس شانس یکسانی برای
ابتلا دارند.

dominant progressive h.i.

کاهش شنوایی پیش‌رونده غالب
خصوصیت ژنتیکی که در آن کاهش شنوایی
حسی عصبی به تدریج در طی سال‌ها پیشرفت
می‌کند و علت آن وراثت غالب است.

fluctuating h.i. کاهش شنوایی مواج

نوعی کاهش حساسیت شنوایی که ویژگی آن
تغییرات غیرتناوبی مقدار آن است.

functional h.i. (FHL)

کاهش شنوایی عملکردی
کاهش شنوایی اغراق‌آمیز یا وانمودی.

genetic h.i. کاهش شنوایی ژنتیکی
کاهش شنوایی ارثی.

heredodegenerative h.i.

کاهش شنوایی تخریبی موروثی
کاهش شنوایی با منشأ ژنتیکی که پس از تولد
پرواز می‌کند.

high-frequency h.i.

کاهش شنوایی فرکانس‌های بالا
اصطلاح غیر تخصصی که به کاهش حساسیت
شنوایی در محدوده فرکانس‌های بالاتر از
۲۰۰۰ هرتز اطلاق می‌شود.

idiopathic h.i.

کاهش شنوایی با منشأ ناشناخته

low-frequency h.i.

کاهش شنوایی فرکانس‌های پایین
اصطلاح غیر تخصصی که به کاهش حساسیت
شنوایی در فرکانس‌های کمتر از ۱۰۰۰ هرتز
اطلاق می‌گردد.

mid-frequency h.i.

کاهش شنوایی فرکانس‌های میانه
اصطلاح غیر تخصصی که به کاهش حساسیت
شنوایی در فرکانس‌های حول ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰
هرتز اطلاق می‌شود.

mild h.i.

کاهش شنوایی ملایم
کاهش حساسیت شنوایی به میزان ۲۶ تا ۴۰
دسی‌بل HL.

mixed h.i. کاهش شنوایی آمیخته
کاهش شنوایی که دارای هر دو جزء انتقالی و
حسی عصبی باشد.

moderate h.i.

کاهش شنوایی متوسط
کاهش حساسیت شنوایی به میزان ۴۱ تا ۵۵
دسی‌بل HL.

moderately sever h.i.

کاهش شنوایی متوسط شدید
کاهش حساسیت شنوایی به میزان ۵۶ تا ۷۰
دسی‌بل HL.

noise-induced h.i. (NIHL)

کاهش شنوایی ناشی از نویز
کاهش شنوایی حسی عصبی دائم که علت آن
ضربه صوتی به دلیل مواجهه با سطوح بیش از
حد نویز باشد.

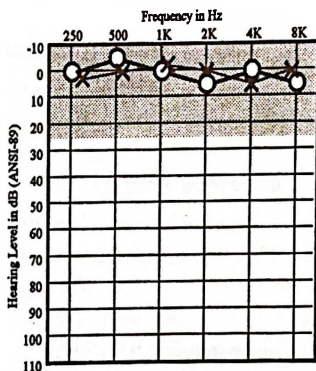
nonorganic h.i.

کاهش شنوایی غیرعضوی
کاهش چشمگیر حساسیت شنوایی در صورتی
که تغییر یا تولوژیک در ساختار شنوایی حادث
نشده است. کاهش شنوایی اغراق آمیز یا
وانمودی. مترادف: functional hearing loss.

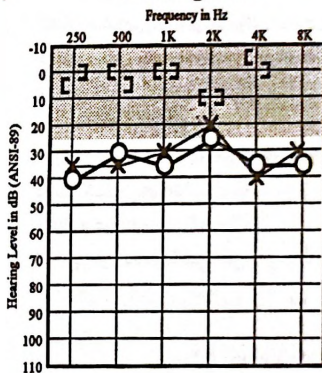
nonsyndromic h.i.

کاهش شنوایی غیرسندرومی
وضعیت ژنتیکی اتوزومال غالب یا مغلوبی که
علائم، حائز اهمیت دیگری با کاهش شنوایی
همراه نباشد. مترادف:
recessive nonsyndromic hearing loss

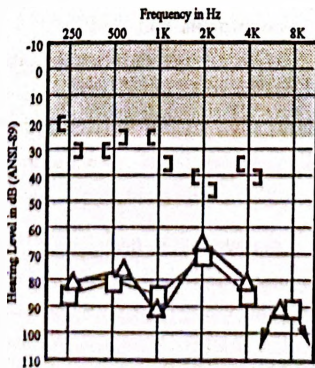
Normal Hearing Sensitivity



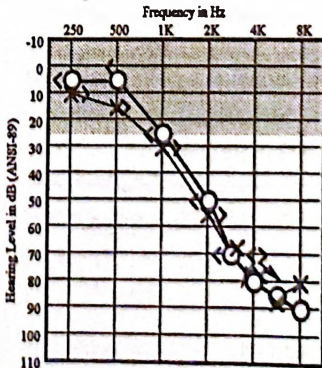
Mild Conductive Hearing Loss



Severe Mixed Hearing Loss



High-Frequency Sensorineural Hearing Loss



occupational h.i.

کاهش شنوایی شغلی
کاهش شنوایی به دلیل مواجهه با سطوح بیش
از حد نویز حین کار.

organic h.i. کاهش شنوایی عضوی

کاهش شنوایی به دلیل وجود فرآیندی
پاتولوژیک در دستگاه شنوایی.

perceptive h.i.

کاهش شنوایی درکی
اصطلاح اولیه کاهش شنوایی حسی عصبی.

precipitous h.i.

کاهش شنوایی شیب دار تند
کاهش شنوایی حسی عصبی که مشخصه آن
ادیوگرام شیب دار تند است.

profound h.i. کاهش شنوایی عمیق

کاهش حساسیت شنوایی به میزان بیش از ۹۰
دسی بل HL.

progressive adult-onset h.i.

کاهش شنوایی دیرآغاز پیشرونده
کاهش شنوایی اتوزومال غالب غیرسندرومی
که در بزرگسالی شروع می شود و از نوع حسی
عصبی متقارن پیشرونده است.

recessive hereditary sensorineural h.i.

کاهش شنوایی حسی عصبی ارثی مغلوب
شایع ترین کاهش شنوایی وراثتی که هر دو والد

ناقل ژن می باشند اما تنها ۲۵٪ فرزندان مبتلا
می شوند و به صورت سندرومی یا غیرسندرومی
بروز می نماید.

sensorineural h.i. (SNHL)

کاهش شنوایی حسی عصبی
افت حلزونی یا وراء حلزونی در حساسیت شنوایی
به دلیل اختلالی که حلزون و یا الیاف بخش
شنوایی عصب هشتم چمچمه ای را درگیر کرده
است.

sever h.i. کاهش شنوایی شدید

کاهش حساسیت شنوایی به میزان ۷۱ تا ۹۰
دسی بل HL.

ski-slope h.i.

کاهش شنوایی شیب دار
اصطلاح عامیانه شکی از منحنی شنوایی که
فرکانس های پایین آن طبیعی و فرکانس های
بالا دارای افت شیب دار تندی نظیر شیب
اسکی است.

sudden h.i. کاهش شنوایی ناگهانی

افت ناگهانی و قابل توجه شنوایی که غالباً
یکطرفه و بدون علت مشخص رخ می دهد و
ممکن است خودبخود بهبود یابد.

symmetric h.i.

کاهش شنوایی متقارن
کاهش شنوایی که میزان آن در دو گوش کاملاً
یا تقریباً یکسان باشد.

syndromic h.i.

کاهش شنوایی سندرمی
کاهش شنوایی که همراه با مجموعه‌ای از
اختلالات پزشکی و فیزیکی که ماهیت بالینی
مشخصی را تشکیل می‌دهند رخ می‌دهد.

toxic h.i. کاهش شنوایی ناشی از سم

کاهش حساسیت شنوایی به دلیل مصرف
داروهای سم گوش.

transient h.i. کاهش شنوایی گذرا

کاهش موقت حساسیت شنوایی.

Type I h.i. کاهش شنوایی نوع یک

نوعی کاهش شنوایی که بر مبنای رشد بلندی
و به منظور تنظیم و تطبیق سمعک طبقه‌بندی
شده است. علت آن فقدان سلول‌های مویی
خارجی و ویژگی آن کاهش حساسیت نسبت
به صداهای آهسته و عدم کاهش یا کاهش
جزئی شنوایی نسبت به اصوات بلند می‌باشد.

Type II h.i. کاهش شنوایی نوع دو

نوعی کاهش شنوایی که بر مبنای رشد بلندی
و به منظور تنظیم و تطبیق سمعک طبقه‌بندی
شده است. علت آن فقدان سلول‌های مویی
خارجی و برخی سلول‌های مویی داخلی و
ویژگی آن کاهش شنوایی نسبت به صداهای
آهسته و برخی علائم گفتاری بلند است.

Type III h.i. کاهش شنوایی نوع سه

نوعی کاهش شنوایی که بر مبنای رشد بلندی
و به منظور تنظیم و تطبیق سمعک طبقه‌بندی

شده است. علت آن فقدان سلول‌های مویی
خارجی و داخلی و ویژگی آن کاهش حساسیت
نسبت به صدای آهسته و بلند است.

unilateral h.i.

کاهش شنوایی یک طرفه
کاهش حساسیت شنوایی تنها در یک گوش.

X-linked h.i.

کاهش شنوایی وابسته به X
کاهش شنوایی ارثی به دلیل استقرار ژن معیوب
روی کروموزوم X، نظیر ژنی که در سندرم‌های
آلپورت و هانتز یافت شده است.

Hearing Performance Inventory

(HPI) پرسشنامه کارایی شنوایی
پرسشنامه خودارزیابی که برای ارزیابی
احساس فرد نسبت به کارایی شنوایی‌اش در
ارتباطات روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرد.

hearing protection حفاظت شنوایی

انواع وسایل و روش‌هایی که برای کاهش
سطوح مخاطره‌آمیز نویز طراحی شده‌اند.

double h.p. حفاظت شنوایی مضاعف

استفاده توأم وسایل حفاظت شنوایی توپی
(پلاگ) گوش و گوشی در طی مواجهه با نویز
بسیار شدید.

Insert h.p.

وسایل محافظ شنوایی داخلی
هریک از انواع وسایل محافظ شنوایی که به

hearing protection device (HPD)

منظور کاهش سطوح بیش از حد نویز، داخل مجرای خارجی شنوایی قرار داده شوند. مترادف: earplug.

hearing protection device (HPD)**وسیله محافظ شنوایی**

هر یک از وسایلی که برای کاهش نویز بیش از حد محیط و محافظت از شنوایی مورد استفاده قرار گیرند و عبارتند از وسایلی که مجرای گوش را مسدود می‌کنند و وسایلی که گوش خارجی را می‌پوشانند.

active noise reduction h.p.d.

وسیله محافظ شنوایی با کاهش فعال نویز وسیله‌ای که با استفاده از روش پردازش دیجیتال محرک، نویز را از بین می‌برد. در این وسیله از آرایه یا میکروفن جهت‌دار استفاده نمی‌شود و به‌طور کلی شامل میکروفن، کنترل بازخورد، تقویت‌کننده، پالایه و بلندگو است. میکروفن محرک مورد نظر را در یک محفظه بسته نظیر گوش خارجی دریافت می‌کند و به پالایه انطباقی که پارامترهای آن هماهنگ با تغییر مشخصات نویز تعدیل می‌شود ارسال می‌نماید. در پالایه، نویز در فاز مخالف قرار می‌گیرد. خروجی پردازش شده پالایه از طریق بلندگو به همان محفظه بسته برگردانده می‌شود تا با باقی مانده نویز به‌طور اکوستیکی جمع شود. نتیجه آن ایجاد «منطقه سکوت» در آن محفظه است.

amplitude-sensitive h.p.d.

وسیله حفاظت شنوایی حساس به دامنه وسیله حفاظت شنوایی غیرخطی که شدت‌های

hearing sensitivity

پایین را هیچ یا اندکی کاهش داده و در شدت‌های بالا کاهش چشمگیری ایجاد می‌نماید.

circumaural h.p.d. گوش‌ایمی

وسایل محافظ شنوایی دور گوش که شامل فنجانک‌های پلاستیکی سخت که دور گوش را توسط اسفنج یا بالشتک‌های پر از مایع درزگیری می‌کند می‌باشد و برای کاهش سطوح بیش از حد نویز طراحی شده است. مترادف: earmuffs.

nonlinear h.p.d.

وسیله محافظ شنوایی غیرخطی وسیله محافظ شنوایی حساس به دامنه که صداهای آهسته را کاهش نمی‌دهد یا به‌طور جزئی کاهش می‌دهد اما با افزایش شدت صدا میزان کاهش آن افزایش می‌یابد.

semiaural h.p.d.

کلاهک محافظ مجرا کلاهک‌های قابل انعطاف که به یک بند محکم دور سر متصل می‌شوند به نحوی که روی دهانه مجرای گوش را می‌پوشانند اما وارد مجرا نمی‌شوند. مترادف: canal caps.

hearing protection earmold

به earmold مراجعه کنید.

hearing sensitivity حساسیت شنوایی

توانایی دستگاه شنوایی برای کشف محرک که غالباً توسط آستانه‌های ادیومتریک تن خالص مشخص می‌شود.

hearing threshold**hearing threshold**

به threshold مراجعه کنید.

hearing threshold level (HTL)

سطح آستانه شنوایی
آستانه فرد یا تعداد دسی بل‌هایی که آستانه
شنوایی فرد از آستانه هنجار فراتر رود که بر
حسب دسی بل HTL بیان می‌شود.

heart-rate audiometry (HRA)

به audiometry مراجعه کنید.

head, eyes, ears, nose and throat

(HEENT) سر، چشم‌ها، گوش‌ها، بینی و گلو

helicotrema هلیکوترما

معبری در انتهای رأسی حلزون که رابط بین
نردبان صماخی و نردبان دهلیزی است.

helix حلزون گوش خارجی، هلیکس

لبه برجسته و آزاد لاله گوش که درست از بالای
دهانه مجرای شنوایی خارجی شروع شده و
قسمت اعظم لبه لاله گوش را دور می‌زند.

Helmholtz resonator

تشدیدکننده هلمهولتز
ابزار اولیه‌ای برای مطالعه علم صوت که دارای
محفظه‌هایی با اندازه‌های مختلف و لوله‌ای
برای قرار گرفتن در گوش است. این وسیله
برای مشاهده و ارزیابی اثرات شکل و اندازه
محفظه‌ها بر تشدیدکنندگی آنها طراحی شده
بود.

heredodegenerative hearing loss**hemiataxia** آتاکسی یک‌طرفه

آتاکسی نیمی از بدن.

hemifacial microsomia

میکروزومی نیمه صورت
اختلال صورتی - جمجمه‌ای که شامل
بدشکلی‌های چشم، صورت و لاله گوش، زواید
پیش لاله‌ای، کوچکی لاله و آترزی است.

hemotympanum صماخ خونی

وجود خون در گوش میانی.

Hennebert's sign علامت هنه‌برت

نیستگموسی که بر اثر اعمال فشار بر تراگوس
و بسته شدن مجرای شنوایی خارجی ایجاد
می‌گردد و در افراد مبتلا به فیستول لایبرنت
دیده می‌شود.

Hensen's cells سلول‌های هنسن

سلول‌های پشتیبان اندام کرتی که لبه خارجی
غشاء سقفی به آن می‌چسبند.

hereditary وراثتی، ارثی، موروثی

آنچه که از طریق ژن تعیین می‌گردد.

hereditary deafness

به deafness مراجعه کنید.

heredity ارثی

نمود انتقال ژنی صفات از نیاکان.

heredodegenerative hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

hermetic seal درزگیری کپ
 درزگیری به نحوی که به هیچ وجه هوا وارد نشود.

herpes zoster زونا
 عفونت حاد، یکطرفه و خودبخود بهبودیابنده که توسط ویروس آبله مرغان - زونا ایجاد می شود و به دلیل التهاب عقده های مغزی و عقده های ریشه خلفی اعصاب و اعصاب محیطی سبب بروز تاول های حبابی در طول مسیر عصب می گردد و با درد عصبی همراه است. علت این مشکل ویروسی است که به صورت نهفته وجود دارد.

herpes zoster oticus (HZO)

زونای گوش
 عفونت زونا که در عقده ها باقی می ماند و می تواند توسط بیماری های عمومی فعال شده به بروز تاول های حبابی روی لاله گوش، فلج عصب هفتم و کاهش شنوایی حسی عصبی منجر گردد. مترادف: Ramsay-Hunt syndrome.

Herrmann syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

Hertz (Hz) هرتز
 واحد اندازه گیری فرکانس که نشان دهنده تعداد سیکل ها در ثانیه است و علت نامگذاری آن به افتخار فیزیکدان آلمانی هاینریش هرتز (۱۸۹۴-۱۸۵۷) است.

Heschl's gyrus

شکنج هشل، شکنج های عرضی گیجگاهی
 [R.L. Heschl: آسیب شناس اتریسی - ۱۸۲۴]

(۱۸۸۱). شیارهای مایل کوتاهی روی کناره داخلی شیار جانبی (شیار سیلویوس) که مجاور شکنج های گیجگاهی است و از نمای جانبی توسط آنها پوشیده و مخفی شده است. این شکنج های عرضی منطقه اولیه شنوایی را در لب گیجگاهی تشکیل می دهند.

heteralateral دگرسویی
 مربوط به طرف مقابل بدن. مترادف: contralateral

heterophasic غیرهمفاز
 خارج از فاز. متضاد: homophasic.

heterotopia هتروتوپی
 جابجا شدن بافت از محل طبیعی خود نظیر جابجایی بافت غدد بزاقی به گوش میانی.

heterozygous هتروزایگوس
 فردی که برای یک صفت خاص دارای آلل های مختلف می باشد. متضاد: homozygous.

HF → high frequency

HFA → high frequency average

HFA full-on gain به gain مراجعه کنید.

HFA SSPL90 → high frequency average saturation sound pressure level

HHI → Hearing Handicap Inventory

HHIA → Hearing Handicap Inventory
for Adults

HHIE → Hearing Handicap Inventory
for the Elderly

HI → hearing impairment

hi-fi plugs تویی‌های دارای کیفیت بالا
وسیله حفاظت شنوایی که برای کاهش
یکدست محدوده فرکانسی صدا و حفظ کیفیت
بالای (high fidelity) تولید صدا به ویژه
موسیقی طراحی شده است.

HI-PRO رابط اختصاصی رایانه
دستگاهی که به عنوان یک استاندارد صنعتی
طراحی شده و برای جفت کردن سمعک قابل
برنامه‌ریزی به رایانه مورد استفاده قرار
می‌گیرد.

HIA → Hearing Industries Association

high-amplitude sucking technique
(HAS) روش مکیدن پر دامنه

در این آزمایش که زیر مجموعه ادیومتری
مشاهده رفتاری نوزادان است، دامنه مکیدن
نوزاد به‌طور پیوسته ثبت می‌گردد و با هر بار
ارائه صدای گفتاری اگر دامنه از حد خاصی
بیشتر شود نشانه پاسخ کودک به صدا است و
به این ترتیب توانایی وی در تمایز جفت
صداها و گفتاری ارزیابی می‌شود.

high blood pressure (HBP)

فشار خون بالا

high CROS; HICROS

به aid hearing مراجعه کنید.

high-cut filter به filter مراجعه کنید.

high fidelity

تولید مجدد صدا با کیفیت عالی و حداقل
اعوجاج.

high frequency (HF) فرکانس بالا

اصطلاح غیر تخصصی مربوط به فرکانس‌های
پالاتر از حدود ۲۰۰۰ هرتز.

high-frequency audiometer

به audiometer مراجعه کنید.

high-frequency average (HFA)

میانگین فرکانس‌های بالا

یکی از ویژگی‌های سمعک که مطابق ANSI
به عنوان میانگین پاسخ بر حسب دسی‌بل در
فرکانس‌های ۱۰۰۰، ۱۶۰۰ و ۲۵۰۰ هرتز بیان
می‌شود.

high-frequency average (HFA)

به gain مراجعه کنید.

high frequency average saturation
sound pressure level (SSPL 90)

میانگین سطح اشباع فشار صوتی در
فرکانس‌های بالا

یکی از مشخصه‌های سمعک بر حسب ANSI
که با محاسبه خروجی سمعک در وضعیت بهره‌



high-frequency filter

کامل نسبت به ورودی ۹۰ دسی بل، SPI، به دست می‌آید.

high-frequency filter

به filter مراجعه کنید.

high-frequency hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

high-level compression

به compression مراجعه کنید.

high-level SISI در شدت بالا

آزمایش اولیه‌ای برای تشخیص اختلال وراء حلزونی. اصلاحیه روش SISI که در سطح شدت بالا ارائه می‌شود. افراد دارای شنوایی هنجار و یا کاهش شنوایی حلزونی باید افزایش‌های ناچیز شدت را در این سطح درک کنند.

high, medium, low indices

شاخص‌های بالا، متوسط و پایین روش بیان قابلیت‌های کاهندگی وسایل محافظ شنوایی بر اساس اندازه‌گیری باندهای اکتاوی.

high-pass earhook

قلاب بالاگذر گوش قلاب گوش دارای پالایه‌ای که خروجی سمعک را در فرکانس‌های کمتر از ۲۰۰۰ یا ۳۰۰۰ هرتز کاهش می‌دهد.

high-pass filter

به filter مراجعه کنید.

high-risk register

۱. فهرست افراد در خطر
- فهرست نام نوزادان در خطر کاهش شنوایی.
۲. فهرست عوامل خطر
- فهرست عواملی که کودک را در معرض خطر ابتلا یا بروز کاهش شنوایی قرار می‌دهد.

highest comfortable level (HCL)

بالاترین سطح راحت شنوایی حداکثر سطح بهره که بلندی راحتی به دست آید. این سطح در تنظیم و تطبیق سمعک برای کمک به تعیین سطوح محدودکننده خروجی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

HINT → hearing in noise test

HIS → health information system

histology

بافت‌شناسی مطالعه ساختمان‌های ظریف سلول‌ها و بافت‌ها با توجه به کارکرد آنها.

histopathology

آسیب‌شناسی بافت مطالعه تغییرات ناشی از بیماری در ساختمان‌های کوچک سلول‌ها و بافت‌ها.

history (Hx)

تاریخچه‌گیری، شرح حال

hit rate

درصد مثبت واقعی در صد دفعاتی که یک آزمایش تشخیصی در صورت وجود ضایعه مثبت باشد. متضاد:

false-alarm rate

HIV

HIV → human immunodeficiency virus

HL¹ → hearing level

HL² → hearing loss

HML indices → high, medium, low indices

HMO → health maintenance organization

HNS → head and neck surgery

HOH → hard of hearing

hollow-canal earmold

به earmold مراجعه کنید.

homeostasis

هموستازی
وضعیت تعادل در بدن.

homogeneity

یکسانی، یکنواختی

homogeneity of audibility

قابلیت یکسان شنیده شدن
یکسان بودن میزان شنیده شدن مواد
آزمایشی نظیر فهرست‌های واژه‌های
اسپوندایک که در آزمایش درک گفتار استفاده
می‌شود.

homogeneous

یکسان، یکنواخت
دارای کیفیت، وضعیت یا ساختار یکسان.

homologous

همولوگ

۱. همانند. یکسان و مشابه بودن از لحاظ
ساختمان، ترکیب و منشأ.

۲. دارای انواع سلول‌هایی که از لحاظ آنتی‌ژنی
با هم فرق دارند. مربوط به افرادی که از یک
گونه بوده ولی از لحاظ آنتی‌ژنی با هم فرق
دارند.

homophasic

همفاز

متضاد: heterophasic.

homophenes

کلماتی که شکل تلفظ آنها روی لب یکسان به
نظر می‌رسد.

homozygous

هموزیگوس

دارای ژن‌های مشابه در یک جفت ژن. متضاد:
heterozygous

Hood technique

به masking technique مراجعه کنید.

horizontal ampulla

آمپول افقی

بخش برآمدگی مجرای نیم‌دایره افقی که شامل
ستنج آمپول است.

horizontal ampullary nerve

به nerve مراجعه کنید.

horizontal canal = horizontal semi-
circular canal

horizontal plane سطح افقی
صفحه مرجع آناتومی که بدن را به دو نیمه فوقانی و تحتانی تقسیم می‌کند.

horizontal semicircular canal

مجرای نیم‌دایره افقی

یکی از سه مجرای استخوانی دستگاه دهلیزی که اپی‌تلیوم‌های حسی پاسخ‌دهنده به حرکت زاویه‌ای در آن واقع شده‌اند. مترادف:

lateral semicircular canal

horizontal semicircular duct

مجرای نیم‌دایره غشائی افقی

یکی از سه مجرای غشائی دستگاه دهلیزی که اپی‌تلیوم‌های حسی پاسخ‌دهنده به حرکت زاویه‌ای در آن واقع شده‌اند. مترادف:

lateral semicircular duct

horn

شیپور

وسیله‌ای که به عنوان ترانسفورماتور امپدانس صوتی عمل می‌کند و به دلیل انتقال تدریجی صوت، ایجاد پاسخ فرکانسی صاف و تقویت بیشتر فرکانس‌های بالا، رابط مطلوبی بین خروجی گوشی مینیاتوری (رسیور) سمعک و پرده گوش (با مساحت تقریباً ۶۰ برابر خروجی) به شمار می‌آید.

Bakke h.

شیپور بکی

شیپور پلاستیکی سختی که به طور مستقیم قالب‌های لوسیت یا نرم (بکی - S) چسبانده می‌شود. از نظر ابعاد با شیپور لیبی یکی است

اما تفاوت عمده آن در مناسب بودن و ارزانی هزینه تعویض لوله از قالب تا شیپور بکی است.

Libby h.

شیپور لیبی

شیپور قالب که با لوله صوتی آن یک تکه است و از داخل په صورت پله پله پاریک می‌شود.

horn bore

منفذ شیپوری شکل

منفذ مخروطی در قالب که از نمای داخلی وسیعتر است و برای افزایش تقویت فرکانس‌های زیر طراحی شده است.

reverse h.b.

منفذ شیپوری معکوس

منفذ مخروطی در قالب که از نمای خارجی وسیعتر است و برای کاهش تقویت فرکانس‌های زیر طراحی شده است.

horn effect

اثر شیپور

تغییر در پاسخ فرکانسی صوت تقویت شده از طریق تغییر دادن قطر ابتدا یا انتهای مجرای صوتی قالب. اگر شیپور در انتهای قالب قرار گیرد اصوات فرکانس بالا بیشتر تقویت خواهد شد.

HPD → hearing protection device

HPI → Hearing Performance Inventory

HRA → heart-rate audiometry

HTL → hearing threshold level

HTLV-III

HTLV-III → human T-cell lymphotropic virus III

Human Immunodeficiency virus

(HIV) ویروس نقص ایمنی انسان
رتروویروس بیماریزای سلول که عامل ایدز است
و می تواند سبب بروز بیماری های عفونی گوش
میانی و ماستوئید و نیز اختلال دستگاه عصبی
محیطی و مرکزی شود. مترادف: HTLV-III

human T-cell lymphotropic virus III

ویروس عامل لنفوم یا لوسمی T-cell انسانی III
رتروویروسی که عامل ایدز است. مترادف: HIV.

Hunter syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

Hunt's syndrome = Ramsay-Hunt
syndrome

Hurler syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

Hx → history

hybrid

۱. دورگه

۲. ترکیبی

در سمک ها به وسایلی که دارای هر دو جزء
آنالوگ و دیجیتال باشند اطلاق می گردد.

hydraulic

هیدرولیک

آنچه که توسط مایع تحت فشار عمل می کند.

hydrocephalus

هیدروسفالوس

تجمع بیش از حد مایع مغزی نخاعی در فضای
زیر عنکبوتیه یا زیر سخت شامه.

hydrops

ادم، خیز، هیدروپس

تجمع بیش از حد مایع سرروز در هر یک از
یافت ها یا فضا های بدن.

cochlear h.

هیدروپس حلزونی

تجمع بیش از حد آندولنف درون لایبرنت
غشائی که به کاهش شنوایی حسی عصبی
مواج، وزوز گوش و احساس پری منجر می شود.

endolymphatic h.

هیدروپس آندولنفاتیک

تجمع بیش از حد آندولنف در لایبرنت حلزونی
و دهلیزی که به کاهش شنوایی حسی عصبی
مواج، سرگیجه، وزوز و احساس پری منجر
می شود. مترادف: Ménière's syndrome.

labyrinthine h.

هیدروپس لایبرنتی

تجمع بیش از حد آندولنف در لایبرنت غشائی.
مترادف: endolymphatic hydrops.

hypacusis = hypoacusis

hyperacusis

تندشنوایی

حساسیت غیر طبیعی شنوایی که سبب می شود
صداهایی که به طور معمول قابل تحمل
می باشند بیش از حد بلند به نظر برسند.

hyperbilirubinemia

هیپر بیلی روبینمی

مقدار زیاد و غیر طبیعی بیلی روبین در خون

hyperesthesia

هنگام تولد که عامل خطر برای ابتلا به کاهش شنوایی حسی عصبی محسوب می‌شود. مترادف: erythroblastosis fetalis.

hyperesthesia حساسیت شدید

حساسیت شدید و غیرطبیعی به محرک‌های حسی.

hypermetric saccades

تعقیب‌های سریع بیش از حد، ساکادهای هیپرمتریک

در آزمایش ENG به شرایطی اطلاق می‌گردد که در آن چشم‌ها در طی تنظیم و یا آزمایش ساکاد روی هدف ثابت نشده بلکه از آن می‌گذرند و لازم است توسط ساکادهای اضافی روی هدف برگردند. متضاد:

hypometric saccades**hyperprolinemia II**

هیپرپرولینمی نوع II

اختلال متابولیک اتوزومی غالب که با افزایش پرولین در خون و کاهش شنوایی حسی عصبی پیشرونده دیرآغاز همراه است.

hyper-recruitment

بسیج سلولی بیش از حد، رگروتمنت بیش از حد رشد بیش از حد بلندی با افزایش شدت به طوری که تن دارای شدت بالا در گوش آسیب‌دیده بلندتر از گوش سالم شنیده می‌شود. مترادف: over-recruitment. رک: recruitment.

hypoplasia**hypertrophy** هیپرتروفی

بزرگی یا رشد بیش از حد یک عضو یا یک قسمت به علت افزایش اندازه سلول‌های تشکیل دهنده آن.

hyperuricemia هیپراوریسمی

اختلال توأم متابولیک و غدد درون‌ریز همراه با کاهش شنوایی حسی عصبی پیشرونده دیرآغاز.

hypoacusis کم‌شنوایی

نقصان حساسیت شنوایی. مترادف: hypacusis.

hypochondriasis خودبیمارانگاری

توجه مرضی نسبت به سلامت خود و توجه اغراق‌آمیز نسبت به هر حس غیرعادی بدن.

hypogenesis تکامل ناقص جنین**hypoglossal nerve**

به nerve مراجعه کنید.

hypometric saccades

تعقیب‌های سریع کمتر از حد، ساکادهای هیپومتريک

در آزمایش ENG شرایطی است که چشم در طی تنظیم یا آزمایش ساکاد به هدف نمی‌رسد. متضاد: hypermetric saccades.

hypoplasia هیپوپلازی

تکامل ناقص یا رشدنیافتگی پافت یا اندام.

hypothesis

hypothesis فرضیه
فرضیه یا ایده‌ای که پیش فرض پژوهش‌های تجربی محسوب می‌شود.

null h. (H₀) فرضیه صفر

در آمار، به فرضیه مقدماتی دال بر عدم اختلاف بین دو یا چند مجموعه داده‌ها اطلاق می‌گردد.

hypothyroidism

هیپوتیروئیدی، کم‌کاری تیروئید، کاهش فعالیت تیروئید
این حالت در بالغین به صورت کاهش میزان متابولیسم، خستگی و خواب‌آلودگی تظاهر می‌کند.

hypotonia هیپوتونی

کاهش تونسیته عضلات اسکلتی.

hypotympanic recess = hypotympanum

hypotympanotomy

ریشه‌کنی تومورهای کوچک در بخش پایینی صماخ از طریق جراحی

hypotympanum هیپوتمپان

قسمتی از گوش میانی که پایین لبه تحتانی شیار صماخی واقع شده است.

hypoxia هیپوکسی

کاهش اکسیژن در هوا، خون یا بافت.

hysteresis

پسمانی، پسماند، هیسترسیس
عدم هماهنگی بین دو پدیده مرتبط.

hysterical deafness

به deafness مراجعه کنید.

Hz → Hertz

HZO → herpes zoster oticus

I

I tracing → interrupted tracing

I/O function → input/output function

IA → interaural attenuation

IAC → internal auditory canal

IAM → internal auditory meatus

IAS → intermediate acoustic stria

Iatrogenic ایاتروژنیک

ناشی از اعمال و کارهای پزشکی

IC¹ → inferior colliculus

IC² → integrated circuit

ICD → International Classification of Diseases

ICM → ipsilateral competing message

ICN¹ → intensive care nursery

ICN² → intermediate care nursery

Icterus یرقان، زردی

یرقان بدخیمی که می‌تواند سبب کاهش شنوایی حسی عصبی شود.

ICU → intensive care unit

IDE → investigational device exemption

IDEA

IDEA → Individuals with Disabilities Education Act

Identification audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

Idiopathic

بدون علت مشخص

Idiopathic hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

Idiopathic nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

IDL → intensity difference limen

IEP → individualized educational plan

IFROS → ipsilateral frontal routing of signals

IFSP → individualized family service plan

IHAFF → Independent Hearing Aid Fitting Forum

IHC → inner hair cell

IHS → International Hearing Society

IL → intensity level

ILD → interaural latency difference

IM → intramuscularly

IMAC ifosmaddin, mesna, adriamycin, cisplatin

آیفوسمادین، مسنا، آدریامایسین، سیس پلاتین

دارویی که برای رژیم شیمی درمانی سارکوم استخوانی به کار می‌رود و بالقوه سم گوش است.

Imaging, magnetic resonance (MRI)

تصویربرداری تشدید مغناطیسی

روش پرتونگاری که برای تهیه تصاویر دقیق از ساختمان‌های بدن مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش بدن در یک میدان مغناطیسی در معرض پالس‌های دارای فرکانس رادیویی قرار گرفته و در نتیجه سیگنال‌هایی به صورت تصویر از یون‌های تحریک شده هیدروژن در ساختمان‌های بدن به دست می‌آید.

Iminoglycinuria ایمینوگلیسین‌اوری

مشکل ارثی خوش‌خیم در بازجذب کلیوی گلیسین و ایمینواسیدهای پرولین و هیدروکسی پرولین که با کاهش شنوایی همراه است.

Immittance

ایمیتانس

واژه‌ای کلی برای جریان انرژی در گوش میانی که شامل ادیمیتانس، کامپلیانس، کاندوکتانس، امپدانس، راکتانس، رزیستانس و سوپیتانس است.

static I.

ایمیتانس ایستا

اندازه‌گیری سهم گوش میانی در امپدانس صوتی که از طریق ارائه فشار به مجرای گوش، مقدار

Immittance audiometry

ایمیتانس مجرای گوش خارجی از مقدار کلی ایمیتانس کسر می‌گردد.

Immittance audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

immittance screening

غربالگری ایمیتانس ارزیابی سریع کارکرد گوش میانی توسط تمپانومتري.

immunocytochemistry

مطالعه ساختمان سلول‌ها با روش‌های ایمونولوژیک.

immunodeficiency نقص ایمنی

آسیب‌پذیری نسبت به بیماری‌ها به دلیل نقص سازوکار ایمنی بدن.

immunodeficiency panel

آزمایش نقص ایمنی آزمایش خون که مخصوص اندازه‌گیری مقدار ایمونوگلوبین است. این پروتئین ارگانایسم را از عفونت‌های ویروسی و باکتریایی حفظ می‌کند.

Impact noise به noise مراجعه کنید.**Impacted cerumen** جرم فشرده

جرمی که سبب بسته شدن مجرای شنوایی خارجی می‌شود.

Impedance matching

Impairment آسیب کارکرد غیرطبیعی یا کاهش یافته.

hearing I. (HI) آسیب شنوایی کارکرد غیرطبیعی یا ناقص شنوایی به دلیل اختلال شنوایی.

sensory I. آسیب حسی کارکرد غیرطبیعی یکی از حواس.

impedance (Z) امپدانس مخالفت کلی با جریان انرژی یا مقاومت در برابر جذب انرژی که بر حسب اهم بیان می‌شود.

characteristic I. امپدانس ویژه امپدانس‌سی که بر مبنای ویژگی‌های یک سیستم به طور طبیعی موجود است.

impedance audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

Impedance bridge

دستگاه پل امپدانس دستگاهی که برای انجام ادیومتری امپدانس بر مبنای مدار پل الکترونیک طراحی شده بود.

Impedance matching

همسازی امپدانس رویکرد یکسان‌سازی امپدانس دو وسیله یا دو دستگاه.

Impedance matching device

Impedance matching device

دستگاه همسازی امپدانس ساختمان یا مداری که به منظور ایجاد پل بین دو وسیله که از نظر امپدانس ناهمسانند طراحی شده است. به طور مثال در گوش میانی، این مدار امپدانس پایین هوا را با امپدانس بالای سامانه هیدرولیک حلزون همساز می‌کند.

impedance mismatch

ناهمسازی امپدانس تفاوت امپدانس دو دستگاه یا دو وسیله که انرژی بین آنها جاری می‌شود.

imperative signal محرک اصلی

در ارزیابی پتانسیل‌های برانگیخته شرطی منفی به محرکی اطلاق می‌گردد که شنونده باید به آن پاسخ دهد و قبل از آن نیز محرک شرطی ساز ارائه می‌شود.

Imperception, auditory

عدم درک شنوایی
اسیب پارشناسی یا تفسیر صوت.

Implant کاشت

هر وسیله‌ای که از طریق جراحی در محل قرار داده شود. به طور مثال کاشت حلزون، سمعک قابل کاشت و سمعک لنگری.

auditory brainstem I.

کاشت الکتروود در بخش شنوایی ساقه مغز الکترودهایی که در محل اتصال عصب هشتم جمجمه‌ای به هسته حلزونی کاشته می‌شوند.

این الکتروودها محرک‌ها را از پردازنده خارجی دریافت کرده و تکانه‌های الکتریکی را مستقیماً به ساقه مغز ارسال می‌نمایند.

cochlear I. کاشت حلزون

وسيله‌ای که افراد مبتلا به کاهش شنوایی عمیق را قادر می‌سازد صدا را دریافت کنند و این وسیله مشتمل است بر ۱. یک ردیف الکتروود که به روش جراحی در حلزون کاشته می‌شود و محرک‌های الکتریکی را به عصب هشتم جمجمه‌ای ارسال می‌نماید و ۲. یک تقویت‌کننده خارجی که الکتروودها را فعال می‌کند.

implantable hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

قالب اولیه، قالب اولیه گوش Impression قالبی که برای ساخت قالب سفارشی یا سمعک از صدفه و مجرای گوش تهیه می‌شود.

۱. انگیزه آبی، قوه محرکه آبی
۲. تکانه، ایمپالس
پتانسیل عمل الیاف عصبی.

Impulse noise به noise مراجعه کنید.

In phase هم‌فاز
شرایطی که قله و فرورفتگی دو موج، همزمان باشد. مترادف: homophasic.

In situ در محل اصلی خود، در مجرای گوش
به طور مثال در مورد سمعک قرار دادن آن روی گوش بیمار و در وضعیتی که استفاده می‌شود.

In situ audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

In situ measurement

اندازه گیری مجرای گوش

ارزیابی عملکرد سمعک در حالی که روی گوش قرار دارد.

in-the-canal hearing aid (ITC)

به hearing aid مراجعه کنید.

in-the-ear hearing aid (ITE)

به hearing aid مراجعه کنید.

in utero

درون رحم
زاده نشده.

incidence

میزان وقوع فراوانی وقوع که عبارت است از تعداد موارد جدید بیماری یا وضعیت مورد نظر در یک جمعیت خاص و در طی یک دوره زمانی معین.

Incident wave

به wave مراجعه کنید.

Inclusion cyst

کیست محصور شده، کیست انکلوزیونی ضایعات کیستی سفتی که متعاقب بریدگی یا ضربه روی لاله گوش دیده می شوند.

Incomplete recruitment

بسیج سلولی ناقص، رکروتمنت ناقص زمانی که احساس بلندی تن در گوش مبتلا، به

احساس بلندی همان تن در گوش سالم در سطوح بالای شدت نزدیک شده ولی کاملاً یکسان نمی شود. مترادف: partial recruitment ر.ک: recruitment.

Incudefotomy

خارج کردن استخوانچه سندان از طریق جراحی.

incudomalleolar joint

مفصل چکشی سندان

Incudostapedial joint

مفصل سندان رکا بی

incus

سندان
استخوانچه میانی زنجیره استخوانچه ای که در فرورفتگی فوق صماخی واقع شده است. این استخوانچه دارای تنه و دو زائده است که زائده کوتاه در حفره سندان قرار می گیرد و زائده بلند به سر رکا بی مفصل می شود. ر.ک: anvil.

long process of the i.

زائده بلند سندان
پایه بلند سندان که تنه سندان را به زائده عدسی شکل در سر رکا بی متصل می کند.

short crus of the i.

زائده کوتاه سندان
پایه کوتاه سندان که به حفره سندان متصل می شود و به عنوان نقطه محوری حرکت لولایی زنجیره استخوانچه ای عمل می کند.

Independent Hearing Aid Fitting

Independent Hearing Aid Fitting Forum (IHAFF)

هم‌اندیشی مستقل تنظیم و تطبیق سمعک گروهی از شنوایی‌شناسان که رهنمودهایی را برای انتخاب، تنظیم و تطبیق سمعک غیرخطی ارائه می‌نمایند.

Indication

مورد مصرف، مورد استعمال، اندیکاسیون نشانگر درمان صحیح یک وضعیت.

Individualized education plan (IEP)

برنامه تحصیلی فردی برنامه اجباری دولت فدرال آمریکا برای آموزش کودکان معلول که سالانه بازبینی می‌شود.

Individualized family service plan

برنامه خدمات انفرادی خانوادگی (IFSP) برنامه اجباری دولت فدرال آمریکا برای آموزش کودکان معلول پیش‌دبستانی و خانواده آنها که هر سال روزآمد می‌شود.

Individuals with Disabilities Education Act (IDEA)

قانون تحصیل مبتلایان به ناتوانی قانون عمومی ۱۴۲-۹۴ و ۴۵۷-۹۹ آمریکا که تحصیل رایگان و مناسب را برای تمام کودکان معلول ۳ سال به بالا را اجباری کرده است. این قانون از ارائه خدمات به کودکان شیرخوار و نوپا نیز حمایت می‌کند.

Induced nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

Inductance

۱. خودالقایی

خاصیت یک رسانا، سیم‌پیچ یا مدار برای ذخیره انرژی در میدان مغناطیسی و مقاومت در برابر تغییر جریان در خود.

۲. مقاومت القایی، ضریب خودالقایی

عنصری در مدار الکتریکی که توسط انرژی میدان مغناطیسی خود در مقابل تغییر جریان مقاومت می‌کند.

Induction

۱. استقرا

۲. القاء

تولید جریان الکتریکی یا وضعیت مغناطیسی با نزدیک شدن به یک منبع الکتریکی یا مغناطیسی دیگر.

embryonic i.

القای جنینی

۱. نفوذ ماده‌ای بر رشد یک بافت.
۲. اولین زائیده از سلسله زواید جنینی که در دستگاه شنوایی شامل تشکیل صفحات گوشی و صفحه عصبی است.

Induction coil القا، بوبین القا

سیم‌پیچ و ماده رسانایی که داخل آن است. هرگاه سیم‌پیچ در میدان مغناطیسی قرار گیرد به دلیل تراکم بالای ماده رسانا، جریان الکتریکی در آن القا می‌شود. در سمعک، تله کویل سیم‌پیچ القا است و تلفن میدان مغناطیسی را ایجاد می‌کند.

Induction loop

Induction loop حلقه القایی
سیم بلندی که دور اتاق را احاطه کرده و به دلیل انتقال انرژی الکتریکی از تقویت‌کننده میدان مغناطیسی تولید می‌نماید. جریان الکتریکی از این سیم به تله کویل (حلقه القای) سمعک القا می‌گردد.

industrial audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

industrial hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

industrial zone noise

به noise مراجعه کنید.

inertance

لختی واسطه صوتی، ماند واسطه صوتی

Inertia

لختی، ماند، اینرسی
تمایل جسم به ادامه دادن حرکت یا باقی ماندن بر سکون.

inertial bone conduction

به bone conduction مراجعه کنید.

infantile cochleovestibular degeneration

تخریب حلزونی ساکولی نوزادی
تخریب وپروسی یا بدون علت مشخص حلزون و ساکول با حفظ سلامت اتریکول و ستیج‌ها. این بیماری در دوران نوزادی رخ داده و منجر به کاهش شنوایی حسی عصبی عمیق یکطرفه یا دوطرفه می‌شود.

Inferior colliculus (IC)

Infantile meningogenic labyrinthitis
به labyrinthitis مراجعه کنید.

Infarct انفارکت
منطقه محدودی از نکرور ایسکمیک که به دلیل انسداد شریان یا قطع درناژ وریدی ایجاد می‌شود.

Infarction ۱. انفارکتوس، سکت
۲. تشکیل انفارکت

infection عفونت
وضعیت مرضی که به دلیل تهاجم و تکثیر میکروارگانیسم‌های بیماری‌زا در بدن ایجاد می‌شود.

infectious عفونی

inferior تحتانی
جهت آناتومیک که به ساختمان‌هایی که در سمت پایین یا در سطح تحتانی واقع‌اند اشاره دارد. مترادف: caudal. متضاد: superior.

Inferior cerebellar artery

به artery مراجعه کنید.

Inferior colliculus (IC)

برجستگی‌های تحتانی
هسته شنوایی در مغز میانی که هسته مرکزی آن الیاف صعودی را از هسته حلزونی و مجموعه زیتونی فوقانی و هسته محیطی آن الیاف نزولی را از قشر مغز دریافت می‌کنند.

dorsomedial i.c.

بخش پشتی میانی برجستگی تحتانی
بخشی از برجستگی تحتانی که الیاف نزولی را
از قشر مغز و نیز الیافی را از بخش پشتی میانی
برجستگی تحتانی دگرسویی دریافت می‌کند.

ventrolateral i.c.

بخش شکمی خارجی برجستگی تحتانی
بخش آوران هسته مرکزی برجستگی تحتانی
که الیاف صعودی هسته حلزونی و مجموعه
زیتونی فوقانی را دریافت می‌کند.

Inferior pontine syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

Inferior tympanic artery

به artery مراجعه کنید.

Inferior vestibular nerve

به nerve مراجعه کنید.

Inflammation**التهاب**

واکنش بافت نسبت به صدمه یا تخریب
سلول‌ها که با احساس گرما، تورم، درد، سرخی
و گاه از دست رفتن عملکرد آن مشخص
می‌شود.

Informal method**روش غیررسمی**

آموزش فهمیدن معنای کل پاراگراف پیش از
تجزیه آن به جمله، واژه و صدا. این روش از
سوی نیچی (Nitchie) و کینزی (Kinzie)
پیشنهاد گردید. مترادف: syntactic method.

Infrachordal facial palsy

فلج تحت طنابی عصب صورتی
فلج کامل یا خفیف عصب صورتی به دلیل
ضایعه‌ای که پایین‌تر از شاخه طناب صماخی
واقع شده است. در این صورت حس چشایی،
ریزش اشک یا رفلکس رکابی صدمه نمی‌بینند.

Infrared system

دستگاه مادون قرمز، دستگاه زیرقرمز،
دستگاه فرورسرخ

وسیله شنوایی کمکی که تشکیل شده از یک
میکروفن / انتقال‌دهنده که نزدیک منبع
صوتی مورد نظر قرار گرفته و صدا را از طریق
امواج نوری زیرقرمز به گیرنده / تقویت‌کننده
ارسال می‌کند و بدین ترتیب نسبت محرک به
نویز را افزایش می‌دهد.

infrasonic**فروصوتی**

مربوط به فرکانس‌های پایین‌تر از محدوده
شنوایی انسان. مترادف: subsonic.

Infrasonic frequency

به frequency مراجعه کنید.

Infrastapedial facial palsy

فلج تحت رکابی عصب صورتی
فلج کامل یا خفیف عصب صورتی به دلیل
ضایعه‌ای که بین شاخه طناب صماخی و
عصب عضله رکابی واقع شده است. در این
صورت حس چشایی آسیب می‌بیند اما بر
رفلکس رکابی یا ریزش اشک تأثیری ندارد.

Infrequent signal محرک نادر
در ثبت پتانسیل وابسته به تحریک ۱۲۳،
محرکی است که کمتر از محرک مکرر رخ
می‌دهد و شنونده باید به آن توجه کند.

Inherent درون‌زاد، فطری
موردی که در ذات یک ارگانسیم وجود دارد و
ویژگی آن محسوب می‌شود. مترادف:

innate, intrinsic

inheritance وراثت، توارث، ارث

autosomal I. وراثت اتوزومی
وراثت ژنتیکی مربوط به کروموزوم‌های
غیرجنسی.

autosomal dominant I.

وراثت اتوزومی غالب

انتقال جهش و صفت ژنتیکی که در آن تنها
یک ژن از یک جفت باید صفت را حمل کند تا
بروز یابد و هر دو جنس شانس مساوی برای
مبتلا شدن دارند.

autosomal recessive I.

وراثت اتوزومی مغلوب

انتقال صفت یا جهش ژنتیکی که هر دو ژن در
یک جفت باید حامل صفت باشند تا بروز یابد.

sex-linked I. = X-linked inheritance

X-linked I. وراثت وابسته به X

هر صفت ژنتیکی وابسته به کروموزوم X،
انتقال این صفت از طریق مادر، ۵۰٪ پسران را

مبتلا و ۵۰٪ دختران را ناقل خواهد کرد. اما از
طریق پدر به ۱۰۰٪ دختران منتقل خواهد شد.

Inhibit مهار کردن، متوقف کردن

Inhibition مهار، وقفه
کاهش یا ایجاد وقفه در یک عمل.

residual I. وقفه پایدار

قطع موقت وزوز گوش پس از ارائه پوشش.

Inhibitor مهارکننده، مهاری
واسطه شیمیایی که نقش مهارکننده دارد.

initial masking

به masking مراجعه کنید.

innate ذاتی

مادرزادی، وراثتی، غیراکتسابی. مترادف:

inherent, intrinsic

Inner ear به ear مراجعه کنید.

Inner hair cells (IHC)

سلول‌های مویی داخلی

سلول‌های مویی حسی که در اندام کرتی در
یک ردیف آرایش یافته‌اند و پایانه‌های
نورون‌های آوران رده اول عصب هشتم
ججمعده‌ای به آن‌ها متصل می‌شود.

Inner pillars ستون‌های داخلی

ستون‌های نگهدارنده که سلول‌های مویی را
ثابت نگه‌دارند و از غشاء پایده تا بالای

اندام کرتی امتداد یافته، دیواره داخلی تونل کرتی را تشکیل می دهند. متضاد:
outer pillars

Inner rods = inner pillars

Inner spiral tunnel = inner sulcus

Inner sulcus شیار داخلی
شکافی در اندام کرتی که توسط سطح مقعر سکوی ماریچی، غشاء سقفی و سطح داخلی سلول های مویی داخلی تشکیل می شود.
 مترادف:

inner spiral tunnel, spiral tunnel

Inner supporting cells

سلول های پشتیبان داخلی
سلول های تشکیل دهنده شیار داخلی.

Innervation عصب دهی
تأمین الیاف عصبی یک ساختمان در بدن.

Input ۱. درون ده
انرژی یا اطلاعات ارائه شده به یک سامانه.
۲. ورودی
ارائه انرژی یا اطلاعات به یک سامانه.

Input compression

به compression مراجعه کنید.

Input/output function (I/O function)

تابع ورودی-خروجی
تابعی که سطوح شدت خروجی را نسبت به

سطوح شدت ورودی نشان می دهد. این تابع برای توصیف مشخصه های بهره تقویت کننده مورد استفاده قرار می گیرد.

Input-referred noise

به noise مراجعه کنید.

Input signal محرک ورودی
محرک صوتی که به میکروفن سمعک وارد می شود.

Insert earphone گوشی داخلی
گوشی که مبدل آن از طریق لوله دارای کاف منبسط شونده که درون مجرای خارجی شنوایی قرار می گیرد به گوش متصل می شود.

Insert hearing protection device

وسایل محافظ شنوایی داخلی
هر یک از انواع وسایل محافظ شنوایی که به منظور کاهش سطوح بیش از حد نویز داخل مجرای شنوایی خارجی قرار داده می شوند.
 مترادف: earplugs.

Insertion gain به gain مراجعه کنید.

Insertion loss

کاهش جایگذاری، کاهش تفاضلی اختلاف بین SPL نزدیک پرده صماخ هنگام باز بودن مجرای گوش و زمان مسدود شدن مجرا توسط قالب یا سمعک خاموش. اختلاف بین REUR و REOR.

Inspissation

تغلیظ
افزایش غلظت مایع.

Instantaneous power توان لحظه‌ای
در اکوستیک به میزان تشعشع انرژی صوتی در
لحظات معین اطلاق می‌گردد.

integrated circuit (IC) مدار یکپارچه
مدار الکترونیکی که با عناصر درونی خود که به
یکدیگر متصلند روی بدنه یک ماده نیمه‌هادی
ساخته می‌شود.

integration, binaural تلفیق دوگوشی
ترکیب محرک‌های گفتاری متفاوت که به‌طور
همزمان به دو گوش ارائه شده‌اند. مترادف:
binaural fusion

intelligence quotient (IQ) هوشبهر
اندازه عددی قابلیت ذهنی که با تقسیم نمره
سن ذهنی (MA) حاصله از یک آزمون خاص،
مثلاً آزمون استنفورد-بینه، بر سن تقویمی
(CA) بیمار ضربدر ۱۰۰ به دست می‌آید.

Intelligibility درک، شناخت، فهم
گستره قابلیت درک گفتار

Intelligibility Rating Improvement
Scale (IRIS)

پرسشنامه بهبود میزان درک گفتار
مقیاسی که توسط آن بیمار تعیین می‌کند در

موقعیت‌های مختلف شنوایی چه مقدار از گفتار
قابل درک است.

Intensity, sound شدت صوت
۱. توان صوتی که از یک منطقه معین عبور
می‌کند. واحد آن وات بر متر مربع است.
۲. اصطلاح کلی برای هر کمیتی که به مقدار
دامنه صوت مربوط می‌شود.

Intensity difference limen (IDL)
حد افتراق شدت
کوچکترین تفاوت قابل کشف در شدت یک
محرک.

intensity level (IL) سطح شدت
شدت صوت بر حسب دسی‌بل. سطح شدت
صدا که برابر است با ده برابر لگاریتم اعشاری
نسبت شدت صوت مورد نظر به شدت مرجع.
$$IL (dB) = 10 \log \frac{I}{I_r}$$

intensive care nursery (ICN)
اتاق مراقبت‌های ویژه نوزادان
بخشی در بیمارستان که به مراقبت از نوزادان
نیازمند به نگهداری و پایش ویژه اختصاص
یافته است.

Intensive care unit (ICU)
بخش مراقبت‌های ویژه
بخشی در بیمارستان که به مراقبت از افراد
نیازمند نگهداری و پایش ویژه اختصاص یافته
است.

Intensive care unit

neonatal i.c.u. (NICU)

بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان
بخشی در بیمارستان که به مراقبت از نوزادان
نیازمند به نگهداری و پایش بیشتر اختصاص
یافته است.

pediatric i.c.u. (PICU)

بخش مراقبت‌های ویژه کودکان
بخشی در بیمارستان که به مراقبت از خردسالان
نیازمند به نگهداری و پایش بیشتر اختصاص
یافته است.

interaural بین‌گوشی

interaural attenuation (IA)

کاهش بین‌گوشی
کاهش انرژی صوتی محرک هنگام انتقال از
یک طرف سر به گوش مقابل از طریق استخوان.

interaural latency difference (ILD)

اختلاف زمان نهفتگی بین‌گوشی
اختلاف زمان نهفتگی امواج پتانسیل برانگیخته
شنوایی، معمولاً موج V ABR با تحریک
گوش راست در مقایسه با گوش چپ، که بر
حسب میلی ثانیه بیان می‌شود.

Interface

فصل مشترک، حد مشترک، حد فاصل، رابط
نقطه اتصال، ارتباط یا تماس دو وسیله.

Interference level, noise

سطح دخالت نویز
سطحی که نویز سبب پوشش پاز شناسی مواد
گفتاری می‌شود.

Interformant energy

انرژی بین سازه‌ها
اجزای دارای انرژی گفتاری که بین یاندهای
فرکانسی سازه قرار می‌گیرند.

interleave در آمیختن، همراه کردن
همپوشانی الگوی محرک‌ها یا پاسخ‌ها.

interleaved pulses processing

به processing مراجعه کنید.

intermediate acoustic steria (IAS)

نوار شنوایی بینابینی
دسته اعصابی که الیاف آنها از هسته حلزونی
شکمی خلفی آغاز شده و با هسته‌های
پیش‌زیتونی همان سوی و دگرسویی و نوار
ریل خارجی دگرسویی سیناپس می‌نماید.

Intermediate care nursery (ICN)

بخشی در بیمارستان که نوزادانی که بخش
مراقبت‌های ویژه را ترک می‌کنند پیش از
ترخیص در آن بستری می‌شوند. امکانات و
تجهیزات این بخش کمتر از NICU است.

Intermediate nucleus of the lateral
lemniscus (LLI)

هسته بینابینی نوار ریل خارجی
یکی از سه تنه الیافی که از هسته‌های شنوایی
پل تشکیل شده است و به عنوان رله الیاف
شنوایی صعودی از PVCN و LSO در مغز
خلفی تا برجستگی تحتانی عمل می‌کند.

Intermodal transfer انتقال بین حسی
فرآیند عصبی انتقال اطلاعات حسی
دریافت شده از یک ورودی حسی به دستگاه
دیگری در مغز. مترادف:

cross-modality perception, intersensory
transfer, transducing, supramodal per-
ception

Intermodulation distortion

به distortion مراجعه کنید.

internal acoustic meatus = internal
auditory meatus

Internal auditory artery

به artery مراجعه کنید.

internal auditory canal (IAC) =
internal auditory meatus

Internal auditory meatus (IAM)

مجرای داخلی شنوایی
سوراخی در سطح خلفی بخش خارۀ استخوان
گیجگاهی که از طریق آن اعصاب شنوایی و
صورتی عبور می‌کنند.

Internal carotid artery

به artery مراجعه کنید.

Internal ear = inner ear

Internal feedback

به feedback مراجعه کنید.

Internal noise به noise مراجعه کنید.

Internal radiating arterioles

مویرگ‌های تشعشعی داخلی
گروهی از مویرگ‌ها که شاخه‌ای از شریان
حلزونی اصلی را تشکیل می‌دهد و تقسیمات
آن شبکه مویرگی تغذیه‌کننده غشاء پایه و
سلول‌های مویی را می‌سازد.

International Classification of Diseases (ICD)

طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها
سیستم طبقه‌بندی که توسط سازمان جهانی
بهداشت ایجاد شده است.

International Hearing Society (IHS)

جامعه بین‌المللی شنوایی
انجمن متخصصان شنوایی به‌ویژه متخصصان
سمعک.

International Organization for Standardization (ISO)

سازمان بین‌المللی استاندارددها
انجمن متخصصانی که استانداردهای مربوط
به تجهیزات اندازه‌گیری را تعیین می‌کنند.

International phonetic alphabet (IPA)

الفبای آوایی بین‌المللی
الفبای نمادهای مربوط به صداهای گفتاری.

Interneurons نورون رابط

نورون‌هایی که رابط نورون‌های حسی اولیه و
نورون‌های حرکتی انتهایی هستند.

Internuclear ophthalmoplegia

فلج بین‌هسته‌ای عضلات چشم
اختلال حرکت چشم که از ضایعات دسته طولی
داخلی ناشی می‌شود.

Interpeak interval = interpeak latency

interpeak latency

زمان نهفتگی بین‌قله‌ای
اختلاف بین زمان نهفتگی‌های دو قله پتانسیل
برانگیخته شنوایی بر حسب میلی ثانیه نظیر
زمان نهفتگی بین‌قله‌ای I تا V در پاسخ
شنوایی ساقه مغز. مترادف:

interwave latency, interpeak interval

interrupted speech test

آزمایش گفتار منقطع
ارزیابی ادیومتریک گفتار با مواد گفتاری که
حشو خارجی آنها با ایجاد انقطاع سریع و
متناوب کاهش یافته است.

Interrupted tracing (I tracing)

منحنی منقطع
نموداری در ادیومتری بکزی که با ردیابی
آستانه توسط صوت منقطع یا پالسی به صورت
فرکانس ثابت یا چاروب فرکانسی به دست
می‌آید. متضاد: continuous tracing.

Interrupted switch دکمه قطع‌کننده
دکمه روی ادیومتر که محرک آزمایشی را قطع
یا ارائه می‌کند.

intersensory transfer = intermodal
transfer

interstice

بینابین
فضای کوچک یا شکاف بین یا درون پاقت‌ها
یا اندام‌ها.

interstimulus duration = intersti-
mulus interval

Interstimulus interval (ISI)

فاصله زمانی بین تحریکی
زمان بین تحریک‌های متوالی.

interstitial

بینابینی
مربوط به فضاهاى بین‌باقتی.

interstitial fluid

مایع بینابینی
مایع موجود در خارج غالب سلول‌های بدن که
دارای ترکیب یونی مشابه با پری‌لنف است.

Intersubject

بین‌فردی

Intertragic incisure

شکاف بین‌زبانده‌ای، شکاف بین‌تراگوسی
شکاف غضروف لاله گوش که زبانه (تراگوس)
را از مقابل زبانه (آنتی‌تراگوس) جدا می‌کند.

Interwave interval = interpeak latency

Intonation

آهنگ
جنبه‌ای از گفتار که شامل تغییرات زیروبمی،
نکیه و وقفه یا مکث است.

Intonation contour

Intonation contour منحنی آهنگ
الگوی تغییرات فرکانس پایه صدا در طول زمان.

Intra-aural muscles

به muscle مراجعه کنید.

Intra-aural reflex

به reflex مراجعه کنید.

intra-axial

درون محوری

درون ساقه مغز. متضاد: extra-axial.

intra-axial tumor

تومور درون محوری

توموری که از ساقه مغز منشأ گرفته باشد.

intracellular potential

به potential مراجعه کنید.

intractable tinnitus

به tinnitus مراجعه کنید.

intramuscular (IM)

داخل عضلانی

معمولاً تزریق داخل عضلانی.

Intraoperative monitoring

پایش حین عمل

ارزیابی مداوم یکپارچگی اعصاب جمجمه‌ای حین جراحی. به طور مثال در طی برداشت تومور شنوایی، عصب هفتم جمجمه‌ای به دلیل نزدیکی به محل قطع پایش می‌شود و عصب هشتم نیز به دلیل تلاش برای حفظ شنوایی پایش می‌گردد.

Inverse square law**Intratympanic**

درون صماخی

داخل گوش میانی.

Intravenous (IV)

درون وریدی، درون سیاهرگی

معمولاً به روش تزریق دارو اطلاق می‌گردد.

intrinsic

داخلی، درونی، ذاتی

متضاد: extrinsic.

intrinsic redundancy

حشو درونی

در ادیومتری گفتاری به افزایش اطلاعات موجود در دستگاه شنوایی مرکزی به دلیل ظرفیت ذاتی مسیرهای پرنورون اطلاق می‌گردد. متضاد: extrinsic redundancy.

inverse feedback

به feedback مراجعه کنید.

inverse relationship

ارتباط معکوس

شرایطی که مقادیر دو مجموعه داده‌ها همبستگی منفی دارند به طوری که مقدار یکی بیشتر شود دیگری کاهش می‌یابد. متضاد:

direct relationship**Inverse square law**

قانون عکس مجذور

قانونی که معرف چگونگی تغییر شدت به عنوان تابعی از فاصله از منبع صوت است به ویژه که شدت به صورت عکس مجذور فاصله از منبع تغییر می‌کند.

Inverting electrode**Inverting electrode**

به electrode مراجعه کنید.

investigational device exemption**(IDE)** معافیت وسایل تحقیقاتی

دریافت تأییدیه اداره کل غذا و داروی آمریکا برای صدور مجوز انجام کار آزمایی بالینی روی وسایل پزشکی جدید که هنوز تأییدیه کاربرد بالینی را دریافت نکرده‌اند.

ion یون

اتم یا گروهی از اتم‌ها که دارای بار الکتریکی منفی یا مثبت هستند و هر یک به سمت قطب مخالف خود حرکت می‌کنند.

ionic یونی**IPA** → international phonetic alphabet**ipsilateral** همان‌سویی، همان‌طرفی**ipsilateral acoustic reflex**

به reflex مراجعه کنید.

ipsilateral competing message**(ICM)** پیام رقابتی همان‌سویی

در ادیومتری گفتاری به نویز یا سایر محرک‌های رقابتی که مانند محرک هدف به همان گوش ارائه می‌شود اطلاق می‌گردد.

ipsilateral delayed endolymphatic hydrops

هیدروپس آندولنفی تأخیر یافته همان‌سویی هیدروپس آندولنفی که در دو مرحله رخ می‌دهد.

ابتدا کاهش شنوایی عمیق در یک گوش و پس از آن ایجاد سرگیجه دوره‌ای در همان گوش.

ipsilateral ear effect

اثر گوش همان‌سویی

پدیده‌ای که در آن بیماران مبتلا به ضایعات لب‌گیجگاهی چپ علاوه بر کسب امتیاز ضعیف مورد انتظار در ارزیابی‌های شنود دوگانه همزمان برای گوش راست، برای گوش چپ نیز امتیاز ضعیفی کسب می‌کنند. این اثر در ضایعات لب‌گیجگاهی راست در ارزیابی‌های شنود دوگانه همزمان گوش راست مشاهده نمی‌شود.

ipsilateral frontal routing of signals**(IFROS)** hearing aid مراجعه کنید.**ipsilateral routing of signals (IROS)**

به hearing aid مراجعه کنید.

IQ → intelligence quotient**IRIS** → Intelligibility Rating Improvement Scale**IROS** → ipsilateral routing of signal**Irradiation injury**

صدمه ناشی از پرتوافکنی آترونی دیرآغاز و پیشرونده لایرننت غشائی به‌ویژه رباط‌های حلقوی و ماریچی متعاقب مواجهه با اشعه.

Irrigation

شستشو، آبیاری

caloric i.

تحریک حرارتی با آب وارد کردن آب گرم یا سرد داخل مجرای خارجی گوش برای آزمایش حرارتی عملکرد دهلیزی.

closed-loop i.

تحریک حرارتی مدار بسته با آب روشی برای تحریک سرد یا گرم دستگاه دهلیزی که آب از طریق کاتتر پادکنک مانند به مجرای خارجی گوش وارد می شود.

open-loop i.

تحریک حرارتی مدار باز با آب روشی برای تحریک گرم یا سرد دستگاه دهلیزی که آب مستقیماً به مجرای خارجی گوش وارد می شود.

ischemia

ایسکمی

کاهش موضعی خون به دلیل ایجاد مانع در تغذیه خونی.

ISI → interstimulus interval

ISO → International Organization for Standardization

isometric

دارای ابعاد یکسان

isotretinoin

ایزوترتینوئین، آکوتان

داروی اسید رتینوئیک که برای آکنه کیستی تجویز می گردد و در صورت استفاده مادر در طول بارداری ممکن است اثر ناقص کنندگی بر دستگاه شنوایی جنین داشته باشد که به کاهش شنوایی مادرزادی منجر می شود.

ITC hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

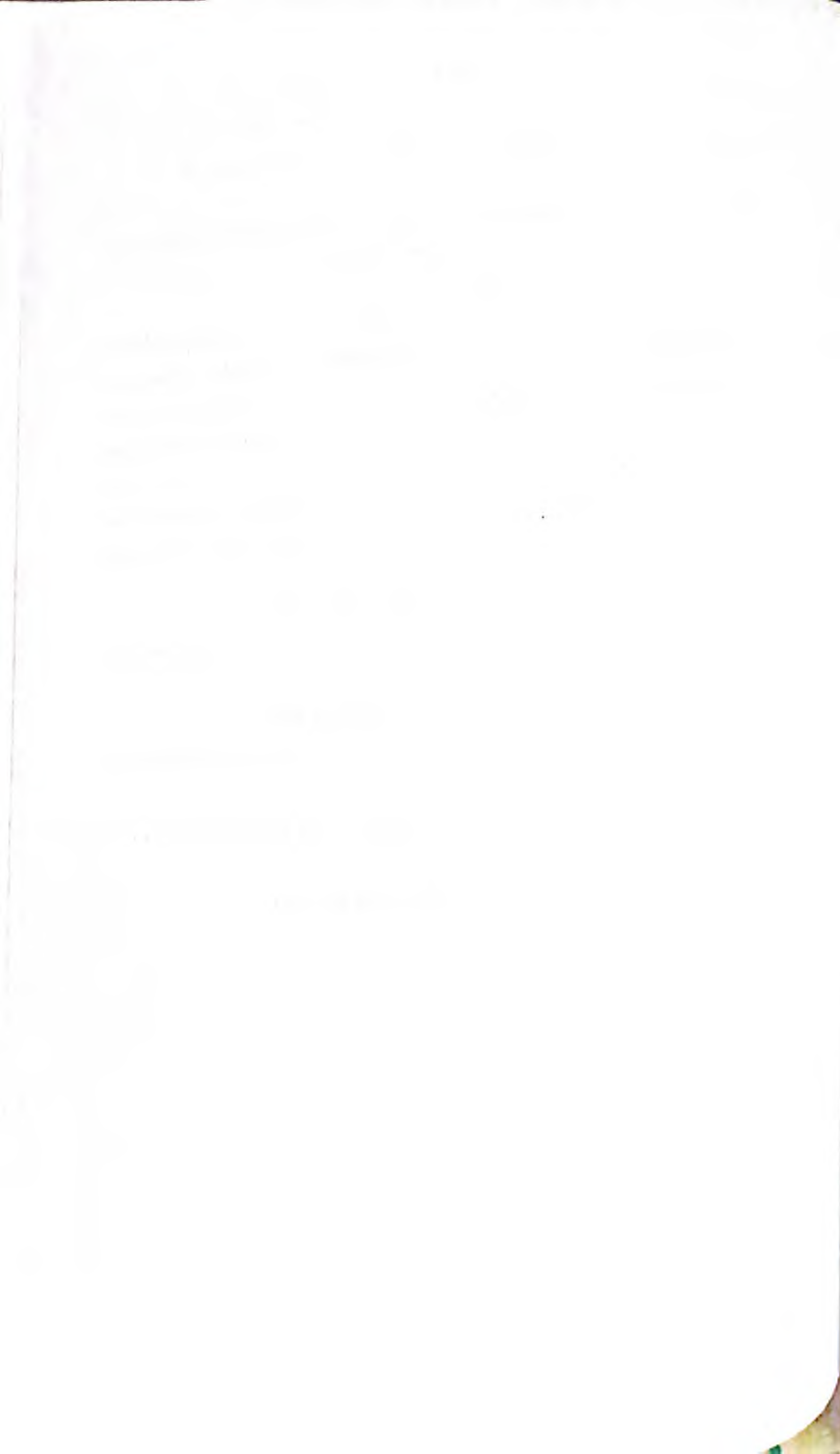
ITE hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

iterative

مکرر، تکرار پذیر، تکرار شونده

IV → intravenous



J

J → joule

Jacobson's nerve

به nerve مراجعه کنید.

Janssen earmold

به earmold مراجعه کنید.

jaundice

یرقان، زردی

اختلالی که با زرد رنگ شدن پوست به علت افزایش بیلی روبین خون و رسوب رنگدانه های صفراوی مشخص می شود. این بیماری در نوع شدید خود با کاهش شنوایی حسی عصبی همراه است. مترادف: icterus.

JCAHO → Joint Commission on Accreditation of Healthcare Organization

JCIH → Joint Committee on Infant Hearing

Jena method

روش ینا

[Jena, آلمان. شهری که این روش توسط K. Braukmann ابداع شد]. یکی از روش های تحلیلی گفتار خوانی که از جنبه های ریتمیک و جنبشی گفتار استفاده کرده و این ویژگی ها را به شنونده انتقال می دهد. ر.ک:

speechreading, aural rehabilitation

jerk nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

Jervell and Lange-Nielson syndrome
به syndrome مراجعه کنید.

Jewett waves

امواج جوئت
Jewett waves
 امواج یا قله‌های پاسخ شنوایی ساقه مغز که ابتدا توسط دان جوئت نامگذاری گردید. وی این امواج را که در طی ده میلی ثانیه به صورت هفت قله با در نظر گرفتن الکتروود مثبت در فرق سر حاصل می‌شوند، امواج I، II، III، ... و VII نامید.

تأسیس شده است.

لرزه، بی‌ثباتی
jitter
 تغییرات جزئی در پاسخ یا محرک از تحریکی به تحریک دیگر یا سیکلی به سیکل دیگر. مترادف: frequency jitter.

ژول
joule (J)
 واحد کار یا انرژی در سیستم SI که عبارت است از کار حاصل از نیروی یک نیوتن هنگامی که نقطه اثرش به اندازه یک متر در راستای نیرو جابجا شود.

JND → just noticeable difference

Joint Commission on Accreditation of Healthcare Organization (JCAHO)

کمیسیون مشترک صدور مجوز سازمان‌های بهداشتی

سازمان غیرانتفاعی که برای سازمان‌های عضو خود شامل بیمارستان‌ها و سایر مراکز بهداشتی مجوز صادر نموده و از آنها پشتیبانی می‌کند. قبلاً JCAH نامیده می‌شد.

پیاز وداجی
jugular bulb
 برآمدگی پیازمانند سینوس سیگموئید در ابتدای ورید وداجی داخلی که در کف هیپوتامپان واقع شده است.

حفزه وداجی
jugular fossa
 فرورفتگی حاوی ورید وداجی در کف هیپوتامپان.

دیواره وداجی
jugular wall
 دیواره تحتانی یا کف گوش میانی.

درنگ، مکث، فاصله
juncture
 ۱. شیوه به هم پیوستن هجاها در گفتار متنی؛
 ۲. علامتی زیرزنجیری که شنونده را قادر می‌سازد تفاوت بین دو پیام را درک کند، نظیر «من زور دارم» و «منظور دارم»؛ ۳. نقطه الحاق یا یگانگی دو بخش.

Joint Committee on Infant Hearing

کمیته مشترک شنوایی نوزادان (JCIH)
 سازمانی که به منظور ارتقاء سطح بهداشت شنوایی نوزادان به نمایندگی از طرف AAA، AAP، AAO و ASHA و چند انجمن دیگر

just noticeable difference (JND)
 کوچکترین تغییر قابل کشف در محرک، کوچکترین اختلاف قابل شنیدن، کوچکترین اختلاف قابل توجه. مترادف: difference limen.



K → kilo

خارجی اندام کرتی و استریولای اتریکول را
به طور انتخابی مسموم می‌کند.

K⁺ → potassium

Karyotype کاربوتیپ

K-AMP

فرمول کروموزومی هسته سلول که باعث
خصوصیات هر فرد، گونه، جنس یا رده‌ای
بالاتر می‌شود.

مدار سمعک که دارای پردازش TILL است و
توسط کیلیون (K) طراحی شده است. این مدار
بهره قابل ملاحظه‌ای برای صداهای دارای شدت
کم، بهره کمتر برای صداهای دارای شدت
متوسط ایجاد می‌کند ولی برای صداهای دارای
شدت زیاد بهره‌ای ندارد و برای صداهای شدیدتر
محدودکننده تراکمی دارد.

KC → kilocycle

K-complex مجموعه K، امواج K
موجی که به دلیل ایجاد صدا یا تحریک دیگری
روی امواج الکتروانسفالوگرافی ظاهر می‌شود.

kanamycin

کانامایسین

دارویی از خانواده‌آنتی بیوتیک‌های آمینوگلیکوزید
که مشابه نومایسین است و سلول‌های مویی

Kearns-Sayre syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

keloid

keloid کلویید
تشکیل بیش از حد بافت اسکار روی نرمه گوش به شکل توده‌ای براق و سفت متعاقب ضربه، جراحی یا غالباً سوراخ کردن گوش.

KEMAR → knowles electronics mannequin for acoustic research

keratin کراتین
ماده پروتئینی غیرمحلولی که در ساختمان‌های کوتیکولی نظیر مو، ناخن و شاخ یافت می‌شود.

keratoma کراتوم
تومور بافت‌های شاخی.

keratopachyderma and digital constrictions

اختلال اتوزومی غالب که مشخصه‌های آن کراتوز شدید، شیارهای حلقه‌مانند روی انگشتان دست و پا، و کاهش شنوایی حسی عصبی مادرزادی پیشرونده است.

keratosis obturans

کراتوز مسدودکننده
توموری متشکل از توده کراتینی که به سرعت تشکیل می‌شود و غالباً با سرومن مخلوط است و علت آن مهاجرت نابجای پوست در مجرای خارجی شنوایی است.

kernicterus کرنیکتروس
نوعی زردی شدید نوزادی که با کاهش شنوایی حسی عصبی همراه است.

kg → kilogram

kHz → kilohertz

kilo کیلو، یک‌هزار

kilocycle کیلوسیکل
هزار سیکل بر ثانیه. مترادف: kHz.

kilogram (kg) کیلوگرم
هزار گرم. واحد جرم.

kilohertz (kHz) کیلوهرتز
هزار هرتز.

kindergarten auditory screening test
آزمایش غربالگری شنوایی کودکان
آزمایشی برای ارزیابی شنیدن گفتار در حضور نویز زمینه و تمایز صدا در یک جفت واژه.

kinesthesia ۱. احساس حرکت
۲. احساسی که انسان به وسیله آن از موقعیت وزن، کشش و حرکات آگاه می‌شود.

kinesthetic feedback
به feedback مراجعه کنید.

kinesthetic method

روش آگاهی از حرکت
روشی در توانبخشی شنوایی که برای ایجاد و رشد آگاهی از حرکات گفتاری و آموزش حس کردن این حرکات به کار می‌رود. این روش

به سرعت جایگزین روش آگاهی شنوایی
(auditory awareness) گردید.

kinocillium; pl. kinocilla کینوسیلیوم
موی حسی متحرکی که در کوپولای ستیغ
آمپول مجاری نیم دایره جای گرفته است.

Kinzie method روش کینزی
[R. و C. Kinzie، معلمان ناشنویان آمریکا در
اوایل دهه ۲۰]. روشی برای گفتارخوانی که
اگرچه اساساً جزو روش‌های ترکیبی است اما از
برخی جنبه‌های روش تحلیلی نیز استفاده
می‌کند زیرا بر عناصر زبانی پیش از آموزش
خواندن کل مطلب تأکید دارد. ر.ک:
speechreading, synthetic method

Klippel-Feil syndrome
به syndrome مراجعه کنید.

kneepoint نقطه زانویی
۱. نقطه‌ای روی تابع ورودی-خروجی که شیب
خط تغییر می‌کند.

۲. در سمعک سطح شدتی که تراکم فعال
می‌شود. مترادف: compression threshold.

**knowles electronics mannequin
for acoustic research (KEMAR)**

آدمک مخصوص پژوهش‌های اکوستیکی
ساخت کارخانجات الکترونیک نولز
مدلی است که برای ارزیابی پاسخ سمعک به
کار می‌رود و مشخصه‌های اکوستیکی سر و تنه

یک فرد بزرگسال متوسط را شبیه‌سازی
می‌کند.

knuckle pads and leukonychia
اختلال اتوزومی غالب که با ضخیم‌شدگی
بینه‌مانند مفاصل انگشتان دست و پا و سفیدی
پیشرونده ناخن‌های دست و پا مشخص می‌شود
و با کاهش شنوایی حسی عصبی یا انتقالی
همراه است.

Kobrak minimal caloric test
آزمایش حرارتی حداقل کوبراک
آزمایش اولیه عملکرد دهلیزی که مجرای
خارجی شنوایی با وارد کردن آب سرد یا یخ
توسط سرنگ تحریک می‌شود و نیستاگموس
به وسیلهٔ عینک فرنزل مشاهده می‌گردد.

Kölliker's organ اندام کرلیکر
[R.A. von Kölliker، آناتومیست سوئیسی
در آلمان، ۱۹۰۵-۱۸۱۷]. اپی‌تلیوم چینی
ضخیم‌شده و مطبق که از آن سلول‌های مویی
داخلی و خارجی مشتق می‌شوند.

Krabbe disease or leukodystrophy
بیماری کرابه

[K.H. Krabbe، متخصص مغز و اعصاب
دانمارکی، ۱۹۶۱-۱۸۸۵]. لوکودیستروفی
اتوزومی مغلوب که از دوران نوزادی شروع
می‌شود و مشخصات آن کاهش پیشرونده
کنترل عضلات، اتروفی عصب چشم، انقباض
ناگهانی یا اسپاسم تونیک و کاهش شنوایی
حسی عصبی است.

1870

1871

1872

1873

1874

1875

1876

1877

1878

1879

1880

1881

1882

1883

1884

1885

1886

1887

1888

1889

1890

1891

1892

1893

1894

1895

1896

1897

1898

1899

1900

1901

1902

1903

1904

1905

1906

1907

1908

1909

1910

1911

1912

1913

1914

1915

1916

1917

1918

1919

1920

1921

1922

1923

L

labial لیبی
مربوط به لب.

labyrinth لابیرنث
سامانه‌ای متشکل از مجاری و حفره‌های مرتبط درون بخش خاره استخوان گیجگاهی که گوش داخلی را می‌سازد و شامل حلزون، دهلیز و مجاری نیمدایره می‌باشد.

bony l. = osseous labyrinth

membraneous l. لابیرنث غشائی
مجاری دارای بافت نرم و محتوی مایع که درون لابیرنث استخوانی قرار گرفته‌اند و شامل ساختمان‌های اندام انتهایی شنوایی و تعادلی می‌باشند.

osseous l. لابیرنث استخوانی
فضایی در استخوان گیجگاهی که محتوی مایعات و لابیرنث غشائی دستگاه دهلیزی و حلزون است.

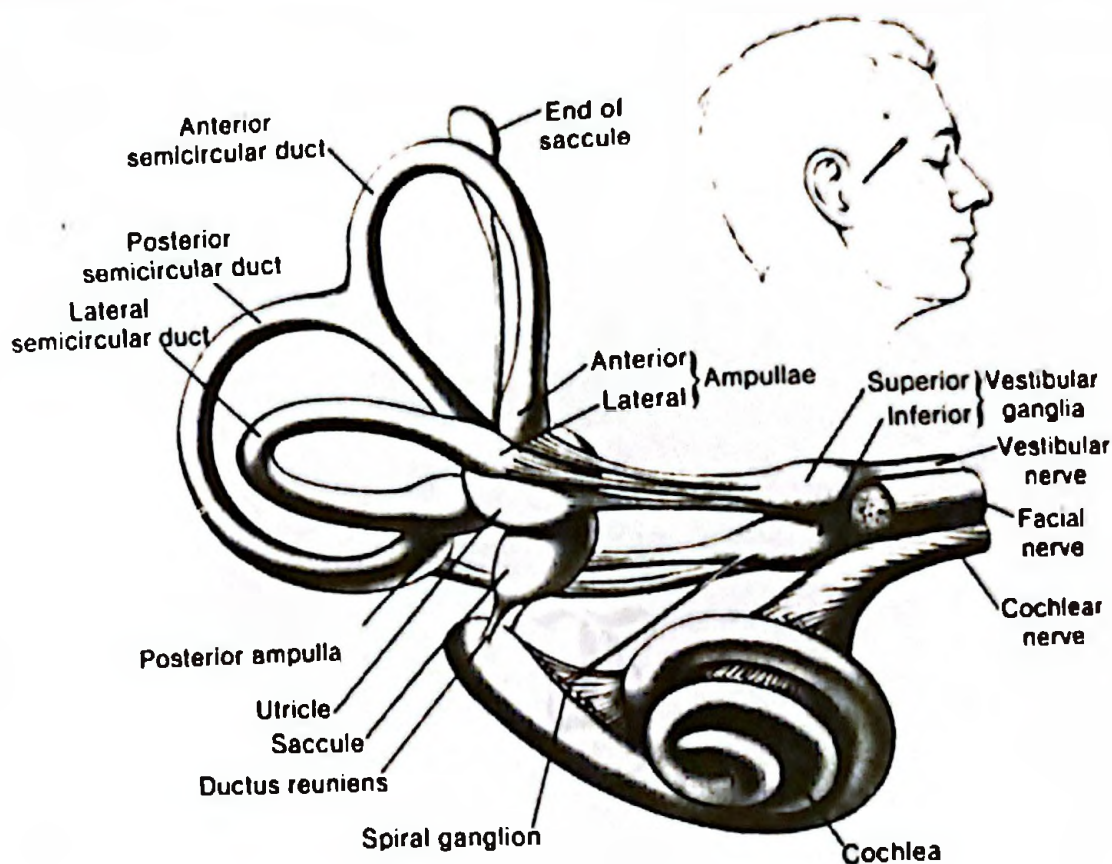
labyrinthectomy
برداشت لابیرنث از طریق جراحی.

labyrinthine لابیرنتی

labyrinthine artery
به artery، مراجعه کنید.

labyrinthine hydrops
هیدروپس لابیرنتی
تجمع بیش از حد اندولنف در لابیرنث غشائی.
مترادف: endolymphatic hydrops.

labyrinthine wall



The membranous labyrinth and Cranial Nerve VIII

labyrinthine wall دیواره لابیرنتی
سطح داخلی محفظه صماخی که شامل دماغه
حلزونی و دریچه‌های گرد و بیضی است.

labyrinthitis التهاب لابیرنت، لابیرنتیت
التهاب حلزون که بر شنوایی و تعادل یا هر دو
اثر می‌گذارد.

acute I.

التهاب حاد لابیرنت، لابیرنتیت حاد
التهاب لابیرنت که به سرگیجه شدید، علائم
پیشرونده، کم‌شنوایی حسی عصبی و وزوز
منجر می‌شود.

acute suppurative I.

التهاب چرکی حاد لابیرنت، لابیرنتیت چرکی
حاد
التهاب حاد لابیرنت که با مایع عفونی و چرکی
همراه است.

bacterial I.

التهاب باکتریایی لابیرنت، لابیرنتیت
باکتریایی
التهاب لابیرنت غشائی به دلیل حمله باکتری.

circumscribed I.

التهاب لابیرنت که به ناحیه معینی محدود
شده باشد.

Infantile meningogenic I.

التهاب لابیرنت بر اثر مننژیت کودکی
تهاجم التهابی به لابیرنت از فضای زیر عنکبوتیه
از طریق قنات حلزونی یا مجرای شنوایی
داخلی متعاقب مننژیت که به کاهش شنوایی
حسی عصبی عمیق دوطرفه و آسیب عملکرد
دهلیزی منجر می شود.

Otogenic suppurative I.

التهاب چرکی لابیرنت ناشی از عفونت گوش
التهاب لابیرنت به دلیل تهاجم باکتری از
گوش میانی به دستگاه دهلیزی که به سرگیجه
شدید و کاهش شنوایی منجر می شود.

Serous I.

التهاب سروزی لابیرنت، لابیرنتیت سروز
التهاب لابیرنت به دلیل سم باکتری های گوش
میانی یا مننژیت یا آلودگی حین جراحی.
مترادف: toxic labyrinthitis.

Subclinical infantile meningogenic I.

التهاب تحت بالینی لابیرنت ناشی از مننژیت
کودکی
لابیرنتیت متعاقب مننژیت تحت بالینی
باکتریایی یا ویروسی در شیرخواران که به
کاهش ملایم تا عمیق عملکرد شنوایی یا
دهلیزی منجر می شود.

Suppurative I.

التهاب چرکی لابیرنت، لابیرنتیت چرکی
التهاب لابیرنت به دلیل تهاجم باکتری به

حلزون از طریق منطقه مجاور استخوان
گپن گاهی که به کاهش شنوایی و سرگیجه
شدید منجر می شود.

Syphilitic I.

التهاب سیفیلیسی لابیرنت، لابیرنتیت
سیفیلیسی

لابیرنتیت اکتسابی یا مادرزادی متعاقب ابتلا به
سیفیلیس که به دلیل هیدروپس آندولنفاتیک
و تغییرات تخریب کننده در ساختمان های حسی
و عصبی، سبب کاهش شنوایی حسی عصبی
پیشرونده مواج می شود.

Toxic I.

التهاب سمی لابیرنت، لابیرنتیت سمی
التهاب لابیرنت به دلیل تجزیه مایعات گوش
داخلی که از سم باکتری یا آلودگی پری لوف در
طی جراحی ایجاد می شود. مترادف: serous
labyrinthitis.

Viral I.

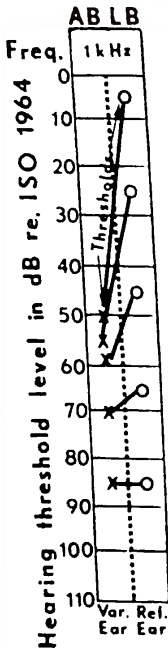
التهاب ویروسی لابیرنت، لابیرنتیت ویروسی
التهاب لابیرنت به دلیل عفونت ویروسی نظیر
اوربون، سرخک، سرخجه و زونای گوش.

Labyrinthitis ossificans

التهاب استخوانی کننده لابیرنت
استخوانی شدن حلزون که معمولاً در پیچ
قاعدای نردبان سماخی نزدیک دریچه گرد
شدیدتر است و غالباً متعاقب مننژیت رخ
می دهد.

laddergram

نمودار نردبانی
یکی از روش‌های ترسیم نتایج ABLB است که سطوح بلندی یکسان دو گوش در شدت‌های مختلف روی نموداری شبیه نردبان ثبت می‌شود.



Laddergram

LAER → late auditory evoked response

lag تاخیر اندک

lagena

۱. یکی از سه بخش لاپیرنت غشائی در مهره‌داران رده پایین که معادل حلزون در پستانداران است.
۲. قسمتی از انتهای فوقانی نردبان میانی.

lalognosis

درک گفتار

lamina

صفحه، تیغه
صفحه نازک یا لایه صاف.

reticular l.

صفحه مشبک

ساختمان ظریف شبکه مانندی که سطح پیوسته روی اندام کرتی را تشکیل می‌دهد شامل زوایاد انگشتی، نوک ستون‌ها و صفحات کوتیکولی سلول‌های مویی داخلی و خارجی است.

spiral l.

صفحه مارپیچی، تیغه مارپیچی

طبقه استخوانی که از طرف ستونک حلزون آغاز می‌شود و شامل دو صفحه نازک استخوانی است که بین آنها رشته‌های عصبی از عصب شنوایی تا حلزون و بالعکس عبور می‌کنند.

laminabasilaris cochlea

صفحه پایه حلزون

غشاء پایه حلزون که اندام کرتی روی آن قرار گرفته است.

language

زبان

زبان نظام ارتباطی طرح‌مندی از علائم قراردادی است که مشخصه‌های ویژه جایجایی، انتقال فرهنگی، خلاقیت و دوگانگی آن در نظام ارتباط حیوانی کمیاب یا نایاب می‌باشد.

sign l.

زبان اشاره

شکلی از ارتباط دستی که در آن کلمات و مفاهیم به وسیله وضعیت‌ها و حرکات دست نشان داده می‌شوند.

language lateralization

سو برتری زبانی
برتری نیمکره چپ مغز برای پردازش زبان
گفتاری.

large vestibular aqueduct syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

lasix

لازیکس

داروی مدر حلقوی مسموم‌کننده گوش که برای
درمان ادم یا فشار خون بالا مورد استفاده قرار
می‌گیرد و می‌تواند کاهش شنوایی حسی عصبی
در پی تخریب نوار عروقی ایجاد نماید.
مترادف: furosemide.

late auditory evoked response

(LAER) = long-latency auditory
evoked response

late cortical response = long-latency

auditory evoked response

late-onset auditory deprivation

محرومیت شنوایی دیرآغاز

کاهش محسوس توانایی بازشناسی واژه که
بعد از یک دوره تحریک نامتقارن در گوش
بدون سمعک بزرگسالانی که سمعک یک‌گوشی
دارند ایجاد می‌شود.

late vertex response (LVR) = long-

latency auditory evoked response

latency

زمان نهفتگی

فاصله زمانی بین دو رخداد نظیر فاصله بین
تحریک و پاسخ.

absolute I. زمان نهفتگی مطلق

در تحلیل پاسخ شنوایی ساقه مغز به فاصله
زمانی بر حسب میلی‌ثانیه بین شروع محرک
تا قله موج اطلاق می‌شود.

acoustic reflex I.

زمان نهفتگی رفلکس صوتی

به فاصله زمانی بین ارائه محرک و کشف
رفلکس صوتی اطلاق می‌گردد.

delayed I. زمان نهفتگی تاخیر یافته

در اندازه‌گیری پاسخ شنوایی ساقه مغز به
طلبانی شدن غیرطبیعی زمان بین آغاز
محرک و قله‌های اصلی پاسخ اطلاق می‌شود.

interaural I. زمان نهفتگی بین‌گوشی

اختلاف زمان نهفتگی امواج پتانسیل برانگیخته
شنوایی، بر حسب میلی‌ثانیه که معمولاً به
اختلاف زمان نهفتگی موج ABR V با تحریک
گوش راست در مقایسه با تحریک گوش چپ
اطلاق می‌شود.

interpeak I. زمان نهفتگی بین‌قله‌ای

اختلاف بین زمان نهفتگی دو قله پتانسیل
برانگیخته شنوایی بر حسب میلی‌ثانیه نظیر
زمان نهفتگی بین‌قله‌ای I تا V در پاسخ
شنوایی ساقه مغز. مترادف:

interwave latency, interpeak interval

latent

latent نهفته
آنچه که هنوز بروز نیافته اما پتانسیل بروز را دارد.

lateral خارجی، جانبی
جهت آناتومیک که به ساختمان‌هایی که دور از خط وسط یا نزدیک به طرفین واقع‌اند اشاره دارد. متضاد: medial.

lateral ampulla آمپول خارجی
اندام انتهایی دهلیزی در مجرای نیم‌دایره خارجی.

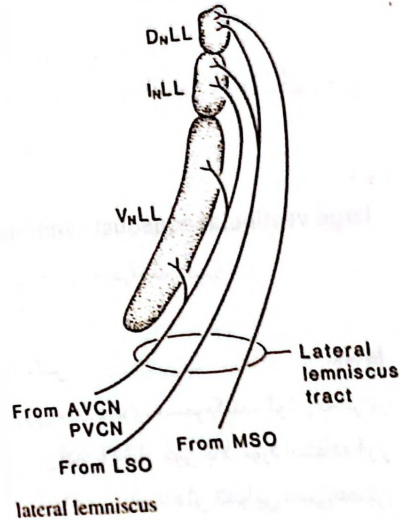
lateral inferior pontine syndrome
به syndrome مراجعه کنید.

lateral lemniscus (LL)

نوار ریل خارجی، نوار ریل جانبی
تنه یا دسته بزرگ الیاف عصبی که توسط هسته‌های پشتی، بینابینی و شکمی تشکیل شده و شامل دسته‌های شنوایی صعودی از هسته حلزونی و مجموعه زیتونی فوقانی است. این الیاف در طول لبه خارجی پل پیش می‌رود و اطلاعات را تا برجستگی تحتانی حمل می‌کند.

dorsal nucleus of the I. I. (LLD)

هسته پشتی نوار ریل خارجی
یکی از سه تنه الیاف بزرگ عصبی که در طول خارجی‌ترین لبه پل مغزی قرار گرفته و الیاف شنوایی صعودی از LSO، DCN و MSO را در مغز خلفی تا برجستگی تحتانی رله می‌کند.

**intermediate nucleus of the I. I. (LLI)**

هسته بینابینی نوار ریل خارجی
یکی از سه تنه الیافی که از هسته‌های شنوایی پل تشکیل شده است و به عنوان رله الیاف شنوایی صعودی از PVCN و LSO در مغز خلفی تا برجستگی تحتانی عمل می‌کند.

ventral nucleus of the I. I. (LLV)

هسته شکمی نوار ریل خارجی
یکی از سه تنه الیاف عصبی که از هسته‌های شنوایی پل تشکیل شده است و الیاف شنوایی صعودی از AVCN، LSO و MSO را در مغز خلفی تا برجستگی تحتانی رله می‌کند.

lateral line organ اندام خطی خارجی
اندامی که در پوست مهره‌داران پست یافت می‌شود و شامل اندام شنوایی و تعادلی آنها است.

lateral malleolar ligament

به ligament مراجعه کنید.

lateral olivocochlear bundle

دسته زیتونی حلزونی خارجی
مسیر الیاف عصبی و ابران که از هسته‌های
اطراف زیتونی منشأ می‌گیرد، LSO را احاطه
می‌کند و همراه با عصب دهلیزی از مجرای
شنوایی داخلی همان طرف عبور می‌کند و به
دندریتهای اوران در قاعده سلول‌های مویی
داخلی ختم می‌شود.

lateral rectus muscle

به muscle مراجعه کنید.

lateral semicircular canal

مجرای نیم‌دایره خارجی
یکی از سه مجرای استخوانی دستگاه دهلیزی
که اپی‌تلیوم‌های حسی پاسخ‌دهنده به حرکت
زاویه‌ای در آن واقع شده‌اند. مترادف:

horizontal semicircular canal

lateral semicircular duct

مجرای نیم‌دایره غشائی خارجی
یکی از سه مجرای غشائی دستگاه دهلیزی که
اپی‌تلیوم‌های حسی پاسخ‌دهنده به حرکت
زاویه‌ای در آن واقع شده‌اند. مترادف:

horizontal semicircular duct

lateral sinus

سینوس خارجی، سینوس جانبی
بزرگترین سینوس وریدی که مسئول جمع‌آوری
خون قسمت اعظم سر و گردن است.

lateral superior olive (LSO)

زیتون فوقانی خارجی

یکی از هسته‌های عمده مجموعه زیتونی
خارجی که در مغز خلفی واقع شده و اعصاب
صعودی اصلی را به طور مستقیم از AVCN
همان طرف و به طور غیرمستقیم از AVCN
طرف دیگر از طریق MTB همان سویی
دریافت می‌کند.

laterality

سو برتری

۱. ارجحیت به کاربردن اندام‌های یک طرف
بدن نظیر چشم، گوش، دست و پای راست
(راست برتری) یا اندام‌های چپ (چپ برتری):
۲. شناختن دو طرف بدن و توانایی تشخیص
درست آنها از نظر راست یا چپ بودن.

lateralization

جهت‌یابی

۱. درک صدا از یک گوش هنگام پاسخ به
محرکی که توسط ارتعاش‌گر استخوانی از
طریق پیشانی ارائه می‌شود.
۲. شناسایی مکان صدا درون سر.

language l.

سو برتری زبانی

برتری نیمکره چپ مغز برای پردازش زبان
گفتاری.

lateralize

جهت‌یابی کردن، به یک جانب متمایل شدن
درک صدا فقط از یک گوش.

Laurence-Moon syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

lavaller microphone

lavaller microphone

به microphone مراجعه کنید.

LD → learning disability

LDFR → level-dependent frequency response

LDL → loudness discomfort level

learning disability (LD)

ناتوانی یادگیری

عدم مهارت در یک یا چند جنبه یادگیری که با ظرفیت هوشی فرد هماهنگ نیست و علت آن اختلال بینایی، شنوایی، حرکتی یا عاطفی نمی‌باشد.

LED → light-emitting diode

left-beating nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

lemniscus

۱. نوار، پاند

۲. رشته یا دسته‌ای از الیاف در دستگاه عصبی مرکزی.

lateral l. (LL)

نوار ریل خارجی، نوار ریل جانبی

تند یا دسته بزرگ الیاف عصبی که توسط هسته‌های پشتی، بینابینی و شکمی تشکیل شده و شامل دسته‌های شنوایی صعودی از هسته حلزونی و مجموعه زیتونی فوقانی است.

این الیاف در طول لبه خارجی پل پیش می‌رود و اطلاعات را تا برجستگی تحتانی حمل می‌کند.

lengthened-off-time test (LOT)

آزمایش با زمان قطع طولانی

زیرآزمایش اولیه ادیومتری بکزی که در آن زمان قطع محرک‌های منقطع طولانی‌تر می‌شود تا جدایی منحنی‌های ممتد و منقطع در بیماران که نوع V (نشان‌دهنده کاهش شنوایی عملکردی) دارند افزایش یابد.

lenticular process

زایده عدسی‌شکل برجستگی در انتهای زایده بلند سندانی که به شکل عدسی بوده و به سر استخوانچه رکابی متصل می‌شود.

Leq → equivalent sound level

Leri-Weill disease

بیماری لری-ویل
اختلال جمجمه‌ای-صورتی-اسکلتی اتوزومی غالب که نشانه‌های آن بدشکلی استخوان‌های زند زیرین و ژبرین و کاهش شنوایی انتقالی به دلیل ناهنجاری گوش خارجی و میانی است.
مترادف:

dyschondrosteosis, Madelung deformity

Lermoyez syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

lesion

ضایعه

تغییر پاتولوژیک ساختمان‌ها یا عملکرد بافت‌های بدن.

space-occupying I.

ضایعه فضاگیر I. ضایعه فضاگیر
نئوپلاسمی که اثرات آن بر خلاف ضایعات
ناشی از ضربه، ایسکمی یا التهاب، به دلیل
رشد و گسترش به بافت‌های عصبی، بیشتر
می‌شود.

lesser epithelial ridge**لبه کوچک اپی تلیوم**

بخش داخلی اندام کرلیکر که اپی تلیوم جنینی
ضخیم شده و مطبق است و غشاء پایه و
سلول‌های مویی خارجی از آن مشتق می‌شوند.

lesser superficial petrosal nerve

به nerve مراجعه کنید.

leucemia = leukemia**Leudet tinnitus**

به tinnitus مراجعه کنید.

leukemia لوکمی، لوسمی

بیماری‌ای که نشانه‌های آن تولید بیش از حد
گلبول‌های سفید خون و تجمع آنها در فضاهای
اطراف اندام‌هایی است که به‌طور معمول جایگاه
آنها نیست از جمله تجمع شدید سلول‌ها در
رأس خار، پرده صماخ، فضاهای پری لنف و
غیره.

leukodystrophy

اختلال تخریب‌کننده میلین دستگاه عصبی
مرکزی که مادرزادی، زودآغاز، پیشرونده سریع
و کشنده بوده و با اختلال شنوایی همراه است.

levator veli palatini**عضله بالا برنده کام**

یکی از دو عضله حلق بینی (نازوفارنکس) که
همراه با عضله کشنده کام مسئول باز کردن
انتوای لوله استاش از طریق کشیدن غضروف
به داخل است. عصب این عضله توسط شبکه
حلقی تأمین می‌شود.

level**سطح، تراز****action I.****تراز عمل**

تراز مواجهه با نویز، در این سطح لازم است
کارگر تحت نظر برنامه حفاظت شنوایی شغلی
قرار گیرد. OSHA این تراز را ۸۵ دسی بل A
برای توزین زمانی متوسط ۸ ساعت مشخص
نموده است.

annoyance I.**تراز آزرده‌گی**

سطح شدتی که نویز از نظر فرد ایجاد ناراحتی
و آزرده‌گی می‌کند.

comfort I.**سطح راحتی، سطح راحت بلندی****discomfort I.****سطح ناراحتی**

سطح شدتی که در آن صدا با بلندی ناراحتی
کننده‌ای درک می‌شود.

equivalent sound I. (Leq)**سطح صوت معادل**

اندازه‌گیری صوتی که در طول زمان تغییر
می‌کند بر حسب میانگین انرژی در زمان که

نشان‌دهنده انرژی صوتی کل است در طول یک دوره زمانی معین به طوری که صدا بدون تغییر در نظر گرفته می‌شود.

exceedance I. سطح بیش از حد اندازه‌گیری ضربه ناشی از نویز بر محیط صنعتی که به صورت درصد زمانی که در طی آن صدا در یک محیط معین از حد مشخصی تجاوز می‌نماید، بیان می‌شود.

hearing I. (HL) سطح شنوایی سطح صدا بر حسب دسی‌بل HL نسبت به صفر ادیومتری که به عنوان مرجع در ادیوگرام و ادیومترها به کار می‌رود.

hearing threshold I. (HTL) سطح آستانه شنوایی آستانه فرد یا تعداد دسی‌بل‌هایی که آستانه شنوایی فرد از آستانه هنجار فراتر رود که بر حسب دسی‌بل HTL بیان می‌شود.

highest comfortable I. (HCL) بالاترین سطح راحت شنوایی حداکثر سطح بهره که بلندی راحتی به دست آید. این سطح در تنظیم و تطبیق سمک برای کمک به تعیین سطوح محدودکننده خروجی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Intensity I. سطح شدت شدت صوت بر حسب دسی‌بل. سطح شدت صدا که برابر است با ده لگاریتم اعشاری نسبت شدت صوت مورد نظر به شدت مرجع.

loudness I. سطح بلندی مقدار بلندی که معمولاً بر حسب فون یا سون بیان می‌شود.

loudness discomfort I. (LDL) سطح ناراحتی سطح شدتی که در آن صدا با بلندی ناراحت‌کننده‌ای درک می‌شود. افراد دارای شنوایی طبیعی معمولاً قادرند صدا را تا شدت ۱۲۰ دسی‌بل SPL تحمل کنند. مترادف: uncomfortable loudness level

minimal response I. سطح حداقل پاسخ پایین‌ترین سطحی که کودک به شکل رفتاری به صدا پاسخ می‌دهد.

noise interference I. سطح دخالت نویز سطحی که نویز بتواند بازشناسی مواد گفتاری را بپوشاند.

noise pollution I. سطح آلودگی صوتی. سطح نویز جامعه که به صورت مجموع سطح معادل صدای سمت و تخمین افزایش آزاردهندگی ناشی از نوسانات سطوح صدا بیان می‌شود.

noise-emission I. سطح گسیل نویز اندازه استاندارد شدت نویز محیطی یا صنعتی که به صورت سطح دسی‌بل در جهت و فاصله‌ای معین از منبع نویز در محیط باز بیان می‌شود.

normalized hearing l. (nHL)

سطح هنجار شده شنوایی
سطح دسی بل صدایی که مرجع استاندارد
ندارد و نسبت به سطوحی که به روش رفتاری
هنجاریابی شده‌اند سنجیده می‌شود و بر حسب
دسی بل nHL بیان می‌گردد.

overall sound pressure l.

سطح فشار صوتی کلی
انرژی صوتی کلی در محدوده فرکانسی که
بدون توزین فرکانسی اندازه‌گیری شده باشد.

peak equivalent sound pressure l. (pe SPL)

سطح فشار صوتی معادل قله
سطح دسی بل تن ۱۰۰۰ هرتز در دامنه‌های
معادل با قله یک محرک گذرا. این سطح برای
بیان سطح شدت محرک‌های کلیک در آزمایش
پتانسیل برانگیخته شنوایی به کار می‌رود.

perceived noise l. (PN)

سطح درک نویز
بیان آزاردهندگی یا عدم تحمل صدای بلند بر
حسب دسی بل و بر مبنای مقایسه فرد از
پرسرو صدا بودن محیط. این روش عمدتاً برای
ارزیابی درک نویز پرواز یک هواپیما روی
محیط به کار می‌رود.

saturation sound pressure l. (SSPL)

سطح اشباع فشار صوتی
حداکثر خروجی حاصل از گوشی مینیاتوری
(رسیور) سمعک که بر حسب سطح فشار صوتی
ریشه دوم میانگین (RMS) بیان می‌شود.

sensation l. (SL)

سطح احساس
سطح شدت صدا بالاتر از آستانه فرد بر حسب
دسی بل که معمولاً برای اشاره به سطح شدت
ارائه محرک یا پاسخی بالاتر از یک آستانه
مشخص نظیر آستانه تن خالص یا آستانه
رفلکس صوتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

sound pressure l. (SPL)

سطح فشار صوتی
بزرگی یا مقدار انرژی صوتی نسبت به فشار
مرجع (۰/۰۰۰۲ دین بر سانتی‌متر مربع یا ۲۰
میکرو پاسکال).

speech-interference l. (SIL)

سطح تداخل باگفتار
اثر پوشانندگی یا تداخل نویز بر درک ارتباط
گفتاری که پیش‌تر بر حسب شاخص درک
گفتار بیان می‌شد اما در حال حاضر بر حسب
سطوح فشار صوتی در باندهای مختلف
اکتاوی بیان می‌گردد.

tolerance l. (TL)

سطح تحمل
آستانه دردناکی. سطحی که صدا از نظر شنونده
غیرقابل تحمل است. مترادف:

threshold of discomfort

uncomfortable loudness l. (UL)

سطح ناراحت‌کننده بلندی
سطحی که صدا از نظر شنونده غیرقابل تحمل
است. مترادف: threshold of discomfort.

level-dependent frequency

level-dependent frequency response (I.DFR)

پاسخ فرکانسی وابسته به شدت پردازش خودکار محرک که پاسخ فرکانسی سمعک را به تبعیت سطح ورودی تغییر دهد.

lexical

واژگانی

lexicon

واژگان، فرهنگ لغت (زبان‌های باستانی) تمام علائم، واژه‌ها و تک‌واژه‌های یک زبان.

LF → low frequency

LGOB → loudness growth by octave bands

Libby horn

شیپور لبیبی شیپور قالب که با لوله صوتی آن یک تکه است و از داخل به صورت پله پله باریک می‌شود.

ligament

رباط

دسته‌ای از بافت فیبری که استخوان‌ها، غضروف‌ها یا سایر ساختمان‌های بدن را متصل یا نگهداری می‌کند.

annular l.

رباط حلقوی

رباط حلقه‌ای شکل که صفحه رکابی را در دریچه بیضی نگه می‌دارد.

anterior malleolar l.

رباط چکشی قدامی

یکی از چند رباط که مسئول حفظ موقعیت

استخوانچه‌ها هستند. این رباط از زائده قدامی چکشی تا دیواره قدامی فضای گوش میانی کشیده شده است.

auricular l.

رباط لاله‌گوشی

هریک از رباط‌هایی که لاله گوش را به استخوان گیجگاهی متصل می‌کند.

lateral malleolar l.

رباط چکشی خارجی

یکی از رباط‌های مسئول حفظ موقعیت استخوانچه‌ها که از گردن چکشی تا دیواره استخوانی نزدیک بریدگی ریونوس کشیده شده است.

malleolar l.

رباط‌های چکشی

دسته‌های بافت فیبری که استخوانچه چکشی را در محفظه گوش میانی معلق نگاه می‌دارند و عبارتند از رباط‌های فوقانی، قدامی و خارجی.

posterior Incudal l.

رباط سندانی خلفی

یکی از رباط‌های مسئول حفظ وضعیت استخوانچه‌ها که از زائده کوتاه سندانی یا دیواره خلفی محفظه گوش میانی کشیده شده است.

spiral l.

رباط مارپیچی

دسته‌ای از بافت همبند که غشاء پایه را به دیواره استخوانی خارجی که نوار عروقی نردبانی میانی روی آن قرار گرفته متصل می‌کند.

ligament

superior malleolar l.

رباط چکشی فوقانی
یکی از رباط‌های مسئول حفظ موقعیت
استخوانچه‌ها که از سر چکشی تا سقف صماخی
کشیده شده است.

light-emitting diode (LED)

دید نورگسیل
لامپ کوچکی در یک وسیله که غالباً برای
نشان دادن روشن یا فعال بودن آن وسیله به
کار می‌رود.

light reflex

به reflex مراجعه کنید.

limen آستانه
سطحی که یک محرک یا تغییرات آن به قدری
باشد که بتواند احساس یا اثر ایجاد کند. مترادف:
threshold.

liminal آستانه‌ای
مربوط به آستانه.

limit حد، محدوده

limited-range audiometer

به audiometer مراجعه کنید.

limited-range speech audiometer

به audiometer مراجعه کنید.

limiting compression

به compression مراجعه کنید.

linear compression

روش حدود
روش سایکوفیزیکی تعیین آستانه مطلق یا
افتراقی که محرک در سطوحی کاملاً بالاتر یا
پایین‌تر از آستانه ارائه می‌شود و شدت در
گام‌های کوچک تغییر می‌کند تا به مرز
احساس صدا برسد.

Lindamood auditory conceptualization test

آزمایش درک شنوایی لیندامود
این آزمایش توانایی تمایز قائل شدن بین دو
صدای گفتاری (همان / متفاوت) و نیز توانایی
درک عدد و ترتیب اصوات متوالی را به دو صورت
هجایی و غیرهجایی می‌سنجد. این آزمایش
برای تمام سنین قابل اجراست، تنها لازم است
فرد مفهوم همان است / متفاوت است، مفهوم
اعداد از یک تا چهار و تفاوت راست و چپ را
بداند.

line spectrum

طیف خطی
نمایش نموداری محتوای فرکانسی یک محرک.
در این نمودار خطوط عمودی برای باندهای
فرکانسی به صورت تابعی از مقدار انرژی در
هر باند ترسیم می‌شوند.

خطی
مربوط به تابع خطی.

linear amplification
به amplification مراجعه کنید.

linear compression
به compression مراجعه کنید.

linear scale**linear scale** مقیاس خطی

مقیاس اندازه‌گیری که در آن هر افزایش مساوی افزایش بعدی است. ر.ک:

logarithmic scale

linearity of attenuation

خطی بودن کاهش

وضعیتی که میزان تغییر خروجی متناسب با وسیله تغییر کاهنده است.

Ling five-sound test

آزمایش پنج‌صدایی لینگ

ارزیابی کشف گفتار کودکان که شامل ۵ صدای نماینده محدودهٔ فرکانس‌های گفتاری /u/, /i/, /a/ و /s/ است.

lipofuscin لیپوفوسین

گرانول‌های رنگدانه‌ای چربی که در سیتوپلاسم رأس سلول‌های مویی و در سلول‌های نگهدارنده اندام‌های انتهایی حلزونی و دهلیزی گوش افراد مسن تجمع می‌یابد.

lipoma لیپوم

نوع شایع نئوپلاسم خوش‌خیم که از سلول‌های چربی بالغ تشکیل شده و وجود آن در دستگاه عصبی مرکزی معمول نیست اما گاه به عنوان تومور زاویه پل مخچه‌ای گزارش شده است.

lipreading لبخوانی

روند درک گفتار از طریق مشاهده دقیق حرکت لب. مترادف: speechreading.

listening گوش دادن

معطوف نمودن ارادی توجه نسبت به منبع صدا.

dichotic I. گوش دادن دوگانهٔ دوگوشی

درک محرک‌های مختلف که به هر یک از گوش‌ها به‌طور همزمان ارائه می‌شوند. مترادف:

dichotic messages

diotic I. گوش دادن همسان دوگوشی

درک محرک‌های یکسان که به‌طور همزمان به گوش‌ها ارائه می‌شوند. مترادف:

diotic messages

selective I. گوش دادن انتخابی

تمرکز توجه به منبع صدای مورد نظر.

listening check

کنترل گوش دادن، واریسی از طریق گوش دادن ارزیابی منظم و غیرمعارف خروجی سمعک یا ادیومتر برای اطمینان از درستی عملکرد آن.

live voice audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

LL → lateral lemniscus

LLAER → long-latency auditory-evoked response

LLD → dorsal nucleus of the lateral lemniscus

LLI → intermediate nucleus of the lateral lemniscus

LLR → late-latency response

LLV → ventral nucleus of the lateral lemniscus

load بار، بار کردن، بارگیری، وزنه
در الکتروسیسته وسیله‌ای است که توان محرک به آن ارائه می‌شود. دریافت‌کننده خروجی کار یک وسیله الکتریکی یا مکانیکی.

lobe لب
بخش کاملی از یک اندام که با مرز مشخص شده باشد. نظیر لب‌های مغز، لب‌های منخره.

lobectomy برداشت لب
برداشت یک لب از یک اندام یا غده به روش جراحی.

lobster-claw syndrome
به syndrome مراجعه کنید.

lobule نرمة گوش
بخش پایینی لاله گوش. مترادف: earlobe.

localization مکان یابی، جهت یابی
شناسایی جهت منبع صوت.

auditory l. مکان یابی شنوایی
فرآیند درکی تعیین مکان منبع صدا در محیط صوتی.

median plane l.
جهت یابی صفحه میانی
درک صدای ادغام‌شده از دو گوش از وسط سر.

vertical l.

مکان یابی عمودی
شناسایی جهت منبع صدا در صفحه عمودی.

localized

۱. محدود
۲. مکان یابی شده، جهت یابی شده

locus; pl. loci

مکان، جا

log → logarithm

logarithm

لگاریتم

عدد کوچکی که در بالا و سمت راست عدد دیگری (عدد مبنا) قرار می‌گیرد و نما یا توان خوانده می‌شود. نما نشان می‌دهد که عدد مبنا باید به این توان برسد تا عدد معین دیگری حاصل شود. در لگاریتم معمولی، عدد مبنا ۱۰ است و نما لگاریتم آن عدد معین در مبنای ۱۰ می‌باشد.

logarithm scale مقیاس لگاریتمی

مقیاس اندازه‌گیری نظیر مقیاس دسی‌بل که بر اساس توان‌های یک عدد مبنا انجام می‌شود.
رک: linear scale.

logical method

روش منطقی

روش گفتارخوانی که بر بازشناسی بصری صداها و گفتاری منفرد تأکید دارد. مترادف:

analytic method

logon

تن انفجاری دارای پوش گوسی شکل.

lombard effect

lombard effect اثر لمبارد

تمایل ناخودآگاه برای بالاتر بردن سطح شدت صدای خود نسبت به نویز زمینه.

lombard test آزمایش لمبارد

آزمایش غربالگری عضوی بودن کاهش شنوایی که برای بهره‌جویی از اثر لمبارد طراحی شده است. در این آزمایش در حالی که بیمار صحبت می‌کند نویز سفید به دو گوش او ارائه شده و شدت صدای وی برای ارزیابی تغییر آن پایش می‌شود.

long arm 18 deletion syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

long-latency auditory evoked response (LLAER)

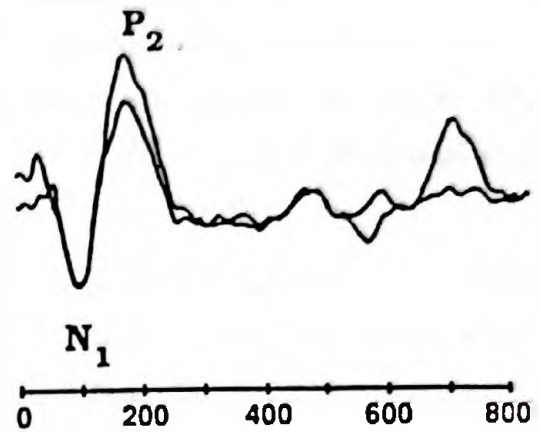
پاسخ دیررس شنوایی پتانسیل برانگیخته که از قشر مغز منشأ می‌گیرد و دارای دو قله اصلی، یک قله منفی حدود ۹۰ میلی‌ثانیه و یک قله مثبت حدود ۱۸۰ میلی‌ثانیه متعاقب ارائه محرک است که از فرق سر ثبت می‌شوند. مترادف: ALR.

long process of the Incus

زایده بلند سندانی پایه بلند سندانی که تنه سندانی را به زایده عدسی شکل در سر رکابی متصل می‌کند.

long-term average speech spectrum

= long-term speech spectrum



long-latency auditory evoked response

long-term memory حافظه بلندمدت

بعدی از عملکرد دستگاه عصبی مرکزی برای پردازش اطلاعات که آنها را دریافت و اصلاح کرده و به شکلی دائمی برای یادآوری در زمان‌های بعدی ذخیره می‌کند.

long-term speech spectrum (LTSS)

طیف گفتار روزمره سطح انرژی کلی و ترکیب فرکانسی گفتاری که نماینده گفتار روزمره است.

longitudinal fracture شکستگی طولی

شکستگی خطی که مسیر آن در طول استخوان کیجگاهی است و غالباً سبب پارگی پرده صماخ و گسیختگی زنجیره استخوانچه‌ها می‌شود. معمولاً علت آن ضربه مشت به منطقه آهیانه‌ای یا کیجگاهی جمجمه است. متضاد: transverse fracture

longitudinal wave

به wave مراجعه کنید.

loop

loop

۱. حلقه؛ ۲. هر چیز حلقه‌ای یا انحنادار

حلقه القا induction l.

سیم بلندی که دور اتاق را احاطه کرده و به دلیل انتقال انرژی الکتریکی از تقویت‌کننده میدان مغناطیسی تولید می‌نماید. جریان الکتریکی از این سیم به حلقه القای (تله کوئل) سمعک یا سایر گیرنده‌ها القا می‌گردد.

magnetic l. = induction loop

loop amplification system

دستگاه تقویت‌کننده حلقه‌ای وسیله کمک‌شنوایی که در آن میکروفن/ تقویت‌کننده محرک را به حلقه سیمی که دور اتاق پیچیده شده می‌رساند، محرک توسط حلقه القای سمعک از طریق القای مغناطیسی دریافت می‌گردد.

loop diuretic داروهای مُدر حلقوی

گروهی از داروها نظیر اتاکرینیک اسید که ترشح ادرار را با مهار جذب سدیم و آب در کلیه‌ها تسریع می‌کنند و ممکن است در صورت مقدار (دوز) مصرفی بالا سم گوش باشند.

loop-induction auditory trainer

دستگاه تربیت شنوایی دارای حلقه القا سیستم تقویت حلقه القا که در آن دستگاه تربیت شنوایی محرک‌ها را به روش القای مغناطیسی از طریق حلقه القا خود از حلقه

loudness balance

سیمی که پیرامون اتاق قرار دارد دریافت می‌کند. این حلقه سیم محرک‌هایی را که به وسیله میکروفن و تقویت‌کننده تولید شده‌اند ارسال می‌نماید.

loop ear

به ear مراجعه کنید.

LOT test → lengthened off-time test

loudness

بلندی

درک یا احساس روانی شدت صدا

critical band width for l.

پهنای باند بحرانی برای بلندی منطقه فرکانسی که تجمع بلندی به‌طور کامل رخ می‌دهد و در خارج آن رشد بلندی بیشتری دیده نمی‌شود.

fitting by l. (FBL)

تطبیق مشخصه‌ها از طریق بلندی استراتژی تنظیم و تطبیق سمعک‌های تراکمی با محدوده پویا بر مبنای اندازه‌گیری رشد بلندی، پیش‌بینی رشد بلندی یا تخمین میانگین رشد بلندی.

loudness balance test, alternate binaural (ABLB)

آزمایش موازنه بلندی متناوب دوگوشی آزمایش شنوایی که برای اندازه‌گیری رشد بلندی یا رکرئمنت در گوش آسیب‌دیده بیمار مبتلا به کاهش شنوایی یک‌طرفه به کار می‌رود.

loudness balance test, monaural

آزمایش موازنه بلندی یک‌گوشی (MLB)
 آزمایش رگروتمنت بلندی که در یک گوش بیمار رشد بلندی فرکانسی که دارای شنوایی طبیعی است یا فرکانسی که دارای کم‌شنوایی است مقایسه می‌گردد.

loudness balancing

موازنه کردن بلندی
 مقایسه بلندی دو صدا مثلاً در دو گوش در آزمایش موازنه بلندی متناوب دوگوشی.

loudness comfort level

سطح راحتی بلندی
 سطح شدتی که محرک با بلندی مناسب درک می‌شود.

loudness contours

منحنی بلندی یکسان
 منحنی سطح بلندی که نشان‌دهنده مقادیر فشار صوتی لازم برای تولید یک بلندی معین در محدوده فرکانسی افراد دارای شنوایی طبیعی در سطوح مختلف فوق می‌باشد. مترادف:

equal loudness contours, Fletcher-Munson curves

loudness discomfort level (LDL)

سطح ناراحتی بلندی
 سطح شدتی که در آن صدا با بلندی ناراحت‌کننده‌ای درک می‌شود، افراد دارای شنوایی طبیعی معمولاً قادرند صدا را تا شدت ۱۲۰ دسی‌بل SPL تحمل کنند. مترادف:

uncomfortable loudness level (UCL)

loudness growth by octave band test (LGOB)

رشد بلندی در باندهای اکتاوی
 روش سایکوفیزیکی که سطح بلندی برای باندهای مختلف فرکانسی تعیین می‌شود. این روش برای تنظیم سمعک‌های دارای تراکم از نوع محدوده پویایی وسیع بر مبنای بلندی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

loudness level

سطح بلندی
 مقدار بلندی که معمولاً بر حسب فون یا سون بیان می‌شود.

comfortable I. I.

سطح راحتی بلندی
 سطح شدتی که محرک با بلندی مطلوب درک می‌شود.

preferred I. I.

سطح بلندی ترجیحی
 سطحی از محرک که از نظر فرد راحت‌ترین سطح گفتار است.

uncomfortable I. I. (ULL); (UCL)

سطح ناراحتی بلندی
 سطح شدتی که در آن صدا با بلندی ناراحت‌کننده‌ای درک می‌شود. مترادف:

loudness discomfort level

loudness recruitment

بسیج سلولی بلندی.
 رگروتمنت بلندی
 غیرخطی بودن بیش از حد رشد بلندی به دلیل کاسی شنوایی حسی-عصبی، در این مورد،

رشد بلندی در سطوح شدت کمی بالاتر از آستانه به سرعت رشد می‌کند اما ممکن است در سطوح شدت بالاتر رشد طبیعی داشته باشد. مترادف: recruitment.

loudness summation تجمع بلندی
مضاعف شدن شدت به دلیل گسترده‌تر شدن پهنای باند، حتی اگر سطح فشار صوتی کلی تغییری نکند.

loudspeaker بلندگو
مبدلی که انرژی الکتریکی را به انرژی صوتی تبدیل می‌کند.

loudspeaker azimuth آزیموت بلندگو
جهت بلندگو نسبت به شنونده که بر حسب درجه زاویه‌ای در سطح افق اندازه‌گیری می‌شود.

low-cut filter به filter مراجعه کنید.

low fence مرز پایینی
پایین‌ترین سطح دسی‌بل که آغاز کاهش شنوایی تلقی می‌گردد و معمولاً به صورت میانگین آستانه‌های تن‌های خالص ۵۰۰، ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ هرترز تعریف می‌شود.

low frequency (LF)
به frequency مراجعه کنید.

low-frequency filter
به filter مراجعه کنید.

low-frequency hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

low-frequency sinusoidal harmonic acceleration testing

آزمایش شتاب هماهنگ سینوسی با فرکانس پایین
آزمایش عملکرد دهلیزی که در آن نیستاگموس متعاقب چرخش سینوسی کنترل شده با صدلی گردان ارزیابی می‌شود. این آزمایش به منظور تحریک بیشتر مجاری نیم‌دایره افقی طراحی شده است.

low-level compression

به compression مراجعه کنید.

low-pass earhook قلاب پایین‌گذر گوش
قلاب گوش سمعک پشت‌گوشی که پالایه آن فرکانس‌های بالا را کاهش و فرکانس‌های پایین را عبور می‌دهد.

low-pass filtered speech test (LPFS test)

آزمایش گفتار پالایش شده پایین‌گذر
ارزیابی بازشناسی گفتار با واژه‌های تک‌هجایی که با استفاده از پالایه پایین‌گذر با فرکانس قطع حدود ۸۰۰ هرترز انجام می‌شود.

low-redundancy speech test

آزمایش گفتار کم‌حشو
هر نوع ارزیابی ادیومتریک گفتار که در آن از محرک‌هایی استفاده شده باشد که برای گاستن

low tone hearing loss

محتوای اطلاعاتی تغییر یافته باشند. این تغییر می‌تواند به طور مثال با عبور از پالاپه باندگذر یا به صورت فشرده شدن زمانی حاصل شود.

low tone hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

LPFS test → low-pass filtered speech test

LSO → lateral superior olive

LTSS → long-term speech spectrum

lucidity

۱. رخسایی، تابناکی
۲. فرانمایی، شفافی
۳. وضوح، روشنی
۴. روشن‌بینی، درست‌اندیشی

lucite

لوسیت

ماده‌ای برای ساخت قالب که از متاکریلات پلی‌متیل اکریلیک درجه عالی که در دندانپزشکی نیز کاربرد دارد ساخته شده است.

lues

بیماری عفونی همه‌گیر که اختصاصاً به سیفلیس اطلاق می‌شود.

luetic

سیفلیسی

lumen

لوله

فضای داخلی ساختمان‌های لوله‌ای

lupus pernio

لوبوس پرنیو

۱. تظاهر چندی سارکوئیدوز متشکل از پلاک‌های براق، صاف و بنفش‌رنگ در گوش‌ها، پیشانی، بینی و انگشتان که معمولاً با کیست‌های استخوانی همراه است. ۲. لوپوس اریتماتوز ناشی از سرماخوردگی.

lupus vulgaris

لوبوس ولگاریس یا معمولی

شایع‌ترین و شدیدترین سل پوستی که صورت را درگیر کرده و با تشکیل تکه‌های قرمز مایل به قهوه‌ای از ندول‌های موجود در پوست مشخص می‌گردد. این ضایعات از قسمت محیطی پیشرفت کرده، از مرکز آتروفی می‌شوند و در نواحی درگیر باعث زخم‌شدگی، اسکار و تخریب غضروف می‌شوند.

Lybarger earmold

به earmold مراجعه کنید.

lymphokinesis

۱. حرکت آندولنف در مجاری نیم‌دایره‌ای.
۲. گردش لنف در بدن.

lymphomatoid granulomatosis

گرانولوماتوز شبه‌لنفوم

ضایعه تخریب‌کننده خون ناشی از تجمع ناهنجاری سلول‌ها که در بیماران مبتلا به نقص ایمنی رخ می‌دهد. این ضایعه می‌تواند در موارد شدید، دستگاه عصبی شنوایی را تحت تأثیر قرار دهد.



M1

جایگاه الکتروود روی ماستوئید (M) چپ (1)
که معمولاً برای جایگذاری الکتروود معکوس در
آزمایش پتانسیل برانگیخته شنوایی مطابق
نظام الکتروودگذاری بین‌المللی ۲۰-۱۰ مورد
استفاده قرار می‌گیرد.

M2

جایگاه الکتروود روی ماستوئید (M) راست (2)
که معمولاً برای جایگذاری الکتروود معکوس در
آزمایش پتانسیل برانگیخته شنوایی مطابق
نظام الکتروودگذاری بین‌المللی ۲۰-۱۰ مورد
استفاده قرار می‌گیرد.

MA → mental age

MAC battery → minimum auditory
capabilities battery

Macrae 2k notch filter earmold

به earmold مراجعه کنید.

macrocephaly ماکروسفالی

بزرگی غیرطبیعی جمجمه. مترادف:

megacephaly, megalcephaly

macrotia

بزرگی بیش از حد و مادرزادی لاله گوش.

macula; pl. maculae لکه، ماکولا

اپی تالیوم حسی در اتریکول و ساکول.

macula

basilar m. لکه پایه، ماکولای پایه

دسته سلولی در حباب گوشى چنينى كه به غشاء پایه تبديل مى شود.

macula sacculi

لکه كيسكى، ماکولای ساكول
منطقه نورواپى تليوم حسى در ديواره قدامى ساكول.

macula utriculi

لکه زهدانچه‌اى، ماکولای اتركول
منطقه نورواپى تليوم حسى در ديواره خارجى اتركول.

Madelung deformity بدشكلى مدلانگ
اختلال جمجمه‌اى - صورتى - اسكلتى اتوزومى
غالب كه نشانه‌هاى آن بدشكلى استخوان‌هاى
زند زيرين و زيرين و كاهش شنوايى انتقالى به
دليل ناهنجارى گوش خارجى و ميانى است.
مترادف:

dyschondrosteosis, Leri-Weill disease

MAF → minimum audible field

magnetic induction القاى مغناطيسى

توليد جريان الكترىكى يا مغناطيسى با نزديك
شدن به يك منبع الكترىكى يا مغناطيسى ديگر.

magnetic loop حلقه القا (مغناطيسى)

سيمى باندى كه دور اتاق را احاطه كرده و به
دليل انتقال انرژى الكترىكى از تقويت‌كننده
ميدان مغناطيسى توليد مى نماهد. جريان
الكترىكى از اين سيم به تله كويل (خلفه

القاى) سمك القا مى گردد. مترادف:

induction loop

magnetic resonance imaging (MRI)

تصوير بردارى تشديد مغناطيسى

روش پرتونگارى كه براى تهيه تصاوير دقيق
از ساختمان‌هاى بدن مورد استفاده قرار مى گيرد.
در اين روش بدن در يك ميدان مغناطيسى در
معرض پالس‌هاى داراى فركانس راديويى
قرار گرفته و در نتيجه سيگنال‌هاى به صورت
تصوير از يون‌هاى تحريك شده هيدروژن در
ساختمان‌هاى بدن به دست مى آيد.

magnetoencephalography (MEG)

آنسفالوگرافى مغناطيسى

روش غيرتهاجمى كه با استفاده از ثبت از فرق
سر براى اندازه‌گيرى تغييرات خودبه‌خود يا
برانگيخته حسى در ميدان‌هاى مغناطيسى
قشر مغز طراحى شده است.

magnitude

بزرگى، مقدار

به‌ويژه از نظر اندازه.

magnitude estimation

برآورد مقدار، تخمين مقدار

روش سايكوفيزيكي كه در آن از بيمار خواسته
مى شود مقدار حسى كه توسط محرک‌هاى
مختلف ايجاد مى شود را مستقيماً از نظر عددى
تخمين زند.

magnitude production تطبيق مقدار

روش سايكوفيزيكي كه از بيمار خواسته مى شود
سطح محرک را با ارزش عددى مربوطه به مقدار
آن تطبيق دهد.

main cochlear artery

به artery مراجعه کنید.

main streaming بُرزی ناتوانمندان

در آموزش، ثبت نام مجدد کودکان مبتلا به ناتوانی از کلاس‌های خاص به محیط مدارس عادی.

MAIS → Meaningful Auditory Integration Scale**malformed low-set ears syndrome**

به syndrome مراجعه کنید.

malignant

بدخیم

۱. مقاوم به درمان؛ دارای شدت پیشرونده.
۲. مربوط به نئوپلاسمی که به صورت موضعی تهاجمی و مخرب است؛ سرطانی.

malignant aural adenoma

آدنوم گوش بدخیم

تومور غده‌ای بدخیم و نادر مجرای خارجی شنوایی و گوش میانی که سبب کاهش شنوایی، ترشح از گوش، درد و فلج اعصاب جمجمه‌ای می‌گردد.

malignant external otitis

التهاب بدخیم گوش خارجی، اوتیت خارجی

بدخیم

التهاب شدید باکتریایی استخوان گیجگاهی که به صورت زخم کانونی در مجرای خارجی

شنوایی شروع می‌شود و ممکن است از طریق پرده صماخ تا گوش میانی و بافت نرم فضای ماستوئید گسترش یابد.

malignant otosclerosis

اتوسکلروز بدخیم

اتوسکلروز فعال و شدید که دریاچه بیضی، دریاچه گرد و غالب قسمت‌های لابیرنت استخوانی را درگیر کرده به کاهش شنوایی آمیخته که به تدریج شدید یا عمیق می‌شود منجر می‌گردد.

malignant sclerosteosis

سخت‌شدگی بدخیم استخوان

اختلال سخت شدن استخوان‌های اسکلتی که در زمان تولد مشهود است و در سال‌های اول زندگی سبب مرگ می‌شود. نشانه‌های آن آتروفی عصب بینایی، عقب ماندگی رشدی و ذهنی، شکستگی‌های متعدد، کاهش شنوایی و فلج عصب صورتی است.

malingering

تماز کردن

وانمود یا اغراق در یک بیماری یا آسیب نظیر کاهش شنوایی.

malleoincudal joint

مفصل چکشی سندان

نقطه اتصال چکشی و سندان.

malleolar fold

چین چکشی

نوارهای برجسته‌ای در پرده صماخ در محل اتصال آن به چکشی.

malleolar ligaments**malleolar ligaments**

به ligament مراجعه کنید.

malleolar stripe

نوار چکشی، خط چکشی

خط مایل سفیدی روی پرده صماخ که در معاینه اتوسکوپی مشاهده می‌شود و ناشی از انعکاس نور از دسته چکشی است.

malleus

استخوانچه چکشی

بزرگترین و خارجی‌ترین استخوانچه در زنجیره استخوانچه‌ای که از یک طرف به پرده صماخ و از طرف دیگر به استخوانچه سندانی متصل است. عامیانه: hammer.

malleus ankylosis

جمود مفصلی استخوانچه چکشی، آنکیلوز استخوانچه چکشی
سخت یا ثابت‌شدگی استخوانچه چکشی در محل اتصال آن با سقف صماخی.

managed care

مدیریت مراقبت‌های بهداشتی
هر برنامه یا روند مراقبت‌های بهداشتی یا بازپرداخت هزینه برای مراقبت‌های بهداشتی که در آن یک سازمان واسطه بین بیمار و خدمات‌دهنده برای تصمیم‌گیری درباره ماهیت و روش خدمات‌رسانی باشد.

managed care organization (MCO)

سازمان مدیریت مراقبت‌های بهداشتی
سازمان مدیریت بهداشت (HMO)، سازمان

ارائه خدمات ترجیحی (PPO)، شرکت بیمه یا سایر سازمان‌هایی که در مراقبت‌های مدیریتی شرکت دارند.

mandibulofacial dysostosis

نقص تشکیل استخوان‌های صورت و فک پایین اختلال رشد جنینی که به ناهنجاری چشمی، نقایص فک پایین، کام، دندان‌ها و لاله گوش و کاهش شنوایی انتقالی بسته به میزان بدشکلی لاله منجر می‌شود.

manometer

فشارسنج

ابزاری برای اندازه‌گیری فشار گازها و مایعات.

manometry

فشارسنجی

اندازه‌گیری فشار گازها یا مایعات، در ابزارهای اولیه ارزیابی عملکرد گوش میانی برای کشف تغییرات فشار هوا در مجرای شنوایی خارجی متعاقب انقباض عضله رگابی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

manual alphabet

الفبای دستی

وضعیت انگشتان و حرکات دست که در هجی کردن با انگشت مورد استفاده قرار می‌گیرد تا حروف الفبا را نشان دهد.

manual audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

manual communication

ارتباط دستی روش ارتباطی که در آن از هجی کردن با انگشتان، حالات چهره و زبان اشاره استفاده می‌شود.

manual volume control

کنترل‌کننده دستی حجم صدا
در سمعک، به هر نوع کنترل‌کننده که فرد
توسط دست سطح شدت محرک را تنظیم کند
اطلاق می‌گردد. متضاد:
automatic volume control

manubrium**دسته چکشی**

دسته استخوانچه چکشی که از سر چکشی در
طول سطح میانی پرده صماخ تا ناف پرده
امتداد یافته است.

MAP¹ → minimum audible pressure

MAP² mitomycin C, adriamycin,
platinol (cisplatin)

میتومایسین C، آدریامایسین، پلاتینول
(سیس پلاتین)
رژیم شیمی‌درمانی که در درمان سرطان سر و
گردن به کار می‌رود و بالقوه سم گوش است.

map, cochlear implant

نقشه‌برداری کاشت حلزون
نمایش پارامترهای آستانه‌ای یا فوق‌آستانه‌ای
هر الکتروده یا مجموعه الکترودها در برنامه
رمزگذاری گفتار فرد استفاده‌کننده از کاشت
حلزون.

mapping, topographic brain

نقشه‌برداری مغز
روش الکتروفیزیولوژیک اندازه‌گیری توزیع
فعالیت الکتریکی فرق سر. در این روش
ولتاژهای EEG یا AEPs از طریق چند الکتروده

اندازه‌گیری و با رنگ‌های متفاوت روی نقشه
فعالیت مغز نشان داده می‌شود.

Marfan syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

marginal cells سلول‌های حاشیه‌ای

یکی از سه نوع سلول موجود در نوار عروقی که
در تماس با آندولنف است.

marginal perforation

پارگی حاشیه‌ای پرده صماخ
سوراخ لبه یا حاشیه پرده صماخ.

marked falling audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

Marshall syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

mask**پوشش**

در ادیومتری، ارائه صدا به یک گوش حین
آزمایش گوش دیگر برای حذف تأثیر دگرسویی
شدن صدا از گوش آزمایشی به گوش غیر
آزمایشی.

masked**پوشش‌یافته**

در ادیومتری به شرایطی اطلاق می‌گردد که
شدن آزمایش حساسیت شنوایی یک گوش
سطح مؤثری از نویز پوششی به گوش دیگر
ارائه شود در حالی که حساسیت شنوایی گوش
دیگر ارزیابی می‌گردد.

masked aided threshold correction

تصحیح آستانه پوشش یافته با سمعک
تصحیح اندازه گیری بهره عملکردی برای
جبران اثرات پوشش نویز تقویت شده اتاق یا
نویز مدار بر آستانه های رفتاری با سمعک.

masked threshold

به threshold مراجعه کنید.

masker پوشاننده
در ادیومتری به نویزی اطلاق می شود که برای
پوشش گوش غیرآزمایشی مورد استفاده قرار
می گیرد.

tinnitus m. پوشاننده وزوز گوش
وسیله الکترونیکی شبیه سمعک که نویز پهن باند
یا پاریک باند در سطح شدت پایین تولید و
منتشر می کند. این وسیله برای پوشاندن وزوز
گوش طراحی شده است.

masking پوشاندن، پوشش دادن

۱. استفاده از نویز برای حذف مشارکت یک
گوش حین ارزیابی گوش دیگر؛
۲. مقدار یا روند افزایش آستانه یک صدا در
حضور صدای دیگر؛
۳. نویزی که بر شنیده شدن صدای دیگر تأثیر
می گذارد.

backward m. پس پوشش
پوشش یافتن یک صوت توسط صوت دیگری
که چند میلی ثانیه دیرتر رخ می دهد.

central m. پوشش مرکزی

افزایش آستانه حساسیت شنوایی گوش
آزمایشی در حدود ۵ دسی بل در نتیجه ارائه
نویز پوششی به گوش غیرآزمایشی که تصور
می شود ناشی از تأثیر نویز پوششی بر عملکرد
شنوایی مرکزی باشد.

comodulation m.

اثر مدولاسازی بر پوشش
نمونه ای برای اندازه گیری رهایی از پوشش
توسط مقایسه درک محرک در حضور نویز
مدوله شده یا درک آن در حضور نویز غیرمدوله.

contralateral m. پوشش دگرسویی

دگرسویی شدن نویز پوشاننده از گوش
غیرآزمایشی به گوش آزمایشی هنگامی که از
میزان کاهش بین دو گوش فراتر رود. مترادف:
overmasking

critical bandwidth for m.

پهنای باند بحرانی پوشش
در پوشش تن های خالص به منطقه فرکانسی
نویز پوششی که اطراف تن خالص متمرکز
شده است اطلاق می گردد. همین منطقه سبب
پوشش مؤثر می شود.

downward spread of m.

پوشش پس گرا، دور پوشش
پوشش فرکانس های پایین توسط اصوات باند.
دارای فرکانس بالا. مترادف:

remote masking

effective m. (EM) پوشش مؤثر
شرایطی که در صورت ارائه همزمان نویز و محرک به یک گوش، نویز فقط برای پوشش دادن محرک کافی باشد.

forward m. پیش پوشش
نوعی پوشش زمانی که نویز علیرغم عدم ارائه همزمان، صوت را پیش از شروع آن می پوشاند.

initial m. مقدار پوشش اولیه
کمترین سطح پوشش مؤثر که به گوش غیر آزمایشی ارائه می شود. در آزمایش انتقال هوایی این سطح برابر است با آستانه گوش پوشش یافته و در آزمایش انتقال استخوانی معادل است با آستانه گوش پوشش یافته به اضافه اثر انسداد در همان فرکانس.

maximum m. حداکثر پوشش
در ادیومتری، بالاترین سطح از پوشش است که می توان پیش از وقوع پوشش بیش از حد ارائه کرد.

peripheral m. پوشش محیطی
افزایش آستانه شنوایی هنگامی که محرک و نویز پوششی به یک گوش ارائه می شوند.

release of m. رهایی از پوشش
کاهش تأثیر پوشش در نتیجه تغییر در برخی ابعاد محرک پوششی یا محرک پوشش یابنده. به طور مثال رهایی دوگوشی از پوشش که در آن تغییر فاز تن های دوگوشی سبب شنیده شدن آنها در حضور نویز می گردد.

remote m. پوشش پس گرا، دور پوشش
پوشش فرکانس های پایین توسط اصوات بلند دارای فرکانس بالا. مترادف:
downward spread of masking

spread of m. گسترش پوشش
پوشش یک فرکانس توسط فرکانسی دیگر به شکل پیش گرا یا پس گرا.

temporal m. پوشش زمانی
تداخل دوصدایی که همزمان ارائه می شوند. این اثر با کاهش فاصله زمانی بین محرک و پوشاننده به صورتی نظام دار افزایش می یابد.

upward spread of m.
پوشش پیش گرا
پوشاندن صدای دارای فرکانس بالا توسط صدای کم فرکانس به طور مثال پوشش یافتن همخوان های کم شدت دارای فرکانس بالا توسط واکنش های قوی دارای فرکانس پایین.

masking efficiency کارایی پوشش
ارتباط بین سطح شدت پوشاننده و مقدار تغییر آستانه ای که ایجاد می کند.

masking level difference (MLD)

اختلاف سطح پوشش
بهبود آستانه پوشش یافته دوگوشی محرک هایی که از نظر برخی پارامترها با هم تفاوت دارند در حضور محرک هایی که به طور یکسان به دو گوش ارائه می شوند. در کلینیک آستانه دوگوشی تن هایی که در حضور نویز همفازند یا ۱۸۰ درجه اختلاف فاز دارند اندازه گیری می شود.

masking techniques

masking techniques روش‌های پوشش روش‌هایی که در شنوایی‌شناسی برای حذف مشارکت یک گوش در ارزیابی گوش دیگر به کار می‌رود. این روش‌ها عبارتند از:

Hood technique

روش هود (J.D. Hood, ۱۹۶۰)

روشی برای اطمینان از پوشش بدون وقوع پوشش بیش از حد. اگر تغییر آستانه پس از آستانه‌گیری اولیه ایجاد شود نويز پوشاننده در گام‌های ده دسی‌بلی افزایش می‌یابد و در هر گام مجدداً آستانه تعیین می‌شود تا حدی که آستانه در طی ۲۰ تا ۳۰ دسی‌بل افزایش نويز تغییری نکند.

modified Rainville test = sensorineural acuity level technique

plateau method = Rainville technique

Rainville technique روش رن‌ویل [M. J. Rainville, شنوایی‌شناس معاصر فرانسوی]. آزمایش انتقال استخوانی با مقایسه شدت پوشش‌های هوایی و استخوانی که برای پوشش آستانه انتقال هوایی لازم است. این روش به تعیین کاهش شنوایی انتقالی با مقایسه اثر پوشش بر تن‌های انتقال هوایی که توسط نويز انتقال استخوانی برزایده ماستوئید ایجاد می‌شود کمک می‌کند. شکل مقدماتی روش SAL.

sensorineural acuity level technique (SAL)

روش سطح حدت حسی عصبی اصلاح روش رن‌ویل که در آن پوشش با یک

سطح ثابت از طریق ارتعاشگر انتقال استخوانی به مرکز پیشانی ارائه می‌شود. سطح حدت حسی عصبی با کسر تغییر آستانه ناشی از نويز از مقدار مشخص تغییر آستانه افراد طبیعی به دست می‌آید.

shadowing method = Rainville technique

Studebaker technique

روش استیودبیکر

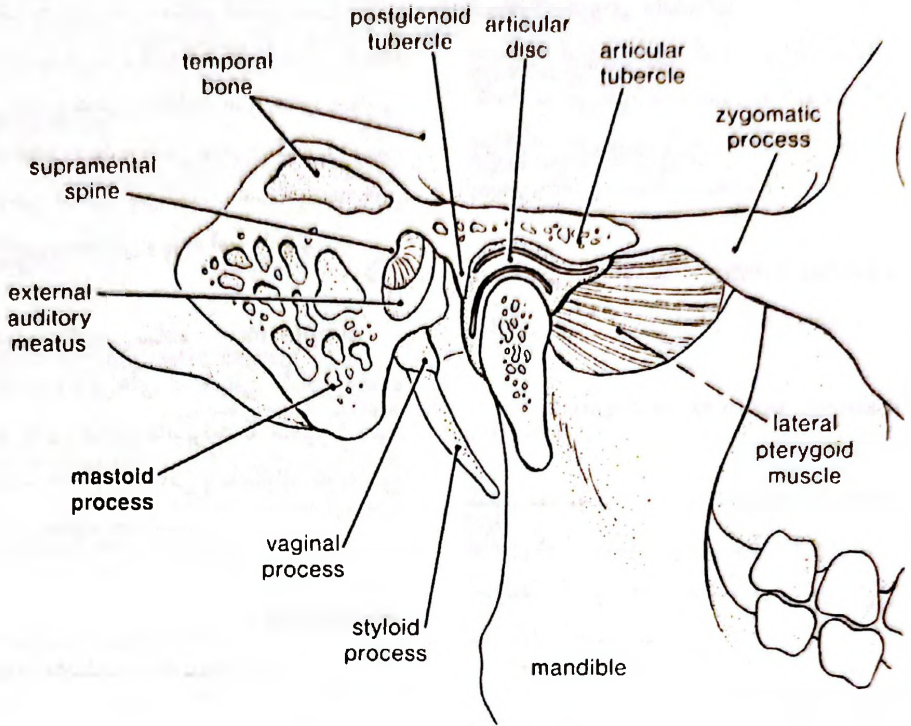
[G.A. Studebaker, شنوایی‌شناس آمریکایی، متولد ۱۹۳۳]. روشی برای تعیین مقدار مشارکت شنوایی هر گوش. پس از این که آستانه بدون پوشش به دست آمد، نويزی با سطح مؤثر ۴۰ دسی‌بل بالاتر از آستانه انتقال استخوانی به گوش دیگر ارائه می‌گردد، در گام‌های بعدی نويز به اندازه تغییر آستانه افزایش می‌یابد. اگر فاصله هوا - استخوان گوش پوشش یافته زیاد باشد روش تغییر آستانه مورد استفاده قرار می‌گیرد و نقطه آغاز آن، سطح شدتی است که برای نويز محاسبه شده بود. سپس آستانه، سطحی در نظر گرفته می‌شود که در طی ارائه یا افزایش پوشش تغییر نکند.

threshold shift method = Rainville technique

mass جرم مقدار ماده موجود در یک جسم.

master hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.



Mastoid Process

mastoid زایده پستانی، زایده ماستوئید برآمدگی مخروطی شکل استخوان گیجگاهی که در خلف و پایین مجرای خارجی شنوایی قرار دارد و برجستگی استخوانی در پشت و پایین لاله گوش ایجاد می کند.

گیجگاهی که از شکاف اپی تیمپانوم به سمت عقب گسترش یافته و از طریق دهانه به گوش میانی متصل می شود.

mastoid air cells

سلول های هوایی ماستوئید فضاهای حاوی هوا در سراسر ماستوئید که از نظر تعداد و شکل بسیار متغیرند.

به artery مراجعه کنید. **mastoid artery**

mastoid bone = mastoid

mastoid cavity, radical

حفره ماستوئید رادیکال محفظه ای که پس از جراحی ماستوئیدکتومی رادیکال به جا می ماند. این فضا مستعد عفونت عودکننده سرروز یا چرکی است.

mastoid antrum غار ماستوئید فضای بزرگی در قسمتی از ماستوئید استخوان

mastoid emissary vein

mastoid emissary vein

سیاهرگ خروجی ماستوئید
سیاهرگ کوچکی است که از سوراخ ماستوئید
کاسه سر می‌گذرد و سینوس سیگموئید را به
سیاهرگ پس سری یا سیاهرگ لاله گوش
پسین (خلفی) ارتباط می‌دهد.

mastoid notch فرورفتگی ماستوئید

بریدگی عمیق در مرز داخلی زائده ماستوئید.

mastoid process = mastoid

mastoid shunt شنّت ماستوئید

لوله‌ای که از طریق جراحی برای تخلیه ساک
آندولنفاتیک و کاهش هیدروپس در بیماری
منیر قرار داده می‌شود.

mastoid wall دیواره ماستوئید

سطح خلفی محفظه ماستوئید که دهانه یا
مدخل غار ماستوئید در آن واقع است.

mastoidectomy ماستوئیدکتومی

برداشت بخش‌های استخوانی تشکیل دهنده
سول‌های هوایی ماستوئید به منظور تخلیه
(درناژ) عفونت حاد گوش میانی و ماستوئید که
به دارو درمانی مقاوم بوده است.

modified radical m.

روش جراحی برای عفونت چرکی مزمن در
گوش میانی و ماستوئید که شامل برداشت
سول‌های هوایی ماستوئید، دیواره خلفی
مجرای گوش، دیواره خارجی فضای ای تمپان
با حفظ ساختمان‌های گوش میانی است.

radical m.

روش جراحی که به منظور تخلیه اوتیت میانی
و ماستوئیدیت مقاوم به دارودرمانی انجام
می‌شود و شامل برداشت سلول‌های هوایی
ماستوئید، دیواره خلفی مجرای گوش، دیواره
خارجی فضای ای تمپان، استخوانچه‌های
چکشی و سندانی و پرده گوش است.

simple m. ماستوئیدکتومی ساده

برداشت بخش‌های استخوانی تشکیل دهنده
سلول‌های هوایی ماستوئید به منظور تخلیه
عفونت حاد گوش میانی و ماستوئید که به دارو
درمانی مقاوم بوده است.

mastoiditis

التهاب ماستوئید، ماستوئیدیت

matching, impedance

همسازي امپدانس
رویکرد یکسان‌سازی امپدانس دو وسیله یا دو
دستگاه.

matrix آرایه، ماتریکس، ماتریس

به تقویت‌کنندگی سمعک، گروهی از منحنی‌ها
و ویژگی‌های بهره صوتی است که برای کمک
به از بین انتخاب کردن پاسخ فرکانسی طراحی
شده است؛

۲. زهدان؛ ۳. سرچشمه، اصل، مبدأ

matrix approximation

تقریب آرایه، تقریب ماتریس
تخمین مشخصه‌های ماتریسی سمعک از

طریق بهره تجویزی و تبدیل بهره جا بگذارى
مورد نظر به مقادیر بهره جفتگر (کوپلر).

maturation

بلوغ

فرآیندی که به رشد کامل منتهی می‌شود.

mature

بالغ، رسیده، کامل

maximum acoustic output

حداکثر خروجی صوتی

حداکثر خروجی حاصل از گوشی مینیاتوری
(رسیور) سمعک. مترادف:

maximum power output

maximum amplitude

به amplitude مراجعه کنید.

maximum length sequence (MLS)

حداکثر توالی طولی

روشی است برای پردازش محرک دارای نمونه -
گیری همپوش. در این روش مجموعه‌ها یا
الگوهای ایجاد می‌شوند که می‌توانند محرک
را در سرعت‌های بسیار بالا ارائه کرده و به
دنبال آن الگوهای همپوش را به اجزای خود
تجزیه نمایند.

maximum masking

به masking مراجعه کنید.

maximum power output (MPO)

حداکثر توان خروجی

حداکثر خروجی حاصل از گوشی مینیاتوری

(رسیور) سمعک بدون ارتباط به میزان ورودی
آن. مترادف:

maximum acoustic output, SSPL

maximum tolerable pressure

حداکثر فشار قابل تحمل

سطح شدتی که در آن صدا با بلندی ناراحت -
کننده‌ای درک می‌شود، افراد دارای شنوایی
طبیعی معمولاً قادرند صدا را تا شدت ۱۲۰
دسی‌بل SPL تحمل کنند. مترادف:

loudness discomfort level

MBC methotrexate, bleomycin, cisplatin

متوترکسات، بلنومایسین و سیس پلاتین
رژیم شیمی‌درمانی که برای درمان سرطان
گردن به کار می‌رود و بالقوه سم گوش است.

MBD → minimal brain dysfunction

MCL → most comfortable loudness

MCOs → managed care organization

MCR → message-to-competition ratio

MCT earmold → minimal contact
technology earmold

ME → middle ear

mean

میانگین

در آمار یکی از شاخص‌های تمایل مرکزی
است که از تقسیم مجموع مقادیر بر تعداد
آن‌ها حاصل می‌شود. مترادف: average.

Meaningful Auditory Integration Scale (MAIS)

مقیاس یکپارچه‌سازی هدفمند شنوایی
مقیاس ارزیابی که توسط والدین کودکان
کم‌شنوا تکمیل می‌شود. این مقیاس کارایی
سمعک یا کاشت حلزون را ارزیابی می‌کند.

measles سرخک
عفونت ویروسی به شدت مسری که با تب،
سرفه، التهاب ملتحمه و بثورات جلدی مشخص
می‌شود و می‌تواند سبب لاپیرتیت چرکی و
پيامد آن کاهش شنوایی حسی عصبی شدید
تا عمیق دوطرفه گردد.

German m. سرخک آلمانی
عفونت ویروسی ملایم که با تب و بثورات
جلدی گذرا که مشابه سرخک است مشخص
می‌شود. در صورت رخداد در زمان بارداری
ممکن است به ناهنجاری‌هایی در جنین از
جمله کاهش شنوایی حسی عصبی منجر گردد.
 مترادف: rubella.

meatal مجرای
مربوط به مجرا.

meatoplasty جراحی ترمیمی یا بازسازی مجرای خارجی
شنوایی.

meatus سوراخ، مجرا، گذرگاه، مناتوس
هر معبر یا مجرای آناتومیک، به ویژه مدخل
خارجی مجرا.

meatus acusticus externus

مجرای خارجی شنوایی
مجرای که از لاله گوش تا پرده صماخ امتداد
دارد.

meatus acusticus internus

مجرای داخلی شنوایی
مدخلی در سطح خلفی بخش خارۀ استخوان
گیجگاهی که اعصاب شنوایی و صورتی از آن
عبور می‌کنند.

mechanical presbycusis

پیرگوشی مکانیکی
در این نوع پیرگوشی اختلال در مکانیک حرکت
مجرای حلزونی، تغییرات آتروفیک در رباط
ماریجی، تغییرات جرم و سختی غشاء پایه و
تغییر مکانیک گوش میانی سبب شیب تند
نزولی در منحنی آستانه‌ها و کاهش توانایی
تمایز واژه می‌شود. مترادف:

cochlear-conductive presbycusis

mechanical tuning

کوک مکانیکی، تنظیم مکانیکی
در شنوایی، به قدرت تفکیک، تنظیم یا کوک
فرکانسی منسوب به حلزون و ناشی از جابجایی
حاصل از موج مسافر بکزی گفته می‌شود.

mechanoreceptor گیرنده مکانیکی
هر گیرنده‌ای که به نیروی مکانیکی پاسخ دهد.

medial میانی، وسطی، داخلی
جهت آناتومیک که به ساختمان‌های نزدیک
به صفحه میانی یا خط وسط دلالت دارد.
متضاد: lateral.

medial geniculate (MG)

زانوی داخلی، جسم زانویی داخلی هسته شنوایی تالاموس که به دو هسته مرکزی و محیطی تقسیم می‌شود. الیاف صعودی اولیه را از برجستگی‌های تحتانی دریافت و الیافی را از طریق تشعشع‌های شنوایی به قشر شنوایی ارسال می‌نماید.

medial geniculate body (MGB) =
medial geniculate

medial inferior pontine syndrome
به syndrome مراجعه کنید.

medial nucleus of the trapezoid body (MTB یا MNTB)

هسته داخلی جسم دوزنقه‌ای یکی از هسته‌های مجموعه زیتونی فوقانی که اعصاب صعودی عمده‌ای را از هسته حلزونی شکمی قدامی دریافت کرده و اعصابی را به زیتون فوقانی خارجی و نوار خارجی همان سویی ارسال می‌نماید.

medial olivocochlear bundle

دسته زیتونی حلزونی داخلی مسیر الیاف عصبی وابران که از هسته اطراف زیتون که MSO را احاطه کرده‌اند منشأ می‌گیرد و همراه عصب دهلیزی از طریق مجرای شنوایی خارجی همان سویی و دگر سویی عبور کرده به قاعده سلول‌های مویی خارجی منتهی می‌شود.

medial rectus muscle

به muscle مراجعه کنید.

medial superior olive (MSO)

زیتون فوقانی داخلی یکی از هسته‌های اصلی مجموعه زیتونی فوقانی که در مغز خلفی واقع شده و الیاف صعودی عمده‌ای را به طور مستقیم از هسته‌های حلزونی شکمی قدامی همان سویی و دگر سویی دریافت می‌کند.

median میانه

در آمار، یکی از شاخص‌های تمایل مرکزی است که معرف نقطه میانی مجموعه مقادیری است که به ترتیب قرار گرفته‌اند. نیمی از مقادیر پایین‌تر از میانه و نیم دیگر بالاتر از آن واقع می‌شوند.

median plane سطح میانی

سطح آناتومیک مرجع که به طور طولی از قسمت میانی بدن از جلو به عقب عبور کرده و بدن را به دو نیمه راست و چپ تقسیم می‌کند.
مترادف: midsagittal plane.

median plane localization

جهت یابی صفحه میانی درک صدای ادغام‌شده از دو گوش از وسط سر.

medical literature analysis and retrieval system (MEDLARS)

سامانه تحلیل و بازیابی متون پزشکی. مدلارز سامانه نمایه رایانه‌ای کتابخانه ملی پزشکی امریکا.

medicolegal مربوط به پزشکی قانونی

medium

medium واسطه، محیط، رسانه
در صوت به ماده‌ای که صدا از آن عبور می‌کند
اطلاق می‌گردد.

MEDLARS → medical literature
analysis and retrieval system

MEDLARS on-line (MEDLINE)

مدلاین
شبکه رایانه‌ای کتابخانه‌های پزشکی و مدلا رز
آمریکا جهت پژوهش‌های سریع کتابخانه‌ای.

MEDLINE → **MEDLARS on-line**

medulla oblongata بصل النخاع
قسمتی از ساقه مغز که در بالای آن پل مغزی
و در پایین آن نخاع قرار دارد.

MEE → middle ear effusion

MEG → magnetoencephalography

megacephaly; megaloccephaly
مگاسفالی، مگالوسفالی
بزرگی غیرطبیعی جمجمه. مترادف:

macrocephaly

megahertz (MHz)
مگاهرتز
یک میلیون هرتز.

megaloencephaly

بزرگی غیرطبیعی مغز

mel مل
واحد زیروبمی که معادل یک هزارم زیروبمی
تن ۱۰۰۰ هرتز در شدت معین است به نحوی
که زیروبمی تن هزار هرتز در ۴۰ دسی بل HL
یا ۱۰۰۰ مل برابر است.

melody of speech آهنگ گفتار

عمدتاً با تعدیل زیروبمی، کیفیت، کشش و
زمان تداوم تعیین می‌شود و در اصل به صورت
الگوهای تکیه و آهنگ درک می‌گردد.

Melnick-Fraser syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

melotia جابجاشدگی مادرزادی لاله گوش.

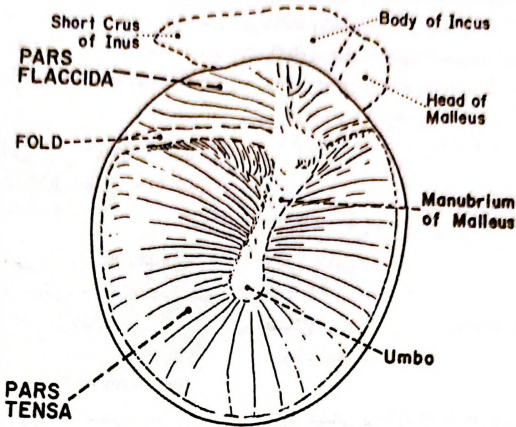
membrane غشاء، پرده
لایه نازکی از بافت قابل انعطاف که ساختمان‌ها
را به یکدیگر متصل کرده فضاها یا اندام‌ها را
جدا می‌کند و حدود محفوظه‌ها را مشخص
می‌نماید.

basement m. غشاء زیرین

لایه میانی و نازک غشاء رایسنر که لایه
سلول‌های مزوتلیومی نردبان دهلیزی را از
لایه سلول‌های اپی‌تلیومی نردبان میانی جدا
می‌کند.

basilar m. غشاء پایه

پایه لایبرنت غشائی حلزون که آن را به نردبان
صماخی و نردبان دهلیزی تقسیم می‌کند و
نگهدارنده نردبان میانی و اندام کرتی است.



The tympanic membrane

mucous m. غشاء مخاطی

هر پوشش اپی تلیومی اندام یا ساختمان، نظیر محفظه صماخی، که مخاط ترشح می‌کند.

otolithic m. غشاء اتولیتی

ساختمانی در ماکولاهای اتریکول و ساکول که محتوی اتوکنیاست. موهای حسی سلول‌های مویی در اتوکنیا جای گرفته‌اند.

Reissner's m. غشاء رایسنر

[F. Reissner, Anat. Anzeiger, 1874-1878]. غشائی در مجرای حلزونی که به تیغه استخوانی مارپیچی متصل است و به‌طور ما تا دیواره خارجی حلزون امتداد می‌یابد و نردبان دهلیزی را از نردبان میانی جدا می‌کند.

round window m. پرده دریچه‌گرد

غشاء نازکی که دریچه‌گرد را می‌پوشاند و گاه پرده صماخ ثانویه نامیده می‌شود.

Scarpa's m. = round window membrane

Shrapnell m. غشاء شرابنل
بخش شل پرده صماخ.

tectorial m. غشاء ستفی

غشاء ژلاتینی در نردبان میانی که از تیغه مارپیچی به صورت شعاعی شروع شده و اندام کرتی را می‌پوشاند. به نحوی که موهای حسی سلول‌های مویی خارجی در آن فرو می‌روند.

membrane

tympanic m. (TM) پرده صماخ
 بافت غشائی نازک و مرتعش شونده‌ای که
 انتهای مجرای شنوایی خارجی را می‌بندد و
 بخش عمده دیوارهٔ خارجی فضای گوش میانی
 را که استخوانچه چکشی به آن متصل شده،
 تشکیل می‌دهد. عامیانه: eardrum.

vestibular m. غشاء دهلیزی
 غشاء رایسنر که نردبان دهلیزی را از نردبان
 میانی جدا می‌کند.

membranous غشائی
 مربوط به غشا یا شبیه آن.

membranous atresia آترزی غشائی
 فقدان مادرزادی مجرای خارجی شنوایی به
 دلیل بافت نرم تراکمی که مجرای خارجی
 شنوایی و فضای گوش میانی را پر کرده است.

membranous labyrinth لابیرنت غشائی
 مجاری دارای بافت نرم و محتوی مایع که
 درون لابیرنت استخوانی قرار گرفته‌اند و شامل
 ساختمان‌های اندام انتهایی شنوایی و تعادلی
 می‌باشند.

membranous semicircular ducts
 مجاری نیم‌دایره غشائی
 بخش‌هایی از لابیرنت غشائی که در مجاری
 نیم‌دایره قرار دارند.

membranous wall دیواره غشائی
 سطح خارجی محفظه صماخی که عمدتاً از
 پرده صماخ تشکیل شده است.

memory

حافظه
 عملکرد پردازش اطلاعات دستگاه عصبی
 مرکزی که اطلاعات را به شکل کوتاه‌مدت یا
 بلندمدت دریافت، اصلاح، ذخیره و بازیابی
 می‌کند.

auditory m. حافظه شنوایی
 درک، ذخیره و بازیابی صدایی که قبلاً تجربه
 شده است.

echoic m. حافظه انعکاسی
 بخشی از سامانه ذخیره حسی که محرک‌های
 شنوایی در آن حفظ می‌شود.

long-term m. حافظه بلندمدت
 بعدی از عملکرد دستگاه عصبی مرکزی برای
 پردازش اطلاعات که آنها را دریافت و اصلاح
 کرد و به شکلی دائمی برای یادآوری در
 زمان‌های بعد ذخیره می‌کند.

rote m. حافظه طوطی‌وار
 ذخیره و بازیابی اطلاعات بدون درک آنها نظیر
 حفظ و بازخوانی شعر بدون درک معنی آن.

sequential m. حافظه متوالی
 ذخیره و بازیابی اطلاعات به نحوی که ترتیب
 خاصی برای ورود و یادآوری آنها رعایت
 می‌شود نظیر شمارش اعداد، روزهای هفته،
 ماه‌های سال یا کلمات یک جمله. ر.ک:

auditory processes

short-term m. حافظه کوتاه‌مدت
 بخشی از عملکرد کوتاه‌مدت دستگاه عصبی
 مرکزی برای پردازش اطلاعات که آنها را
 دریافت، اصلاح و مدتی کوتاه ذخیره می‌کند.

memory span, auditory

ظرفیت حافظه شنوایی
تعداد واردی که می توان پس از ارائه گفتار یا
اصوات دیگر به یاد آورد.

Memphis State University prescriptive procedure (MSU procedure)

به prescriptive procedure مراجعه کنید.

Ménier's disease بیماری منیر

[P. Ménière, پزشک فرانسوی ۱۸۶۲-۱۷۹۹].
هیدروپس آندولنفاتیک بدون علت مشخص
که با علائم موج شامل سرگیجه، کاهش
شنوایی، وزوز و پری گوش مشخص می شود.

cochlear M. d. بیماری منیر حلزونی

شکل غیرمعمول بیماری منیر که تنها علائم
مشخصه شنوایی بدون حمله های سرگیجه دیده
می شود. مترادف: cochlear hydrops.

vestibular M. d.

بیماری منیر دهلیزی

نوع غیرمعمول بیماری منیر که کم شنوایی
ایجاد نمی شود و تنها علائم دهلیزی بروز
می کند.

Ménier's syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

meninges مننژ، پرده های مغز

سه پرده ای که مغز و نخاع را می پوشانند و
عبارند از عنکبوتیه، سخت شامه و نرم شامه.

meningloma

مننژیوم

تومور خوش خیمی که از پرزهای عنکبوتیه
سینوس های سیگموئید و خارهای در سطح
خلفی هرم خار منشأ می گیرد و ممکن است
به زاویه پلی مخچه ای دست اندازی کرده و
سبب ضایعه و راه حلزونی گردد.

meningitis التهاب پرده های مغز، مننژیت

التهاب با کتریایی یا ویروسی پرده های مغز که
می تواند سبب اختلال شنوایی قابل توجهی به
دلیل لایبرنتیت چرکی یا التهاب غلاف عصب
هشتم جمجمه ای شود.

otitic m. مننژیت ناشی از اوتیت

عفونت پرده های مغز متعاقب اوتیت میانی یا
ماستوئیدیت.

meningo-neuro-labyrinthitis

التهاب لایبرنت غشائی، پرده های مغز و عصب
هشتم جمجمه ای که به عنوان ضایعه اصلی در
سیفیلیس مادرزادی اولیه یا در حمله های حاد
مرحله دوم و سوم سیفیلیس بروز می کند.

meninx

شامه

یکی از پرده های مغز. شکل مفرد واژه
meninges.

meniscus

منیسک

ساختمان یا شکل هلالی، اصطلاحی که برای
توصیف خط مایع در گوش میانی دارای ترشح
هنگام اتوسکپی استفاده می شود.

mental age (MA)

سن عقلی، سن ذهنی (MA) mental age
سن هوشی که بر اساس آزمون‌های استاندارد
شده ارزیابی می‌گردد.

mental-alerting tasks

فعالیت‌های هوشیارانه ذهنی
فعالیت‌هایی نظیر حل مسائل ریاضی که برای
حفظ هوشیاری بیمار طی ارزیابی دهلیزی یا
سایر آزمایش‌ها انجام می‌شود.

mental retardation (MR)

عقب‌ماندگی ذهنی
کارکرد عقلانی کلی کمتر از متوسط که از دوران
رشدی شروع می‌شود و با یادگیری و رشد
مختل و ناسازگاری اجتماعی همراه است.
درجات عقب‌ماندگی معمولاً بر حسب هوشبهر
اندازه‌گیری می‌شود: خفیف (۵۵-۵۰ تا ۷۰)،
متوسط (۴۰-۳۵ تا ۵۵-۵۰)، شدید (۲۵-۲۰)
تا (۴۰-۳۵) و عمیق (کمتر از ۲۵-۲۰).

mentally impaired (MI)

آسیب‌دیده از نظر هوشی.

MEP → multimodality evoked potentials

mesencephalic

مربوط به مغز میانی، مزانسفالی

mesencephalon مغز میانی، مزانسفالن
مغز میانی دستگاه عصبی مرکزی که بخش
شناویی آن شامل هسته‌های ثور خارجی و
برجستگی‌های تحتانی است.

mesenchyme

مزانشیم
بافت همبند جنینی.

mesoderm

مزودرم
لایه میانی سه لایه اولیه رویان که پس از
تکامل به بافت‌های همبند، عضلات، رگ‌های
خونی و لنفی تبدیل می‌شود.

mesotympanum

مزوتیمپان
گوش میانی، محفظه صماخی.

message-to-competition ratio

نسبت پیام اصلی به پیام رقابتی (MCR)
در ادیومتری گفتاری نسبت سطح ارائه اهداف
گفتاری به پیام رقابتی زمینه است. مترادف:
signal-to-noise ratio

طبقه‌بندی عقب‌ماندگی ذهنی براساس نیاز حمایتی

۱. متناوب intermittent فرد تنها نیازمند حمایت‌های کوتاه‌مدت برای موارد خاص نظیر یافتن کار است.
۲. محدود limited فرد به حمایت‌های خاصی نظیر امور مالی یا آموزش‌های شفلی نیاز دائم دارد.
۳. گسترده extensive فرد در موارد خاصی از زندگی روزمره به حمایت دائم نیازمند است؛ نظیر حمایت بلندمدت شفلی.
۴. گسترده extensive فرد در تمامی جنبه‌های زندگی به حمایت دائم نیازمند است.

metabolic presbycusis

پیرگوشی متابولیک
 اُتروفی نوار عروقی، کاهش پتانسیل میکروفنی،
 کاهش عملکرد ساولی و توازن بیوالکتریکی /
 بیوشیمیایی حلزون. ادیوگرام این نوع پیرگوشی
 مسطح است و به تدریج با افزایش سن اندکی
 نزولی می‌شود.

metabolism سوخت‌وساز، متابولیسم

مجموعه فرآیندهای فیزیکی و شیمیایی که
 حیات موجود زنده را تداوم می‌بخشند.

metacognition فراشناختی

اندیشیدن دربارهٔ روند تفکر.

metalinguistic فرازبان‌شناختی

مربوط به استفاده از زبان برای فکر کردن و
 ارتباط دربارهٔ زبان.

metastasis متاستاز

تغییر یا گسترش بیماری از یک بخش بدن به
 بخش دیگر.

metastatic neoplasm

نئوپلاسم متاستاز دهنده
 رشد غیرطبیعی بافت در بخش‌هایی از بدن
 که از تومور اصلی اولیه دور هستند.

metastasis متاستاز کردن

گسترش یافتن یا مورد تهاجم قرار گرفتن
 توسط متاستاز، این اصطلاح معمولاً در مورد
 سرطان گفته می‌شود.

meter

متر، سنج
 وسیلهٔ سنجش و اندازه‌گیری.

decibel m. = sound level meter

otoadmittance m.

دستگاه سنجش ادمیتانس گوش
 ابزار اولیه اندازه‌گیری ایمیتانس برای ارزیابی
 اجزای سوسپتانس و رسانایی (کاندوکتانس)
 گوش میانی طراحی شده است.

sound level m. صداسنج

ابزار الکترونیکی برای اندازه‌گیری شدت صدا
 بر حسب دسی‌بل مطابق استاندارد مورد
 پذیرش.

volume unit (VU) m.

حجم‌سنج صدا
 شاخص قابل دید روی ادیومتر که شدت محرک
 ورودی را بر حسب دسی‌بل نشان می‌دهد به
 نحوی که صفر دسی‌بل مساوی تنظیم خروجی
 کاهنده است.

method of adjustment روش تطبیق

روش سایکوفیزیک برای تعیین آستانه مطلق
 یا افتراقی. در این روش آزمایشگر تغییرات
 لازم برای ارزیابی آستانه را کنترل می‌کند.

method of constant stimuli

روش محرک‌های ممتد
 روش سایکوفیزیک تعیین آستانه‌ها که در آن
 همان محرک‌های مشابهی که در محدودهٔ اطراف

آستانه قرار می‌گیرند مکرراً ارائه می‌شوند تا آستانه ۵۰٪ در تابع روان‌سنجی (سایکومتریک) پاسخ-امتیاز تعیین گردد.

روش حدود method of limits

روش سایکوفیزیکی تعیین آستانه مطلق یا افتراقی که محرک در سطوحی کاملاً بالاتر یا پایین‌تر از آستانه ارائه می‌شود و شدت در گام‌های کوچک تغییر می‌کند تا به مرز احساس صدا برسد.

آزمایش متز Metz test

اندازه‌گیری غیرمستقیم بسیج سلولی (رکروتمنت) توسط مقایسه آستانه رفتاری تن خالص با آستانه رفلکس صوتی عضله رکابی. با نزدیک شدن این دو آستانه، تفاوت کاهش می‌یابد که نشان‌دهنده رشد غیرطبیعی بلندی یا رکروتمنت است.

mg → milligram

MG → medial geniculate

میلی‌گرم در هر کیلوگرم mg per kg
روش بیان دوز دارو بر حسب مقدار آن به اوزان بدن

MGB → medial geniculate body

mho مو
واحد رسانایی (کاندوکتانس) الکتریکی که مقابل و در جهت مخالف اهم است.

MHz → megahertz

MI → mentally impaired

micro (μ) میکرو
پیشوندی است به معنای یک میلیونیم.

microbar میکروبار
واحد فشار معادل یک میلیونیم بار.

microcephalic
ناری سری که به طور غیرطبیعی کوچک است.

microcephaly میکروسفالی
نزدیکی غیرطبیعی سر.

micropascal میکروپاسکال
واحد فشار معادل یک میلیونیم پاسکال.

microphone میکروفن
سای که امواج صوتی را به محرک الکتریکی تبدیل می‌کند.

air-dielectric m.
میکروفن دی‌الکتریک هوایی

نوعی میکروفن تراکمی (خازنی) که خروجی الکتریکی آن از تغییر فاصله بین دو صفحه سطحی شده که هوا بین آنها به عنوان دی‌الکتریک عمل می‌کند، حاصل می‌شود.

boom m.
میکروفن آویزی. میکروفن معلق میکروفنی که بالای سر گوینده معلق است.

boundary m. = conference microphone

capacitor m. میکروفن خازنی
میکروفنی که در آن ظرفیت‌های الکتریکی مختلفی در پاسخ به سطح صدا، محرک الکتریکی را کنترل می‌کند و شامل میکروفن دی‌الکتریک هوایی و الکتروت می‌باشد. مترادف:

condenser microphone

carbon m. میکروفن کربنی
میکروفن قدیمی که در آن از ذرات کربن برای تبدیل فشار صوتی به انرژی الکتریکی استفاده می‌شد.

ceramic m. میکروفن سرامیک
نوعی میکروفن پیزوالکتریک که در آن جریان الکتریکی با اعمال فشار مکانیکی تولید می‌شود.

condenser m. = capacitor m.

conference m. میکروفن همایش
میکروفنی که در آن صدای مستقیم و صدایی که از سطح سخت پایین میکروفن منعکس می‌شود به صورت هم‌فاز و هم‌زمان به دیافراگم برخورد می‌کنند. از این رو، بدون افزایش سطح نویز داخلی، فشار صوتی و خروجی الکتریکی افزایش می‌یابد. میکروفن‌های همایشی که برای وسایل شنوایی کمکی طراحی شده‌اند بدون جهت هستند اما نوع دارای الگوی قطبی جهت‌دار نیز موجود است. مترادف:

boundary microphone

crystal m. میکروفن کریستالی
میکروفن پیزوالکتریک اولیه که در آن از فشار مکانیکی برای تولید جریان الکتریکی در کریستال‌هایی چون کوارتز و سولفات لیتیم استفاده می‌شود.

directional m. میکروفن جهت‌دار
میکروفنی که مبدل آن به صداهای مربوط به جهت خاصی حساس‌تر است. در سمک به نحوی طراحی می‌شود که به صداهای جلو بیشتر از پشت سر حساس باشد. مترادف:
unidirectional microphone

dynamic m. میکروفن پویا
میکروفنی دارای یک دیافراگم نازک که با حرکت آن ولتاژ الکتریکی به حلقه‌ای در میدان مغناطیسی القا می‌شود.

electret m. میکروفن الکتروت
نوعی میکروفن خازنی که دی‌الکتریک بین دو صفحه قطبی شده آن ماده‌ای است که به طور دائم شارژ (دارای بار الکتریکی) می‌شود.

electrostatic m.

میکروفن الکتروستاتیک ساکن
میکروفن خازنی که در آن تغییر ظرفیت الکتریکی در پاسخ به سطوح شدت صدا، محرک الکتریکی را کنترل می‌کند.

environmental m. (EM)

میکروفن محیطی
میکروفنی در سمک که صدای مجرای صوتی را منتقل می‌کند.

microphone

lavaller m. میکروفن لاولیه
میکروفن کوچکی که دور گردن قرار می‌گیرد.

nondirectional m. = omnidirectional microphone

omnidirectional m.

میکروفن بدون جهت
میکروفنی که حساسیت آن نسبت به تمام
جهات صدا یکسان است.

piezoelectric m.

میکروفن پیزوالکتریک
مدلی که با ایجاد فشار مکانیکی روی سرامیک
یا کریستال، محرک صوتی را به جریان الکتریکی
تبدیل می‌کند.

probe m.

میکروفن جستجوگر، میکروفن پروب
میکروفنی که دارای لولهٔ پروب با قطر کم است
و برای اندازه‌گیری صدا نزدیک پرده صماخ به
کار می‌رود.

probe-tube m. = probe microphone

reference m.

میکروفن مرجع
میکروفن دیگری که در طی اندازه‌گیری‌های
میکروفن جستجوگر (پروب) برای اندازه‌گیری
سطح محرک و یا در طی روند یکسان‌سازی
میکروفن جستجوگر (پروب) برای کنترل سطح
محرک به کار می‌رود.

unidirectional m. = directional microphone

microphonics

میکروفنی
نویز دارای فرکانس قابل شنیدن که توسط
ارتعاش مکانیکی عناصر یک سامانه ایجاد
می‌شود، نظیر ارتعاش عناصر درون لامپ
الکترونی.

microprocessor audiometer

به audiometer مراجعه کنید.

microsecond

میکروثانیه
یک میلیونیم ثانیه.

microshell earmold

به earmold مراجعه کنید.

microtia کوچکی غیرطبیعی لاله گوش

تیرهای ریز، میکروویلوس‌ها
زیادید غشاء سلولی سلول‌های مویی که از رأس
آن‌ها بیرون زدد و به شکل موهای حسی دیده
می‌شود.

$\mu V \rightarrow$ microvolt

microvolt (μV)

میکروولت
۱ میکروولت مساوی ۰/۰۰۰۰۰۱ ولت است؛
یک میلیونیم ولت.

mid frequency

به frequency مراجعه کنید.

microphone

middle-latency response (MLR)

mid-frequency hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

midbrain

مغز میانی

مزانسفالان دستگاه عصبی مرکزی که بخش
شنوایی آن شامل هسته‌های نوار خارجی و
برجستگی تحتانی است.

middle ear

به ear مراجعه کنید.

middle ear cavity

محفظه گوش میانی
فضایی در استخوان گیجگاهی که حاوی محفظه
صماخی، اپی تمان و لوله استاش است. مترادف:
middle ear space.

middle ear cleft = middle ear cavity

middle ear effusion (MEE)

گوش میانی مترشحه

خروج مایع از دیواره‌های غشائی فضای گوش
میانی متعاقب التهاب آن.

middle ear implant

کاشت گوش میانی

allogeneic m.e.i.

کاشت دگزراد گوش میانی

بافتی مانند پرده صماخ و استخوانچه‌ها که از
افراد دیگر در جراحی بازسازی گوش میانی
مورد استفاده قرار می‌گیرد.

alloplastic m.e.i.

کاشت آلوپلاستیک گوش میانی
پروتز استخوانچه که از مواد بی‌اثر مانند سرامیک
یا پلاستیک ساخته شده و در جراحی بازسازی
گوش میانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

middle ear muscle reflex

به reflex مراجعه کنید.

middle ear space = middle ear

cavity

middle fossa approach

روش حفرة میانی

روش جراحی که به منظور حفظ شنوایی در طی
برداشت تومورهای مربوط به مجرای داخلی
شنوایی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

middle-latency auditory evoked
response (MLAER)

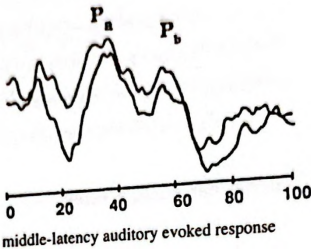
پاسخ برانگیخته میان‌رس شنوایی
پتانسیل برانگیخته شنوایی که از ناحیه
تشعشعات شنوایی و قشر مغز منشأ می‌گیرد و
اولین موج دارای یک قله مثبت فرکانس ۲۵
تا ۴۰ میلی‌ثانیه پس از ارائه محرک است.
مترادف:

auditory middle latency response

middle-latency response (MLR)

= middle-latency auditory evoked
response

middle-latency response



electrically evoked m.l.r.
(EMLR)

پاسخ میان‌رس برانگیخته به روش الکتریکی
پاسخ میان‌رس شنوایی که با تحریک الکتریکی
حلزون یا الکتروود دماغه‌ای خارج حلزونی یا
کاشت حلزون تولید می‌شود.

mid line خط وسط

midsagittal plane سطح میانی
سطح آناتومیکی مرجع که به‌طور طولی از
قسمت میانی بدن از جلو به عقب عبور کرده و
بدن را به دو نیمه راست و چپ تقسیم می‌کند.
مترادف: median plane.

migration مهاجرت

فرآیند جنینی که در طی آن نورون‌های جوان از
محل ایجاد خود به مکان زمان تکامل یافتگی
حرکت می‌کنند.

mild hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

millary tuberculosis سل ارزنی

بیماری عفونی با کتریایی که با تشکیل تاول‌هایی
به اندازه دانه ارزن در دستگاه عصبی مرکزی
مشخص می‌شود. در این بیماری درگیری
مسیرهای شنوایی می‌تواند به ضایعه وراث
حلزونی منجر شود.

mill پیشوندی به معنای یک هزارم.

milligram میلی‌گرم
یک هزارم گرم.

millimeter of water (mm H₂O)
میلیمتر آب
واحد فشار هوا که در تمپانومتري مورد استفاده
قرار می‌گیرد.

millimho (mmho) میلی‌مو
یک هزارم مو.

millisecond (msec) میلی‌ثانیه
یک هزارم ثانیه.

mimic speech

تقلید تولیدی. پژواک‌گویی
تغییل فرد به تقلید موبده‌موی اصوات گفتاری
دیگران که به‌طور طبیعی طی رشد گفتار و
به‌طور غیرطبیعی در بزرگسالان مبتلا به زبان
لغزشی رخ می‌دهد. مترادف: echolalia.

به hearing مراجعه کنید. mini CROS

middle-latency response

minimal auditory deficiency syndrome به syndrome مراجعه کنید.

minimal brain dysfunction (MBD)
اختلال جزئی عملکرد مغز
اصطلاح اولیه‌ای برای توصیف مجموعه‌ای از اختلالات رفتاری، زبانی و یادگیری بدون علت مشخص.

minimal contact technology earmold (MCT earmold)
به earmold مراجعه کنید.

minimal pairs test
آزمایش جفت‌های کمینه
آزمایش بازشناسی گفتار دارای پاسخ پسته دوگزینه‌ای برای کودکان که از دو تصویر استفاده می‌شود. دو گزینه از نظر یکی از جنبه‌های زنجیری (همخوان یا واکه) تفاوت دارند.

minimal response level
سطح حداقل پاسخ
پایین‌ترین سطحی که کودک به شکل رفتاری به صدا پاسخ می‌دهد.

minimum audible angle
حداقل زاویه قابل شنیدن
اندازه حداقل تفاوت قابل کشف در آزمون. این مقدار به عنوان تابی از آزمون تغییر می‌کند و کمترین آن در آزمون صفر درجه است.

mismatched negativity (MMN)

minimum audible field (MAF)
حداقل شدت قابل شنیدن در میدان صوتی
آستانه دوگوشی حساسیت نسبت به صدایی که در میدان صوتی توسط بلندگویی در آزمون صفر ارائه می‌شود. ر.ک:
minimum audible pressure

minimum audible pressure (MAP)
حداقل فشار قابل شنیدن
آستانه حساسیت یک گوش نسبت به فشار صوت از طریق گوشی. ر.ک:
minimum audible field

minimum auditory capabilities battery (MAC battery)
مجموعه توانمندی‌های شنوایی
مجموعه‌ای از آزمایش‌ها که برای ارزیابی درک شنوایی افراد مبتلا به کاهش شنوایی عمیق طراحی شده است.

minimum contralateral interference level
حداقل سطح مداخله دگرسویی
در آزمایش استنجر پایین‌ترین سطح شدت ارائه محرک به گوشی است که گفته می‌شود کم‌شنواتر است. این سطح سبب می‌شود پاسخ بیمار علیرغم ارائه ممتد محرک فوق‌آستانه‌ای به گوش بهتر متوقف شود.

mismatched negativity (MMN)
موج منفی ناهمخوان
پتانسیل برانگیخته شنوایی که با استفاده از تحریک متفاوت ثبت می‌شود و با یک قله منفی

middle-latency response

در ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلی ثانیه مشخص می‌گردد. این پاسخ نشان‌دهنده توانایی تمایز خصوصیات متفاوت ساده یا پیچیده صدا است.

mitochondrial disorders

اختلالات میتوکندری

ناهنجاری‌های DNA میتوکندری که می‌تواند به کاهش شنوایی حسی عصبی به تنهایی یا همراه با سایر مشخصه‌های بیماری نظیر آنسفالوپاتی، میوپاتی، اختلال صرع، آتاکسی و فلج چشمی منجر شود.

mixed hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

MLAER → middle latency auditory evoked response

MLB → monaural loudness balance test

MLD → masking level difference

MLR → middle latency response

MLS → maximum length sequence

MLV audiometry → monitored live voice audiometry

mmH₂O → millimeter of water

mmho → millimho

MMN → mismatched negativity

MNTB → medial nucleus of trapezoid body

mobile hearing conservation program

برنامه حفاظت شنوایی متحرک یکی از خدمات حفاظت شنوایی که در آن از اتومبیل‌های ون مجهز به وسایل شنوایی جهت غربالگری شنوایی مراکز صنعتی در محل استفاده می‌شود.

mobile unit واحد سیار

اتومبیل ون سیار که برای غربالگری شنوایی در مراکز صنعتی تجهیز شده است.

mobilization of the stapes

متحرک‌سازی استخوانچه رکابی روش جراحی در موارد مبتلا به اتوسکلروز برای جدا کردن صفحه رکابی از دريچه بیضی.

Möblus syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

modality حس، مدالیتد

یکی از حس‌های فیزیکی شامل بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و بساواایی.

mode نما

در آمار یکی از شاخص‌های تمایل مرکزی است که معرف مقداری است که در یک مجموعه بیشترین تکرار را داشته است.

moderate hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

moderately severe hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

modification اصلاح، تغییر، تعدیل

تغییر ساختمان یا عملکرد.

earmold m. تعدیل قالب گوش

ایجاد تغییر در ساختمان قالب به منظور تغییر تنظیم و تطبیق یا مشخصات اکوستیک آن.

modification of the revised NAL prescriptive procedure

به prescriptive procedure مراجعه کنید.

modified peak clipping

برش تدریجی قله

برش قله در تقویت سمعک که مقادیر اضافی قله‌های دامنه جریان متناوب را در سطحی از پیش تعیین شده به روش تدریجی که اعوجاج را کاهش دهد قطع می‌کند. مترادف:

soft peak clipping

modified pressure method

برش تعدیل شده فشار

در اندازه‌گیری‌های میکروفن جستجوگر (پروپ) روشی برای یکسان‌سازی است که میکروفن مرجع میدان نزدیک سر و خارج از تأثیر اکوستیکی گوش خارجی و سمعک قرار داده می‌شود.

modified radical mastoidectomy

روش جراحی برای عفونت چرکی مزمن در گوش میانی و ماستوئید که شامل برداشت سلول‌های هوایی ماستوئید، دیواره خلفی مجرای گوش، دیواره خارجی فضای اپی‌تمپان یا حفظ ساختمان‌های گوش میانی است.

modified Rainville test

به masking techniques مراجعه کنید.

modified rhyme test

آزمایش اصلاح‌شده کلمات هم‌قافیه
آزمایش بازشناسی گفتار با پاسخ بسته که محرک و سایر گزینه‌ها هم‌قافیه هستند.

modified SISI test

آزمایش اصلاح‌شده SISI

آزمایش اولیه‌ای که برای تشخیص افتراقی استفاده می‌شود. در این آزمایش افزایش‌های یک دسی‌بلی روی تن حاملی که در سطح شدت بالا ارائه می‌شود رخ می‌دهد. توانایی کشف افزایش‌ها نشان‌دهنده شنوایی طبیعی یا حلزونی است.

modified stenger test

آزمایش اصلاح‌شده استنجر

آزمایش استنجر که به جای تن خالص از واژه‌های اسپوندی استفاده می‌شود. مترادف:

speech stenger

modiolus

ستونک، مدیولوس
 ستون استخوانی در مرکز حلقون که رگ‌های
 خونی در الیاف عصبی لایبرنت از آن می‌گذرند.

مدوله‌سازی، مدولاسیون
 تغییر تناوبی در یک بعد خاص از محرک.

amplitude m. (AM)

مدوله‌سازی دامنه
 فرآیند تغییر دامنه موج رادیویی یا صوتی
 نسبت به تیروی موج حامل.

frequency m. (FM)

مدوله‌سازی فرکانس
 فرآیند تولید محرک مرکب با تغییر سینوسی
 فرکانس موج حامل.

modulation transfer function

عامل انتقال مدوله‌سازی
 توصیف توانایی یک سامانه انتقال صوتی یا
 الکترونیکی برای حفظ مشخصات دامنه پوش
 محرک.

Mohr syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

monaural

یک‌گوشی
 مربوط به یک گوش.

monaural hearing aid

سمعک یک‌گوشی
 سمعی که فقط به یک گوش داده می‌شود.

monaural loudness balance test

آزمایش موازنه بلندی یک‌گوشی (MLB)
 آزمایش رگروتمنت بلندی که در یک گوش
 بیمار رشد بلندی فرکانسی که دارای شنوایی
 طبیعی است با فرکانسی که دارای کم‌شنوایی
 است مقایسه می‌گردد.

Mondini dysplasia

دیسپلازی موندینی
 ناهنجاری مادرزادی لایبرنت‌های استخوانی و
 غشائی که با محدوده وسیعی از ناهنجاری‌های
 مورفولوژیک و عملکردی از جمله کاهش
 شدید عملکرد شنوایی و دهلیزی مشخص
 می‌شود.

monesthetic

تک‌حسی
 مربوط به یک حس.

mongolism = Down syndrome

monitored live voice audiometry
 (MLV audiometry)

به audiometry مراجعه کنید.

monitoring

پایش
 ارزیابی مداوم یکپارچگی یک عملکرد در
 طول زمان نظیر پایش حین عمل یا پایش
 مسمومیت گوش.

Intraoperative m.

پایش حین عمل
 ارزیابی مداوم یکپارچگی اعصاب جمجمه‌ای
 حین جراحی. به‌طور مثال در طی برداشت
 تومور شنوایی، عصب هفتم جمجمه‌ای به

monitoring

دلیل نزدیکی به محل قطع و عصب هشتم به دلیل تلاش برای حفظ شنوایی پایش می‌گردد.

ototoxicity m.

پایش مسمومیت گوش
ارزیابی مداوم شنوایی در طی مدت درمان یا داروهای سم گوش.

monitoring audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

monomeric tympanic membrane

پرده صماخ تک لایه
پرده صماخی که بخشی از لایه فیبری خود را از دست داده باشد.

monopolar electrode

به electrode مراجعه کنید.

monopolar stimulation

تحریک یک قطبی
۱. ارائه محرک الکتریکی به یک قطب آرایه
الکترودها؛ ۲. تحریک کاشت حلزون به نحوی که الکترودها فعال درون حلزون و الکتروده خنثی بیرون آن باشند. ر.ک: bipolar stimulation.

monosyllabic word واژه تک هجایی

monosyllable-trochee-spandee

test (MTS test)

آزمایش واژه‌های تک هجایی-تروکی-اسپوندی
ارزیابی ادیومتریکی بازشناسی واژه و شناسایی
الگوی تکیه در کودکان.

morphology

monothermal caloric stimulation

تحریک حرارتی یک دمایی
ارزیابی عملکرد دهلیزی با تحریک مجرای
شنوایی خارجی تنها با آب یا هوای گرم، سرد
یا یخ. ر.ک:

bithermal caloric stimulation

monotic

یک گوشه

ارائه به یک گوش.

monotonic

یکنواخت

مربوط به عملکردی که تحت تأثیر تغییرات
متغیر مستقل قرار نمی‌گیرد.

montage

مونتاژ، پهلوی هم‌گذاری

در الکتروفیزیولوژی وضعیت الکترودهایی
است که برای ثبت پتانسیل‌های معینی مورد
استفاده قرار می‌گیرند.

Moro reflex

به reflex مراجعه کنید.

Moro reflex test

آزمایش رفلکس مورو
آزمایشی که برای ارزیابی وجود رفلکس مورو
در پاسخ به ارائه ناگهانی صدا انجام می‌شود.

morpheme

واج

کوچکترین واحد معنی دار در زبان.

morphology

شکل شناسی

توصیف کیفی تکرارپذیری پاسخ و سهولت
شناسایی قله‌های پتانسیل برانگیخته شنوایی.

Morquio syndrom

Morquio syndrom

به syndrome مراجعه کنید.

most comfortable loudness (MCL)

سطح راحتی بلندی

سطح شدتی که محرک یا بلندی مطلوب درک می‌شود.

most comfortable loudness range

راحت‌ترین محدوده بلندی (MCLR) در شنوایی‌شناسی به محدوده‌ای از شدت اطلاق می‌گردد که گفتار پیوسته به راحتی شنیده و درک می‌شود. این محدوده ممکن است برای افراد طبیعی حدود ۱۰ تا ۲۰ دسی‌بل متفاوت باشد.

motoneuron = motor neuron

stapedial m.

نورون‌های حرکتی رکابی

ستون نورون‌های تک سلولی که مسئول انقباض عضله رکابی‌اند و داخل تر از هسته حرکتی عصب هفتم مجموعه‌ای قرار گرفته‌اند و تا منطقه بین مجموعه زیتونی فوقانی و هسته حرکتی امتداد دارند.

motor nerve به nerve مراجعه کنید.

motor neuron نورون حرکتی
الیاف عصبی وابران که تکانه‌ها را از دستگاه عصبی مرکزی تا عضلات محیطی حمل می‌کند.

motor nucleus of the facial nerve

هسته حرکتی عصب صورتی

هسته‌ای در مغز خلفی که زوایدی را تا عضلات صورت از جمله عضله رکابی می‌فرستد.

motorboating

قایق‌موتوری

اصطلاح عامیانه‌ای برای توصیف صدایی که گاه با ضعیف شدن باتری از سمک تولید می‌شود.

motoric compensation

حرکت جبرانی حرکت جبرانی عضلات در پاسخ به کشش ضد جاذبه.

movement coordination test

آزمایش هماهنگی حرکات

زیرآزمایش وضعیت‌نگاری پویای رایانه‌ای که در آن صفحه‌ای که حرکات پا را اندازه‌گیری می‌کند تحت مجموعه‌ای از حرکات کنترل شده رایانه‌ای قرار می‌گیرد و در طی آن جبران حرکتی بیمار ارزیابی می‌شود.

MPO → maximum power output

MR → mental retardation

MRI → magnetic resonance imaging

MS → multiple sclerosis

msec → millisecond

MSD → medial superior olive

MSU prescriptive procedure → Memphis State University prescriptive procedure	اسکلت استخوانی، مفاصل، کبد، طحال، چشم، گوش، پوست، دندان‌ها و دستگاه‌های قلبی عروقی، تنفسی و اعصاب مرکزی تأثیر می‌گذارد، نظیر سندرم‌های هرلر، هانتز، سن فیلیپو و مورکیو.
MTB → medial nucleus of the trapezoid body	
MTS → monosyllabic-trochee-spondee test	
μ → mu, micro	
mu (μ) میکرو، یک‌میلیونیم	
Muckle-Wells syndrome به syndrome مراجعه کنید.	
muroid effusion ترشح مخاطی مایع غلیظ، چسبنده و شبه‌مخاطی.	
muroid otitis media به otitis media مراجعه کنید.	
mucopolysaccharides موکوپلی‌ساکاریدها ترکیب پروتئین و کربوهیدرات.	
mucopolysaccharidosis موکوپلی‌ساکاریدوز گروهی از اختلالات ذخیره‌ای لیزوزوم به علت نقص در متابولیسم گلیکوز آمینوگلیکات‌ها که موجب تجمع و دفع آنها از بدن گشته و روی	
	mucosa غشاء مخاطی، مخاط
	mucosanguinous otitis media به otitis media مراجعه کنید.
	mucous ۱. مربوط به موکوس یا مخاط، شبیه موکوس یا مخاط. ۲. پوشیده از موکوس یا مخاط. ۳. مولد موکوس، ترشح‌کننده مخاط، حاوی موکوس یا مخاط.
	mucous membrane به membrane مراجعه کنید.
	mucous otitis media به otitis media مراجعه کنید.
	mucus مخاط، موکوس مایع روشن و غلیظی که از غشاء مخاطی ترشح می‌شود.
	روش مولر-والد Mueller-Walle method [J. Mueller-Walle، مربی آلمانی ناشنویان، حدود ۱۸۸۶]. روش تحلیلی آموزش گفتارخوانی که بر تمرین هجاهای آهنگین که سریع ادا

multichannel compression

می‌شود تأکید دارد. در این روش ابتدا هر صدا به صورت جداگانه سپس ترکیب اصوات به صورت واژه، عبارت و جمله آموزش داده می‌شود.
ر.ک: speechreading.

multichannel compression

به compression مراجعه کنید.

multi-CROS

به hearing aid مراجعه کنید.

multichannel processing

به processing مراجعه کنید.

multifrequency tympanometry

تمپانومتري چندفرکانسی
ارزیابی تمپانومتريک عملکرد گوش میانی با
فرکانس پروب معمول (۲۲۶ هرتز) و یک یا
چند فرکانس پروب دیگر.

multimodality evoked potential

به potential مراجعه کنید.
(MEP)

multiple lentiginos syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

multiple-memory hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

multiple sclerosis (MS)

تصلب متعدد، اسکروز متعدد
بیماری تخریب‌کننده میلین که ماده سفید مغز

را درگیر کرده، سبب علائم نورولوژیک منتشر از جمله کاهش شنوایی، عدم تعادل و ناهماهنگی، شکایات بینایی، نقایص درک گفتار و اختلالات رفلکس صوتی و ABR می‌گردد.

multiply handicapped

چند معلولیتی

multisensory approach

روش چندحسی
روش توانبخشی شنوایی با استفاده از تحریک بینایی، شنوایی و لامسه به منظور یادگیری بهتر ارتباط.

mumps

اوریون

بیماری ویروسی سیستمیک مسری که با بزرگ شدن دردناک غدد پناگوشی، تب، سردرد و ضعف مشخص می‌شود و گاه سبب کاهش شنوایی ناگهانی و یکطرفه از نوع حسی عصبی عمیق دائمی می‌گردد. مترادف:

epidemic parotitis, parotitis

muscle

ماهیچه، عضله

بافت فیبری منقبض‌شونده که توسط تاندون به استخوان یا ساختمان‌های دیگر متصل شده است و در صورت تحریک عصبی سبب حرکت آنها می‌شود.

auricularis anterior m.

عضله قدامی گوش

عضله‌ای که توسط عصب صورتی عصب‌دهی می‌گردد و وارد غضروف لاله می‌شود و امکان دارد لاله گوش را به جلو بکشد.

auricularis posterlor m.

عضله خلفی گوشی

عضله‌ای که توسط عصب صورتی عصب‌دهی می‌گردد و از زائیده ماستوئید منشأ گرفته وارد غضروف گوش می‌شود و امکان دارد لاله گوش را به عقب بکشد.

auricularis superior m.

عضله فوقانی گوشی

عضله‌ای که توسط عصب صورتی عصب‌دهی می‌گردد و وارد غضروف گوش شده ممکن است لاله گوش را بالا ببرد.

auricularis transverse m.

عضله عرضی لاله گوش

عضله‌ای که توسط عصب صورتی عصب‌دهی می‌گردد و وارد غضروف گوش می‌شود.

lateral rectus m.

عضله مستقیم خارجی

عضله‌ای که مسئول حرکت افقی چشم به سمت خارج است.

levator veli palatini m.

عضله بالا برنده کام

یکی از دو عضله حلق بینی (نازوفارنکس) که همراه با عضله کشنده کام مسئول باز کردن انتهای لوله استاش از طریق کشیدن غضروف به داخل است. عصب این عضله توسط شبکه حلقی تأمین می‌شود.

medial rectus m.

عضله مستقیم داخلی

عضله‌ای که توسط عصب اکولوموتور عصب‌دهی می‌شود و مسئول حرکت افقی چشم به سمت داخل است.

oblique auricular m.

عضله گوشی مایل

یکی از چهار عضله‌ای که به سطح داخلی لاله گوش چسبیده است.

stapedius m.

عضله رکابی

عضله‌ای که از قدام هرم در حفره صماخی منشأ می‌گیرد و تاندون آن به سطح خلفی گردن استخوانچه رکابی می‌چسبد. عصب آن شاخه رکابی عصب صورتی است. این عضله حرکت استخوانچه رکابی را محدود می‌کند.

tensor tympani m.

عضله کشنده صماخ

عضله‌ای که از بخش غضروفی شیپور استاش منشأ می‌گیرد و به دسته چکشی متصل می‌شود. عصب آن شاخه فک تحتانی عصب سه‌قلو یا عصب پنجم جمجمه‌ای است. این عضله پرده صماخ را به داخل می‌کشد.

tensor veli palatini m.

عضله کشنده نرم‌کام

یکی از دو عضله حلق بینی (نازوفارنکس) که همراه با عضله بالا کشنده نرم‌کام مسئول باز کردن انتهای لوله استاش از طریق کشیدن

muscle artifact

غشاء لوله به سمت داخل می‌باشد و از عصب پنجم مجرّمه‌ای یا سه قلو عصب می‌گیرد.

muscle artifact محرک کاذب عضلانی

در ثبت پتانسیل‌های برانگیخته شنوایی به فعالیت الکتریکی ناخواسته ناشی از عضلات گردن یا سایر عضلات اطلاق می‌شود.

muscles عضلات

extraocular m.

عضلات خارجی چشم

عضلاتی که اطراف چشم واقع شده‌اند و عبارتند از چهار عضله راست خارجی، داخلی، فوقانی و تحتانی، دو عضله مایل فوقانی و تحتانی و عضله بالابرنده پلک فوقانی.

intra-aural m. عضلات درون‌گوشی
عضلات رکابی و کشنده صماخی در گوش میانی.

tympanic m. عضلات صماخی
عضلات رکابی و کشنده صماخ گوش میانی که عمل آنها معلق نگاه‌داشتن زنجیره استخوانچه‌ای گوش میانی و در نتیجه کاهش جرم مؤثر زنجیره است.

mascular dystrophy

دیستروفی عضلانی

اختلال اتوزومی مغلوب که با تحلیل عضلات مشخص می‌شود. دیستروفی عضلانی شدید در

نوزاد با کاهش شنوایی حسی عصبی مزمن تا متوسط همراه است.

musician's earplugs

نوبی گوش نوازندگان

بسیار حفاظت شنوایی که برای کاهش یکنواخت محدوده فرکانسی صدا و حفظ کیفیت صدا به ویژه موسیقی طراحی شده است.

mutation جهش

تغییر در یک ژن که سبب تغییر در نسل‌های بعدی آن موجود شود.

mute گنگ، بی‌صدا، خاموش، ساکت، لال

mutism گنگی، خاموشی، لالی
نا توانی در صحبت کردن یا امتناع از آن.

MVAC methotrexate, vinblastine,
adriamycin, cisplatin
منوتراکسات، وین‌بلاستین، آدریامايسين،

سیسی‌پلاتین

رژیم شیمی‌درمانی که برای درمان سرطان مثانه به کار می‌رود و پالقود سم گوش است.

MX-41/AR cushion

بالشتک استاندارد که روی گوشی دورگوشی قرار می‌گیرد. این گوشی معمولاً در ادیومتری استفاده می‌شود.

myasthenia

میاستنی

هر نوع ضعف عمومی عضله.

mycomyringitis

التهاب قارچی پرده صماخ

myelin میلین

بافتی که آکسون اعصاب میلینه شده را می پوشاند. این بافت از لایه های متناوب چربی ها و پروتئین تشکیل شده است.

myelin sheath غلاف میلین

پوشش میلینی ایاف عصبی.

myelination میلین سازی

تشکیل غلاف میلین دور فیبر عصبی.

myeloarchitecture معماری عصبی

نحوه توزیع ایاف عصبی در یک منطقه.

myoclonic میوکلونیک

مربوط به انقباض ناگهانی عضله.

myoclonic epilepsy صرع میوکلونیک

اختلال اتوزومی غالب دستگاه عصبی که با پرش های انقباضی عضلات و آتاکسی پیشرونده مشخص می شود و با کاهش شنوایی حسی عصبی پیشرونده دیر آغاز همراه است.

myoclonus میوکلونوس

انقباضات ناگهانی یک عضله یا گروهی از عضلات.

myogenic میوزنیک

ناشی از عضله. ر.ک: neurogenic.

myopia and congenital deafness

نزدیک بینی و کم شنوایی مادرزادی
اختلال اتوزومی مغلوب که با نزدیک بینی و کاهش شنوایی مادرزادی از نوع حسی عصبی متوسط تا شدید مشخص می شود.

myositis ossificans

التهاب استخوانی عضله
اختلال اسکلتی غالب که با تشکیل بافت استخوانی در عضلات اسکلتی همراه با کاهش شنوایی انتقالی، آمیخته یا حسی عصبی مشخص می شود.

myringectomy برداشت پرده صماخ

مترادف: myringodectomy.

myringitis التهاب پرده صماخ، میرنژیت

التهاب پرده گوش که معمولاً توأم با عفونت گوش میانی یا مجرای خارجی گوش رخ می دهد.
 مترادف: tympanitis

bullous m.

التهاب تاولی پرده صماخ، میرنژیت بولوس
التهاب ویروسی حاد و دردناک پرده صماخ که با تشکیل تاول بین لایه های پرده همراه است و غالباً همراه آنفلوانزا رخ می دهد.

granular m.

التهاب گرانولی پرده صماخ
جایگزینی موضعی یا منتشر لایه خارجی پرده صماخ با بافت گرانولاسیون.

myringodectomy

myringodectomy = myringectomy

myringomycosis

عفونت قارچی پرده صماخ و پوست مجاور آن در مجرای خارجی شنوایی.

myringoplasty

روشی که در آن یک گرافت، معمولاً از نیام یا ورید، برای بستن پارگی پرده صماخ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

myringostapedlohexy

روش جراحی که در آن پرده صماخ یا گرافت پرده عملاً به سر استخوانچه رکابی متصل می‌شود.

myringotomy

برش پرده صماخ گذراندن سوزن از پرده صماخ برای تخلیه ترشح از گوش میانی.

myrinx = tympanic membrane



N → Newton

N/m² نیوتن بر مترمربع
واحد اندازه‌گیری فشار که مرجع اندازه‌گیری صدا است.

N₁ قله منفی اصلی پتانسیل‌های برانگیخته دیررس شنوایی که حدود ۹۰ میلی ثانیه پس از آغاز تحریک رخ می‌دهد.

N₁-P₂ مجموعه قله‌های اصلی پتانسیل‌های برانگیخته دیررس شنوایی که در طی ۹۰ تا ۱۸۰ میلی ثانیه پس از آغاز تحریک رخ می‌دهد.

Na قله منفی اصلی پاسخ میان‌رس شنوایی.

Na⁺ → sodium

NAD → National Association for the Deaf

Nager syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

NAL → National Acoustic Laboratories in Australia

NAL prescriptive procedure → National Acoustic Laboratories prescriptive procedure

NAL-R procedure → revised NAL procedure

NAL-RM prescriptive procedure

NAL-RM prescriptive procedure
→ modification of the revised NAL prescriptive procedure

naproxen ناپروکسن
داروی ضدالتهابی ضد درد که برای درمان آرتروز روماتوئید به کار می رود و با آن که با دوزهای معمول به ندرت سم گوش است اما گاه موجب کاهش شنوایی حسی عصبی دوطرفه شدید ناگهانی و مسمومیت کلیه شده است.

narrow-band filter
به filter مراجعه کنید.

narrow-band noise (NBN)
به noise مراجعه کنید.

narrow-range audiometer
به audiometer مراجعه کنید.

nasopharyngeal
مربوط به گلو و بینی، نازوفارنگسی

nasopharynx حلق بینی، نازوفارنگس
محفظه بینی و گلو که لوله استاش به آن باز می شود.

natal مربوط به تولد

National Acoustic Laboratories prescriptive procedure (NAL prescriptive procedure)
به prescriptive procedure مراجعه کنید.

National Institute for Occupational

National Association for the Deaf (NAD)
انجمن ملی ناشنوایان
حامیان ناشنوایان.

National Board for Certification in Hearing Instrument Sciences (NBCHIS)

هیأت ملی اعطای گواهی علوم سمعک
سازمانی که استانداردهای علوم سمعک را تعیین کرده و گواهی آن را اعطا می نماید.

National Hearing Aid Society (NHAS)
انجمن ملی سمعک
نام قبلی انجمن بین المللی شنوایی (IHS).

National Hearing Conservation Association (NHCA)

انجمن ملی حفاظت شنوایی
انجمن صنفی متخصصان حفاظت شنوایی.

National Institute for Hearing Instrument Sciences (NIHIS)

مؤسسه ملی علوم سمعک
شاخه آموزشی انجمن بین المللی شنوایی.

National Institute for Occupational Safety and Health (NIOSH)

سازمانی که تحت قانون بهداشت و ایمنی کار ایجاد شد تا پژوهش در زمینه مخاطرات شنلی را بنیان نهاده و اجرا کند و معیارهایی را مشخص نموده، استانداردها را پیشنهاد نماید.

natural auditory boundaries**natural auditory boundaries**

حدود طبیعی شنوایی
توانایی تمایز صوت که در هنگام تولد موجود
است و به عمل طبیعی مکانیسم درک شنوایی
مربوط می‌شود.

natural frequency

به frequency مراجعه کنید.

Nb

دومین قله منفی پتانسیل‌های میان‌رس شنوایی.

NBC-HIS → National Board for
Certification in Hearing Instrument
Sciences

NBN → narrow-band noise

NDT → noise-detection threshold

near ear ear به مراجعه کنید.

near field میدان نزدیک

- منطقه‌ای از میدان صوتی به وسعت حدود
دو طول موج از منبع نویز که در آن ارتباط بین
فاصله و سطح شدت صدا ساده نیست.
- در پتانسیل‌های برانگیخته شریابی است
که الکتروود ثبت‌کننده نزدیک منبع باشد.

near-field recording ثبت از نزدیک

اندازه‌گیری پتانسیل‌های برانگیخته از
الکترودهای نزدیک به منبع.

negative middle ear pressure

neck of the malleus گردن چکشی
بخشی از استخوانچه که بین سر و دسته آن
قرار گرفته و زائیده قدامی از آن خارج می‌شود.

neck loop حلقه گردنی

میدلی که بخشی از دستگاه تقویت‌کننده اف.ام.
است و از سیم مربوط به گوشی مینیاتوری
(رسیور) که دور گردن قرار دارد و محرک‌ها را
به روش القای مغناطیسی به حلقه القای
سمعک انتقال می‌دهد، تشکیل شده است.

necrosis نکروز، مرگ سلولی یا بافتی
مرگ بافتی از بدن به دلیل بیماری موضعی.

necrotizing otitis media

به otitis media مراجعه کنید.

needle aspiration مکش با سوزن

خروج مایع از گوش میانی به روش مکش با
وارد کردن سوزن از راه پرده صماخ. مترادف:

myringotomy

negative correlation همبستگی منفی

ارتباط معکوس بین مقادیر دو مجموعه اعداد.

negative feedback

به feedback مراجعه کنید.

negative middle ear pressure

فشار منفی گوش میانی
فشار هوای گوش میانی که کمتر از فشار جو
باشد. این وضعیت از عدم توانایی یکسان-

negative predictive value

سازی فشار به دلیل اختلال عملکرد اواه استااش ناشی می‌شود.

negative predictive value

میزان پیشگویی منفی
احتمال نبود بیماری در صورت منفی بودن یک
آزمایش تشخیصی.

neomycin نئومایسین

داروی آنتی‌بیوتیک از خانواده آمینوگلیکوزیدها
که به شدت سم گوش است و گاه در عفونت‌های
شدید باکتریایی به مقداری که نجات‌دهنده
زندگی فرد باشد مصرف می‌شود.

neonatal نوزادی

مربوط به ۴ هفته اول پس از تولد.

neonatal auditory response cradle

به audiometry مراجعه کنید.

neonatal intensive care unit (NICU)

بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان
بخشی در بیمارستان که به مراقبت از نوزادان
نیازمند به نگهداری و پایش بیشتر اختصاص
یافته است.

neonate نوزاد

نوزاد در طی ۴ هفته اول زندگی.

neoplasm نئوپلاسم

رویش غیرطبیعی بافت نو به دلیل تکثیر نابجا
و بیش از حد سریع سلول‌ها که حتی پس از

قطع محرک‌های آغازکننده به رویش خود
ادامه می‌دهند. مترادف: tumor.

metastatic n.

نئوپلاسم متاستاز دهنده
رشد غیرطبیعی بافت در بخش‌هایی از بدن
که از تومور اصلی اولیه دور هستند.

secondary n. = metastatic neoplasm

neoplastic disease

بیماری نئوپلاستیک
روند بیماری که به تشکیل و رویش نئوپلاسم
می‌انجامد.

nephritis التهاب کلیه، نفریت

nephron نفرون

واحد عملی و ساختمان کلیه که تعداد آن یک
میلیون یا بیشتر در پارانشیم این عضو است.
هر نفرون توانایی تشکیل ادرار را دارد.

nephrosis and urinary tract malformations

نفروز و بدشکلی مجاری ادراری
اختلال اتوزومی مغلوب کلیه که با تخریب کلیه
ناهنجاری‌های مادرزادی انگشتان، دوشاخه
شدن زبان کوچک و کاهش شنوایی مادرزادی
از نوع انتقالی مشخص می‌شود.

nephrotoxic سم کلیه

دارای اثر سمی بر نفرون‌های کلیه.

nephrotoxicity مسمومیت کلیه
دارای خاصیت سمی بر ساول‌های کلیه. شرايطی که می‌تواند اثر سم‌گوشی یک ماده را به دلیل عدم توانایی کایه‌های آسیب‌دیده برای تصفیه سموم زیان‌آور آن مضاعف سازد.

nerve عصب
ساختمان طنابی‌شکلی که از رشته‌های عصبی تشکیل شده است. این رشته‌ها با غلافی از بافت پیوندی پوشیده شده‌اند و از طریق آنها تکانه‌های عصبی به دستگاه عصبی مرکزی ارسال یا دریافت می‌شوند.

abducens n. عصب دورکننده
عصب ششم جمجمه‌ای. عصب جمجمه‌ای که اعصاب و ابران عضلات مستقیم خارجی حرکت‌دهنده چشم را تأمین می‌نماید.

accessory n. عصب فرعی
عصب یازدهم جمجمه‌ای. عصب مغزی و نخاعی که عصب‌دهی و ابران عضلات گردن و حنجره را به عهده دارد.

acoustic n. عصب شنوایی
عصب هشتم جمجمه‌ای. عصب شنوایی شامل شاخه‌های دهلیزی و حلزونی است.

afferent n. عصب آوران
عصبی که تکانه‌ها را از دستگاه عصبی محیطی به مرکزی منتقل می‌کند نظیر مسیرهای عصبی صعودی. ر.ک: sensory nerve.

Arnold's n. عصب آرنولد
عصبی متشکل از شاخه تحتانی عصب دهم جمجمه‌ای و الیافی از عصب صورتی که حس پوست بخشی از سطح خلفی مجرای خارجی شنوایی را تأمین می‌نماید.

auditory n. (AN) عصب شنوایی
عصب هشتم جمجمه‌ای که شامل شاخه‌های دهلیزی و حلزونی است. مترادف: vestibulocochlear nerve

cochlear n. عصب حلزونی
شاخه شنوایی عصب هشتم جمجمه‌ای که از عقده ماریچی حلزون منشأ می‌گیرد و به هسته‌های حلزونی ساقه مغز منتهی می‌گردد.

cranial n. عصب جمجمه‌ای
هر یک از دوازده جفت دسته نورونی که از ساقه مغز بالاتر از اولین مهره گردنی خارج می‌شوند.

efferent n. عصب و ابران
عصبی که تکانه‌ها را از دستگاه عصبی مرکزی به محیطی منتقل می‌کند نظیر مسیرهای عصبی نزولی. ر.ک: motor nerve.

eight n. عصب هشتم
عصب هشتم جمجمه‌ای که شامل اعصاب شنوایی و دهلیزی است.

facial n. عصب صورتی
عصب هفتم جمجمه‌ای. عصب جمجمه‌ای که عصب و ابران عضلات صورت و عصب آوران کام نرم و زبان است.

nerve

glossopharyngeal n.

عصب زبانی حلقی

عصب یازدهم جمجمه‌ای. عصب جمجمه‌ای که عصب‌دهی و ابران به عضلات حلقی و غده بناگوشی و عصب‌دهی آوران از لاله گوش، لوله استاش و یک سوم خلفی زبان را بر عهده دارد.

greater superficial petrosal n.

عصب خارهای سطحی بزرگ

شاخه عصب هفتم جمجمه‌ای که عصب عضله رکابی از آن منشأ می‌گیرد.

horizontal ampullary n.

عصب آمپولی افقی

دسته الیاف عصبی که از سلول‌های مویی ستیغ آمپول مجرای نیم‌دایره افقی منشأ می‌گیرد و همراه با دسته‌های مشابهی از سایر مجاری نیم‌دایره، اتریکول و ساکول شاخه دهلیزی عصب هشتم جمجمه‌ای را تشکیل می‌دهد.

hypoglossal n.

عصب زیرزبانی

عصب دوازدهم جمجمه‌ای. عصب جمجمه‌ای که عصب‌دهی و ابران عضلات زبان را تأمین می‌کند.

Inferior vestibular n.

عصب دهلیزی تحتانی

شاخه‌ای از بخش دهلیزی عصب هشتم جمجمه‌ای که از نورون‌های منشعب از ستیغ‌های مجرای نیم‌دایره خلفی و بخش عمده‌ای از ماکولای ساکول تشکیل شده است.

Jacobson's n. عصب جاکوبسن

شاخه‌ای از عصب نهم جمجمه‌ای که الیاف حسی اصلی مخاط مزوتیمپان و لوله استاش را تأمین می‌کند. مترادف: tympanic nerve.

lateral ampullary n. = horizontal ampullary nerve**lesser superficial petrosal n.**

عصب خارهای سطحی کوچک

بخشی از اعصاب حسی گوش که با مرتبط شدن عصب صماخی و عصب سیاتی (کاروتید) صماخی ایجاد می‌شود.

motor n.

عصب حرکتی

عصب و ابران که اطلاعات را از دستگاه عصبی مرکزی تا عضلات یا سایر عمل‌کننده‌ها حمل می‌کند.

oculomotor n. عصب حرکتی چشم

عصب سوم جمجمه‌ای. عصب جمجمه‌ای که عمدتاً اعصاب و ابران به عضلات خارجی چشم که مسئول حرکات چشم هستند را تأمین می‌کند.

olfactory n.

عصب بویایی

عصب یکم جمجمه‌ای. عصب جمجمه‌ای که عصب آوران بینی را تأمین می‌کند.

optic n.

عصب بینایی

عصب دوم جمجمه‌ای. عصب جمجمه‌ای که عصب آوران چشم را تأمین می‌کند.

posterior ampullary n.**عصب آمبولی خلفی**

دسته الیاف عصبی که از ساول‌های مویی ستیغ آمپول مجرای نیم‌دایره خلفی منشأ می‌گیرد و همراه با دسته‌های مشابهی از سایر مجاری نیم‌دایره، اتریکول و ساکول شاخه دهلیزی عصب هشتم جمجمه‌ای را تشکیل می‌دهد.
مترادف: singular nerve.

saccular n.**عصب کیسکی، عصب ساکولی**

دسته الیاف عصبی از سلول‌های مویی ماکولای ساکول که به دسته‌های مشابه از مجاری نیم‌دایره و اتریکول می‌پیوندد و شاخه دهلیزی عصب هشتم جمجمه‌ای را تشکیل می‌دهد.
مترادف: Voit's nerve.

sensory n.**عصب حسی**

عصب آوران که اطلاعات را از اندام حسی به دستگاه عصبی مرکزی منتقل می‌کند.

singular n. = posterior ampullary nerve

spinal accessory n. = accessory nerve

statoacoustic n.**عصب تعادلی شنوایی**

مجموع شاخه‌های شنوایی و دهلیزی که عصب هشتم جمجمه‌ای را تشکیل می‌دهند.

superior ampullary n.**عصب آمبولی فوقانی**

دسته الیاف عصبی که از سلول‌های مویی ستیغ آمپول مجرای نیم‌دایره فوقانی منشأ می‌گیرد و همراه با دسته‌های مشابهی از سایر مجاری نیم‌دایره، اتریکول و ساکول شاخه دهلیزی عصب هشتم جمجمه‌ای را تشکیل می‌دهد.

superior vestibular n.**عصب دهلیزی فوقانی**

شاخه بخش دهلیزی عصب هشتم جمجمه‌ای که از نورون‌های ستیغ‌های مجاری نیم‌دایره فوقانی و خارجی و ماکولای اتریکول و بخش قدامی فوقانی ماکولای ساکول تشکیل شده است.

trigeminal n.**عصب سه‌قلو**

عصب پنجم جمجمه‌ای. عصب جمجمه‌ای که عصب وابران عضلات چونده از جمله کشنده صماخ و عصب آوران صورت را تأمین می‌کند.

trochlear n.**عصب قرقره‌ای**

عصب چهارم جمجمه‌ای. عصب جمجمه‌ای که عصب وابران عضله مایل فوقانی چشم که در حرکت چشم دخالت دارند را تأمین می‌کند.

tympanic n. = Jacobson's nerve

utricle n.

عصب زهدانچه‌ای، عصب اتریکولی
دسته الیاف عصبی از سلول‌های مویی ماکولای

nerve

اتریکول که به دسته‌های مشابه از مجاری نیم‌دایره و ساکول می‌پیوندد و شاخه دهلیزی عصب هشتم مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهد.

vagus n.

عصب واگ

عصب دهم مجموعه‌ای، عصب مجموعه‌ای که عصب وایبران و آوران احشای سینه و شکم، حلق و خنجره را تأمین می‌کند.

vestibular n.

عصب دهلیزی

بخشی از عصب هشتم مجموعه‌ای که از ایاف عصبی ماکولاهای اتریکول و ساکول و ستیغ‌های مجاری نیم‌دایره فوقانی، خارجی و خلفی تشکیل یافته است.

vestibulocochlear n.

عصب دهلیزی حلزونی

عصب هشتم مجموعه‌ای که شامل یک شاخه دهلیزی و یک شاخه حلزونی است.

Voit's n.

عصب فویت

[K. von Voit، فیزیولوژیست آلمانی، ۱۸۳۱-۱۹۰۳]. شاخه ساکولی عصب دهلیزی.

nerve cell

سلول عصبی، نورون

nerve deafness

به deafness مراجعه کنید.

nerve fiber

رشته عصبی

آکسون یا دندریت‌های یک نورون.

nervous system

دستگاه عصبی

کلیه سلول‌ها و بافت‌های عصبی در یک موجود زنده.

autonomic n. s. (ANS)

دستگاه عصبی خودکار

بخشی از دستگاه عصبی که پاسخ‌های غدد و احشاء را تنظیم می‌کند. مترادف:

visceral nervous system

central n. s. (CNS)

دستگاه عصبی مرکزی

بخشی از دستگاه عصبی که تکانه‌های حسی به آن منتقل می‌شود و تکانه حرکتی از آن ارسال می‌گردد و شامل نخاع، قشر و ساقه مغز است.

central auditory n. s. (CANS)

دستگاه عصبی مرکزی شنوایی

بخشی از دستگاه عصبی مرکزی که در شنوایی دخالت دارد و شامل هسته‌های حلزونی، مجموعه زیتونی فوقانی، نوار خارجی، برجستگی تحتانی، جسم زانویی داخلی و قشر شنوایی است.

pripheral n. s. (PNS)

دستگاه عصبی محیطی

دستگاه عصبی و اعصاب مجموعه‌ای خودکار. آن بخش از دستگاه عصبی که تکانه‌ها را از سیستم عصبی مرکزی دریافت کرده یا به آن ارسال می‌نماید.

visceral n. s.

دستگاه عصبی احشایی
بخشی از دستگاه عصبی که پاسخ‌های غدد و
احشاء را تنظیم می‌کند. مترادف:
autonomic nervous system (ANS)

netilmicin نتیل‌مایسین

دارویی از خانواده آمینوگلیکوزیدها که برای
درمان کوتاه‌مدت عفونت‌های شدید باکتریایی
مصرف می‌شود و در دوزهای بالا احتمال دارد
سم گوش باشد.

neural عصبی

مربوط به ساختمانی متشکل از سلول‌های
عصبی.

neural plasticity

شکل‌پذیری عصبی، ساخت‌پذیری عصبی
توانایی دستگاه مرکزی برای این‌که در طول
زمان و در پاسخ به تغییرات ورودی حسی تغییر
کند.

neural presbycusis پیرگوشی عصبی
کاهش نورون‌های حلزونی و رده‌های بالاتر
طی روند سالمندی.

neuralgia درد عصب، نورالژی
دردی که از مسیر یا نقطه توزیع عصب منشأ
گیرد.

neurectomy

برداشت بخشی از عصب از طریق جراحی.

neurilemoma نوریلوموم

نئوپلاسم خوش‌خیم کپسول‌دار سلول‌های شوان
که از بخش درون‌جمع‌ده‌ای عصب هشتم
منشأ می‌گیرد. مترادف:
neurinoma, schwannoma

neurinoma = neurilemoma

neuritis التهاب نورون، نوریت
التهاب نورون که با اختلال عملکرد حسی یا
حرکتی آن عصب همراه است.

acoustic n. = cochlear neuritis

cochlear n.

التهاب عصب حلزونی، نوریت حلزونی
التهاب بخش شنوایی عصب هشتم جمع‌ده‌ای
که غالباً ماهیت ویروسی دارد و سبب اختلالات
حاد وراء حلزونی می‌گردد.

vestibular n. نوریت دهلیزی

التهاب عصب دهلیزی که غالباً ماهیتی
ویروسی داشته و به یک حمله سرگیجه شدید
منجر می‌شود. این تک‌حمله طولانی است و
به تدریج در طی روزها و هفته‌ها فروکش
می‌کند.

neuritis vestibularis نوریت دهلیز
التهاب ویروسی عصب هشتم جمع‌ده‌ای که
به سرگیجه چرخشی حاد، علائم نباتی و
اختلال شنوایی منجر می‌شود.

neuroaudiology

neuroaudiology نوروادیاولوژی
شاخه‌ای از علم شنوایی‌شناسی که به ارزیابی و تشخیص آسیب دستگاه‌های محیطی و مرکزی اختصاص یافته است.

neurodevelopmental تکامل عصبی
مربوط به رشد و تکامل دستگاه عصبی.

neurofibroma نوروفیبروم
تومور خوش‌خیم محیطی، بدون کپسول و بی‌شکلی که از تکثیر نابجای سلول‌های شوان حاصل می‌شود و ممکن است محتوی الیاف عصبی نیز باشد.

neurofibromatosis I (NF1)

نوروفیبروماتوز نوع یک
اختلال اتوزومی غالب که از دوران کودکی آغاز می‌شود و مشخصه آن نوروفیبروم‌های متعدد و پیامدهای آن است که ممکن است روی هر یک از اعصاب ایجاد شوند. مترادف:

von Recklinghausen's disease

neurofibromatosis II (NF2)

نوروفیبروماتوز نوع دو
اختلال اتوزومی غالب که با شوانوم حلزونی - دهلیزی دوطرفه مشخص می‌شود. این شوانوم‌ها نسبت به نوع یکطرفه سریع‌تر رشد کرده و خطرناک‌تر می‌باشند و با کاهش شنوایی پیامد آن و سایر تومورهای درون جمجمه‌ای همراهند.

neurogenic عصب‌زا، پی‌زا
ناشی از بافت عصبی. ر.ک: myogenic.

neuroglia نوروگلی، پی‌چسب
بافت نگهدارنده و غیرنورونی دستگاه عصبی.

neurolemma نورولما
غلافی که یک رشته عصبی را می‌پوشاند.

neurologic مربوط به دستگاه عصبی.

neuroma نوروم
اصطلاح کلی برای نامیدن هر نئوپلاسمی که از سلول‌های دستگاه عصبی از جمله شوانوم حلزونی دهلیزی منشأ می‌گیرد.

neuromotor
مربوط به تکانه‌های اعصاب و ابران.

neuromuscular عصبی‌عضلانی
مربوط به هر فرآیندی که با عملکرد توأم عضلات و اعصاب صورت پذیرد.

neuron نورون
واحد پایه‌ی دستگاه عصبی که از یک آکسون، جسم سلولی و دندریت تشکیل شده است.

first-order n. نورون رده اول
الیاف عصبی که حامل اطلاعات از اندام حسی انتهایی به اولین ارتباط سیناپسی آن می‌باشند. در دستگاه شنوایی، نورون‌های رده اول از سلول‌های مویی حلزونی منشأ می‌گیرند و به هسته‌های حلزونی ختم می‌شوند.

second-order n. نورون رده دوم
رشته عصبی که اطلاعات را بالاتر از نقطه‌

اولین سیناپس انتهایی آن عصب خاص حمل می‌کند. در دستگاه شنوایی تمامی نورون‌های رده دوم از هسته حلزونی منشأ می‌گیرند و به بخش‌های مختلفی در سراسر دستگاه عصبی شنوایی منتهی می‌شوند.

التهاب بافت عصبی، نورونیت neurontils

neurontitis vestibularis = neuritis vestibularis

neuro-otology نورواتولوژی

neuropathogenesis بیماری‌زایی عصبی، نوروپاتوژنز

neuropathy نوروپاتی
هر نوع اختلالی که اعصاب جمجمه‌ای یا نخاعی را درگیر کند.

neurophysiology فیزیولوژی اعصاب
علمی که عملکرد دستگاه عصبی را بررسی می‌کند.

neurotology نورواتولوژی
شاخه‌ای از علم پزشکی که به مطالعه، تشخیص و درمان بیماری‌های دستگاه‌های عصبی محیطی مرکزی شنوایی و تعادل اختصاص دارد.

neurotoxic سم عصب
دارای خاصیت سمی نسبت به دستگاه عصبی.

neurotransmitter

واسطه شیمیایی، ناقل عصبی
مواد شیمیایی که از آکسون انتهایی نورون پیش‌سیناپسی در اثر تحریک آزاد می‌گردد و پس از عبور از شکاف سیناپسی سلول هدف را تحریک یا مهار می‌سازد.

nevus; pl. nevi خال
ضایعات خوش‌خیم پوست و مخاط که بر اثر تکثیر نابجای سلول ایجاد شده‌اند.

newborn نوزاد

Newton (N) نیوتن
[I. Newton، فیزیکدان انگلیسی، ۱۶۴۲-۱۷۲۷].
واحد نیرو در فیزیک.

NF1 → neurofibromatosis I

NF2 → neurofibromatosis II

NHAS → National Hearing Aid Society

NHCA → National Hearing Conservation Association

NHHHI → Nursing Home Hearing Handicap Index

nHL → normalized hearing level

niche

نیس، فرورفتگی، چاک، شکاف، تورفتگی
فرورفتگی یا شکاف کوچک در دیواره اندام توخالی.

NICU

NICU → neonatal intensive care nursery

NIDCD → National Institute on Deafness and other Communication Disorder

NIHIS → National Institute for Hearing Instrument Sciences

NIHL → noise-induced hearing loss

NIL → noise interference level

NIOSH → National Institute for Occupational Safety and Health

NIPTS → noise-induced permanent threshold shift

Nitchie method

روش نیچی
E.B. Nitchi، معلم آمریکایی ناشنویان،
۱۹۱۶-۱۸۷۶]. یکی از روش‌های تحلیلی
گفتارخوانی. در این روش تأکید بر ایجاد
نگرش مثبت در گفتارخوان و آموزش ترکیب
کردن، سرعت، هوشیاری و تمرکز به ذهن وی
است. در روش نیچی بر آموزش گفتارخوانی
تمامی پاراگراف‌های موضوع پیش از آموزش
خواندن جملات یا کلمات تأکید می‌شود. ر.ک:
speechreading.

nitrogen mustard

خردل
گروهی از داروهای شیمی‌درمانی ضدسرطان

که در صورت پرفوزیون در کل بدن احتمال دارد
اثر سمی روی گوش داشته باشد. این گروه
شامل مکلوراتامین، سیکلوفسفامید، تیوتپا،
کلرامبوسیل و ملفلان است.

NITTS → noise-induced temporary threshold shift

NLL → nuclei or nucleus of the lateral lemniscus

no response (NR) بدون پاسخ

Noah

نوا، نوح
نام ثبت‌شده برنامه رایانه‌ای خاص تنظیم و
تطبیق سمعک. این نرم‌افزار با استانداردهای
تجاری برای برنامه‌ریزی سمعک‌ها ساخته
شده است.

node

گره
۱. برآمدگی یا ورم مجدد در یک بافت؛ ۲. در
صوت نقطه‌ای است که موج ایستا دامنه‌ای
ندارد؛ ۳. نقطه‌ای در یک دستگاه ارتعاشی که
مرتعش نمی‌شود.

node of Ranvier

گره رانویه
L.A. Ranvier، آسیب‌شناس فرانسوی
۱۹۲۲-۱۸۳۵]. نقاطی بین قسمت‌های
متوالی غلاف میلین آکسون عصب.

no-echo chamber = anechoic chamber

noise نویز

۱. موج صوتی مرکبی با ارتعاش‌های غیر تناوبی یا نامنظم که زیربومی معینی ندارد. ممکن است دارای تعدادی منحنی سینوسی باشد اما اجزای بالاتر از آن مضارب اجزای پایین‌تر نیستند و فرکانس‌ها با یکدیگر نسبت هماهنگ ندارند؛ ۲. اثر حسی امواج صوتی نامنظم یا غیر تناوبی که معمولاً صدای ناخوشایند یا نامطلوب نامیده می‌شود؛ ۳. افزوده‌های ناخواسته به یک محرک که از منبع آن محرک ناشی نمی‌شود. به‌طور مثال، موج فرکانسی شصت هرتز در انتقال رادیویی.

ambient n. نویز زمینه، نویز محیطی، صداهاى موجود در محیط صوتی.

back-end n.

نویز انتهایی، نویز برگشتی
نویزی که منبع آن تقویت‌کننده یا گوشی مینیاتوری (رسیور) سمعک است.

background n.

نویز زمینه، نویز محیط
نویز خارجی موجود در محیط. مترادف:
ambient noise

broad-band n. (BBN)

نویز پهن‌باند
صوتی با پهنای باند وسیع که شامل طیف پیوسته فرکانس‌ها است و در هر سیکل انرژی یکسانی دارد.

circuit n. نویز مدار

محرک ناخواسته در خروجی مدار که بر اثر عملکرد مدار ایجاد می‌شود.

community n. نویز جامعه

نویز محیطی، مانند هواپیما و ترافیک که بر ساکنان جامعه تأثیر می‌گذارد.

complex n. نویز مرکب

نویزی که دارای فرکانس پایه ۱۲۰ هرتز و هماهنگ‌های بسیاری است و برای پوشش فرکانس‌های کمتر از ۱۰۰۰ هرتز به کار می‌رود.

external n. نویز خارجی

وجود نویز در سمعک که از منبعی قبل از میکروفن منشأ گرفته باشد.

extraneous n.

نویز بیرونی، نویز محیطی
نویز محیطی یا ناخواسته.

flat-spectrum n.

نویز دارای طیف صاف
نویز دارای محتوای انرژی یکسان در یک باند فرکانسی پیوسته.

front-end n. نویز ابتدای سمعک

نویزی که منبع آن میکروفن، تقویت‌کننده اولیه یا کنترل حجم صدای سمعک باشد.

Gaussian n. نویز گوسی

[J.K.F. Gauss, فیزیکدان آلمانی، ۱۷۷۷-

۱۸۵۵|. نویزی که در تمامی فرکانس‌ها دارای انرژی یکسانی است. مترادف: white noise.

Impact n. نویز کوبه‌ای

نویز متناوب با مدت کوتاه که معمولاً توسط ضربه‌های مکانیکی غیرانفجاری نظیر پایه کوبی یا پرچکاری تولید می‌شود. تفاوت این نویز و نویز تکانه‌ای در زمان خیز و تداوم طولانی‌تر آن است.

impulse n. نویز تکانه‌ای

نویز متناوب با زمان خیز آنی و مدت کوتاه که موج کوبه‌ای را ایجاد می‌کند. این نویز معمولاً توسط شلیک اسلحه یا انفجار تولید می‌شود و وجه افتراق آن با نویز کوبه‌ای زمان خیز و تداوم کوتاه‌تر آن است.

industrial zone n.

نویز منطقه صنعتی
نویز صنعتی که از منطقه محدودی در اطراف منبع نویز منشأ می‌گیرد.

Input-referred n.

نویز منتقل‌شده از ورودی
مشخصه نویز ابتدای سمعک.

Internal n. نویز داخلی

در سمعک به هر صدایی که به محرک ورودی مربوط نباشد اطلاق می‌گردد نظیر نویز مدار.

narrow-band n. نویز باریک‌بند

نویزی که از پالایه باندگذر عبور کرده و

فرکانس‌های مرکزی آن یکی از فرکانس‌های ادیومتریک است و برای پوشش دادن در ادیومتری تن خالص به کار می‌رود.

nonstationary n. نویز غیر ثابت

نویزی که سطوح آن در طول زمان تغییرات عمده‌ای می‌کند.

notched n. نویز باندنگذر

نویز پهن‌بند که یک منطقه فرکانسی خاص از آن استخراج شده باشد. این نویز در آزمایش‌های پاسخ شنوایی ساقه مغز به منظور تعیین حساسیت شنوایی هر فرکانس مورد استفاده قرار می‌گیرد.

pink n. نویز صورتی

نویز پهن‌بندی که در طیف آن با افزایش فرکانس دامنه به ازای ۳ دسی‌بل در هر اکتاو کاهش می‌یابد.

pseudorandom n.

نویز تصادفی کاذب، نویز اتفاقی کاذب، موج صوتی مرکبی که مجموعه‌ای از دامنه، فرکانس و فاز اجزاء آن در طول زمان به‌طور متناوب تغییر می‌کنند.

random n. نویز اتفاقی، نویز تصادفی، موج صوتی مرکبی که دامنه، فرکانس و فاز اجزای آن به‌طور تصادفی در طول زمان تغییر می‌کنند نظیر نویز دستگادهای تهویه، موتور

جت و دستگادهای دمنده.

saw-tooth n. نویز دنداناره‌ای

یکسان است. مترادف:

نویزی مرکب از فرکانس پایه ۶۰ هرتز و هارمونیک‌های آن با فاز تصادفی که شکل طیف آن دنداناره‌ای است و کیفیت صدای آن شبیه اره چرخی است.

Gaussian noise, wide-band noise

wide-band n. = white noise

60-cycle n.

noise analyzer تحلیل‌گر نویز

نویز ۶۰ دور، نویز ۶۰ هرتز
فعالیت الکتریکی ناخواسته که از انرژی الکتریکی ۶۰ هرتز ناشی می‌شود. این انرژی معمولاً در چراغ‌ها و لوازم برقی الکتریکی موجود است.

دستگاهی که برای تعیین اجزای فرکانسی نویز طراحی شده است و قابلیت تجزیه و تحلیل سطوح صدا را از یک تا $\frac{1}{3}$ اکتاو دارد. مترادف: noise exposure meter

speech n.

نویز گفتاری

noise control کنترل نویز

نویز پهن‌بند که در فرکانس‌های گفتاری (۵۰۰-۲۰۰۰ Hz) پالایش شده است و معمولاً برای پوشش در آزمایش گفتاری استفاده می‌شود.

استفاده از روش‌های اداری و مهندسی برای محدود کردن مدت و سطح مواجهه با نویز.

administrative n.c.

کنترل اداری نویز

کاهش مواجهه با نویز با محدود ساختن زمان مواجهه کارکنان.

stationary n.

نویز ثابت

engineering n.c.

نویزی که نوسان سطح آن قابل چشم‌پوشی باشد.

کنترل مهندسی نویز

کاهش مواجهه با نویز از طریق کنترل نویز محل کار در منبع یا قطع صدای حاصل از ماشین‌آلات تولیدکننده نویز.

thermal n.

نویز حرارتی

noise-criterion curves

نویز پهن‌بند که در تمام فرکانس‌ها انرژی ثابتی دارد. این انرژی صوتی که از نویز حرکت براونی مولکول‌ها ناشی می‌شود بسیار کم است و حدود ۲۰ تا ۳۰ دسی‌بل کمتر از ضعیف‌ترین صدایی است که انسان می‌تواند بشنود.

منحنی‌های نویز مجاز

مقادیری که برای تعیین محدوده‌های نویز به کار می‌روند. به صورت منحنی ثبت می‌گردند. این منحنی ملاک عددی ثابتی را به عنوان

white n.

نویز سفید

نویز پهن‌بند که انرژی آن در تمام فرکانس‌ها

تابعی از پاند فرکانسی و سطح فشار صوتی لازم برای رسیدن به محدوده مجاز هر پاند نشان می‌دهد.

به threshold مراجعه کنید.

سطح گسیل نویز
اندازه استاندارد شدت نویز محیطی یا صنعتی که بر حسب دسی‌بل در جهت و فاصله‌ای معین از منبع نویز در محیط باز بیان می‌شود.

noise exposure مواجهه با نویز
سطح و مدت نویزی که فرد با آن مواجه است.

مواجهه غیر شغلی با نویز
مواجهه با سطوح بیش از حد نویز خارج از محل کار.

مواجهه شغلی با نویز
مواجهه با سطوح بیش از حد نویز در محل و حین کار.

دستگاه سنجش مواجهه با نویز
دستگاهی که برای تعیین اجزای فرکانسی نویز طراحی شده است و قابلیت تجزیه و تحلیل سطوح صدا را از یک تا $\frac{1}{3}$ اکتاو دارد.
مترادف: noise analyzer

noise floor سطح پایه نویز
در هر دستگاه تقویت‌کننده، سطح پایه و ممتد فعالیت یا نویز زمینه‌ای است که از آن محرک یا پاسخ حاصل می‌شود.

noise generator مولد نویز
منبع تولیدکننده نویز.

noise-induced hearing loss (NIHL)
به hearing loss مراجعه کنید.

noise-induced permanent threshold shift (NIPTS)

تغییر آستانه دائمی ناشی از نویز
تغییر دائمی حساسیت شنوایی که از ضربه صوتی به دلیل مواجهه با سطح بیش از حد صدا ناشی شده باشد.

noise-induced temporary threshold shift (NITTS)

تغییر آستانه موقت ناشی از نویز
تغییر گذرای حساسیت شنوایی به دلیل مواجهه با سطوح بیش از حد صدا. مترادف:
temporary threshold shift

noise interference level (NIL)

سطح دخالت نویز
سطحی که نویز سبب پوشش بازشناسی مواد گفتاری می‌شود.

noise notch فرورفتگی ناشی از نویز
شکل آستانه‌های ادیومتری که مربوط به کاهش

شنوایی ناشی از نویز، این شکل با کاهش شنوایی حسی-عصبی به ویژه در فرکانس ۴۰۰۰ هرتز مشخص می‌شود.

noise pollution level

سطح آلودگی صوتی، سطح آلودگی نویز سطح نویز جامعه که به صورت جمع سطح معادل صدای ممتد و تخمین افزایش آزار-دهندگی ناشی از نوسانات سطوح صدا بیان می‌شود.

مقیاس نویز، برآورد نویز noise rating هریک از کمیت‌های نشان‌دهنده میزان آزار-دهندگی یا اثرات خاص نویز محیطی مورد نظر.

composite n.r. (CNR)

برآورد نویز مرکب مقیاسی که برای برآورد و پیش‌بینی محیط‌های پرسروصدا در مناطق جغرافیایی خاصی مانند اطراف فرودگاه، به منظور ارزیابی کاربرد همسان آن روی زمین مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کاهش نویز noise reduction
۱. کاهش سطح فشار صوتی؛ ۲. تفاوت سطح فشار صوتی نویز در دو مکان مختلف.

noise-reduction coefficient

ضریب کاهش نویز عددی که معرف خواص جذب‌کنندگی مواد است و بر حسب میانگین حسابی ضرایب جذب در ۲۵۰، ۵۰۰، ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ هرتز بیان می‌شود.

noise-reduction rating (NRR)

مقیاس کاهش نویز مشخصه‌های استاندارد کاهندگی وسایل محافظ شنوایی که بر حسب تعداد دسی‌بل‌های کاهش یافته در فرکانس‌های خاصی از محدوده فرکانسی بیان می‌شود.

طیف نویز noise spectrum
محتوای طیفی نویز.

ضربه صوتی noise trauma
۱. صدمه به شنوایی به دلیل صدای شدید و گذرا؛ ۲. آسیب طولانی‌مدت به شنوایی به دلیل مواجهه با نویز بیش از حد. مترادف: acoustic trauma

ناشتا بودن non per os (NPO)
مربوط به آموزش‌هایی که پیش از اقدامات خاصی، نظیر آرام‌بخشی عمیق با دارو، به بیمار یا والدین وی داده می‌شود.

nondirectional microphone = omnidirectional microphone

غیرتهاجمی noninvasive
مربوط به اقدامی که مستلزم نفوذ یا سوراخ شدن پوست نیست، نظیر استفاده از الکترودهای سطحی در آزمایش پتانسیل برانگیخته شنوایی.

noninverting electrode

به electrode مراجعه کنید.

nonlinear amplification

nonlinear amplification

به amplification مراجعه کنید.

nonlinear distortion

به distortion مراجعه کنید.

nonlinear hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

nonlinear hearing protection device

وسیله محافظ شنوایی غیرخطی
وسیله محافظ شنوایی حساس به دامنه که
صداها را آهسته را کاهش نمی دهد یا به طور
جزئی کاهش می دهد اما با افزایش شدت صدا
میزان کاهش آن افزایش می یابد.

nonoccluding earmold

به earmold مراجعه کنید.

nonoccupational noise exposure

مواجهه غیر شغلی با نویز
مواجهه با سطوح بیش از حد نویز خارج از محل
کار.

nonoral communication

ارتباط غیر کلامی

۱. هر روشی که برای بهبود یا تکمیل ارتباط
افراد که در همه موقعیت ها از نظر کلامی
مستقل نیستند طراحی شود؛ ۲. بخشی از شاخه
بالینی که می گوشت الگوهای آسیب و ناتوانی
افراد مبتلا به اختلالات ارتباطی بیانی شدید
را به طور موقت یا دائم چبران کند (ASHA).

۱۹۸۹)؛ ۲. استفاده از ابزار و روش های غیر
صوتی شامل تابلوهای مصور و وسایل رایانه ای
توسط کسانی که قادر به برقراری ارتباط کلامی
نیستند. مترادف:

augmentative communication

nonorganic hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

nonpenetrance

غیر نفوذی، عدم قابلیت نفوذ
شرایطی که یک صفت ژنتیکی با آن که از نظر
ژنتیکی مناسب بروز است اما در رخ مون (فنتوتیپ)
فرد بروز نمی کند.

nonpurulent = nonsuppurative

nonsense syllable

هجای بی معنی
گفته تک هجایی که معنایی ندارد و در
آزمایه های ادیومتریک گفتاری مورد استفاده
قرار می گیرد.

nonsense syllable test (NST)

آزمایش هجاهای بی معنی
آزمایه های ادیومتریک گفتاری بازشناسی هجاهای
بی معنی.

nonspeech sounds

صداها غیر گفتاری
۱. صداها بی که از نظر ماهوی محیطی محسوب
می شوند؛ ۲. ضبط اثرات صدا که گاه برای
تخمین آستانه شنوایی در کودکان مورد استفاده
قرار می گیرد.

nonstationary noise

nonstationary noise

به noise مراجعه کنید.

nonsuppurative

غیرچرکی

آنچه که دارای چرک یا متشکل از آن نباشد یا چرک تخلیه نکند. مترادف: nonpurulent.

nonsuppurative otitis media

به otitis media مراجعه کنید.

nonsyndromic hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

nontest ear

به ear مراجعه کنید.

nonverbal

غیرکلامی

مربوط به برقرار کردن ارتباط بدون استفاده از زبان بیانی.

norepinephrine

نوراپی نفرین

ماده شیمیایی مترشحه از غده آدرنال که به عنوان واسطه شیمیایی عمل می کند.

norm

هنجار

استاندارد حاصل از نمونه ای که معرف جمعیتی است که برای صفت مورد نظر طبیعی قلمداد شده اند.

normal

۱. طبیعی، هنجار

۲. میانگین یا نزدیک به میانگین.

normal hearing

شنوایی هنجار

توانمندی های شنوایی شامل آستانه حساسیت

و درک فوق آستانه ای که در محدوده هنجار قرار گیرد.

range of n.h.

محدوده طبیعی شنوایی

پراکندگی سطوح آستانه شنوایی حول صفر ادیومتریکی برای جمعیت افراد دارای شنوایی طبیعی.

normalized hearing level (nHL)

سطح هنجار شده شنوایی

سطح دسی بل صدایی که مرجع استاندارد می ندارد و نسبت به سطوحی که به روش رفتاری هنجاریابی شده اند سنجیده می شود و بر حسب دسی بل nHL بیان می گردد.

Norie syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

Northampton charts

تابلوهای نورث همپتون

[منشأ: مدرسه ناشنوایان کلارک، نورث همپتون، ماساچوست، ۱۸۶۷]. در توانبخشی شنوایی، روشی است که در آن حروف الفبای انگلیسی بر حسب اهمیت آوایی مرتب شده اند. نمادها در هر سطر و ستون تابلوها بر حسب روش تولیدشان قرار گرفته اند. به طور مثال /p/، /b/ و /m/ در یک سطر هستند زیرا لب ها برای تولید هر سه آنها در ابتدا بسته می شوند اما در ستون های متفاوتی قرار گرفته اند زیرا /p/ بیواک، /b/ واکدار و /m/ خیشومی است. ر.ک: aural rehabilitation

notch

notch

فرورفتگی، شکاف، برش

Cahart's n. فرورفتگی کارهات

الگوی آستانه‌های ادیومتریکی انتقال استخوانی که در اتوسکلروز دیده می‌شود و نشانه آن کاهش حساسیت انتقال استخوانی عمدتاً در ۲۰۰۰ هرتز است.

noise n. فرورفتگی ناشی از نویز

شکل آستانه‌های ادیومتریکی مربوط به کاهش شنوایی ناشی از نویز. این شکل با کاهش شنوایی حسی عصبی به ویژه در فرکانس ۴۰۰۰ هرتز مشخص می‌شود.

notch filter به filter مراجعه کنید.

notched noise به noise مراجعه کنید.

notched waves امواج دارای فرورفتگی امواجی در الکتروانسفالوگرافی، غالباً ۶ هرتز، که دارای فرورفتگی هستند.

noy

نوی
واحد بنیادین پرسروصدا بودن محیط از نظر فرد که به عنوان سطح نویز دریافتی بیان می‌گردد.

NPO → non per os

NR → no response

NRR → noise-reduction rating

NST → nonsense syllable test

NU-6 → Northwestern University
Auditory Test Number 6

nuclei هسته‌ها، جمع nucleus

periolivary n. (PON)

هسته‌های دورزیتونی

گروهی از هسته‌های مجموعه زیتونی فوقانی که زیتون‌های خارجی و فوقانی داخلی را احاطه کرده‌اند و رشته‌های عصبی را از نوار شنوایی بینایی دریافت می‌کنند.

vestibular n. هسته‌های دهلیزی

هسته‌های فوقانی، خارجی، داخلی و تحتانی دستگاه دهلیزی که در بخش فوقانی بصل النخاع واقع شده‌اند و اولین دستگاه اجباری رشته‌های عصبی دهلیزی محسوب می‌شوند.

nucleus; pl. nuclei هسته

۱. توده پروتوپلاسم اختصاصی شده که محتوی هسته مرکزی نورون است؛ ۲. گروهی از سلول‌های عصبی در مغز.

abducens n.

هسته عصب دورکننده یا عصب ششم جمجمه‌ای.

caudate n. هسته دم‌دار

توده قوسی شکل و بلندی از جسم خاکستری که بخشی از عقده‌های قاعدای یا بخش داخلی مغز را تشکیل می‌دهد.

central n. هسته مرکزی
بخش مرکزی برجستگی تحتانی.

cochlear n. (CN) هسته حلزونی
دسته‌ای از اجسام سلولی نورون‌های رده دوم در
حاشیه خارجی مغز میانی در دستگاه عصبی
مرکزی شنوایی که الیاف عصب هشتم مجموعه‌ای
حتماً در آن سیناپس انجام می‌دهند.

oculomotor n. هسته حرکتی چشم
هسته حرکتی عصب سوم مجموعه‌ای در ساقه
مغز که مسئول کنترل عضله مستقیم داخلی
برای حرکت افقی چشم است.

pericentral n. هسته دور مرکزی
منطقه‌ای اطراف هسته مرکزی جسم زانویی
داخلی که مسیر اعصاب شنوایی صعودی موازی
(غیر از نورون‌های اولیه) از آن می‌گذرند.

null hypothesis (H₀) فرضیه صفر
در آمار فرضیه‌ای است که نشان‌دهنده عدم
تفاوت بین مجموعه داده‌ها است.

numerical cipher method
روش گفتارخوانی با رمز عددی
شکل ابتدایی روش گفتارخوانی بر مبنای این
عقیده که صداهای زبان انگلیسی با ۱۶ حالت
صورت بیان می‌شود.

**Nursing Home Hearing Handicap
Index (NHHHI)**

شاخص معلولیت شنوایی آسایشگاه سالمندان
مقیاس خودارزیابی یا ارزیابی کارکنان از اثرات

معلولیت آسیب شنوایی بر ساکنان آسایشگاه
سالمندان.

Nyquist frequency

به frequency مراجعه کنید.

Nyquist theorem فرضیه نای کیست
قانونی برای تعیین مقدار سرعت نمونه‌گیری
رقمی (دیجیتالی) یک محرک بدون از دست
رفتن اطلاعات فرکانسی مربوط به آن، به این
ترتیب که سرعت نمونه‌گیری باید حداقل دو
برابر بالاترین فرکانس مورد نظر در محرک
ورودی باشد.

nystagmograph نیستاگموگراف

دستگاهی برای اندازه‌گیری پتانسیل‌های
الکتریکی عضلات چشم که نشان‌دهنده دامنه
و سرعت حرکات چشم هستند.

nystagmography نیستاگموگرافی

ثبت الکتریکی نیستاگموس.

nystagmus نیستاگموس

حرکت غیرارادی، سریع و آهنگین چشم که ممکن
است افقی، عمودی، چرخشی یا آمیخته‌ای از
(به‌طور مثال) دو نوع باشد.

ageotropic n. نیستاگموس زمین‌گریز

نیستاگموس وضعیتی که زنش آن جهت خلاف
زمین است.

alcohol n. نیستاگموس الکلی

نیستاگموس وضعیتی که قاعدتاً پس از مصرف
مقدار مشخصی الکل روی می‌دهد.

benign paroxysmal n.

نیستاگموس حمله‌ای خوش خیم
بروز ناگهانی و گذرای نیستاگموس حین مانور
دیوکس-هالپایک که در طی مدتی کوتاه پس
از تثبیت وضعیت جدید سر از بین می‌رود.

bilateral horizontal gaze n.

نیستاگموس نگاه خیره افقی دوطرفه
نیستاگموسی که زنش آن در نگاه خیره راست
به سمت راست و در نگاه خیره چپ به سمت
چپ است.

bilateral unequal gaze n.

نیستاگموس نگاه خیره نامساوی دوطرفه
نیستاگموسی که در دو جهت نگاه خیره وجود
دارد اما شدت آن متفاوت است و به دلیل بیماری
دستگاه عصبی مرکزی ایجاد می‌شود.

caloric n.

نیستاگموس حرارتی
الگوی حرکتی مشخص چشم یا نیستاگموسی
که با تحریک لایبرنت دهلیزی توسط آب یا
هوای گرم یا سرد در مجرای خارجی شنوایی
برانگیخته می‌شود.

direction-changing positional n. (DCPN)

نیستاگموس وضعیتی جهت متغیر
نیستاگموس غیرطبیعی که جهت آن وضعیت
سر ثابت باشد یا نباشد تغییر می‌کند.

DCPN, central

نیستاگموس وضعیتی جهت متغیر مرکزی
نیستاگموس وضعیتی غیرطبیعی که با وجود

ثابت ماندن سر تغییر جهت می‌دهد و نشانه
آسیب مرکزی است.

DCPN, peripheral

نیستاگموس وضعیتی جهت متغیر محیطی
نیستاگموس وضعیتی غیرطبیعی که با تغییر
وضعیت سر تغییر جهت می‌دهد و نشانه آسیب
دهلیزی یا محل نامشخص می‌باشد.

direction-fixed positional n.

نیستاگموس وضعیتی جهت ثابت
نیستاگموس وضعیتی غیرطبیعی که زنش آن
مستقل از وضعیت سر بوده و جهت ثابتی دارد و
نشانه آسیب دهلیزی محیطی می‌باشد.

down-beating n.

نیستاگموس پایین‌زن
۱. نیستاگموس عمودی که مرحله تند آن به
سوی پایین است؛ ۲. نیستاگموس عمودی
پایین‌زن ناشی از آسیب که نشانه آن افزایش
سرعت نیستاگموس در نگاه خیره به سوی
پایین است و به آسیب دهلیزی مرکزی مربوط
می‌شود.

gaze n.

نیستاگموس نگاه خیره
نیستاگموسی که در طی نگاه خیره در دو طرف
افقی یا عمودی خط وسط رخ دهد.

geotropic n.

نیستاگموس زمین‌گرا
نیستاگموس وضعیتی که جهت آن به سمت
زمین است. به عبارت دیگر هنگامی که گوش
راست پایین است نیستاگموس راست‌زن و

هنگامی که گوش چپ پایین است نیستاگموس
چپ زن دیده می شود.

Idiopathic n.

نیستاگموس بدون علت مشخص
نیستاگموس خودبخود افقی که ناشی از بیماری
نبوده و علت مشخصی ندارد.

Induced n.

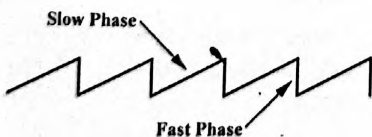
نیستاگموس برانگیخته
نیستاگموسی که انتظار می رود در نتیجه
تحریک های خاصی نظیر حرارتی و چرخشی
رخ دهد.

jerk n.

نیستاگموس جهشی
اصطلاح کلی برای حرکت دوطرفه چشم ها با
سرعت های مختلف و در دو جهت که شامل
نیستاگموس افقی، عمودی، مایل یا چرخشی
است.

left-beating n.

نیستاگموس چپ زن
نیستاگموس افقی که فاز تند آن به سمت چپ
است.



nystagmus, left-beating

ocular n.

نیستاگموس چشمی
نیستاگموسی که در نتیجه تحریک یا آسیب های
بنیادی رخ می دهد و به ورودی دهلیزی ارتباطی
ندارد.

optokinetic n. (OKN)

نیستاگموس جنبشی چشم، نیستاگموس
اپتوکینتیک

نیستاگموس چشمی طبیعی قرنیه که در طی
تحریک اپتوکینتیک رخ می دهد و نشان دهنده
تلاش چشم برای تعقیب یک نواخت حرکت
نوارهای عمودی متناوب است.

paroxysmal n.

نیستاگموس حمله ای
نیستاگموسی که متعاقب قرار دادن سر بیمار
در وضعیت خاص در مانور دیکس - هالپایک
ناگهان شروع می شود.

periodic alternating n.

نیستاگموس با تغییر تناوبی
نیستاگموس خودبخودی افقی پاتولوژیک که با
چشم باز و بسته رخ می دهد و جهت آن به طور
دوره ای تغییر می کند. این نیستاگموس در
اختلال منطقه مخچه و بصل النخاع دیده
می شود.

positional n.

نیستاگموس وضعیتی
نیستاگموس معمولاً غیرطبیعی که با قرار
گرفتن سر در یک وضعیت خاص رخ می دهد.
انواع آن عبارتند از نیستاگموس زمین گرا یا
زمین گریز و جهت متغیر یا جهت ثابت.

positional alcoholic n.

نیستاگموس وضعیتی ناشی از الکل
نیستاگموس وضعیتی که متعاقب مصرف مقدار
مشخص الکل رخ می دهد.

nystagmus

positioning n.

نیستاگموس وضعیت دهی
بروز طبیعی نیستاگموس که در طی حرکت سر
رخ می‌دهد.

premature caloric reversal =
secondary phase nystagmus

right-beating n.

نیستاگموس راست‌زن
نیستاگموس افقی که فاز تند آن به سمت
راست است.

rotary n. نیستاگموس چرخشی
نیستاگموسی که با چرخش چشم در جهت یا
خلاف جهت عقربه‌های ساعت مشخص
می‌شود.

secondary phase n.

نیستاگموس مرحله دوم
نیستاگموس حرارتی که جهت آن پیش از
اتمام ۱۴۰ ثانیه پس از آغاز تحریک تغییر
می‌کند و نشانه آسیب دهلیزی مرکزی است.

spontaneous n.

نیستاگموس خودبخود، نیستاگموس خودانگیخته
نیستاگموس چشمی که بدون وجود تحریک
بروز می‌کند.

up-beating n. نیستاگموس بالا‌زن

نیستاگموس عمودی که جزء تند آن به سمت
بالا است. با نگاه خیره به سمت بالا یا پایین
تشدید می‌شود و نشانه آسیب دهلیزی مرکزی
است.

vertical gaze n.

نیستاگموس نگاه خیره عمودی
نیستاگموس در جهت‌های نگاه خیره به بالا یا
پایین که نشانه آسیب دستگاه عصبی مرکزی
است.

vertical spontaneous n.

نیستاگموس عمودی خودبخودی
نیستاگموس طبیعی در جهت عمودی که با
بستن چشم دیده می‌شود.



OAE → otoacoustic emission

objective

۱. عینی، واقعی، بیرونی، محسوس، دارای وجود خارجی، قابل درک به وسیله حواس، قابل اندازه گیری از نظر فیزیکی؛ مستقل از نظر تفسیر فرد.

۲. بیرونی یا بیرون نما، وابسته به نشانه های بیماری که علاوه بر خود بیمار برای دیگران نیز آشکارند.

۳. هدف مقصود، منظور، وابسته به هدف یا منظور.

۴. عدسی شیئی میکروسکوپ، عدسی نزدیک به شیء مورد بررسی. ر.ک: subjective.

objective audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

objective tinnitus

به tinnitus مراجعه کنید.

objective vertigo

به vertigo مراجعه کنید.

oblique auricular muscle

به muscle مراجعه کنید.

OCG → olivocochlear bundle

occlude

مسدود شدن، بسته شدن، (دندانپزشکی) جفت شدن

occlusion

انسداد، گرفتگی، مانع، ممانعت

occlusion effect

occlusion effect اثر انسداد
افزایش سطح بلندی محرک‌های انتقال
استخوانی در فرکانس‌های پایین به دلیل
انسداد مجرای گوش. این اثر در افراد طبیعی یا
مبتلا به کاهش شنوایی حسی-عصبی دیده
می‌شود و در بیماران مبتلا به کاهش شنوایی
انتقالی وجود ندارد.

occupational hearing conservation

occupational hearing conservation
(OHC) حافظ شنوایی شغلی
فردی که از سوی CAOHC دارای گواهی ارائه
خدمات جامع مربوط به حفاظت شنوایی است.

occupational hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

occupational noise exposure

مواجهه شغلی با نویز
مواجهه با سطوح بیش از حد نویز در محل و
حین کار.

Occupational Noise Exposure Regulation

قانون مواجهه شغلی با نویز
قانونی که در آمریکا (۱۹۸۱) توسط OSHA
برای محدود کردن مواجهه با سطوح خطرناک
نویز در محل کار تصویب شد که در تبصره
حفاظت شنوایی ۱۹۸۳ آمده است.

Occupational Safety and health Act

قانون بهداشت و ایمنی کار
قانون دولت مرکزی (فدرال) آمریکا در ۱۹۷۰
که سبب ایجاد OSHA، NIOSH و OSHRC

شد تا ضمانت اجرایی برای محیط بهداشت و
ایمنی کار فراهم گردد.

Occupational Safety and Health Administration (OSHA)

اداره بهداشت و ایمنی کار
عامل دولت مرکزی (فدرال) ایالات متحده آمریکا
که مسئول قانونگذاری در باب خطرات بهداشت و
ایمنی کار (از جمله تنظیم استانداردهای حداقل
برای برنامه‌های حفاظت شنوایی صنعتی) و
ضمانت اجرای آنهاست.

Occupational Safety and Health Review Commission (OSHRC)

کمیسیون بازرسی بهداشت و ایمنی کار
سازمانی که تحت قانون بهداشت و ایمنی کار
ایجاد شد تا در مجادله بین OSHA و کارفرمایان
در اجرای اجباری قوانین قضاوت نماید.

octave

اکتاو
فاصله فرکانسی بین دو تن با نسبت ۲ به ۱
به طوری که فرکانس یک تن دو برابر فرکانس
دیگری باشد.

octave band

باند اکتاوی
تقسیم محدوده فرکانسی به فواصل اکتاوی.

octave filter

به filter مراجعه کنید.

octopus cells

سلول‌های اختاپوسی، سلول‌های هشت پایی
سلول‌های اختصاصی شده هسته حلزونی

خلفی - شکمی که دندریت های شاخک مانند دارند. این سلول ها فقط به شروع صوت انفجاری پاسخ می دهند. منحنی کوک آنها بسیار وسیع است و شکل اختصاصی V را ندارد.

ocular

چشمی

مربوط به چشم.

ocular dysmetria

اختلال دامنه حرکت چشم، دیسمتری چشم اختلال حرکت چشم که با آسیب مخچه همراه است. در این اختلال چشم ها دائماً از هدف ثابت می گذرند یا به آن نمی رسند و لازم است ساکادهای اضافی انجام شود تا به هدف برسند یا روی هدف برگردند.

ocular flutter

لرزش چشمی

اختلال حرکت چشم که با آسیب ساقه مغز همراه است و مشخصه آن این است که چشم در نگاه به هدف ثابت یک بار یا بیشتر دامنه بیش از حد و تیزی دارد.

ocular nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

oculoacousticocerebral degeneration

تخریب چشمی گوش مخچه ای اختلال چشمی مغلوب وابسته به X که با تخریب پیشرونده چشم، عقب ماندگی ذهنی و کاهش شنوایی حسی عصبی دیرآغاز پیشرونده، دوطرفه و متقارن مشخص می شود. مترادف:

Norrie syndrome

oculoaurilcovertebral dysplasia

دیسپلازی چشمی گوش مهره ای ناهنجاری مادرزادی عضلانی اسکلتی که شامل کوچکی گوش و آترزی مجرای شنوایی خارجی است. مترادف:

Goldenhar syndrome

oculomotor

حرکتی چشم

مربوط به حرکات چشم.

oculomotor nerve

به nerve مراجعه کنید.

oculomotor nucleus

به nucleus مراجعه کنید.

oddball paradigm

روش تحریک متفاوت

روشی برای برانگیختن پتانسیل های ناشی از تغییر محرک. در این روش مجموعه ای از محرک های استاندارد ارائه می شوند. بین این محرک ها یک محرک اتفاقی نادر یا متفاوت ارائه می گردد که از برخی جنبه ها با آنها تفاوت دارد. شکل موج ها معمولاً برای محرک مکرر و نادر به طور مستقل ثبت می شوند.

odynacusis

درد گوش ناشی از صدا

حساسیت بیش از حد شنوایی که با اظهار درد در پاسخ به صدای بلند همراه است.

off effect

اثر قطع

افزایش ناگهانی فعالیت دستگاه شنوایی هنگام خاتمه یافتن یک تن.

offset neurons

offset neurons نوروں های جبرانی
نوروں هایی که تنها در پاسخ به اتمام محرک
شلیک می کنند.

OHC¹ → occupational hearing con-
servation

OHC² → outer hair cell

OHCP → occupational hearing con-
servation program

Ohm اهم
G.S. Ohm, فیزیکی دان آلمانی، ۱۸۵۴-۱۷۸۷].
واحد مقاومت خازن در برابر جریان انرژی
الکتریکی یا سایر انرژی ها.

ohm's law قانون اهم
قانون انرژی الکتریکی که بر اساس آن جریان
یا سرعت شار الکتریکی مساوی است با ولتاژ
تقسیم بر مقاومت یا نیرویی که با مخالفت
جریان انرژی تلف می شود.

OKN → optokinetic nystagmus

olfactory nerve به nerve مراجعه کنید.

oligodendrocytes الیگودندروسیت ها
سلول هایی که غلاف میلین را در مسیرهای
مرکزی شنوایی تشکیل می دهند. نظیر سلول های
شوان که غلاف میلین عصب هشتم چمچمه ای
را می سازند.

olivocochlear bundle (OCB)

دسته زیتونی حلزونی
دسته های متقاطع و غیرمتقاطع رشته های
وابران از زیتون های داخلی و خارجی که به طور
مستقیم به سلول های مویی خارجی یا به
دندریت های رشته عصبی مرتبط با سلول های
مویی داخلی ارسال می شوند.

crossed o. c. b. (COCB)

دسته زیتونی حلزونی متقاطع
گروهی از الیاف اعصاب وابران از دستجات زیتونی
حلزونی داخلی که از هسته های پیش زیتونی
نزدیک زیتون فوقانی داخلی منشأ گرفته، از
ساقه مغز می گذرند و به سلول های مویی خارجی
حلزون مقابل ختم می شوند.

lateral o. c. b.

دسته زیتونی حلزونی خارجی
مسیر الیاف عصبی وابران که از هسته های
اطراف زیتونی منشأ می گیرد، LSO را احاطه
می کند و همراه با عصب دهلیزی از مجرای
شنوایی داخلی همان طرف عبور می کند و به
دندریت های آوران در قاعده سلول های مویی
داخلی ختم می شود.

medial o. c. b.

دسته زیتونی حلزونی داخلی
مسیر الیاف عصبی وابران که از هسته اطراف
زیتون که MSO را احاطه کرده اند منشأ می گیرد
و همراه عصب دهلیزی از طریق مجرای شنوایی
داخلی همان سویی و دگر سویی عبور کرده به
قاعده سلول های مویی خارجی منتهی
می شود.

ollivocochlear efferents

وابران‌های زیتونی حلزونی
سامانه رشته‌های و ابران دسته‌های زیتونی
حلزونی.

OM → otitis media

OME → otitis media with effusion

omnidirectional microphone

به microphone مراجعه کنید.

on effect اثر آغاز، اثر وصل

پدیده‌ای که در آن پاسخ آغازین دستگاه
شنوایی به یک تن مداوم، شدیدترین پاسخ
آن محسوب می‌شود.

on time مدت محرک

onset neurons نورون‌های شروع

نورون‌هایی که تنها در پاسخ به آغاز محرک
شلیک می‌کنند.

onset response پاسخ آغاز

ارزیابی‌های پاسخ شنوایی ساقه مغز به شلیک
همزمان نورون‌های آغازگر در پاسخ به محرک‌های
کلیک دارای شروع سریع اطلاق می‌گردد.

ontogenesis پیدایش انسان

ontogeny = ontogenesis

onychodystrophy ناهنجاری ناخن

اختلال اتوزومی مغلوب پوست که با ناخن‌های

ناقص دست و پا، شست سه‌پندی و کاهش
شنوایی مادرزادی از نوع حسی-عصبی شدید
مشخص می‌شود.

open captioning زیرنویس باز

متن چاپ‌شده گفتگو یا شرح فیلم تلویزیون یا
ویدئو که بدون استفاده از آداپتور یا مداربندی
خاصی در دسترس قرار می‌گیرد.

open-ear response پاسخ گوش باز

فشار صوتی در پرده گوش فردی که در میدان
صوتی قرار دارد. مترادف:

real-ear unaided response

open earmold به earmold مراجعه کنید.

open-loop caloric irrigation

تحریک حرارتی مدار باز با آب
روشی برای تحریک گرم یا سرد دستگاه دهلیزی
که آب مستقیماً به مجرای خارجی گوش وارد
می‌شود.

open-set test آزمایش دارای پاسخ باز

آزمایش ادیومتریکی گفتار که هجا، واژه یا
جمله آزمایشی از بین تمامی موارد موجود در
زبان انتخاب می‌شود و بیمار گزینه‌هایی به
عنوان مجموعه پاسخ در اختیار ندارد. متضاد:

close-set test

operant عامل

در شرطی‌سازی به رفتار یا پاسخ مورد نظر
شرطی‌کننده اطلاق می‌گردد.

operant conditioning

operant conditioning

شرطی‌سازی عامل (در روانشناسی)

operating room (OR) اتاق عمل

ophthalmoplegia فلج عضلات چشم

Internuclear o.

فلج بین‌هسته‌ای عضلات چشم
اختلال حرکت چشم که از ضایعات دسته طولی
داخلی ناشی می‌شود.

OPK → optokinetic

optic atrophy and diabetes mellitus

آتروفی چشم و دیابت شیرین
اختلال اتوزومی مغلوب که با دیابت شیرین،
آسیب بینایی در کودکی و کاهش شنوایی حسی
عصبی پیشرونده مشخص می‌گردد.

optic atrophy and polyneuropathy

آتروفی چشم و پلی‌نوروپاتی
اختلال اتوزومی مغلوب که با آتروفی پیشرونده
عصب هر دو چشم، اختلال چند عصب محیطی
به‌طور همزمان (پلی‌نوروپاتی) از کودکی و
کاهش شنوایی حسی عصبی پیشرونده مشخص
می‌شود.

optic nerve به nerve مراجعه کنید.

otitocochleodentate degeneration

تخریب چشمی حلزونی دندانی
اختلال اتوزومی مغلوب و نادر دستگاه عصبی

که با کاهش پیشرونده بینایی، فلج پیشرونده و
انقباضی اندام‌های فوقانی و تحتانی (کوادری-
پلزی) و کاهش شنوایی حسی عصبی مشخص
می‌گردد.

optokinetic (OPK)

حرکت جنبشی چشم، اپتوکینتیک
مربوط به تعقیب هدف‌های متحرک و مکرر با
چشم.

optokinetic asymmetry

عدم تقارن حرکات جنبشی چشم، عدم
تقارن اپتوکینتیک

نیستایگموس‌های ضعیف ناشی از تحریک
اپتوکینتیک در یک جهت و عدم مشکل در
جهت دیگر که به بیماری قشر مغز در ارتباط
است.

optokinetic drum

استوانه حرکت جنبشی چشم، استوانه
اپتوکینتیک

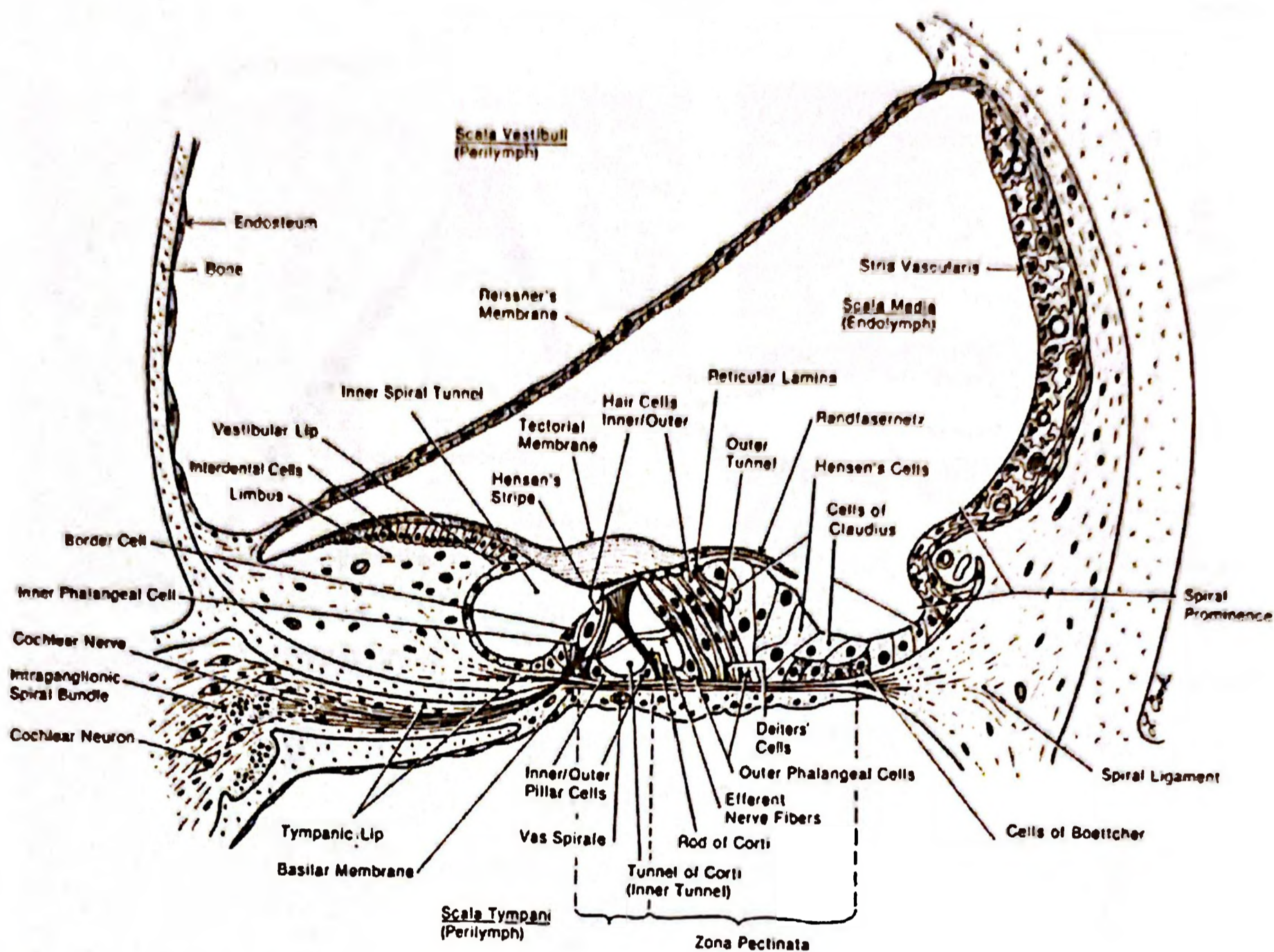
استوانه چرخنده‌ای با نوارهای سفید و مشکی
که یکی درمیان قرار گرفته‌اند و قبلاً برای
اندازه‌گیری نیستایگموس اپتوکینتیک در طی
آزمایش الکترونیستایگموگرافی مورد استفاده
قرار می‌گرفت.

optokinetic nystagmus (OKN)

به nystagmus مراجعه کنید.

optokinetic testing

آزمایش حرکت جنبشی چشم، آزمایش
اپتوکینتیک
یکی از اجزای آزمایش الکترونیستایگموگرافی



The organ of Corti

که در آن نگاه بیمار روی الگوی حرکت افقی نوارهای متناوب سفید و مشکی عمودی یا نقاط روشن و متحرک متمرکز می‌شود. این آزمایش برای ارزیابی حرکت تعقیبی آرام یا یکنواخت چشم طراحی شده است.

OR¹ → operating room

OR² → orienting reflex

oral کلامی، شفاهی، دهانی

oral-aural communication

ارتباط شفاهی-شنوایی، ارتباط کلامی-شنوایی

روش ارتباطی که شامل استفاده از شنوایی، گفتار و گفتارخوانی است.

شفاهی‌گرایی، کلامی‌گرایی
oralism روشی برای آموزش به ناشنوایان که بر استفاده از ارتباط شفاهی یا کلامی و عدم به کارگیری ارتباط اشاره‌ای تأکید دارد.

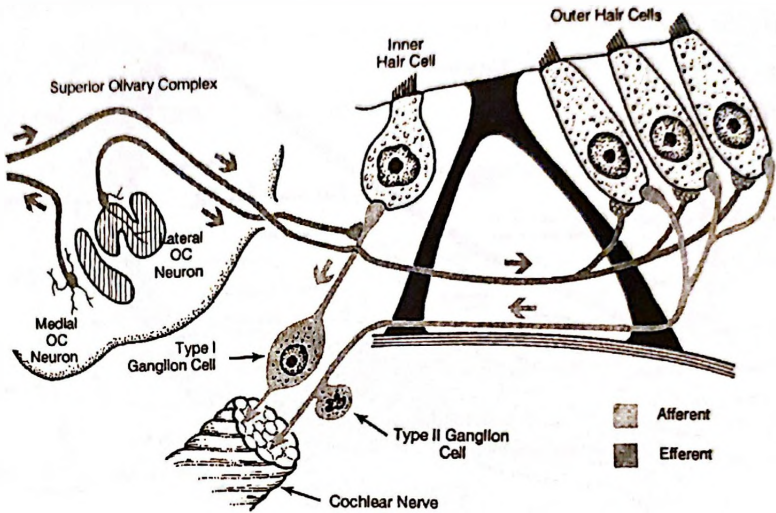
محور عمودی یا Y نمودار
ordinate

اندام کرتی
organ of Corti اندام شنوایی که شامل سلول‌های حسی و محافظ است و روی غشاء پایه در مجرای حلزونی واقع شده است. مترادف:

Corti's organ, spiral organ

عضوی، مربوط به یک عضو یا ساختمان.
organic

organic hearing loss



Innervation of the organ of Corti

۲. مربوط به آسیب‌های ناشی از ضعف یا تغییر ساختمان از جمله تغییر ژنتیکی، بی‌نظمی بیوشیمیایی، صدمه مغزی حین تولد یا ناشی از بیماری‌ها و صدمات دائمی.

organic hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

orientation

۱. تشخیص موقعیت آگاهی ذهنی از موقعیت‌های مکانی، زمانی، عملی یا اطراف.
۲. جهت‌یابی تصور مکان فیزیکی در یک فضا با توجه به محرک خارجی.

hearing aid o.

کلاس‌های آشنایی با سمعک
رولد آموزش استفاده صحیح و کاربردهای سمعک

به فردی که برای اولین بار می‌خواهد از سمعک استفاده کند.

orienting reflex (OR)

به reflex مراجعه کنید.

ORL → otorhinolaryngology

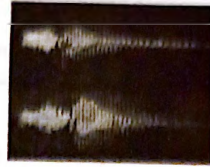
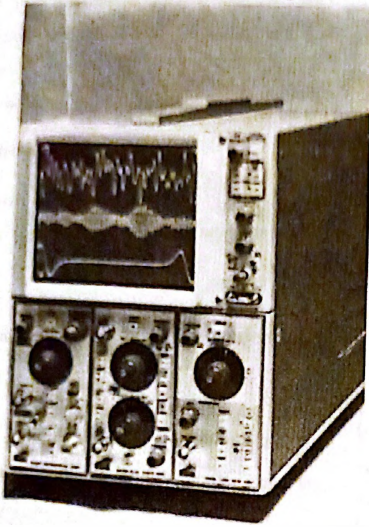
ORL-HNS → otorhinolaryngology-
head and neck surgery

oscillation

۱. نوسان ارتعاش تناوبی به طرف جلو و عقب بین دو نقطه.
۲. نوعی از بازخورد صوتی

oscillator

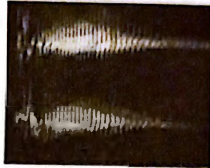
نوسانگر، نوسان‌ساز، نوسان‌کننده
دستگاه الکترونیکی مولد نوسان‌های تن خالص.



instructor

student

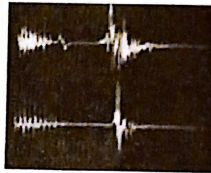
Sing



instructor

student

Comb



instructor

student

Stop

Oscilloscope

bone-conduction o.

نوسانگر انتقال استخوانی
ارتعاشگر الکترومکانیکی که برای تحریک
حلزون به وسیله انتقال ارتعاشها از طریق
استخوانهای چمچمه ساخته شده است.

oscillopsia دید نوسانی، نوسان بینی
اختلال عصب حرکتی چشم که با تاری دید
حین حرکت مشخص می شود. این اختلال به
دلیل ناهماهنگی رفلکس دهلیزی چشمی
متعاقب اختلال دهلیزی دوطرفه رخ می دهد.

oscilloscope

نوسان نما، نوسان بین، اسیلوسکوپ
دستگاه الکترونیکی که ولتاژ محرک صوتی یا
سایر محرکها را به صورت تابع زمان نشان
می دهد.

OSHA → Occupational Safety and
Health Administration

OSHRC → Occupational Safety and
Health Review Commission

OSPL 90

OSPL 90 → output sound pressure level for 90-dB input

osseotympanic bone conduction

به معنای bone conduction مراجعه کنید.

osseous labyrinth استخوانی لایبرنت

فضایی در استخوان گیجگاهی که محتوی مایعات و لایبرنت غشائی دستگاه دهلیزی و حلزون است. مترادف: bony labyrinth.

osseous spiral lamina

تیغه مارپیچی استخوانی صفحه استخوانی در حلزون که از ستونک (مدیولوس) خارج شده و رو به بالا دور آن می پیچد. حاشیه داخلی لایبرنت غشائی به آن می چسبد و رشته های عصبی سلول های مویی از آن عبور می کنند.

ossicles

استخوانچه ها

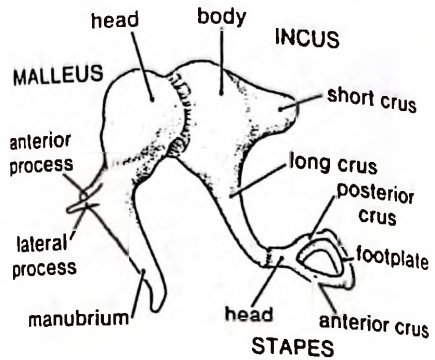
سه استخوان کوچک گوش میانی - چکشی، سندان و رکابی - در محفظه صماخی که از پرده صماخ تا دریچه بیضی امتداد یافته اند.

ossicular chain زنجیره استخوانچه ای مجموع استخوانچه های گوش میانی.

ossicular chain disruption = ossicular disarticulation

ossicular disarticulation

گسیختگی زنجیره استخوانچه ای جدا شدن یا شکستگی استخوانچه ها.



Ossicles

ossicular discontinuity = ossicular disarticulation

ossiculectomy

برداشت یک یا چند استخوانچه گوش میانی از طریق جراحی.

ossiculoplasty

ترمیم استخوانچه های گوش میانی از طریق جراحی.

ossiculotomy

برش استخوانچه های گوش میانی یا متحرک سازی جمود مفصلی (آنکیلوز) بین استخوانچه ها.

ossification

استخوانی شدن

osteitis

التهاب استخوان، استنیت

osteogenesis

استخوان سازی، تشکیل استخوان

osteogenesis imperfecta

استخوان سازی ناقص
اختلال اتوزومی غالب که با علائم مربوطه به داشتن استخوان های شکننده مشخص می شود. علائمی نظیر شکستگی های متعدد حین تولد، مفاصل ضعیف، بدشکلی های استخوانی، فشردگی ریشه اعصاب و تشکیل ناقص استخوان گیجگاهی. مترادف:

Van Der Hoeve syndrome

osteoma تومور استخوانی، استنوم
توده خوش خیم با رشد آهسته از بافت استخوانی که گاه در محل اتصال استخوان و غضروف در مجرای شنوایی خارجی رخ می دهد.

osteopetrosis

سختی بیش از حد استخوان، استئوپتروز
اختلال اتوزومی مغلوب جمجمه ای- صورتی و استخوانی که نشانه آن استخوان های شکننده است و ممکن است گسیختگی زنجیره استخوانی و کاهش شنوایی حسی عصبی پیشرونده نیز وجود داشته باشد. مترادف:

Albers-Schönberg disease

otalgia درد گوش

OTE hearing aid → over-the-ear hearing aid

otic گوش
مربوط به گوش

otic capsule کپسول گوشی
بخش استخوانی حازون که لایبرنت عشائی را در بر می گیرد.

otic pit گودال شنوایی، فرورفتگی شنوایی
فرورفتگی دو طرف سر جنین برای تشکیل گوش. مترادف: auditory pit.

otic placode صفحه شنوایی
صفحه سلولی ضخیمی روی سطح خارجی چین عصبی که حدود بیست روزگی جنین تشکیل می شود.

otic vesicle حباب شنوایی، کیسه شنوایی
کیسه شنوایی که در طی هفته چهارم چینی از صفحه شنوایی رشد می یابد و در نهایت گوش داخلی را تشکیل می دهد. مترادف: otocyst.

otitic اوتیتی، مربوط به التهاب گوش

otitic barotrauma باروترومای اوتیتی
اختلال التهابی و ضربه ای گوش میانی که از تغییرات ناگهانی فشار هوا در فضاهای تهویه استخوان گیجگاهی، هنگام فرود از ارتفاع زیاد یا بالا آمدن از عمق زیاد آب ناشی می شود. مترادف: aerotitis media.

otitic meningitis مننژیت ناشی از اوتیت
عفونت پرده های مغز متعاقب اوتیت میانی یا ماستوئیدیت.

otitis

otitis التهاب گوش، اوتیت

otitis externa

التهاب گوش خارجی، اوتیت خارجی
التهاب گوش خارجی معمولاً مجرای شنوایی
خارجی.

otitis media (OM)

التهاب گوش میانی، اوتیت میانی
التهاب گوش میانی که غالباً در پی اختلال
عملکرد لوله استاش رخ می‌دهد.

acute o. m. (AOM)

اوتیت میانی حاد
التهاب گوش میانی که دوره‌ای کمتر از ۲۱ روز
دارد.

acute serous o. m.

اوتیت میانی سروز حاد
التهاب حاد مخاط گوش میانی که با ترشح
سروز همراه است.

acute suppurative o. m.

اوتیت میانی چرکی حاد
التهاب حاد گوش میانی که با مایع عفونی و
چرکی همراه است.

adhesive o. m.

اوتیت میانی چسبنده
التهاب گوش میانی که به دلیل اختلال عملکرد
شیپور استاش به مدت طولانی ایجاد می‌شود و
به درون کشیدگی شدید پرده صماخ و از بین
رفتن فضای گوش میانی منجر می‌گردد.

catarrhal o. m. اوتیت میانی نزله‌ای
التهاب گوش میانی به دلیل نزله حلق بینی و
احتقان لوله استاش.

chronic o. m. (COM)

اوتیت میانی مزمن
التهاب پایدار گوش میانی که مدتی بیش از ۸
هفته دارد.

chronic adhesive o. m.

اوتیت میانی چسبنده مزمن
التهاب پایای گوش میانی که از اختلال طولانی
مدت عملکرد لوله استاش ناشی می‌شود و به
درون کشیدگی شدید پرده صماخ و از بین رفتن
فضای گوش میانی منجر می‌گردد.

chronic atticofuruncular o. m.

التهاب چرکی مزمن آتیک و غار گوش میانی
التهاب چرکی پایدار آتیک و غار ماستویید
گوش میانی.

suppurative o. m. (CSOM)

اوتیت میانی چرکی مزمن
التهاب پایدار گوش میانی با ترشح عفونی
محتوی چرک.

mucoid o. m. اوتیت میانی مخاطی

التهاب گوش میانی همراه با ترشح مخاطی.

mucosanguinous o. m.

اوتیت میانی مخاطی خونی
التهاب گوش میانی همراه با ترشح مخلوط
خون و مخاط.

necrotizing o. m.

اوتیت میانی لکروزان، اوتیت میانی نکروز دهنده التهاب طولانی مدت (مقاوم به درمان) گوش میانی که به نکروز بافت منجر می شود.

nonsuppurative o. m.

اوتیت میانی غیرچرکی التهاب گوش میانی همراه با ترشح غیر عفونی که انواع آن اوتیت میانی سرروز و مخاطی است.

persistent o. m. پایا

اوتیت میانی پایا تداوم التهاب گوش میانی همراه با ترشح به مدت ۶ هفته یا بیشتر پس از آغاز آنتی بیوتیک درمانی.

purulent o. m. = suppurative otitis media**recurrent o. m.**

اوتیت میانی راجعه، اوتیت میانی عودکننده التهاب گوش میانی که در طی شش ماه ۳ بار یا بیشتر رخ دهد.

reflux o. m.

اوتیت میانی ناشی از برگشت، اوتیت میانی ریفلاکسی التهاب مخاط گوش میانی به دلیل عبور ترشحات نازوفارنکس از لوله استاش.

sanguineous o. m.

اوتیت میانی خونی التهاب گوش میانی همراه با ترشح خون آلود.

secretory o. m.

اوتیت میانی ترشچی اوتیت میانی همراه با ترشح، معمولاً به ترشح سرروز یا مخاطی اطلاق می شود.

seromucinous o. m.

اوتیت میانی سرزوی-مخاطی التهاب گوش میانی همراه با تجمع مایعات با غلظت متفاوت در محفظه گوش میانی و سایر فضاهاى هواگیر استخوان گیجگاهی. مترادف: otitis media with effusion

serous o. m. (SOM)

اوتیت میانی سرزوی التهاب مخاط گوش میانی همراه با ترشح سرروز.

subacute o. m.

اوتیت میانی تحت حاد التهاب گوش میانی به مدت ۲۲ روز تا ۸ هفته.

suppurative o. m.

اوتیت میانی چرکی التهاب گوش میانی همراه با ترشح عفونی محتوی چرک.

tuberculous o. m.

اوتیت میانی سلی التهاب مزمن گوش میانی و ماستوئید متعاقب ابتلا به سل که به پارگی سریع پرده صماخ و خروج چرک از گوش منجر می شود.

otitis media

unresponsive o. m.

اوتیت میانی مقاوم به درمان
التهاب گوش میانی که ۴۸ ساعت پس از شروع
آنتی بیوتیک درمانی تداوم دارد و غالباً در
کودکان مبتلا به اوتیت میانی راجعه رخ
می دهد.

otitis media with effusion (OME)

اوتیت میانی مترشحه
التهاب گوش میانی همراه با تجمع مایعات با
غلظت متفاوت در محفظه گوش میانی و سایر
فضاهای هواگیر استخوان گیجگاهی. مترادف:
seromucinous otitis media

otitis media with perforation

اوتیت میانی با پارگی پرده صماخ
التهاب گوش میانی که به پارگی پرده صماخ
منجر می شود.

otitis media without effusion

اوتیت میانی بدون ترشح
التهاب گوش میانی.

otitis prone مستعد ابتلا به اوتیت

OTO → otolaryngology

oto block

مسدودگر گوش، مسدودکننده گوش
تکه کوچکی از جنس اسفنج پلاستیکی یا سایر
موارد که پیش از تهیه قالب اولیه در گوش
خارجی قرار داده می شود تا از رسیدن مواد

قالب گیری به پرده صماخ جلوگیری نماید.
مترادف: ear dam.

oto-spondylo-megaepiphyseal
dysplasia

دیسپلازی گوشه - مهره های - ضخیم شدگی
ای فیزها

اختلال آتوزومی مغلوب که با کاهش شنوایی
شدید تا عمیق، اندام های کوتاه و مفاصل با
ضخامت غیرطبیعی مشخص می شود.

otoacoustic emission (OAE)

گسیل های صوتی گوش
صدایی یا شدت کم که خودبخود یا به صورت
پژواک یا سایر اصوات برانگیخته توسط تحریک
شنوایی از حلزون منتشر می شود و به عملکرد
سلول های مویی خارجی حلزون مربوط است.

click-evoked o. e.

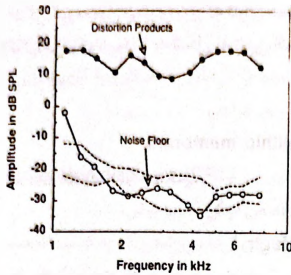
گسیل های صوتی برانگیخته گوش با استفاده
از کلیک

گسیل های صوتی گذرای گوش که با محرک های
کلیک برانگیخته می شود.

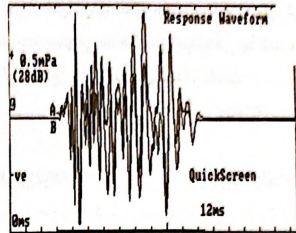
distortion-product o. e. (DPOAE)

گسیل های صوتی حاصل اعوجاج
گسیل های صوتی گوش که به صورت مکعب
حاصل اعوجاج یا فرکانس $f_2 - f_1$ اندازه گیری
می شود و محصول ارانده همزمان دو تن خالص
(f_1 و f_2) است.

distortion - product evoked
o. e. (DPEOAE) = distortion-
product otoacoustic emission



distortion-product otoacoustic emission



transient evoked otoacoustic emission

evoked o. e. (EOAE)

گسیل‌های صوتی برانگیخته گوش
گسیل‌های صوتی گوش که در پاسخ به تحریک
صوتی رخ می‌دهد.

spontaneous o. e. (SOAE)

گسیل‌های صوتی خودبخود گوش
صوت آهسته قابل اندازه‌گیری که توسط حلزون
در نبود تحریک منتشر می‌شود. این صوت به
عملکرد سلول‌های مویی خارجی مربوط است.

**transient o. e. (TOAE) = transient
evoked otoacoustic emission**

transient evoked o. e. (TEOAE)

گسیل‌های صوتی برانگیخته گذرای گوش
انعکاس صوتی با شدت کم که توسط حلزون
در پاسخ به کلیک یا محرک شنوایی گذرا منتشر
می‌شود. این صوت به یکپارچگی و عملکرد
سلول‌های مویی خارجی حلزون مربوط است.

otoadmittance meter

دستگاه سنجش ادمیتانس گوش
ابزار اولیه اندازه‌گیری ایمیتانس برای ارزیابی
اجزای سوسپتانس و رسانایی (کاندوکتانس)
عملکرد گوش میانی طراحی شده است.

otocleisis مسدود شدن مجرا
بسته شدن مجرای خارجی شنوایی توسط یک
رویش جدید یا جرم فشرده.

otoconia اتوکنیا، غبار گوش
ساختمان‌هایی در ماکولای اتریکول و ساکول
روی ماده ژلاتینی که استریوسیلیوم‌های
سلول‌های مویی در آن فرو رفته‌اند. این ذرات
حساسیت سلول‌های مویی زیرین را به شتاب
خطی افزایش می‌دهند. مترادف: statoconia.

otocup فنجانک گوشی
ضمائم گوشی شامل گوشی وبالشکت استاندارد
که کاملاً مناسب قرار گرفتن دور لاله گوش
است و برای کاهش نویز محیطی طراحی شده
است.

otocyst

حباب شنوایی، کیسه شنوایی
 otocyst کیسه شنوایی که طی هفته چهارم جنینی از صفحه شنوایی شکل می‌گیرد و در نهایت به گوش داخلی تبدیل می‌شود. مترادف:

otic vesicle

otodynia گوش درد

otogenic ناشی از گوش
 آنچه که از درون گوش یا متعاقب التهاب گوش منشأ گرفته باشد.

otogenic suppurative labyrinthitis
 به labyrinthitis مراجعه کنید.

otolaryngologist

متخصص گوش، گلو و بینی
 پزشکی که در تشخیص و درمان بیماری‌های گوش، گلو و بینی و نیز بیماری‌های ساختمان‌های مرتبط در سر و گردن تخصص یافته است.

otolaryngology (OTO)

تخصص گوش، گلو و بینی
 شاخه‌ای از علم پزشکی که به کسب تخصص در تشخیص و درمان بیماری‌های گوش، گلو و بینی مربوط است. مترادف:

otorhinolaryngology

otolaryngology-head and neck
 surgery = otorhinolaryngology-head
 and neck surgery

otolithic catastrophe انهزام اتولیتی
 شکل غیر معمول بیماری منیر که دارای حملات ناگهانی و کوتاه مدت به شکل په زمین افتادن بیمار است.

otolithic membrane

به membrane مراجعه کنید.

otologic

مربوط به پزشکی گوش، اتولوژیک

otological screening

غربالگری اتولوژیک

otologist متخصص گوش، اتولوژیست
 پزشکی که در تشخیص و درمان بیماری‌های گوش تخصص یافته است.

otology

تخصص گوش
 شاخه‌ای از تخصص گوش، گلو و بینی که به مطالعه، تشخیص و درمان بیماری‌های گوش و ساختمان‌های مربوط به آن اختصاص دارد.

otomycosis

اوتیت قارچی
 عفونت قارچی مجرای خارجی شنوایی.

otoneurology

اتونورولوژی
 شاخه‌ای از علم پزشکی که به مطالعه، تشخیص و درمان بیماری‌های دستگاه‌های عصبی محیطی مرکزی شنوایی و تعادل اختصاص دارد.

otopalatodigital syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

otopathy بیماری گوش

otoplasty

ترمیم یا بازسازی بدشکلی یا نقص گوش از طریق جراحی.

otorhinolaryngology (ORL)

تخصص گوش، گلو و بینی

شاخه‌ای از علم پزشکی که به کسب تخصص در تشخیص و درمان بیماری‌های گوش، گلو و بینی مربوط است. مترادف: otolaryngology.

otorhinolaryngology-head and neck surgery (ORL-HNS)

تخصص گوش، گلو و بینی و جراحی سر و گردن شاخه‌ای از پزشکی که به تشخیص و درمان بیماری‌های گوش، گلو و بینی و نیز ساختمان‌های مرتبط در سر و گردن مربوط می‌شود.

otorrhagia خونریزی از گوش

خونریزی از مجرای خارجی شنوایی.

otorrhea خروج ترشح از گوش

otosclerosis اتواسکلروزیس

تشکیل استخوان اسفنجی در کپسول گوش میانی اطراف استخوانچه رکابی و اطراف دریچه بیضی. تشکیل استخوان اسفنجی حرکت رکابی را در دریچه بیضی محدود می‌کند و به کاهش تدریجی شنوایی منجر می‌شود. علت آن ناشناخته است اما به نظر می‌رسد مستعد بودن فرد از نظر ارثی اهمیت داشته باشد.

cochlear o. اتوسکلروز حلزونی

بیماری که سبب تشکیل استخوان‌های اسفنجی جدید نزدیک دریچه بیضی و در نتیجه کاهش شنوایی حسی-عصبی یا آمیخته می‌گردد.

malignant o. اتوسکلروز بدخیم

اتوسکلروز فعال و شدید که دریچه بیضی، دریچه گرد و غالب قسمت‌های لاپیرنت استخوانی را درگیر کرده به کاهش شنوایی آمیخته که به تدریج شدید یا عمیق می‌شود منجر می‌گردد.

otoscope گوش‌بین، اتوسکوپ

وسیله مخروطی شکلی برای معاینه بصری مجرای خارجی شنوایی و پرده صماخ.

otoscopy گوش‌بینی، اتوسکپی

مشاهده مجرای خارجی شنوایی و پرده صماخ با اتوسکوپ.

pneumatic o.

اتوسکپی پادی، اتوسکپی پنوماتیک

مشاهده تحرک پرده صماخ توسط اتوسکپی که قادر به تغییر فشار هوا در مجرای خارجی شنوایی است.

video o. اتوسکپی ویدئویی

معاینه آندوسکپی مجرای خارجی شنوایی و پرده صماخ که روی صفحه ویدئویی نمایش داده می‌شود.

otosteal

otosteal

استخوانچه‌ای
مربوط به استخوانچه‌های گوش.

otosteon

استخوانچه
هریک از استخوانچه‌های گوش.

otosyphilis

سیفیلیس گوش
التهاب لابیرنت غشائی متعاقب عفونت
سیفیلیسی که به کاهش شنوایی حسی عصبی
منجر می‌شود.

ototoxic

سم گوش
دارای خاصیت سمی نسبت به گوش به‌ویژه
سلول‌های مویی اندام‌های انتهایی حلزونی و
دهلیزی. ر.ک:

cochleotoxic, vestibulotoxic

ototoxic drug

داروی سم گوش
هریک از انواع آنتی‌بیوتیک‌ها و داروهای شیمی-
درمانی دیگر که برای گوش سمی باشند. این
داروها معمولاً بر سلول‌های مویی حلزونی و یا
دهلیزی اثر می‌گذارند.

ototoxicity

مسمومیت گوش، سم‌زایی گوش
سم گوش بودن. ر.ک:
cochleotoxic, vestibulotoxic

aspirin o.

مسمومیت گوش ناشی از آسپیرین
وزوز و تغییر موقت آستانه ناشی از دوز بیش از
حد آسپیرین.

ototoxicity monitoring

پایش مسمومیت گوش
ارزیابی مداوم شنوایی طی مدت درمان با
داروهای سم گوش.

out of phase

خارج فاز

outer ear

به ear مراجعه کنید.

outer hair cells (OHC)

سلول‌های مویی خارجی
سلول‌های متحرکی درون اندام کرتی که به
نظر می‌رسد مسئول آشکارسازی فرکانس
کوک دقیق و تشدید حساسیت سلول‌های
مویی داخلی باشد.

outer hair cell electromotility

خودجنبشی الکتریکی سلول‌های مویی خارجی
توانایی سلول‌های مویی خارجی برای تغییر
شکل یافتن در پاسخ به تحریک الکتریکی.

outer pillars

ستون‌های خارجی
ستون‌های نگهدارنده که سلول‌های مویی را
ثابت نگاه می‌دارند و از غشاء پایه تا رأس
اندام کرتی امتداد یافته و دیواره خارجی تونل
کرتی را تشکیل می‌دهند. متضاد:

inner pillars

output

خروجی
انرژی آزاد شده یا اطلاعات خارج شده از یک
سامانه.

acoustic o.

خروجی صوتی
صوتی که از دستگاه تقویت‌کننده خارج می‌شود.

output compression

به compression مراجعه کنید.

output limiting محدودیت خروجی

محدود کردن حداکثر خروجی سمعک از طریق برش قله یا تراکم دامنه.

output limiting compression

به compression مراجعه کنید.

oval window دریچه بیضی

مدخلی در دیواره لابیرننتی گوش میانی که به نردهٔ دهلیزی حلزون منتهی می‌شود و صفحهٔ رکابی در آن قرار می‌گیرد. مترادف:

fenestra vestibuli, fenestra ovalis, vestibular window

over-the-ear hearing aid (OTE)

به hearing aid مراجعه کنید.

overall sound pressure level

سطح فشار صوتی کلی

انرژی صوتی کلی در محدودهٔ فرکانسی که بدون توزین فرکانسی اندازه‌گیری شده باشد.

overamplification تقویت بیش از حد

۱. ایجاد بهره بیش از حد توسط سمعک.

۲. تقویت‌کنندگی سمعک به مقداری که سبب ایجاد کاهش شنوایی مضاعف ناشی از نویز شود.

overlapping

همپوشانی

شروع شدن دومین پاسخ پیش از پایان پاسخ اول. ر.ک: assimilation.

overload

بار اضافی

اعوجاج یک دستگاه یا سامانه به دلیل ورودی بیش از حد.

overmasking

پوشش بیش از حد

شرایطی که سطح شدت پوشش در گوش غیر-آزمایشی به اندازه‌ای است که تقاطع کرده و به گوش آزمایشی می‌رسد و در نتیجه آستانه گوش آزمایشی را افزایش می‌دهد.

overrecruitment رگروتمنت بیش از حد

رشد بیش از حد بلندی با افزایش شدت به طوری که صوت دارای شدت بالا در گوش آسیب‌دیده بلندتر از گوش سالم شنیده می‌شود. مترادف: hyper-recruitment. ر.ک: recruitment.

overt reaction

واکنش آشکار

رفتاری که بلافاصله بتوان دید.

over tone

هارمونیک، نت هم‌ساز

هماهنگ‌های فرکانس پایه، مضارب فرکانس پایه صدا.

oxyacolia

حساسیت بیش از حد نسبت به صدا به دلیل فلج عضله رکابی.

Faint, illegible text on the left page of the spread, appearing as a vertical column of characters.

Faint, illegible text on the right page of the spread, appearing as a vertical column of characters.

P

P₂

قله مثبت اصلی پتانسیل برانگیخته دیررس
شنوایی که حدود ۱۸۰ میلی ثانیه پس از شروع
تحریک رخ می دهد.

P₃

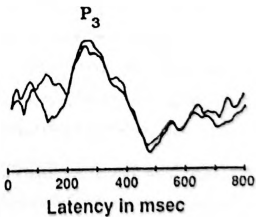
قله اصلی پتانسیل های درون زاد و ناشی از تغییر
محرک که حدود ۳۰۰ میلی ثانیه پس از شروع
تحریک صوتی رخ می دهد. مترادف: P300.

P300 = P₃

P_a

قله مثبت اصلی پاسخ میان رس شنوایی که ۲۵ تا
۲۰ میلی ثانیه پس از شروع تحریک رخ می دهد

P_a → Pascal



P₃

PAC platinol (cisplatin), adriamein,
cyclophosphamide

پلاتینول (سیس پلاتین)، آدریامايسين و
سیکلو فسفامید

رژیم شیمی درمانی که برای درمان سرطان

pachyotia

تخمندان مورد استفاده قرار می‌گیرد و بالقوه سم گوش است.

pachyotia لاله گوش ضخیم و خشن.

pad

مدار کاهنده در ادیومتر یا سایر دستگاه‌ها که برداشتن آن سبب افزایش شدت به مقدار مشخص می‌شود.

paed → pediatrics

Paget disease بیماری پاژه
اختلال اتوزومی مغلوب اسکلتی که استخوان‌ها به تدریج نرم شده و سپس ضخیم و بدشکل می‌شوند. این بیماری زمانی که بر استخوان گیجگاهی اثر گذارد دستگاه شنوایی را درگیر می‌کند.

paired comparison مقایسه جفت‌ها
روش سایکوفیزیکی برای مقایسه مدار دو سمعک یا وسیله کمک شنوایی که بر مبنای پارامترهای مشخصی نظیر کیفیت صوت یا قابل فهم بودن گفتار صورت می‌گیرد و معمولاً به شکل دوگزینه‌ای انجام می‌شود.

PAL PB-50 → Psycho-Acoustic Laboratory (Harvard University) phonetically balanced 50 (word list)

palsy

فلج

facial p.

فلج کامل یا خفیف عصب صورتی
از دست رفتن یا اختلال حرکت ارادی صورت به دلیل ضایعه عصب صورتی.

saccadic p.

فلج حرکات تعقیب سریع
اختلال حرکتی چشم که در آن حرکات تعقیب سریع در یک جهت طبیعی و در جهت دیگر مختل شده است و نشانه ضایعه یک طرفه قشر مغز می‌باشد.

PAM → postauricular muscle or myogenic (potential)

panesthesia مجموع تجربیات احساسی
مجموع احساساتی که در یک زمان تجربه می‌شوند.

panotitis التهاب تمام ساختمان‌های گوش.

paracentesis پاراستنز
عمل سوراخ کردن یا وارد کردن یک سوزن به یک حفره نظیر گوش میانی به منظور خارج کردن مایع.

paracousis = paracusis

paracusis

آسیب شنوایی، اختلال شنوایی، پاراکوزی

false p.

فراشنوایی کاذب

بهبود آشکار شنوایی در محیط پرسروصدا به دلیل بلند صحبت کردن دیگران. مترادف:

paracusis willisiana

paracusis duplicata دوشنوایی
وضعیت شنیداری که در آن حس زیربومی به

paracusis loci

نحوی مختل می شود که یک تن خالص به صورت دو تن یا نوپز یا صدای زنگ شنیده می شود. مترادف: diplacusis.

اختلال در جهت یابی صدا paracusis loci کاهش یا عدم توانایی مکان یابی صدا.

paracusis willisiana = willis paracusis

اختلال شنوایی ویلیس، پاراکوزی ویلیس، فراشنوایی ویلیس

پدیده متناقضی که در آن فرد مبتلا به کاهش شنوایی انتقالی در محیط های شلوغ بهتر می شود. علت آن افزایش سطح شدت مکالمه دیگران در حضور نوپز است. مترادف:

false paracusis

paradigm الگو، نمونه، سرمشق، مدل

paradox متناقض، متضاد آنچه که متضاد یا متناقض به نظر می رسد.

paraganglionic tissue

بافت پاراگانگلیونی

سلول هایی که از ستیغ اعصاب در عقده ها حاصل می شوند و ممکن است به نئوپلاسم از جمله تومورهای گلوموس تبدیل گردند.

paralanguage = paralinguistics

paralinguistics فرا زبانی

ویژگی هایی که جزو نظام رسمی زبان محسوب نمی شوند اما در درک و بیان آن نظام اهمیت دارند و عبارتند از: وضعیت های بدن، حالات

paresthesia

چهره، حرکات دست، تکیه، آهنگ، حجم صدا و سبک بیان.

parallel vent منفذ موازی

منفذی که موازی مجرای صوتی در طول قالب ایجاد می شود.

paralysis فلج

عدم حرکت عضلات به دلیل صدمه یا بیماری اعصاب آن. مترادف: palsy.

parameter

پارامتر، عامل، شاخص، محدودیت، حد مشخصه های قابل اندازه گیری شی، فرد یا جمعیت.

paramyxovirus پارامیگزوویروس

یک جنس از ویروس ها از خانواده پارامیگزوویروس که در انواع مختلف میزبان های مهره دار بیشتر باعث عفونت تنفسی می گردد. ویروس های اوربون، آنفلوانزا یا سرخک از این قبیل ویروس ها به شمار می آیند.

paraneoplastic

مربوط به اختلالات نورولوژیک یا سایر اختلالات که متعاقب نئوپلاسم های بدخیم ایجاد می شوند ولی مستقیماً ناشی از تهاجم آنها نیستند.

paresthesia پارزی، فلج خفیف یا ناقص

paresthesia پاراستری

حس غیرطبیعی نظیر سوزش یا مور مور شدن یک عضو.

parietal

parietal

۱. جداری
مربوط به جدارهای یک حفره؛
۲. آهیانه‌ای
مربوط به استخوان آهیانه، واقع در نزدیکی
استخوان آهیانه.

parkinsonism = Parkinson's disease

Parkinson's disease

بیماری پارکینسون
[J. Parkinson, پزشک انگلیسی، ۱۸۲۴-۱۷۵۵]
بیماری تخریب‌کننده و پیشرونده دستگاه عصبی
که با لرزش‌های غیرارادی، انعطاف‌ناپذیری
صورت، کندی حرکات ارادی، ناهنجاری‌های
وضعیتی خاص، راه رفتن خزیدنی و ضعف
عمومی عضلات مشخص می‌شود. مترادف:
parkinsonism

parotic

parotid gland

parotiditis

بناگوشی
نزدیک یا اطراف گوش.
غده بناگوشی
غدد بزاقی نزدیک گوش.
التهاب غده بناگوشی، پاروتیدیت
بیماری ویروسی سیستمیک مسری که با بزرگ
شدن دردناک غدد بناگوشی، تب، سردرد وضعف
مشخص می‌شود و گاه سبب کاهش شنوایی
ناگهانی و یکطرفه از نوع حسی عصبی عمیق
دائمی می‌گردد. مترادف: mumps, parotitis.

parotitis = parotiditis

paroxysm

paroxysmal

paroxysmal nystagmus

paroxysmal positioning vertigo =
benign paroxysmal positional vertigo

paroxysmal vertigo

pars

pars flaccida

pars tensa

pars tympanica

حمله شدید
شروع ناگهانی و مراجعه یک علامت؛
۲. اسپاسم یا تشنج
حمله‌ای
دارای خصوصیت آغاز ناگهانی و راجعه.
به nystagmus مراجعه کنید.
به vertigo مراجعه کنید.
بخش یا قسمتی از یک ساختمان یا منطقه.
بخش شل
بخش کوچکتر، نرم‌تر یا شل پرده صماخ که از
دو لایه تشکیل شده و در قسمت فوقانی پرده
واقع شده است. ر.ک: pars tensa.
بخش سخت
بخش بزرگتر و سخت‌تر پرده صماخ که از چهار
لایه تشکیل شده است. ر.ک: pars flaccida.
بخش صماخی
صفحه خمیده استخوانی که جلوی زائیده
ماستوئید قرار دارد، قسمت صماخی استخوان
گیجگاهی را تشکیل داده و بخش اعظم دیواره
مجرای خارجی شنوایی را می‌سازد.

۱. جزئی، ناقص
 ۲. در علم صوت، هر فِرکانس موجود در تن مرگب.

partial recruitment

بسیج سلولی ناقص، رگروتمنت ناقص
 شرایطی که در آن میزان بلندی یک تن دارای شدت زیاد در گوش کم‌شنوا به بلندی تنی با همان شدت در گوش سالم نزدیک می‌شود اما یکسان نمی‌گردد. ر.ک:

complete recruitment, decruitment

پاسکال
 [B. Pascal, ریاضیدان و فیزیکدان فرانسوی، ۱۶۴۲-۱۶۴۳]. واحد اندازه‌گیری فشار که عبارت است از نیروی یک نیوتن بر مترمربع.

Pascoe prescriptive procedure

به prescriptive procedure مراجعه کنید.

ملاک رد/قبول
 مقدار معینی که نقطه تعیین‌کننده مثبت یا منفی بودن نتیجه غربالگری برای یک اختلال محسوب می‌شود.

به filter مراجعه کنید.

به filter مراجعه کنید.

Patau syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

باز، غیرمسدود
 مترادف: patulous.

لوله تهویه باز
 لوله یکسان‌ساز فشار که باز است و به خوبی کار می‌کند.

بیماریزا
 هر عامل یا میکروارگانیسم موجب بیماری.

مربوط به عامل بیماریزا

pathogenomic

علامت شاخص، پاتوژنومونیک
 ویژگی یا مشخصه یک بیماری خاص.

آسیب‌شناختی
 مربوط به یا منشأ گرفته از بیماری.

pathology

آسیب‌شناسی، بیماری‌شناسی، پاتولوژی
 مطالعه علمی بیماری.

پاتوفیزیولوژی
 مطالعه فیزیولوژی حالات مرضی.

مسیر، راه
 ساختمان‌های عصبی که تکانه از طریق آنها بین گروه‌های سلولی عصبی یا بین دستگاه عصبی مرکزی و یک اندام یا عضله مبادله می‌شود.

Patriot earmold

به earmold مراجعه کنید.

patulous eustachian tube

patulous eustachian tube

لوله استتاش باز

باز بودن غیرطبیعی لوله استتاش که به احساس گرفتگی، اتوفونی، وزوز گوش و شنیدن صداهای تنفسی منجر می شود.

Pb

دومین قله مثبت پاسخ میان رس شنوایی که ۵۰ تا ۷۵ میلی ثانیه پس از آغاز تحریک رخ می دهد.

PB → phonetically or phonemically balanced

PB max

بالاترین درصد امتیاز بازشناسی صحیح واژه های تک هجایی (فهرست واژه های PB) که در چند سطح شدت ارائه شده اند.

PB min

کمترین درصد امتیاز بازشناسی صحیح واژه های تک هجایی (فهرست واژه های PB) که در چند سطح شدت ارائه شده اند.

PB word list → phonetically balanced word list

PB words = PB word list

PBK word lists → phonetically balanced kindergarten word list

PE platinum (cisplatin), etoposide

پلاتینول (سیس پلاتین) و اتوپوساید رژیم شیمی درمانی که برای درمان سرطان بیضه مصرف می شود و سم گوش است.

pe SPL → peak equivalent sound pressure level

PE tube → pressure-equilization tube

peak acoustic gain

به gain مراجعه کنید.

peak amplitude

به amplitude مراجعه کنید.

peak clipping برش قله

۱. محدود کردن حداکثر شدت خروجی سمعک یا تقویت کننده از طریق حذف قله های دامنه جریان متناوب در سطحی ثابت؛ ۲. اعوجاج موج صوتی که از به اشباع رسیدن تقویت کننده سمعک ایجاد می شود.

hard p. c.

برش شدید قله، برش ناگهانی قله روش محدود کردن خروجی (تقویت کننده) سمعک که اضافات قله های دامنه جریان متناوب را در سطحی از پیش تعیین شده حذف می کند.

modified p. c. = soft peak clipping

soft p. c.

برش ملایم قله، برش تدریجی قله
برش قله در تقویت سمعک که مقادیر اضافی
قله‌های دامنه جریان متناوب را در سطحی از
پیش تعیین شده به روش تدریجی که اعوجاج
را کاهش دهد قطع می‌کند.

peak equivalent sound pressure level (pe SPL)

سطح فشار صوتی معادل قله
سطح دسی‌بل تن ۱۰۰۰ هرتز در دامنه‌های
معادل با قله یک محرک گذرا. این سطح برای
بیان سطح شدت محرک‌های کلیک در آزمایش
پتانسیل برانگیخته شنوایی به کار می‌رود.

peak-to-peak amplitude

به amplitude مراجعه کنید.

آکومتر اطفال
تجهیزات اولیه با تشویق بینایی که درادیومتری
تن خالص کودکان مورد استفاده قرار می‌گرفت
و در آن ظاهر شدن یک عروسک تشویق کننده
پاسخ صحیح کودک بود.

pediatric audiologist

به audiologist مراجعه کنید.

pediatric audiology

به audiology مراجعه کنید.

pediatric intensive care unit (PICU)

بخش مراقبت‌های ویژه کودکان
بخشی در بیمارستان که به مراقبت از خردسالان

نیازمند به نگهداری و پایش بیشتر اختصاص
یافته است.

pediatric speech intelligibility test (PSI test)

آزمایش فهم‌گفتار کودکان، آزمایش PSI
آزمایش بازشناسی واژه و جمله با پاسخ بسته
که در سکوت و در حضور محرک گفتاری زمینه
انجام می‌شود و برای ارزیابی توانایی درک
گفتار کودکان ۲/۵ تا ۶ ساله طراحی شده است.

متخصص کودکان
پزشکی که در زمینه رشد و مراقبت از کودکان و
تشخیص و درمان بیماری‌های آنها تخصص
گرفته است.

تخصص کودکان
شاخه‌ای از علم پزشکی که به رشد و مراقبت از
کودکان و تشخیص و درمان بیماری‌های آنها
مربوط است.

peep show audiometer

به audiometer مراجعه کنید.

Pellizaeus-Merzbacher disease

بیماری پلیزئوس، مرتزباخر
اختلال وابسته به X و تخریب‌کننده میلین که
از کودکی آغاز می‌شود و با نیستاگموس،
آتاکسی، اختلال تولید گفتار و اختلال عملکرد
سایکوموتور، کاهش شنوایی حسی عصبی به
دلیل اختلال حازون و راه شنوایی در ساقه مغز
مشخص می‌گردد.

Pendred syndrome

Pendred syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

pendular tracking تعقیب پاندولی
بخشی از مجموعه آزمایش‌های الکترو-
نیستاگموگرافی که در آن یک شیء یا نقطه
نورانی که به‌طور سینوسی و در جهت افقی یا
عمودی حرکت می‌کند تعقیب می‌شود تا سامانه
حرکت تعقیبی آرام یا یکنواخت چشم ارزیابی
گردد.

penetrance قدرت نفوذ
نسبت درصد مواردی که یک یا چند ژن صفت
یا صفاتی را منتقل می‌کنند.

penetrating trauma

ضربه نافذ، ترومای نافذ
صدمه به گوش به دلیل عبور شیء تیز از مجرای
خارجی شنوایی که اختلال شنوایی ناشی از آن از
پارگی جزئی پرده صماخ تا گسیختگی زنجیره
استخوانچه‌ای و فیستول دريچه بیضی متغیر
است.

percieved noise level سطح درک نویز
بیان آزاردهندگی یا عدم تحمل صدای بلند بر
حسب دسی‌بل و بر مبنای مقایسه فرد از
پرسرو صدا بودن محیط. این روش عمدتاً برای
ارزیابی درک نویز پرواز هواپیما روی محیط به
کار می‌رود.

perception درک
آگاهی، بازشناسی و تفسیر محرک‌های حسی
که در مغز دریافت می‌شوند.

auditory p. درک شنوایی

آگاهی، بازشناسی و تفسیر محرک‌های شنوایی
که به مغز رسیده است.

cross-modality p. درک چندحسی
پردازش نورولوژیک اطلاعات حسی که از طریق
یکی از حس‌ها وارد می‌شود اما در سامانه
دیگری از مغز دریافت می‌شود.

speech p. درک گفتار
آگاهی، بازشناسی و تفسیر محرک‌های گفتاری
که در مغز دریافت می‌شوند.

perceptive hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

perceptual analysis

تجزیه و تحلیل درک
ارزیابی زیروبمی، بلندی و کیفیت بر اساس
قضاوت خود.

percutaneous

پوستی، تراپوستی، از طریق پوست، زیرجلدی

perfect pitch زیروبمی دقیق
توانایی نادر در افتراق زیروبمی یک نت.
مترادف: absolute pitch.

perforation پارگی
وجود پارگی یا سوراخ غیرطبیعی در یک بافت
یا ساختمان.

attic p.

پارگی آتیک
پارگی بخش شل پرده صماخ.

marginal p.

پارگی حاشیه‌ای پرده صماخ
سوراخ لبه یا حاشیه پرده صماخ.

tympanic membrane p.

پارگی پرده صماخ.
پارگی غیرطبیعی در پرده صماخ.

performance-intensity (PI) function

تابع شدت - پاسخ، تابع PI
نمودار امتیاز بازشناسی صحیح گفتار بر حسب
درصد به عنوان تابعی از سطح ارائه محرک‌های
هدف.

performance-intensity (PI) function
for phonetically balanced (PB) word
list

تابع شدت - پاسخ برای فهرست‌های واژه‌های
متوازن آوایی (واجی)

performance-Intensity (PI) function
for the synthetic sentence Identifi-
cation (SSI)

تابع شدت پاسخ برای آزمایش شناسایی
جملات ترکیبی.

pericentral nucleus

به nucleus مراجعه کنید.

perichondritis

التهاب پری‌کندریوم، پری‌کندریت

auricular p. پری‌کندریت لاله گوش

التهاب غشاء بافت همبند اطراف غضروف لاله
گوش.

perichondrium

پری‌کندریوم

لایه‌ای از بافت همبند فیبروزی که همه
غضروف‌ها از جمله غضروف لاله گوش را
می‌پوشاند. این لایه در غضروف مفصلی
مفاصل سینوویال وجود ندارد.

perilabyrinthitis

التهاب منتشر بافت اطراف لایرنرت.

perilymph

پری‌لنف

مایع حلزونی که در نردبان دهلیزی، نردبان
صماخی و قضا‌های درون اندام کرتی موجود
است و دارای سدیم و کلسیم زیاد و ترکیب
یونی مشابه مایع مغزی نخاعی می‌باشد.

perilymphatic fistula

فیستول پری‌لنفی

راد غیرطبیعی بین فضای پری‌لنفی و گوش
میانی که سبب نشت پری‌لنف از دریچه بیضی
یا گرد می‌شود و دلیل ایجاد آن نقایص مادرزادی
یا ضربه است.

perilymphatic gusher فوران پری‌لنف

جریان شدید مایع پری‌لنف از دریچه بیضی به
صورت خودبخود یا متعاقب جراحی.

perimeter earmold

perimeter earmold

به earmold مراجعه کنید.

perinatal

حوالی زایمان، حول و حوش زایمان برای مدت آن تعاریف مختلفی داده شده است. شروع آن از هفته بیستم تا بیست و هشتم جنینی و خاتمه آن هفتمین تا بیست و هشتمین روز پس از تولد است.

perineurium غلاف عصب، پری نور یوم

غلافی از بافت همبند که تارهای عصب محیطی را می پوشاند.

period

زمان تناوب

مدت زمانی که طول می کشد موج سینوسی یک دور کامل را طی کند.

periodic

تناوبی

تکرار شدن در فواصل زمانی مشخص.

periodic alternating nystagmus

به nystgmus مراجعه کنید.

pelodic sound wave

به wave مراجعه کنید.

periodicity pitch

زیرویمی ناشی از تناوب

درک یک زیرویمی علیرغم فقدان انرژی فیزیکی در فرکانس مربوط به آن که هنگام شنیدن تنی با دامنه مدوله شده یا قطع و وصل شدن سریع یک صوت اتفاق می افتد.

peripheral nervous system (PNS)

periolivary nuclei (PON)

هسته دور زیتونی

گروهی از هسته های مجموعه زیتونی فوقانی که زیتون های خارجی و فوقانی داخلی را احاطه کرده اند و رشته های عصبی را از نوار شنوایی بینابینی دریافت می کنند.

peripheral

محیطی

۱. به سمت سطح یا بخش خارجی تر؛ ۲. واقع شدن در خارج از دستگاه عصبی مرکزی.

peripheral auditory system

دستگاه شنوایی محیطی

بخشی از سازوکار شنوایی که شامل گوش خارجی و میانی، حلزون و عصب هشتم جمجمه ای است. ر.ک:

central auditory system

peripheral lesion

ضایعه محیطی

در دستگاه شنوایی ضایعه ای است که در محلی بین لاله گوش تا یا خود عصب هشتم جمجمه ای رخ دهد.

peripheral masking

به masking مراجعه کنید.

peripheral nervous system (PNS)

دستگاه عصبی محیطی

دستگاه عصبی و اعصاب جمجمه ای خودکار. آن بخش از دستگاه عصبی که تکانه ها را از سیستم عصبی مرکزی دریافت کرده یا به آن ارسال می نماید.

peripheral vestibular neurons

نورون‌های محیطی دهلیزی

نورون‌های شاخه فوقانی و تحتانی بخش دهلیزی عصب هشتم مجموعه‌ای که در مجرای داخلی شنوایی واقع شده است.

permanent threshold shift (PTS)

تغییر دائمی آستانه

تغییر دائمی حساسیت شنوایی که از ضربه صوتی به دلیل مواجهه با سطوح بیش از حد صدا ناشی شده باشد. ر.ک:

temporary threshold shift

permanent threshold shift, noise-induced (NIPTS) = permanent threshold shift

permissible exposure limits

سطح مجاز مواجهه با نویز

بالاترین سطح شدت بر حسب دسی‌بل که کارکنان می‌توانند طی مدت‌زمان مشخصی با آن مواجه شوند و از نظر شغلی ایمن باشند.

persistent otitis media

به otitis media مراجعه کنید.

personal FM system

دستگاه اف. ام. شخصی

وسیله شنوایی کمکی قابل اتصال به بدن که دارای یک میکروفون / انتقال‌دهنده متصل به گوینده است که محرک را از طریق اف. ام. به رسیور متصل به شنونده ارسال می‌کند. این

وسیله برای افزایش نسبت محرک به نویز طراحی شده است.

perstimulatory

حین تحریک

perstimulatory fatigue

خستگی حین تحریک

تطابق شنیداری یا کاهش بلندی یا قابلیت شنیدن صدا در طی تحریک طولانی. ر.ک:

poststimulatory fatigue

petromastoid canal

مجرای خارهای پستانی

مجرای در استخوان گیجگاهی که شریان تحت قوسی از آن عبور کرده و خون کپسول گوشی و بخش قدامی داخلی ماستوئید را تأمین می‌کند.

petrosa

خاره

بخش خاره استخوان گیجگاهی.

petrosal

خارهای

مربوط به بخش خاره استخوان گیجگاهی.

petrositis

التهاب خاره، پتروزیت

التهاب مناطق تهویه اطراف لابیرنتی و رأسی استخوان گیجگاهی.

petrous

خاره

به سختی سنگ.

petrous bone

استخوان خاره

بخشی از استخوان گیجگاهی چمچمد که اندام حسی دستکاد محیطی شنوایی را در بر می‌گیرد.

PFL

PFL platinum (cisplatin), fluorouracil, leucovorin calcium

پلاتینول (سیس پلاتین)، فلونورویوراسیل، لوکوورورین کلسیم

رژیم شیمی درمانی که برای درمان سرطان سر و گردن مصرف می شود و بالقوه سم گوش است.

PGR → psychogalvanic response

PGSR → psychogalvanic skin response

PGSR audiometry → psychogalvanic skin response audiometry

PHAB → Profile of Hearing Aid Benefit

PHAP → Profile of Hearing Aid Performance

phase فاز، مرحله

۱. هر جزء یک سیکل
۲. وضعیت زمانی نسبی یک نقطه در موج تناوبی که بر حسب درجه بیان می شود.

fast p.

مرحله تند

جزئی از نیستاگموس که نشان می دهد برای قرار گرفتن مجدد هدف بینایی روی لکه زرد شبکیه، کنترل حرکت چشم توسط دستگاه تعقیب سریع لازم است. متضاد: slow phase.

in p.

هم فاز

شرایطی که قله و فرورفتگی دو موج همزمان باشد. مترادف: homophasic.

opposite p.

فاز مخالف

خارج فاز، مترادف: out of phase.

slow p.

مرحله کند، فاز کند

جزئی از نیستاگموس که حرکت پیوسته و یکنواخت چشم را نشان می دهد. این حرکت برای حفظ هدف بینایی روی لکه زرد شبکیه ضروری است.

phase locking قفل فازی، وابستگی فازی

تمایل رشته های عصبی به شلیک در فاز خاصی از موج محرک.

phenotype

رژیمون، فنوتیپ

۱. بروز قابل مشاهده خواص ژن های (ژنوتیپ) یک فرد

۲. گروهی که فرد بر اساس مشخصات ژنتیکی قابل مشاهده خود می تواند به آن منتسب شود.

phon

فون

واحد اندازه گیری بلندی تن، مرجع آن بلندی تن خالص ۱۰۰۰ هرتز در سطح شدت معینی است. به طور مثال اگر بلندی محرک ۵۰۰ هرتز با شدت ۳۰dB با بلندی یک تن ۱۰۰۰ هرتزی با شدت ۲۰dB مساوی به نظر آید، سطح بلندی آن محرک ۲۰ فون است.

phonal

صدای، صدایی

مربوط به صوت یا صدا.

phone

آوا

یک صدای گفتاری.

phoneme واج
کوچکترین طبقه مشخص آواهای یک زبان که نشان دهندهٔ مجموعه متنوعی از هر صدای گفتاری است. کل این مجموعه همان صدا در نظر گرفته شده و با همان نماد نشان داده می‌شوند.

phonemic واجی
مربوط به واج.

phonemic regression پسرفت واجی
کاهش توانایی بازشناسی گفتار بیشتر از آن حدی که از میزان کاهش شنوایی فرد پیش‌بینی می‌شود. این مشکل از افزایش سن ناشی می‌شود.

phonetic آوایی
مربوط به آواها.

phonetic alphabet الفبای آوایی
الفبایی که شامل نمادهای نشان‌دهندهٔ صداهای گفتاری است.

phonemically balanced = phonetically balanced

phonetically balanced (PB)

متوازن واجی، متوازن آوایی
فهرست واژه‌هایی که فرکانس رخداد و صداهای گفتاری در آن با گفتار روزمره برابر است.

phonetically balanced kindergarten word lists (PBK word lists)

فهرست‌های واژه‌های متوازن آوایی کودکانستانی
فهرست‌های واژه‌هایی که در آزمایش بازشناسی

گفتار مورد استفاده قرار می‌گیرند و به نحوی طراحی شده‌اند که هم از نظر آوایی متوازن هستند و هم واژه‌های آنها مناسب کودکان پیش‌دبستانی است.

phonetically balanced word list (PB word list)

فهرست واژه‌های متوازن واجی، فهرست
واژه‌های PB

فهرست واژه‌هایی که در آزمایش بازشناسی گفتار مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرکانس رخداد صداهای گفتاری در این فهرست، با گفتار محاوره‌ای برابر است.

phonetics آواشناسی

علم تولید و درک صداهای گفتاری که به توصیف و طبقه‌بندی صداهای گفتاری بر مبنای مجموعه صداهای استاندارد، نظیر واژه‌های اصلی و الفبای آوایی، می‌پردازد. مطالعه صداهای زبان بر اساس مشخصه‌های فیزیکی و تولیدی آنها.

acoustic p. آواشناسی صوتی
شاخه‌ای از علم آواشناسی که به مطالعه صوت و درک شنوایی اصوات گفتاری اختصاص دارد.

photoplastic پلاستیک نوری
نوعی ماده‌ای پلاستیکی که در ساخت بدنه برخی سمک‌ها استفاده می‌شود و به کمک اشعه فرابنفش شکل می‌گیرد.

phylogenetic = phylogenetic

phylogenetic فیلوژنی، مربوط به تبارزایی
مربوط به سیر تکاملی گروهی از موجودات زنده.

physical volume test (PVT)

physical volume test (PVT)

آزمایش حجم فیزیکی

زیرآزمایش ادیومتری ایمنیتانس که در آن حجم مجرای گوش اندازه گیری می شود. به طور مثال حجم زیاد در موارد پارگی پرده صماخ یا باز بودن لوله استناش و حجم کم، در صورت وجود جرم فشرده دیده می شود.

ناشی از فعالیت فیزیولوژیک. physiogenic

physiologic

فیزیولوژیک

مربوط به فیزیولوژی.

physiology فیزیولوژی، تن کارشناسی
علم عملکرد موجودات زنده و اجزای تشکیل
دهنده آنها.

PI function → performance-intensity
function

PI-PB → performance-intensity
function for phonetically balanced
word lists

PI-SSI → performance-intensity
function for the synthetic sentence
identification

PIC symbols

نمادهای PIC

مجموعه‌ای از نمادهای تصویری که برای استفاده در تابلوهای ارتباطی طراحی شده‌اند. این شکل‌ها سفید رنگ بوده و روی زمینه‌ای

picture symbols (PICSYMS)

سیاه کشیده شده‌اند. ر.ک:

augmentative and alternative commu-
nication



PIC Symbols
Fall

PICSYMS → picture symbols

picture sound discrimination test

آزمایش تصویری تمایز صدا
آزمایشی برای ارزیابی تمایز صداهای گفتاری
برای کودکان ۳ تا ۵ ساله که پاسخ آن به صورت
تصاویر دوتایی است.

picture speech discrimination test

آزمایش تصویری تمایز گفتار
آزمایشی برای ارزیابی تمایز صداهای گفتاری
در تمام سنین که پاسخ آن تصویری است و
تصاویر آن از فهرست تورن دایک انتخاب
شده‌اند.

picture symbols (PICSYMS)

نمادهای تصویری
مجموعه‌ای از نمادهای تصویری که روی

تا پاوهای ارتباطی استفاده می‌شوند. این نمادها که در طراحی آنها فقط از خط استفاده شده به صورت اندیشه‌نگار یا خط تصویری می‌باشند. ر.ک:

augmentative and alternative communication

PICU → pediatric intensive care unit

pidgin زبان آمیخته، پی‌جین انگلیسی دست‌وپاشگسته و مخلوط با واژه‌ها و دستور زبان‌های مختلف.

pidgin signed English = Signed English

piebaldness پیسی نوع مغلوب، غالب یا وابسته به X سندرم‌های رنگدانه‌ای پوست که با فقدان رنگدانه‌های کف سر به صورت لکه‌های متعدد مشخص می‌شود. ممکن است با کاهش شنوایی مادرزادی از نوع حسی عصبی عمیق همراه باشد.

Pierre Robin syndrome به syndrome مراجعه کنید.

Piezoelectric microphone به microphone مراجعه کنید.

pigment رنگدانه، پیگمان هر نوع بافت رنگی در بدن.

pill torti موهای پیچ‌خورده اختلال پوستی مغلوب که با موهای پیچ‌خورده خشک و شکننده سر، ابروها و مژه‌ها مشخص می‌شود و غالباً با کاهش شنوایی حسی عصبی دوطرفه همراه است.

PILL → programmable increase at low levels

pillar cells سلول‌های ستونی دو گروه از سلول‌های نگهدارنده اندام کرتی شامل ستون‌های داخلی و خارجی که قاعده آنها روی غشاء پایه قرار گرفته است. این سلول‌ها به سمت یکدیگر خم شده‌اند به نحوی که رأس آنها به هم چسبیده است و بدین ترتیب تونل کرتی را تشکیل می‌دهند.

pillars of Corti ستون‌های کرتی سلول‌های ستونی داخلی و خارجی.

inner p. سلول‌های ستونی داخلی ستون‌های نگهدارنده که سلول‌های مویی را ثابت نگه می‌دارند و از غشاء پایه تا بالای اندام کرتی امتداد یافته دیواره داخلی تونل کرتی را تشکیل می‌دهند.

outer p. سلول‌های ستونی خارجی ستون‌های نگهدارنده که سلول‌های مویی را ثابت نگه می‌دارند و از غشاء پایه تا رأس اندام کرتی امتداد یافته دیواره خارجی تونل کرتی را تشکیل می‌دهند.

pineal tumor

pineal tumor

تومور غده صنوبری، تومور غده پینه‌آل
 نئوپلاسمی که از غده صنوبری منشأ می‌گیرد.
 مترادف: pinealoma.

pinealoma = pineal tumor

pink noise به noise مراجعه کنید.

pinna; pl. pinnae لاله گوش

بخش غضروفی و بیرونی گوش. مترادف:
 auricle

cleft p. شکاف لاله گوش

شکاف مادرزادی لاله گوش.

pinna malformation

نشکیل ناقص لاله گوش
 نقص ساختمانی لاله گوش به دلیل عدم رشد
 طبیعی.

pinna reflex به reflex مراجعه کنید.

pit

۱. گودال، گودی، حفره؛ ۲. داغ ابله، جای ابله؛
 ۳. گوده گذاشتن، فرو کردن؛ ۴. فرورفتگی کوچک
 در مینای دندان؛ ۵. فرورفتگی کوچک در صفحه
 ناخن.

auditory p. گودال شنوایی

فرورفتگی در دو طرف سر چنین برای تشکیل
 گوش.

otic p. = auditory pit

preauricular p.

فرورفتگی جلوی گوشی، فرورفتگی جلوی
 لاله گوش

بدشکلی مجمله‌ای صورتی که با یک سوراخ
 کوچک در جلوی لاله گوش مشخص می‌شود.
 عمق آن در افراد مختلف متفاوت است.

pitch زیروبمی

۱. زی یا بم بودن یک تن که به فرکانس،
 شدت و هارمونیک‌های ارتعاش‌هایی که آن را
 تولید می‌کنند، بستگی دارد. هرچه تعداد
 ارتعاش‌ها در واحد زمان بیشتر باشد زیروبمی
 بیشتر شده و تن زی‌تر می‌شود و برعکس
 هرچه تعداد ارتعاش‌ها کمتر باشد زیروبمی
 کمتر بوده و تن بم‌تر است؛ ۲. خاصیتی از حس
 شنوایی که به درک شنونده مربوط است و به
 وسیله این خاصیت می‌توان صداها را از بم به
 زیر مرتب نمود. اندازه‌گیری آن از طریق
 پاسخ‌های تمایز انجام می‌پذیرد؛ ۳. درک یا
 تفسیر روان‌شناختی فرکانس صدا.

absolute p. زیروبمی دقیق

توانایی نادر در اختراق زیروبمی یک نت.

basal p. زیروبمی پایه

بم‌ترین صدایی که گفته بر پایه آن شکل
 می‌گیرد.

perfect p. = absolute pitch

periodicity p.

زیروبمی ناشی از تناوب

درک یک زیروبمی علیرغم فقدان انرژی فیزیکی در فرکانس مربوط به آن که هنگام شنیدن تنی با دامنه مدوله شده یا قطع و وصل شدن سریع یک صوت اتفاق می افتد.

place theory

نظریه مکانی

نظریه کاملاً مستند درک فرکانس که مبنای آن مکان حداکثر جابجایی موج مسافر در طول غشاء پایه است.

placebo effect

اثر دارونما

بهبود یافتن بیمار به دلیل راضی شدن نیاز سمبولیک وی به دارودرمانی.

placode

صفحه

ساختمان صفحه مانند به ویژه ضخیم شدگی قسمتی از اکتودرم جنین که اندام های حسی از آن به وجود می آیند، نظیر صفحه های شنوایی، بینایی و بویایی.

auditory p. = otic placode**otic p.** صفحه شنوایی (جنینی)

صفحه سلولی ضخیمی در نمای جانبی لوله عصبی در جنین انسان که به کپسول گوش و گوش داخلی تبدیل می شوند.

plane

سطح، سطح صاف و هموار

هر سطح صاف و یکنواخت (به ویژه سطح

فرضی یا قراردادی) که از یک محور یا از دو نقطه بگذرد و بدن را دو قسمت کند یا با آن تماس شود.

coronal p. = frontal plane**frontal p.** سطح پیشانی یا تاجی

صفحه مرجع آناتومی که ساختمان را به دو بخش قدامی (جلویی) و خلفی (عقبی) تقسیم می کند. مترادف: coronal plane.

horizontal p. سطح افقی

صفحه مرجع آناتومی که بدن را به دو نیمه فوقانی و تحتانی تقسیم می کند.

median p. سطح میانی

سطح آناتومی که مرجع که به طور طولی از قسمت میانی بدن از جلو به عقب عبور کرده و بدن را به دو نیمه راست و چپ تقسیم می کند.

midsagittal p. = median plane**sagittal p.** سطح سهمی

هر صفحه عمودی که به موازات سطح میانی بدن یا یک ساختمان را به دو قسمت راست و چپ تقسیم کند.

transverse p. سطح عرضی

هر صفحه که بر محور طولی بدن یا یک ساختمان عمود شده و آن را به دو قسمت بالایی و پایینی تقسیم کند.

plane

vertical p.

سطح عمودی

هر صفحه‌ای از بدن که بر صفحه افقی عمود شده و بدن را به دو نیمه راست و چپ یا جلو و عقب تقسیم کند، نظیر صفحات سه‌می و پیشانی.

plaque

پلاک

۱. تجمع کوچک و محدود مواد. به‌طور مثال روی پرده صماخ؛ ۲. مناطق کانونی و میلیته شده در اسکلروز متعدد.

plasticity

شکل‌پذیری، ساخت‌پذیری، قالب‌پذیری توانایی شکل گرفتن یا قالب گرفتن.

neural p.

شکل‌پذیری عصبی، قالب‌پذیری عصبی، ساخت‌پذیری عصبی

توانایی دستگاه مرکزی برای این‌که در طول زمان و در پاسخ به تغییرات ورودی حسی تغییر کند.

plateau

هموار، پلاتو

در ادیومتری، به سطح بین پوشش کمتر از حد و پوشش بیش از حد اطلاق می‌گردد. در این سطح آستانه بیمار در گوش آزمایشی با افزایش یا کاهش پوشش در محدوده‌ای ۱۰ تا ۲۰ دسی‌بلی تغییر نمی‌کند.

plateau method

روش سطح هموار

روش ارائه پوشش به گوش غیرآزمایشی که در آن پوشش به تدریج افزایش می‌یابد تا زمانی

که سطح هموار حاصل آید و مقدار آستانه پوشش یافته گوش آزمایشی مشخص شود.

plateau time

زمان هموار

زمان وجود محرک در بالاترین سطح شدت خود.

play audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

plexus tympanicus

شبکه صماخی

شبکه به‌هم‌پیوسته اعصاب و رگ‌های خونی روی دماغه که از عصب صماخی، شاخه‌ای از عصب صورتی و شاخه‌های شریان کاروتید داخلی تشکیل شده است.

PLL → preferred loudness level

plosive

انفجاری، انسدادی

صداهاى گفتاری همخوان انسدادی که با رها شدن فشار هوای مجبوس در یک مسیر تولید می‌شوند، مانند /p/، /t/ و /g/ در موقعیت همخوان ابتدایی.

PN dB → perceived noise level (in decibel)

pneumatic otoscopy

اتوسکپی بادی، اتوسکپی پنوماتیک

مشاهده تحرک پرده صماخ توسط اتوسکپی که قادر به تغییر فشار هوا در مجرای خارجی شنوایی است.

pneumatization تهویه، هواگیری
ایجاد سلول‌های هوایی.

شنوایی که در آن قطبیت انبساطی و تراکمی
کلیک یا تن انفجاری پی‌درپی تغییر می‌کند.

pneumolabyrinth

لابیرنت هواگیر، پنومولابیرنت
ورود غیرطبیعی هوا به لابیرنت از طریق
فیسٹول ناشی از ضربه یا جراحی که به
سرگیجه حاد و کاهش شنوایی منجر می‌شود.

polltzer bag کیسه پولیتزر
ابزار اولیه دمیدن هوا به لوله استنشاق به منظور
تهویه گوش میانی.

PNS → peripheral nervous system

polltzerization پولیتزراسیون
روش اولیه دمیدن هوا به لوله استنشاق به منظور
تهویه گوش میانی.

POGO II prescriptive procedure

→ prescription of gain and output II

POGO prescriptive procedure →

prescription of gain and output

polychondritis

التهاب چند غضروف بدن، پلی‌کندریت
اختلال بافت همبند که با التهاب و از بین رفتن
غضروف‌های متعدد از جمله غضروف لاله گوش
و لوله استنشاق مشخص می‌شود. مترادف:
relapsing polychondritis

polar directivity pattern

الگوی قطبی جهت‌دار
نمایش مشخصات جهت‌داری میکروفون
سمعک معمولاً به شکل نمودار قطبی، در این
نمودار خروجی نسبی دامنه سمعک به عنوان
تابعی از زاویه ایجاد صدا نشان داده می‌شود.

polyethylene پلی‌اتیلن
موادی برای ساخت قالب سخت که برای افرادی
که به مواد معمولی حساسیت دارند استفاده
می‌شود.

polarity قطبی شدن، قطبش، پلاریته
۱. خاصیت دارا بودن دو قطب آهن‌ربایی مخالف
یا داشتن ویژگی‌های متضاد.
۲. تمایل یا گرایش داشتن به ویژگی متضاد یا
مخالف.

polyneuropathy پلی‌نوروپاتی
بیماری چند عصب محیطی به طور همزمان.

polyotia چندگوشی
وجود لاله زاید در یک یا هر دو طرف سر.

polyp پولیپ
توده‌ای بافتی که از یک سطح به سمت خارج
رشد می‌کند.

alternating p. قطبیت متناوب
مشخصه محرک‌های پتانسیل برانگیزنده



polyp

aural p. پولیپ گوش
ضایعه خوش خیمی در مجرای خارجی شنوایی که از پارگی پرده صماخ بیرون زده است.

PON → periolivary nuclei

pons

۱. پل، رابط
هر گونه قطعه یا تکه بافتی که دو قسمت یک عضو را به همدیگر وصل نماید.

۲. پل مغزی

بخشی از مغز خلفی بین بصل - النخاع و مغز میانی که محتوی هسته‌های حلزونی، مجموعه زیتونی و هسته‌های نوار خارجی است.

pontine

پلی
مربوط به پل.

pontine paramedian reticular formation (PPRF)

تشکیلات شبکه‌ای اطراف پل هسته‌ای در پل که اطلاعات آوران از مجرای نیم‌دایره و هسته دهلیزی دگرسویی را به هسته حرکتی عصب ششم جمجمه‌ای انتقال می‌دهد.

positional alcoholic nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

positional nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

positional testing آزمایش وضعیت

قسمتی از مجموعه آزمایش‌های الکترونیستا - گموگرافی که حرکات چشم بیمار ضمن حرکت و قرار گرفتن وی در وضعیت‌های آزمایشی خاصی ثبت می‌شود. این آزمایش به منظور تشخیص وجود نیستاگموسی که با وضعیت‌های مختلف سر برانگیخته می‌شود و به حرکت دادن سر مربوط نیست انجام می‌پذیرد.

positional vertigo

به vertigo مراجعه کنید.

positioning nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

positive correlation همبستگی مثبت
ارتباط مستقیم مقادیر دو مجموعه از اندازه‌ها.

positive middle ear pressure

فشار مثبت گوش میانی
فشار هوای گوش میانی که بیشتر از فشار جو باشد. این وضعیت به دلیل ورود تهاجمی هوا به گوش میانی از طریق لوله استاش ایجاد می‌گردد.

positive predictive value

مقدار پیش‌گویی مثبت
احتمال وجود یک اختلال هنگامی که آزمایش تشخیصی آن مثبت است.

positive venting valve (PVV)

دریچه افزایش یافته منفذ
مجموعه‌ای از دریچه‌های کوچک که قطر سوراخ

postauricular

انها به تدریج افزایش می‌یابد. این دریچه‌ها در دهانه خارجی منفذ قالب قرار داده می‌شوند تا امکان تغییر اندازه منفذ وجود داشته باشد.

postauricular پشت‌گوشی
آنچه که پشت لاله گوش قرار گیرد.

postauricular hearing aid
به hearing aid مراجعه کنید.

postauricular muscle or myogenic potential (PAM potential)
به potential مراجعه کنید.

posterior خلفی، پشتی، عقبی، پسین
جهت آناتومیک به ساختمان‌های واقع در پشت یا به سمت پشت دلالت دارد. مترادف: dorsal، متضاد: anterior.

posterior ampulla آمپول خلفی
بخش برآمده مجرای نیم‌دایره خلفی که شامل ستیج آمپول است.

posterior ampullary nerve
به nerve مراجعه کنید.

posterior auricular muscle
به muscle مراجعه کنید.

posterior canal = posterior semicircular canal

posterior vestibular artery

posterior Incudal ligament
به ligament مراجعه کنید.

posterior malleolar fold
چین چکشی خلفی
یکی از دو دسته رباط متصل به پرده صماخ که از زائده خارجی استخوانچه چکشی به سمت بالا و خلف تا شیار صماخی امتداد می‌یابد.

posterior semicircular canal
مجرای نیم‌دایره خلفی
یکی از سه مجرای استخوانی دستگاه دهلیزی که حاوی اپی‌تلیوم‌های حسی مسئول پاسخ به حرکت زاویه‌ای است.

posterior semicircular duct
مجرای نیم‌دایره غشائی خلفی
یکی از سه مجرای نیم‌دایره غشائی دستگاه دهلیزی که حاوی اپی‌تلیوم‌های حسی مسئول پاسخ حرکت زاویه‌ای است.

posterior ventral cochlear nucleus (PVCN) هسته حلزونی شکمی خلفی
بخشی از هسته حلزونی که الیاف عصبی را از شاخه خلفی عصب هشتم جمجمه‌ای دریافت می‌کند و الیافی را از طریق نوار شنوایی بینابینی به هسته‌های پیش‌زیتونی و هسته‌های دگرسویی نوار جانبی می‌فرستد.

posterior vestibular artery
به artery مراجعه کنید.

postlingual

postlingual پس از زبان آموزی
آنچه که پس از دوره اکتساب زبان و گفتار رخ
می دهد.

postlinguistic = postlingual

postlinguistic deafness

به deafness مراجعه کنید.

postnatal

پس از تولد

poststimulatory fatigue

خستگی پس از تحریک
تغییر موقت حساسیت شنوایی متعاقب مواجهه
با صدا. مترادف:

temporary threshold shift

postural control کنترل وضعیت بدن
حفظ وضعیت بدن توسط هم کنشی درک حسی،
هماهنگی دستگاه عصبی مرکزی و عملکرد
حرکتی.

posturography

وضعیت نگاری

computerized dynamic p. =
dynamic platform posturography

dynamic platform p.

وضعیت نگاری با صفحه متحرک
ارزیابی کمی هماهنگی عملکرد دستگاه
تعادلی برای ثبات وضعیت حین ایستادن
ساکن و منحرف شده. این ارزیابی توسط

صفحه متحرک رایانه‌ای و مبدل‌های حرکت
صورت می‌گیرد.

pot. → potentiometer

potassium (K⁺) پتاسیم

عنصری که غلظت آن در پری لنف کم و در
آندولنف زیاد است.

potassium bromate برومات پتاسیم

خنثی کننده بیرنگ، بی بو و بی مزه که در
محلول‌های حالت دهنده مو، نگهدارنده‌های
غذایی و سایر موارد تجاری مورد استفاده قرار
می‌گیرد و موجب مسمومیت کلیه و گوش
می‌گردد.

potential

پتانسیل

۱. ولتاژ الکتریکی؛ ۲. پیامد تغییر موقت در
پتانسیل غشاء عصب یا عضله به دلیل تحریک.

action p. (AP)

پتانسیل عمل

۱. تغییر همزمان در پتانسیل الکتریکی عصب
یا بافت ماهیچه‌ای؛ ۲. در ارزیابی پتانسیل
برانگیخته شنوایی به پتانسیل عمل مرکب یا
کل عصب هشتم مجموعه‌ای که جزء اصلی
E.Co.G. و موج یک ABR محسوب می‌شود
اطلاق می‌گردد.

auditory evoked p.

پتانسیل برانگیخته شنوایی
پاسخ الکتروفیزیولوژیک به صدا. معمولاً بر
مبنای زمان نهفتگی تشخیص داده می‌شود و

شامل LVR، MLR، ABR، E.Co.G، SSEP و P300 است.

brainstem auditory evoked p. (BAEP)

پتانسیل‌های برانگیخته شنوایی ساقه مغز پتانسیل برانگیخته شنوایی که از عصب هشتم جمجمه‌ای و ساختمان‌های شنوایی ساقه مغز منشأ می‌گیرد و شامل پنج تا هفت قله قابل تشخیص است که عملکرد عصبی راه‌ها و هسته‌های شنوایی را نشان می‌دهند. مترادف: ABR.

cochlear microphonic (CM)

پتانسیل میکروفونی حلزون پتانسیل الکتریکی ناچیز سلول‌های حلزون که دارای جریان متناوب است و به محرک ورودی شباهت دارد.

cochlear nerve action p. (CNAP)

پتانسیل عمل عصب حلزونی پتانسیل عمل مرکبی است که از طریق الکترودی که به طور مستقیم روی عصب هشتم جمجمه‌ای جایگذاری شده است ثبت می‌گردد.

compound action p. (CAP) = action potential

contingent negative variation (CNV)

پتانسیل منفی شرطی پتانسیل برانگیخته‌ای که به شکل پاسخ

الکتروفیز یولوژیک ولتاژ منفی با فرکانس پایین و زمان نهفتگی ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلی‌ثانیه رخ می‌دهد. این پتانسیل با دخالت شرایط الکتریکی ایجاد می‌شود.

corneoretinal p. (CRP)

پتانسیل قرنیه - شبکه پتانسیل الکتریکی که از اختلاف ولتاژ بین پتانسیل نسبتاً مثبت قرنیه و پتانسیل نسبتاً منفی شبکه حاصل می‌شود.

electrical p. پتانسیل الکتریکی مقدار نیروی محرکه الکتریکی موجود.

electrically evoked action p. (EAP)

پتانسیل عمل برانگیخته با تحریک الکتریکی پتانسیل عمل مرکبی است که با تحریک الکتریکی حلزون از طریق الکتروود دماغه خارج حلزونی یا کاشت حلزون تولید می‌گردد.

endocochlear p. (EP)

پتانسیل درون حلزونی ولتاژ یا پتانسیل الکتریکی آندولنف موجود در نردبان میانی.

endolymphatic p.

پتانسیل آندولنفاتیک پتانسیل الکتریکی درون سلول‌ها و فضای آندولنفاتیک که نسبت به پری‌لنف تقریباً ۷۰ تا ۹۰ میلی‌ولت مثبت‌تر است.

potential

event-related p. (ERP)

پتانسیل وابسته به تحریک
پتانسیل برانگیخته‌ای که توسط پاسخ درون‌زاد
(آندوژنی) نسبت به یک رخداد خارجی ایجاد
می‌شود، نظیر ۲۳۰۰ یا CNV.

evoked p. (EP)

پتانسیل برانگیخته مغز در پاسخ به تحریک حسی،
فعالیت الکتریکی

intracellular p.

پتانسیل درون سلولی
پتانسیل یونی داخل سلولی.

long-latency auditory evoked

پتانسیل برانگیخته دیررس شنوایی
پتانسیل برانگیخته که از قشر مغز منشأ
می‌گیرد و دارای دو قله اصلی، یک قله منفی
حدود ۹۰ میلی ثانیه و یک قله مثبت حدود
۱۸۰ میلی ثانیه متعاقب ارائه محرک است که از
فرق سر ثبت می‌شوند.

middle-latency auditory evoked

پتانسیل برانگیخته میان‌رس شنوایی
پتانسیل برانگیخته شنوایی که از ناحیه
تشعشعات شنوایی و قشر مغز منشأ می‌گیرد و
اولین جزء آن یک قله مثبت فرق سر است که
۲۵ تا ۴۰ ثانیه پس از ارائه محرک ثبت می‌شود.

postauricular muscle p. (PAM)

پتانسیل عضله پشت‌گوشی
پتانسیل الکتریکی که از عضلات پشت گردن
منشأ می‌گیرد و در میلی ثانیه بیستم رخ می‌دهد
و در صورتی که مقدار آن زیاد شود می‌تواند

پاسخ میان‌رس ناشی از مسیر عصب شنوایی
را مخدوش سازد.

receptor p.

پتانسیل گیرنده
در دستگاه شنوایی به پتانسیل میکروفرنی
حلزون یا پتانسیل تجمعی که توسط حلزون در
پاسخ به صدا تولید می‌شود اطلاق می‌گردد.

resting membrane p.

پتانسیل استراحت غشا
ولتاژی که در زمان استراحت غشا در سرتاسر
آن وجود دارد.

**slow negative auditory evoked
response (SN10)**

پتانسیل برانگیخته شنوایی با قله منفی در
میلی ثانیه دهم
پتانسیل الکتریکی معدل‌گیری شده شنوایی
که توسط اصوات انفجاری برانگیخته شده و به
شکل قله منفی پهن فرق سر که حدود ۱۰
میلی ثانیه پس از شروع محرک رخ می‌دهد
ثبت می‌شود.

smomatosensory evoked p.

پتانسیل برانگیخته حسی تنی (SEP)
فعالیت الکتریکی برانگیخته مغز که با تحریک
دستگاه سوماتوسنسوری ایجاد می‌شود. این
تحریک معمولاً از نوع الکتریکی بوده و توسط
عصب محیطی یا نخاع صورت می‌گیرد.

steady-state evoked p.

پتانسیل ثابت
پتانسیل برانگیخته شنوایی که شکل موج آن

به الگوی تحریک‌های تناوبی، نظیر میزان تکرار تحریک یا میزان مدوله‌سازی تحریک، شباهت دارد. از جمله این پتانسیل‌ها می‌توان پاسخ ۴۰ هرتز را نام برد.

summating p. (SP)

پتانسیل جمععی

پتانسیل الکتریکی یا جریان مستقیم که منشأ آن حلزون است، از پوش تحریک صوتی تبعیت می‌کند و با الکتروکوکلوگرافی اندازه‌گیری می‌شود.

پتانسیل فرق سر vertex p.

پتانسیل برانگیخته‌ای که ثبت آن از طریق فرق سر بارزتر است.

whole nerve action p. = action potential

potentiation

۱. تأثیر مضاعف، تشدید، تقویت افزایش قدرت یک ماده به کمک ماده دیگر به طوری که قدرت حاصل از جمع دو نیروی مزبور بیشتر باشد.
۲. تشدید پس از کزاز.

Potentiometer (pot.)

پتانسیومتر، پتانسیل‌سنج، مقسم ولتاژ مقاومتی که بر سر راه یک ولتاژ قرار دارد و امکان تغییرات مختلفی برای جریان یا مدار را فراهم می‌کند.

power CROS

به hearing aid مراجعه کنید.

PPO → preferred provider organization

PPRF → pontine paramedian reticular formation

پراکتولول practolol

مسدودکننده بتا که برای مهار تحریک قلب مصرف می‌شود و به منظور درمان بی‌نظمی قلبی (آریتمی) و آنژین صدری تجویز می‌گردد. این دارو به دلیل خاصیت سمی آن برای گوش با کاهش شنوایی حسی عصبی همراه است.

جلوی‌گوشی preaural

نشان مرزی سفالومتریکی و نقطه‌ای که اگر خط مستقیمی از آن به نقطه پشت‌گوشی رسم کنیم به طوری که با محور طولی لاله گوش عمود باشد با قاعده لاله گوش تلاقی خواهد کرد.

preauricular

جلوی لاله‌گوشی. جلوی‌گوشی آنچه که جلوی گوش قرار داشته باشد.

preauricular abnormalities

ناهنجاری‌های جلوی لاله‌گوشی اختلالات آنژیومی و غالب صورتی چمچمه‌ای که با کودی‌ها یا برجستگی‌های جلوی گوش،

preauricular pits

فیبستول برانشیال، بدشکلی‌های فک پایین، فلج صورت، آترزی مجرای خارجی گوش و کاهش شنوایی انتقالی، آمیخته یا حسی-عصبی مشخص می‌شود.

preauricular pits

فرورفتگی جلوی گوشی، فرورفتگی جلوی لاله گوش

بدشکلی جمجمه‌ای صورتی که با یک سوراخ کوچک در جلوی لاله گوش مشخص می‌شود. عمق آن در افراد مختلف متفاوت است.

preauricular tag

آویزه جلوی لاله گوش، برجستگی جلوی لاله بدشکلی مادرزادی جمجمه‌ای صورتی که با یک زائده کوچک و غالباً محتوی غضروف مشخص می‌شود و در جلوی لاله گوش قرار گرفته است.

precedence effect اثر تقدم

تصویر ذهنی ترکیبی که منشأ آن محرک‌های مشابه ارائه شده از دو بلندگویی است که دو طرف سر قرار گرفته‌اند به نحوی که یکی از محرک‌ها زودتر ارائه می‌شود. تأخیر بین دو بلندگو که این اثر را ایجاد می‌کند معمولاً حدود ۰/۵ میلی ثانیه است.

precipitous شیب‌دار تند

precipitous audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

precipitous hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

predictive value, negative

میزان پیشگویی منفی احتمال نبود بیماری در صورت منفی بودن یک آزمایش تشخیصی.

predictive value, positive

میزان پیش‌گویی مثبت احتمال وجود یک اختلال در صورت مثبت بودن یک آزمایش تشخیصی.

preferred loudness level

سطح بلندی ترجیحی سطحی از محرک که از نظر فرد راحت‌ترین سطح گفتار است.

preferred provider organization (PPO)

سازمان خدمات درمانی که بیمه‌گر یا کارفرما یا بیمه‌گذار شخص ثالث برای ارائه خدمات به جمعیت مشخصی با حق بیمه مورد توافق و معمولاً مشمول تخفیف، قرارداد می‌بندد.

prelim → preliminary

preliminary مقدمات

واژه عامیانه‌ای که به پیش‌نویس ابتدایی گزارش بیمار گفته می‌شود.

prelingual پیش از زبان‌آموزی

آنچه که پیش از دوره رشد گفتار و زبان رخ دهد.

prelinguistic = prelingual

prelinguistic deafness

به deafness مراجعه کنید.

premature caloric reversal

به nystagmus مراجعه کنید.

prenatal

پیش از تولد

preponderance, directional (DP)

برتری جهتی

برتری یک جهت در سرعت مرحله کند نیستاگموس، مانند تحریک حرارتی لایبرنت که نیستاگموس‌های راست‌زن (RW+CL) با نیستاگموس‌های چپ‌زن (RC+LW) مقایسه می‌گردد (راست = R، چپ = L، گرم = W و سرد = C).

prepsychosis = childhood schizophrenia

presbycusis; presbycusis

پیرگوشی

۱. کاهش پیشرونده حدت شنوایی در نتیجه بالا رفتن سن. آتروفی مکانیسم حلزون سبب کاهش شنوایی در فرکانس‌های ۲۰۰۰ تا ۸۰۰۰ هرتز می‌شود. ر.ک: sociocosis.

۲. واژه‌ای که هنگام اشاره به پیر شدن بیولوژیک مکانیسم شنوایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر نوع اختلال عملکرد شنوایی که انحصاراً از روند سن ناشی شده باشد، به‌طور

مثال تغییرات عروقی، ساختار ژنتیکی، کهولت سلولی.

۳. واژه‌ای که برخی برای نامیدن کاهش شنوایی‌های همراه با سالمندی به کار می‌برند و ممکن است در نتیجه عوامل متعددی که بر زندگی فرد تأثیر گذاشته و کاهش شنوایی ایجاد می‌کنند باشد، نظیر مواجهه با نویز یا مصرف داروهای سم‌گوش.

شوکت اثر سالمندی بر سیستم شنوایی را به شکل زیر طبقه‌بندی کرده است:

cochlear conductive p.

پیرگوشی انتقالی

در این نوع پیرگوشی اختلال در مکانیک حرکت مجرای حلزونی، تغییرات آتروفیک در رباط ماریجی، تغییرات جرم و سختی در غشاء پایه، تغییر مکانیک گوش میانی سبب شیب تند نزولی در منحنی آستانه‌ها و کاهش توانایی تمایز واژه می‌شود.

mechanical p. = cochlear conductive presbycusis

metabolic p. پیرگوشی متابولیک

آتروفی نوار عروقی، کاهش پتانسیل میکروفونی، کاهش عملکرد سلولی و توازن بیوالکتریکی / بیوشیمیایی حلزون که ادیوگرام این نوع پیرگوشی مسطح است و به تدریج با افزایش سن اندکی نزولی می‌شود.

neural p. پیرگوشی عصبی

کاهش نورون‌ها در مسیر شنوایی و حلزون، کاهش تعداد واحدهای نورونی فعال موجود که

presbycusis

اثر چندانی به حساسیت شنوایی ندارد مگر در اواخر عمر، کاهش توانایی تمایز واژه و کاهش مختصر حساسیت شنوایی.

sensory p. پیرگوشی حسی

این نوع پیرگوشی محدود است به چند میلیمتر ابتدای پیچ قاعده‌ای حلزون، صاف شدن و آتروفی اندام کرتی، کاهش سلول‌های مویی و نگهدارنده، که سبب آغاز کاهش شنوایی با شیب ناگهانی در فرکانس‌های بالا در اواسط عمر و پیشرفت تدریجی آن می‌شود.

strial p. = metabolic presbycusis

به gain مراجعه کنید. prescribed gain

prescription of gain and output (POGO)

به prescriptive procedure مراجعه کنید.

prescription of gain and output II (POGO II)

به prescriptive procedure مراجعه کنید.

prescriptive fitting

تطبیق مشخصه‌های تجویز شده

روش تطبیق مشخصه‌های سمعک از طریق محاسبه بهره و پاسخ فرکانسی مطلوب بر مبنای هر یک از فرمول‌هایی که در آنها از آستانه‌های ادیومتریک تن خالص و احتمالاً اطلاعات مربوط به بلندی ناراحت‌کننده استفاده می‌شود.

prescriptive gain target

بهره تجویزی هدف

بهره و پاسخ فرکانسی مطلوب سمعک که از طریق فرمول محاسبه شده‌اند و خروجی واقعی سمعک با آن‌ها مقایسه می‌شود.

prescriptive procedure

روش تجویزی روشی که بر اساس فرمول خاصی بهره‌ای را به عنوان بهره هدف برآورد می‌کند.

Berger p. p. روش تجویزی برگر

اولین روش جامع انتخاب سمعک که برای تجویز بهره و پاسخ فرکانسی بر مبنای ادیوگرام طراحی شده و دارای عوامل توزین‌کننده مختلف برای هر یک از شش فرکانس ۵۰۰ تا ۶۰۰۰ هرتز است.

desired sensation level (DSL)

p. p.

روش تجویزی سطح احساس مطلوب، روش

تجویزی DSL

روشی برای انتخاب بهره و پاسخ فرکانسی سمعک به طوری که طیف روزمره گفتار تا سطح احساس مطلوب تقویت شود. میزان تقویت فرکانس‌ها از طریق آستانه‌های ادیومتریک تخمین زده می‌شود.

Memphis State University

(MSU) p. p.

روش تجویزی دانشگاه ایالتی ممفیس، روش

تجویزی MSU

الگوریتم تجویز پاسخ فرکانسی و بهره سمعک. براساس تئوری زیربنایی این الگوریتم، سمعک

باید هر فرکانس موجود در طیف روزمره گفتار را تا نقطه میانی محدوده بین آستانه و بالاترین حد راحتی بلندی تقویت کند.

National Acoustic Laboratories

(NAL) p.p. روش تجویزی NAL

روش تجویز بهره و پاسخ فرکانسی سمعک بر مبنای این فرضیه که سمعک باید طیف روزمره گفتار را طوری تقویت کند که در محدوده فرکانس ها یکسان و با بلندی راحت باشد.

modification of the revised

NAL (NAL-RM) p.p.

روش اصلاح شده مجدد NAL

روش اصلاح شده NAL که برای تجویز بهره و پاسخ فرکانسی در موارد کاهش شنوایی شدید و عمیق به کار می رود.

Pascoe p.p. روش تجویزی پاسکو

دستورالعمل انتخاب سمعک که برای تجویز بهره و پاسخ فرکانسی مناسب تقویت طیف گفتار روزمره به میزان درصد معینی از تفاوت بین آستانه و MCL طراحی شده است.

prescription of gain and output

(POGO) p.p.

روش تجویزی پوگو، تجویز بهره و خروجی دستورالعمل انتخاب سمعک برای تجویز بهره و پاسخ فرکانسی که اساس آن قانون یک دوم بهره در فرکانس های بالای ۵۰۰ هرتز و کم کردن ۵ و ۱۰ دسی بل در ۲۵۰ و ۵۰۰ هرتز از $\frac{1}{4}$ بهره است.

prescription of gain and output

II (POGO II) p.p.

روش تجویزی پوگو II، روش شماره ۲ تجویز

بهره و خروجی

اصلاحیه قانون بهره POGO که بهره در هر فرکانس به میزان یک دوم مقدار بیشتر شدن کم شنوایی از ۶۵ دسی بل HL، افزایش می یابد.

preset gain control

کنترل بهره از پیش تنظیم شده

دومین کنترل بهره در سمعک که برای استفاده کننده قابل دستیابی نیست و فرد تنظیم کننده می تواند با دستکاری آن محدوده تقویت موجود را برای استفاده کننده محدودتر نماید.

pressure

فشار

نیروی وارد شده بر واحد سطح که بر حسب دین بر سانتی متر مربع، نیوتن بر متر مربع یا پاسکال بیان می شود.

reference p.

فشار مرجع

فشاری که دیگر فشارهای اندازه گیری شده با آن بر حسب دسی بل مقایسه می شوند.

pressure-equalization tube (PE

tube)

لوله یکسان ساز فشار

لوله کوچک یا گرمی که پس از میرنگوتومی در پردد سماخ قرار داده می شود تا به جای لوله استاش غیرفعال فشار هوای گوش را متعادل نماید.

pressure vent

منفذ متعادل‌کننده فشار
 منفذ کوچکی در قالب یا سمعک که امکان
 یکسان‌سازی فشار در مجرای خارجی شنوایی
 را فراهم می‌کند.

prevalence میزان شیوع

تعداد موارد یک بیماری یا شرایط خاص در
 یک زمان مشخص و در جمعیتی معین.

preverbal = prelingual

primary auditory neurons

اعصاب شنوایی اولیه
 اعصاب رده اول شاخه حلزونی عصب هشتم
 مجموعه‌ای که دندریتهای آنها از سلول‌های
 مویی داخلی شروع می‌شوند. اجسام سلولی
 آنها در عقده مارپیچی قرار دارند و آکسون‌های
 آنها در هسته حلزونی سیناپس می‌نمایند.

primary auditory pathway

راه شنوایی اولیه
 راه عصبی در دستگاه عصبی مرکزی که ورودی
 اوران‌های اولیه را از حلزون تا قشر مغز حمل
 می‌کند.

probe microphone

به microphone مراجعه کنید.

probe-microphone measurement

اندازه‌گیری با میکروفن جستجوگر
 ارزیابی الکترواکوستیکی مشخصه‌های تقویت

کنندگی سمعک در نزدیکی پرده صماخ با
 استفاده از میکروفن جستجوگر.

به tone مراجعه کنید.

probe-tube microphone = probe
 microphone

process

۱. فرآیند، جریان، روند؛ ۲. امر، کار؛ ۳. روش؛
 ۴. (در آناتومی) برآمدگی، زائده؛ ۵. پردازش،
 پردازش کردن

پردازش

adaptive signal p. = automatic
 signal processing

پردازش شنوایی

دستکاری و تغییر محرک‌های صوتی توسط
 دستگاه شنوایی محیطی و مرکزی.

automatic signal p. (ASP)

پردازش خودکار محرک
 فرآیندی که در آن مداربندی سمعک به نحوی
 است که برخی خصوصیات خروجی به‌طور
 خودکار یا تطابقی با رسیدن محرک ورودی به
 سطح معین تنظیم می‌شود.

central auditory p. (CAP)

پردازش شنوایی مرکزی
 عملکرد دستگاه عصبی شنوایی مرکزی که شامل

مکان یابی صدا، جهت یابی، پردازش دوگوشی، درک گفتار و غیره است.

compressed analog p. (C. A. processing)

پردازش قیاسی تراکمی
روش پردازش در کاشت حلزون به این نحو که محرک های گفتاری به دو باند فرکانسی تقسیم و به الکترودهای کاشته شده مربوطه ارسال می شوند.

continuous interleaved sampling p. (CIS processing)

پردازش نمونه گیری همپوش و ممتد
روش پردازش کاشت حلزون که برای ارائه پالس های غیرهمزمان در سرعت تحریک زیاد به الکترودهای چندگانه کاشته شده طراحی شده است.

digital signal p. (DSP)

پردازش رقمی محرک
تغییر دستورالعمل های ریاضی (مجموعه ای از دستورالعمل های رایانه ای) محرکی که از شکل قیاسی (آنالوگ) به رقمی (دیجیتال) تبدیل می شود.

پردازش $f_0, f_1, f_2, p.$ f_0, f_1, f_2

روش پردازش کاشت حلزون که برای استخراج مقادیر فرکانس و دامنه f_0 و f_2 از محرک گفتار و ارائه آن به الکترودهای مربوطه به هر باند فرکانسی با سرعت پالسی مساوی f طراحی شده است.

Interleaved pulses p.

پردازش پالس های همپوش
روش اولیه پردازش کاشت حلزون که در آن مجموعه پالس هایی که نشان دهنده جنبه های گفتاری و شکل موج هستند با جبران زمانی به الکترودها ارائه می شوند تا از همپوشانی بین کانال ها جلوگیری شود.

پردازش چندکاناله
multichannel p.
پردازش محرک در بیش از یک کانال که اختصاصاً به نحوه کاشت حلزون مربوط می شود.

پردازش همزمان
real-time p.
پردازش محرک ها یا اطلاعات توسط رایانه با سرعت کافی که همزمان به نظر می رسد.

پردازش محرک
signal p.
پردازش و دستکاری مشخصه های معین یک محرک.

single-channel p.

پردازش تک کاناله
پردازش محرک های سمعک فقط در یک باند که معمولاً کل محدوده فرکانسی را در بر می گیرد.

spectral maximum sound p. (SMSp)

پردازش قله های طیف صدا
روش پردازش محرک در کاشت حلزون که در آن شش قله بلند از ۱۶ باندی که پردازش شده اند به ترتیبی که همپوشانی نداشته باشند

processig disorder

به الکترودهایی که برای آن کانال‌ها در نظر گرفته شده‌اند ارائه می‌شوند.

اختلال پردازش processig disorder

auditory p. d. (APD)

اختلال پردازش شنوایی کاهش توانایی استفاده از محرک‌های صوتی با وجود حساسیت طبیعی شنوایی علی‌رغم توانایی زبانی، توجهی و شناختی.

central auditory p.d. (CAPD)

اختلال پردازش شنوایی مرکزی اختلال عملکرد ساختمان‌های شنوایی مرکزی که نشانه آن آسیب توانایی دستگاه عصبی مرکزی در دستکاری، تغییر و استفاده از محرک‌های صوتی است. از جمله این اختلالات می‌توان مشکلات فهم گفتار در حضور نویز و مکان‌یابی صدا نام برد.

Profile of Hearing Aid Benefit

پرسشنامه سودمندی سمعک (PHAB) پرسشنامه خودارزیابی که برای سنجش سودمندی حاصل از استفاده سمعک طراحی شده است.

Profile of Hearing Aid Performance

پرسشنامه عملکرد سمعک (PHAP) پرسشنامه خودارزیابی که برای سنجش عملکرد فرد در پی استفاده از سمعک طراحی شده است.

profound hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

پیش‌آگهی، پیش‌شناخت prognosis
پیش‌بینی سیر یا پیامد یک بیماری یا درمان
پیشنهادی.

Prognostic Value of Imitative and Auditory Discrimination Test

آزمایش ارزش پیش‌آگهی تمایز تقلیدی و تمایز شنوایی
آزمایشی مناسب گروه سنی پیش‌دستانی تا ۷ سال که شامل دو بخش است. در یک بخش کودک صداها، هجاها بی معنی و واژه‌ها را تکرار می‌کند، در بخش دیگر کودک به موادی که به‌طور کلامی ارائه می‌شوند گوش می‌دهد و از وی خواسته می‌شود پاسخ دهد همان است یا تفاوت دارد.

programmable hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

programmable increases at low levels (PILL)

افزایش قابل برنامه‌ریزی در سطوح پایین نوعی پردازش خودکار محرک در سمعک که با استفاده از کنترل وابسته به سطح بهره فرکانس‌های پایین یا بالا را با افزایش سطح ورودی کاهش می‌دهد.

پیشرونده progressive

progressive adult-onset hearing loss
به hearing loss مراجعه کنید.

prolapsed canal

prolapsed canal

مجرای پایین افتاده، پرولاپس مجرا
انسداد مجرای خارجی شنوایی توسط بافت
غضروف که سختی خود را از دست داده است.
مترادف: collapsed canal.

proliferation

تکثیر، تزاید

۱. تولید مثل یا تکثیر اجزای همانند به خصوص
سلول‌ها و کیست‌های بیمارگونه.
۲. دومین مرحله از فرآیندهای جنینی که در
دستگاه شنوایی شامل تبدیل صفحه شنوایی
به گودال شنوایی و در پی آن تکامل اپی‌تلیوم
مجرای حلزونی و نورون‌های شنوایی است.

promontory

دماغه

برآمدگی استخوانی در دیواره لابیرنتی گوش
میانی که دریچه‌های گرد و بیضی را از یکدیگر
جدا می‌کند و دیوارهٔ پیچ پایه حلزون محسوب
می‌گردد.

promontory stimulation

تحریک دماغه

ارائه تحریک الکتریکی به دماغه با الکترود
صماخ گذر برای برانگیختن پتانسیل عمل.

promontory testing

آزمایش دماغه

تحریک دماغه فرد کاندیدای کاشت حلزون
قبل از عمل به منظور ارزیابی وضعیت عصب
هشتم چمجمه‌ای.

prophylaxis

پیشگیری، پروفیلاکسی

پیشگیری از بیماری یا اختلال نظیر استفاده از

prosthesis

محافظ گوش به منظور پیشگیری از کاهش
شنوایی ناشی از نویز یا استفاده از آنتی‌بیوتیک
برای جلوگیری از اوتیت میانی.

proprioception

درک وضعیت، حس عمقی

۱. واژه‌ای که شامل حس جنبشی (آگاهی از
حرکت و وضعیت بدن) و بساواپی (حس لامسه و
تماس) می‌باشد. تصور می‌شود گفتار از طریق
شنوایی و باز خورد حس عمقی پایش می‌گردد.
۲. داده‌های حسی حاصل از عضلات، مفاصل
یا تاندون‌ها.

proprioceptive مربوط به حس عمقی.

proprioceptive feedback

به feedback مراجعه کنید.

prosody

نوی گفتمار

مدوله‌سازی ویژگی‌های صدا نظیر زیربومی،
کیفیت و شدت که به صورت تکیه و آهنگ
دریافت می‌شوند.

prospective capitated payment

مدلی در بازپرداخت مراقبت‌های بهداشتی که

در آن بیمه‌گر هزینه را به‌طور ماهانه و پیش از
ارائه خدمات دریافت می‌کند.

prosthesis; pl. prostheses

پروتز
وسيله‌ای که جایگزین یا مکمل بخش از بدن رفته
یا از کار افتاده بدن می‌شود.

protection, hearing

حفاظت شنوایی
 انواع وسایل و روش‌هایی که برای کاهش سطح
 آزاردهنده نویز طراحی شده‌اند.

protection device, hearing (HPD)

وسیله محافظ شنوایی
 هریک از وسایلی که برای کاهش نویز بیش از
 حد محیط و محافظت از شنوایی مورد استفاده
 قرار گیرند که عبارتند از وسایلی که مجرای
 گوش را مسدود می‌کنند و وسایلی که گوش
 خارجی را می‌پوشانند.

protocol

۱. برنامه جامع و دقیق انجام یک آزمایش یا
 روش یا رژیم درمانی.
 ۲. نکات اساسی مربوط به تشریح جسد، آزمایش
 یا یک مورد بیماری.
 ۳. روشی که مورد قبول همگان باشد.

proximal

نزدیک

نزدیک به مرکز یا نقطه مبدأ. متضاد: distal.

pseudobinaural hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

pseudohypoacusis; pseudohypa-
cusis

کاهش شنوایی کاذب
 کاهش شنوایی اغراق‌آمیز یا وانمودی. مترادف:
 functional hearing loss.

pseudorandom noise

به noise مراجعه کنید.

PSI → pediatric speech intelligibility
testPsycho-Acoustic Laboratory
(Harvard University) phonetically
balanced 50 (word list) (PAL PB50)

فهرست پنجاه واژه‌ای متوازن آوایی آزمایشگاه
 سایکواکوستیک دانشگاه هاروارد
 یکی از اولین آزمایش‌های بازشناسی گفتار که
 فهرست‌های آن از نظر آوایی متوازن شده‌اند.

psychoacoustics سایکواکوستیک

شاخه‌ای از علم سایکوفیزیک که به کمیت‌گذاری
 حس شنوایی و اندازه‌گیری روابط روان‌شناختی
 ویژگی‌های فیزیکی صوت می‌پردازد.

psychogalvanic skin response

پاسخ سایکوالوانیک پوست (PGSR)
 تغییر در مقاومت پوست در نتیجه پاسخ عاطفی
 به محرک. مترادف:

galvanic skin response

psychogalvanic skin response

audiometry (PGSR audiometry)

به audiometry مراجعه کنید.

psychogenic deafness

به deafness مراجعه کنید.

psycholinguistics روان‌شناسی زبان

۱. رشته علمی که اصول روان‌شناسی و زبان-
 شناسی را در هم می‌آمیزد تا تمامی جنبه‌های

psychomotor

رفتار و فرهنگ آدمی با کلیه حیطه‌های عملکرد زبان انسان تحلیل شود. ۲. مطالعه رابطه بین پیچیدگی دستور زبان و پیچیدگی روان‌شناسی در این علم تلاش می‌شود بین آنچه مردم درباره زبان خود می‌دانند و چگونه زبان را به کار می‌برند افتراق حاصل آید.

روانی حرکتی، سایکوموتور psychomotor
۱. مربوط به حرکات عضلانی ناشی از پردازش‌های اجباری ذهن.
۲. مربوط به مبدأ ذهنی حرکات ارادی.

psychophysical procedure

روش‌های روانی فیزیکی، روش‌های سایکو-فیزیکی
روش‌های رفتاری که برای ارزیابی ارتباط بین احساس فرد و مقدار فیزیکی محرک‌های حسی طراحی شده‌اند.

psychophysical scales

مقیاس‌های روانی فیزیکی
مقیاس‌های اندازه‌گیری که معرف ارتباط بین میزان احساس فرد و میزان ویژگی‌های فیزیکی محرک‌های حسی است.

psychophysical tuning curve

منحنی کوک روانی فیزیکی
ترسیم منحنی سایکوفیزیکی سطح شدت یک تن پوششی برای پوشش دادن تن جستجوگر (پروپ) با فرکانس ثابت به عنوان تابعی از فرکانس محرک پوششی.

pumping and breathing

psychophysics

روانی فیزیکی، روانی جسمی، سایکوفیزیک
علم ارتباط بین درک محرک و ویژگی‌های فیزیکی آن.

PT platinol (cisplatin), taxol

پلاتینول (سیس پلاتین) و تاکسول
رژیم شیمی‌درمانی که برای درمان سرطان تخمدان تجویز می‌شود و بالقوه سم گوش است.

PTA → pure tone average

PTA0 → pure tone average 0

PTA2 → pure tone average 2

PTS → permanent threshold shift

pulsatile tinnitus

به tinnitus مراجعه کنید.

pulse پالس ۱.

در شنوایی‌شناسی به ارائه پی‌درپی تن خالص کوتاه‌اطلاق می‌گردد.

۲. نبض، ضربان

۳. در گفتار، نوعی صدا که با باز شدن ناگهانی مسیر صوت تولید می‌شود.

alternating p.

پالس متناوب

pumping and breathing

کم و یا زیاد شدن صدا
نوسان‌های قابل شنیدن خروجی سمعک که

pure tone

هنگام فعال شدن مدار تراکم دارای زمان رهایی کوتاه توسط محرک ورودی با نوسان سریع رخ می‌دهد.

pure tone به tone مراجعه کنید.

pure-tone air-conduction threshold
به threshold مراجعه کنید.

pure-tone audiogram
به audiogram مراجعه کنید.

pure-tone audiometry
به audiometry مراجعه کنید.

pure-tone average (PTA)
میانگین تن‌های خالص
میانگین آستانه‌های حساسیت شنوایی برای
محرک‌های تن خالص در فرکانس‌های ۵۰۰،
۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ هرتز.

pure-tone average 0 (PTA0)
میانگین تن‌های خالص - صفر
میانگین آستانه‌های حساسیت شنوایی در
فرکانس‌های پایین شامل ۲۵۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰
هرتز.

pure-tone average 2 (PTA2)
میانگین تن‌های خالص - دو
میانگین آستانه‌های حساسیت شنوایی در
فرکانس‌های بالا شامل ۱۰۰۰، ۲۰۰۰ و ۴۰۰۰
هرتز.

pure-tone bone-conduction threshold
به threshold مراجعه کنید.

pure-tone threshold
به threshold مراجعه کنید.

pure wave
به wave مراجعه کنید.

pure word deafness
به deafness مراجعه کنید.

pursuit ۱. تعقیب، پی‌گیری، ردگیری، پیگرد
۲. جستجو، طلب
۳. سرگرمی، فعالیت، حرفه، شغل

saccadic p.
تعقیب آرام ساکادی
وجود پرش‌های سریع طی تعقیب آرام به دلیل
عدم توانایی چشم در باقی ماندن روی هدف
متحرک و نیاز به حرکات سریع برای تثبیت.
این مشکل از اختلال قشر یا ساقه مغز یا مخچه
ناشی می‌شود.

slow p. = smooth pursuit

smooth p.
تعقیب یکنواخت، تعقیب آرام
حرکت چشم که برای تعقیب اهدافی که به‌طور
آرام و یکنواخت حرکت می‌کنند لازم است.

purulent چرکی
مربوط به تشکیل چرک. مترادف:
suppurative

purulent effusion

purulent effusion

ترشح چرکی
مایع محتوی چرک.

purulent otitis media

به Otitis media مراجعه کنید.

pus

چرک

مایع محتوی قطعاتی از سلول‌ها یا بافت‌های
مرده (دبری‌ها) که به دلیل التهاب ایجاد می‌شود.

PVCN → posterior ventral cochlear
nucleus

PVT → physical volume test

pyramidal eminence

PVV → positive venting valve

Pyle disease

بیماری پایل

اختلال اتوزومی مغلوب جمجمه‌ای - استخوانی
که ممکن است نیستاگموس و کاهش شنوایی
حسی عصبی یا آمیخته از جمله علائم آن
باشند.

pyramidal eminence

برآمدگی هرمی

برآمدگی نزدیک وسط دیواره ماستوئیدی گوش
میانی که شبیه هرم است و تنه عضله رکابی را
در بر گرفته است.

R

R^1 → resistance

R^2 → Roentgen

radial fibers

رشته‌های شعاعی

رشته‌هایی که یکی از لایه‌های میانی پرده صماخ را می‌سازند. از مرکز به محیط امتداد یافته‌اند و فضای میان آنها نامنظم است و به پره‌های چرخ شباهت دارد.

radiating arterioles

مویرگ‌های تشعشی

دو مجموعه از عروق خونی منشعب از شریان حلزونی اصلی که دیواره‌های داخلی و خارجی حلزون را خونرسانی می‌کند.

radiation

۱. تابش، تشعشع، پرتوافکنی
اشعه ایکس یا هر اشعه دیگر که در تشخیص و

درمان بیماری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲. ساختمان متشکل از عناصر شعاعی نظیر

یکی از نوارهای فیبری مغز.

۳. انرژی تابشی

انرژی که به شکل امواج از فضا یا سایر محیط‌های حدواسط انتقال می‌یابد. در صورتی که نام آن مشخص نشده باشد تابش الکترومغناطیسی نامیده می‌شود. با تعمیم معنی می‌توان به جریانی از ذرات نظیر جریان الکترون‌ها، نوترون‌ها، پروتون‌ها یا آلفا اطلاق نمود.

radical mastoid cavity

محفظه ماستوئید رادیکال

محفظه‌ای که پس از جراحی ماستوئیدکتومی رادیکال به جا می‌ماند. این فضا در معرض تخلیه عودکنندهٔ سرروز و چرک است.

radical mastoidectomy

radical mastoidectomy

روش جراحی که به منظور تخلیه اوتیت میانی و ماستوئیدیت مقاوم به دارودرمانی انجام می‌شود و شامل برداشت سلول‌های هوایی ماستوئید، دیواره خلقی مجرای گوش، دیواره خارجی فضای اپی‌تمپان، استخوانچه‌های چکشی، سندان و پرده گوش است.

radiography رادیوگرافی

بررسی تشخیصی ساختمان‌های بدن به وسیله اشعه ایکس.

radiologic

مربوط به پرتوشناسی، رادیولوژیک

radiology پرتوشناسی

شاخه‌ای از علم طب که به بررسی تشخیصی و درمان بیماری‌ها به وسیله اشعه‌های یونیزان (نظیر ایکس) و اشعه‌های غیر یونیزان (نظیر فراصوتی) می‌پردازد.

radionecrosis

نکروز تشعشی، رادیونکروز
مرگ بافت به دلیل مواجهه بیش از حد با اشعه. اثرات آن در دستگاه شنوایی ممکن است بلافاصله یا با کمی تأخیر بروز نماید و با اتروفی رباط‌های ماریجی و حلقوی و در نتیجه تخریب اندام کرتی مشخص می‌شود.

radiotherapy رادیوتراپی

درمان بیماری‌ها با اشعه یونیزان.

Rainville technique

به masking techniques مراجعه کنید.

raised threshold

به threshold مراجعه کنید.

Ramsay Hunt syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

randfasernetz زائده خارجی غشاء سقفی.

random noise به noise مراجعه کنید.

range ۱. دامنه، برد، حدود، محدوده

اختلاف بین حد بالایی و پایینی یک متغیر یا مجموعه‌ای از مقادیر.

۲. رشته، سلسله، ردیف

فاصله‌ای که مقادیر نمونه‌گیری شده از یک جمعیت یا مقادیر خود آن جمعیت در آن واقع شده‌اند.

۳. شکارگاه، چراگاه، مرتع

منطقه جغرافیایی که گونه‌های گیاهی مشخصی در آن می‌رویند.

dynamic r. محدوده پویا

۱. محدوده دامنه‌ای که وسیله الکترونیکی در گستره آن فعال است.

۲. تفاوت بین آستانه حساسیت و آستانه ناراحتی فرد بر حسب دسی‌بل.

fitting r. محدوده تطبیق مشخصه‌ها

محدوده کاهش شنوایی که مدار، شکل و قالب سمعک خاصی برای آن مناسب است.

range of comfortable loudness

range of comfortable loudness

محدوده راحتی بلندی

تفاوت بین آستانه قابلیت شنیدن و سطح

ناراحتی بلندی بر حسب دسی بل برای یک

محرك صوتی خاص.

range of normal hearing

محدوده طبیعی شنوایی

پراکندگی سطوح آستانه شنوایی حول صفر

ادیومتریکی برای جمعیت افراد دارای شنوایی

طبیعی.

rapid speech-transmission index

شاخص انتقال سریع گفتار (RASTI)

ارزیابی میزان دریافت انرژی گفتاری در یک

اتاق. در این آزمایش از یک محرك شبه گفتاری

با دامنه مدوله شده استفاده می شود. ارزیابی در

باند های $\frac{2}{3}$ اکتاوی با فرکانس مرکزی ۵۰۰ و

۲۰۰۰ هر تری صورت می گیرد و میزان همبستگی

بین کاهش دامنه مدوله شده و کاهش درک گفتار

تعیین می گردد.

rapidly alternating speech percep-

tion (RASP) درک گفتار با تناوب سریع

آزمایش بازشناسی جمله که در آن محرك در

هر گوش با میزان ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلی ثانیه

به تناوب ارائه می شود. این آزمایش برای

ارزیابی تلفیق شنوایی در ساقه مغز طراحی

شده است.

rare event

تحریک نادر

در اندازه گیری پتانسیل وابسته به تحریک به

rate of decay

محرك مورد نظر که کمتر رخ می دهد اطلاق

می گردد. مترادف: frequent event.

rarefaction

۱. انبساطی

در انتشار امواج صوتی به زمانی که طی آن تراکم

مولکول های هوا به کمتر از مقدار ساکن می رسد

اطلاق می شود. متضاد: condensation.

۲. رقت

rarefaction click

کلیک انبساطی

صدایی با آغاز سریع، زمان تداوم کوتاه و پهنای

باند وسیع که با ارائه پالس الکتریکی دارای

قطبیت منفی به گوش تولید می شود. متضاد:

condensation click

RASP → rapidly alternating speech

perception

RASTI → rapid speech-transmission

index

rate

۱. میزان، نسبت، آهنگ

بیان سرعت یا بسامد رخداد یک واقعه یا

وضعیت معین نسبت به یک دوره زمانی معین،

یک جمعیت خاص یا سایر استانداردهای

ثابت.

۲. سرعت

در گفتار سرعت بیان واج ها، هجاها و واژه ها.

۳. نرخ.

rate of decay

سرعت زوال

سرعت از بین رفتن دامنه صوت.

ratio

ratio

نسبت

compression r. نسبت تراکمی

نسبت دسی‌بل ورودی صوتی به خروجی تقویت‌کننده در سمعک، به‌طور مثال سمعک دارای نسبت تراکمی ۲ به ۱، خروجی را ۱ دسی‌بل به ازای هر ۲ دسی‌بل ازدیاد ورودی افزایش خواهد داد.

consonant-vowel r.

نسبت همخوان-واکه

رابطه بین شدت همخوان و واکه مجاور آن.

critical r. نسبت بحرانی

مقدار پهنای باند موثر و محدود تولیدکننده نویز که به عنوان تفاوت آستانه پوشش یافته و سطح نویز پوشاننده در هر سیکل بر حسب دسی‌بل محاسبه می‌شود.

message - to - competition r.

(MCR)

نسبت پیام اصلی به پیام رقابتی در ادیومتری گفتاری نسبت سطح ارائه اهداف گفتاری به پیام رقابتی زمینه است. مترادف:

signal-to-noise ratio

signal-to-noise r.

نسبت محرک به نویز اختلاف نسبی بین صدای مورد نظر و نویز زمینه بر حسب دسی‌بل. این نسبت برای ایجاد ارتباط رضایت‌مندانده باید بیش از ۶ دسی‌بل باشد.

RCT → rotary chair testing

reactance (X)

راکتانس، مقاومت خازنی، مقاومت القایی، مقاومت ظاهری مخالفت در برابر جریان انرژی به دلیل ذخیره آن. آن بخش از امپدانس مدار جریان متناوب که از ظرفیت خازنی یا القا یا هر دو ناشی می‌شود. راکتانس با فرمول محاسبه شده و بر حسب اهم بیان می‌شود.

elastic r. راکتانس کشسان

کاهش ارتعاش‌های فرکانس پایین به دلیل سختی جسم مرتعش‌شونده.

reaction time زمان واکنش

زمان سپری شده بین ارائه محرک و ایجاد پاسخ.

REAG → real-ear aided gain

real-ear aided gain (REAG)

به gain مراجعه کنید.

real-ear aided response (REAR)

پاسخ با سمعک از طریق اندازه‌گیری گوش واقعی

اندازه‌گیری سطوح فشار صوتی با میکروفون جستجوگر (پروپ) به عنوان تابعی از فرکانس در نقطه خاصی نزدیک پرده سماخ همراه با سمعک روشن که بر حسب SPL مطلق یا بهره نسبت به سطح محرک بیان می‌شود.

real-ear attenuation**real-ear attenuation**

کاهش گوش واقعی

ارزیابی مشخصات کاهندگی وسایل حفاظت شنوایی به وسیله میکروفن جستجوگر (پروپ) که به عنوان اختلاف بین پاسخ گوش واقعی بدون سمعک و پاسخ در ارزیابی گوش واقعی مسدود شده بیان می‌شود.

real-ear coupler difference (RECD)

اختلاف جفتگر با گوش واقعی

اندازه‌گیری اختلاف بر حسب دسی‌بل و به تبعیت از فرکانس، بین خروجی سمعک اندازه‌گیری شده توسط میکروفن جستجوگر (پروپ) در مجرای گوش و خروجی اندازه‌گیری شده در جفتگر دو سی‌سی.

real-ear dial difference (REDD)

اختلاف شدت ادیومتر و گوش واقعی

اندازه‌گیری اختلاف بر حسب دسی‌بل بین محرک اندازه‌گیری شده توسط میکروفن جستجوگر (پروپ) در مجرای گوش و شدت همان محرک در ادیومتر.

real-ear gain

به gain مراجعه کنید.

real-ear insertion gain (REIG)

به gain مراجعه کنید.

real-ear insertion response (REIR)

پاسخ جایگذاری در ارزیابی گوش واقعی اندازه‌گیری میکروفن جستجوگر (پروپ) اختلاف بین پاسخ بدون سمعک و با سمعک گوش واقعی

real-ear saturation response

در یک نقطه ثابت نزدیک پرده صماخ بر حسب دسی‌بل به عنوان تابعی از فرکانس.

real-ear masker response (REMR)

پاسخ پوشاننده با ارزیابی گوش واقعی اندازه‌گیری خروجی پوشاننده وزوز گوش با میکروفن جستجوگر (پروپ).

real-ear measurement

ارزیابی در گوش واقعی

در این روش از میکروفن جستجوگر (پروپ) استفاده می‌شود. میکروفن در مجرای گوش دارای سمعک قرار می‌گیرد. شنوایی‌شناس با این روش قادر است پاسخ سمعک را در مجرای گوش اندازه‌گیری کند.

real-ear occluded gain (REOG)

به gain مراجعه کنید.

real-ear occluded response (REOR)

پاسخ در ارزیابی گوش واقعی مسدود اندازه‌گیری سطح فشار صوتی با میکروفن جستجوگر (پروپ) به عنوان تابعی از فرکانس در نقطه معینی نزدیک پرده گوش در حالی که سمعک خاموش روی گوش قرار گرفته است. نتیجه بر حسب SPL مطلق یا به صورت بهره نسبت به سطح محرک بیان می‌گردد.

real-ear saturation response**(RESR)**

پاسخ سطح اشباع با ارزیابی گوش واقعی اندازه‌گیری سطح فشار صوتی با میکروفن

real-ear unaided gain (REUG)

جستجوگر (پروپ) به تبعیت از فرکانس در نقطه خاصی نزدیک پرده گوش با قرار دادن سمعک روشن روی گوش و ارائه محرک با شدت کافی که سمعک را با حداکثر خروجی خود به کار اندازد.

real-ear unaided gain (REUG)

به gain مراجعه کنید.

real-ear unaided response (REUR)

پاسخ گوش واقعی بدون سمعک اندازه گیری سطح فشار صوتی با میکروفن جستجوگر (پروپ) به عنوان تابعی از فرکانس در نقطه خاصی نزدیک پرده گوش در مجرای گوش بدون سمعک.

real-time captioning زیرنویس همزمان

زیرنویس رایانه‌ای گفتار فرد بدون تأخیر یا با تأخیر اندک.

real-time processing

به processing مراجعه کنید.

real-world performance کارایی واقعی

مؤثر بودن سمعک یا وسایل حفاظت شنوایی که با ارزیابی در شرایط واقعی و طبیعی مشخص می‌شود.

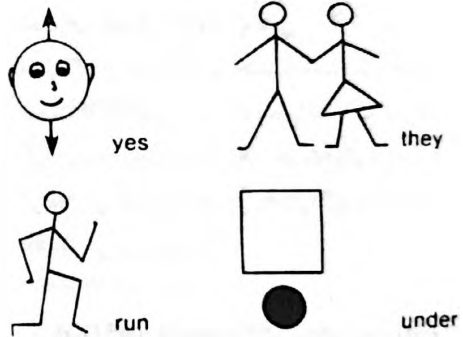
REAR → real-ear aided response**reauditorlization**

واسطه کلامی، ارتباط کلامی

۱. معمای تصویری، معمای شکلی **rebus**
تجسم موضوع، کلمه یا جمله توسط حروف اعداد یا تصویر و غیره که غالباً با تصاویر اشیاء که نام‌های آنها صداهای مشابه با کلمه مورد نظر دارند انجام می‌شود. این معماها یکی از روش‌های آموزش خواندن به شمار می‌آید. ر.ک:

aided augmentative communication

۲. تصویر چیزی را مجسم کردن



Rebus

۱. فراخواندن، احضار کردن **recall**

۲. به یاد آوردن؛ ۳. پس گرفتن، لغو کردن،

۴. احضار، فراخوانی؛ ۵. یادآوری

RECD → real-ear coupler difference

receiver گوشی مینیاتوری، رسیور

۱. وسیله‌ای که انرژی الکتریکی را به انرژی صوتی تبدیل می‌کند، مانند گوشی یا بلندگوی مینیاتوری موجود در سمعک.

۲. بخشی از دستگاه اف.ام. که مورد استفاده شونده قرار می‌گیرد و محرک‌ها را از مبدل اف.ام. دریافت می‌نماید.

receiver

air conduction r.

گوشی مینیا توری انتقال هوایی وسیله ای که محرک های الکتریکی تقویت شده را از مدار سمعک دریافت می کند و به امواج صوتی که پرده گوش را مرتعش می کند تبدیل می نماید.

bone conduction r.

گیرنده انتقال استخوانی، رسیور انتقال استخوانی

ارتعاشگر یا نوسان گری که برای انتقال صداها از طریق به ارتعاش درآوردن استخوان های جمجمه مورد استفاده قرار می گیرد.

receiver earmold

به earmold مراجعه کنید.

receiver operator characteristic

منحنی ویژه محرکه گیرنده (ROC) curve نموداری که در نظریه کشف محرک مورد استفاده قرار می گیرد. در این نمودار پاسخ های مثبت واقعی (احتمال پاسخ مثبت به محرک) به عنوان تابعی از میزان پاسخ های مثبت کاذب (احتمال پاسخ مثبت علیرغم فقدان محرک) ترسیم می شود.

receptive aphasia

زبان پریشی درکی، آفازی درکی

آسیب به درک زبان گفتاری. مترادف:

auditory, fluent or Wernicke's aphasia

receptor

گیرنده

۱. ساختمان ملکولی درون یا روی سطح ملکول که به طور انتخابی به مواد خاصی می چسبد و

در نتیجه اثر فیزیولوژیک خاصی را ایجاد می کند. به طور مثال گیرنده های سطح سلولی برای هورمون های پپتیدی و ایمونوگلوبولین ها و گیرنده های سیتوپلاسمی برای هورمون های استروئیدی.

۲. پایانه عصب حسی که به محرک های مختلف پاسخ می دهد. این گیرنده ها به روش های مختلفی طبقه بندی می شوند از جمله بر حسب نوع محرک یا محل قرارگیری آنها در بدن.

distance r.

گیرنده دور اندام حسی که قادر است محرک هایی که با بدن کمی فاصله دارند دریافت کند.

receptor potential

به potential مراجعه کنید.

receptors, sensory

گیرنده های حسی در گوش، اپی تلیوم های حسی شامل سلول های مویی داخلی، ستیخ های آمپولی و ماکولاهای اتریکول و ساکول است.

recess

۱. فضا یا حفره کوچک توخالی

۲. گودی، فرورفتگی. طاقچه

recessive hereditary sensorineural

hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

recognition

۱. بازشناسی، تشخیص، وشناسی

۲. سپاسگزاری، قدردانی ۳. به رسمیت شناسی

۴. استقبال، پذیرش

recognition

بازشناسی گفتار **speech r.**

بازشناختن یا تعیین اهداف گفتاری از طریق تکرار، نوشتن آن یا اشاره کردن به شیء یا تصویر. برخی آن را معادل شناسایی می‌دانند و برخی دیگر شناسایی را فقط برای آزمایش‌های دارای پاسخ بسته به کار می‌برند.

بازشناسی واژه **word r.**

بازشناختن یا تعیین واژه از طریق تکرار، نوشتن آن یا اشاره کردن به شیء یا تصویر.

recording

۱. صفحه، نوار؛ ۲. ویژگی آوایی نوار؛ ۳. سند
۴. ثبات؛ ۵. ضبط، ثبت

ثبت از دور **far-field r.**

اندازه‌گیری پتانسیل‌های برانگیخته از طریق الکترودهایی که کف سر با فاصله از منبع متصل شده باشد.

ثبت از نزدیک **near-field r.**

اندازه‌گیری پتانسیل‌های برانگیخته از الکترودهای نزدیک به منبع.

recovery time = release time

recreational audiology

به audiology مراجعه کنید.

recruitment سلولی، رگروتمنت

غیرخطی بودن بیش از حد رشد بلندی به دلیل کاهش شنوایی حسی عصبی. در این مورد، رشد بلندی در سطوح شدت کمی بالاتر از آستانه به سرعت رشد می‌کند در حالی که ممکن است

در سطوح شدت بالاتر رشد طبیعی داشته باشد. مترادف: loudness recruitment.

بسیج سلولی کامل **complete r.**

وضعیتی که بلندی تن در گوش مبتلا به کاهش شنوایی با بلندی تن با همان شدت در گوش دارای شنوایی طبیعی در سطوح بالای شدت برابر است.

hyper-recruitment

بسیج سلولی بیش از حد، رگروتمنت بیش از حد

وضعیتی که تن در گوش مبتلا به کاهش شنوایی بلندتر از تنی با همان شدت در گوش سالم در سطوح بالای شدت شنیده می‌شود.

Incomplete r.

بسیج سلولی ناقص، رگروتمنت ناقص زمانی که احساس بلندی تن در گوش مبتلا به احساس بلندی همان تن در گوش سالم در سطوح بالای شدت نزدیک شده ولی کاملاً یکسان نمی‌شود. مترادف:

partial recruitment

loudness r. = recruitment

overrecruitment = hyper-recruitment

partial r. = incomplete recruitment

recurrence عود، برگشت
بازگشت علائم یک بیماری پس از فروکش کردن آن.

recurrent otitis media

به Otitis media مراجعه کنید.

REDD → real-ear dial difference

reduced screening audiology

به audiometry مراجعه کنید.

redundancy

حشو

در ادیومتری گفتاری به زیاد شدن اطلاعات موجود برای شنونده به دلیل محتوای پراطلاعات محرک گفتاری و نیز توانایی ذاتی مسیرهای پرنورون دستگاه عصبی شنوایی مرکزی گفته می‌شود.

extrinsic r.

حشو خارجی

در ادیومتری گفتاری به وفور اطلاعات موجود در محرک گفتاری اطلاق می‌شود.

intrinsic r.

حشو درونی

در ادیومتری گفتاری به افزایش اطلاعات موجود در دستگاه شنوایی مرکزی به دلیل ظرفیت ذاتی مسیرهای پرنورون اطلاق می‌گردد.

reference electrode

به electrode مراجعه کنید.

reference equivalent threshold

sound pressure level (RETSPL)

سطح فشار صوتی معادل آستانه

تعیین سطوح فشار صوتی مربوط به صد ادیومتریکی برای یک گوشی معین بر اساس استاندارد ANSI.

reference microphone

به microphone مراجعه کنید.

reference pressure

فشار مرجع

فشاری که دیگر فشارهای اندازه‌گیری شده با آن بر حسب دسی بل مقایسه می‌شوند.

reference test frequencies

فرکانس‌های آزمایشی مرجع

فرکانس‌های ۱۰۰۰، ۱۶۰۰ و ۲۵۰۰ هرتز که بهره آزمایش مرجع در آنها تعیین می‌گردد.

reference test gain

به gain مراجعه کنید.

reference zero level

سطح صفر مرجع

پایین‌ترین سطح فشار صوتی در هریک از فرکانس‌های ادیومتریکی تن خالص که به طور متوسط برای گوش‌های با شنوایی طبیعی قابل شنیدن است، بر حسب استانداردهای ملی صفر دسی بل سطح شنوایی (HL) یا صفر ادیومتریکی نامیده می‌شود. مترادف: audiometric zero.

referent

مورد اشاره، رجوعی، مصداق

شیء، واقعه، امر انتزاعی یا فردی که با یک نماد، کلام یا روش‌های دیگر مشخص شود.

refixations

تشبیت‌های مکرر بینایی، تشبیت‌های پی‌درپی بینایی

حرکات سریع چشم که برای حفظ تصویر اشیاء متحرک سریع روی لکه زرد انجام می‌پذیرد. مترادف: saccades.

reflex بازتاب، رفلکس، انعکاس
پاسخ غیرارادی به محرک.

acoustic r. رفلکس صوتی
انقباض رفلکسی عضلات گوش میانی در
پاسخ به صدای بلند که در انسان توسط عضله
رکابی ایجاد می‌شود.

**acousticopalpebral r. = auro-
palpebral reflex**

audito-oculogyric r. (AOR)

رفلکس شکنج شنوایی-بینایی
چرخش سریع چشم به سوی منبع صدای ناگهانی.

auropalpebral r. (APR)

رفلکس پلکی-گوشی
پلک زدن یا انقباض گوشه چشم که به دلیل
صدای بلند ناگهانی ایجاد می‌شود.

Babinski r. رفلکس بابنسکی

باز کردن و به عقب کشیدن طبیعی انگشتان پا
در پاسخ به تحریک کف پا که فقدان آن نشانه
اختلال نورولوژیک است.

cochlear r. = acoustic reflex

**cochleo-orbicular r. = auro-
palpebral reflex**

**cochleopalpebral r. = auro-
palpebral reflex**

**cochleostapedial r. = acoustic
reflex**

contralateral acoustic r.

رفلکس صوتی دگرسویی، رفلکس صوتی
متقاطع
رفلکس صوتی یک گوش که در پی تحریک
گوش دیگر رخ می‌دهد.

**crossed acoustic r. = contrala-
teral acoustic reflex**

Gault's r. = auropalpebral reflex

intra-aural r. = acoustic reflex

ipsilateral acoustic r.

رفلکس صوتی همان‌سویی، رفلکس صوتی
غیرمتقاطع
رفلکس صوتی که در یک گوش به دلیل
تحریک همان گوش رخ می‌دهد.

light r. بازتاب نور

بازتاب مثلثی روشن نور اتوسکپ روی سطح
پرده صماخ. مترادف: cone of light.

**middle ear muscle r. = acoustic
reflex**

Moro r. رفلکس مورو

واکنش طبیعی نوزاد نسبت به محرک‌های
مختلف که با باز شدن و دور شدن ناگهانی
دست‌ها و انگشتان از بدن مشخص می‌شود.

orienting r. (OR)

رفلکس جهت‌یابی
چرخش رفلکسی سر به سوی منبع صدا.

pinna r.

رفلکس لاله‌گوش
جهت‌یابی رفلکسی لاله‌گوش در پاسخ به تغییر صدا که در بسیاری از حیوانات اتفاق می‌افتد.

stapedial r. = acoustic reflex**startle r.**

رفلکس پرشی، رفلکس استارتل
۱. واکنش طبیعی نوزاد نسبت به محرک‌های مختلف که با باز شدن و دور شدن ناگهانی دست‌ها و انگشتان از بدن مشخص می‌شود.
مترادف: More reflex.
۲. رفلکس‌های مربوط به حفظ وضعیت و راست ایستادن بدن نظیر رفلکس وضعیت و موقعیت بدن، رفلکس تصحیح‌کننده یا راست‌شدگی و رفلکس دهلیزی.

uncrossed acoustic r. = ipsilateral acoustic reflex**vestibulo-ocular r. (VOR)**

رفلکس دهلیزی-چشمی
قوس رفلکس بین دستگاه دهلیزی و عضلات خارج چشمی. این رفلکس با نامتقارن شدن میزان شلیک عصب دهلیزی پراکنجته می‌شود و عمل آن حفظ ثبات نگاه خیره از طریق این حرکات جبرانی چشم در پاسخ به چرخش سر است.

reflex arc

قوس رفلکس
مسیر عمل دستگاه دهلیزی از گیرنده حسی تا پاسخ‌دهنده (یا عمل‌کننده) حرکتی.

reflex decay

زوال رفلکس
کاهش دامنه رفلکس صوتی حین تحریک در پاسخ به ارائه محرک ممتد.

reflex decay test

آزمایش زوال رفلکس
اندازه‌گیری تطبیق شنوایی که در آن محرک ۱۰ دسی‌بل بالاتر از آستانه رفلکس صوتی ارائه شده و دامنه آن پایش می‌شود. از نظر بالینی کاهش قابل ملاحظه دامنه به مقدار بیش از ۵۰٪ دامنه اولیه در طی ده ثانیه پس از شروع محرک نشانه مثبت بودن زوال رفلکس می‌باشد.

reflexogenic vertigo

به vertigo مراجعه کنید.

reflux otitis media

به otitis media مراجعه کنید.

refracted wave

به wave مراجعه کنید.

refraction

شکست، انکسار
تغییر در جهت یا بازتاب موج صوتی که از یک محیط به محیط دیگر حرکت می‌کند.

refractory period

دوره تحریک‌ناپذیری
زمان پس از مرحله اصلی پتانسیل عمل که در طی آن عصب به‌رغم وجود تحریک نمی‌تواند دوباره تخلیه شود.

Refsum syndrome

Refsum syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

register, high-risk

۱. فهرست افراد در خطر

فهرست نام نوزادان در خطر کاهش شنوایی.

۲. فهرست عوامل خطر

فهرست عواملی که کودک را در معرض خطر ابتلا یا بروز کاهش شنوایی قرار می‌دهد.

regular earmold

به earmold مراجعه کنید.

rehabilitation توانبخشی، باز توانی

۱. بازگرداندن به شکل یا عملکرد طبیعی پس از صدمه دیدن یا بیماری؛ ۲. بازگرداندن بیمار یا مجروح به سطح عملکرد مطلوب از نظر فیزیکی، روانی، شغلی و تفریحی در خانه و جامعه.

aural r.

توانبخشی شنوایی، باز توانی شنوایی
درمان افراد مبتلا به آسیب شنوایی عارضی به منظور بهبود کلی توانایی برقراری ارتباط که شامل استفاده از سمعک، تربیت شنوایی، گفتارخوانی، مشاوره و راهنمایی است.

rehabilitative audiology

به audiology مراجعه کنید.

REIG → real-ear insertion gain

reimbursement بازپرداخت، پرداخت

هزینه پرداختی برای خدمات ارائه شده از سوی بیمه شخص ثالث.

REIR → real-ear insertion response

Reissner's membrane

به membrane مراجعه کنید.

relapse

عود، برگشت، رجعت

برگشت یا تشدید بیماری یا علائم آن پس از بهبودی واضح آن.

relapsing polychondritis

پلی‌کندریت راجعه

اختلال بافت همبند که با التهاب و از دست رفتن غضروف‌ها مشخص می‌شود و معمولاً ابتدا لاله گوش را مبتلا می‌کند. این بیماری با کاهش شنوایی انتقالی به دلیل پایین افتادگی لوله استاش و کاهش شنوایی حسی-عصبی همراه است.

relationship, direct

رابطه مستقیم

شرایطی که مقادیر دو مجموعه داده‌ها با یکدیگر همبستگی مثبت دارند. بدین ترتیب که با افزایش یکی از آنها دیگری نیز بیشتر می‌شود.

relationship, inverse

ارتباط معکوس

شرایطی که مقادیر دو مجموعه داده‌ها همبستگی منفی دارند به طوری که مقدار هریک بیشتر شود دیگری کاهش می‌یابد.

relative bone conduction

به bon conduction مراجعه کنید.

release from masking

رهایی از پوشش

کاهش تأثیر پوشش در نتیجه تغییر در برخی ابعاد محرک پوششی یا محرک پوشش یابنده. به طور مثال رهایی دوگوشی از پوشش که در آن تغییر فاز تن‌های دوگوشی سبب شنیده شدن آنها در حضور نویز می‌گردد.

release time

زمان رهایی

در مدار تراکم، مدت زمانی است که طول می‌کشد تقویت‌کننده به وضعیت ثابت خود پس از قطع محرک برانگیزاننده تراکم برگردد. مترادف: recovery time.

زمان رهایی متغیر variable r. t.

ویژگی برخی از مدارهای تراکمی که زمان رهایی تراکم به نسبت مستقیم با مدت ورودی تغییر می‌کند. به عنوان مثال هرچه ورودی فعال‌کننده تراکم کوتاه‌تر باشد زمان رهایی کوتاه‌تر می‌شود.

reliability

پایایی، ثبات، قابلیت اطمینان، قابلیت اعتماد میزان قابلیت کسب نتایج یکسان با تکرار یک آزمایش.

ضریب ثبات reliability coefficient

ضریب همبستگی بین اجزای متوالی یک آزمایش یا دو روش مختلف یک آزمایش.

remodeling, synapse

ترمیم سیناپسی، بازسازی سیناپسی تغییرات حاصله در الگوی شکل‌گیری اعصاب که در طی رشد و تکامل جنینی رخ می‌دهد. به عنوان مثال، اوایل دوره جنینی هر دو رشته‌های آوران و وابران با سلول‌های مویی داخلی تماس دارند اما در طی روند رشد، مکان رشته‌های وابران به روی پایانه‌های آوران انتقال می‌یابد.

remote control

کنترل از راه دور

دستگاه قابل حملی که امکان تغییر حجم صدا و یا برنامه سمعک‌های قابل برنامه‌ریزی را فراهم می‌آورد.

remote masking

به masking مراجعه کنید.

REMR → real-ear masker response

renal

کلیوی

مربوط به کلیه.

renal-genital syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

REOG → real-ear occluded gain

REOR → real-ear occluded response

repair strategies

فنون جبرانی

روش‌های جبرانی که فرد مبتلا به آسیب

repetition rate

شنوایی به منظور واضح شدن عبارات نامفهوم یا از دست رفته به کار می‌گیرد.

repetition rate میزان تکرار
تعداد دفعات ارائه یک محرک یا اتفاق در مدت زمان معین.

replicate ۱. تکرار کردن ۲. معادل ساختن

replication

۱. برگشت یک قسمت روی خودش طوری که حالت تاشدگی به خود بگیرد.

۲. تکرار یک آزمایش به منظور اطمینان از درستی آن.

۳. همانندسازی، تکثیر، رونوشت برداری، رونویسی؛ فرآیند رونویسی و کپی برداری از زنجیره پلی نوکلئوتید DNA یا RNA.

resection قطع، رزکسیون
برداشت یک عضو یا قسمتی از آن از طریق جراحی.

reserve gain به gain مراجعه کنید.

residual hearing باقیمانده شنوایی
مقدار باقیمانده توانایی شنوایی در فرد مبتلا به کاهش شنوایی.

residual inhibition وقفه پایدار
قطع موقت وزوز گوش پس از ارائه پوشش.

resistance (R) مقاومت
مخالفت در برابر جریان انرژی به دلیل تلف کردن آن.

resistor مقاومت
وسیله‌ای که جریان الکتریکی را کنترل می‌کند.

resolution

تفکیک، جداسازی، آشکارسازی، گشایش

frequency r. تفکیک فرکانسی

توانایی افتراق قائل شدن بین صداهایی که فرکانس‌های متفاوتی دارند و همزمان ارائه می‌شوند.

temporal r. تفکیک زمانی

توانایی درک یا تمایز محرک‌ها یا بخش‌های گفتاری که فاصله زمانی اندکی دارند به صورت جداگانه.

resonance تشدید
وضعیت حداکثر ارتعاشی که با تحریک یک سامانه ارتعاش‌کننده آزاد حاصل می‌شود.

resonance theory of hearing

نظریه تشدید در شنوایی
فرضیه اولیه‌ای که تصویر می‌شد رشته‌های عرضی غشاء پایه به عنوان تشدیدکننده عمل می‌کنند و هریک برای فرکانس خاصی کوک شده‌اند.

resonant frequency

به frequency مراجعه کنید.

resonator تشدیدکننده، تشدیدگر
-سامانه‌ای که توسط یک ارتعاش دیگر وادار به ارتعاش می‌شود.

Helmholtz r. تشدیدکننده هلمهولتز
ابزار اولیه‌ای برای مطالعه علم صوت که دارای محفظه‌هایی با اندازه‌های مختلف و لوله‌ای برای قرار گرفتن در گوش است. این وسیله برای مشاهده و ارزیابی اثرات تشدیدکنندگی شکل و اندازه محفظه‌ها طراحی شده بود.

quarter-wave r.

تشدیدکننده یک‌چهارم موج
لوله بسته پر از هوا که تشدید پایه آن چهار برابر طول لوله است.

resonator earmold

earmold به مراجعه کنید.

resorption بازجذب، جذب مجدد
از دست رفتن مواد توسط جذب پاتولوژیک.

resorptive بازجذبی
مربوط به بازجذب.

response پاسخ

۱. در ادیومتری رفتاری واکنش قابل مشاهده به ارائه محرک است.
۲. در تقویت سمعک به مقدار خروجی آن به عنوان تابعی از فرکانس اطلاق می‌گردد.

response level, minimal

سطح حداقل پاسخ
پایین‌ترین سطحی که کودک به شکل رفتاری به صدا پاسخ می‌دهد.

response time زمان پاسخ
فاصله زمانی بین ارائه محرک و رخداد پاسخ قابل اندازه‌گیری.

RESR → real-ear saturation response

resting membrane potential
به potential مراجعه کنید.

retardation

تاخیر، به تاخیر افتادن، کندی، عقب‌ماندگی، تاخیر در رشد و تکامل

mental r. عقب‌ماندگی ذهنی

کارکرد عقلانی کلی کمتر از حد متوسط که از دوران رشدی شروع می‌شود و با یادگیری و ریس مختل و ناسازگاری اجتماعی همراه است. درجات عقب‌ماندگی معمولاً بر حسب هوشبهر اندازه‌گیری می‌شود: خفیف (۵۵-۵۰ تا ۷۰)، متوسط (۴۰-۳۵ تا ۵۵-۵۰)، شدید (۲۵-۲۰ تا ۴۰-۳۵) و عمیق (کمتر از ۲۵-۲۰).

reticular lamina

صفحه تورینه‌ای، صفحه مشبک
ساختمان ظریف شبکه‌مانندی که سطح پیوسته روی اندام کرتی را تشکیل می‌دهد شامل زاوید انگشتی، نوک ستون‌ها و صفحات کورتیکولی سلول‌های مویی داخلی و خارجی است.

retraction of tympanic membrane

درون‌کشیدگی پرده صماخ
کشیده شدن پرده صماخ درون فضای گوش

retraction pocket

میانی به دلیل ایجاد فشار منفی در محفظه گوش میانی متعاقب اختلال عملکرد لوله استاش.

retraction pocket کیسه درون کشیدگی فرو رفتن بخش ضعیف و شل پرده صماخ به درون فضای گوش میانی.

retrocochlear وراء حلزونی

مربوط به ساختمان‌های عصبی دستگاه شنوایی که پس از حلزون واقع شده‌اند، به ویژه عصب هشتم مجردهای و قسمت‌های شنوایی ساقه مغز.

retrocochlear disorder

اختلال وراء حلزونی اختلال شنوایی که از نئوپلاسم یا سایر ضایعه‌های موجود دور عصب هشتم مجردهای یا وراء آن در بخش شنوایی ساقه یا قشر مغز ناشی شده باشد.

retrograde degeneration

تخریب پایین‌رو استحاله معکوس در طول مسیر عصبی که از محل ضایعه تارهای عصبی شروع شده و به طرف محیط پیشرفت می‌کند.

retrolabyrinthine = retrocochlear**retrospective fee for service reimbursement**

نحوه مرسوم بازپرداخت هزینه‌های درمانی که

در آن بیمه‌گر هزینه‌ها را تنها برای خدمات ارائه شده و پس از ارائه آنها دریافت می‌کند.

RETSPL → reference equivalent threshold sound pressure level

REUG → real-ear unaided gain

REUR → real-ear unaided response

reverberation بازآوایی طولانی شدن صدا به دلیل چند باز منعکس شدن آن.

reverberation room اتاق بازآوایی اتاق‌های آزمایشی مخصوص که با حداقل جذب صدا طراحی شده‌اند.

reverberation time زمان بازآوایی سرعت زوال صدا که عبارت است از زمان لازم برای کم شدن صدا و رسیدن آن به سطح شدت معینی پس از خاموش شدن منبع آن.

reversal وارونگی، معکوس‌شدگی در روش‌های سایکوفیزیکی تطابقی، نقطه‌ای است که جهت یکی از پارامترهای محرک تغییر می‌کند و معکوس می‌شود.

reverse curve fitting

تطبیق مشخصه‌های منحنی معکوس تعدیل شکل منحنی بهره و پاسخ فرکانسی سمک به نحوی که مناسب منحنی کاهش

شنوایی صعودی باشد. در این نوع کاهش شنوایی حساسیت شنوایی در فرکانس‌های پایین کمتر از حساسیت در فرکانس‌های بالاست.

reverse horn bore

منفذ شیپوری معکوس

منفذ مخروطی در قالب که از نمای خارجی وسیع‌تر است و برای کاهش تقویت فرکانس‌های زیر طراحی شده است.

rheobase رثوباس

حداقل جریان الکتریکی با مدت معین که برای تولید یک انقباض در عضله لازم است.

rhinitis التهاب مخاط بینی، رینیت

rhythm وزن، آهنگ، ضرب آهنگ، ضرب

۱. وزن یا آهنگ زبان گفتاری یا الگوی جریان گفتار. وزن یا آهنگ با الگوهای تکیه و سرعت مشخص می‌شوند؛ ۲. آن بُعد از زبان گفتاری که به رخداد تناوبی الگوهای زیرویمی، بلندی، مدت یا کیفیت یکسان گفتار می‌پردازد.

Richards-Rundle syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

right-beating nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

right-ear advantage برتری گوش راست

بهتر بودن پاسخ گوش راست در ارزیابی درک گفتار نسبت به گوش چپ که معمولاً در بیشتر افراد دیده می‌شود.

Rinne test

آزمایش رین

آزمایش دیاپازونی که برای کشف کاهش شنوایی انتقالی دیاپازون مرتعش به طور متناوب روی ماستویید (برای تحریک انتقال استخوانی) و نزدیک لاله گوش (برای تحریک راه هوایی) قرار داده می‌شود.

rise time

زمان خیز

زمان لازم برای رسیدن محرک مورد نظر به درصد معینی از حداکثر دامنه خود. متضاد:

.fall time

risk factors

عوامل خطر

عوامل بهداشتی، محیطی و مربوط به نحوه زندگی که احتمال ابتلا یا گسترش بیماری یا اختلال خاصی را افزایش می‌دهد.

عوامل خطر کاهش شنوایی

- سابقه خانوادگی کاهش شنوایی در کودکی
- عفونت‌های TORCH مادرزادی
- ناهنجاری‌های مادرزادی صورت و جمجمه
- وزن هنگام تولد کمتر از ۱۵۰۰ گرم
- افزایش بیلی‌روبین خون و لزوم تعویض آن
- مننژیت باکتریایی
- فقدان اکسیژن هنگام تولد
- مصرف داروهای سم‌گوش
- تهویه مکانیکی بیش از ده روز (انجام عمل تهویه با وسایل خارجی)
- ابتلا به سندرم‌های همراه با کم‌شنوایی

Robbins speech sound discrimination and verbal imagery type tests

آزمایش‌های تمایز صداهای گفتاری و تصویر کلامی را ببینز
 آزمایش شنوایی مخصوص کودکان ۸-۴ ساله که دارای سه قسمت است: تصویر کلامی تمایز صدا و تمایز صدای گفتاری.

ROC curve → receiver-operating characteristic curve

Rochester method روش راجستر
 [مدرسه ناشنویان راجستر، راجستر، نیویورک].
 روش آموزش به ناشنویان که در آن روش شفاهی با الفبای دستی تکمیل می‌شود. ر.ک:
 simultaneous method

rods of Corti ستون‌های کرتی
 سلول‌های ستونی داخلی و خارجی. مترادف:
 pillars of Corti

roentgen (R,r) رنتگن
 W.K. Roentgen، فیزیکدان آلمانی -۱۸۴۵
 [۱۹۲۳]. واحد بین‌المللی اشعه x.

roentgenography پرتونگاری، رادیوگرافی

roll off افت
 دامن پالایه یا میزان کاهندگی پالایه بر حسب دسی‌بل در اکتاو.

rollover واژگونی
 کاهش توانایی بازشناسی گفتار علی‌رغم افزایش

سطح شدت در سطوح بالای شدت که نشانه ضایعه و راه حلزونی است.

roof of tympanic cavity

سقف محفظه صماخی
 صفحه استخوانی نازکی که محفظه صماخی را از جمجمه و پرده‌هایی که مغز را می‌پوشانند جدا می‌کند. مترادف: tegmen tympani.

root mean square (RMS)

ریشه دوم میانگین
 سطح مؤثر کلی یک محرک بر حسب ریشه دوم میانگین مجذور مقادیر آن که در طول زمان لازم برای مشخص شدن آن محرک محاسبه می‌شود.

rostral

منقاری یا شبیه به نوک یا منقار، داشتن نوک یا منقار، قرار داشتن به سمت نوک یا منقار (ناحیه بینی و دهان) که می‌تواند به معنای فوقانی (برای نواحی نخاع) یا قدامی (برای مناطق مغزی) باشد. متضاد: caudal، مترادف:
 cephalad, cranial

rotary chair testing (RCT)

آزمایش صندلی گردان
 آزمایش عملکرد دهلیزی که در آن صندلی رایانه‌ای در جهت عقربه‌های ساعت و یا خلاف آن می‌چرخد و سرعت آن به طور منظم تغییر می‌کند و همزمان ثبت الکترونیستاموگرافی انجام می‌شود.

rotary stimulation تحریک چرخشی
 تحریک دستگاه دهلیزی که با چرخاندن یک
 صندلی حول محور عمودی آن به طور سینوسی
 ابتدا در یک جهت و سپس در جهت دیگر و با
 سرعت‌های متفاوت ایجاد می‌شود.

rotary nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

round-robin tournament

مقایسه دوه‌دو

روش مقایسه دوه‌دو برای انتخاب مدار سمعک
 که در آن هر وضعیت با سایر وضعیت‌ها مقایسه
 می‌شود تا ترتیب اولویت مشخص شود.

round window

دریچه گرد

مدخل گردی در دیواره داخلی گوش میانی که
 به حلزون منتهی می‌شود و با غشاء دریچه گرد
 پوشیده شده است. مترادف:

cochlear window, fenestra rotunda

round window fistula

فیستول دریچه گرد

راه بین فضای پری‌لنفی و گوش میانی که در
 دریچه گرد ایجاد شده باشد. دلیل آن نقایص
 مادرزادی یا ضربه است که سبب نشت پری‌لنف
 می‌شود.

round window membrane

به membrane مراجعه کنید.

round window niche

فرورفتگی دریچه گرد

حفره یا تورفتگی کوچک در دیواره لابیرننتی
 محفظه گوش میانی که دریچه گرد را در بر
 می‌گیرد.

rubella

سرخجه

عفونت ویروسی ملایم که با تب و بثورات
 جلدی گذرا که مشابه سرخک است مشخص
 می‌شود. در صورت رخداد در زمان بارداری
 ممکن است به ناهنجاری‌هایی در جنین از
 جمله کاهش شنوایی حسی عصبی منجر گردد.
 مترادف: German measles.

congenital r.

سرخجه مادرزادی

اختلالی که سبب نقص جنینی شده و از سرخجه
 مادر ناشی می‌شود. نشانه‌های آن آب مروارید یا
 آب سیاه، نقص‌های قلبی عروقی، عقب‌ماندگی
 ذهنی، عقب‌ماندگی روانی حرکتی و کاهش
 شنوایی حسی عصبی شدید یا عمیق است.

rubeola¹ = rubella

rubeola² = measles

Rudmose audiometer

به audiometer مراجعه کنید.

Runge test

آزمایش رونگ

روش اولیه آزمایش وبر که در آن مجرای گوش
 را با آب پر می‌کردند سپس سوگرایی محرک‌های
 انتقال استخوانی ارزیابی می‌شد.

Rush Hughes test

Rx

Rush Hughes test

آزمایش راش هیوز

مواد اولیه بازشناسی گفتار با استفاده از ضبط
فهرست واژه‌های W-۲۲ به صورت اعوجاج یافته

که ارزش آن به عنوان یک آزمایش تشخیصی
ادیومتریک گفتاری ثابت شده است.

Rx → prescription



S/N → signal to noise ratio

S/N ratio → signal to noise ratio

sac کیسه، ساک
اندام یا ساختمان کیسه مانند.

SAC → Self-Assessment of communication

saccades ساکاد، تعقیب سریع

۱. حرکات غیرارادی و سریع چشم از هدفی به هدف دیگر؛ ۲. حرکات سریع چشم که تصویر اشیای متحرک سریع را روی لکه زرد حفظ می‌کند و جزء سریع نیستاگموس را تشکیل می‌دهد.

hypermetric s.

تعقیب سریع بیش از حد، ساکادهای هیپرمتریک در آزمایش ENG به شرایطی اطلاق می‌گردد که در آن چشم‌ها در طی تنظیم و یا آزمایش ساکاد روی هدف ثابت نشده بلکه از آن می‌گذرند و لازم است توسط ساکادهای اضافی روی هدف برگردند.

hypometric s.

تعقیب‌های سریع کمتر از حد، ساکادهای هیپومتریک

در آزمایش ENG، شرایطی است که چشم در طی تنظیم، یا آزمایش ساکاد به هدف نمی‌رسد.

فلج حرکات تعقیب سریع **saccadic palsy**
اختلال حرکتی چشم، که در آن حرکات تعقیب

saccadic pursuit

سریع در یک جهت طبیعی و در جهت دیگر مختل شده است و نشانه ضایعه یک طرفه قشر مغز می باشد.

saccadic pursuit

تعقیب آرام ساکادی

وجود پرش های ساکادی طی تعقیب آرام به دلیل عدم توانایی چشم در باقی ماندن روی هدف متحرک و نیاز به حرکات ساکادی برای تثبیت. این مشکل از اختلال قشر یا ساقه مغز یا مخچه ناشی می شود.

saccadic slowing

آهستگی تعقیب سریع چشم، آهستگی ساکاد کاهش غیرطبیعی سرعت حرکات تعقیب سریع چشم که نشانه فلج بین هسته ای چشم است.

saccular macula

لکه کیسکی، ماکولای ساکول منطقه نوروابی تلیوم حسی در دیواره قدامی ساکول.

saccular nerve به nerve مراجعه کنید.

saccular sensory epithellium

اپی تلیوم حسی کیسک، اپی تلیوم حسی ساکول ماکولا که از سلول های نوع یک و دو که در غشاء اتولیتی ژلاتینی فرو رفته اند تشکیل شده است.

sacculotomy

ساکولوتومی عمل جراحی که در بیماری منیر برای ایجاد

فیستول در لایبرنت غشائی با وارد کردن سوزن از طریق صفحه رکابی و سوراخ کردن ساکول متسع صورت می گیرد. مترادف:

cochleosacculotomy

sacculus = saccule

saddle audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

saddle nose and myopia

بینی زینی شکل و نزدیک بینی اختلال اتوزومی غالب که با نزدیک بینی شدید، آب مروارید، بینی بد شکل و کاهش شنوایی حسی عصبی مادرزادی پیشرونده مشخص می شود. مترادف: Marshall syndrome.

sagittal plane

سطح سهمی

هر صفحه عمودی که به موازات سطح میانی بدن یا یک ساختمان را به دو قسمت راست و چپ تقسیم کند.

SAL → sensorineural acuity level

salicylic acid

اسید سالیسیلیک

یکی از اجزاء اسپیرین که با ضعیف کردن سیستم هیدرولیک حلزون سبب فلج موقت سلول های مویی خارجی می شود. نتیجه آن کاهش شنوایی حسی عصبی ملایم تا متوسط قابل برگشت است.

salpingemphraxis انسداد لوله استاش

otitis media التهاب لوله استاش

Sanfilippo syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

sanguineous otitis media

به otitis media مراجعه کنید.

sarcoma سارکوم، سرطان بافت همبند

هر نوع توموری که از بافت همبند منشأ گرفته باشد اگرچه این اصطلاح امروزه شامل بعضی از تومورهای با منشأ سلول اپی تلیومی نیز می شود. بسیاری از این نوع تومورها بدخیم هستند.

SAT → speech-awareness threshold

saturation اشباع

سطح شدتی که در مدار تقویت کننده، افزایش محرک ورودی دیگر سبب افزایش خروجی نمی شود.

saturation output اشباع خروجی

حداکثر خروجی صوتی. مترادف:

maximum acoustic output

saturation sound pressure level

(SSPL) سطح اشباع فشار صوتی

حداکثر خروجی سمعک که بر حسب سطح فشار صوتی ریشه دوم میانگین (RMS) بیان می شود.

saturation sound pressure level 90 (SSPL 90)

سطح اشباع فشار صوتی - ۹۰ در ارزیابی حداکثر خروجی سمعک، به منحنی پاسخ فرکانسی که با ۹۰ دسی بل ورودی و تنظیم بهره روی حداکثر به دست می آید اطلاق می گردد.

saucer audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

saw-tooth noise noise مراجعه کنید.

SBMPL → simultaneous binaural median plane localization

scala نردبان، ساختمان نردبانی شکل یکی از سه محفظه حلزون که دور ستونک آن پیچیده اند.

scala communis cochlea

نردبان مشترک حلزونی ناهنجاری مادرزادی گوش داخلی که با شکاف در بخش استخوانی جداکننده پیچ های میانی و رأسی مشخص می شود و معمولاً در دیسپلازی ماندینی شایع است.

scala media نردبان میانی

مجرای میانی سه مجرای حلزونی که مرزهای آن غشاء پایه، غشاء رایسنر و رباط مارپیچی بوده و حاوی آندولنف است. اندام کرتی در این نردبان قرار گرفته است. مترادف:

endolymphatic space

scala tympani

scala tympani نردبان صماخی
مجرای پایینی از دو مجرای حاوی پری لنف در
مجرای حلزونی که توسط نردبان میانی از هم
جدا شده‌اند. از طرف رأس حلزون به هلیکوترما و
در پایین به دریچه گرد ختم می‌شود.

scala vestibuli نردبان دهلیزی
نردبان بالایی از دو نردبان حاوی پری لنف در
مجرای حلزونی که توسط مجرای میانی از
یکدیگر جدا شده‌اند. از طرف رأس حلزون به
هلیکوترما و در پایین در دهلیز به دریچه
بیضی ختم می‌شود.

scale

۱. پوسته، فلس، پولک، پوسته پوسته‌شدگی؛
۲. جرم دندان
لایه نازکی از رسوبات در سطح دندان،
۳. جرم‌گیری
برداشتن مواد رسوبی از روی دندان.
۴. مقیاس، اندازه، هر چیز مدرج، سامانه
نمره‌دهی، سامانه آزمایش، معیار، درجه،
میزان

A-weighted s. شبکه وزنی A
شبکه پالاینده صداسنج که برای برآورد
منحنی تراز بلندی در ۴۰ فون توزین شده
است. سطح دسی‌بل اندازه‌گیری شده با این
مقیاس معمولاً با dBA یا dB(A) نشان داده
می‌شود.

B-weighted s. شبکه وزنی B
شبکه پالاینده صداسنج که برای برآورد منحنی

بلندی در ۷۰ فون توزین شده است. فرکانس‌های
کمتر از ۳۰۰ هرتز به میزان تقریباً ۴ دسی‌بل
در هر اکتاو کاهش می‌یابند.

C-weighted s. شبکه وزنی C
شبکه پالاینده صداسنج که پاسخ فرکانسی
مسطحی در محدوده فرکانس‌های ۲۰ تا
۱۰,۰۰۰ هرتز ایجاد می‌نماید.

linear s. مقیاس خطی
مقیاس اندازه‌گیری که در آن هر افزایش مساوی
افزایش بعدی است.

logarithmic s. مقیاس لگاریتمی
مقیاس اندازه‌گیری نظیر مقیاس دسی‌بل که بر
اساس توان‌های یک عدد مبنا انجام می‌شود.

scalp electrode

به electrode مراجعه کنید.

SCAN test → screening test for identifying central auditory disorders

scaphoid fossa

حفره ناوی‌شکل، حفره اسکافوئید
فرورفتگی ناوی‌شکل طبیعی روی لاله گوش
بین حلزون و مقابل حلزون.

Scarpa's ganglion

عقدۀ اسکارپا
عقدۀ حسی‌ای که به بالای دیواره انتهایی
مجرای شنوایی داخلی تکیه دارد و اجسام
سلولی نورون‌های دوقطبی شاخه‌های فوقانی

Scarpa's membrane

و تحتانی عصب دهازی در آن واقع شده‌اند.
 مترادف: vestibular ganglion

Scarpa's membrane

به membrane مراجعه کنید.

Schelbe dysplasia شبیه

دیسپلازی رشدی بخش‌هایی از گوش داخلی ناهنجاری رشدی بخش‌هایی از گوش داخلی به‌ویژه حلزون و ساکول که از نظر تکاملی جدیدترند و عدم تشکیل اتریکول و مجاری نیم‌دایره همراه با کاهش شنوایی حسی عصبی.

Schiefelbush-Lindsey test of sound discrimination

آزمایش تمایز صدای شیفل بوش و لیندسی
 آزمایشی که برای کودکان پایه اول و دوم دبستان طراحی شده و سه بعد توانایی‌های تمایز گفتاری کودک را می‌آزماید. این توانایی‌ها عبارتند از درک گفتار دیگران، گفتار خود کودک و گوش دادن به صداها در سکوت.

schizophrenia اسکیزوفرنی، شیزوفرنی

اصطلاح یوجین بلولر (Eugen Bleuler) برای اختلال روانی روانپزشانه با سبب‌شناسی نامعلوم که با اختلالات تفکر، خلق و رفتار مشخص می‌شود. اختلال تفکر به شکل تحریف واقعیت و گاهی با هذیان‌ها و توهمات بروز می‌کند و با چندپارگی تداعی‌ها همراه می‌باشد که به اختلالات خاص گفتار منجر می‌گردد. اختلالات خلقی شامل دوسوگرایی و یا پاسخ‌های

عاطفی محدود و نامناسب است. اختلال رفتاری ممکن است به شکل کناره‌گیری توأم با بی‌تفاوتی یا به شکل فعالیت‌های عجیب تظاهر نماید. در DSM-III-R انواع اسکیزوفرنی شامل اسکیزوفرنی درهم‌ریخته، کاتا‌تونیک، پارانویید، نامتمایز و یاقی مانده است. قبلاً دمانس پره‌کوز (dementia praecox) نامیده می‌شد.

childhood s. اسکیزوفرنی کودکی

اختلالی در کودکی که نشانه آن عدم برخورد با واقعیت، عدم ارتباط یا برقراری ارتباط جزئی با دیگران، فقدان هماهنگی و یکپارچگی در رشد «خود». گفتار در صورت وجود از پرده‌های غریزی اولیه منشأ می‌گیرد و کلمات فاقد واقعیت و نیز اهمیت متعارف خود می‌باشند. مترادف: childhood psychosis, prepsychosis, ر.ک: autism.

Schwabach test آزمایش شواباخ

آزمایش دیاپازونی انتقال استخوانی که توانایی بیمار برای شنیدن صدای دیاپازون مرتعش که روی ماستوئیدش قرار گرفته با توانایی آزمایشگر مقایسه می‌شود.

Schwann cells سلول‌های شوان

سلول‌هایی که غلاف میلین آکسون‌های اعصاب جمجمه‌ای را تولید و حفظ می‌کنند.

schwannoma شوانوم

نویلاسم کپسول‌دار خوش‌خیمی که از سلول‌های شوان تشکیل شده است.

schwannoma

cochleovestibular s.

شوانوم حلزونی دهلیزی

نئوپلاسم خوش خیم کپسول دار سلول های شوآن که از بخش درون جمجمه ای عصب هشتم منشأ می گیرد. مترادف:

acoustic neurilemoma, acoustic neuroma

Schwartz sign علامت شوارتز

درخشندگی سرخ رنگی که در اتوسکپی از طریق پرده صماخ دیده می شود و علت آن افزایش عروق خونی دماغه در برخی موارد مبتلا به اتوسکلروز می باشد. مترادف:

flamingo flush

۱. برداشتن قسمتی از صلیبه sclerectomy

۲. برداشتن قسمت های چسبنده لیفی که ضمن اوتیت میانی مزمن شکل گرفته اند.

sclerosis

سفتی، سخت شدگی، تصلب، اسکروز
سفت شدگی بافت به دلیل التهاب، افزایش تشکیل بافت همبند یا بیماری های مربوط به مواد بینابینی، این واژه عمدتاً برای سفت شدگی یا تصلب بافت عصبی متعاقب ذخیره بافت همبند یا نامیدن سفت شدگی رگ های خونی به کار می رود.

multiple s. (MS)

تصلب متعدد، اسکروز متعدد
بیماری تخریب کننده میلین که ماده سفید مغز را درگیر کرده سبب علائم نورولوژیک منتشر از

جمله کاهش شنوایی، عدم تعادل و ناهماهنگی، شکایات بینایی، نقایص درک گفتار و اختلالات رفلکس صوتی و ABR می گردد.

sclerosteosis سفتی استخوان

زیرگروهی از اختلالات مادرزادی که با سفت شدگی استخوانی همراه است. نوع اتوزومی غالب یا پدخیم آن غالباً به دیسپلازی گوش و کاهش شنوایی ناشی از آن منجر می شود.

screening غربالگری

استفاده از آزمایش های سریع و ساده برای یک جمعیت بزرگ و متشکل از افرادی که بیماری در آنها هنوز تشخیص داده نشده و ظاهراً بدون علامت هستند. این آزمایش ها برای شناسایی کسانی که به اقدامات تشخیصی بیشتری نیاز دارند صورت می گیرد.

Immittance s. غربالگری ایمیتانس

ارزیابی سریع کارکرد گوش میانی توسط تمپانومتري.

screening audiology

به audiometry مراجعه کنید.

Screening Instrument For Targeting Educational Risk (SIFTER)

فهرست غربالگری برای ارزیابی مخاطرات آموزشی

فهرست فرموله شده مر بیان که برای ارزیابی نحوه ارتباط برقرار کردن کودک کم شنوا در کلاس طراحی شده است.

screening test for auditory perception آزمایش غربالگری درک شنوایی
پنج زیرآزمایش کوتاه که توانایی کودک ۱ تا ۶ ساله را در تمایز بین واژه‌های بلند و کوتاه، همخوان‌های منفرد و مرکب، واژه‌های هم‌وزن و غیرهم‌وزن و واژه‌های یکسان و متفاوت را تعیین می‌کند.

screening test for identifying central auditory disorders (SCAN)

آزمایش غربالگری توانایی‌های پردازش شنوایی در کودکان که شامل زیرآزمایش‌های بازشناسی گفتار پالایش شده، شنوایی در حضور نویز زمینه، ترکیب شنوایی و پیام رقابتی است.

scroll ear به ear مراجعه کنید.

SD → speech discrimination

SDS → speech-discrimination score

SDT → speech-detection threshold

seal مهر، لاک‌ومهر، پلمب، درزگیری

hermetic s. درزگیری کیپ
درزگیری به نحوی که به هیچ‌وجه هوا وارد نشود.

second-order neuron نورون رده دوم
رشته عصبی که اطلاعات را بالاتر از نقطه اولین سیناپس انتهایی آن عصب خاص حمل می‌کند. در دستگاه شنوایی تمامی نورون‌های

رده دوم از هسته حلزونی منشأ می‌گیرند و به بخش‌های مختلفی در سراسر دستگاه عصبی شنوایی منتهی می‌شوند.

secondary acquired syphilis

مرحله دوم سیفیلیس اکتسابی
مرحله دوم عفونت سیفیلیس که می‌تواند به التهاب لایبرنت غشائی همراه با مننژیت حاد منجر شود.

secondary neoplasm نئوپلاسم ثانویه
متاستاز یا رویش غیرطبیعی بافت در بخشی از بدن و دور از تومور اصلی اولیه.

secondary phase nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

secondary tympanic membrane

به membrane مراجعه کنید.

secretion

تراوش، تراوش
۱. فرآیند آزاد شدن فرآورده‌های خاص در نتیجه فعالیت یک غده، این فعالیت ممکن است از جداسازی ماده‌ای خاص از خون، تا آزاد شدن یک ماده شیمیایی جدید متغیر باشد.
۲. هر ماده‌ای که با ترشح آزاد شود.

secretory ترشچی، تراوشی، مترشحه
مربوط به ترشح یا مؤثر روی ترشح.

secretory otitis media

به otitis media مراجعه کنید.

sedation, conscious

sedation, conscious

تسکین بخشی همراه با هوشیاری
وضعیت تضعیف غیراختصاصی سیستم اعصاب
مرکزی که غالباً توسط کلرال هیدراته ایجاد
می شود و در آن بیمار رفلکس های محافظتی
را حفظ کرده، به طور مستقل تنفس می کند.

sedation, deep تسکین عمیق

سطحی از ناهشیاری که بیمار به سادگی بیدار
نمی شود و ممکن است قادر نباشد به طور مستقل
تنفس کند.

SEE1 → Seeing Essential English

SEE2 → Signing Exact English

Seeing Essential English (SEE1)

دیدن ضروریات انگلیسی
زبان اشاره یا ارتباط دستی که بر مبنای زبان
اشاره آمریکایی ابداع شده و طوری اصلاح شده
است که ترکیب یا نحو آن به زبان انگلیسی
شبیبه تر باشد.

segmental analysis تجزیه واجی

تجزیه صداهای گفتاری به نحوی که صداها را
بتوان به صورت منفرد یا هنگام جدا شدن آن از
سایر صداها در گفتار پیوسته مطالعه نمود.

seizure

۱. حمله ناگهانی یا عود یک بیماری
۲. تشنج یا حمله صرع که غالباً مطابق نوع آن
نامگذاری می شود.

semiaural hearing protection

audlogenic s.

حمله ناگهانی ناشی از صوت.

Select-a-vents انتخابگر منفذ
زام تجارتي وسايلي که می توان برای تغییر
قطر منفذ قالب استفاده نمود. این وسایل در
قالب فرو می روند.

selective amplification

به amplification مراجعه کنید.

selective listening گوش دادن انتخابی

تمرکز توجه به منبع صدای مورد نظر.

Self-Assessment of Communication (SAC)

پرسشنامه خودارزیابی ارتباط
پرسشنامه خودارزیابی که برای ارزیابی توانایی
ارتباط برقرار کردن بزرگسالان مبتلا به کاهش
شنوایی طراحی شده است.

Self Help for Hard of Hearing People

مؤسسه خودیاری سخت شنوایان (SHHH)
مؤسسه ای برای افراد مبتلا به آسیب شنوایی.

semantic

معنایی، معناشناختی
مربوط به معنی یا ارتباط بین نمادها و مورد
اشاره آنها در زبان.

semiaural hearing protection device

کلاهک محافظ مجرا
کلاهک های قابل انعطاف که به یک بند محکم
نور سر متصل می شوند به نحوی که روی دهانه

مجرای گوش را می پوشانند اما وارد مجرا نمی شوند. مترادف: canal caps.

semicanal of tensor tympani

نیم مجرای عضله کشنده صماخ
مجربی در استخوان گیجگاهی که به دیوار
سباتی (کاروتیدی) گوش میانی باز می شود و
عضله کشنده صماخ از آن می گذرد.

semicircular canals

سه مجرا در لایرنت استخوانی دستگاه دهلیزی
که اپی تلیوم های حسی مسئول پاسخ به حرکت
زاویه ای را در بر می گیرد. مجرای فوقانی با
مجرای خلفی زاویه قائمه می سازد و هر دوی
این مجاری بر مجرای خارجی عمودند.

horizontal s. c. = lateral semicircular canal

lateral semicircular canal

مجرای نیم دایره خارجی

posterior s. c.

مجرای نیم دایره خلفی

superior s. c.

مجرای نیم دایره فوقانی

semicircular ducts

مجاری نیم دایره غشائی

سه مجرای غشائی دستگاه دهلیزی که درون

مجاری نیم دایره استخوانی فوقانی، خلفی و
خارجی قرار گرفته اند و حاوی اپی تلیوم های
حسی مسئول پاسخ به حرکت زاویه ای هستند.

horizontal s. d. = lateral semicircular duct

lateral s. d.

مجرای نیم دایره غشائی خارجی

posterior s. d.

مجرای نیم دایره غشائی خلفی

superior s. d.

مجرای نیم دایره غشائی فوقانی

semi-skeleton earmold

به earmold مراجعه کنید.

senescence

پیری، کهولت، سالخوردگی
فرآیند پیر شدن که ممکن است سبب تغییرات
روان شناختی، اجتماعی و فیزیکی شود. این
تغییرات عبارتند از محدود شدن حس و آهستگی
پاسخ دهی، ضعف قوای ذهنی، آسیب حافظه
نزدیک، گیجی و ابهام از نظر زمانی و مکانی،
کاهش فعالیت ها و علائق، آسیب عاطفی، کاهش
دخالت در محیط، استفاده زیاد از تعابیر شخصی
در ارتباطات کلامی، افزایش همجنس خواهی
و احساس تردید نسبت به روابط عاطفی نزدیک
و افزایش مقاومت در برابر تغییر.

پیر، سالخورده، کهنسال

senescent

senile

senile پیر، سالخورده
مربوط به پیری، مربوط به خصوصیات سالخوردگی.

senile dementia دمانس پیری

دمانس تخریبی که عمدتاً در سالمندی رخ می‌دهد و نشانه‌های آن تخریب پیشرونده شناخت، کاهش حافظه و ناپایداری عواطف است.

senility پیری، سالخوردگی، کبر سن

بروز سالخوردگی از نظر شناختی و فیزیولوژیک. زوال جسمی و روانی همراه با پیری.

sensation احساس، حس

تغییر در وضعیت آگاهی که بر اثر تحریک عصب آوران ایجاد می‌شود.

sensation level (SL) سطح احساس

سطح شدت صدا بالاتر از آستانه فرد بر حسب دسی‌بل که معمولاً برای اشاره به سطح شدت ارائه محرک یا پاسخی بالاتر از یک آستانه مشخص نظیر آستانه تن خالص یا آستانه رفلکس صوتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

desired s. l. (DSL)

سطح احساس مطلوب
میزان شدت بالاتر از آستانه‌های رفتاری بر حسب دسی‌بل که برای تقویت طیف گفتار روزمره تا سطح تجویز شده در محدوده فرکانسی مورد نیاز است.

sensation unit (SU) واحد احساس

در شنوایی شناسی به کوچک‌ترین تغییر شدت که توسط گوش طبیعی کشف شود اطلاق می‌گردد. این مقدار تقریباً برابر با یک دسی‌بل است.

sense حس، احساس، حس کردن

آگاه شدن از وجود محرک از طریق یکی یا بیش از یکی از مسیرهای گیرنده پنجگانه (نور، صدا، بو، طعم، لمس).

sensitive حساس

حساسیت زیاد نسبت به محرک‌ها.

sensitivity حساسیت

۱. توانایی اندام حسی در کشف محرک‌ها.
۲. توانایی یک آزمون برای کشف اختلالی که آن آزمون برای کشف آن طراحی شده است. این توانایی به صورت درصد نتایج مثبت در بیماران مبتلا بیان می‌گردد. ر.ک: specificity.

absolute s. حساسیت مطلق

توانایی دستگاه شنوایی در کشف صداهای ضعیف. مترادف: absolute threshold.

differential s. حساسیت افتراقی

توانایی دستگاه شنوایی برای کشف تفاوت‌های بین محرک‌های شنوایی از نظر شدت، فرکانس و زمان. مترادف: auditory acuity.

hearing s. حساسیت شنوایی

ظرفیت دستگاه شنوایی برای کشف محرک‌ها غالباً توسط آستانه‌های ادیومتریکی تن خالص مشخص می‌شود.

sensitivity prediction from the

sensitivity prediction from the acoustic reflex (SPAR)

پیش‌بینی حساسیت شنوایی از طریق رفلکس صوتی

آزمایشی که برای پیش‌بینی وجود یا عدم کاهش شنوایی حلزونی طراحی شده است. در این آزمایش تفاوت بین آستانه‌های رفلکس تن خالص و نویز پهن‌بند مشخص می‌شود. در گوش‌های مبتلا به کاهش شنوایی مقدار این تفاوت کمتر است.

sensitivity threshold

به threshold مراجعه کنید.

sensitization

حساس‌سازی، حساسیت‌بخشی افزایش حساسیت نسبت به یک صدا که به دلیل رخداد یک صدای قبلی ایجاد می‌شود.

sensitized speech measures

ارزیابی‌های حساس‌تر گفتاری ارزیابی‌های ادیومتریک گفتار که در این روش‌ها گفتار به طرق مختلف تغییر داده می‌شود تا اطلاعات محتوای آن کاهش یابد و به‌طور مؤثرتری دستگاه شنوایی را درگیر کند. از جمله این روش‌ها می‌توان به پالایش پایین‌گذر و فشرده‌گی زمانی اشاره نمود.

sensorimotor

حسی حرکتی

sensorineural

حسی عصبی

مربوط به اندام‌های انتهایی حسی و رشته‌های عصبی آنها.

sensorineural acuity level test (SAL)

به masking techniques مراجعه کنید.

sensorineural hearing loss (SNHL)

به hearing loss مراجعه کنید.

sensory cells

سلول‌های حسی

در دستگاه شنوایی، سلول‌های مویی درون حلزون سلول‌های حسی شنوایی محسوب می‌شوند.

sensory epithelium

بافت پوششی حسی

در گوش به سلول‌های حسی و نگهدارنده اندام کرتی در حلزون، ستیغ‌های آمبولی در مجاری نیم‌دایره و ماکولاها در اتریکول و ساکول اطلاق می‌گردد.

saccular s. e.

اپی‌تلیوم حسی کیسکی، اپی‌تلیوم حسی ساکولی

ماکولا که متشکل از سلول‌های نوع یک و دو است که در غشاء اتولیتی ژلاتینی فرو رفته‌اند.

utricle s. e.

اپی‌تلیوم حسی زهدانچه‌ای، اپی‌تلیوم حسی اتریکولی

ماکولا که متشکل از سلول‌های نوع یک و دو است که در غشاء اتولیتی ژلاتینی فرو رفته‌اند.

sensory impairment

آسیب حسی

عملکرد غیرطبیعی یکی از حواس.

sensory Integration (SI)

sensory Integration (SI)

تلفیق حواس، یکپارچگی حواس
توانایی مغز در تفسیر و سازماندهی اطلاعات
حاصل از حواس شامل بینایی، شنوایی، چشایی،
بویایی و لامسه، تعادل، گرانیگاه و حرکت.
وجود مشکل در تلفیق حواس ممکن است به
اختلالات یادگیری، بیش‌فعالی، حواس‌پرتی،
ضعف هماهنگی، ضعف تعادل و اختلالات
رفتاری منجر شود و نیز امکان دارد در
مشکلات مدرسه، خانه، کار و بازی نقش
داشته باشد.

به nerve مراجعه کنید. sensory nerve

sensoryneural = sensorineural

sensory organization test (SOT)

آزمایش سازمان‌یافتگی حسی
بخشی از وضعیت‌نگاری پویای رایانه‌ای که با
شش جور ترکیب ورودی‌های حسی، تعادل را
ارزیابی می‌کند.

sensory presbycusis

پیرگوشی حسی
این نوع پیرگوشی محدود است به چند میلی‌متر
ابتدای پیچ قاعده‌ای حلزون، صاف شدن و
آتروفی اندام‌کرتی، کاهش سلول‌های مویی و
نگهدارنده که سبب آغاز کاهش شنوایی با
شیب ناگهانی در فرکانس‌های بالا در اواسط
عمر و پیشرفت تدریجی آن می‌شود.

sensory radicular neuropathy

بیماری‌های اعصاب حسی شعاعی
اختلال اتوزومی غالب دستگاه عصبی که با

دردهای برق‌آسای اندام‌های دور و زخم‌های
بدون درد پاها و کاهش شنوایی حسی عصبی
پیشرونده مشخص می‌شود.

sensory receptors

گیرنده‌های حسی
در گوش، اپی‌تلیوم‌های حسی شامل سلول‌های
مویی داخلی، ستیج‌های آمپولی و ماکولا‌های
اتریکول و ساکول است.

sentential approximations

تقریب جمله‌ای، جملات ساختگی
ساخت جمله‌های بی‌معنی که به نحوی طراحی
شده‌اند که از نظر نحوی درست و مناسب
باشند اما معنایی ندارند؛ نظیر جمله‌هایی که
در آزمایش SSI استفاده می‌شود.

SEP → somatosensory evoked poten-
tial

sepsis

عفونت

وجود باکتری یا سایر موجودات بیماری‌زا در
خون یا بافت‌های دیگر.

sequela; pl. sequelae

سکل، عارضه ماندگار، جای زخم
وضعیت یا بیماری که متعاقب یک وضعیت یا
بیماری دیگر رخ می‌دهد.

sequencing

ترتیب، توالی، تسلسل، سلسله، سکانس

auditory s.

توالی شنوایی

فرآیند درکی که در طی آن اصوات و واژه‌ها
به ترتیب صحیح قرار می‌گیرند.

sequential memory حافظه متوالی

ذخیره و بازیابی اطلاعات به نحوی که ترتیب خاصی برای ورود و یادآوری آنها رعایت می‌شود، نظیر شمارش اعداد، روزهای هفته، ماه‌های سال یا کلمات یک جمله. ر.ک:

auditory processes

serial audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

seroma تومور سرمی، سروما

توده‌ای که از تجمع مایع سرمی - خونی در بافت‌ها ایجاد می‌شود که می‌تواند در پی ضربه روی لاله گوش رخ دهد.

seromucinous otitis media

به otitis media مراجعه کنید.

serosanguineous سرمی - خونی

مخلوط سرم و خون.

serous سروز، سرمی

۱. مربوط به سرم، سرمی، شبه سرمی ۲. مولد سرم، محتوی سرم.

serous effusion ترشح سروز

مایع رقیق، آبکی و استریل که از غشاء مخاطی ترشح می‌شود.

serous labyrinthitis

به labyrinthitis مراجعه کنید.

serous otitis media (SOM)

به otitis media مراجعه کنید.

serum سرم

۱. مایع شفاف و رقیقی که سطح غشاهای سروز را مرطوب می‌کند.

۲. سرم خون

۳. سرم ایمنی، سرمی که از خون حیوانات ایمن شده به منظور ایمن‌سازی غیرفعال تهیه می‌شود، آنتی سرم؛ ضد سرم، پادزهر.

severe hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

sex-linked inheritance

وراثت وابسته به جنس

وراثتی که زن اختلال یافته آن روی کروموزوم X واقع شده باشد. مترادف:

X-linked inheritance

shadow audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

Shadow curve = shadow audiogram

shadow method

به masking techniques مراجعه کنید.

sharply falling audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

sheath خلاف، نیام، پوشش

پوشش لوله‌ای از بافت همبند که اعصاب را می‌پوشاند.

sheath

myelin s. غلاف میلین
پوشش میلینی الیاف عصبی.

sheath of schwann غلاف شوآن
سلول‌های شوآن که اعصاب محیطی از جمله
عصب هشتم مجموعه‌ای را در بر گرفته‌اند.

shell earmold به earmold مراجعه کنید.

SHM → simple harmonic motion

short crus of the incus

پایده کوتاه سندانی
پایه کوتاه سندانی که به حفره سندانی متصل
می‌شود و به عنوان نقطه محوری حرکت لولایی
زنجیره استخوانچه‌ای عمل می‌کند.

short-increment sensitivity index
(SISI)

شاخص حساسیت به افزایش‌های اندک
آزمایشی که برای تشخیص افتراقی مورد
استفاده قرار می‌گیرد و مبنای آن حساسیت
افتراقی نسبت به افزایش‌های یک دسی‌بلی
است که روی یک تن خالص سوار شده‌اند.
توانایی درک این افزایش نشانه حلزونی بودن
ضایعه است.

high-level SISI در شدت بالا
ازمایش اولیه‌ای برای تشخیص اختلال و راه
حلزونی. اصلاحیه روش SISI که در سطح شدت
بالا ارائه می‌شود. افراد دارای شنوایی هنجار و

یا کاهش شنوایی حلزونی باید افزایش‌های
ناچیز شدت را در این سطح درک کنند.

modified SISI = high-level SISI

short-term memory حافظه کوتاه‌مدت
بخشی از عملکرد دستگاه عصبی مرکزی برای
پرورش اطلاعات که اطلاعات را دریافت،
اصلاح و برای مدتی کوتاه ذخیره می‌کند.

shrapnell membrane

به membrane مراجعه کنید.

Shrapnell membrane perforation

پارگی پرده شراپنل
پارگی بخش شل پرده صماخ.

shunt شنت، شانت، گریز، گریزراه

۱. منحرف کردن، تغییر جهت دادن، میان‌بر
زن؛ ۲. ارتباط طبیعی یا غیرطبیعی بین دو
مجرای طبیعی به خصوص بین عروق خونی؛
۳. ایجاد آناستوموز از طریق جراحی، عمل
جراحی برای ایجاد شنت.

endolymphatic s.

شنت آندولنفاتیک
روش جراحی که به منظور ایجاد سوراخ در
لایبرنت غشائی برای از بین بردن هیدروپس
آندولنفاتیک ابداع شده است.

sibilant

صفیری، صدای صغیرمانند
صدای گفتاری هیس مانند نظیر /z/، /s/.

Sickness Impact Profile (SIP)

پرسشنامه صدمات ناشی از بیماری پرسشنامه استانداردی که برای ارزیابی صدمات فیزیکی و روانی اجتماعی ناشی از آسیب بر فرد طراحی شده است.

side band باند کناری

گروهی از فرکانس‌ها که در دو طرف فرکانس حامل قرار دارند.

SIFTER → Screening Instrument For Targeting Educational Risk**siglish** → Signed English**sigmoid sinus** سینوس سیگموئید

بخشی از سینوس ورید خارجی که در محفظه ماستوئید برآمدگی بارزی ایجاد می‌کند و مجرای اصلی خروج خون جمجمه محسوب می‌شود.

sign نشانه، علامت، نشان، اثر

۱. هر علامت قابل دید یا قابل اندازه‌گیری یک بیماری. ر.ک: symptom؛ ۲. شکل و حرکت دست‌ها که در ارتباط دستی مورد استفاده قرار می‌گیرند و یک واژه یا مفهوم را با علامت نشان می‌دهند.

sign language زبان اشاره

شکلی از ارتباط دستی که در آن کلمات و مفاهیم به وسیله وضعیت‌ها و حرکات دست نشان داده می‌شوند.

sign marker علائم دستوری

در زبان اشاره برای نشان دادن تغییرات اساسی و کلی واژه‌ها، معمولاً تغییرات صرفی و ضمایم انتهایی که معنای واژه را تغییر می‌دهند، به کار می‌رود. نظیر کتاب‌ها = اشاره کتاب + ه + ا.

sign systems

نظام‌های اشاره، روش‌های اشاره روش‌های ارتباط دستی که ناشنوایان استفاده می‌کنند.

sign word واژه اشاره

در زبان اشاره برای نشان دادن یک واژه استفاده می‌شود نظیر مادر، بچه، مرد.

signal

علامت، سیگنال، نشانه، محرک، پیام صداهایی که حامل اطلاعات یا محرک عمل باشد.

signal averaging

محاسبه میانگین پاسخ، معدل‌گیری پاسخ معدل‌گیری امواج متوالی EEG که از نظر زمانی به محرک صوتی وابسته هستند و کم کردن آن از پتانسیل برانگیخته مورد نظر. این امر سبب وضوح بیشتر پاسخ می‌شود.

signal-detection theory

نظریه کشف محرک مدلی سایکوفیزیکی که بر مبنای آن برای کشف یک محرک ملاک مشخصی باید وجود

signal generator

داشته باشد که ماهیت آن به تبعیت از احتمال وجود محرک و ارزش‌ها و مقادیر مربوط به درستی و نادرستی آن تغییر می‌کند.

signal generator

مولد محرک، مولد سیگنال
وسيله‌ای که یک سیگنال الکتریکی را با دامنه، فرکانس و شکل موج مشخص تولید می‌کند.

signal processing

به processing مراجعه کنید.

signal-to-noise ratio (S/N)

نسبت محرک به نویز
اختلاف نسبی بین صدای مورد نظر و نویز زمینه بر حسب دسی‌بل. این نسبت برای ایجاد ارتباط رضایت‌مندانده باید بیش از ۶ دسی‌بل باشد.

Signed English انگلیسی اشاره‌ای

نظام ارتباط دستی که ناشنویان انگلیسی‌زبان استفاده می‌کنند. برخی ویژگی‌های این روش از اشاره آمریکایی و برخی خصوصیات دیگر آن از روش اشاره انگلیسی گرفته شده است اما دستور زبان این روش از هر دوی آنها ساده‌تر است. مترادف: pidgin sign English.

Signing Exact English (SEE2)

اشاره دقیق انگلیسی
روشی که علائم آن به جای نشان دادن ریشه واژه‌ها و در صورت نیازوندها، خود کلمه را اشاره می‌کند.

sigymbols

علائم نمادین

ترکیب کوتاه‌شده SIG از علائم اشاره (Sign)، SYMBOLS به معنای نمادهای گرافیکی. علائم نمادین طرح‌های تصویرنگاری یا اندیشه‌نگاری محسوب می‌شوند که برای استفاده در تابلوهای ارتباطی ترسیم شده‌اند. این علائم عمدتاً برای افرادی که تحت آموزش علائم اشاره هستند به منظور تسهیل ارتباط مورد استفاده قرار می‌گیرند. ر.ک:

augmentative communication

SII → speech intelligibility index

SIL → speech-interference level

silica gel

ژل سیلیکا

ماده رطوبت‌گیر که غالباً در جعبه سمعک استفاده می‌شود.

simple harmonic motion (SHM)

حرکت هماهنگ ساده، حرکت نوسانی ساده حرکت جلو و عقب مداوم، قرینه و تناوبی شی‌ای که به حرکت وادار شده است.

simple mastoidectomy

ماستوئیدکتومی ساده

برداشت بخش‌های استخوانی تشکیل‌دهنده سلول‌های هوایی ماستوئید به منظور تخلیه عفونت حاد گوش میانی و ماستوئید که به دارو درمانی مقاوم است.

simple sound source

منبع صوتی ساده منبعی که صدا را در تمام جهات یک میدان صوتی به‌طور یکنواخت منتشر می‌کند.

simple tone به tone مراجعه کنید.

simple wave به wave مراجعه کنید.

simplex procedure روش ساده

روش سایکوفیزیکی انطباقی که برای مقایسه مشخصه‌های الکترواکوستیکی یک سمعک در ابعاد مختلف مداربندی آن طراحی شده است.

simulator, audiometric

شبیه‌ساز ادیومتریکی

تجهیزاتی با مبنای رایانه‌ای که برای آموزش مهارت‌های سنجش شنوایی، پاسخ‌های بیماران دارای منحنی‌های ادیومتریکی متفاوت را شبیه‌سازی می‌کند.

simultaneous auditory feedback

به feedback مراجعه کنید.

simultaneous binaural bithermal caloric test

آزمایش حرارتی دو دمایی دوگوشی همزمان نوعی آزمایش حرارتی عملکرد دهلیزی که هر دو گوش به طور همزمان با هوا یا آب سرد و بعد، هوا یا آب گرم تحریک می‌شوند.

simultaneous binaural median plane localization (SBMPL)

مکان‌یابی همزمان دو گوش در وسط سر آزمایش اولیه جهت‌یابی که در آن سطح شدت تن‌های یکسانی که همزمان به دو گوش ارائه می‌شود تغییر داده می‌شود تا زمانی که یک تن ترکیبی در وسط سر درک گردد.

simultaneous method روش همزمان

اصطلاح قبلی روش توانبخشی ارتباطی که اکنون ارتباط کلی نامیده می‌شود. مترادف:

bimodal or combined method

sine سینوس، جیب

تابع مثلثاتی که شکل آن با شکل حرکت هماهنگ ساده در طول زمان یکی است.

sine wave به wave مراجعه کنید.

single-channel processing

به processing مراجعه کنید.

single-gene disorder اختلال تک‌ژنی

نقص تکاملی که از عمل یک ژن منفرد ناشی می‌شود. این ژن ممکن است اتوزومی یا وابسته به X و غالب یا مغلوب باشد.

singular nerve به nerve مراجعه کنید.

sinistral ۱. مربوط به سمت چپ، چپی

۲. چپ‌دست

sintered filter به filter مراجعه کنید.

sinus سینوس، جیب

۱. محفظه یا فضای توخالی در استخوان یا

سایر بافت‌ها؛ ۲. مجرای برای عبور خون یا

لنف؛ ۳. مجرا یا فیستول غیر طبیعی برای خروج

چرک.

sinus

lateral s.

سینوس خارجی، سینوس جانبی
بزرگترین سینوس وریدی که مسئول جمع‌آوری
خون قسمت اعظم سر و گردن است.

sigmoid s. سینوس سیگموئید

بخشی از سینوس ورید خارجی که در محفظه
ماستوئید برآمدگی بارزی ایجاد می‌کند و
مجرای اصلی خروج خون جمجمه محسوب
می‌شود.

venous s. سینوس وریدی

مجاری بزرگی جهت خون وریدی که بین
لایه‌های سخت‌شامه مغز یک سیستم ارتباطی
به وجود می‌آورد و خون مغز، استخوان گیجگاهی
و کاسه چشم را دریافت نموده و به وریدهای
پوست سر یا وریدهای عمقی قاعده جمجمه
تخلیه می‌شود.

sinusoid = sine wave

sinusoidal سینوسی

مربوط به موج سینوسی یا شبیه به آن.

sinusoidal wave به wave مراجعه کنید.

SIP → Sickness Impact Profile

SISI → short increment sensitivity
index

sisomicin سیسومايسين

آنتی‌بیوتیکی که طیف و کاربرد آن شبیه به

چنتامایسین است و در صورت مصرف با دوز
بالا بالقوه سم گوش است.

six Hertz positive spikes

قله‌های تیز شش هر تزی مثبت
امواج الکتروآنسفالوگرافی که معمولاً در وضعیت
خواب‌آلودگی دیده می‌شوند. مشخصه آنها
انفجارهای ناگهانی الکتریسته مثبت است که
به شکل قله تیز با فرکانس ۶ هرتز در ثانیه رخ
می‌دهد. تصور می‌شود از ساختمان‌های عمقی
مغز منشأ می‌گیرند.

six Hertz positive spike-waves

امواج - قله‌های تیز شش هر تزی مثبت
امواج الکتروآنسفالوگرافی که معمولاً در وضعیت
بیداری دیده می‌شوند و مشخصه آنها انفجارهای
ناگهانی الکتریسته مثبت است که قله‌های
تیز دارند و به دنبال آن یک موج با ریتم ۶
هرتز در ثانیه رخ می‌دهد. به نظر می‌رسد از
ساختمان‌های عمقی مغز منشأ می‌گیرند.

60-cycle noise or hum

به noise مراجعه کنید.

skeleton earmold

به earmold مراجعه کنید.

ski-slope hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

SL → sensation level

sleeve earmold

به earmold مراجعه کنید.

slight hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

slit leak

نشت کناری

نشت انرژی صوتی از پیرامون قالب یا سمعک
...فارشی.

slow negative auditory evoked response (SN10)

پاسخ برانگیخته شنوایی با قله منفی آهسته،
SN10.

پتانسیل الکتریکی معدل‌گیری شده شنوایی
که توسط اصوات انفجاری برانگیخته می‌شود و
به شکل قله منفی پهن فرق سر که حدود ۱۰
میلی ثانیه پس از شروع محرک رخ می‌دهد
مشخص می‌شود.

slow phase

مرحله کند، فاز کند

جزئی از نیستاگموس که حرکت پیوسته و
یکنواخت چشم را نشان می‌دهد. این حرکت
برای حفظ هدف بینایی روی لکه زرد شبکیه
ضروری است.

slow-phase velocity (SPV)

سرعت مرحله کند

ارزیابی معمول شدت نیستاگموس که عبارت
است از اندازه قوس حرکت چشم طی مرحله
کند نیستاگموس بر حسب درجه. متراف:

vestibular eye speed

slow pursuit = smooth pursuit

slow-vertex response

پاسخ دیررس کف سر

پتانسیل برانگیخته که از قشر مغز منشأ
می‌گیرد و دارای دو قله اصلی، یک قله مثبت
حدود ۱۸۰ میلی ثانیه متعاقب ارائه محرک
است که از فرق سر ثبت می‌شوند. مترادف:
long-latency auditory evoked potential

SLP → speech-language pathologist

smooth pursuit

تعقیب یکنواخت

حرکت چشم که برای تعقیب اهدافی که به‌طور
آرام و یکنواخت حرکت می‌کنند لازم است.
مترادف: slow pursuit.

smoothing

هموار کردن، صاف کردن، یکنواخت کردن
روند کاهش دادن ناصافی‌ها و ناهمواری‌های
منحنی.

SMSP → spectral maxima sound
processor

SN10 → slow negative (auditory
evoked response)

SNHL → sensorineural hearing loss

SOAE → spontaneous otoacoustic
emission

SOC → superior olivary complex

social adequacy index

social adequacy index

شاخص کارایی اجتماعی
ارزیابی اولیه که برای مشخص کردن مقدار
عددی ناتوانی شنوایی بر اساس نسبت آستانه
گفتار و توانایی بازشناسی واژه ابداع شده است.

کاهش شنوایی اجتماعی **socialocusis**
کاهش حساسیت شنوایی به دلیل اثرات توأم
سن، مواجهه با نویز و سایر عوامل محیط.

سدیم **sodium (Na⁺)**
عنصر شیمیایی که در پری لنف با غلظت زیاد
در آندولنف با غلظت کم یافت می شود.

soft peak clipping

برش ملایم قله، برش تدریجی قله
برش قله در تقویت سمعک که مقادیر اضافی
قله های دامنه جریان متناوب را در سطحی از
پیش تعیین شده به روش تدریجی که اعوجاج
را کاهش دهد قطع می کند. مترادف:

modified peak clipping

SOM → serous otitis media

soma تن، جسم، بدن
جسم سلولی نورون.

somatosensory

حسی تنی، سوماتوسنسوری
مربوط به حس هایی که در پوست و بافت های
عمقی بدن درک می شود.

somatosensory evoked potential
(SEP) به potential مراجعه کنید.

somesthetic

احساس عمومی وجود جسم و اعمال اعضاء
بدن.

sone

سون
واحد ارزیابی بلندی یک تن از نظر فرد
به طوری که یک سون برابر است با بلندی تن
خالص ۱۰۰۰ هرتز در ۴۰ dB SL و ۲ سون
برابر است با بلندی دوبرابر مقدار ذکر شده.

sonic

صوتی

SOT → sensory integration test

sound

صوت، صدا

انرژی ارتعاشی که با امواج فشاری در هوا یا
سایر محیط های حد واسط انتقال می یابد و
علت واقعی احساس شنوایی محسوب می شود.

sound absorption

جذب صدا

کاهش انرژی صوتی به وسیله موادی که از
بازتاب جلوگیری می کنند.

sound blending

آمیختگی صوتی

پردازه درکی که در طی آن واج های مجزا به
صورت هجا یا کلمه کامل تلفیق می شوند.
مترادف: auditory synthesis.

sound bore

مجرای صوتی قالب

سوراخی در قالب که صوت تقویت شده از طریق
آن به مجرای گوش هدایت می شود. مترادف:
earmold bore

sound field میدان صوتی
منطقه یا فضای محدودی که صدا در آن از طریق بلندگو پخش می‌شود.

sound field amplification به amplification مراجعه کنید.

sound field localization audiometry به audiometry مراجعه کنید.

sound field testing آزمایش در میدان صوتی
در ادیومتری کودکان یا تنظیم و تطبیق سمعک، تعیین حساسیت شنوایی یا توانایی بازشناسی گفتار یا محرکی که از طریق بلندگو در میدان صوتی ارائه می‌شود.

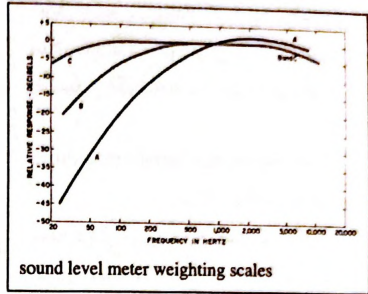
sound intensity شدت صوت
۱. توان صوتی که از یک منطقه معین عبور کرده بر حسب وات بر مترمربع.
۲. اصطلاح کلی برای هر کمیتی که به مقدار دامنه صوت مربوط می‌شود.

sound level, equivalent (Leq) سطح صوت معادل

اندازه‌گیری صوتی که در طول زمان تغییر می‌کند بر حسب میانگین انرژی در زمان که نشان‌دهنده انرژی صوتی کل است در طول یک دوره زمانی معین به طوری که صدا بدر تغییر در نظر گرفته شود. مترادف:

equivalent level

sound level meter صداسنج
ابزار الکترونیکی برای اندازه‌گیری شدت صدا بر حسب دسی بل مطابق استاندارد قابل قبول.



sound power density = sound intensity

sound pressure level (SPL) سطح فشار صوتی
بزرگی یا مقدار انرژی صوتی نسبت به فشار مرجع (۰/۰۰۰۲ دین بر سانتی‌مترمربع یا ۲۰ میکروپاسکال).

$$\text{dB SPL} = 20 \cdot \log \frac{\text{فشار صوتی مورد نظر (P)}}{\text{فشار مرجع (Pr)}}$$

sound pressure level

effective s. p. l. سطح فشار صوتی مؤثر
سطحی که دارای شدت کافی برای تولید یک پاسخ خاص است.

overall s. p. l. سطح فشار صوتی کلی
انرژی صوتی کلی در محدوده فرکانسی که بدون توزین فرکانسی اندازه‌گیری شده باشد.

sound pressure level

peak equivalent s.p.l. (pe SPL)

سطح فشار صوتی معادل قله

سطح دسی بل تن ۱۰۰۰ هرتز در دامنه‌های معادل با قله یک محرک گذرا. این سطح برای بیان شدت محرک‌های کلیک در آزمایش پتانسیل برانگیخته شنوایی به کار می‌رود.

reference equivalent threshold

s.p.l. (RETSPL)

سطح فشار صوتی معادل آستانه

تعیین سطوح فشار صوتی مربوط به صفر ادیومتریک برای یک گوشی معین بر اساس استاندارد ANSI.

saturation s.p.l.

سطح اشباع فشار صوتی

حداکثر خروجی حاصل از گوشی مینیاتوری (رسیور) سمعک که بر حسب سطح فشار صوتی ریشه دوم میانگین (RMS) بیان می‌شود.

sound pressure level range

محدوده فشار صوتی

حداقل و حداکثر فشار صوتی که فرد بتواند تولید کند یا در نقاط مشخصی از محدوده فرکانسی خود کشف نماید.

sound pressure wave = sound wave

sound-proof

ضد صوت

غیر قابل نفوذ برای انرژی صوتی.

sound-proof

کیفیت صوت

درک یا تفسیر روانی طیف صوت.

sound quantity

کمیت صدا

در ادیومتری به مدت ارائه صدا اطلاق می‌گردد.

sound spectrum

طیف صوت

محدوده کامل تک صدای خاص که به صورت مقدار اجزای فرکانسی آن مشخص می‌شود.

sound-symbol association

تداعی صوت با نماد

توانایی ایجاد ارتباط بین آنچه که از طریق یک حس (شنوایی) دریافت شده با واقعه دیگری که از طریق حس دیگری (بینایی) دریافت گردیده است. ر.ک:

cross-modality perception

sound wave

به wave مراجعه کنید.

SP → summing potential

space of Nuel

فضای نونل

فضای بین ستون‌های خارجی و اولین ردیف سلول‌های مویی خارجی در اندام کرتی.

space-occupying lesion

ضایعه فضاگیر

نئوپلاسمی که اثرات آن بر خلاف ضایعات ناشی از ضربه، ایسکمی یا التهاب، به دلیل رشد و گسترش به بافت‌های عصبی بیش‌تر می‌شود.

special balance توازن مکانی
بهبود درک جهت‌یابی شنوایی که از طریق گوش کردن دوگوشی حاصل می‌شود.

SPAR → sensitivity prediction from the acoustic reflex

specificity ویژگی
توانایی یک آزمایش برای افتراق وضعیت طبیعی از اختلالی که آزمایش برای کشف آن طراحی شده است. ویژگی به صورت درصد نتایج منفی در بیماران بدون اختلال بیان می‌شود. ر.ک: sensitivity.

spectral contrast
اختلاف قله‌های مثبت و منفی طیف
اختلاف بین قله‌ها و فرورفتگی‌های سازه‌های محرک صوتی بر حسب دسی‌بل.

spectral maxima sound processing (SMSP)
به processing مراجعه کنید.

spectral peaks قله‌های طیف
محدوده‌های باریک پرنرژری در طیف دامنه صوت.

spectrogram طیف‌نگاشت
طیف‌های کوتاه‌مدت که معمولاً به محرک گفتاری مربوط است و به عنوان تابعی از زمان نمایش داده می‌شود.

spectrograph طیف‌نگار
دستگاه الکترونیکی که نمودار سه‌بعدی گفتار

را تولید می‌کند. در این نمودار فرکانس روی محور عمودی، زمان در محور افقی و شدت یا تراکم منحنی‌ها مشخص می‌شود.

spectrum; pl. spectra طیف
توزیع مقدار اجزاء فرکانسی صوت.

amplified speech s.
طیف‌گفتار تقویت‌شده
خروجی الکترواکوستیک سمعک در پاسخ به نویز گفتاری یا سایر محرک‌هایی که مبین طیف‌گفتار هستند.

band s. طیف باندها
نمایش نموداری صوت که به شکل سطوح فشار صوتی باندهای فرکانسی خاصی نشان داده می‌شود.

line s. طیف خطی
نمایش نموداری محتوای فرکانسی یک محرک. در این نمودار خطوط عمودی برای باندهای فرکانسی به صورت تابعی از مقدار انرژی در هر باند ترسیم می‌شوند.

long-term speech s. (LTSS)
طیف‌گفتار روزمره
سطح انرژی کلی و ترکیب فرکانسی گفتاری که نماینده گفتار روزمره است.

noise s. طیف نویز
محتوای طیفی نویز.

spectrum

sound s. طیف صوت
محدوده کامل یک صدا که به صورت مقدار
اجزا فرکانسی آن مشخص می شود.

spectrum analyzer تحلیلگر طیف
صداسنج دارای پالایه های باندگذر که برای
تعیین سطح هر باند فرکانسی در یک صوت
مرکب مورد استفاده قرار می گیرد.

speculum مخروط
وسیله ای برای بازتر کردن دهانه هر محفظه یا
مجرا برای معاینه داخل آن.

aural s. اسپکولوم گوشی
وسیله ای مخروطی شکل برای گوشودن سوراخ
مجرای خارجی گوش به منظور تسهیل بررسی
مجرای گوش و پرده صماخ.

speech گفتار
عمل تنفسی، آواسازی، تولید و تشدید که
واسطه ارتباطی کلامی است.

accelerated s.
گفتار شتاب یافته، گفتار شتابان
محرک های گفتاری ضبط شده که به منظور
افزایش سرعت ارائه از نظر زمانی تغییر داده
شده اند.

cold-running s. گفتار پیوسته

compressed ? - time-compressed speech

connected s. گفتار پیوسته یا مداوم
مانند داستان خوانی که در ادیومتری گفتاری
عمدتاً به عنوان پیام رقابتی زمینه ای مورد
استفاده قرار می گیرد.

cued s.
گفتار اشاره ای، گفتار نشانه دار
گفتار خوانی همراه با قرار گرفتن دست به
وضعیت های مختلف نزدیک دهان به منظور
تمایز الگوهای بینایی مشابه.

dactyl s.
گفتار انگشتی، الفبای دستی، ارتباط دستی

deaf s. گفتار ناشنویان
گفتاری که در افراد مبتلا به کاهش شنوایی
شدید معمول است. مشخصات آن ممکن است
شامل موارد ذیل باشد:
الف. گفتار آهسته و ثقیل، ب. بازدم بیش از حد
برای عبارت سازی، پ. جانشینی و خرابگویی
واکه ها و همخوان ها، ت. اختلال نوای گفتار،
ث. خیشومی شدگی بیش از حد، ج. ادا یا حذف
ناجای همخوان ها و ج. تولید هجاهای نامناسب
و اضافی.

Interrupted s. گفتار منقطع
محرک گفتاری که به طور متناوب و منظم انقطاع
می یابد.

time-compressed s. گفتار فشرده
گفتاری که بدون تغییر مشخصات فرکانسی با
حذف برخی بخش ها و فشردن بخش های
باقی مانده شتاب یافته است.

unintelligible s. گفتار نامفهوم
کلامی که برای شنونده قابل درک نباشد.

استفاده می‌شد.

visible s. گفتار قابل دید، گفتار مرئی

۱. نظامی از نمادها که شکل اندام‌های گفتاری را هنگام تولید صداها نشان می‌دهند و در آموزش گفتار به ناشنوایان کاربرد دارند. این روش توسط الکساندر گراهام بل ابداع شده است.
۲. استفاده توأم از گفتار و الفبای دستی. ر.ک:

Rochester method

speech and hearing sciences

علوم شنوایی و گفتار
مطالعه پرده‌ها و اختلالات مربوط به تولید و دریافت گفتار و زبان.

speech audiometer

به audiometer مراجعه کنید.

speech audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

speech-awareness threshold (SAT)

به threshold مراجعه کنید.

speech conservation حفاظت گفتار

روش درمانی که برای حفظ توانایی تولید گفتار در پی کاهش شنوایی اکتسابی ابداع شده است.

speech detection کشف گفتار

درک وجود محرک گفتاری.

speech-detection threshold (SDT)

به threshold مراجعه کنید.

speech discrimination (SD) تمایز گفتار

واژه‌ای که قبلاً به جای بازشناسی گفتار

speech-discrimination score (SDS)

امتیاز تمایز گفتار
واژه قدیمی برای امتیاز بازشناسی گفتار که عبارت است از درصد واژه‌های ارائه شده از یک فهرست که درست شناسایی شده‌اند.

speech frequencies

فرکانس‌های گفتاری
فرکانس‌های ادیومتریک که عمده انرژی گفتار در آنها رخ می‌دهد و به طور متعارف فرکانس‌های ۵۰۰، ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ هرترز در نظر گرفته می‌شود.

speech in noise test

آزمایش بازشناسی گفتار در حضور نویز
آزمایش گفتاری که در آن واژه‌های تک‌هجایی و نویز سفید به یک گوش ارائه می‌شوند و درصد بازشناسی صحیح واژه‌ها در سطوح محرک به تویز بین صفر تا ۱۰ دسی‌بل تعیین می‌گردد.

speech intelligibility فهم گفتار

توانایی بازشناسی گفتار.

speech intelligibility index (SII)

شاخص فهم گفتار
معادل شاخص درک یا قابلیت شنیدن که استاندارد ANSI است. یک روش ارزیابی علائم گفتاری موجود که قابل شنیدن هستند.

speech-interference level (SIL)

سطح تداخل گفتار
اثر پوشانندگی یا تداخل نویز بر درک ارتباط گفتاری که پیش‌تر بر حسب شاخص درک گفتار بیان می‌شد اما در حال حاضر بر حسب

سطوح فشار صوتی در باندهای مختلف اکتاوی بیان می‌گردد.

speech-language pathologist (SLP)

آسیب‌شناس گفتار و زبان متخصص علوم توانبخشی که در زمینه آسیب - شناسی گفتار و زبان تخصص گرفته است تا خدمات جامع مربوط به پیشگیری، ارزیابی و توانبخشی اختلالات گفتار و زبان را ارائه نماید.

speech-language pathology

آسیب‌شناسی گفتار و زبان شاخه‌ای از علوم توانبخشی که به مطالعه، تشخیص و درمان بیماری‌های گفتار و زبان اختصاص دارد.

به noise مراجعه کنید. **speech noise**

درک گفتار **speech perception**
آگاهی، بازشناسی و تفسیر محرک‌های گفتاری که در مغز دریافت می‌شوند.

rapidly alternating s. p. (RASP)

درک گفتار با تناوب سریع
آزمایش بازشناسی جمله که در آن محرک در هر گوش با میزان ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلی ثانیه به تناوب ارائه می‌شود. این آزمایش برای ارزیابی تلفیق شنوایی در ساقه مغز طراحی شده است.

پردازنده گفتار **speech processor**
قسمتی از دستگاه‌های کاشت حلزون، که مسئول تبدیل محرک‌های گفتاری صوتی به

تکانه‌های الکتریکی است که به الکترودهای کاشت شده ارائه می‌شوند.

speech perception in noise test

آزمایش درک گفتار در حضور نویز (SPIN)
ارزیابی توانایی بازشناسی واژه در حضور نویز که در آن واژه‌های مورد نظر در انتهای جمله‌های آزمون واقع می‌شوند و احتمال پیش‌بینی کردن یا حدس زدن آنها بر اساس محتوای جمله متفاوت است.

speech-reception threshold (SRT)

به threshold مراجعه کنید.

بازشناسی گفتار **speech recognition**
بازشناختن یا تعیین اهداف گفتاری از طریق تکرار، نوشتن آن یا اشاره کردن به شیء یا تصویر. برخی آن را معادل شناسایی می‌دانند و برخی دیگر شناسایی را فقط برای آزمایش‌های دارای پاسخ بسته به کار می‌برند.

speech sound discrimination

تمایز صداهای گفتاری
توانایی افتراق قائل شدن بین صداهای گفتاری به صورت مشابه و متفاوت.

speech sound memory test

آزمایش حافظه صداهای گفتاری
آزمایشی برای ارزیابی حافظه شنوایی صداهای گفتاری در کودکان و بزرگسالان. در این آزمایش تمایز گفتاری بررسی نمی‌شود.

آزمایش استنجر گفتاری **speech Stenger**
آزمایش استنجر که به جای تن خالص از واژه‌های

اسپوندی استفاده می شود. مترادف:
modified stenger test

speech target هدف گفتاری
در ادیومتری گفتاری به محرک گفتاری مورد
نظر گفته می شود.

speech threshold (ST)
به threshold مراجعه کنید.

speech-weighted composite signal
محرک مرکب شبه گفتاری، محرک هم‌نهمشته
شبه گفتاری
صوت مرکبی که دارای یک عامل قله شبیه به
گفتار است.

**speech with alternating masking
index (SWAMI)**

شاخص درک گفتار با پوشش متناوب
آزمایش اولیه اندازه‌گیری بازشناسی گفتار که
دو محرک (یک محرک هدف و یک محرک
نویز با شدت ۲۰ دسی‌بل بالاتر) به طور متناوب
و سریع به دو گوش ارائه می‌شوند تا تلفیق
شنوایی دوگانه دوگوشی (دایکوتیک) ارزیابی
شود.

speechreading گفتارخوانی
روشی برای فهم گفتار با استفاده از علائم
کلیدی بینایی، به عبارت دیگر درک گفتار از
طریق مشاهده و توجه به حرکات لب و صورت
و ایما و اشارات کلی بدن.

spike نیزه‌ای، نوک تیز، خار
در فیزیولوژی اعصاب به تکانه یا پتانسیل
عمل یک نورون اطلاق می‌گردد.

spillover
مهاجرت محرک‌های الکتریکی، معمولاً از مبدل
اف. ام. از اتاقی به اتاق مجاور.

SPIN test → speech perception in
noise test

spinal accessory nerve
به nerve مراجعه کنید.

spiral bundles
دسته‌های اعصاب نخاعی
دسته‌های اعصاب وایران از اعصاب زیتونی
حلزونی نامتقاطع که درست از زیر سلول‌های
مویی داخلی عبور می‌کند و با پایانه‌های آوران
آنها سیناپس می‌نماید.

spiral ganglia عقده‌های ماریچی
اجسام سلولی الیاف عصب شنوایی که در ستونک
تجمع یافته‌اند. مترادف: auditory ganglia.

spiral lamina
تیغه ماریچی. صُفحہ ماریچی
طبقه استخوانی که از طرف ستونک حازون
آغاز می‌شود و شامل دو صفحه نازک استخوانی
است که بین آنها رشته‌های عصبی از عصب
شنوایی تا حازون و بالعکس عبور می‌کنند.

spiral ligament

spiral ligament

به ligament مراجعه کنید.

spiral limbus

سکوی مارپیچی

برآمدگی از بافت همبند در نردبان میانی که روی صفحه مارپیچی استخوانی قرار گرفته و انتهای داخلی غشاء سقفی به آن متصل می‌شود.

spiral organ

اندام مارپیچی

اندام شنوایی که شامل سلول‌های حسی و محافظ است و روی غشاء پایه در مجرای حلزونی واقع شده است. مترادف:

organ of Corti

spiral plate = spiral lamina

spiral prominence

برآمدگی مارپیچی

برجستگی تاقچه‌مانند رباط مارپیچی نزدیک غشاء پایه. مترادف: basilar crest.

spiral stria = stria vascularis

spiral sulcus

شیار مارپیچی

شکافی در اندام کرتی که توسط سطح مقعر، حاشیه مارپیچی، غشاء سقفی و سطح داخلی سلول‌های مویی داخلی تشکیل می‌شود. مترادف: inner spiral tunnel, inner sulcus

spiral tunnel = spiral sulcus

SPL → sound pressure level

split-band amplification

به amplification مراجعه کنید.

spondaic

مربوط به واژه دوهجایی دوضربی، مربوط به واژه اسپوندی.

spondaic threshold

به threshold مراجعه کنید.

spondee

واژه دوهجایی دوضربی، واژه اسپوندی

spondee threshold (ST)

به threshold مراجعه کنید.

spontaneous nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

spontaneous otoacoustic emission (SOAE)

به otoacoustic emission مراجعه کنید.

spread of masking گسترش پوشش

پوشش یک فرکانس توسط فرکانس دیگری به شکل پیش‌گرا یا پس‌گرا.

downward s. m. پوشش پس‌گرا

پوشش فرکانس‌های پایین توسط اصوات بلند دارای فرکانس بالا. مترادف:

remote masking

upward s. m. پوشش پیش‌گرا

پوشاندن صدای دارای فرکانس بالا توسط صدای کم فرکانس به‌طور مثال پوشش یافتن همخوان‌های کم‌شدت دارای فرکانس بالا توسط واژه‌های قوی دارای فرکانس پایین.

SPV → slow phase velocity

squamous فلس دار، پولکی، سنگفرشی

squamous cell carcinoma

کارسینوم سلول‌های سنگفرشی
شایع‌ترین تومور بدخیم لاله گوش که نشانه‌های آن ضخامت پیش‌رونده پوست همراه با پوسته پوسته شدن، برآمدگی بدون درد و تشکیل زخم با لبه‌های برجسته می‌باشد.

squamous portion of the temporal bone بخش صدفی استخوان گیجگاهی

قسمت نازک و صفحه‌ای شکل استخوان گیجگاهی که به صورت یک برآمدگی بادبزنی در بالا و جلوی مجرای خارجی شنوایی دیده می‌شود.

square wave به wave مراجعه کنید.

squeal, hearing aid

سوت سمعک

صدای زیر و سوت‌مانندی که به دلیل بازخورد صوتی از سمعک خارج می‌شود.

squelch, binaural تضعیف دوگوشی نویز
بهبود قابلیت فهم گفتار در حضور نویز توسط

دو گوش نسبت به یک گوش به دلیل اختلاف شدت و فاز بین‌گوشی.

SRT → speech-reception threshold

SSEP → steady-state evoked potential

SSI → synthetic sentence identification test

SSPL 90 → saturation sound pressure level 90

SSW → staggered spondaic word test

ST¹ → speech threshold

ST² → spondee threshold

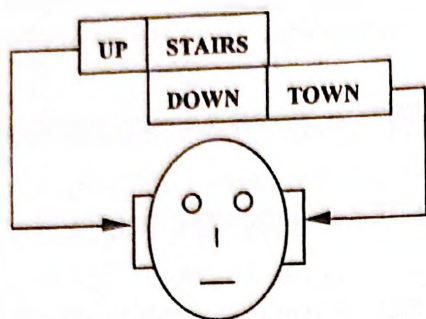
staggered spondaic word test

آزمایش واژه‌های اسپوندی تناوبی (SSW)
آزمایش گوش کردن دوگانه دوگوشی، در این آزمایش دو واژه اسپوندی به گونه‌ای ارائه می‌شود که هجای دوم یک واژه در یک گوش همزمان با هجای اول واژه دوم در گوش دیگر شنیده شود.

standard deviation

انحراف معیار، انحراف استاندارد
اندازه‌گیری آماری پراکندگی که عبارت است از ریشه دوم میانگین مجذور انحراف‌ها از میانگین توزیع.

standard earmold



staggered spondaic word test

standard earmold

به earmold مراجعه کنید.

standard reference

مرجع معیار، مرجع استاندارد در شنوایی شناسی مقداری است که مبنای مقیاس برای مقایسه شدت، فرکانس، فشار صوت و غیره محسوب می شود. به طور مثال ۰/۰۰۰۲ دین بر سانتی متر مربع سطح مرجع استاندارد فشار صوتی است.

standard threshold shift (STS)

تغییر استاندارد آستانه تغییر آستانه شنوایی در مقایسه با ادیوگرام پایه که عبارت است از تغییر به میزان ۱۰ دسی بل یا بیش تر در فرکانس های ۲۰۰۰، ۳۰۰۰ و ۴۰۰۰ هر تتر در هر گوش.

standing wave به wave مراجعه کنید.

stapedectomy استاپدکتومی برداشت کامل یا قسمتی از صفحه رکابی از

طریق جراحی و جایگزینی پروتز. این روش برای درمان ثابت شدگی رکابی انجام می شود.

stapedial motoneurons

اعصاب حرکتی رکابی مسیر نورون های تک سلولی که مسئول انقباض عضله رکابی اند و داخلی تر از هسته حرکتی عصب هفتم جمجمه ای واقع شده و به طرف جلو تا ناحیه بین مجموعه زیستونی فوقانی و هسته حرکتی پیش می روند.

به reflex مراجعه کنید. stapedial reflex

stapedial reflex decay

زوال رفلکس رکابی کاهش دامنه رفلکس صوتی در طول زمان در پاسخ به ارائه محرک مداوم.

stapediotomy

قطع زردپی عضله رکابی از طریق جراحی.

stapedius muscle

به muscle مراجعه کنید.

stapedius muscle reflex

به reflex مراجعه کنید.

stapedius tendon

زردپی رکابی، تاندون رکابی زردپی گردی که از عضله رکابی از طریق سوراخ کوچکی در رأس برآمدگی هرمی پیش آمده و به سر استخوانچه رکابی می چسبد.

stapedotomy

روش جراحی که در آن برای رفع ثابت‌شدگی رکابی پایه‌های استخوانچه برداشته می‌شود. در پیچه کوچکی در صفحه رکابی ایجاد می‌شود، پروتز پیستونی در در پیچه قرار داده شده و به استخوانچه سندانی قلاب می‌گردد.

stapes استخوانچه رکابی

کوچکترین و داخلی‌ترین استخوانچه در زنجیره استخوانچه‌ای. سر آن به زائده عدسی شکل مفصل می‌شود و صفحه آن در پیچه گرد حلزون قرار می‌گیرد. اصطلاح عامیانه: stirrup.

stapes crura پایه‌های رکابی

دو پایه که سر و گردن استخوانچه رکابی را به صفحه آن متصل می‌کنند.

stapes fixation ثابت‌شدگی رکابی

عدم تحرک استخوانچه رکابی بر روی در پیچه بیضی که غالباً به دلیل رشد استخوان جدید ناشی از اتوسکلروز رخ می‌دهد.

stapes mobilization

متحرک‌سازی استخوانچه رکابی
روش جراحی در موارد مبتلا به اتوسکلروز برای جدا کردن صفحه رکابی از در پیچه بیضی.

startle reflex به reflex مراجعه کنید.

startle technique

روش پرشی، روش استارتل
یکی از روش‌های ادیومتری مشاهده رفتاری

statoacoustic

که برای به دست آوردن آستانه شنوایی کودکان ۶ تا ۷ ماهه از پاسخ رفلکس پرشی (رفلکس مورو) کودک نسبت به محرک‌های شنوایی استفاده می‌شود.

stat = statim

STAT → suprathreshold adaptation test

static ایستا، ساکن

static acoustic compliance = static acoustic immittance

static acoustic immittance

ایمیتانس صوتی ایستا
اندازه‌گیری سهم گوش میانی در امپدانس صوتی که از طریق ارائه فشار به مجرای گوش، مقدار ایمیتانس مجرای گوش خارجی از مقدار کلی ایمیتانس کسر می‌گردد.

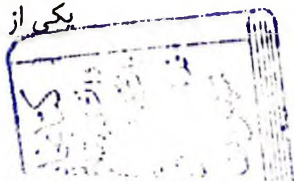
static acoustic impedance = static acoustic immittance

static compliance = static acoustic immittance

static Imittance = static acoustic immittance statim

statoacoustic

تعادلی شنوایی
مربوط به تعادل و شنوایی.



statoacoustic nerve

statoacoustic nerve

به nerve مراجعه کنید.

statoconia

استاتوکونیا

ذرات ریزی در غشاء ژلاتینی ماکولاهای
اتریکول و ساکول. مترادف: otoconia.

steady-state evoked potential

(SSEP) به potential مراجعه کنید.

steep drop audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

Stenger principle

اصل استنجر

اگر دو تن با فرکانس یکسان همزمان به دو
گوش ارائه شوند تنها تن بلندتر درک خواهد
شد.

Stenger test

آزمایش استنجر

آزمایشی برای کاهش شنوایی عملکردی
یکطرفه که بر مبنای اصل استنجر طراحی
شده است. در این آزمایش محرکها به گوش
طبیعی در سطوح فوق آستانه‌ای و به گوش
ضعیف‌تر در سطوح بالاتری (اما زیرآستانه)
ارائه می‌شوند. عدم پاسخ نشانه غیرعضوی
بودن کاهش شنوایی است.

**modified s. t. = speech Stenger
test**

speech s. t. آزمایش استنجرگفتاری

آزمایش استنجر که به جای تن خالص از
واژه‌های اسپوندی استفاده می‌شود.

stenosis

تنگی، باریک‌شدگی

باریک شدن قطر یک سوراخ یا مجرا.

stenotic ear canal مجرای باریک گوش

مجرای باریک یا تنگ شنوایی خارجی.

step size

اندازه گام

اندازه تغییر بین دو مقدار الکترواکوستیکی
متوالی.

stereo

سه‌بعدی

کیفیت سه‌بعدی در فضا (مکانی).

sterilocilia

موهای حسی

پررهای کوچک (میکروویلی) سفت و موماند
که از رأس سلول‌های مویی خارجی و داخلی
بیرون زده است.

stethoscope, hearing aid

گوشی پزشکی سمعک، استتوسکوپ سمعک
استتوسکوپ که برای شنیدن صدای تقویت
شده سمعک و تشخیص اشکالات آن به کار
می‌رود.

Stickler syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

stiffness

سختی

مقدار نیروی لازم برای جابجایی یک محیط
حد واسط کشسان. ر.ک: compliance.

stimulation

تحریک، انگیزش، عمل یا فرایند تحریک کردن

bipolar s. تحریک دوقطبی

۱. ارائه محرک الکتریکی بین دو قطب یک ردیف الکتروود؛ ۲. تحریک کاشت حلزون به نحوی که هر دو الکتروود فعال و خنثی درون حلزون هستند.

caloric s. تحریک حرارتی

وارد کردن آب یا هوای سرد یا گرم به مجرای شنوایی خارجی برای تحریک دستگاه دهلیزی.

electrocutaneous s. = electro-tactile stimulation**electrotactile s.**

تحریک الکتریکی لامسه‌ای

در سمعک‌های لامسه‌ای روشی است که در آن محرک صوتی به شکل جریان الکتریکی به پوست ارائه می‌شود. این روش جایگزین تحریک ارتعاشی لامسه‌ای محسوب می‌شود.

monopolar s. تحریک یک‌قطبی

۱. ارائه محرک الکتریکی به یک قطب آرایه الکتروودها؛ ۲. تحریک کاشت حلزون به نحوی که الکتروود فعال درون حلزون و الکتروود خنثی بیرون آن باشد.

promontory s. تحریک دماغه

ارائه تحریک الکتریکی به دماغه با الکتروود صماخ گذر برای برانگیختن پتانسیل عمل.

rotary s. تحریک چرخشی

تحریک دستگاه دهلیزی که با چرخاندن یک صندلی حول محور عمودی آن به طور سینوسی

ابتدا در یک جهت و سپس در جهت دیگر و با سرعت‌های متفاوت ایجاد می‌شود.

stimulus محرک

آنچه که بتواند در یک گیرنده تحریک شده پاسخ ایجاد نموده یا برانگیزاند.

stirrup واژه عامیانه استخوانچه رکابی.**stock earmold**

به earmold مراجعه کنید.

stop consonant

همخوان انسدادی، همخوان انفجاری / بندشی صدای گفتاری که برای تولید آن مسیر تنفس باید کاملاً بسته شود. نظیر /d/, /t/, /b/, /p/, /k/ و /g/.

stop plosive

انسدادی، انفجاری / بندشی

همخوان انسدادی که برای تولید آن تنفس حبس شده سپس با صدای انفجاری که تا حدی قابل شنیدن است رها می‌شود. عمدتاً زمانی رخ می‌دهد که همخوان آغازین واژه باشد. مترادف: plosive.

streptococcus pneumonia

استرپتوکوکوس نومونیا

شایع‌ترین باکتری موجود در عفونت گوش میانی.

streptomycin استرپتوماسین

آنتی‌بیوتیکی از خانواده آمینوگلیکوزیدها که

stria

برای درمان سل و سایر بیماری‌های باکتریایی مصرف می‌شود. این داروی سم‌گوش به‌ویژه بر سلول‌های مویی دستگاه دهلیزی تأثیر دارد.

stria

نوار

نوار باریک یا ساختمان نواری شکل که برای توصیف تجمع طولی رشته‌های عصبی در مغز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

dorsal acoustic s. (DAS)

نوار شنوایی پشتی

دسته‌ی الیاف عصبی که از هسته‌ی حلزونی پشتی منشأ می‌گیرد و در نوار ریل خارجی دگرسویی و برجستگی‌های تحتانی سیناپس کرده، مجموعه‌ی زیتونی فوقانی را دور می‌زند.

intermediate acoustic s. (IAS)

نوار شنوایی بینابینی

دسته‌ی اعصابی که الیاف آنها از هسته‌ی حلزونی شکمی خلفی آغاز شده و روی هسته‌های پیش‌زیتونی همان‌سویی و دگرسویی و نوار ریل خارجی دگرسویی سیناپس می‌نماید.

ventral acoustic s.

نوار شنوایی شکمی

دسته‌ی الیاف رده‌ی دوم که از هسته‌ی حلزونی قدامی خارج شده و به سمت جلو و داخل پیش می‌رود و الیافی را به زیتون فوقانی خارجی همان سو می‌فرستد و دسته‌ای از آن برای رسیدن به زیتون فوقانی داخلی و هسته‌ی داخلی جسم دوزنقه‌ای از خط وسط می‌گذرد. مترادف:

trapezoid body

stria of Held

نوار هلد

دسته‌ی اعصابی که الیاف آنها از هسته‌ی حلزونی شکمی خلفی آغاز شده و روی هسته‌های پیش‌زیتونی همان‌سویی و دگرسویی و نوار ریل خارجی دگرسویی سیناپس می‌نماید. مترادف: intermediate acoustic stria.

stria of Monakow

نوار موناکوف

دسته‌ی الیاف عصبی که از هسته‌ی حلزونی پشتی منشأ می‌گیرد و در نوار ریل خارجی دگرسویی و برجستگی‌های تحتانی سیناپس کرده، مجموعه‌ی زیتونی فوقانی را دور می‌زند. مترادف:

dorsal acoustic stria

stria vascularis

نوار عروقی

نوار سلولی پرعروق روی سطح داخلی رباط ماریچی در نردبان میانی که از برآمدگی ماریچی تا غشاء رایسنر امتداد یافته است.

striae, acoustic

نوارهای شنوایی

هسته‌های الیاف رده‌ی دوم که از هسته‌ی حلزونی، نوارهای شنوایی شکمی از AVCN، میانی از PVCN و پشتی از DCN، به سمت سطح بالاتر ساقه مغز خارج می‌شوند.

strial presbycusis

پیرگوشی نوار عروقی

آتروفی نوار عروقی، کاهش پتانسیل میکروفونی، کاهش عملکرد سلولی و توازن بیوالکتریکی / بیوشیمیایی حلزون، ادیوگرام این نوع پیرگوشی مسطح است و به تدریج با افزایش سن اندکی نزولی می‌شود. مترادف:

metabolic presbycusis

به muscle مراجعه کنید. striated muscle

1. حمله ناگهانی و شدید stroke

2. سکنه مغزی، سندرم، استروک

حادثه مغزی - عروقی ناگهانی به دلیل ترومبوز، خونریزی یا آمبولی.

3. ضربان، ضربه؛ 4. تکان، ضربت، اصابت.

STS → standard threshold shift

Studebaker technique

به masking techniques مراجعه کنید.

stylomastoid artery

به artery مراجعه کنید.

stylomastoid foramen

سوراخ نیزه‌ای پستانی

سوراخی در استخوان گیجگاهی که عصب صورتی و شریان نیزه‌ای پستانی از آن می‌گذرند.

styrene

استیرن

حلال صنعتی که در صورت استنشاق آن با غلظت زیاد و به مدت بیش از حد، می‌تواند سم گوش باشد.

SU → sensation unit

subacute otitis media

به otitis media مراجعه کنید.

subclinical infantile meningogenic labyrinthitis

به labyrinthitis مراجعه کنید.

subcutaneous fibroproliferative external otitis

التهاب گوش خارجی به دلیل تکثیر الیاف زیر پوستی

التهاب باکتریایی منتشر و مزمن گوش خارجی که نشانه آن پاریک شدگی مجرا است.

subdural abscess

آبسه زیر سخت‌شامه‌ای

تجمع مایع چرکی بین سخت‌شامه و عنکبوتیه که ممکن است به دنبال اوتیت میانی مزمن روی دهد.

subjective

1. ذهنی:

2. شخصی، فردی

غیرقابل اندازه‌گیری از نظر فیزیکی اما قابل درک توسط فرد مورد نظر؛

3. نظری، تصویری، انگاشتی؛

4. ذهن‌گرا؛ 5. ذهن‌گرایانه، درون‌نگرانه؛

6. درونزاد، درونی؛ 7. خیالی.

ر.ک: objective.

subjective tinnitus

به tinnitus مراجعه کنید.

subjective vertigo

به vertigo مراجعه کنید.

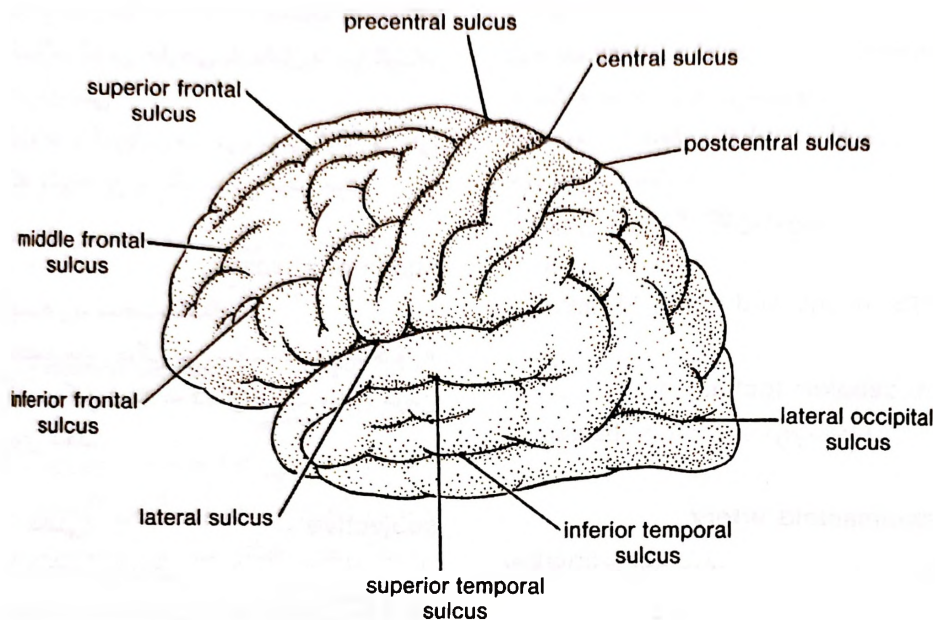
subluxation

نیمه‌دررفتگی، دررفتگی ناکامل

subsonic

زیرصوتی، فروصوتی

مربوط به فرکانس‌های کمتر از محدوده فرکانس‌های قابل شنیدن. ر.ک: ultrasonic.



Sulci

sudden hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

sudden drop audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

sulcus; p. sulci شیار، شکاف

در آناتومی یک اصطلاح کلی است برای فرو-رفتگی‌های خطی به خصوص فرورفتگی‌هایی که شکنج‌های مغزی را از هم جدا می‌سازد.

tympnic s. شیار صماخی

شیاری در دیواره استخوانی مجرای خارجی شنوایی که آنولوس پرده صماخ در آن قرار می‌گیرد.

summating potential (SP)

به potential مراجعه کنید.

summation

تجمع

مجموع عملکردهای عصبی که از جمع مقادیر انرژی مربوط به برخی پارامترها حاصل می‌شود نظیر افزوده شدن مدت تجمع زمانی یا اضافه شدن یک گوش به تجمع دوگوشی.

binaural s. تجمع دوگوشی

۱. اثر جمعی صوتی که به دو گوش می‌رسد به بهبود شنوایی با دو گوش نسبت به یک گوش منجر می‌شود به طوری که حساسیت شنوایی دوگوشی به میزان تقریباً ۳ دسی‌بل بهتر از

یک‌گوشی است؛ ۲. فرآیند ترکیب دو بخش یک پیام به یک کل معنی دار که هر بخش به یک گوش ارائه شده است و به تنهایی برای درک پیام کافی نیست.

loudness s. تجمع بلندی

مضاعف شدن شدت به دلیل گسترده‌تر شدن پهنای باند، حتی اگر سطح فشار صوتی کلی تغییری نکند.

temporal s. تجمع زمانی

جمع عملکردهای نورونی که از اضافه شدن مدت انرژی صوتی حاصل می‌شود به طوری که افزایش مدت تا حدود ۲۰۰ میلی ثانیه سبب بهتر شدن آستانه‌ها می‌گردد.

superficial سطحی

جهت آناتومیک که به ساختمان‌هایی که دور از مرکز بدن واقع شده‌اند اشاره دارد. متضاد: deep.

superior فوقانی

جهت آناتومیک که به ساختمان‌هایی که به سمت بالا یا سطح بالایی واقع شده‌اند اشاره دارد. متضاد: inferior.

superior ampulla آمپول فوقانی

بخش برآمده مجرای نیم‌دایره فوقانی که شامل ستیغ آمپول است.

superior ampullary nerve

به nerve مراجعه کنید.

superior auricular muscle

به muscle مراجعه کنید.

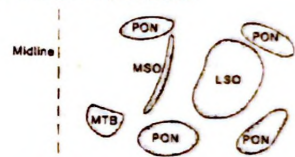
superior malleolar ligament

به ligament مراجعه کنید.

superior olivary complex (SOC)

مجموعه زیتونی فوقانی مجموعه هسته‌های شنوایی در مغز خلفی که اطلاعات را از هسته حلزونی به مغز میانی رله می‌کند. این مجموعه شامل زیتون فوقانی خارجی، زیتون فوقانی داخلی، هسته داخلی جسم دوزنقه‌ای و هسته دور زیتونی است.

A. Superior Olivary Complex (SOC)



B. Medial Superior Olive (MSO)



C. Lateral Superior Olive (LSO)



superior olivary complex

lateral s. o. (LSO)

زیتون فوقانی خارجی یکی از هسته‌های عمده مجموعه زیتونی خارجی که در مغز خلفی واقع شده و اعصاب صعودی اصلی را به طور مستقیم از AVCN

همان طرف و به طور غیرمستقیم از AVCN سمت دیگر از طریق MTB همان سویی دریافت می‌کند.

medial s. o. (MSO)

زیتون فوقانی داخلی یکی از هسته‌های اصلی مجموعه زیتونی فوقانی که در مغز خلفی واقع شده و لیاف صعودی عمده‌ای را به طور مستقیم از هسته‌های حلزونی شکمی قدامی همان سویی و دگر سویی دریافت می‌کند.

superior semicircular canal

مجرای نیم‌دایره فوقانی یکی از سه مجرای استخوانی دستگاه دهلیزی که حاوی اپی‌تلیوم‌های حسی است که به حرکت زاویه‌ای پاسخ می‌دهند.

superior semicircular duct

مجرای نیم‌دایره غشائی فوقانی یکی از سه مجرای غشایی دستگاه دهلیزی که اپی‌تلیوم‌های حسی مسئول پاسخ به حرکت زاویه‌ای را در بر می‌گیرد.

superior tympanic artery

به artery مراجعه کنید.

superior vestibular nerve

به nerve مراجعه کنید.

supernumerary

زیاده، بیش از اندازه عادی، فوق‌عددی، اضافی

supersonic مافوق صوت مربوط به سرعت‌های بیش از سرعت صوت.

supine طاق‌باز بر پشت خوابیده و صورت رو به بالا.

suppression, fixation

مهاری تثبیت، تضعیف تثبیت در ارزیابی الکترونیستاموگرافی به کاهش یا حذف نیستاموس در اثر تثبیت بینایی اطلاق می‌گردد.

suppression of otoacoustic emissions

تضعیف گسیل‌های صوتی گوش کاهش دامنه گسیل‌های صوتی گذرای گوش با ارائه نویز به گوش مقابل. مترادف: contralateral suppression

suppurative چرکی مربوط به تشکیل چرک. مترادف: purulent.

suppurative labyrinthitis

به labyrinthitis مراجعه کنید.

suppurative otitis media

به otitis media مراجعه کنید.

supra-aural فوق‌گوشی، روی گوش

suprageniculate facial palsy

فلج فوق‌زانویی عصب صورتی فلج کامل یا خفیف عصب صورتی به دلیل ضایعه‌ای که بین عقده زانویی و هسته حرکتی

supraliminal

واقع شده است. در این صورت به حس چشایی، ریزش اشک و رفلکس رکابی آسیب وارد نمی شود.

supraliminal

فوق آستانه‌ای
پالاتر از آستانه آگاهی.

supramodal perception

درک چندحسی، درک فراحسی
پردازش نورولوژیک اطلاعات حسی که از طریق یکی از حس‌ها وارد شده اما توسط سامانه دیگری از مغز دریافت می شود.
مترادف:

cross-modality perception, intermodal or intersensory transfer.

suprasegmentals

ویژگی‌های زبرزنجیری
تغییرات زیروبمی، بلندی و مدت که با واج‌های گفتاری همراه شده و آهنگ، تکیه، مکث، طول مدت و غیره را ایجاد می کند.

suprastapedial facial palsy

فلج فوق رکابی عصب صورتی
فلج کامل یا ناقص عصب صورتی به دلیل ضایعه‌ای که بین عصب عضله رکابی و عقده زائویی واقع شده است. در این صورت حس چشایی و رفلکس رکابی آسیب می بیند اما ریزش اشک تحت تأثیر قرار نمی گیرد.

supratentorial

فوق چادرینه‌ای
مربوط به اختلالاتی که «کاملاً درون سر» یا

پالاتر از چادرینه رخ می دهند، نظیر کاهش شنوایی عملکردی.

suprathreshold

فوق آستانه

مربوط به سطوح شدت بالاتر از آستانه.

suprathreshold adaptation test

آزمایش فوق آستانه‌ای تطبیق (STAT)
روشی که برای اندازه‌گیری تطبیق شنوایی انجام می شود و در این آزمایش محرک در سطح شدت بالا ارائه شده و بیمار تا زمانی که آن را می شنود پاسخ می دهد.

surface electrode

به electrode مراجعه کنید.

susceptance (B)

سوسپتانس

جریان انرژی که با راکتانس همراه است. عکس راکتانس.

susurrus aurium

SUVAG → system universal verboto-

nal audition Guberina

SWAMI → speech with alternating

masking index

sweep check test

آزمایش غربالگری
ارزیابی سریع توانایی فرد در شنیدن محرک‌های صوتی از یک محدوده فرکانسی با شدت استاندارد ثابت که برای شناسایی کسانی که به اقدامات

sweep-frequency audiometry

ادیومتری یک بیشتری نیاز دارند. طراحی شده است. مترادف: screening audiometry.

sweep-frequency audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

swim plugs

توبی‌های گوشی مخصوص شنا، قالب ضد آب قالب‌های سفارشی فاقد مجرای صوتی که برای محافظت مجرای خارجی شنوایی از آب و محافظت گوش میانی کودکان دارای لوله‌های یکسان ساز فشار ساخته می‌شود.

swimmer's ear

به ear مراجعه کنید.

swinging story test

آزمایش داستان متناوب

آزمایش اولیه کاهش شنوایی عملکردی یکطرفه که بخش‌هایی از یک داستان به گوش بهتر و بخش‌های دیگر به گوش ضعیف‌تر ارائه می‌شود تا معلوم شود کدام قسمت‌ها را بیمار می‌تواند به یاد آورد.

switched capacitor filter

به filter مراجعه کنید.

syllabic compression

تراکم هجایی دستورالعمل تراکمی سمعک که آستانه فعالیت پایین، زمان حمله و رهایی کوتاه و نسبت تراکمی کمی دارد و در نتیجه به کاهش محدوده پویایی ورودی منجر می‌شود.

هجای بی‌معنی syllable, nonsense گرفته‌تک‌هجایی که معنایی ندارد و در ارزیابی‌های ادیومتری گفتاری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

symmetric hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

sympalangism

اختلال اتوزومی غالب اسکلتی ک با جمود مفصلی (آنکیلوز) استخوان‌های انگشتان دست و پا و کاهش شنوایی انتقالی با ثابت شدگی رکابی مشخص می‌شود.

symptom

نشانه

بروز هر نشانه عضوی یا فیزیولوژیک بیماری که توسط بیمار احساس می‌شود. ر.ک: sign.

synapse

سیناپس

نقطه ارتباط عملی بین نورون‌ها.

remodeling s.

ترمیم سیناپسی، بازسازی سیناپسی تغییرات حاصله در الگوی شکل‌گیری اعصاب که در طی رشد و تکامل جنینی رخ می‌دهد. به عنوان مثال، اوایل دوره جنینی هر دو رشته‌های اوران و وایران، سلول‌های مویی داخلی تماس دارند اما در طی روند رشد، مکان رشته‌های وایران به روی پایانه‌های اوران انتقال می‌یابد.

synaptogenesis

سیناپتوژن

هر رویش جنینی منجر به ارتباطات سیناپسی.

syncope

سنکوپ، غش، ضعف، بیهوشی syncope
افت ناگهانی نیرو، ضعف یا حمله، کاهش
هوشیاری به دلیل کم‌خونی مغز.

syndrome

نشانگان، سندرم
مجموعه علائم و نشانه‌هایی که از یک علت
واحد ناشی می‌شوند یا رخداد همزمان آنها
می‌تواند ماهیت بالینی مشخصی را تشکیل
دهد.

Abruzzo-Erickson s.

سندرم ابروزو-اریکسن
سندرم شکاف دهانی - صورتی که با شکاف
کام، ناهنجاری مادرزادی چشم، کوتاهی قد و
کاهش شنوایی آمیخته یا حسی عصبی مشخص
می‌شود.

acquired immunodeficiency s.
(AIDS)

سندرم نقص ایمنی اکتسابی، ایدز
بیماری‌ای که کارایی دستگاه ایمنی را به خطر
می‌اندازد و نشانه آن بیماری‌های عفونی
فرصت طلب است که قادرند بر گوش میانی و
ماستوئید همچون ساختمان‌های عصبی محیطی
و مرکزی شنوایی تأثیر گذارند.

acrocephalosyndactyly, type I

= Apert s.

acrocephalopolydactyly, type

II = Carpenter s.

acrofacial dysostosis = Nager s.

syndrome

سندرم حاد کر مینه 8. acute vermlis s.
اختلال دهلیزی مرکزی که به دلیل فشار بر
شریان مهره‌ای ایجاد می‌شود و سبب سرگیجه
حمله‌ای و علائم پیشرونده می‌گردد.

Albercht s.

سندرم آلبرکت
کاهش شنوایی حسی عصبی ارثی که در طی
کودکی رخ می‌دهد، پیشرونده است و می‌تواند
علت پیرگوشی زودرس باشد.

Alport s.

سندرم آلپورت
[A.C. Alport؛ پزشک انگلیسی متولد آفریقای
جنوبی، ۱۹۵۹-۱۸۸۰]. سندرم ژنتیکی که
مشخصه آن بیماری کلیوی و کم‌شنوایی حسی
عصبی پیشرونده است و احتمالاً از وراثت
وابسته به X از طریق ژنی که کلاژن را رمزگذاری
می‌کند و به COL4A5 موسوم است ناشی
می‌شود.

Alstrom s.

سندرم آلستروم
[C.H. Alströme؛ متخصص ژنتیک سوئدی،
متولد ۱۹۰۷]. اختلال متابولیک اتوزومی مغلوب
همراه با کم‌شنوایی حسی عصبی پیشرونده
دیرآغاز.

Apert s.

سندرم آپر
[E. Apert، متخصص فرانسوی کودکان،
۱۹۳۰-۱۸۶۸]. سندرم مادرزادی که با سر
قله‌ای، انکستان به هم چسبیده، پایین قرار
گرفتن گوش‌ها، اوتیت میانی، ثابت‌شدگی رکابی
و کاهش شنوایی انتقالی مشخص می‌شود.
 مترادف: acrocephalosyndactyly, type I

syndrome

arteria cerebelli superior s.

سندرم شریان مخچه‌ای فوقانی
اختلال دهلیزی مرکزی ناشی از انسداد شریان
مخچه‌ای فوقانی که به سرگیجه حاد، علائم
نباتی، آتاکسی مخچه‌ای یک طرفه، کاهش
تونوس عضلانی و لرزش ارادی منجر می‌شود.

**ataxia-hypogonadism s. =
Richards-Rundle syndrome**

سندرم بالر-گرولت **Baller-Gerold s.**
[M. Groll و F. Baller، پزشکان آلمانی، قرن
بیستم]. سندرم بسته شدن زودرس استخوان‌های
جمجمه که امکان دارد شامل بدشکلی لاله
گوش باشد و نشانه آن بدشکلی و پایین بودن
غیرطبیعی لاله گوش‌ها است.

Barany s.

سندرم بارانی **R. Barany**، پزشک اتریشی مقیم سوئد،
۱۹۳۶-۱۸۷۶، برنده جایزه پزشکی یا فیزیولوژی
نوبل در ۱۹۱۴ به دلیل پژوهش در زمینه
فیزیولوژی و پاتولوژی دستگاه دهلیزی گوش.
اختلال دهلیزی مرکزی که به دلیل التهاب
غشاء عنكبوتیه حفره خلفی ایجاد می‌شود و به
حمله‌های سرگیجه چرخشی، سردرد و علائم
نباتی منجر می‌گردد. مترادف:
arachnoiditis ontocerebellaris

سندرم بارده-بیدل **Bardet-Biedl s.**
[G. Bardet، پزشک انگلیسی، متولد ۱۸۸۵،
A. Biedl، پزشک اتریشی، ۱۹۳۳-۱۸۶۹].
اختلال اتوزومی مغلوب که نشانه‌های آن

عقب‌ماندگی ذهنی، اختلال رنگدانه‌ای چشم،
چاقی، چندانگشتی، کم‌کاری غدد جنسی و
کاهش شنوایی حسی عصبی است. ر.ک:
Laurence-Moon syndrome

Beckwith-Wiedemann s.

سندرم بک ویث-ویدمان
[H. R. Wiedemann و J. B. Beckwith]
متخصص کودکان آلمانی، متولد ۱۹۱۵].
سندرم رشد بیش از حد که امکان دارد شامل
ناهنجاری‌های لاله گوش باشد و نشانه‌های
آن شکاف لاله گوش، ضایعات دندان‌دار در
هلیکس یا صدفه و کاهش شنوایی انتقالی
است.

Björnstad s.

سندرم بیورنستاد **R. Björnstad**، متخصص پوست سوئدی،
قرن بیستم]. اختلال اتوزومی غالب با قدرت
نفوذ کم که نشانه‌های آن کاهش شنوایی حسی
عصبی مادرزادی و موهای پیچ‌خورده است.

branchio-oto-renal s. =

Melnick-Fraser s.

Carpenter s.

سندرم کارپنتر **G. Carpenter**، پزشک انگلیسی، -۱۸۵۹
[۱۹۱۰]. اختلال اتوزومی مغلوب بسته شدن
زودرس استخوان‌های جمجمه که نشانه‌های
آن ممکن است پایین قرار گرفتن گوش‌ها،
فرورفتگی‌های پشت لاله و کاهش شنوایی
انتقالی باشد. مترادف:

acrocephalopolydactyly, type II

cervico-oculo-acoustic s. =
Wildervank s.

شامل درد و وزوز گوش، سردرد، گیجی و اختلال
مفصل گیجگاهی فکی. مترادف:
temporomandibular joint syndrome

chromosome 21-trisomy s. =
Down s.

craniofacial dysostosis =
Crouzon syndrome

cockayne s. سندرم کوکین

[E.A. Cockayne, پزشک انگلیسی، -۱۸۸۰
۱۹۵۶]. اختلال اتوزومی مغلوب نادر که نشانه‌های
آن کوتولگی دیرآغاز، عقب‌ماندگی ذهنی و
حرکتی، اتروفی شبکیه و کاهش شنوایی حسی
عصبی پیشرونده است.

Crouzon s. سندرم کروزون

[O. Crouzon, متخصص مغز و اعصاب
فرانسوی، ۱۹۳۸-۱۸۷۴]. اختلال اتوزومی
غالب که تظاهرات آن به اختلال در تشکیل
درزهای جمجمه مربوط می‌شود و شامل آترزی
مجرای گوش و غالباً کاهش شنوایی حسی
عصبی، انتقالی یا آمیخته است. مترادف:
craniofacial dysostosis

Cogan s. سندرم کوگان

[D.G. Cogan, چشم‌پزشک آمریکایی، -۱۹۰۸
۱۹۹۳]. هر اختلال خودایمنی که نشانه‌های
آن التهاب کراتین (کراتینیت) بینابینی غیر
سیفیلیسی و علائم شبه منیر باشد.

Di George s. سندرم دی جورج

[A. M. Di George, متخصص کودکان
آمریکایی، متولد ۱۹۲۱]. اختلال مادرزادی
که نشانه‌های آن عدم رشد طحال و غدد
پاراتیروئید همراه با ناهنجاری‌های دستگاه‌های
قلبی-عروقی، کلیوی و ساختمان‌های جمجمه‌ای
صورتی شامل بدشکلی لاله گوش و آترزی
مجرای خارجی شنوایی است.

Cornelia de Lange s.

سندرم کرنلیا دولانژ

[C. de Lange, متخصص کودکان هلندی،
۱۹۵۰-۱۸۷۱]. سندرم کوتاهی قد که نشانه‌های
آن عقب‌ماندگی ذهنی و رشدی، غیرطبیعی
شدن جمجمه و صورت، ناهنجاری‌های گوش
و مجرای خارجی شنوایی و کاهش شنوایی
انتقالی، حسی عصبی یا آمیخته است.

Down s. سندرم داون

[J.L.H. Down, پزشک انگلیسی، -۱۸۲۸
۱۹۸۶]. ناهنجاری ژنتیکی مادرزادی که
نشانه‌های آن عقب‌ماندگی ذهنی، خطوط
شخص صورت، احتمال زیاد وقوع اوتیت
میانی مزمن و کاهش شنوایی انتقالی، آمیخته
و حسی عصبی است.

Costen s. سندرم کاستن

[J.B. Costen, متخصص گوش، گلو و بینی
آمریکایی، ۱۹۲۲-۱۸۹۵]. مجموعه علائمی

syndrome

Duane retraction s.

سندرم درون کشیدگی دوئن
[A. Duane, چشم پزشکی آمریکایی، ۱۸۵۸-۱۹۲۶]. اختلال اتوزومی مغلوب چشم که نشانه‌های آن ضعف مادرزادی عصب چشم جمجمه‌ای و کاهش شنوایی مادرزادی از نوع حسی عصبی یا انتقالی است.

Edward s. سندرم ادوارد

[J. H. Edward, پزشک انگلیسی، قرن بیستم]. ناهنجاری کروموزومی که نشانه آن میکروسفالی، عدم رشد استخوان اندام‌ها، بیماری قلبی مادرزادی، ناهنجاری‌های جمجمه‌ای صورتی، عقب ماندگی ذهنی و ناهنجاری‌های گوش خارجی، میانی و داخلی است. مترادف: trisomy 18 syndrome

Engelmann s. سندرم انگلمان

[G. Engelmann, جراح اتریشی، متولد ۱۸۷۶]. اختلال اسکلتی اتوزومی غالب که با کاهش شنوایی پیشرونده حسی عصبی، آمیخته یا انتقالی همراه است. مترادف: diaphyseal dysplasia

fetal alcoholic s. (FAS)

سندرم الکل جنینی
سندرمی که در نوزادان مادران معتاد به الکل در دوران بارداری دیده می‌شود و نشانه‌های آن کاهش وزن، نقص رشد، عقب ماندگی ذهنی، اوتیت میانی عودکننده و کاهش شنوایی حسی عصبی است.

Fehr corneal dystrophy =
Harboyan syndrome

Goldenhar s. سندرم گلدن‌هار

[M. Goldenhar, پزشک سوئیس، قرن بیستم]. ناهنجاری مادرزادی عضلانی اسکلتی که شامل کوچکی لاله گوش و آترزی مجرای خارجی شنوایی است. مترادف: oculoauriculovertebral dysplasia

Gradenigo s. سندرم گرادنیگو

[G. Gradenigo, پزشک ایتالیایی، ۱۸۵۹-۱۹۲۶]. اختلالی که ویژگی آن علائم سه‌گانه فلج عضله مستقیم خارجی، درد پشت چشم، اوتیت میانی و ماستوئیدیت پایا است.

Hallgren s. سندرم هلگرن

اختلال ژنتیکی مغلوب که نشانه‌های آن آتاکسی دهلیزی-مخچه‌ای، دیستروفی رنگدانه‌ای شبکیه، کاهش شنوایی حسی عصبی مادرزادی و آب مروارید است.

hand-hearing s.

سندرم دست و شنوایی
اختلال اتوزومی غالب که نشانه‌های آن ناهنجاری مادرزادی است، از جمله کوتاه‌شدگی غیرطبیعی انگشتان و تحلیل عضلات آنها و کاهش شنوایی حسی عصبی.

Harboyan s. سندرم هربویان

اختلال اتوزومی مغلوب چشم که با کاهش شنوایی حسی عصبی پیشرونده دیرآغاز همراه است. مترادف: Fehr corneal dystrophy.

Hermann s. سندرم هرمن

[C. Hermann, Jr., پزشک آمریکایی، متولد

۱۹۲۱]. اختلال اتوزومی غالب دستگاه عصبی که اواخر کودکی یا اوایل نوجوانی آغاز می‌گردد و علائم آن انقباض ناگهانی عضله بینایی (فتومیوکاونوس) و کاهش شنوایی حسی عصبی پیشرونده است که در پی آن دیابت شیرین و دمانس پیشرونده ایجاد می‌شود.

Hunter s.

سندرم هانتز، موکوپلی ساکاریدوز II [C. H. Hunter, پزشک کانادایی، ۱۸۷۳-۱۹۵۵]. اختلال مغلوب و بسته به X که با نقص رشدی زود هنگام و پیشرونده، عقب ماندگی ذهنی و سایر اختلالات متابولیک همراه با کاهش شنوایی حسی عصبی یا انتقالی مشخص می‌شود.

Hurler s.

سندرم هرلر، موکوپلی ساکاریدوز I [G. Hurler, متخصص کودکان اتریشی، ۱۹۶۵-۱۸۸۹]. اختلال اتوزومی مغلوب که با نقص رشدی زود هنگام و پیشرونده، عقب ماندگی ذهنی و سایر اختلالات متابولیک همراه با درجاتی از کاهش شنوایی پیشرونده شناخته می‌شود.

Inferior pontine s.

سندرم پلی تحتانی ضایعه عروقی پل مغزی که چند عصب جمجمه‌ای را درگیر می‌کند. علائم آن شامل فلج همان طرف صورت، کاهش شنوایی همان طرفه فقدان حس چشایی دوسوم قدامی زبان و فلج حرکت نگاه خیره توأم به سمت خارج.

Jervell and Lange-Nielsen s.

سندرم برول و لانگه نیلسن [A. Jervell, متخصص قلب نروژی، متولد ۱۹۰۱، Lange-Nielsen, F., متخصص قلب نروژی، قرن بیستم]. اختلال اتوزومی مغلوب قلبی عروقی که با کاهش شنوایی حسی عصبی مادرزادی عمیق دوطرفه همراه است.

Kearns-Sayre s. سندرم کرنز-سیر

[T. P. Kearns, چشم‌پزشک آمریکایی، متولد ۱۹۲۲، G. P. Sayre, آسیب‌شناس آمریکایی، متولد ۱۹۱۱]. اختلال اتوزومی غالب که با ناهنجاری‌های قلبی، فلج چشمی پیشرونده، میزپاتی و نوروپاتی و کاهش شنوایی مشخص می‌شود.

Klippel-Feil s. سندرم کلیپل-فیل

[M. Klippel, متخصص مغز و اعصاب فرانسوی، ۱۹۴۲-۱۸۵۸، A. Feil, پزشک فرانسوی، ۱۹۶۲-۱۸۶۳]. اختلال جمجمه‌ای-صورتی که با کوتاهی گردن و تحرک محدود آن، اختلالات چشمی از جمله فلج عصب دورکننده مشخص می‌شود و با کاهش شنوایی حسی عصبی شدید تا عمیق همراه است.

large vestibular aqueduct s.

سندرم آکوداکت بزرگ دهلیزی اختلال مادرزادی که غالباً با دیسپلازی موندینی همراه است و از پیدایش نادرست مجرا و ساک آندولفاتیک ناشی شده به هیدروپس آندولفاتیک و کاهش شنوایی دوطرفه پیشرونده از دوران کودکی منجر می‌گردد.

syndrome

lateral inferior pontine s.

سندرم پلی تحتانی خارجی
ضایعه عروقی پل تحتانی که علائم آن فاج
عصب صورتی، فقدان حس چشایی دوسوم
قدامی زبان، بی‌حسی صورت، ضعف حرکات
توأم نگاه خیره و کاهش شنوایی است.

Laurence-Moon s.

سندرم لورنس-مون
[J. Z. Laurence، چشم‌پزشک انگلیسی،
۱۸۷۴-۱۸۳۰، R. C. Moon، چشم‌پزشک
آمریکایی، ۱۹۱۴-۱۸۴۴]. اختلال چشمی
مغلوب که نشانه‌های آن التهاب رنگدانه‌ای
شبکیه، کم‌کاری غدد جنسی. عقب‌ماندگی
ذهنی و کاهش شنوایی حسی عصبی پیشرونده
است. ر.ک: Bardet-Biedl syndrome.

Lermoyez s. سندرم لرمویز

[M. Lermoyez، متخصص گوش، گلو و بینی
فرانسوی، ۱۹۲۹-۱۸۵۸]. شکل غیرمعمول
بیماری منیر که نوسان‌های کاهش شنوایی و
حمله‌های دوره‌ای سرگیجه رابطه معکوس
دارند به طوری که شنوایی قبل، حین و
بلافاصله بعد از حمله سرگیجه بهتر می‌شود.

lobster-claw s.

سندرم انبرک خرچنگ
اختلال اتوزومی غالب صورتی-اندامی که
نشانه‌های آن بدشکلی خاص دست‌ها و پاها
به صورت انبرک‌های خرچنگ، لاله گوش‌های
کوچک یا بدشکل، نقص استخوانچه‌ها و
کاهش شنوایی انتقالی یا حسی عصبی است.
 مترادف: ectodermal dysplasia.

long arm 18 deletion s.

سندرم حذف بازو بلند ۱۸
سندرم عدم توازن ژنتیکی که به علت حذف
قسمتی از بازوی بلند کروموزوم ۱۸ ایجاد
می‌شود و نشانه‌های آن عقب‌ماندگی ذهنی،
میکروسفالی، قد کوتاه، تغییرات شبکیه‌ای و
کاهش شنوایی انتقالی به دلیل ناهنجاری‌های
گوش خارجی و میانی است.

malformed low-set ears s.

سندرم گوش‌های بدشکل پایین‌افتاده
اختلال چمجمه‌ای صورتی که با گوش‌های
پایین‌افتاده، احتمال عقب‌ماندگی ذهنی و
کاهش شنوایی انتقالی بسته به میزان بدشکلی
لاله مشخص می‌شود.

Marfan s. سندرم مارفان

[A. B. J. Marfan، متخصص کودکان فرانسوی،
۱۹۴۲-۱۸۵۸]. اختلال اتوزومی غالب در صورت،
چمجمه و اسکلت که با انگشتان عنکبوتی شکل،
انحنای جانبی ستون فقرات (اسکولیوز)، تحرک
زیاد مفاصل، ناهنجاری‌های قلبی و کاهش
شنوایی انتقالی، آمیخته یا حسی عصبی مشخص
می‌شود.

Marshall s. سندرم مارشال

اختلال اتوزومی غالب که با نزدیک بینی شدید،
آب مروارید، بینی بدشکل و کاهش شنوایی
حسی عصبی مادرزادی پیشرونده مشخص
می‌شود. مترادف:

saddle nose and myopia

medial inferior pontine s.

سندرم پلی تحتانی داخلی
ضایعه عروقی پلی تحتانی که علائم آن شامل
فلج نیمه مقابل بدن و ضعف همان سوی صورت
است.

Melnick-Fraser s.

سندرم ملنیک-فریزر
اختلال اتوزومی غالب که شامل شکاف‌های
برونشی، فیستول، کیست، ناهنجاری‌های
کلیوی و کاهش شنوایی انتقالی، حسی عصبی
یا آمیخته است. مترادف:

branchio-oto-renal syndrome

Ménière s. سندرم منیر

[P. Ménière, پزشک فرانسوی، ۱۸۶۲-۱۷۹۹].
مجموعه علائم سرگیجه دوره‌ای، کاهش شنوایی،
وزوز گوش و پری‌گوش.

minimal auditory deficiency s.

سندرم نقص جزئی شنوایی
مجموعه‌ای از نقایص شنوایی که ممکن است
از وقفه متناوب تحریک شنوایی طی کودکی به
دلیل کاهش شنوایی انتقالی ناشی از اوتیت
میانی راجعه حاصل شود.

Möbius s. سندرم مریبوس

[P.J. Möbius, متخصص مغز و اعصاب
آلمانی، ۱۹۰۷-۱۸۵۳]. فلج شدید و دوطرفه
مادرزادی صورت که با ناهنجاری‌های نورولوژیک،
چشمی و عضلانی-اسکلتی ناشی از ضایعات
اعصاب III، VII، VI، V، XII و ناهنجاری‌های

گوش خارجی و میانی با کاهش شنوایی مادرزادی
از نوع حسی عصبی و یا انتقالی همراه است.

Mohr s.

سندرم مور

[O.L. Mohr, متخصص ژنتیک نروژی،
۱۹۶۷-۱۸۸۶]. اختلال اتوزومی مغلوب
مجموعه‌ای - صورتی که با بدشکلی‌های
صورت، دهان، انگشتان و کاهش شنوایی
انتقالی ناشی از ناهنجاری‌های استخوانچه‌ها
مشخص می‌شود. مترادف:

orofaciadigital syndrome, type II

Morquio s.

سندرم مورکیو

[L. Morquio, متخصص کودکان اورولوژی،
۱۹۴۵-۱۸۶۷]. اختلال اتوزومی مغلوب و نادر
متابولیک یا ماکوپلی‌ساکاریدوز که با کوتاهی
قد، اختلالات عمده اسکلتی، کدورت قرنیه و
کاهش شنوایی مشخص می‌شود.

Muckle-Wells s. سندرم میوکل-ولز

[J. J. Muckle, متخصص کودکان کانادایی،
قرن بیستم، M.V. Welles, پزشک انگلیسی،
قرن بیستم]. اختلال اتوزومی غالب غدد
درون‌ریز و متابولیک که در دوره نوجوانی آغاز
می‌شود و با اختلالات و بیماری‌های پیشرونده
کلیه همزمان با کاهش شنوایی حسی عصبی
پیشرونده مشخص می‌گردد.

multiple lentiginos s.

سندرم لنتیگوهای متعدد

اختلال اتوزومی غالب جلدی-رنگداندایی که با

لکه‌های قهوه‌ای کوچک روی گردن و بالاتنه و ناهنجاری‌های مادرزادی متعدد از جمله کاهش شنوایی حسی عصبی مشخص می‌شود.

Nager s. سندرم ناژر

[F. R. Nager, متخصص گوش، گلو و بینی سوئیس، ۱۹۵۹-۱۸۷۷]. سندرم اختلال تکامل استخوان‌های فک زیرین و صورت یا سندرم ترچرکولینز که با فقدان انگشت شست و غالباً ناهنجاری‌های گوش و صورت نظیر ترچرکولینز همراه است. مترادف:

acrofacial dysostosis

Norrie s. سندرم نوری

[G. Norrie, چشم‌پزشک دانمارکی، -۱۸۵۵-۱۹۴۱]. اختلال چشمی مغلوب وابسته به X که با تخریب پیشرونده چشم، عقب‌ماندگی ذهنی و کاهش شنوایی حسی عصبی دیرآغاز پیشرونده، دوطرفه و متقارن مشخص می‌شود. مترادف:

oculoacousticocerebral degeneration

otopalatodigital s.

سندرم گوش‌ی-کامی-انگشتی اختلال مغلوب وابسته به X که با دیسپلازی عمومی استخوان و در نتیجه کاهش شنوایی انتقالی، شکاف کام، فاصله زیاد انگشتان پا، شست پهن و سایر علائم دیسپلازی مشخص می‌شود.

Patau s. سندرم پاتو

[K. Patau, متخصص ژنتیک آمریکایی آلمانی الاصل، قرن بیستم]. اختلال کروموزومی تریزومی ۱۳، که با ناهنجاری‌های مادرزادی

مختلف شامل کوچکی غیرطبیعی سر، عقب‌ماندگی شدید ذهنی، گوش‌های پایین، بدشکلی لاله، آترزی و نقص تشکیل گوش میانی و داخلی مشخص می‌شود.

Pendred s. سندرم پندرد

[V. Pendred, پزشک انگلیسی، -۱۸۶۹-۱۹۴۶]. اختلال اتوزومی مغلوب سوخت‌وساز غدد درون‌ریز که به گواتر و کاهش شنوایی مادرزادی از نوع حسی عصبی قرینه در حد متوسط تا شدید منجر می‌شود.

piebaldness پیسی

نوع غالب، مغلوب یا وابسته به X سندرم‌های رنگدانه‌ای پوست که با فقدان رنگدانه‌های کف سر به صورت لکه‌های متعدد مشخص می‌شود و ممکن است با کاهش شنوایی مادرزادی از نوع حسی عصبی عمیق همراه باشد.

Pierre Robin s. سندرم پی‌روبن

[P. Robin, دندانپزشک فرانسوی، -۱۸۶۷-۱۹۵۰]. اختلال اتوزومی غالب چمجه‌ای صورتی-استخوانی که با کوچکی غیرطبیعی لثه‌ها و زبان، غالباً شکاف کام، نزدیک‌بینی شدید، آب سیاه (گلوکوم) مادرزادی، جداشدگی قرنیه و کاهش شنوایی حسی عصبی یا انتقالی مشخص می‌شود.

Ramsay Hunt s.

سندرم رامسی هانت

[J. Ramsay Hunt, متخصص مغز و اعصاب آمریکایی، ۱۹۲۷-۱۸۷۲]. عفونت زونا که در عقده‌ها باقی می‌ماند و می‌تواند توسط بیماری‌های عمومی فعال شده به بروز تاول‌های

حیابی روی لاله گوش، فلج عصب هفتم و کاهش شنوایی حسی عصبی منجر گردد. مترادف: herpes zoster oticus.

سندرم رفسام Refsum s.

[S. B. Refsum, پزشک نروژی، متولد ۱۹۰۷]. اختلال اتوزومی مغلوب چشم که با التهاب رنگدانه‌های چشم، التهاب اعصاب محیطی، آتاکسی مچخه‌ای و کاهش شنوایی حسی عصبی نامتقارن پیشرونده مشخص می‌شود.

renal-genital s.

سندرم کلیوی-تناسلی

اختلال اتوزومی مغلوب که با ناهنجاری‌های مادرزادی کلیه و نقص اندام‌های تناسلی درونی، لاله‌های پایین‌افتاده و مجاری باریک گوش، گوش میانی ناهنجر و در نتیجه کاهش شنوایی انتقالی مشخص می‌شود.

Richards-Rundle s.

سندرم ریچاردز-راندل

[A. T. Rundle و B. W. Richards, پزشکان انگلیسی، قرن بیستم]. اختلال اتوزومی مغلوب دستگاه عصبی که با آتاکسی، تحلیل عضلات، عقب‌ماندگی ذهنی شدید و کاهش شنوایی حسی عصبی زودآغاز و پیشرونده مشخص می‌شود. مترادف:

ataxia-hypogonadism syndrome

سندرم سن‌فیلیپو Sanfilippo s.

[S. J. Sanfilippo, متخصص کودکان آمریکایی،

قرن بیستم]. نوعی موکوپلی‌ساکاریدوز که عقب‌ماندگی ذهنی شدید، ناهنجاری‌های خفیف استخوانی و احشایی و کاهش شنوایی مشخص می‌شود.

سندرم استیکلر Stickler s.

اختلال چرمه‌ای صورتی که با صافی صورت، شکاف کام، تغییرات چشمی و بیماری مفاصل مشخص می‌شود. این سندرم با کاهش شنوایی انتقالی یا آمیخته و اختلال لوله استاش به دلیل شکاف کام همراه است.

temporomandibular joint (TMJ)

s. = Costen syndrome

سندرم تیتز Tietze s.

[A. Tietze, جراح آلمانی، ۱۹۲۷-۱۸۶۴]. اختلال اتوزومی غالب و ارثی که با فقدان عمومی رنگدانه‌ها، نداشتن ابرو و عنیب و کاهش شنوایی عمیق مشخص می‌شود.

سندرم تاونز Townes s.

[P. L. Townes, متخصص کودکان آمریکایی، متولد ۱۹۲۷]. اختلال اتوزومی غالب که با ناهنجاری مادرزادی گوش، دست، پا، مقعد، کلیه و کاهش شنوایی حسی عصبی یا آمیخته پیشرونده مشخص می‌شود.

Treacher Collins s.

سندرم ترچر کولینز

[E. Treacher Collins, جراح انگلیسی، ۱۹۳۲-۱۸۶۲]. اختلال اتوزومی غالب در شکل

syndrome

جمجمه و صورت که با شکاف مورب پلک‌ها به سمت پایین، استخوان‌های فرورفته گونه، لاله بدشکل گوش، چانه عقب‌رفته، دهان بزرگ، آترزی و بدشکلی زنجیره استخوانچه‌ای مشخص می‌شود. مترادف:

mandibulofacial disostosis

trisomy 13-15 s.

سندرم تریزومی ۱۵-۱۳

ناهنجاری کروموزومی که با کوچکی غیرطبیعی چشم، شکاف کام و لب، انگشتان اضافی و ناهنجاری‌های گوش خارجی، میانی و داخلی مشخص می‌شود.

trisomy 18 s. = Edward syndrome

trisomy 21 s. = Down syndrome

سندرم ترنر Turner s.

[H. H. Turner, متخصص غدد درون‌ریز آمریکایی، ۱۹۷۰ - ۱۸۹۲]. ناهنجاری کروموزومی در زنان که با فقدان یک کروموزوم X مشخص می‌شود و سبب کوتاهی قد، فقدان بافت‌های تخمدان، ناهنجاری‌های چشم، قلب و گوش و کاهش شنوایی انتقالی و حسی عصبی می‌گردد. مترادف: XO syndrome.

سندرم یوشر (مصطلح: آشر) Usher s.

[C. H. Usher, چشم‌پزشک انگلیسی، ۱۸۶۵-۱۹۴۲]، اختلال اتوزومی مغلوب که با کاهش شنوایی حسی عصبی مادرزادی و کاهش پیشرونده بینایی به دلیل اختلال رنگدانه‌ای شبکه مشخص می‌شود.

syndrome

سندرم وان بوکم Van Buchem s.

[F. S. P. Van Buchem, پزشک هلندی، متولد ۱۸۹۸]. اختلال اتوزومی مغلوب جمجمه‌ای صورتی که با استخوانی و سخت شدن و تنگی سوراخ‌های جمجمه از دوران کودکی و در نتیجه ضعف اعصاب جمجمه‌ای از جمله کاهش شنوایی حسی عصبی مشخص می‌شود.

Van Der Hoeve s.

سندرم وان در هوف

[J. Van Der Hoeve, چشم‌پزشک هلندی، ۱۹۵۲-۱۸۷۸]. اختلال اتوزومی غالب که با علائم مربوط به داشتن استخوان‌های شکننده مشخص می‌شود. علائمی نظیر شکستگی‌های متعدد حین تولد، مفاصل ضعیف، بدشکلی‌های استخوانی، فشردگی ریشه اعصاب و تشکیل ناقص استخوان گیجگاهی. مترادف:

osteogenesis imperfecta

سندرم واردنبرگ Waardenburg s.

[P. J. Waardenburg, چشم‌پزشک هلندی، ۱۹۲۹-۱۸۸۶]. اختلال اتوزومی غالب که با چابک‌شدگی عضلات مستقیم داخلی به سمت خارج، پهن‌تر شدن ریشه بینی، عنبیه چندرنگ، سفیدی موی جلوی پیشانی و کاهش شنوایی حسی عصبی ملایم تا شدید مشخص می‌شود.

سندرم ویلدروانک Wildervank s.

نشانگان مادرزادی قوس برانشیال که غالباً در زنان رخ می‌دهد و نشانه آن چسبندگی دو یا بیش از دو مهره گردنی است. این نشانگان به کلیل فیلی شباهت دارد و علائم آن درون

syndrome

کشیدگی کره چشم، ضعف نگاه خیره به طرفین
و کاهش شنوایی است. مترادف:

cervico-oculo-acoustic syndrome

XO s. = Turner syndrome

syndromic hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

synergic

همکار

مربوط به همکاری یا سینرژی.

synergism = synergy

synergistic

مربوط به سینرژی

synergy

۱. همکاری، تشریک مساعی

۲. با هم عمل نمودن و همکاری بین دو یا چند
ساختمان یا دارو.

۳. در نورولوژی، توانایی تنظیم و هماهنگی
حرکات در جهت انجام اعمال خاص.

synotia

قرار گرفتن گوش در موقعیت افقی زیر صفحه‌ای
که از فک تحتانی می‌گذرد.

syntax

نحو

synthesis

سنتز، ترکیب، هم‌نهشت، هم‌نهاد

۱. ساخت، ترکیب، تلفیق، ایجاد یک ترکیب از
طریق به هم پیوستن عناصر متشکله آن که
این عمل می‌تواند به صورت مصنوعی یا طبیعی

synthetic sentence-identification

انجام گیرد. ۲. در روان‌پزشکی، یکی‌شدگی و
تلفیق عناصر مختلف شخصیت.

auditory s.

سنتز شنوایی

پردازه درکی که در طی آن واج‌های مجزا به
صورت هجا یا کلمه کامل تلفیق می‌شوند.
مترادف: sound blending.

synthesize

سنتز کردن، ترکیب کردن، با هم نهشتن
آمیختن عناصر جداگانه برای ساخت یک
ترکیب.

synthetic method

روش ترکیبی

آموزش بازشناسی کل پاراگراف قبل از تجزیه
آن به جمله‌ها، واژه‌ها و اصوات گفتاری. از جمله
طرفداران این روش نیچی و کینزی می‌باشند.

synthetic sentence-identification
test (SSI test)

آزمایش شناسایی جمله‌های ساختگی
آزمایش بازشناسی گفتار با پاسخ بسته که در
آن جمله‌های ساختگی در حضور گفتار رقابتی
فرد دیگر ارائه می‌شود تا توانایی پردازش
شنوایی مرکزی ارزیابی گردد.

synthetic sentence-identification
test with contralateral competing
message (SSI-CCM)

آزمایش شناسایی جمله‌های رقابتی که در آن
پیام رقابتی در گوش دیگر (CCM) در نسبت‌های
مختلف محرک به پیام رقابتی ارائه می‌شود.



synthetic sentence-identification

synthetic sentence-identification
test with ipsilateral competing
message (SSI-ICM)

آزمایش شناسایی جمله‌های رقابتی که در آن پیام رقابتی در همان گوش (ICM) در نسبت محرک به پیام رقابتی صفر دسی‌بل ارائه می‌شوند.

syphilis سیفیلیس

بیماری مادرزادی یا اکتسابی خاصی که عامل آن اسپیروکت ترپونما پالیدوم است.

acquired s. سیفیلیس اکتسابی

بیماری مقاربتی که توسط اسپیروکت ترپونما ایجاد می‌شود که در مرحله دوم و سوم ممکن است به اختلالات شنوایی و دهلیزی ناشی از التهاب لایبرنت غشائی منجر شود.

secondary acquired s.

مرحله دوم سیفیلیس اکتسابی
مرحله دوم عفونت سیفیلیس که می‌تواند به التهاب لایبرنت غشائی همراه با مننژیت حاد منجر شود.

tertiary acquired s.

مرحله سوم سیفیلیس اکتسابی
آخرین مرحله پیشرفت عفونت سیفیلیس که بین سه تا ده سال پس از عفونت اولیه رخ می‌دهد و غالباً به سیفیلیس گوش منجر می‌شود.

syphilitic

سیفیلیسی
مربوط به سیفیلیس.

syphilitic labyrinthitis

به labyrinthitis مراجعه کنید.

system

۱. سازمان، دستگاه، نظام، سامانه، سازمان،
جهاز؛ ۲. شبکه، ساختار؛ ۳. روش، شیوه؛
۴. نظم، ترتیب، قوام

مجموعه‌ای پایدار که از کنار هم قرار گرفتن چند جزء به وجود می‌آید که به منظور خاصی با هم کار می‌کنند یا عملی را انجام می‌دهند که هر یک به تنهایی قادر به انجام آن نیستند. مکتب یا روشی که بر اصول خاصی استوار است.

systemic ۱. منظم، سازماند، نظام‌مند؛

۲. درون‌تنی، عمومی، سیستمی
مربوط به یا مؤثر بر کل دستگاه یا تمام بدن.
۳. ریشه‌ای، بنیادی

systemic method روش نظام‌دار

روش گفتارخوانی که بر بازشناسی بصری صداهای گفتاری منفرد تأکید دارد. مترادف:

analytic method

system universal verbotonal audi-
tion Guberina (SUVAG)

دستگاه جهانی کلامی صوتی-شنوایی گوبرینا
گروهی از دستگاه‌های تربیت شنوایی که توسط گوبرینا در زاگرب کرواسی ابداع گردید. این وسایل بخش مکمل روش درمانی کلامی صوتی محسوب می‌شوند.

T

T → tympanogram

T & A → tonsillectomy and adenoidectomy

T coil → telecoil

T switch → telecoil switch

tack procedure روش پونز

روش جراحی که برای درمان هیدروپس اندولنفاتیک ابداع شده است. در این روش پونز تیزی به طور دائمی از طریق صفحه رکابی در دهلیز قرار می‌گیرد و در لاپیرنت غشائی فیستول ایجاد می‌کند.

tactile

لامسه‌ای، پساوایی
مربوط به حس لامسه

tactile device

وسیله کمک لامسه‌ای، سمعک لامسه‌ای
سمعی که به منظور تحریک لامسه‌ای صدا را به ارتعاش تبدیل می‌کند و به عنوان جایگزینی برای تحریک شنوایی در افراد مبتلا به کاهش شنوایی عمیق طراحی شده است. مترادف: vibrotactile hearing aid.

tactile extroception = tactile response

tactile feedback

به feedback مراجعه کنید.

tactile response

tactile response پاسخ لامسه‌ای
در ادیومتری انتقال استخوانی و گاه انتقال
هوایی پاسخی به محرکی است که از طریق
تحریک لامسه‌ای و نه از طریق شنوایی درک
شده باشد. مترادف: vibro-tactile response,
tactile exteroception

tactual لامسه‌ای، بساوشی
مربوط به یا ناشی از لمس.

tag

بیرون‌زدگی کوچک شبیه به زبان یا پولیپ.

preauricular t.

آویزه جلوی لاله گوش، برجستگی جلوی لاله
گوش
بدشکلی مادرزادی مجموعه‌ای صورتی که با
یک زائده کوچک و غالباً محتوی غضروف
مشخص می‌شود و در جلوی لاله گوش قرار
گرفته است.

tangible reinforcement operant
conditioning audiometry (TROCA)

به audiometry مراجعه کنید.

target هدف

۱. در ادیومتری گفتاری، محرک مورد نظر، ۲. در
تنظیم سمعک، بهره و پاسخ فرکانسی تجویز
شده که خروجی اصلی سمعک با آن‌ها مقایسه
می‌شود.

speech t. هدف گفتاری

در ادیومتری گفتاری به محرک گفتاری مورد
نظر گفته می‌شود.

target signal محرک هدف
در اندازه‌گیری پتانسیل‌های وابسته به تحریک،
محرکی است که کمتر از محرک دوم رخ می‌دهد
و معمولاً به بیمار آموزش داده می‌شود که به آن
توجه کند.

task relevance ارتباط با آزمون
در اندازه‌گیری پتانسیل‌های وابسته به محرک
عددی است که همراه با نوع خاصی از محرک
یا پاسخ دیده می‌شود.

TB → trapezoid body

TC → total communication

TD → threshold of discomfort

TDD → telecommunication or tele-
phone device for the deaf

tectorial membrane

به membrane مراجعه کنید.

tegmen tympani سقف صماخی
صفحه استخوانی نازکی از بخش خار و
صدفی استخوان گیجگاهی که دیواره سقفی یا
سقف محفظه صماخی را تشکیل می‌دهد.

tegmental wall دیواره سقفی
دیواره فوقانی یا سقف محفظه صماخی.

telecoil (T coil) سیم‌پیچ القایی
سیم‌پیچ القایی که در اغلب سمعک‌ها وجود
دارد و محرک‌های الکترومغناطیسی را از تلفن

telecoil switch (T switch)

یا دستگاه تقویت‌کننده حلقه‌ای دریافت می‌کند.

telecoil switch (T switch)**کلید سیم‌پیچ القایی**

مدار قطع و وصل‌کننده در برخی سمک‌ها که اجازه می‌دهد سیم‌پیچ القایی برای دریافت محرک‌های الکترومغناطیسی از تلفن یا دستگاه تقویت‌کننده حلقه‌ای فعال شود.

telecommunication device for the deaf (TDD)**تلفن ناشنویان**

دستگاه تلفنی که مورد استفاده افراد مبتلا به آسیب قابل ملاحظه شنوایی قرار می‌گیرد. در این تلفن، پیام تایپ‌شده‌ای از طریق خطوط تلفن ارسال شده و به صورت چاپ‌شده دریافت می‌گردد. مترادف: TTD, TT, TTY.

telemagnetic loop system

دستگاه حلقه‌ای مغناطیسی راه دور
دستگاه شنوایی کمکی که شامل یک میکروفن یا تقویت‌کننده است که محرک‌ها را به حلقه سیمی که در اتاق وجود دارد انتقال می‌دهد. این محرک‌ها توسط سیم‌پیچ القایی سمک از طریق القای مغناطیسی دریافت می‌شوند.

telephone amplifier**تقویت‌کننده تلفن**

هر یک از انواع وسایل کمکی که برای افزایش سطح شدت خروجی گوشی تلفن مورد استفاده قرار می‌گیرند.

telephone coil = telecoil**Templin phoneme Discrimination**

telephone device for the deaf = telecommunication device for the deaf

telephone theory**نظریه تلفن**

نظریه‌ای که بر مبنای آن درک زیر و بمی تن‌های فرکانس پایین به تکانه‌های نورونی که به طور متوالی شلیک می‌شوند بستگی دارد. مدعیان این نظریه معتقدند درک تن‌های بالاتر را نظریه مکانی توجیه می‌کند. [E.G. Wever & C.W. Bray, ۱۹۴۹].

مترادف: volley theory.

telereceptors**گیرنده‌های راه دور**

اندام‌های انتهایی حسی با قابلیت دریافت محرک‌ها از دور.

teletypewriter (TTY)**تحریر راه دور ناشنویان**

واژه‌ای که قبلاً به جای TDD یا TT استفاده می‌شد.

Television Decoder Circuitry Act

قانون عمومی ۳۳۶-۱۰۱ آمریکا مصوب ۱۹۹۰ که بر مبنای آن تمام تلویزیون‌های دارای صفحه نمایش با قطر مورب ۱۳ اینچی یا بیشتر باید به مدار رمزگشای مخصوص زیرنویسی مجهز باشند.

Templin phoneme Discrimination

Test آزمایش تمایز واج تمپلین
آزمایشی که برای کودکان ۹-۶ ساله طراحی

temporal

شده و در آن هجاهای بی معنی گفته می شود و پاسخ به صورت مشابه یا متفاوت دریافت می گردد.

temporal

۱. زمانی، مربوط به زمان، موقتی، زودگذر.

۲. گیجگاهی

مربوط به بخش جانبی قسمت بالای سر.

temporal acuity دقت زمانی

توانایی تشخیص یا جدا کردن فواصل زمانی کوچک یا ترتیب آنها.

temporal bone استخوان گیجگاهی

استخوان‌های دو طرف جمجمه که قسمت اعظم قاعده خارجی و طرفین جمجمه را تشکیل می دهند و شامل بخش‌های صدقی، پستانی، خارهای، صماخی و زایده نیزه‌ای است.

temporal envelope پوش زمانی

نمودار زمان در مقایسه با دامنه یک محرک که به صورت منحنی همواری که قله‌های تابع مدوله شده را به هم متصل می کند نشان داده می شود.

temporal gyri شکنج‌های گیجگاهی

سه مجموعه از شکنج‌های مغزی لب گیجگاهی را تشکیل می دهند. شکنج گیجگاهی تحتانی واقع در زیر شیار گیجگاهی تحتانی، شکنج گیجگاهی میانی واقع در بین شیارهای گیجگاهی فوقانی و تحتانی، شکنج گیجگاهی فوقانی، واقع در بین شیار فوقانی و

شیار جانبی (شیار سیلویوس). این شکنج‌ها شامل مراکز مربوط به اعمال شنوایی مرتبط با منطقه اولیه شنوایی در شکنج‌های عرضی گیجگاهی (شکنج‌های هشل) می باشند.

temporal integration = temporal summation

temporal lobe لب گیجگاهی

بخشی از مغز که بالا و در مجاورت استخوان گیجگاهی و زیر شیار جانبی قرار گرفته و شامل قشر شنوایی اولیه است.

temporal masking

به masking مراجعه کنید.

temporal resolution تفکیک زمانی

توانایی درک یا تمایز جداگانه صداهایی که فاصله زمانی کمی دارند.

temporal summation تجمع زمانی

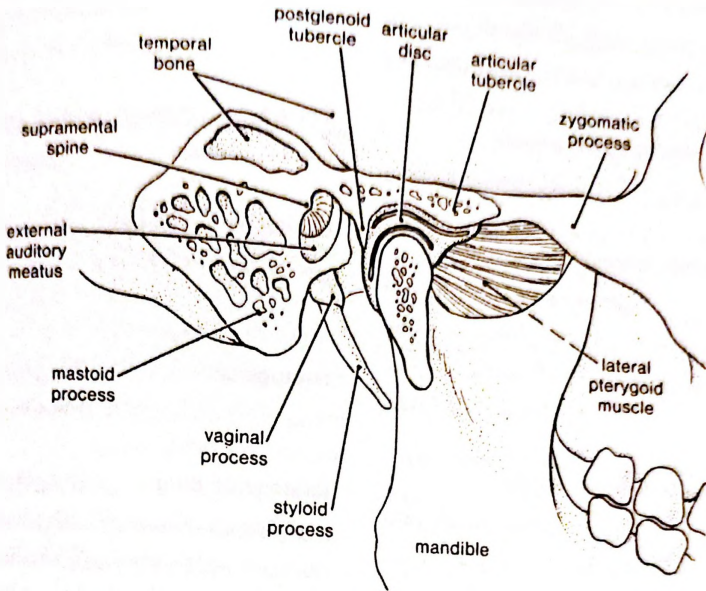
جمع عملکردهای نرونی که از اضافه شدن مدت انرژی صوتی حاصل می شود به طوری که افزایش مدت تا حدود ۲۰۰ میلی ثانیه سبب بهتر شدن آستانه‌ها می گردد.

temporary threshold shift (TTS)

تغییر موقت آستانه

کاهش شنوایی گذرا یا برگشت پذیر به دلیل خستگی دستگاه شنوایی در پی مواجهه با سطوح بیش از حد صدا. مترادف:

noise-induced temporary threshold shift



Temporomandibular Joint

temporomandibular joint (TMJ)

مفصل گیجگاهی فکی

temporomandibular joint (TMJ)

به syndrome مراجعه کنید.

10-20 International Electrode system

نظام الکتروگذاری بین‌المللی ۲۰-۱۰

نظام قراردادی معرف محل الکترودها روی

پوست سر در ارزیابی پتانسیل‌های برازگرفته

به دلیل این‌که هر الکتروود ۱۰٪ یا ۲۰٪ فاصله

بین نقاط فاز یون (نقطه میانی درز پیشانی به

بینی)، برجستگی استخوان پس سری و پشت

گوشی راست و چپ است.

tendon, stapedius

زردپی رکابی، تاندون رکابی

زردپی گردی که از عضله رکابی از طریق

سوراخ کوچکی در رأس برآمدگی هرمی پیش

آمده و به سر استخوانچه رکابی می‌چسبند.

tendon, tensor tympani

تاندون کشنده صماخی

تاندونی که از عضله کشنده صماخی خارج شده،

از زائده حلزونی شکل می‌گذرد و به بخش

بالایی دسته چکشی متصل می‌گردد. این

تاندون در صورت انقباض عضله، استخوانچه

چکشی را به سمت داخل و جلو می‌کشد.

tensor

tensor

هر عضله‌ای که ساختمانی از بدن را سفت یا سخت کند.

tensor tympani muscle

به muscle مراجعه کنید.

tensor tympani semicanal

نیم‌مجرای عضله کشنده صماخی
مجرای در استخوان گیجگاهی که به دیوار
سباتی (کاروتیدی) گوش میانی باز می‌شود و
عضله کشنده صماخ از آن می‌گذرد.

tensor tympani tendon

تاندون کشنده صماخی
تاندونی که از عضله کشنده صماخی خارج
شده، از زائده حلزونی شکل می‌گذرد و به
بخش بالایی دسته چکشی متصل می‌گردد.
این تاندون در صورت انقباض عضله،
استخوانچه چکشی را به سمت داخل و جلو
می‌کشد.

tensor velli palatini

عضله کشنده کام نرم
یکی از دو عضله حلق بینی که همراه با
بالابرنده کام نرم مسئول باز کردن انتهای لوله
استاش با جابه‌جا کردن غشاء لوله به سمت
داخل است. عصب آن توسط عصب سه‌قلو
(پنجم جمجمه‌ای) تأمین می‌شود.

TENVAD → test of nonverbal auditory discrimination

tentorium

چادرینه
پوشش غشائی که قسمت عمده‌ای از بخش‌های
پایینی مغز را از قشر آن جدا می‌کند.

TEOAE → transient evoked otoacoustic emission

تراتوژن، ناقص‌الخلقه‌ساز
دارو، عامل یا اثر دیگری که سبب رشد ناقص
جنین شود.

teratogenic

تراتوژنی
مربوط به عامل تراتوژن.

داروهای تراتوژنی
داروهایی نظیر تالیدومید، کینین، دیلانیتین و
آکوتان که اگر توسط مادر در طی دوران
بارداری مصرف شوند اثر ناقص‌کنندگی قابل
توجهی بر رشد جنین دارند. از جمله این اثرات
نقص تشکیل گوش است.

teratoma

تومور مرکب، تراتوم
تئوپلاسم خوش‌خیمی که از بافت‌های مختلفی
تشکیل می‌شود و در نواحی خارج از جایی که
آن بافت به طور طبیعی وجود دارد ایجاد
می‌گردد. گاد در استخوان گیجگاهی یافت
می‌شود که با کاهش شنوایی همراه است.

tertiary

سومین، دوره سوم

tertiary acquired syphilis

مرحله سوم سیفیلیس اکتسابی
آخرین مرحله پیشرفت عفونت سیفیلیس که

tests of auditory-perceptual skills

بین سه تا ده سال پس از عفونت اولیه رخ می‌دهد و غالباً به سیفیلیس گوش منجر می‌شود.

tests of auditory-perceptual skills

(TAPS)

آزمایش‌های مهارت‌های شنوایی-درکی
آزمایشی برای شناسایی کودکان ۴ تا ۱۲
ساله‌ای که اشکال در درک شنوایی، عدم درک
از طریق حس شنوایی و مشکلات زبانی/
یادگیری دارند از طریق زیرآزمون‌های تمایز
شنوایی، حافظه متوالی، حافظه واژه‌ای، درک
دستورالعمل‌ها و پردازش شنوایی.

tests of nonverbal auditory discrimination (TENVAD)

آزمایش‌های تمایز غیرکلامی شنوایی
آزمایشی برای شناسایی کودکان پایه‌های اول
دبستان (۸-۶ ساله) که ممکن است مشکلات
تمایز شنوایی داشته باشند. این آزمایش
شامل ۵ زیرآزمایش برای ارزیابی تمایز زیر و
بمی، بلندی، آهنگ، مدت و طنین است.

testing-teaching module of auditory discrimination (TTMAD)

معیار آزمون - تربیت تمایز شنوایی
روشی که به دو بخش تقسیم شده است: آزمایش
تمایز شنوایی (TAD) کودکان پیش دبستانی
و مجموعه‌ای از ۴۵۰ بازی و فعالیت برای
افزایش کارایی مهارت‌های تمایز شنوایی
آن‌ها.

test-retest reliability

پایایی آزمون - آزمون مجدد
وسیله اندازه‌گیری ثبات نتایج یک آزمایش در
یک کار آزمایی و در تکرار مجدد همان کار آزمایی.

tetanus antitoxin

پادزهر گزاز

پادزهری که در پاسخ به سم نوروپاتیک
خاصی تشکیل می‌شود و هنگامی که به شکل
پیشگیری یا درمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد
ممکن است با کاهش شنوایی حسی عصبی
عمیق همراه باشد.

text telephone (TT)

تلفن ناشنوایان

دستگاه تلفنی که مورد استفاده افراد مبتلا به
آسیب قابل ملاحظه شنوایی قرار می‌گیرد. در
این تلفن، پیام تایپ‌شده‌ای از طریق خطوط
تلفن ارسال شده و به صورت چاپ‌شده
دریافت می‌گردد. مترادف: TDD.

thalamocortical projections

دسته‌های تالاموسی قشری
دسته‌های رشته‌های عصبی وایران که از قشر
مغز به تالاموس می‌روند و شامل رشته‌هایی
هستند که از قشر اولیه شنوایی به جسم زانویی
داخلی ارسال می‌شوند.

thalamus

تالاموس

توده بیضی‌شکل بزرگی از ماده خاکستری که
در مغز پیشین واقع شده و شامل هسته‌های
رله‌کننده حسی نظیر اجسام زانویی داخلی
است.

thalidomide

thalidomide تالیدومید
داروی آرامبخشی که در صورت مصرف در طی دوران بارداری می‌تواند اثر ناقص‌کنندگی بر دستگاه شنوایی جنین در حال رشد داشته باشد و سبب کاهش شنوایی مادرزادی گردد.

therapy درمان

thermal noise به noise مراجعه کنید.

theta rhythm or waves

امواج یا ریتم تتا
امواج آهسته‌ای در EEG با فرکانس ۴ تا ۷ هرتز که عمدتاً در کودکان و نیز در بزرگسالان هنگام اضطراب‌های عاطفی دیده می‌شود.

third-octave filter به filter مراجعه کنید.

three-day measles سرخک سه‌روزه
عفونت ویروسی ملایم که با تب و بثورات جلدی گذرا که مشابه سرخک است مشخص می‌شود. در صورت رخداد در زمان بارداری ممکن است به ناهنجاری‌هایی در جنین از جمله کاهش شنوایی حسی عصبی منجر گردد. مترادف: rubella.

3-dB rule قانون سه دسی‌بل
رابطه زمان-شدت که بر مبنای آن به ازای هر بار نصف شدن زمان مواجهه با نویز می‌توان ۳ دسی‌بل A به نویز مجاز اضافه کرد بدون آنکه خطر کاهش شنوایی ناشی از نویز افزایش یابد.

threshold آستانه
سطحی که یک محرک یا تغییرات آن به قدری باشد که بتواند احساس یا اثر ایجاد نماید.

absolute t. آستانه مطلق
۱. اصطلاح سایکوفیزیکی که برای نشان دادن مقدار دامنه محرکی که پاسخ مطلوب را برانگیخته است مورد استفاده قرار می‌گیرد و غالباً با آستانه کشف محرک مرتبط است. ۲. در ادیومتری پایین‌ترین سطح شدتی است که بتوان محرک صوتی را کشف نمود.

acoustic reflex t. آستانه رفلکس صوتی
پایین‌ترین سطح شدت محرک که رفلکس صوتی کشف می‌شود.

aided t. آستانه با سمعک
کمترین سطح شدتی که محرک برای فردی که از سمعک استفاده می‌کند قابل شنیدن است.

air conduction t. آستانه انتقال هوایی
آستانه مطلق حساسیت شنوایی نسبت به محرک تن خالص که از طریق انتقال هوایی ارائه می‌شود.

audibility t. آستانه قابلیت شنیدن
آستانه حساسیت شنوایی.

auditory t. آستانه شنوایی
پایین‌ترین سطح شدتی که یک صدای خاص دریافت می‌شود.

bone conduction t.

آستانه انتقال استخوانی
 آستانه مطلق حساسیت شنوایی برای
 محرک‌های تن خالص که از طریق نوسانگر
 انتقال استخوانی ارائه می‌شوند.

compression t. آستانه تراکم

حداقل سطح ورودی بر حسب دسی‌بل که
 مداربندی تراکم در سمعک فعال می‌شود.

detectability t. = detection threshold**detection t.** آستانه کشف

آستانه مطلق حساسیت شنوایی.

differential t. آستانه افتراقی

کوچکترین تفاوت قابل کشف بین دو محرک از
 نظر شدت، فرکانس، زمان و غیره. مترادف:
 difference limen

equivalent speech t.

آستانه معادل گفتاری
 میانگین دوتا از سه فرکانس گفتاری (۵۰۰،
 ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ هرتز) که کاهش شنوایی کمتری
 داشته باشند. این مقدار برای کاندیدهای
 احتمالی جراحی به منظور پیش‌بینی موفقیت
 عمل جراحی محاسبه می‌شود.

elevated t. آستانه افزایش یافته

آستانه مطلقی که ضعیف‌تر شده و بدین ترتیب
 از نظر سطح شدت بیشتر شده یا افزایش یافته
 است.

false t.

آستانه کاذب
 در ادیومتری، تخمین نادرست حساسیت
 واقعی شنوایی.

hearing t.

آستانه شنوایی
 آستانه مطلق حساسیت شنوایی یا پایین‌ترین
 سطح شدتی که صدا درک می‌شود.

masked t.

آستانه پوشش یافته
 آستانه‌های ادیومتری که تن خالص یا گفتار در
 یک گوش که با پوشش مؤثر گوش دیگر به
 دست آمده‌اند.

noise-detection t. (NDT)

آستانه کشف نویز
 کمترین سطح شدتی که محرک نویز مورد نظر
 شنیده می‌شود.

pure tone t.

آستانه تن خالص
 کمترین سطحی که محرک تن خالص شنیده
 می‌شود.

pure tone air-conduction t.

آستانه راد هوایی تن خالص
 کمترین سطحی که محرک تن خالص از
 طریق گوشی شنیده شود.

pure tone bone-conduction t.

آستانه راد استخوانی تن خالص
 کمترین سطحی که محرک تن خالص از طریق
 نوسانگر ارتعاشی که روی پیشانی یا ماستویید
 قرار دارد شنیده شود.

threshold

raised t.

آستانه افزایش یافته حساسیت شنوایی
آستانه غیرطبیعی حساسیت شنوایی.

sensitivity t. آستانه حساسیت

کمترین سطحی که محرک قابل کشف یا شنیدن
است.

speech t (ST) آستانه گفتاری

اصطلاح کلی آستانه دریافت گفتار در مقابل
آستانه کشف یا آگاهی از گفتار.

speech-awareness t. (SAT)

آستانه آگاهی از گفتار
کمترین سطح شدتی که محرک گفتاری قابل
شنیدن باشد.

speech-detection t. (SDT) =
speechawareness threshold**speech-reception t. (SRT)**

آستانه دریافت گفتار
سطح آستانه بازشناسی گفتار که عبارت است
از کمترین سطح شدتی که ۵۰٪ واژه‌های
اسپوندی را بتوان شناسایی کرد.

spondee t. (ST) = speech-
reception threshold

unmasked t. آستانه پوشش نیافته
آستانه ادیومتریک تن خالص یا گفتاری که

بدون ارائه پوشش به گوش غیرآزمایشی به
دست آمده باشد.

threshold of audibility آستانه شنوایی
کمترین سطح شدتی که محرک شنوایی دریافت
شود.

threshold of discomfort (TD)

آستانه ناراحتی
کمترین سطح شدتی که صدا به طور
ناراحت‌کننده‌ای بلند باشد. مترادف:
uncomfortable loudness level

threshold of hearing sensitivity

آستانه حساسیت شنوایی
کمترین سطح شدتی که محرک شنوایی شنیده
شود.

threshold shift تغییر آستانه
تغییر حساسیت شنوایی، معمولاً کاهش یافتن
آن، بر حسب دسی‌بل.

permanent t.s. (PTS)

تغییر دائمی آستانه
تغییر دائمی حساسیت شنوایی که از ضربه
صوتی به دلیل مواجهه با سطوح بیش از حد
صدا ناشی شده است.

standard t.s. (STS)

تغییر استاندارد آستانه
تغییر آستانه شنوایی در مقایسه با ادیوگرام
پایه که عبارت است از تغییر به میزان ۱۰

دسی بل یا بیشتر در ۲۰۰۰، ۳۰۰۰ و ۴۰۰۰ هرتز در هر گوش.

temporary t.s. (TTS)

تغییر موقت آستانه کاهش شنوایی گذرا یا برگشت پذیر به دلیل خستگی دستگاه شنوایی در پی مواجهه با سطوح بیش از حد صدا.

تشکیل ترومبوز، لخته‌سازی thrombosis وجود لخته در رگ که سبب نرسیدن جریان خون به بافت‌هایی می‌شود که با آن رگ تغذیه می‌شوند.

thrombus ترومبوز، لخته لخته‌ای در رگ.

thymine تیمین یکی از چهار باز شیمیایی که القای ژنتیکی را می‌سازند.

TIA → transient ischemic attack

Tietze syndrome به syndrome مراجعه کنید.

TILL → treble increase at low levels

timbre زنگ طنین کیفیت ویژه یک صدا.

time-compressed speech به speech مراجعه کنید.

time-compressed speech measures

آزمایش اندازه‌گیری گفتار فشرده زمانی
آزمایش اندازه‌گیری ادیومتریکی گفتاری که در آن محرک‌های حساس شده گفتاری که از نظر زمانی فشرده شده‌اند برای ارزیابی تلفیق دستگاه عصبی مرکزی شنوایی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

time compression

فشرده‌گی زمانی روش پردازش محرک که برای شتاب بخشیدن به سرعت محرک‌های صوتی بدون تغییر مشخصه‌های فرکانسی آن طراحی شده است. در این روش برخی قسمت‌ها حذف شده و بقیه بخش‌ها فشرده می‌شوند.

time-intensity trade off

رابطه زمان-شدت ارتباط بین سطح شدت مجاز نویز با مدت مواجهه با آن شدت.

time-weighted average (TWA)

میانگین زمان اندازه‌گیری مواجهه روزانه با نویز که از تقسیم مدت مواجهه با سطوح صدای خاصی به مدت مجاز مواجهه برای آن سطوح حاصل می‌شود.

TIN → tone in noise

tinnitus وزوز گوش

احساس شنیدن صدای زنگ یا سایر صداها در سر بدون وجود منشأ خارجی.

tinnitus

clicking t. وزوز گوش شبه کلیک
وزوز گوش که صدای آن شبیه کلیک است و معمولاً از نوع درون نیوش و گاه بیرون نیوش می باشد. این وزوز در موارد اختلال مزمن گوش میانی وجود دارد و تصور می شود ناشی از باز و بسته شدن لوله استاش باشد.

intractable t. وزوز گوش مقاوم به درمان، وزوز گوش دیر درمان

leudet t. وزوز لوده
وزوز بیرون نیوش گوش که نشانه های آن صداهای کلیک انقباضی خشک به دلیل انقباض رفلکسی عضله کشنده کام لوله استاش است.

objective t. وزوز گوش برونی، وزوز گوش بیرون نیوش
صدای زنگ یا سایر نویزهای سر که توسط آزمایشگر قابل شنیدن و ارزیابی باشد.

pulsatile t. وزوز گوش ضربان دار
وزوز گوشی که توسط آزمایشگر شنیده می شود و مشخصه آن صدای ضربانی است. این نوع وزوز گوش از ناهنجاری های عروقی نظیر تومور گلوبوس، نواقص شریانی و سوفا های قلبی ناشی می شود.

subjective t. وزوز گوش درونی، وزوز گوش درون نیوش
درک صدای زنگ یا نویزهای دیگر در گوش یا سر توسط خود فرد به طوری که برای آزمایشگر قابل شنیدن نباشد.

tinnitus aurium وزوز درونی گوش
وزوز گوش درون نیوش که در یک یا هر دو گوش مکان، یابی شود.

tinnitus cerebri وزوز سر
وزوز گوش درون نیوش که به جای گوش ها در کل سر شنیده می شود.

tinnitus earmold به earmold مراجعه کنید.

tinnitus masker پوشاننده وزوز گوش
وسیله الکترونیکی شبیه سمعک که نویز دارای باند پهن یا باند باریک در سطح شدت پایین تولید و منتشر می کند و برای پوشاندن وزوز گوش طراحی شده است.

TM → tympanic membrane

TMJ → temporomandibular joint

TMJ syndrome → temporomandibular joint syndrome.

TOAE → transient otoacoustic emission

tobramycin توبرامايسين
آمینوگلیکوزید سم گوش، آنتی بیوتیکی که بر ضد موجودات گرم منفی عمل می کند.

tolerance تحمل
توانایی تحمل و معمولاً در طی یک دوره مداوم زمانی.

tolerance level

tolerance level

سطح تحمل
آستانه ناراحتی.

toluene

تولوئن

حلال صنعتی که در صورت استنشاق غلظت زیاد آن به مدت طولانی می‌تواند سم گوش باشد.

tomography

توموگرافی، مقطع‌نگاری، برش‌نگاری

تهیه پرتونگاشت‌های مقطعی از مناطق خاصی از مغز.

tonality

نواخت

کیفیت تن از نظر شنونده.

tone

تن

۱. در علم اکوستیک شنیدن صوتی تناوبی با زیر و بمی، بلندی و طنین مشخص، ۲. در صورت انسان، مشخصه نشان‌دهنده عواطف یا مشخصه افتراق‌دهنده تکواژهای مختلف در هر زبان، ۳. کشش در عضلات در حال استراحت، ۴. استحکام یا وضعیت سلامتی بافت عضو یا اندام.

combination t.

تن ترکیبی

هم‌هنگ (هارمونیکی) که هنگام ارائه همزمان دو تن خالص درک می‌شود.

complex t.

تن مرکب

تنی که دارای بیش از یک فرکانس است.

difference t.

تن تفاضلی

تنی متمایز که با فرکانس مساوی با تفاوت بین فرکانس‌های دو تن محرک درک می‌شود.

frequency-modulated t.

تن دارای فرکانس مدوله‌شده

محرک سینوسی که فرکانس آن به میزان ثابتی تغییر می‌کند. مترادف: warble tone.

probe t.

تن جستجوگر، تن ردیاب، تن پروب

در ارزیابی ایمیتانس، تن خالصی است که با شدت ثابت به مجرای خارجی گوش ارائه می‌شود و به‌طور غیرمستقیم برای اندازه‌گیری تغییرات جریان انرژی در مکانیسم گوش میانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

pure t.

تن خالص

موج صوتی که تنها یک فرکانس ارتعاشی دارد.

simple t. = pure tone

simple pure t. = pure tone

warble t.

تن چهچه‌زن

تن خالصی که فرکانس آن مدوله شده است و غالباً در ادیومتری میدان صوتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

tone burst

تن انفجاری

تن خالص کوتاهی که زمان افت‌وخیز سریعی

tone control

دارد و فقط به اندازه درک توانایی آن طول می‌کشد.

tone control کنترل‌کننده تن
پتانسیومتر در سمعک که پاسخ فرکانسی آن را تغییر می‌دهد.

tone deafness deafness مراجعه کنید.

tone decay زوال تن
سازش حین تحریک که در آن صدای قابل شنیدن در طی تحریک طولانی مدت دیگر شنیده نمی‌شود.

tone-decay test آزمایش زوال تن
آزمایشی برای تطبیق شنوایی که در آن تن پیوسته‌ای نزدیک به آستانه ارائه می‌شود و تغییرات درک آن در طی مدت زمان مشخص پایش می‌گردد. تطبیق غیرطبیعی نشانه وجود ضایعه در منطقه وراء حلزونی است.

tone in noise (TIN) تن در حضور نویز
یکی از آزمایش‌های همراه با پوشش که توانایی تشخیص تن در حضور نویز را ارزیابی می‌کند.

tone plp تن انفجاری که حداکثر دامنه آن از یک سبکل بیشتر نمی‌شود.

tonotopic تونوتوپیک
مربوط به ساختمان‌هایی در دستگاه عصبی محیطی و مرکزی شنوایی که از نظر نقشه

جغرافیایی یا مکانی بر حسب فرکانس‌های تن مرتب شده‌اند.

tonotopic organization
سازماندهی تونوتوپیک، آرایش تونوتوپیک آرایش، جای‌نگاری ساختمان‌هایی در سیستم عصبی محیطی و مرکزی شنوایی بر حسب فرکانس‌های تن.

tonotopicity
وضعیت آرایش جای‌نگاری بر حسب فرکانس.

tonsil لوزه
توده طبیعی از بافت شبه‌لنفی در دیواره‌های خارجی گلو.

tonsillectomy
برداشت لوزه از طریق جراحی

tonsillectomy and adenoidectomy (T&A)

برداشتن لوزه‌های گلو و لوزه سوم از طریق جراحی به منظور محدود کردن عفونت مزمن مجاری تنفسی فوقانی.

tonus تونوس، تونوسیته
انقباض خفیف و مداوم عضله که در عضلات اسکلتی به حفظ وضعیت و به بازگشت خون به قلب کمک می‌کند.

topical موضعی
مربوط به مکان یا منطقه خاصی.

topograph

topograph

جای‌نگار، توپوگراف
نقشه دقیق ویژگی‌های سطح یک منطقه یا ناحیه.

topographic mapping

نقشه‌برداری جای‌نگاری مغز
نمایش توزیع فعالیت الکتریکی مغز که توسط الکترودهای متعددی که کف سر نصب شده‌اند اندازه‌گیری شده و به دست می‌آید.

TORCH Infections

عفونت‌های مادرزادی پیش از تولد که به عنوان عوامل خطر آسیب شنوایی و سایر اختلالات طبقه‌بندی شده‌اند و عبارتند از توکسوپلاسموزیس (t)، سایر عفونت‌ها (o) به ویژه سیفیلیس، سرخچه (r)، عفونت ناشی از ویروس سیتومگال (c) و تبخال ساده (h).

total communication (TC)

ارتباط کلی

روش نوتوانی که برای افراد مبتلا به آسیب شنوایی شدید و عمیق استفاده می‌شود و تلفیقی است از روش‌های ارتباط شفاهی/شنوایی و دستی.

Townes syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

toxic

سمی

مربوط به سم.

toxic hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

tracking

toxic labyrinthitis

به labyrinthitis مراجعه کنید.

toxicity

سمیت

سمی بودن.

toxin

سم، ماده سمی

tracing, continuous (c tracing)

منحنی ممتد

نموداری است که در ادیومتری بکزی از جستجوی آستانه برای تن خالص ممتد به صورت فرکانس ثابت یا فرکانس روبی حاصل می‌شود.

tracing, interrupted (I tracing)

منحنی منقطع

نموداری است که در ادیومتری بکزی با ردیابی آستانه توسط تن منقطع یا پالسی به صورت فرکانس ثابت یا فرکانس روبی به دست می‌آید.

tracking

ردیابی

یکی از روش‌های توانبخشی شنوایی که برای آموزش و ارزیابی درک گفتار پیوسته مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش فرد تلاش می‌کند گفتار پیوسته گوینده را ردیابی یا دنبال کند. پاسخ به صورت تعداد واژه‌هایی که در واحد زمان تکرار کند، مشخص می‌شود.

pendular t.

تعقیب پاندولی

بخشی از مجموعه آزمایش‌های الکترونیستاگمو-گرافی که در آن یک شیء یا نقطه نورانی که به

tracking audiometry

طور سینوسی در جهت افقی یا عمودی حرکت می‌کند تعقیب می‌شود تا سیستم حرکت تعقیبی آرام یا یکنواخت چشم ارزیابی گردد.

tracking audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

tract

۱. راه، نوار

دسته رشته‌های عصبی که مبدأ، عملکرد و مقصد مشترکی دارند.

۲. مجرا، دستگاه، قطعه.

tragus

زبانۀ

برجستگی غضروفی کوچکی در دیواره قدامی مجرای خارجی شنوایی.

tragus configuration

طرح زبانۀ

تغییر قالب گوش و اضافه کردن فرورفتگی که روی زبانۀ قرار می‌گیرد به منظور بیشتر شدن کنترل بازخورد.

transcranial tympanoplasty

جراحی گوش میانی که در آن محفظه گوش میانی از طریق برش صماخی-مجراحی در معرض دید قرار می‌گیرد.

transcranial CROS

به hearing aid مراجعه کنید.

transcription

آوانگاری، کتابت

۱. ثبت صداها یا گفتاری به صورتی که شنیده می‌شوند نه به صورتی که بر حسب حروف الفبا هجی می‌گردند، ۲. ثبت یک واحد گفتاری به

شکل الفبای آوایی بین‌المللی که ممکن است نماد آن آوایی یا واجی باشد.

transduce

تبدیل کردن

تبدیل انرژی از صورتی به صورت دیگر.

transducer

مبدل، تراگذار

وسیله‌ای که انرژی را از صورتی به صورت دیگر تبدیل می‌کند. نظیر گوشی که انرژی الکتریکی را به انرژی صوتی تبدیل می‌نماید.

transduction

تبدیل

تبدیل انرژی از صورتی به صورت دیگر.

transection

قطع

قطع چیزی از عرض آن از طریق جراحی، نظیر قطع عصب.

transfer function, modulation

عامل انتقال مدوله‌سازی

توصیف توانایی یک سیستم انتقال صوتی یا الکترونیکی برای حفظ مشخصات دامنه پوش محرک.

transformer

مبدل، تبدیل‌کننده، ترانسفورماتور

وسیله‌ای که انرژی را از سطحی به سطح دیگر تبدیل می‌کند.

transient

گذرا

پاسخ مبدل به آغاز یا خاتمه سریع یک محرک الکتریکی که به صورت کلیک پهن باند

transient distortion

و کوتاه مدتی که پهنای باند آن با کاهش مدت محرک الکتریکی افزایش می یابد. متظاهر می شود.

transient distortion

به distortion مراجعه کنید.

transient evoked otoacoustic emission (TEOAE)

به otoacoustic emission مراجعه کنید.

transient evoked potential

به potential مراجعه کنید.

transient hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

transient ischemic attack (TIA)

حمله ایسکمی گذرا

افت ناگهانی و برگشت پذیر عملکرد نورولوژیک به دلیل حادثه مغزی عروقی.

transient otoacoustic emission (TOAE) = transient evoked otoacoustic emission

transient response پاسخ گذرا
اصطلاحی که معمولاً به پتانسیل های شنوایی که توسط محرک های کلیک برانگیخته می شوند اطلاق می گردد.

transient stimulus محرک گذرا
صدایی با آغاز سریع، زمان تداوم کوتاه و پهنای

transpositional hearing aid

باند وسیع که با ارائه پالس الکتریکی به گوش تولید می شود و برای برانگیختن پاسخ شنوایی ساقه مغز و گسیل های صوتی برانگیخته گذرای گوش مورد استفاده قرار می گیرد. مترادف: click.

translabyrinthine از طریق لایرننتی
مربوط به روش های جراحی که از طریق لایرننت انجام می شود و حلزون په منظور دستیابی به مجرای داخلی شنوایی برای برداشت تومور یا قطع عصب منهدم می گردد.

transmission loss

کاهش ناشی از گذر، کاهش تراگسیلی، کاهش ناشی از عبور
کاهش توان حین گذر انرژی صوتی از طریق یک محیط حد واسط.

transmitter

فرستنده، تراگسیلنده، مخابره کننده، انتقال دهنده

در دستگاه تقویت کننده اف ام، وسیله ای است که به گویند نصب می شود. این وسیله به یک میکروفن تجهیز شده است و انرژی الکتریکی را به گیرنده اف ام گسیل می کند.

transposer, frequency

تراننده فرکانسی
مداربندی که اجزای فرکانسی یک موج را از محدوده ای به محدوده دیگر تبدیل می کند.

transpositional hearing aid
به hearing aid مراجعه کنید.

transtympanic electrode

transtympanic electrode

به electrode مراجعه کنید.

transudate

ترانسودا

هر مایعی که از یک پرده عبور کند.

transudation

ترانسوداسیون، تعریق

عبور کردن مایعی از بدن، از پرده یا سطح بافت.

transverse auricular muscle

به muscle مراجعه کنید.

transverse fracture

شکستگی عرضی

شکستگی‌ای که در عرض استخوان گیجگاهی عمود بر محور طولی هرم خارخه رخ می‌دهد. معمولاً علت آن ضربه به ناحیه پشت سری جمجمه است که به تخریب وسیع لایبرنت غشائی منجر می‌شود.

transverse plane

سطح عرضی

هر صفحه که بر محور طولی بدن یا یک ساختمان عمود شده و آن را به دو قسمت بالایی و پایینی تقسیم کند.

transverse temporal gyri

شکنج‌های عرضی گیجگاهی

شیارهای مایل کوتاهی روی کناره داخلی شیار جانبی (شیار سیلویوس) که مجاور شکنج‌های گیجگاهی است و از نمای جانبی توسط آنها پوشیده و مخفی شده است. این شکنج‌های عرضی منطقه اولیه شنوایی را در لب گیجگاهی تشکیل می‌دهند. مترادف: Heschl's gyri.

transverse wave به wave مراجعه کنید.

trapezoid body (TB) جسم دوزنقه‌ای

دسته رشته‌های عصبی رده دوم که از AVCN خارج شده، به سمت جلو و داخل می‌رود و رشته‌هایی را به LSO و MSO همان سو ارسال می‌کند. سپس از خط وسط عبور کرده رشته‌هایی را به MSO و MNTB سمت مقابل می‌فرستد.

medial nucleus of t.b. (MNTB or

MTB) هسته داخلی جسم دوزنقه‌ای

یکی از هسته‌های مجموعه زیتونی فوقانی که اعصاب صعودی عمده را از هسته حلزونی شکل قدامی دریافت کرده و اعصابی را به زیتون فوقانی خارجی و نوار خارجی همان سویی ارسال می‌نماید.

trauma

تروما، ضربه، آسیب

صدمه‌ای که از یک نیروی خارجی ایجاد می‌شود.

acoustic t.

ضربه صوتی

۱. آسیب شنوایی ناشی از صدای بلند و گذرا،
۲. آسیب شنوایی به دلیل مواجهه با نویز به مدت طولانی.

noise t. = acoustic trauma

penetrating t.

ضربه نافذ، ترومای نافذ

صدمه به گوش به دلیل عبور شیء تیز از

مجرای خارجی شنوایی که اختلال شنوایی ناشی از آن از پارگی جزئی پرده صماخی تا گسیختگی زنجیره استخوانچه‌ای و فیستول در پیچه بیضی متغیر است.

traumatic brain injury (TBI)

ضربه مغزی

صدمه اکتسابی مغز به دلیل ضربه خارجی که به اختلال کامل یا جزئی عملکرد آن یا آسیب روانی / اجتماعی یا هر دو منجر می‌گردد که بر نحوه عملکرد فرد اثر نامطلوبی بر جای می‌گذارد. این اصطلاح به صدمات باز یا بسته سر که به آسیب یک حیطة یا بیشتر منجر می‌شوند اطلاق می‌گردد. حیطة‌هایی نظیر شناخت، زبان، گفتار، حافظه، توجه، استدلال، تفکر انتزاعی، قضاوت، حل مسئله، حس، توانایی‌های درکی و حرکتی، رفتار روانی اجتماعی، اعمال فیزیکی و یا پردازش اطلاعات. صدمه مغزی شامل صدمات مادرزادی یا تخریبی یا صدماتی که بر اثر ضربه هنگام تولد رخ داده‌اند نمی‌شود.

traveling wave به wave مراجعه کنید.

treatment درمان

Tree/Bee test of auditory discrimination

آزمایش تمایز شنوایی درخت / زنبور
آزمایشی که برای افراد ۳ساله تا بزرگسال طراحی شده و تمایز شنوایی بین واژه‌ها،

عبارت، چفت‌ها (نظیر tree و bee) و درک مطلب را از طریق اشاره به واژه‌ها، مشابه - متفاوت و حروف می‌سنجد.

Treble Increase at low levels (TILL)

افزایش فرکانس‌های بالا در سطوح پایین نوعی پردازش خودکار محرک در سمعک که با استفاده کنترل مستقل از سطح پاسخ فرکانسی، فرکانس‌های بالا را در پاسخ به ورودی دارای شدت کم افزایش می‌دهد.

tremor لرزش، لرزه، رعشه
حرکات لرزشی غیرارادی به دلیل انقباضات متناوب عضلات مخالف.

triangular fossa حفره مثلثی
فرورفتگی در لاله گوش که از دو قسمت شدن بخشی از مقابل حلزون (آنتی‌هلیکس) ایجاد می‌شود.

trichlorethylene تری‌کلرواتیلن
حلال صنعتی که در صورت استنشاق غلظت زیاد آن به مدت طولانی می‌تواند سم گوش باشد. این مایع قبلاً در ایجاد بیهوشی استنشاقی کاربرد داشت.

trigeminal nerve به nerve مراجعه کنید.

trimester دوره سه‌ماهه
معمولاً برای دوره‌های مدت بارداری به کار می‌رود.

trimmer

trimmer

میزان‌کننده
کنترل قابل تغییری که برای تنظیم و منطبق
شدن با خروجی سمعک مورد استفاده قرار
می‌گیرد.

trisomy 13-15 syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

trisomy 18 syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

trisomy 21 syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

TROCA → tangible reinforcement
of operant conditioning audiometry

trochic word

واژه تروکی
واژه دوهجایی که روی هجای اول آن تکیه
می‌شود.

trochlear nerve → به مراجعه کنید.

trough audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

TT → text telephone

TTD → teletypewriter for the deaf

TTMAP → testing-teaching module
of auditory discrimination

TTS → temporary threshold shift

TTY → teletypewriter

tube

لوله

grommet t.

لوله‌گرومت

لوله تهویه یا همسان‌سازی فشار هوا. مترادف:

tympanostomy

pressure-equalization t. (PE
tube)

لوله یکسان‌ساز فشار، لوله تهویه

لوله کوچک یا گرومتی که پس از میرنگوتومی
در پرده صماخ قرار داده می‌شود تا به جای لوله
استاش غیرفعال فشار هوای گوش را متعادل
نماید.

tympanostomy t. = pressure equa-
lization tube

ventilation t. = pressure equali-
zation tube

tube lock

چفت لوله

کلاهک فلزی با لبه باریکی که به لوله قالب
متصل می‌شود و از آن در قالب محافظت
می‌کند و بدین ترتیب نیاز به سفت کردن لوله
در مواد قالب نرم رفع می‌شود.

tubercle

تکمه، برآمدگی، گره

برجستگی کوچک و گرد به ویژه روی استخوان
(که محل اتصال تاندون است).

tuberculosis

tuberculosis سل، توبرکولوز
بیماری عفونی باکتریایی که با تشکیل گره‌ها
(توبرکل) روی بافت‌های بدن به ویژه شش‌ها
مشخص می‌گردد.

miliary t. سل ارزنی

بیماری عفونی باکتریایی که با تشکیل
تاول‌هایی به اندازه دانه ارزن در دستگاه
عصبی مرکزی مشخص می‌شود. در این
بیماری درگیری مسیرهای شنوایی می‌تواند به
ضایعه ورا حلزونی منجر می‌شود.

tuberculous otitis media

به Otitis media مراجعه کنید.

tubing لوله

بخش لوله‌ای شکل سمعک که به عنوان مسیر
انتقال از گوشی مینیا توری (رسیور) سمعک تا
نوک قالب عمل می‌کند.

extended receiver t.

افزایش طول لوله گوشی مینیا توری (رسیور)
بلندتر کردن لوله گوشی مینیا توری (رسیور) در
خارج از بدنه سمعک به منظور کاهش بازخورد
و جلوگیری از انباشته شدن جرم گوش.

tubing adapter رابط قالب

قطعه‌ای است که لوله را به قالب متصل می‌نماید
و امکان استفاده از قالب‌های استاندارد دارای
حلقه را برای سمعک‌های پشت‌گوشی فراهم
می‌آورد. این قطعه در اندازه‌های کوچک و
بزرگ موجود است. برخی از اقسام آن می‌توانند
بر پاسخ فرکانسی تأثیر گذارند.

tubotympanic لوله‌ای-صماخی
مربوط به لوله استاش و محفظه گوش میانی.

tubotympanitis التهاب لوله‌ای صماخی
التهاب محفظه گوش میانی و لوله استاش.

Tullo phenomenon پدیده تولیو
سرگیجه و نیستایگموس گذرا به دلیل حرکت
شدید مایع گوش داخلی در پاسخ به صدای
بلند.

tumor تومور

رویش غیرطبیعی بافت نو به دلیل تکثیر نابجا
و بیش از حد سریع سلول‌ها که حتی پس از
قطع محرک‌های آغازکننده به رویش خود ادامه
می‌دهند. مترادف: neoplasm.

acoustic t. تومور اکوستیک

نام کلی نئوپلاسم عصب هشتم چمجه‌ای که
غالباً شوانوم حلزونی دهلیزی است. مترادف:
acoustic neuroma

cerebellopontine angle t.
(CPA tumor)

تومور زاویه پلی مخچه‌ای
غالب اوقات شوانوم حلزونی دهلیزی خارج از
مجرای داخلی شنوایی در محل تلاقی مخچه
و پل واقع می‌شود یا رشد می‌کند.

eight nerve t. = acoustic tumor

تومور برون محوری
ضایعه‌ای که منشأ آن خارج از ساقه مغز باشد
نظیر شوانوم حلزونی دهلیزی.

tumor

glomus t. تومور گلوموس
 نئوپلاسم کوچک بافت پاراگانگلیونی یا تغذیه
 عروقی زیاد که نزدیک یا درون پیاز وداجی
 واقع است.

Intra-axial t. تومور درون محوری
 توموری که از ساقه مغز منشأ گرفته باشد.

pineal t.
 تومور غده صنوبری، تومور غده پینه آل
 نئوپلاسمی که از غده صنوبری منشأ می گیرد.
 مترادف: pinealoma.

tuning کوک

acoustical t. کوک صوتی
 استفاده از منفذ برای کاهش بهره در
 فرکانس های پایین در سمک هایی که پاسخ
 فرکانسی وسیعی دارند. مترادف:

acoustic venting

mechanical t. کوک مکانیکی
 در شنوایی، به قدرت تفکیک تنظیم یا کوک
 فرکانسی منسوب به حلزون و ناشی از جابه جایی
 حاصل از موج مسافر بکزی گفته می شود.

tuning curve منحنی میزان
 نمودار مشخصه های تفکیک فرکانسی دستگاه
 شنوایی که نشان دهنده کمترین سطح شدتی
 است که یک رشته عصبی به عنوان تابعی از
 فرکانس پاسخ خواهد داد یا SPL یک محرک
 که تنها به اندازه ای است که فرکانس

جستجوگر (پروب) را به عنوان تابعی از
 فرکانس پوشاننده، پوشش دهد.

psychophysical t.c.

منحنی کوک روانی فیزیکی

ترسیم منحنی سایکوفیزیکی سطح شدت یک
 تن پوششی برای پوشش دادن تن جستجوگر
 (پروب) با فرکانس ثابت به عنوان تابعی از
 فرکانس محرک پوششی.

tuning fork دیاپازون
 چنگال فلزی دوشاخه ای که با ضربه زدن به
 آن، فرکانس خالص معینی تولید می شود.

tuning fork test آزمایش دیاپازونی
 هر یک از آزمایش هایی که از دیاپازون برای
 تخمین حساسیت شنوایی یا برای آزمایش
 وجود کاهش شنوایی انتقالی استفاده شود.

tunnel of Corti تونل کرتی
 فضای مثلثی شکل بین ستون های خارجی و
 داخلی اندام کرتی.

Turner syndrome
 به syndrome مراجعه کنید.

TWA → time-weighted average

به coupler مراجعه کنید. **2-cc coupler**

two-channel compression

به compression مراجعه کنید.

Tx

Tx → therapy or treatment

tympanectomy

برداشت پرده صماخ از طریق جراحی.

tympanic

صماخی

مربوط به محفظه گوش میانی.

tympanic aditus

مدخل صماخی، دهانه غار

مدخلی در دیواره خلفی فرورفتگی اپی تمپانیک که به عنوان راهی از محفظه صماخی به غار صماخی عمل می نماید. مترادف:

aditus ad antrum

tympanic annulus

آنولوس صماخی، آنولوس

حلقه فیبری غضروفی در محیط بخش سخت پرده صماخ که در شیار صماخی استخوان گیجگاهی قرار می گیرد.

tympanic antrum

غار صماخی

غار ماستوئید، فضای بزرگی در قسمتی از ماستوئید استخوان گیجگاهی که از شکاف اپی تمپانوم به سمت عقب گسترش یافته و از طریق دهانه به گوش میانی متصل می شود.

tympanic cavity

محفظة صماخی

یکی از سه قسمت محفظه گوش میانی که دقیقاً بین پرده صماخ و گوش داخلی واقع شده و زنجیره استخوانچه‌ای را در بر می گیرد.
مترادف: tympanum.

tympanic membrane (TM)

پرده صماخ

بافت غشائی نازک و مرتعش شونده‌ای که انتهای مجرای خارجی شنوایی را می بندد و بخش عمده دیواره خارجی فضای گوش میانی را که استخوانچه چکشی به آن متصل شده، تشکیل می دهد. عامیانه: eardrum.

dimeric t.m.

پرده صماخ دولایه

بخش نازکی از پرده صماخ که بر اثر درمان سوراخ‌شدگی پرده تشکیل می شود و فقط دارای غشاهای اپی درمی و مخاطی است.

monomeric t.m.

پرده صماخ تک‌لایه

پرده صماخی که بخشی از لایه فیبروز خود را از دست داده باشد.

secondary t.m.

پرده صماخ ثانویه

غشاء درپچه گرد.

tympanic membrane fibroproliferation

تکثیر الیاف پرده صماخ

ازدیاد رشد بافت لیفی در لایه‌های زیرمخاطی و زیرپوستی پرده صماخ که از التهاب مزمن ناشی شده و سبب ضخیم‌شدگی و سختی پرده می شود.

tympanic membrane retraction

درون کشیدگی پرده صماخ

کشیده شدن پرده صماخ به درون فضای گوش میانی به دلیل ایجاد فشار منفی در محفظه

tyimpanic muscles

گوش میانی متعاقب اختلال عملکرد اوله استاش.

tyimpanic muscles عضلات صماخی عضلات رگابی و کشنده صماخ گوش میانی که عمل آنها معلق نگاه داشتن زنجیره استخوانچه ای گوش میانی و در نتیجه کاهش جرم مؤثر زنجیره است.

tyimpanic nerve به nerve مراجعه کنید.

tyimpanic portion of the temporal bone بخش صماخی استخوان گیجگاهی بخشی از استخوان گیجگاهی که کف و قسمتی از دیواره های قدامی و خلقی مجرای خارجی شنوایی را تشکیل می دهد.

tyimpanic sulcus شیار صماخی شیاری در دیواره استخوانی مجرای خارجی شنوایی که آنولوس پرده صماخ در آن قرار می گیرد.

tyimpanitis = myringitis

tyimpanocentesis

سوراخ کردن پرده صماخ، تمپانوسنتز بیرون کشیدن (آسپیراسیون) مایع گوش میانی توسط سوزنی که از پرده صماخ گذرانده شده است. مترادف: tympanotomy.

tyimpanogram (T) تیمپانوگرام نمودار ایمیتانس گوش میانی به عنوان تابعی

از مقدار فشار هوایی که به مجرای گوش ارائه می شود.

tyimpanogram classification (Feldman mode)

طبقه بندی تیمپانوگرامها (روش فلدمن) تفسیر تیمپانومتري با استفاده از الف) فشار قله، نقطه حداکثر کامپلیانس (طبیعی، منفی، مثبت)، ب) دامنه، مقدار کامپلیانس در پرده (طبیعی، سخت، شل) و پ) شکل، طبیعی یا قله عمیق، مسطح یا دو قله ای.

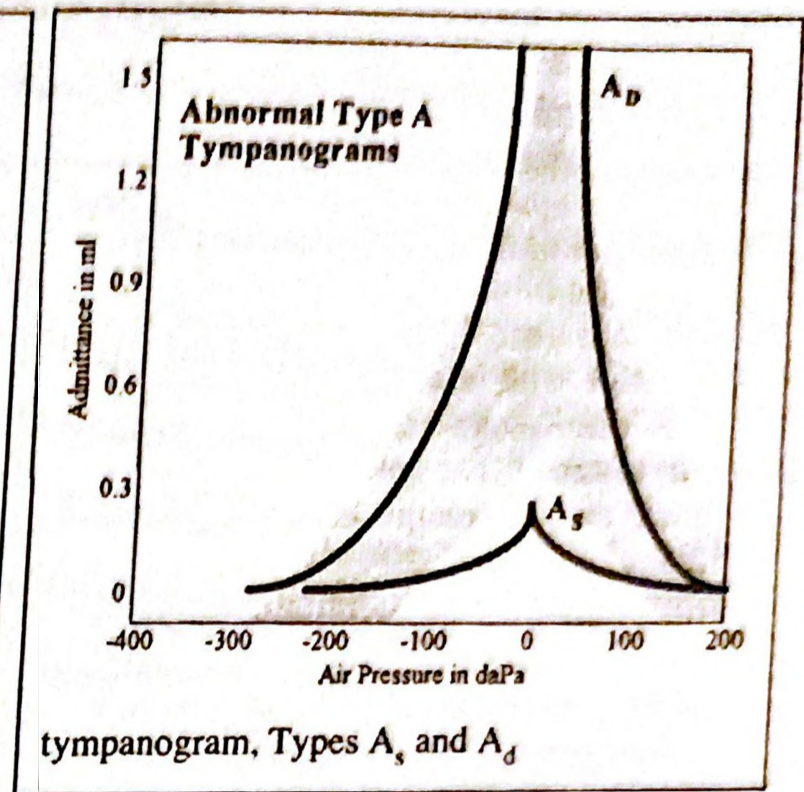
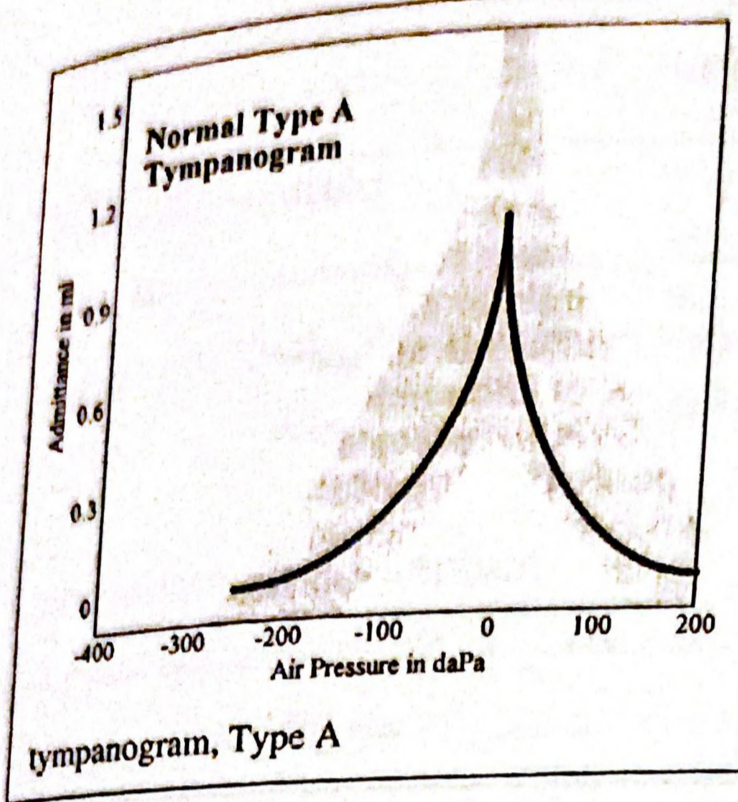
tyimpanogram classification (Jerger mode)

طبقه بندی تیمپانوگرامها (به روش جرگر) روش نامگذاری الگوهای مختلف تیمپانوگرامها که بر مبنای شکل و فشار قله تیمپانومتري است.

Type A t. تیمپانوگرام نوع A تیمپانوگرام طبیعی با حداکثر ایمیتانس در فشار جو.

Type A_d t. تیمپانوگرام نوع A عمیق، تیمپانوگرام نوع A_d تیمپانوگرام نوع A عمیق (deep) که در شل شدن سازوکار گوش میانی دیده می شود و مشخصه آن ایمیتانس بیش از حدی است که قله آن در فشار جو رخ می دهد.

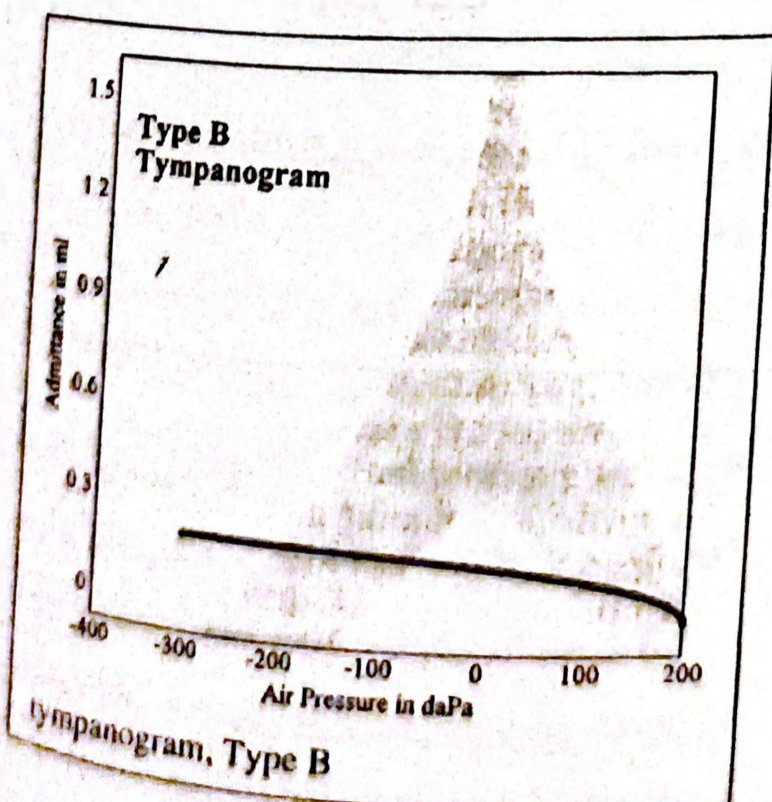
Type A_s t. تیمپانوگرام نوع A کم عمق، تیمپانوگرام نوع A_s تیمپانوگرام نوع A کم عمق (shallow) در



ثابت شدگی زنجیره استخوانچه‌ای دیده می‌شود و مشخصه آن کاهش ایمیتانس است که قله آن در فشار جو رخ می‌دهد.

Type B t. تمپانوگرام نوع B

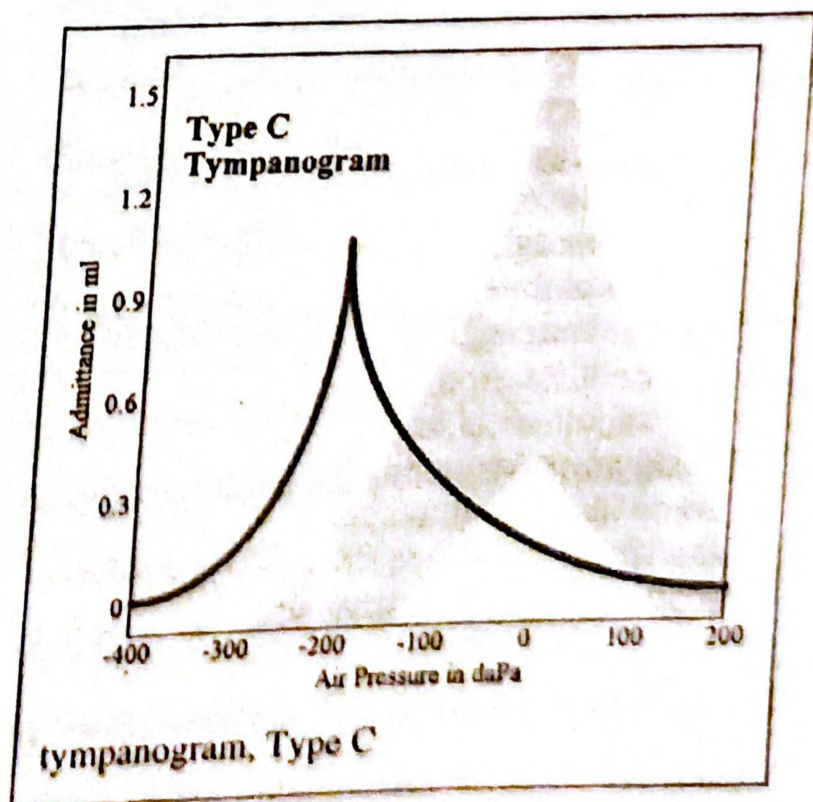
تمپانوگرام مسطحی که با افزایش جرم در دستگاه گوش میانی دیده می‌شود و مشخصه آن تغییرات اندک ایمیتانس در پی تغییر فشار هوا در مجرای گوش است.



تمپانوگرام نوع C
تمپانوگرامی که با فشار منفی قابل ملاحظه در فضای گوش میانی دیده می‌شود و مشخصه آن وجود قله ایمیتانس در فشار منفی هوای مجرای گوش است که معادل فشار محفظه گوش میانی می‌باشد.

Type D t. تمپانوگرام نوع D

تمپانوگرامی که ممکن است در اسکار پرده



طبقه‌بندی تمپانوگرام‌ها
(روش فلدمن)

بیماری	طبقه	فشار قله:
انسداد لوله استاش، اوتیت میانی سرروز	منفی	
ثابت‌شدگی زنجیره استخوانچه‌ای	طبیعی	
گسیختگی زنجیره استخوانچه‌ای		
ناهنجاری پرده صماخ		
اوپیل اوتیت میانی حاد	مثبت	
تخلیه چرک از گوش میانی، پارگی پرده صماخ	فقدان قله	

دامنه:

ثابت‌شدگی زنجیره استخوانچه‌ای	سخت (امپدانس بالا)
اوتیت میانی	
گسیختگی زنجیره استخوانچه‌ای	شل (امپدانس پایین)
ناهنجاری پرده صماخ	

شکل:

اوتیت میانی سرروز	کاهش یا مسطح شدن شیب
ثابت‌شدگی زنجیره استخوانچه‌ای	
تومورهای گوش میانی	
ناهنجاری پرده صماخ	افزایش شیب
گسیختگی زنجیره استخوانچه‌ای	
ناهنجاری پرده صماخ	تضرس
تومورهای عروقی	
باز بودن لوله استاش	

صماخ دیده شود و مشخصه آن منحنی عمیق است که فرورفتگی کوچکی در قله آن وجود دارد. این تمپانوگرام در صورت استفاده از فرکانس جستجوگر (پروب) پایین به ندرت دیده می‌شود.

تمپانوگرام نوع E
Type E t. تمپانوگرامی که ممکن است در گسیختگی زنجیره استخوانچه‌ای دیده شود و مشخصه آن منحنی پهن و عمیق با فرورفتگی‌های متعدد است. این تمپانوگرام در صورت استفاده از

tyimpanomastoid

فرکانس جستجوگر (پروب) پایین به ندرت دیده می شود.

tyimpanomastoid

صماخی-پستانی، تمپانوماستوئید مربوط به محفظه صماخی و سلول های هوایی ماستوئید.

tyimpanomastoid septum

تیغه صماخی-پستانی، تیغه تمپانوماستوئید دیواره استخوانی که فرورفتگی عصب صورتی را از سلول های هوایی ماستوئید جدا می کند.

تمپانوماستوئیدیت **tyimpanomastoiditis** التهاب لایه های مخاطی گوش میانی و محفظه های ماستوئید.

tyimpanomeatal flap

زبانه صماخی مجرای، فلپ صماخی مجرای فلپ پوست که در طی جراحی تمپانوپلاستی از طریق مجرا در مجرای خارجی شنوایی گذاشته می شود.

تمپانومتري، ارزیابی صماخ **tyimpanometry** روشی که برای ارزیابی عملکرد گوش میانی مورد استفاده قرار می گیرد و در آن ایمیتانس پرده صماخ و گوش میانی حین تغییر فشار هوای ارائه شده به مجرای گوش اندازه گیری می شود.

multifrequency t.

تمپانومتري چندفرکانسی ارزیابی تمپانومتريک عملکرد گوش میانی با

tyimpanum

فرکانس جستجوگر (پروب) معمول (۲۲۶ هرتز) و یک یا چند فرکانس جستجوگر دیگر.

tyimpanoplasty

تمپانوپلاستی جراحی بازسازی گوش میانی که معمولاً بر حسب مقدار بازسازی به انواع مختلفی طبقه بندی می شود.

tyimpanosclerosis

سخت شدگی پرده صماخ، تصلب حفره صماخی، اسکروز صماخ تشکیل پلاک های سفید روی پرده صماخ و نقاط گره ای در مخاط گوش میانی متعاقب اوتیت میانی مزمن که ممکن است به ثابت شدگی زنجیره استخوانچه ای منجر شود.

tyimpanostomy tube = tympanotomy tube

tyimpanotomy

تمپانوتومی، برش پرده صماخ گذراندن سوزن از پرده صماخ برای تخلیه ترشح از گوش میانی. مترادف:

tyimpanocentesis, myringotomy

لوله تمپانوتومی **tyimpanotomy tube** لوله تهویه یا همسان سازی فشار هوا. مترادف: **pressure-equilization tube, grommet tube**

tyimpanum

صماخ یکی از سه قسمت محفظه گوش میانی که

Type I hearing loss

دقیقاً بین پرده صماخ و گوش داخلی واقع شده
و زنجیره استخوانچه‌ای را در بر می‌گیرد.
مترادف: tympanic cavity.

Type III hearing loss**Type II hearing loss**

به hearing loss مراجعه کنید.

Type I hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

Type III hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

U

U-shaped audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

UCL → uncomfortable loudness

UL → uncomfortable level

ULBW → ultra-low birth weight

ULCL → upper limits of comfortable loudness

ULL → uncomfortable loudness level

ultra-low birth weight (ULBW)

وزن بسیار کم هنگام تولد
طبقه بندی نوزادان بر مبنای وزن هنگام تولد.

این دسته به ویژه به نوزاد با وزن کمتر از ۱۰۰۰gr اطلاق می‌گردد.

ultrasonic فراصوتی، مافوق صوتی

ultrasonic frequency

به frequency مراجعه کنید.

ultrasound فراصوت، مافوق صوت
صدایی با فرکانس بالاتر از محدوده شنوایی انسان (حدود ۲۰,۰۰۰ هرتز).

umbo

ناف

برآمدگی مرکز یک سطح گرد نظیر انتهای مخروط پرده صماخ در نوک دسته چکشی.

unaided

بدون سمعک

unaided augmentative communication ارتباط مکمل بدون سمعک

روش ارتباطی که بر مبنای اشاره شکل گیرد نظیر الفبای دستی و زبان اشاره.

uncomfortable level (UL)

سطح ناراحت‌کننده بلندی
سطحی که صدا از نظر شنونده غیرقابل تحمل باشد.

uncomfortable loudness level (ULL, UCL) سطح ناراحتی بلندی

سطح شدتی که در آن صدا با بلندی ناراحت‌کننده‌ای درک می‌شود. مترادف:
loudness discomfort

uncrossed acoustic reflex

به reflex مراجعه کنید.

undermasking پوشش کمتر از حد

شرایطی در طی پوشش ادیومتریک که سطح شدت نویز پوششی در گوش غیرآزمایشی برای پوشش محرکی که از گوش آزمایشی تقاطع می‌کند کافی نیست و در نتیجه آستانه گوش آزمایشی کمتر از حد واقعی به دست می‌آید.

unidirectional microphone

به microphone مراجعه کنید.

unilateral

یکطرفه

unilateral hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

unilateral weakness (UW)

ضعف طرفی

درصد تفاوت مقدار نیستاگموس حاصل از تحریک حرارتی دو دمایی گوش راست در مقایسه با گوش چپ. تفاوت بیش از ۲۰ تا ۳۰٪ غیرطبیعی تلقی می‌شود.

unimodal

تک‌حسی

مربوط به استفاده از تنها یک حس.

unintelligible speech

به speech مراجعه کنید.

unisensory = unimodal

unity gain

به gain مراجعه کنید.

unmasked

پوشش نیافته

مربوط به پاسخی که بدون ارائه پوشش به گوش غیرآزمایشی به دست آمده باشد.

unmasked threshold

به threshold مراجعه کنید.

unoccluded

غیرانسدادی، باز

نظیر وضعیت طبیعی مجرای خارجی گوش.

unresponsive otitis media

به otitis media مراجعه کنید.

up-beating nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

uplift earmold به earmold مراجعه کنید.

upper limits of comfortable

upper limits of comfortable loudness (ULCL)

سطح حداکثر راحتی بلندی
بیشترین سطح شدتی که در آن بلندی صدا
راحت است.

upper respiratory infection (URI)

عفونت مجاری تنفسی فوقانی
تهاجم موجودات ریز و میکروسکوپی بیمارینا به
مجاری تنفسی فوقانی که ممکن است بر
شنوایی و گفتار تأثیر گذارد.

URI → upper respiratory infection

use gain به gain مراجعه کنید.

Usher syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

Utilization factors عوامل کاربردی

عوامل همه گیر شناختی یک جمعیت معین که
بر استفاده از خدمات بهداشتی تأثیر
می گذارند. مترادف: frequency factors.

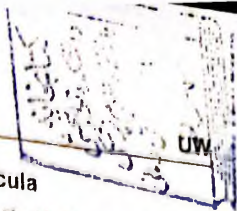
utilization review بررسی کارایی

ارزیابی کارآمد و مناسب بودن هر یک از
خدمات بهداشتی با تأکید خاصی بر چگونگی
استفاده آن از منابع مالی.

uricle

زهدانچه، اتریکول

کیسه بزرگتر در بین دو ساختمان کیسه مانند در
دهلیز که محتوای ماکولا که مسئول پاسخ به
شتاب خطی است می باشد.



utricle macula

لکه زهدانچه‌ای، ماکولای اتریکولی
منطقه نوروابی تلیوم حسی در دیواره خارجی
اتریکول.

utricle nerve به nerve مراجعه کنید.

utricle sensory epithelium

اپی تلیوم حسی زهدانچه‌ای، اپی تلیوم
حسی اتریکول
ماکولا که متشکل از سلول‌های نوع یک و دو
است که در غشای اتولیتی ژلاتینی فرورفته‌اند.

utricleitis

التهاب زهدانچه، التهاب اتریکول، اتریکولیت

utricleoendolymphatic valve

دریچه اتریکولی آندولنفی
دریچه کوچکی در اتریکول که امکان تخلیه
کنترل شده آندولنف را به سمت ساک
آندولنفاتیک فراهم می کند.

utricleofugal deviation

انحراف اتریکول گریز
جریان آندولنف و خم شدن کینوسیلیوم دور از
آمپول و اتریکول. مترادف:

ampullofugal deviation

utricleopetal deviation

انحراف اتریکول گرا
جریان آندولنف و خم شدن کینوسیلیوم به
سمت آمپول و اتریکول. مترادف:

ampullopetal deviation

UW → unilateral weakness



The rest of the page contains extremely faint, illegible text that is barely visible against the white background. The text appears to be organized into several paragraphs or sections, but the individual words and sentences cannot be read.

W

V → volt

VAB VI vinblastine, actinomycin D, bleomycin, cisplatin, cyclophosphamid

وین بلاستین، اکتینومایسین دی، بلنومایسین، سیس پلاتین و سیکلوفسفامید رژیم شیمی درمانی که در درمان سرطان بیضه مورد استفاده قرار می‌گیرد و بالقوه سم گوش است.

VADS → visual aural digit span test

vagus nerve به nerve مراجعه کنید.

validity اعتبار
میزانی که یک آزمایش قادر باشد آنچه را که برای سنجش آن طراحی شده است اندازه‌گیری کند.

concurrent v. اعتبار ضابطه‌ای
میزان همخوانی نتایج آزمایش با یک معیار خاص.

construct v. اعتبار ساختاری
میزان توانایی آزمایش در اندازه‌گیری ماهیت یک ویژگی.

content v. اعتبار محتوایی
میزانی که آزمایش نشان‌دهنده نمونه‌گیری مناسب ویژگی مورد بررسی است.

criterion-related v. اعتبار وابسته به ضابطه
میزان همخوانی داشتن (اعتبار ضابطه‌ای) و یا

Valsalva maneuver

پیش‌گویی (اعتبار پیش‌بینی) امتیازهای یک آزمایش با برخی مقادیر ملاک‌های خاص.

Valsalva maneuver مانور والسالوا

تلاش برای باز کردن اولیه استنشاق با بستن دهان و بینی و اعمال فشار از طریق آنها.

Van Buchem syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

Van Der Hoeve syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

variable release time

زمان‌رهای متغیر
ویژگی برخی از مدارهای تراکمی که زمان‌رهای تراکم به نسبت مستقیم با مدت ورودی تغییر می‌کند. به عنوان مثال هرچه ورودی فعال‌کننده تراکم کوتاهتر باشد زمان‌رهای کوتاهتر می‌شود.

variable venting valve

تغییردهنده منفذ
وسیله‌ای که می‌توان برای تغییر قطر منفذ قالب در آن قرار داد.

varicella

آبله‌مرغان
بیماری ویروسی حاد و مسری دوران کودکی، واژه عامیانه: chicken pox.

vascular

رگی، عروقی
مربوط به رگ‌های خونی.

vasculitis

التهاب رگ، وسکولیت

انقباض رگ، تنگی رگ vasoconstriction

اتساع رگ، گشادی رگ‌ها vasodilation

vasomotor

وازموتور
۱. مؤثر بر قطر رگ‌ها، ۲. عامل یا عصب وازوموتور

VAT → vestibular autorotation test

VBP vinblastine, bleomycin, cisplatin (platinol)

وین بلاستین، بلئومایسین و سیس‌پلاتین (پلاتینول)

رژیم شیمی‌درمانی که در درمان سرطان بیضه و ملانوم بدخیم مورد استفاده قرار می‌گیرد و بالقوه سم گوش است.

VC → volume control

VDP vinblastine, dacarbazine, cisplatin (platinol)

وین بلاستین، داکاربازین و سیس‌پلاتین (پلاتینول)

رژیم شیمی‌درمانی که در درمان ملانوم بدخیم مورد استفاده قرار می‌گیرد و بالقوه سم گوش است.

vein

سیاهرگ، ورید

anterior vestibular v.

سیاهرگ دهلیزی قدامی
رگی که اتریکول و آمپول‌های مجاری نیم‌دایره فوقانی و خارجی را تخلیه می‌کند.

common modiolar v.

سیاهرگ ستونگ مشترک
رگی که تخلیه سیاهرگ حلزون از طریق آن
صورت می‌گیرد.

mastoid emissary v.

سیاهرگ خروجی ماستویدی
سیاهرگ کوچکی است که از سوراخ ماستوئید
کاسه سر می‌گذرد و سینوس سیگموئید را به
سیاهرگ پس سری یا سیاهرگ لاله گوش
پسین (خلفی) ارتباط می‌دهد.

velocity

سرعت، تندى

سرعت حرکت شىء که عبارت است از
مسافتى که در واحد زمان طی شود.

slow-phase v. (SPV)

سرعت مرحله کند

ارزیابی معمول شدت نیستاگموس که عبارت
است از اندازه قوس حرکت چشم طی مرحله
کند نیستاگموس بر حسب درجه. مترادف:

vesibular eye speed

venous sinuses سیانوس‌های سیاهرگى

مجاری بزرگی جهت خون سیاهرگی که بین
لایه‌های سخت شامه مغز یک سیستم
ارتباطی به وجود می‌آورد و خون مغز، استخوان
گیجگاهی و کاسه چشم را دریافت نموده و به
سیاهرگ‌های پوست سر یا سیاهرگ‌های
عمقی قاعده چمجمه تخلیه می‌شود.

vent

منفذ

مجرایى که در قالب ایجاد می‌شود و امکان
عبور صدا و هوا را به مجرای مسدود شده

خارجی گوش فراهم می‌آورد و برای تهویه
مجرا و یا تغییر مشخصه‌های صوتی مورد
استفاده قرار می‌گیرد.

external v.

منفذ خارجى

نوعی منفذ قالب که به شکل مجرای خارجی
در طول بخش کانال تا بدنه قالب تعبیه
می‌شود.

parallel v.

منفذ موازى

منفذی که موازی با مجرای صوتی در طول
قالب ایجاد می‌شود.

pressure v. منفذ متعادل‌کننده فشار

منفذ کوچکی در قالب یا سمعک که امکان
یکسان‌سازی فشار در مجرای خارجی شنوایی
را فراهم می‌کند.

vent inserts قطعه‌های داخلی منفذ

قطعات اضافی داخلی کوچکی که قطر مجرای
آن‌ها تغییر می‌کند. این قطعات در ابتدای منفذ
قالب قرار داده می‌شوند تا بتوان اندازه منفذ را
تغییر داد.

vented earmold

به earmold مراجعه کنید.

ventilation tube

لوله تهویه

لوله کوچک یا گرومیتی که پس از میرنگومی در
پرده صماخ قرار داده می‌شود تا به جای لوله
استنش غیرفعال فشار هوای گوش را متعادل
نماید. مترادف: pressure-equalization tube.

ventral

ventral

شکمی

جهت آناتومیک که به ساختمان‌هایی که در سمت جلو یا دور از پشت واقع شده‌اند مربوط می‌شود، مترادف: anterior، متضاد: posterior.

ventral acoustic stria

نوار شنوایی شکمی

دسته الیاف رده دوم که از هسته‌های حلزونی قدامی خارج شده و به سمت جلو و داخل پیش می‌رود و الیافی را به زیتون فوقانی خارجی همان سو می‌فرستد و دسته‌ای از آن برای رسیدن به زیتون فوقانی داخلی و هسته داخلی جسم دوزنقه‌ای از خط وسط می‌گذرد. مترادف: trapezoid body

ventral cochlear nucleus (anterior

ventral cochlear nucleus)

هسته حلزونی شکمی قدامی

بخشی از هسته حلزونی که گسیل‌های اعصاب آوران را از عصب هشتم مجموعه‌ای دریافت می‌کند و الیاف رده دوم را از طریق نوار شنوایی شکمی به مجموعه زیتونی فوقانی می‌فرستد.

ventral nucleus of the lateral
lemniscus (LLV)

هسته شکمی نوار ریل خارجی

یکی از سه تنه الیاف عصبی که هسته‌های شنوایی پل را شامل می‌شوند. این هسته الیاف شنوایی صعودی از AVCN، LSO و MSO در مغز خلفی را به سمت برجستگی تحتانی رله می‌کند.

ventricle

بطن

محفظه‌ای طبیعی در مغز.

ventrolateral inferior colliculus

بخش شکمی خارجی برجستگی تحتانی

بخش آوران هسته مرکزی برجستگی تحتانی که الیاف صعودی، هسته حلزونی و مجموعه زیتونی فوقانی را دریافت می‌کند.

VEP → visual evoked potential

verbotal method روش کلامی صوتی

برنامه‌ای که برای گسترش رشد گفتار و زبان در کودکان کم‌شنوای شدید از طریق به حداکثر رساندن ورودی در فرکانس‌های باقی‌مانده شنوایی آنها طراحی شده است.

vermis

کرمینه

ساختمان شبیه کرم. معمولاً به بخش میانی بین دو نیم‌کره مخچه اطلاق می‌شود.

vernix

جلا

vernix caseosa

جلای پنیری

ماده چربی که پوست جنین را می‌پوشاند.

vertebrobasilar artery

به artery، مراجعه کنید.

vertebrobasilar ischemia

ایسکمی مهره‌ای قاعده‌ای کاهش جریان خون یا فشار مکانیکی بر

vertex

شریان‌های مهره‌ای یا قاعده‌ای که غالباً به حمله‌های گذرای سرگیجه به دلیل ایسکمی درگیرکننده هسته‌های دهلیزی منجر می‌شود.

vertex نوک، رأس، قله به‌ویژه فرق سر

vertex electrode

به electrode مراجعه کنید.

vertex negative فرق سر منفی

معرف قطبش (پلاریته) منفی قله پتانسیل برانگیخته زمانی که فرق سر به عنوان الکترود معکوس در نظر گرفته شود.

vertex positive فرق سر مثبت

معرف قطبش (پلاریته) مثبت قله پتانسیل برانگیخته هنگامی که فرق سر به عنوان الکترود مستقیم در نظر گرفته شود.

vertx potential

به potential مراجعه کنید.

vertical gaze nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

vertical localzation مکان‌یابی عمودی

شناسایی جهت منبع صدا در صفحه عمودی.

vertical spontaneous nystagmus

به nystagmus مراجعه کنید.

vertiginous

سرگیجه‌ای

مربوط به سرگیجه یا به احساس آن.

vertigo

vertigo

سرگیجه

نوعی گیجی که احساس واقعی چرخیدن یا گشتن است.

apoplectiform v.

سرگیجه شبه‌حمله‌ای

حماه شدید، ناگهانی، تک یا عودکننده سرگیجه که با حالت تهوع و استفراغ همراه است و غالباً به دلیل نوریت دهلیزی ایجاد می‌شود.

aural v.

سرگیجه با منشأگوشی

اصطلاح غیرتخصصی برای احساس حرکت ناشی از اختلالات لابیرنتی.

benign paroxysmal positional v. (BPPV)

سرگیجه وضعیتی حمله‌ای خوش‌خیم

سرگیجه عودکننده و حادی که در پی تغییر وضعیت ناگهانی رخ می‌دهد.

objective v.

سرگیجه بیرونی، سرگیجه برون‌گرد

احساس چرخش یا گردش اشیای اطراف.

paroxysmal v. سرگیجه حمله‌ای

حمله‌های ناگهانی و کوتاه‌مدت گیجی و نیستاگموس که غالباً با تهوع و استفراغ همراه است.

paroxysmal positional v. =

benign paroxysmal positional

vertigo

vertigo

positional v. سرگیجه وضعیتی
سرگیجه‌ای که با قرار گرفتن سر در وضعیت خاصی ایجاد می‌شود و حرکت دادن سر در آن دخالت ندارد.

reflexogenic v. سرگیجه بازتابی
نیستاه‌گموس و سرگیجه به دلیل تحریک ماکولای اتریکیول با ارائه فشار مثبت بر صفحه رکابی از طریق اتوسکوپ پنوماتیک، تمپانومتري، انقباض عضله رکابی و غیره.

subjective v.

سرگیجه درونی، سرگیجه درون‌گرد
احساس چرخیدن یا گشتن به دور خود.

very low birth weight (VLBW)

وزن کم هنگام تولد
دسته‌ای از نوزادان که بر اساس وزن هنگام تولد طبقه‌بندی شده‌اند و شامل نوزادانی است که وزن آنها هنگام تولد کمتر از ۱۵۰۰ گرم است.

VES → vestibular eye speed**vesicle**

وزیکول، کیسه کوچک، آبدانک، تاول
کیسه کوچک محتوی مایع.

auditory v. = otic vesicle

otic v. حباب شنوایی، کیسه شنوایی
کیسه شنوایی که در طی هفته چهارم جنینی از

صفحه شنوایی رشد می‌یابد و در نهایت گوش داخلی را تشکیل می‌دهد.

vessel**رگ**

مجرا یا راهی که مایعات بدن را انتقال می‌دهد.

vestibular**دهلیزی**

مربوط به دهلیز.

vestibular aqueduct**مجرای دهلیزی**

مجرای کوچکی در دیواره داخل دهلیز که محتوی مجرای آندولنفاتیک است.

vestibular atelectasis**اتلکتازی دهلیزی**

اختلال دهلیزی که نشانه آن کلاپس دیواره‌های اتریکیول و آمپول‌ها و فشردگی اپی‌تلیوم‌های حسی است که به سرگیجه‌های دوره‌ای شدید حاد همراه با تهوع و استفراغ منجر می‌شود.

vestibular autorotation test (VAT)**آزمایش چرخش خودکار دهلیزی**

ارزیابی دهلیزی که در آن بیمار یک سرپند دارای حسگر می‌بندد تا سرعت چرخش سر که همزمان با محرک‌ها در جهت افقی و عمودی صورت می‌گیرد را اندازه‌گیری کند. از الکترواکولوگرافی نیز برای ثبت حرکات چشم استفاده می‌شود.

vestibular eye speed (VES)**سرعت دهلیزی چشم**

ارزیابی معمول شدت نیستاه‌گموس که عبارت است از اندازه قوس حرکت چشم طی مرحله

vestibular fibrosis

کنند. نسبتاً کم‌سوس بر حسب درجه، مترادف:
slow-phase velocity (SPV)

vestibular fibrosis فیبروز دهلیزی
تکثیر نابجای بافت لیفی در دهلیز متعاقب
هیدروپس آندولنفاتیک.

vestibular ganglion عقده دهلیزی
عقده حسی‌ای که به بالای دیواره انتهایی
مجرای شنوایی داخلی تکیه دارد و اجسام
سلولی نورون‌های دوقطبی شاخه‌های فوقانی
و تحتانی عصب دهلیزی در آن واقع شده‌اند.
مترادف: Scarpa's ganglion.

vestibular membrane
به membrane مراجعه کنید.

vestibular Ménière's disease
بیماری منیر دهلیزی
نوع غیر معمول بیماری منیر که کم‌شنوایی
ایجاد نمی‌شود و تنها علائم دهلیزی بروز
می‌کند.

vestibular nerve به nerve مراجعه کنید.

vestibular neuritis نوریت دهلیزی
التهاب عصب دهلیزی که غالباً ماهیتی
ویروسی داشته و به حمله سرگیجه شدید منجر
می‌شود. این تک‌حمله طولانی است و
به تدریج در طی روزها و هفته‌ها فروکش
می‌کند.

vestibule

vestibular neuronitis نورونیت دهلیز
التهاب ویروسی عصب هشتم جمجمه‌ای که به
سرگیجه چرخشی حاد، علائم نباتی و اختلال
شنوایی منجر می‌شود. مترادف:
neuritis vestibularis

vestibular neurons, peripheral

نورون‌های محیطی دهلیزی
نورون‌های شاخه فوقانی و تحتانی بخش
دهلیزی عصب هشتم جمجمه‌ای که در
مجرای داخلی شنوایی واقع شده است.

vestibular nuclei هسته‌های دهلیزی
هسته‌های فوقانی، خارجی، داخلی و تحتانی
دستگاه دهلیزی که در بخش فوقانی بصل‌النخاع
واقع شده‌اند و اولین ایستگاه اجباری غالب
رشته‌های عصبی دهلیزی محسوب می‌شوند.

vestibular system دستگاه دهلیزی
دستگاه بیولوژیکی که همراه با دستگاه‌های
چشمی و عمقی وظیفه حفظ تعادل بدن را به
عهده دارد.

vestibular window دریچه دهلیزی
مدخلی در دیواره لابیرنتی گوش میانی که به
نرده دهلیزی حلزون منتهی می‌شود و صفحه
رکابی در آن قرار می‌گیرد. مترادف:
fenestra vestibuli, oval window

vestibule دهلیز
محفظه بیضی شکلی که قسمت مرکزی
لابیرنت استخوانی را تشکیل می‌دهد و به

vestibulocochlear artery

مجاری نیم‌دایره و حازونی امتداد می‌یابد. شامل اتریکول و ساکول است و با صماخ از طریق دریچه بیضی مرتبط می‌شود.

vestibulocochlear artery

به artery مراجعه کنید.

vestibulocochlear nerve

به nerve مراجعه کنید.

vestibulofacial anastomosis

آناستوموز دهلیزی صورتی الحاق دسته کوچکی از رشته‌های عصب دهلیزی فوقانی به بخش حسی عصب صورتی در مجرای داخلی شنوایی.

vestibulo-ocular reflex (VOR)

به reflex مراجعه کنید.

vestibulopathy

تخریب لایبرنت دهلیزی به‌ویژه در اثر سن که به سرگیجه ناشی از حرکت منجر می‌شود.

vestibulospinal tract

راه دهلیزی نخاعی مسیر عصبی از هسته‌های دهلیزی تا نخاع برای ایجاد رفلکس‌های وضعیت بدن.

vestibulotoxic

سم دهلیزی خاصیت سمی بر سلول‌های مویی ستیغ‌ها و ماکولاهای لایبرنت دهلیزی. ر.ک: cochleotoxic, ototoxic

vestibulotoxicity

سمی دهلیز
خاصیت سم دهلیزی بودن. ر.ک: cochleotoxicity, ototoxicity

vibration

ارتعاش
حرکت ارتعاشی.

vibratory motion

حرکت ارتعاشی
نوسان یک شیء بین دو نقطه.

vibrotactile

ارتعاشی لامسه‌ای
مربوط به کشف ارتعاش‌ها از طریق حس لامسه.

vibrotactile hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

vibrotactile response

پاسخ ارتعاشی لامسه‌ای
در ادیومتری انتقال استخوانی و گاه انتقال هوایی پاسخ به محرکی است که از طریق تحریک لامسه‌ای و نه از طریق شنوایی درک شده باشد. مترادف: tactile exteroception.

video otoscopy

اتوسکپی ویدئویی
معاینه آندوسکوپی مجرای خارجی شنوایی و پرده صماخ که روی صفحه ویدئویی نمایش داده می‌شود.

VIOLA → Visual Input / Output
Locator Algorithm

viomycin

واپئومایسین
آنتی بیوتیکی از خانواده آمینوگلیکوزیدها که به طور گسترده‌ای برای درمان سل مصرف می‌شود و سم گوش به‌ویژه نسبت به دستگاه دهلیزی است.

VIP Vepesid, ifosfamide, cisplatin
(platinol)

وپزید، ایفسفامید و سیس‌پلاتین (پلاتینول)
رژیم شیمی‌درمانی که برای درمان سرطان بیضه مورد استفاده قرار می‌گیرد و بالقوه سم گوش است.

viral labyrinthitis

به labyrinthitis مراجعه کنید.

viscera احشاء
اندام‌های گوارشی، تنفسی، ادراری، تناسلی و غده درون‌ریز.

visceral nervous system

دستگاه عصبی احشایی
بخشی از دستگاه عصبی که پاسخ‌های غددی و احشایی را تنظیم می‌کند. مترادف:

automatic nervous system (ANS)

viscid چسبناک، چسبنده، لزج، گران‌رو، ویسکوز

viscosity چسبندگی، چسبناکی، غلظت، گران‌روی، ویسکوزیته

خاصیتی در مایع که سبب مقاومت آن در برابر

visual hearing or listening

تغییر شکل حین جریان یافتن آن می‌شود.

viscous = viscid

visble speech

گفتار قابل دید، گفتار مرئی
۱. نظامی از نمادها که شکل اندام‌های گفتاری را هنگام تولید صداها نشان می‌دهند و در آموزش گفتار به ناشنویان کاربرد دارند. این روش توسط الکساندر گراهام بیل ابداع شده است. ۲. استفاده توأم از گفتار و الفبای دستی.
ر.ک: Rochester method.

visual alerting system

دستگاه‌های هشداردهنده دیداری
وسایل هشداردهنده خانگی نظیر ساعت‌های شماطه‌دار، زنگ‌دار و هشدار آتش که در آنها چراغ چشمک‌زن، جایگزین صدا شده است.

visual aural digit span test (VADS)

آزمایش ظرفیت حافظه بینایی شنوایی اعداد
آزمایش یکپارچگی بین حس‌ها و حافظه کوتاه‌مدت کودکان ۵/۶ تا ۱۲ ساله.

visual cue نشانه دیداری

هر گونه ایما، اشاره، وضعیت بدن یا حالت صورت که به مفهوم زبان گفتاری بیفزاید.

visual hearing or listening

شنیدن از طریق بینایی
درک گفتار از طریق تفسیر محرک‌های دیداری.
ر.ک: aural rehabilitation.

Visual Input/Output Locator

Visual Input/Output Locator Algorithm (VIOLA)

دستورالعمل قابل دید یافته‌ورودی / خروجی روش رایانه‌ای انتخاب پارامترهای سمعک بر مبنای تعیین رشد بلندی.

visual reinforcement audiometry (VRA)

به audiometry مراجعه کنید.

visual-tactile system of phonetic symbolization

روش دیداری-لامسه‌ای نمادهای آوایی [A.Zaliouk] روشی که برای آموزش گفتار به کم‌شنوایان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش دو دسته از نمادها به کار می‌روند: الف) نمادهای ساکن که نشان‌دهنده جایگاه‌های تولید و شامل کام سخت، زبان، دندان‌ها و لب‌ها هستند، ب) نمادهای پویا که نشان‌دهنده حرکت اندام‌های تولیدکننده‌اند. ر.ک: grammatic method.

visual training تربیت بینایی

آموزش درک وضعیت اشیا در فضا، تمایز اشیا از یکدیگر، دنبال کردن مسیرهای قابل دید از چپ به راست، تشخیص کلی یک شیء از یک محرک خاص، افزایش میزان درک، مرتب کردن مواد و افتراق محرک‌ها از زمینه.

VLBW → very low birth weight

Vogel earmold به earmold مراجعه کنید.

Volt's nerve به nerve مراجعه کنید.

volley principle اصل رگباری

نظریه عملکرد حلزونی که بر مبنای آن ایمپالس‌های نوروئی که از محرک کم فرکانس ناشی می‌شوند به صورت انفجارها یا رگبارهای متوالی شلیک می‌شوند.

volt (V) ولت

[A. Volta، فیزیولوژیست و فیزیکدان ایتالیایی، ۱۷۴۵-۱۸۲۷]. واحد اختلاف پتانسیل که برابر است با نیروی محرکه الکتریکی که در یک مقاومت یک‌اهمی جریانی به اندازه یک آمپر تولید کند.

voltmeter ولت‌سنج

ابزاری برای اندازه‌گیری نیروی محرکه الکتریکی.

volume حجم

اصطلاح غیراختصاصی مقدار یا بلندی صدا.

equivalent v. حجم صدای معادل

در اندازه‌گیری ایمیتانس تبدیل تغییرات سطح فشار صوتی تن جستجوگر (پروپ) به تغییرات حجمی است برای این که افزایش در SPL به صورت کاهش حجم معادل در یک محفظه دیده شود و کاهش در SPL به صورت افزایش در حجم معادل ظاهر نماید.

volume control (VC) کنترل حجم صدا

کنترل دستی یا خودکاری که برای تنظیم سطح خروجی تجهیزات شنوایی تعبیه شده است. مترادف: gain control.

volume test, physical (PVT)

آزمایش حجم فیزیکی

زیرآزمایش ادیومتری ایمنیتانس که در آن حجم مجرای گوش اندازه گیری می شود. به طور مثال حجم زیاد در موارد پارگی پرده صماخ یا باز بودن لوله استاش و حجم کم، در صورت وجود جرم فشرده دیده می شود.

volume unit meter (VU meter)

حجم سنج صدا

شاخص قابل دید روی ادیومتر که شدت محرک ورودی را بر حسب دسی بل نشان می دهد به نحوی که صفر دسی بل مساوی تنظیم خروجی کاهنده است.

Von Recklinghausen's disease

بیماری فون رکلینگهاوزن

[F.D. von Recklinghausen، آسیب شناس آلمانی، ۱۹۱۰-۱۸۳۳]. اختلال اتوزومی غالب که از دوران کودکی آغاز می شود و مشخصه آن نوروفیبروم های متعدد و پیامدهای آن است که ممکن است روی هر یک از اعصاب ایجاد شوند. مترادف: neurofibromatosis I.

VOR → vestibulo-ocular reflex

VRA → visual reinforcement audiometry

VU meter → volume unit meter



W → watt

W-1

فهرست ۳۶ واژه‌های اسپوندایک که در مؤسسه مرکزی ناشنوایان (CID) تهیه شده و به‌طور متداول برای تعیین آستانه‌های دریافت گفتار مورد استفاده قرار می‌گیرد. مترادف:

CID Auditory Test W-1

W-2

نسخه‌ای از آزمایش شنوایی مؤسسه مرکزی ناشنوایان W-1 که ۳۶ واژه اسپوندی آن به نحوی ضبط شده‌اند که پس از هر سه واژه ۳ دسی‌بل کاهش شدت وجود دارد. مترادف:

CID Auditory Test W-2

W-22

آزمایش یازشناسی گفتار که در مؤسسه مرکزی ناشنوایان ساخته شده است و شامل چهار فهرست ۵۰ واژه‌ای تک‌هجایی است. مترادف:

CID Auditory Test W-22

Waardenburg syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

Waldenström's macroglobulinemia

ماکروگلوبولینمی والدنستروم
[J. G. Waldenström], پزشک سوئدی، متولد ۱۹۰۶. اختلال عروقی که با افزایش ۱. ماکروگلوبولین‌های خون، ۲. ویسکوزیته آن و ۳. مقاومت در برابر جریان خون مشخص

Walsh-Healey noise standard

می‌شود. یکی از تظاهرات نورولوژیک آن کاهش شنوایی حسی عصبی ناگهانی دوطرفه و پیشرونده است.

Walsh-Healey noise standard

استاندارد والش-هیلی برای نویز استاندارد مواجهه با نویز که در ۱۹۶۹ به صورت بخشی از قانون قراردادهای عمومی والش-هیلی منتشر شد بر طبق این استاندارد پیشنهاد می‌شود مواجهه با نویز ثابت در طی کار روزانه ۸ ساعته به سطح ۹۰ دسی بل A محدود شود.

Walsh-Healey Public Contracts Act

قانون قراردادهای عمومی والش-هیلی قانونی که وزارت کار آمریکا را ملزم به تحمیل قوانین معین به کارفرمایانی که با دولت قرارداد دارند می‌کند. این قوانین شامل مواجهه کارکنان با نویز نیز می‌باشد.

warble tone به tone مراجعه کنید.

Washington Speech Sound Discrimination Test

آزمایش تمایز صداهای گفتاری واشنگتن آزمایشی که در تمام سنین تمایز شنوایی را ارزیابی می‌کند.

watch tick test

آزمایش صدای ساعت ارزیابی حساسیت شنوایی در فرکانس‌های بالا که در آن توانایی بیمار برای شنیدن صدای تیک تاک ساعت آزمایش می‌شود.

waterfall audiogram

به audiogram مراجعه کنید.

watt (W)

وات
[J. Watt]، مهندس اسکا تلندی، ۱۸۱۹-۱۷۳۶
واحد توان الکتریکی، جریان به شدت یک آمپر و نیروی محرکه الکتریکی یک وات.

wave

موج
اغتشاشات منظم ملکول‌های محیط حد واسط به دلیل حرکت ارتعاشی یک شیء، اغتشاش منتشرشده در یک محیط حد واسط.

aperiodic sound w.

موج غیر تناوبی، موج نامتناوب
موجی که در زمان تناوب مشخصی تکرار نمی‌شود و اجزای آن به مضاربی از فرکانس پایه محدود نیست.

Békésy traveling w. = traveling

wave

complex w.

موج مرکب
موجی که از دو فرکانس یا بیشتر تشکیل شده و می‌توان آن را به مجموعه‌هایی از امواج سینوسی تجزیه کرد که هر یک شدت و فرکانس معینی دارند. موج مرکب در صورتی که فرکانس‌های تشکیل‌دهنده آن هماهنگ یکدیگر باشند تناوبی و در غیر این صورت غیر تناوبی است.

electromagnetic w.

موج الکترومغناطیسی
موجی که به واسطه تغییرات تناوبی و همزمان

شدت‌های الکتریکی و مغناطیسی تشکیل می‌شود و ممکن است از نظر فرکانسی متغیر باشد. نظیر امواج رادیویی، نور، گرما؛ به اشعه x نیز اطلاق می‌گردد.

incident w. موج اتفاقی

موج صوتی که از منبع خود دور شده و به سمت سطح منعکس‌کننده یا متفرق‌کننده پیش می‌رود.

longitudinal w. موج طولی

نوعی حرکت موج فشاری نظیر موج صوتی که حرکت ذرات موازی با انتشار موج است.

periodic sound w.

موج صوتی تناوبی

موج صوتی که الگوی ارتعاشی آن با وجود پیچیدگی به طور منظم و به صورت تابعی از زمان تکرار می‌شود.

pure w. = sinusoidal wave

refracted w.

موج انکساری، موج شکسته

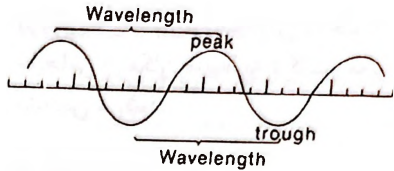
هر موجی که جهت آن هنگام عبور از یک محیط به محیطی دیگر تغییر کند (اعوجاج یابد) نظیر تغییر کیفیت صدا هنگام استفاده از بلندگوهای اماکن عمومی.

simple w. = sine wave

sine w. موج سینوسی

نمایش نموداری حرکت هماهنگ ساده که

تابع زمان است و تابع مثلثاتی سینوسی آن را تعریف می‌کند.



Waveform with Wavelength

sinusoidal w. = sine wave

sound w. موج صوتی

انرژی تولیدشده توسط جسم مرتعشی که مجموعه‌ای از انقباضها و انبساطهای متناوب یک محیط حد واسط کشسان را انتقال می‌دهد.

square w. موج مربعی

موج تناوبی با ولتاژی که از نظر دامنه ثابت است و قطبش آن در فواصل زمانی معینی معکوس می‌شود.

standing w. موج ایستا

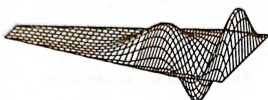
موج تناوبی که در میدان صوتی بسته تولید می‌شود و علت آن تداخل با امواج پیشرو با همان فرکانس و از همان نوع است که به آن اضافه شده یا از آن کسر می‌گردد. بدین ترتیب در نقاط متفاوت اتاق، دامنه‌های مختلفی حاصل می‌شود.

transverse w. موج عرضی

موجی که ذرات محیط حد واسط در راستای عمود بر جهت حرکت موج حرکت می‌کند.

wave

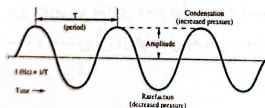
travelling w. موج مسافر، موج متحرک. الگوی چاپجایی غشاء پایه در طول خود که بر اثر صدا ایجاد می‌شود و پردازش پایه حارونی را نشان می‌دهد. این پردازش با حداکثر چاپجایی در مکان مربوط به فرکانس محرک مشخص می‌شود.



travelling wave

wave filter به filter مراجعه کنید.

waveform شکل موج
فرم یا شکل موج که نمودار آن به صورت اندازه موج به عنوان تابعی از زمان نشان داده می‌شود.



sine wave

waveform distortion

به distortion مراجعه کنید.

wavelength طول موج
طول موج صوتی که عبارت است از مسافتی در فضا که موج در هر دور کامل خود طی می‌کند.

wax

موم، جرم
واژه عامیانه جرم یا سرومن یا ترشح مومی غدد سرومنی در مجرای خارجی شنوایی.

waxguard محافظ جرم
پوششی که انتهای سمعک سفارشی قرار داده می‌شود و از انباشته شدن جرم در گوشی مینیاتوری (رسیور) جلوگیری می‌کند یا از آن می‌کاهد.

WDRC → wide-dynamic-range compression

WDS → word-discrimination score

weakness

ناتوانی، ضعف، کاستی، نقص، نقطه ضعف

bilateral w. (BW) ضعف دوطرفه
فعالیت کاهش یافته دستگاه دهلیزی در تحریک حرارتی دو گوش که ناشی از اختلال دهلیزی محیطی دوطرفه است.

unilateral w. (UW) ضعف طرفی
درصد تفاوت مقدار نیستاگموس حاصل از تحریک حرارتی دو دمایی گوش راست در مقایسه با گوش چپ. تفاوت بیش از ۲۰ تا ۳۰٪ غیرطبیعی تلقی می‌شود.

wearer frequency response (WFR)

پاسخ فرکانسی استفاده‌کننده از سمعک
واژه قبلی پاسخ گوش واقعی بدون سمعک (REUR).

Weber test آزمایش وبر
آزمایشی که در آن یک دیاپازون یا ارتعاشگر استخوانی روی خط وسط پیشانی قرار داده

می‌شود. سوگرایی به سمت گوش ضعیف‌تر نشان‌دهنده کاهش شنوایی انتقالی آن گوش و سوگرایی به سمت گوش بهتر نشانه کاهش شنوایی حسی عصبی آن گوش است.

audiometric w. t.

آزمایش وبر ادیومتریک
آزمون وبر که در آن ارتعاشگر انتقال استخوانی دستگاه ادیومتر (به جای دیاپازون) وسط پیشانی قرار داده می‌شود و بیمار مکان دریافت صدا را در سر نشان می‌دهد.

Wegener granulomatosis

گرانولوماتوز وگنر
[F.R.G. Wegener, آسیب‌شناس آلمانی، ۱۹۱۷-۱۸۴۳]. سندرم التهاب نکروزان و گرانولی عروق مربوط به مسیرهای عبور هوا و کلیه‌ها که می‌تواند سبب اوتیت میانی مترشحه و گاه کاهش شنوایی حسی عصبی متعاقب آن، به دلیل تهاجم گرانولوم به لوله استاش گردد.

weighting scale مقیاس وزنی

شبکه پالایه‌ای صداسنج نظیر مقیاس dBA، که مبنای آن تأکید اندازه‌گیری یک باند فرکانسی نسبت به باند دیگر است.

well-baby nursery بخش نوزادان

بخشی از بیمارستان که به مراقبت از نوزادان سالم اختصاص دارد.

Wernicke's area منطقه ورنیکه

در نظام طبقه‌بندی اولیه به منطقه قشری در

لب‌گیجگاهی که مسئول دریافت زبان کلامی است اطلاق می‌شود.

Wernicke's aphasia

زبان‌پریشی ورنیکه، آفازی ورنیکه
آسیب به درک زبان گفتاری. مترادف:
auditory, fluent or receptive aphasia

Wever-Bray effect or phenomenon

اثر یا پدیده وور-بری
[E.G. Wever, روانشناس آمریکایی، متولد ۱۹۰۲ و C.W. Bray، متخصص گوش آمریکایی، متولد ۱۹۰۴]. پاسخ میکروفنی حلزون (به دلیل شباهت با پدیده‌های الکتریکی که توسط امواج صوتی در میکروفن تولید می‌شوند چنین نامیده می‌شود) که شامل پتانسیل‌های الکتریکی حاصل از تحریک حلزون توسط صدا است. ماهیت دقیق پاسخ‌های میکروفنی حلزون شناخته نشده است.

WFL → within functional limits

WFR → wearer frequency response

white noise به noise مراجعه کنید.

whole-nerve action potential

به potential مراجعه کنید.

wide-band noise

به noise مراجعه کنید.

wide-dynamic range compression

wide-dynamic range compression

(WDRC) به compression مراجعه کنید.

wide-range محدوده وسیع

دارای پاسخ فرکانسی پهن تر از حد متعارف یا توانایی بیش از حد معمول.

wide-range audiometer

به audiometer مراجعه کنید.

wide-range earmold

به earmold مراجعه کنید.

Wildervank syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

window در یچه، پنجره، روزنه

۱. مدخلی مشخص در یک سطح صاف،
۲. بیشترین و کمترین حد ولتاژی که مشخص می‌کند آنالیزر کدام پالس‌ها را عبور دهد.

cochlear w. = round window

oval w. در یچه بیضی

مدخلی در دیواره لایبرنتی گوش میانی که به نرده دهلیزی حلزون منتهی می‌شود و صفحه رکابی در آن قرار می‌گیرد.

round w. در یچه گرد

مدخل گردی در دیواره داخلی گوش میانی که به حلزون منتهی می‌شود و با غشای در یچه گرد پوشیده شده است.

vestibular w. = oval window

windscreen

بادگیر

پوششی که دور میکروفن قرار داده می‌شود تا از نویز ناشی از باد بکاهد.

Wing's symbol

نماد وینگ

[G. Wing, مربی ناشنویان آمریکا، ۱۸۸۳]. روشی برای استفاده سخت‌شنوایان، بر مبنای نمادهایی (عمدتاً اعداد و حروف) که نقش بخش‌های مختلف گفتار را در یک جمله نشان می‌دهند. این نمادها روی واژه، عبارت یا جمله قرار می‌گیرند تا به جای توضیح بخش‌های گفتار شکل، نقش و وضعیت بخش‌های جمله را نشان دهند. به طور مثال: اسم = ۱، ضمائر ملکی = ۲، مفعول = ۰.

WIPI → word intelligibility by picture identification

within functional limits (WFL)

در محدوده عملکرد

within normal limits (WNL)

در محدوده طبیعی

WNL → within normal limits

word, monosyllabic واژه تک‌هجایی

word deafness

به deafness مراجعه کنید.

word discrimination

word discrimination = word recognition

word intelligibility = word recognition

word intelligibility by picture identification test (WIPI)

شناسایی تصویر از طریق فهم واژه آزمایش توانایی بازشناسی واژه‌های تک‌هجایی در کودکان که از پاسخ بسته اشاره به تصویر برای شناسایی واژه هدف استفاده می‌شود.

word lists فهرست واژه‌ها

Central Institute for the Deaf (CID) Auditory Test W-22 = W-22 word lists

Northwestern University Auditory Test Number 6 (NU-6) w.l.

آزمایش شنوایی دانشگاه نورث وسترن - شماره ۶

مواد ارزیابی بازشناسی واژه‌های تک‌هجایی که واژه‌ها در هر فهرست آن از نظر آوایی متوازن هستند.

phonetically balanced (PB) w.l.

فهرست واژه‌های متوازن واجی، فهرست

واژه‌های PB

فهرست واژه‌هایی که در آزمایش بازشناسی

word recognition

گفتار مورد استفاده قرار می‌گیرند. فرکانس رخداد صداها گفتاری در این فهرست با گفتار محاوره‌ای برابر است.

phonetically balanced kindergarten (PBK) w.l.

فهرست‌های واژه‌های متوازن آوایی مخصوص کودکانی‌ها

فهرست‌های واژه‌هایی که در آزمایش بازشناسی گفتار مورد استفاده قرار می‌گیرند و به نحوی طراحی شده‌اند که هم از نظر آوایی متوازن باشند و هم از واژه‌های مناسب سطح واژگان کودکان پیش‌دبستانی استفاده شده باشد.

Psycho-Acoustic Laboratory (Harvard University) phonetically balanced 50 (PAL PB50) w.l.

فهرست پنجاه واژه‌های متوازن آوایی آزمایشگاه سایکواکوستیک (دانشگاه هاروارد) یکی از اولین آزمایش‌های بازشناسی گفتار که به نحوی طراحی شده است که هر فهرست از نظر آوایی متوازن باشد.

W-22 w.l.

آزمایش بازشناسی گفتار که در مؤسسه مرکزی ناشنوایان ساخته شده است و شامل چهار فهرست ۵۰ واژه‌ای تک‌هجایی است. مترادف: CID Auditory Test W-22

word recognition بازشناسی واژه
بازشناختن یا تعیین واژه از طریق تکرار،

word recognition score (WRS)

WRS

نوشتن آن یا اشاره کردن به شیء یا تصویر.
 مترادف: word discrimination, word
 intelligibility

word recognition score (WRS)

امتیاز بازشناسی واژه
 درصد واژه‌هایی که درست شناسایی شده‌اند.

word recognition test

آزمایش بازشناسی واژه
 اندازه‌گیری ادیومتری یک گفتار برای ارزیابی
 توانایی شناسایی واژه‌های تک‌هجایی که
 معمولاً در سکوت ارائه می‌شوند.

WRS → word-recognition score

X

X → reactance

X-linked hearing loss

به hearing loss مراجعه کنید.

X-linked inheritance X

وراثت وابسته به **X** هر صفت ژنتیکی وابسته به کروموزوم **X**. انتقال این صفت از طریق مادر، ۵۰٪ پسران مبتلا و ۵۰٪ دختران را ناقل خواهد کرد. اما از طریق پدر به ۱۰۰٪ دختران منتقل خواهد شد.

x-ray اشعه ایکس

اشعه الکترومغناطیسی با طول موج بسیار کوتاه.

x-ray irradiation injury

صدمه ناشی از تابش اشعه ایکس
آتروفی لاپیرنت غشایی به ویژه رباطهای

مارپیچی و حلقوی متعاقب تابش اشعه ایکس که به کاهش شنوایی حسی عصبی دیرآغاز و پیشرونده منجر می شود.

x-y recorder ثبات **x-y**

وسیله نمایش نمودار که رابطه بین دو متغیر را روی محورهای **x** و **y** نشان می دهد.

xanthoma گزانتوم

تومور بافت نرم که متشکل از سلول های کفی پر از چربی، (این سلول ها هیستوسیت های هستند که در سیتوپلاسم آن ها ماده چربی وجود دارد) است و ممکن است در هر قسمتی از استخوان گیجگاهی همراه با اختلال سوخت و ساز یا عفونت گوش ایجاد شود.

XO syndrome

به syndrome مراجعه کنید.

The first part of the paper
 is devoted to the study of
 the properties of the
 function $f(x)$ defined by
 the equation

$$f(x) = \int_0^x f(t) dt + x^2$$
 It is shown that $f(x)$ is
 a polynomial of degree 2
 and that its coefficients
 are determined by the
 initial conditions $f(0) = 0$
 and $f'(0) = 1$.

In the second part of the
 paper, we consider the
 problem of finding the
 maximum value of the
 function $f(x)$ on the
 interval $[0, 1]$. It is
 shown that the maximum
 value is attained at $x = 1$
 and is equal to $f(1) = 1/2$.

The third part of the
 paper is devoted to the
 study of the properties
 of the function $f(x)$ on
 the interval $[0, \infty)$. It
 is shown that $f(x)$ is
 increasing and concave
 down on this interval.

Finally, we consider the
 problem of finding the
 minimum value of the
 function $f(x)$ on the
 interval $[0, \infty)$. It is
 shown that the minimum
 value is attained at $x = 0$
 and is equal to $f(0) = 0$.



Y → admittance

yes-no audiometry

به audiometry مراجعه کنید.

Y cord hearing aid

به hearing aid مراجعه کنید.

Z

Z → impedance

zero amplitude به amplitude مراجعه کنید.

zero hearing level سطح صفر شنوایی
سطح فشار صوتی مورد نیاز برای به‌زحمت شنیده شدن فرکانس در گوش طبیعی.

Zeta noise blocker سد نویز زتا
دستورالعمل اولیه پردازش دیجیتال محرک برای کاهش نویز که در آن محرک‌ها از نظر مشخصه‌های زمانی تفکیک می‌شوند. باندهای فرکانسی که ثابت زمانی طولانی‌تری دارند نویز فرض شده و کاهش می‌یابند.

zona arcuata بخش قوسی
بخش داخلی غشای پایه با یک لایه فیبری که از سلول‌های مویی داخلی (از داخل) تا ستون‌های خارجی (از خارج) امتداد یافته است.

zona pectinata بخش شانه‌ای
بخشی از غشای پایه با دو لایه فیبری که از ستون‌های خارجی تا نوک داخلی رباط مارپیچی امتداد دارد.

Zwislocki coupler = Zwislocki ear simulator

Zwislocki ear simulator شبیه‌ساز گوش زویسلوکی
محفظه استوانه‌ای با دیواره‌های سخت که گوشی مینیا توری (رسیور) سمعک را به میکروفن صداسنج مرتبط می‌کند. امپدانس صوتی آن در محدوده فرکانس‌ها بیشتر از چفتگر (کوپلر) ۲ سی‌سی مرسوم شبیه به گوش انسان است.

zygote تخم
ساولی که از ترکیب گامت‌های نر و ماده تشکیل می‌شود.



Handwritten notes in the upper left quadrant, appearing as a list of items or a short paragraph.

Handwritten notes in the middle left quadrant, continuing the list or paragraph.

Handwritten notes in the lower left quadrant, possibly concluding the list or paragraph.

Handwritten notes in the upper right quadrant, appearing as a list of items or a short paragraph.

Handwritten notes in the lower right quadrant, possibly concluding the list or paragraph.

کتابنامه

الف) منابع فارسی

- آریان پور کاشانی، م. فرهنگ پیشرو آریان پور. دوره شش جلدی. تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه. ۱۳۷۷.
- امینی، م. واژگان فیزیک. ویرایش دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۰.
- ایوبیان، م. نورواناتومی؛ کالهدشناسی دستگاه عصبی مرکزی. تهران: انتشارات حکیم. ۱۳۷۰.
- باطنی، م. فرهنگ معاصر انگلیسی فارسی. ویراست دوم. تهران: فرهنگ معاصر. ۱۳۷۹.
- حق شناس، ع. سامعی، ح. انتخابی، ن. فرهنگ معاصر هزاره. تهران: فرهنگ معاصر. ۱۳۸۱.
- حق شناس، ع. آواشناسی (فونیتیک). تهران: انتشارات آگاه. ۱۳۶۹.
- حیاتی، م. واژه‌نامه زبان‌شناسی: فارسی - آریان پور کاشانی، م. تهران: آوای نور. ۱۳۷۳.
- دانیل، و. و. اصول و روش‌های آمار زیستی. ترجمه سیدمحمد تقی آیت‌اللهی. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۶۳.
- دورلند، و. ا. ن. فرهنگ مصور پزشکی دورلند انگلیسی - فارسی. ترجمه محمد هوشمند ویژه. ویرایش دوم. تهران: مؤسسه نشر کلمه. ۱۳۷۸.
- شاخه واژه‌گزینی الکترونیک، گروه فیزیک. واژه‌نامه الکترونیک. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۰.
- صادقی، ی. خاقانی، ع. نورواناتومی. تهران: انتشارات فتحی. ۱۳۷۰.
- کاپلان، ه. سادوک، ب. واژه‌نامه جامع روانپزشکی و روانشناسی. ترجمه محمد دهگانپور، خشایار بیگی، مهرداد

- انتشارات جعفری. ۱۳۷۰.
- نوواک، پ. فرهنگ پزشکی مصور دورلند. تجدید نظر بیست و پنجم. دوره دوجلدی. ترجمه ابازر حبیبی نیا. تهران: انتشارات چهر. ۱۳۷۶.
- نیلی پور، ر. دارویی. ا. فرازی، م. هروآبادی، ث. حیاتی، ل. یادگاری، ف. فرهنگ آسیب شناسی گفتار و زبان. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. ۱۳۸۰.
- فیروزبخت. تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
- گروه ریاضی کاربردی. واژه نامه ریاضی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی شریف. ۱۳۶۵.
- محمدی، ی. تشریح سر و گردن و اعصاب مغزی: کالبدشناسی انسانی. چاپ چهارم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹.
- نراقی، م. حاجی حسینی. د. نورواناتومی. کرج:

(ب) منابع انگلیسی

- Anderson, GM. *Dorland's Illustrated Medical Dictionary*. 28th ed. Philadelphia: W. B. Saunders. 1994.
- Cummings, CW. Fredrickson, JM. Harker, LA. Krause, CJ. *Otolaryngology Head & Neck Surgery*. 2nd ed. St. Louis: Mosby. 1998.
- Delk, J.H. *Comprehensive Dictionary of Audiology*. 4th ed. Massachusetts: The Laux Company, Inc. 1983.
- Dillon, H. *Hearing Aids*. 1st ed. Turramurra: Boomrang Press, 2001.
- Hall, JW. Mueller, HG. *Audiologist's Desk Reference*, 1st ed., San Diego: Singular Publishing Group, Inc. 1997.
- Katz, J. *Handbook of Clinical Audiology*. 5th ed., Baltimore: Lippincott Williams & Wilkins. 2002.
- Kurr, AG. Gleeson, M. *Scott-Brown's Otolaryngology, Volume 1: Basic Sciences*. 6th ed. Boston: Butterworth-Heinemann. 1997.
- Martin, F. Clark, JG. *Introduction to Audiology*. 7th ed., MA, Needham: Allyn & Bacon. 2000.
- Martin, M. Summers, I. *Dictionary of Hearing*. 1st ed. London: Whurr Publishers. 1999.
- Mendel, LL. Danhauer, JLD. Singh, S. *Singular's Illustrated Dictionary of Audiology*. 1st ed. San Diego: Singular Publishing Group, Inc. 1999.
- Nicolosi, L. Harrymann. E. Kresheck, J. *Terminology of Communication Disorders: Speech-Language-Hearing*. 5th ed., Baltimore: Lippincott Williams & Wilkins. 2004 & 1996.
- Paparella, M. Shumrick, DA. *Otolaryngology*. 3rd ed. Philadelphia: W.B. Saunders. 1992.
- Roeser, R. Valente, M. Hosford-Dunn, H. *Audiology: Diagnosis*. 1st

- ed, New York: Thieme Medical Publishers, Inc. 2000.
- Sandlin, RE. *Hearing Instrument Science & Fitting Practices*. 2nd ed., Livonia: National Institute for Hearing Instruments Studies. 1996.
- Sandlin, RE. *Textbook of Hearing Aid Amplification*. 2nd ed. San Diego: Singular Publishing Group, Inc. 2000.
- Stach, BA. *Comprehensive Dictionary of Audiology*, Illustrated. 1st ed., Baltimore: Williams & Wilkins. 1997.
- Valente, M. Roeser, R. Hosford-Dunn, H. *Audiology: Treatment*. 1st ed., New York: Thieme Medical Publishers, Inc. 2000.
- Valente, M. *Hearing Aids: Standards, Options and Limitations*. 1st ed., New York: Thieme Medical Publishers, Inc. 1996.
- Valente, M. *Strategies for Selecting and Verifying Hearing Aid Fittings*. 1st ed., New York: Thieme Medical Publishers, Inc. 1994.
- Yost, WA. Nielsen, DW. *Fundamental of Hearing: An Introduction*. 2nd ed., New York: Holt-Rinehart and Winston. 1985.

فرهنگ جامع شنوایی شناسی

منصوره عادل قهرمان

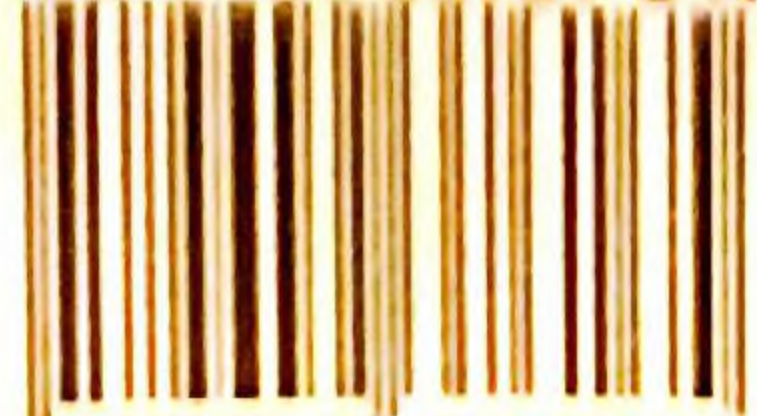
مهین صدایی

جمیله فتاحی

قاسم محمدخانی

فرهنگ جامع شنوایی شناسی

ISBN 964-93761-6-X



9789649 376165

قیمت ۵۸۰۰ تومان